

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زبور نور

مزار و یک نکته از زندگانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

محمد رضا رمزی اوحدی

فصل اول

بخش ۱

امام مهدی علیه السلام قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

- ۳۵ امام مهدی علیه السلام قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
- ۳۶ حضرت موسی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام
- ۳۶ ذکر ظهور امام مهدی علیه السلام در انجیل

بخش ۲

یاد کرد امام مهدی علیه السلام در شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله

- ۳۷ یاد کرد امام مهدی علیه السلام در شب معراج
- ۳۸ نشانه‌های آخرین
- ۳۹ اسامی نقش عرش
- ۳۹ خوشا به حال دوستداران اهل بیت علیهم السلام

بخش ۳

امام مهدی علیه السلام در قرآن کریم

- ۴۱ آیه‌ای از سوره بقره
- ۴۲ آیه‌ای از سوره آل عمران
- ۴۳ آیه‌ای از سوره نساء
- ۴۳ آیه‌ای از سوره نساء
- ۴۴ آیه‌ای از سوره انعام
- ۴۴ آیه‌ای از سوره اسراء
- ۴۴ ***
- ۴۵ آیه‌ای از سوره توبه
- ۴۶ اراده خداوندی
- ۴۶ آیه‌ای از سوره حجّ

- ۴۶ آیه‌ای از سوره اسراء
- ۴۷ آیه‌ای از سوره انبیاء
- ۴۷ آیه‌ای از سوره قصص
- ۴۸ آیه‌ای از سوره الرحمن
- ۴۸ آیه‌ای از سوره صف
- ۴۹ آیه‌ای از سوره غاشیه
- ۵۰ آیه‌ای از سوره معارج
- ۵۰ آیه‌ای از سوره عصر

بخش ۴

امام مهدی در کلام معصومین

- ۵۲ پر نورتر از خورشید آسمان
- ۵۳ خاتم الاوصیاء
- ۵۳ امام مهدی در خطبه غدیر
- ۵۴ لوحی از عرش
- ۵۴ جوانی از قریش
- ۵۴ دوازده هدایت یافته
- ۵۵ برترین‌های هستی
- ۵۵ انتظار در غیبت او واجب است
- ۵۵ صاحب الامر کیست؟
- ۵۶ ذخیره‌ای بی مانند
- ۵۶ قائم منتقم
- ۵۶ نشانه‌ای مخفی
- ۵۷ چهارمی قائم است
- ۵۷ ما چگونه‌ایم؟
- ۵۸ امروز او به دنیا آمده
- ۵۸ او بقیة الله است
- ۵۸ به دیدارش امیدواریم
- ۵۹ چرا او قائم است
- ۶۰ مهدی موعود

بخش ۵

امام مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت

۶۱	راویان احادیث امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۱	کتبی که در نزدیکی ولادت امام مهدی <small>علیه السلام</small> نوشته شده است
۶۲	خلف صالح
۶۳	حیات نورانی
۶۳	امام مهدی <small>علیه السلام</small> در کتب تفسیری اهل سنت
۶۴	نکته‌های مشترک
۶۵	شاهد مثال
۶۵	خبری واضح و غیرقابل انکار
۶۶	خبری قبل از تولد امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۷	شش هزار خبر نورانی
۶۷	نقلی تاریخی
۶۷	گفتاری صحیح
۶۹	بهترین اصحاب نقل حدیث کرده‌اند
۶۹	معرفی کتب و منابع اهل سنت
۷۰	نوری برتر
۷۰	انکار نبوت همه انبیاء
۷۰	اجرای همه احکام اسلام
۷۱	دورنمای کلی موضوع
۷۱	آمار و فهرست عددی روایات درباره امام مهدی <small>علیه السلام</small>

بخش ۶

تولد امام مهدی علیه السلام

۷۴	عامل دلگرمی شیعیان
۷۵	متن نامه متوکل
۷۵	بسم الله الرحمن الرحيم
۷۶	سرّی پنهان
۷۶	تولد اسرارآمیز
۷۷	شرحی کوتاه از زندگی مادر امام مهدی <small>علیه السلام</small>

۷۹	در کنار فرات
۸۱	وصلت با برکت
۸۲	شب چهاردهم
۸۳	شب فراق پایان یافت
۸۵	رحلت مادر امام عصر <small>علیه السلام</small> و غفلتی بزرگ
۸۵	پرستار میدان جنگ
۸۶	نور بی پایان رسید
۸۷	منجمین چه گفتند
۸۷	تولد او را این چنین منتشر کرد
۸۸	قابله غریبه
۸۸	چهل مؤمن شاهد
۸۹	تکلم فی المهد
۸۹	به مَحْرمان و دوستان ما این خبر را بگو
۹۰	منکران ملحد
۹۰	فریادرس اوست
۹۱	راه بهشت پیدا شد

فصل دوم

بخش ۱

شباهت امام مهدی علیه السلام با انبیاء امامان علیهم السلام

۹۵	امام مهدی <small>علیه السلام</small> و انبیاء الهی
۹۶	شباهت‌های حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> با پیامبران و امامان <small>علیهم السلام</small>
۱۰۳	شباهت‌های امام زمان <small>علیه السلام</small> به قرآن
۱۰۴	منجی نهائی در کتب ادیان و مذاهب دیگر
۱۰۴	اعتقاد به مهدی موعود <small>علیه السلام</small> در منابع اسلامی (شعرای اسلامی)

بخش ۲

آثار معنوی دعا برای فرج امام مهدی علیه السلام و ضرورت آن

۱۰۷	دعاء برای فرج و ظهور امام مهدی <small>علیه السلام</small>
-----	---

۱۱۰	چه زمانی برای امام زمان <small>علیه السلام</small> باید دعا کرد
۱۱۲	روایاتی در تأکید بر انجام دعاء
۱۱۲	سهم ما در زمینه‌سازی ظهور
۱۱۳	غفلت ما غیبت آورده است
۱۱۳	هم دل با او باش
۱۱۳	دستور رسیده تا دعا کنم
۱۱۴	منتظران واقعی
۱۱۴	راستگو معلوم شد
۱۱۵	منتظران واقعی
۱۱۵	به قدر یک دعا دارای سهم باشیم

بخش ۳

دلایل غیبت امام عصر علیه السلام

۱۱۶	علت اول: ۳۱۳ نفر نیستند
۱۱۶	علت دوم: یاران جانفشان
۱۱۷	علت سوم: امتحان الهی
۱۱۸	علت چهارم: سرّی بزرگ
۱۱۸	علت پنجم: نبود یاران واقعی
۱۱۹	علت ششم: نبود طرفداران حق
۱۲۰	علت هفتم: امکان ظهور وجود نداشت
۱۲۰	علت هشتم: حامیان دین خدا نیستند
۱۲۰	علت نهم: اعمال و کردار ما باعث غیبت شده است
۱۲۱	علت دهم: تباہ کردید

بخش ۴

غیبت صغری و کبری امام عصر علیه السلام

۱۲۲	شهادت امام عسگری <small>علیه السلام</small>
۱۲۳	آغاز غیبت صغری
۱۲۴	امانت به اهل آن رد شد

۱۲۵	صبر داشته باش
۱۲۶	مال دیگران را بپرداز
۱۲۶	فرماندار قم در محضر امام عصر
۱۲۷	مدعیان دروغین
۱۲۸	نائبان زمان غیبت صغری
۱۲۹	شناخت یاران: (نائب اول)
۱۳۰	«انا لله وانا اليه راجعون»
۱۳۰	تبعیت و وحدت
۱۳۱	نائب دوم
۱۳۱	داستانی از نائب دوم امام عصر
۱۳۲	داستان دوم
۱۳۳	نائب سوم
۱۳۳	داستانی عجیب از نائب سوم امام عصر
۱۳۴	چهارمین و آخرین نائب در عصر غیبت صغری
۱۳۵	نامه آخر به نائب آخر
۱۳۵	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۳۶	آغاز غیبت کبری
۱۳۶	سفیران دروغین
۱۳۷	روایتی در باب غیبت کبری

بخش ۵

سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت امام زمان

۱۳۸	زاممداری علماء خداترس
۱۳۹	حیات بشری با حجت خدا
۱۳۹	وکلائی امامان در تمام دورانها بوده اند
۱۴۰	شاهد مثال و دلیل اول
۱۴۳	داستان دوم
۱۴۵	داستان سوم
۱۴۶	و مثالهایی دیگر

فصل سوم

بخش ۱

مشخصات چهره و قامت نورانی امام مهدی علیه السلام

- گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره چهره نورانی امام مهدی علیه السلام ۱۵۱
- سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۵۲
- سخنان امام باقر علیه السلام درباره چهره نورانی امام مهدی علیه السلام ۱۵۳
- گفتار امام صادق علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام ۱۵۳
- سخنان امام رضا علیه السلام درباره امام مهدی علیه السلام ۱۵۴
- چهره نورانی امام مهدی علیه السلام در روایات و کتب اهل سنت ۱۵۴
- چهره نورانی امام مهدی علیه السلام در کتب شیعه ۱۵۵
- چه قد و قامتی، قیامت است ۱۵۷

بخش ۲

فضیلت انتظار در عصر غیبت و روایات مربوط به آن

- منتظران واقعی همراهان اهل بیتند ۱۵۸
- امام علی علیه السلام مشتاق اوست ۱۵۹
- آرامشی وجود ندارد ۱۶۰
- انتظار، امتحان است ۱۶۰
- دین‌داری مؤمن در آخرالزمان ۱۶۱
- انتظار او را داشتن، واجب است ۱۶۱

بخش ۳

پاداش معنوی منتظران

- جایگاه منتظران ۱۶۳
- به روحی از خدا تأیید شده‌اند ۱۶۳
- عملی ویژه و بی‌نظیر ۱۶۴
- جهادی ممتاز و استثنایی ۱۶۴

- روزه‌دار خالص در عصر غیبت کبری ۱۶۴
- راه نجات بخش در آخرالزمان ۱۶۴
- اتحاد روحی و معنوی با امامان علیهم‌السلام ۱۶۵
- اجر معنوی منتظرین امام مهدی علیه‌السلام ثواب ۱۰۰۰ شهید است ۱۶۵
- برترین مردم دوران‌ها ۱۶۵
- وجودی سراسر نور ۱۶۶
- عده‌ای گمراه می‌شوند به خاطر غیبت طولانی ۱۶۶
- معیار زندگی و راه قبولی اعمال ۱۶۷
- غیبت غفلت نیاورد ۱۶۸
- عجیب‌ترین مردم ۱۶۸

بخش ۴

طول عمر امام مهدی علیه‌السلام و محل زندگی امام

- عمر با برکت امام عصر در روایات ۱۶۹
- نظری سترگ ۱۷۰
- نظر شریف مرحوم علامه طباطبائی ۱۷۱
- طول عمر امام در منابع اهل سنت ۱۷۱
- دلیلی قرآنی برای طول عمر ۱۷۲
- طول عمر با فرمول مثلث تغذیه یک روش شدنی است ۱۷۳
- محل زندگی امام مهدی علیه‌السلام ۱۷۴
- خواص از محل زندگی امام اطلاع دارند ۱۷۴
- یکی از محل‌های سکونت و زندگی امام عصر علیه‌السلام ۱۷۵
- محل زندگی، نقطه ظهور ۱۷۵
- کوه طوی آخرین محل استقرار ۱۷۶
- مدینه منوره یکی از منازل ۱۷۶
- محرمان حریم یار بی‌اطلاع نیستند ۱۷۷
- روایتی دیگر بر محل زندگی امام ۱۷۷
- بیت الحمد ۱۷۸
- روایاتی که محل مشخصی برای سکونت امام معرفی نمی‌کند ۱۷۹
- زندگی امام عصر علیه‌السلام به سه شکل ۱۸۰

بخش ۵

شرائط تشرّف یافتگان

- ۱۸۱ نکاتی مهم در آداب دیدار
- ۱۸۲ ادب‌ورزی اصل عشق‌ورزی
- ۱۸۳ رابطه عاشق و معشوق
- ۱۸۴ روحی واحد در دو جسم
- ۱۸۴ تشرّف عارف بزرگ آیت‌الله سیدعلی آقا قاضی
- ۱۸۵ اطاعت از فرامین امام اصلی مهم
- ۱۸۵ سه نوع دیدار ممکن است
- ۱۸۵ تلاش عاشقانه
- ۱۸۶ پیامی دلگرم کننده برای مشتاقان دیدار امام
- ۱۸۷ جنت لقاء
- ۱۸۷ امری شدنی
- ۱۸۸ پایمردی و پاکی
- ۱۸۸ راه به سوی او
- ۱۹۰ تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام در منابع اهل سنت
- ۱۹۱ گفتاری بلند از حکیمان معاصر
- ۱۹۱ آئینه شو جمال پری طلعتان طلب
- ۱۹۲ روش رشد
- ۱۹۲ شناخت، دلیل شهود
- ۱۹۳ ترک معاصی و انجام واجبات
- ۱۹۳ امان از حق الناس
- ۱۹۴ حرفی بزرگ برای قلب‌های مشتاق
- ۱۹۵ امتیازی ممتاز
- ۱۹۶ گفت مشق نام لیلی می‌کنم
- ۱۹۷ ختم قرآن به نیابت
- ۱۹۷ عشق می‌خواهد
- ۱۹۸ چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی
- ۱۹۸ زمزمه و زاری
- ۲۰۱ سوز و ساز عاشقان
- ۲۰۱ محبتی وثیق و وسیع
- ۲۰۲ راه‌های رسیدن به امام عصر علیه السلام در آخرالزمان

- ۲۰۳ پاسخ به سؤالی مهم
- ۲۰۵ ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام در دوران غیبت کبری
- ۲۰۶ منعی برای تشریف نیست
- ۲۰۷ «بزرگترین دلیل»
- ۲۰۷ اشتیاق دیدار
- ۲۰۸ عنایتی به اهل سنت
- ۲۰۹ ملاقات با امام عصر علیه السلام امکان دارد؟
- ۲۱۰ «آیا ملاقات با حضرت صاحب الزمان امکان دارد یا نه؟»
- ۲۱۱ دستورات و پیام‌های عبادی امام عصر علیه السلام به شیعیان
- ۲۱۱ نماز اول وقت یادت نرود
- ۲۱۲ تشریف حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی «ره»
- ۲۱۴ دعای ندبه و روضه عمه‌ام
- ۲۱۴ ملامحمدتقی مجلسی «ره» و سؤالی بزرگ
- ۲۱۶ نگویند شما آقا ندارید
- ۲۱۷ سیدبن طاووس کیست؟
- ۲۱۸ خوابی به روشنی بیداری
- ۲۲۰ زلال بی‌زوال
- ۲۲۱ عین‌الحیاء
- ۲۲۲ دستورالعمل نورانی از امام عصر علیه السلام
- ۲۲۳ تشریفی بی‌مانند و عجیب
- ۲۳۰ او منصوب می‌نماید
- ۲۳۱ چگونه او پس قرنی شد
- ۲۳۲ دلسوزی بی‌همتا
- ۲۳۳ دعای شریف علوی مصری
- ۲۳۵ چگونه توفیق تشریف را پیدا کنیم
- ۲۳۶ دوست دارم شما را ببینم
- ۲۳۶ ماه آسمان دلدادگی
- ۲۳۷ امام رضا علیه السلام دعا فرموده‌اند
- ۲۳۷ راه هموار وصال
- ۲۳۸ دیدار جمعی
- ۲۳۸ آئینه شو
- ۲۳۹ دعا کلید وصال

بخش ۶

امکان دیدار امام مهدی عج و اذکار تشریف

۲۴۳ خواندن سوره بنی اسرائیل
۲۴۳ صلوات بعد از نماز
۲۴۳ مناجات و دعا
۲۴۴ زیارت آل یاسین
۲۴۴ دعای دیدن امام زمان <small>عج</small>
۲۴۶ هر شب ۱۰۰ بار آیه
۲۴۷ خواندن مسبحات سبع
۲۴۷ خواندن دعای عهد
۲۴۸ توسلی جامع برای رفع مشکلات
۲۵۰ انجام اعمال نیابتی
۲۵۲ دعای مجرب
۲۵۲ ختمی مجرب برای دیدن امام عصر <small>عج</small>
۲۵۳ هزار صلوات و ...
۲۵۳ مسجد جمکران
۲۵۴ خبر غیبی امام علی <small>ع</small> از مسجد جمکران
۲۵۵ اثرات و نورانیت زیارت عاشورا
۲۵۵ دستور مرحوم آیت الله سیدعلی آقا قاضی
۲۵۵ آیه نور
۲۵۶ یک اربعین خالصانه
۲۵۶ توسل، صراط صعود
۲۵۷ تضرع و دعا
۲۵۸ تشرّف آیت الله سید محمد باقر سیستانی <small>عج</small> با ۴۰ زیارت عاشورا
۲۵۹ تشرّف با ۴۰ مرتبه زیارت حضرت سیدالشهدا در شب جمعه
۲۶۱ توسل به حضرت ابوالفضل <small>ع</small>
۲۶۱ مطالب جامع
۲۶۲ اصلاح نفس
۲۶۲ مسجد جمکران
۲۶۲ راه وصول
۲۶۳ ۴۰ شب رفتن به مسجد سهله
۲۶۵ دعای دیدار

محل دیدار ۲۶۶

خواندن نماز در داخل کعبه ۲۶۶

شعر حضور ۲۶۷

ذکر یا حجة القائم ۲۶۷

رمز ملاقات با امام عصر ۲۶۸

بخش ۷

ضرورت شناخت امام زمان و وظایف شیعیان

۲۵ مورد از وظایف شیعیان نسبت به امام طبق روایات ۲۶۹

اخبار مربوط به امام عصر را منتشر کرده و به هم برسانید ۲۷۳

تبلیغ برای امام عصر ۲۷۳

بخش ۸

توقیعات امام مهدی

توقیعات صادره از حضرت امام زمان ۲۷۵

توقیع حضرت ولی عصر به اسحاق بن یعقوب ۲۷۶

ارزشی استثنائی ۲۷۸

نامه‌ای به شیخ بزرگ مفید ۲۷۹

نامه محمد بن عبدالله جعفر حمیری به پیشگاه انوار امام عصر ۲۸۲

توقیع مبارک امام عصر به جمعی از شیعیان ۲۸۲

درباره ادعاهای جعفر کذاب ۲۸۴

ادعاهای بی‌ربط و کذب ۲۸۵

سوالات فقهی و شرعی ۲۸۶

فرمان مبارک امام به مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی ۲۸۷

نامه و توقیع دوم ۲۸۸

دستور مکتوب حضرت آیت‌الله بهجت «ره» - برای جمع‌آوری و تدوین تشرفات ۲۸۸

فصل چهارم

بخش ۱

نشانه‌های دنیای قبل از ظهور (آخرالزمان)

۲۹۳	وضعیت مردم و جامعه در آخرالزمان
۲۹۵	وصف دوره آخرالزمان
۲۹۵	رفتار و کردار مردم آخرالزمان
۲۹۹	شروع آخرالزمان
۳۰۰	نکته
۳۰۰	خروج دجال و رابطه آن با آخرالزمان
۳۰۲	زکات ندهند
۳۰۲	باطنی سیاه، ظاهری زیبا
۳۰۳	رفتارشناسی مردم در آخرالزمان
۳۰۶	زنانشان قبله آن‌ها هستند
۳۰۷	اسم و رسم در آخرالزمان
۳۰۹	دلیل جنگ با امام زمان (عج)
۳۱۰	علت قیام مردم بر علیه امام عصر (عج)
۳۱۱	مخالفین امام عصر (عج) تنها کفار نیستند!
۳۱۲	بدون جنگ، کار سامان نمی‌گیرد
۳۱۳	چگونه از بلاهای آخرالزمان رهایی یابیم؟
۳۱۵	نکته

بخش ۲

اتفاقات در کشورهای خاورمیانه قبل از ظهور امام مهدی (عج)

۳۱۶	وضعیت ایران و همسایگان قبل از ظهور
۳۱۸	انقلاب ایران و ...
۳۱۹	عراق قبل از ظهور امام عصر (عج)
۳۲۰	بصره قبل از ظهور امام عصر (عج)
۳۲۴	شهر بغداد قبل از ظهور امام عصر (عج)

- ۳۲۵ آتشی از آسمان برای بغداد و بصره
- ۳۲۶ نتیجه حمله به عراق
- ۳۲۶ فرعون عراق
- ۳۲۷ مسجد براتا
- ۳۲۸ جنگ‌های خونین
- ۳۲۸ جبار آخرالزمان در عراق
- ۳۲۹ زوراء و عاقبت آن
- ۳۳۰ نشانه‌های ظهور در عراق در کلام امام هفتم علیه السلام
- ۳۳۲ شام قبل از ظهور
- ۳۳۲ فلسطین در آخرالزمان
- ۳۳۳ خراب شدن مسجد اموی در دمشق
- ۳۳۴ لبنان در آخرالزمان
- ۳۳۴ آزادی بیت المقدس
- ۳۳۵ شکست و اضمحلال اسرائیل
- ۳۳۵ قیام مردم بحرین
- ۳۳۶ افغانستان در کلام امام علی علیه السلام

بخش ۳

علائم ظهور

- ۳۳۸ توضیحی در باب علائم ظهور
- ۳۳۹ نشانه‌های نزدیک به ظهور
- ۳۳۹ نشانه‌های غیر طبیعی
- ۳۴۰ لسان کنایه در علائم ظهور
- ۳۴۱ خروج سفیانی؟
- ۳۴۱ نکته
- ۳۴۲ زمان خروج سفیانی و شعاع فعالیت و حرکت او
- ۳۴۳ سفیانی نشانه حتمی ظهور
- ۳۴۳ زمان خروج سفیانی
- ۳۴۳ جنگ‌های سفیانی
- ۳۴۳ سفیانی در مسجد دمشق
- ۳۴۴ عملیات سفیانی در مدینه
- ۳۴۵ وظیفه شیعیان در هنگام خروج سفیانی

۳۴۵	چهره سفیانی
۳۴۶	۳ پرچم در شام
۳۴۶	سفیانی در کوفه
۳۴۷	عاقبت سفیانی
۳۴۷	حادثه در سرزمین بیداء
۳۴۸	خروج خراسانی از علائم حتمی است
۳۴۸	نکته
۳۴۸	زمان خروج خراسانی
۳۴۸	بیعت با خراسانی
۳۴۹	خراسانی‌های متعدد
۳۴۹	اصحاب خراسانی و دایره فعالیت آن‌ها
۳۵۰	خروج دجال
۳۵۰	دجال در کلام امام علی <small>علیه السلام</small>
۳۵۲	محل خروج دجال
۳۵۲	فتح قسطنطنیه در ۷ ماه
۳۵۳	اتفاقات استثنایی ماه رجب در قبل از ظهور
۳۵۳	دستی که در آسمان دیده می‌شود
۳۵۳	باران ۴۰ روزه
۳۵۴	پنج نشانه
۳۵۴	ندای رحمت از آسمان در ماه رجب
۳۵۵	خسوف در شب چهاردهم رجب
۳۵۶	اتفاقات استثنایی ماه رمضان در قبل از ظهور
۳۵۶	وحشت در ماه رمضان
۳۵۷	خسوف و کسوف در ماه رمضان
۳۵۷	صدای جبرئیل و شیطان در ماه رمضان
۳۵۸	کلام آسمانی در رمضان درباره چیست؟
۳۵۹	زمان صیحه آسمانی در رمضان
۳۵۹	رستگاری شیعیان علی <small>علیه السلام</small> در کلام جبرئیل
۳۶۰	اصحاب کهف جزء باران امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۰	وظیفه مؤمنین در صیحه آسمانی ماه رمضان
۳۶۰	علامتی ویژه در ماه رمضان
۳۶۱	کسوف خورشید در ماه رمضان
۳۶۱	علائم ظهور در ماه ذی‌الحجه
۳۶۲	آخرین علامت ظهور امام عصر <small>علیه السلام</small>

- ۳۶۲ علائم سمائی (فضائی)
 ۳۶۳ بروز صاعقه در آسمان
 ۳۶۳ ستاره‌ای درخشان در آسمان
 ۳۶۴ علائم جغرافیائی (آب و هوائی)
 ۳۶۴ سایر علامات ظهور
 ۳۶۵ اتفاقات جغرافیائی قبل از ظهور
 ۳۶۶ وضعیت مسجد کوفه
 ۳۶۶ نبرد در منطقه قرقیسیا
 ۳۶۶ کشتاری بی‌مانند در قرقیسیا
 ۳۶۷ مرکز درگیری‌ها قبل از ظهور قرقیسیا است
 ۳۶۷ ۵ دریا تصرف شود
 ۳۶۸ گنجی از طلا در فرات
 ۳۶۸ اتفاقات و علائم اجتماعی و سیاسی قبل از ظهور
 ۳۶۹ سنگ داغی بر کف دست
 ۳۷۱ کشتار بیبوح
 ۳۷۱ ظهور چه زمانی خواهد بود
 ۳۷۲ بدترین زمان‌ها
 ۳۷۲ علائم سیاسی
 ۳۷۳ نکته
 ۳۷۳ از صفر تا صفر سال بعد
 ۳۷۳ خروج رضاشاه قلدر
 ۳۷۴ کشتاری وسیع
 ۳۷۴ اختلاف و تفرقه
 ۳۷۵ نشانه‌ای که اتفاق افتاده است
 ۳۷۵ سایر علائم وارده در روایات مربوطه به ظهور

بخش ۴

مکان و ظهور امام مهدی

- ۳۸۰ منکر ظهور کافر است
 ۳۸۱ وقت ظهور معلوم نیست
 ۳۸۲ عید اسعد
 ۳۸۲ جمعه روز ظهور

۳۸۳	عاشورای ظهور
۳۸۳	عاشورا در اقوام و ملل گذشته
۳۸۴	سال‌های فرد
۳۸۴	۱۵ شب آخر
۳۸۴	امام زمان <small>علیه السلام</small> از وقت ظهور خود چگونه مطلع می‌شود
۳۸۵	یکی از دلایل ظهور
۳۸۵	حرکت نفس زکیه به سوی مسجدالحرام
۳۸۶	آخرین نشانه‌های قیام امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۸۸	دو شب قبل از ظهور امام در مکه

بخش ۵

وقایع ظهور در مسجدالحرام

۳۸۹	عهدنامه‌ای عرشی
۳۹۰	حرکت به سوی کعبه
۳۹۰	دست بوس امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۹۱	مضطر امت
۳۹۲	فراخوانی یاران
۳۹۲	کلام امام در کنار حجرالاسود
۳۹۳	عصای امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۹۳	اولین گفتار امام عصر <small>علیه السلام</small> پس از ظهور در کنار کعبه
۳۹۴	امام عصر <small>علیه السلام</small> مظلوم است
۳۹۵	اولین شب ظهور
۳۹۵	حجرالاسود رکن امام مهدی <small>علیه السلام</small> است
۳۹۶	بیعت با امام عصر <small>علیه السلام</small>
۳۹۶	۲۷ نفر از گذشتگان می‌آیند

بخش ۶

هشت ماه نبرد امام عصر علیه السلام بعد از ظهور تا استقرار حکومت

۳۹۷	شیوه رفتار امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۹۸	هشت ماه می‌جنگد

- ۳۹۸ جنگی خونین و بی‌امان
- ۳۹۹ اولین برنامه اقامه و احیای نماز
- ۳۹۹ سیره قائم علیه السلام
- ۳۹۹ هشت ماه پر آشوب
- ۴۰۰ هشت ماه جنگ تا استقرار حق
- ۴۰۰ نبرد امام عصر علیه السلام در کوفه
- ۴۰۱ امری جدید
- ۴۰۱ منتقم خون حسین علیه السلام
- ۴۰۱ گروه تبریه
- ۴۰۲ اصل تولا و تبری در قیام امام عصر علیه السلام
- ۴۰۳ نقش پرچم لشکریان امام زمان علیه السلام
- ۴۰۳ پیراهن نبرد
- ۴۰۴ آغاز حرکت امام مهدی علیه السلام از مکه
- ۴۰۵ پرچم فتح
- ۴۰۵ بیعت سیدحسنی با امام مهدی علیه السلام و نبرد با گروه زیدیه
- ۴۰۶ ۱۷۰ معجزه
- ۴۰۷ شعیب بن صالح
- ۴۰۷ عملیات نیروهای امام مهدی علیه السلام در اطراف جهان
- ۴۰۷ حرکت به سوی چین و ...
- ۴۰۷ فاتحان بر روی آب راه می‌روند
- ۴۰۸ حرکت به سوی قدس
- ۴۰۸ سر بردن سفیانی
- ۴۰۹ جنگ امام در سرزمین بیداء
- ۴۰۹ جنگ چهل روزه با دجال
- ۴۱۰ نبرد سفیانی با شعیب بن صالح
- ۴۱۱ فتح قدس
- ۴۱۱ نزول حضرت عیسی علیه السلام در روز جمعه در شهر قدس
- ۴۱۲ وزیر امین امام عصر علیه السلام
- ۴۱۲ امام مهدی علیه السلام در کنار شهر انطاکیه
- ۴۱۳ امام عصر علیه السلام در نجف
- ۴۱۳ امام مهدی علیه السلام در کوفه و نجف و کربلا
- ۴۱۴ نبرد با رومیان با تابوت سکینه
- ۴۱۵ قائم برای کیفر مبعوث می‌شود

۴۱۵	امام عصر <small>علیه السلام</small> در راه یمن
۴۱۶	گل زهرا در میان آتش
۴۱۶	سخن گفتن استخوان مرده
۴۱۷	قطعه ابری بر سر مبارک امام
۴۱۷	سیر در عالم امکان
۴۱۷	تشکیل حکومتی واحد

بخش ۷

استقرار و نحوه حکومت امام مهدی علیه السلام دنیای بعد از ظهور

۴۱۸	اصل کتاب زندگی بشریت بعد از ظهور است
۴۱۹	کوفه محل استقرار حکومت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۱۹	کوفه پایتخت دائمی و همیشگی
۴۲۰	برپائی راه هدایت
۴۲۰	قضاوت قائم <small>علیه السلام</small>
۴۲۲	مهربان بخشنده
۴۲۲	مدت حکومت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۴۲۳	بسط زمان در حکومت امام
۴۲۴	انتقام منتقم
۴۲۶	محاكمه علنی
۴۲۶	توسعه علم در حکومت امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۲۷	نکته
۴۲۷	استقرار عدالت در جهان
۴۲۸	امام مهدی <small>علیه السلام</small> در مصر
۴۲۸	حمله‌های دریائی یاران امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۲۸	دین فراگیر در جهان
۴۲۹	خداوند به او امر کرده...
۴۲۹	اثر رحمت نازل شده
۴۳۰	قوت یاران امام
۴۳۰	دین اسلام در همه جای جهان
۴۳۰	حرکات اصلاحی امام مهدی <small>علیه السلام</small> در مسجدالحرام
۴۳۱	قتل شیطان در کوفه
۴۳۲	رحلت حضرت عیسی <small>علیه السلام</small>

- ۴۳۲ عذاب مانع زکات
- ۴۳۲ چهل سال لعن بنی امیه
- ۴۳۳ استخراج گنج‌های علمی
- ۴۳۳ ثروت اصحاب رس
- ۴۳۳ ثروت منطقه ارم
- ۴۳۴ آسایش و امنیت و عدالت مطلق
- ۴۳۵ آموزش قرآن توسط ایرانیان
- ۴۳۵ آرامشی فراگیر
- ۴۳۶ عدالتی بی‌سابقه
- ۴۳۶ قوانین اجتماعی و تردد در جامعه
- ۴۳۶ طلوع نور رشد دهنده بشریت
- ۴۳۷ مهدی شمع جمع بشریت
- ۴۳۷ ظاهر شدن اجنه‌ها در حکومت امام
- ۴۳۷ شهادت امام مهدی
- ۴۳۸ امام حسین با ۷۲ تن از یارانش می‌آید

بخش ۸

رجعت

- ۴۳۹ رجعت در قرآن و احادیث
- ۴۴۰ رجعت در سوره آل عمران
- ۴۴۰ رجعت امام حسین
- ۴۴۰ رجعت در سوره سبا
- ۴۴۱ قیامت با رجعت جداست
- ۴۴۲ رجعت در سوره قصص
- ۴۴۲ رجعت در سوره توبه
- ۴۴۲ رجعت در سوره نمل
- ۴۴۳ رجعت همگانی نیست
- ۴۴۴ باران احیاء کننده
- ۴۴۴ رجعت در سوره ابراهیم

فصل پنجم

بخش ۱

چگونگی ونحوه عرض ادب به امام عصر علیه السلام

۴۴۹ امام حاضر و ناظر
۴۵۰ رمزی بزرگ برای عاشقان امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۵۰ علت دست بر سر نهادن در موقع ذکر نام امام
۴۵۱ فراموشی مده
۴۵۱ امام رضا <small>علیه السلام</small> برخواست و دست بر سر نهاد
۴۵۱ ادب ورزی امام خمینی <small>علیه السلام</small>
۴۵۲ ایام و ساعاتی که به امام عصر <small>علیه السلام</small> تعلق دارد

بخش ۲

خانواده امام مهدی علیه السلام

۴۵۴ متن دعای علوی مصری تأییدی بر وجود خانواده برای امام
۴۵۴ ازدواج امام
۴۵۴ وقف امیرمؤمنان <small>علیه السلام</small>
۴۵۶ در این دعا به خانواده داشتن امام عصر اشاره شده

بخش ۳

سی نفر یاران مخصوص در زمان غیبت کبری

۴۵۹ در هر زمان سی نفر
۴۵۹ هم دلان شفیق
۴۵۹ همراه و هم قدم و هم راز امام
۴۶۰ دیداری مخصوص
۴۶۱ دل بسته یار خویشان باش
۴۶۳ توفیق حضور در جمع خادمان امام عصر <small>علیه السلام</small> حاصل شد
۴۶۶ نمایندگان امام عصر <small>علیه السلام</small> در زمین

- ۴۷۰ دعا کنید
- ۴۷۰ صراط صعود
- ۴۷۱ سعادت استثنایی
- ۴۷۱ نکته
- ۴۷۱ ملازمان امام او را بدرقه کردند
- ۴۷۲ همدم حاضر و دائمی

بخش ۴

معرفی و صفات یار امام عصر در هنگام ظهور

- ۴۷۳ رمز و راز سیصد و سیزده و سابقه تاریخی آن
- ۴۷۴ یک شبه از راه می‌رسند
- ۴۷۵ یاران بدری
- ۴۷۵ اصحاب امام مهدی در قرآن (۳۱۳ نفر)
- ۴۷۶ در آسمان حرکت می‌کنند
- ۴۷۶ صحیفه‌ای نورانی
- ۴۷۶ امت معدوده در قرآن کیانند؟
- ۴۷۷ شمشیر برگزیده
- ۴۷۷ تلفن همراه و موبایل
- ۴۷۷ ذکر یاران امام در قرآن کریم
- ۴۷۸ آزمایش یاران
- ۴۷۸ اسم و مشخصات ۳۱۳ نفر
- ۴۸۱ یاران غیرایرانی امام عصر
- ۴۸۱ ویژگی یاران امام عصر در روایات
- ۴۸۳ گنج‌های پنهان
- ۴۸۳ مانند ابرهای پائیزی می‌آیند
- ۴۸۴ جوانمردان بی‌مثال
- ۴۸۴ وزیران ایرانی
- ۴۸۴ ۹۲ ماه حکومت قبل از ظهور
- ۴۸۵ مایه فخر زمین
- ۴۸۵ شکست هفت پرچم در مصادف با لشکریان امام
- ۴۸۶ فصل تابستان فصل ظهور امام عصر
- ۴۸۶ کلمه‌ای جامع

۴۸۷ حضور یاران امام در مکه
۴۸۸ تعهد و میثاق یاران امام زمان <small>علیه السلام</small> در باره ۴۰ نکته
۴۸۹ دل‌های موحد و پر یقین
۴۸۹ گروه مشمول رحمت خدا
۴۹۰ تابع مشیت الهی
۴۹۰ عاشق عبادت خداوند
۴۹۰ ۲۷ بار رشید
۴۹۱ مالک‌اشتر سرباز ولایت در عصر ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۹۲ دوستان با صفا
۴۹۲ چراغ‌های پر نور در زمین
۴۹۳ عاشق شهادتند
۴۹۳ نکته

بخش ۵

توسل صراط‌صعود

۴۹۴ دریای معارف در دعای علوی مصری
۴۹۵ متن دعای شریف علوی مصری
۵۱۴ حکایتی از دعای علوی
۵۱۵ تأویل کهبعض
۵۱۶ زیارت ناحیه مقدسه
۵۱۹ علاقه عرشیان به خطبه‌ای جگرسوز
۵۱۹ تشبیهی لطیف از امام زمان راجع به امام حسین <small>علیه السلام</small>
۵۲۱ توسل به غمخوار غمدیدگان
۵۲۳ در هنگام مشکلات بگو
۵۲۴ نماز امام زمان <small>علیه السلام</small> در نیمه شب جمعه
۵۲۴ نکته آخر



انتشارات سجد نون

فصل اول

بخش ۱:

امام مهدی علیه السلام قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

بخش ۲:

امام مهدی علیه السلام در شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله

بخش ۳:

امام مهدی علیه السلام در قرآن کریم

بخش ۴:

امام مهدی علیه السلام در کلام معصومین علیهم السلام

بخش ۵:

امام مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت

بخش ۶:

تولد امام مهدی علیه السلام



انتشارات سجد نون

بخش ۱

امام مهدی علیه السلام قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله



درآمد

در این فصل قبل از بیان چگونگی تولد امام مهدی علیه السلام به احادیث و روایاتی که قبل از تولد حضرت بیان شده به تفکیک اشاره و آنگاه به نحوه تولد امام پرداخته می‌شود، تا واضح شود که مسئله امام مهدی علیه السلام قبل از تولد آن عزیز و حتی قبل از بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله در بین انبیاء الهی گذشته مطرح بوده است.

۱

امام مهدی علیه السلام قبل از بعثت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

آنچه که در اینجا ذکر آن ضروری می‌باشد آنست که چند مسئله از قدیم‌الایام در بین انبیاء و ملت‌های گذشته مطرح بوده است از جمله یاد کرد امام مهدی علیه السلام، پاس داشت عید غدیر و شهادت سیدالکونین مولانا امام حسین علیه السلام است در اینجا به این موضوع اشاره‌ای کوتاه می‌نماید تا معلوم گردد که مبحث ظهور منجی نجات‌بخش حضرت امام مهدی علیه السلام در بین ادیان و انبیاء گذشته به وضوح مطرح بوده است؛ در ثانی طبق روایات خداوند متعال نور پاک ائمه اطهار علیهم السلام را حتی سال‌ها قبل از خلقت حضرت آدم علیه السلام آفریده بود.

۲

حضرت موسی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام

- امام باقر علیه السلام می فرماید: موسی بن عمران نظری کرد و در نگاه اول آنچه را که به قائم آل محمد علیه السلام داده می شود را دید لذا به خداوند عرض کرد: خداوندا! مرا قائم آل محمد علیه السلام قرار بده. به او وحی شد که او از نسل احمد علیه السلام است. او در نگاه دومش مثل همان را یافت (همان را دید). و مجدد درخواست کرد و همان جواب را از خداوند متعال شنید. او در نظر سوم نیز همانند آن را دید و همان گونه عرض کرد و همان را جواب شنید.^۱

- در کتاب مقدس یهود در (بخش) سفر مزامیر داوود، مزبور ۳۷ به مسئله ظهور و انتظار فرج اشاره شده است و در مکتب زرتشت و هندوها و مسیحیت و بودایی ها به مسئله ظهور منجی آخر و نجات بخش عادل به کلمات متعددی اشاره شده است که جای هیچ انکاری را باقی نمی گذارد و این نشان دهنده آنست که قبل از اسلام به مسئله منجی بشریت در مکاتب متعدد اشاره های روشن شده است.

- خداوند متعال در قرآن کریم آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران می فرماید:

«وَيَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا؛ یعنی: او (عیسی) در گهواره و در هنگام پیری با مردم سخن می گوید».

نکته مهم اینجاست: که حضرت عیسی هنگامی که به آسمان رفت ۳۰ سال داشته اند پس منظور از این تکلم در پیری چه وقت می باشد و برای این آیه نیز روایات متعددی آمده است که در عصر ظهور حضرت عیسی از آسمان فرود می آید و با امام عصر علیه السلام نماز می خواند.

۳

ذکر ظهور امام مهدی علیه السلام در انجیل

- در انجیل متی - اصحاح ۲۴ ص ۱۰۲ نیز به مسئله ظهور منجی اشاره شده است.

۱. عقد الدور، باب اول، ص ۲۶ (این دسته از روایات دلالت بر این دارد که مسئله مهدویت و ظهور عدل گستر امام مهدی علیه السلام قبل از اسلام نیز مورد توجه بوده است و نشان می دهد مسئله مهدویت قبل از اسلام ریشه داشته است).

بخش ۲

یاد کرد امام مهدی علیه السلام در شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله

۴

یاد کرد امام مهدی علیه السلام در شب معراج

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی که مرا به معراج بردند صدائی شنیدم که گفت: یا محمد صلی الله علیه و آله عرض کردم: بلی! ای خدای بزرگ!
باز شنیدم که گفته شد: یا محمد صلی الله علیه و آله تو بنده من و من خدای تو هستم
مرا عبادت کن و توکل بر من بنما.
زیرا تو در میان بندگانم، نور و فرستاده من به جانب آنها و منشاء،
محبّتم بر بندگانم می‌باشی، بهشت خود را برای تو و پیروان تو خلق کردم
و آتش را برای مخالفین تو آفریدم...
عرض کردم: خداوندا جانشینان من کیستند؟
ندا آمد که یا محمد، جانشینان تو کسانی هستند که اسامی آنها بر
ساق عرش نوشته شده است در همانجا به ساق عرش نگاه کردم دوازده
نور دیدم که در هر نوری سطر سبزی بود که نام هر یک از جانشینانم
در آن نوشته شده بود اول آنها علی بن ابیطالب علیه السلام و آخر آنها مهدی بود.

عرض کردم پروردگارا این‌ها بعد از من جانشینانم خواهند بود؟

ندا آمد:

که ای محمد، آری! اینان دوستان و حجت‌های من بعد از تو بر بندگانم می‌باشند...

به عزت و جلالم سوگند دین خود را به وسیله آن‌ها بر اوهام بشر غالب و کلمه خود را به وسیله آن‌ها بلند می‌کنم و به وسیله آخرین آن‌ها زمین را از وجود بی‌دینان و اهل معصیت پاک می‌کنم و سلطنت شرق و غرب را به او می‌دهم و بادها را در اختیار او می‌گذارم و ابرهای سخت را برای او رام می‌گردانم.^۱

۵

نشانه‌های آخرین

عن ابن عباس عن رسول الله ﷺ في حديث نشانه‌های آخرین «ان الله اوحى اليه ليلة اسرى به ان يوصى الى علي و اخبره بالائمة من ولده الى ان قال و آخر رجلٍ منهم يصلى عيسى بن مريم خلفه يملا الارض عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً انحى به من الهلكة و اهدى به من الضلالة و ابرى به الاعمى...».

ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل کرد: در شب معراج مطالبی به رسول خدا ﷺ وحی شد که باید به امام علی عليه السلام نیز خبر داده شود و همین طور به ائمه بعد از آن حضرت.

سپس فرمودند: خداوند برای آخرین آن‌ها نشانه‌هایی بیان فرمودند که عیسی بن مریم پشت سر آن امام نماز می‌خواند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد و بندگانم را به وسیله او (امام عصر) از هلاکت نجات می‌دهم و گمراهان را به وسیله او هدایت می‌کنم...

عرض کردم: خداوند! آن چه وقت خواهد شد؟

خطاب شد: ای محمد!

هرگاه که علم از میان برداشته شود و جهل و نادانی به جای آن نشیند و قرائت قرآن زیاد اما عمل به آن کم شود... شعراء زیاد شوند...^۱

۶

اسامی نقش عرش

ابن بابویه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: روزی با حسنین علیهم السلام و فاطمه علیها السلام حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجره ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدیم در این موقع جبرئیل آمد و آیه «**انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا**» را نازل نمود آن حضرت فرمود: ای علی! این آیه در شأن تو و فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام و ائمه از فرزندان حسین علیه السلام نازل شده است.

علی علیه السلام می فرماید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: ائمه بعد از شما چند نفر هستند؟ حضرت فرمود: دوازده نفر که اولی آنها تو هستی و بعد از تو حسن و حسین علیهم السلام و علی فرزند حسین علیه السلام... و یک به یک اسامی ایشان را بیان نمود تا حضرت حجة علیه السلام سپس فرمود: اسامی تمام شما بر ساق عرش در شب معراج نوشته شده بود، پروردگار به من فرمود: اینها نام اوصیاء و ائمه بعد از تو می باشد همه ایشان پاک و پاکیزه و معصوم هستند و دشمنان آنها ملعونند.^۲

۷

خوشا به حال دوستداران اهل بیت علیهم السلام

ابویوب انصاری نقل کرده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: در شب معراج دیدم بر ساق عرش نوشته بود: «**لااله الا الله، محمد رسول الله، ایدته بعلی و نصرته به**».

سپس در ادامه این چنین نوشته شده بود: «**الحسن والحسین وعلی و محمد... والحسن والحجة**».

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۰.

۲. تفسیر جامع، ج ۵.

آنگاه رسول خدا ﷺ فرمود که به خدای بزرگ عرض کردم الهی اینان چه کسانی هستند؟

وحی شد:

این‌ها اوصیاء تو هستند بعد از تو «فَطَوْبَىٰ لِمُحِبِّهِمْ وَالْوَيْلَ لِمُبْغَضِهِمْ» پس خوشا به حال دوستداران و پیروان اوصیای تو و بدآ به حال آن‌ها به خاطر دشمنی‌شان با ایشان.^۱



انتشارات سجید نفیس

بخش ۲

امام مهدی علیه السلام در قرآن کریم



مرحوم علامه مجلسی در کتاب پر گوهر بحارالانوار فصلی را به آیات قرآن کریم و مسئله ظهور امام عصر علیه السلام و تفسیر و تأویل آن اختصاص داده است.^۱ در این جا به چند آیه در این زمینه اشاره می‌شود.

۸

آیه‌ای از سوره بقره

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: پیش از ظهور قائم علیه السلام به طور حتم سالی فرا می‌رسد. که مردم در آن دچار قحطی و گرفتار ترس شدیدی از کشته شدن و کمبود اموال و جانها و ثمرات می‌گردند و این مطلب در قرآن به روشنی دیده می‌شود آنگاه این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «به راستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس و گرسنگی و کاهش مال و جان و ثمر مورد آزمایش قرار می‌دهیم و صبر پیشگان را بشارت بده».^۲

۱. مهدی موعود، ص ۲۴۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۹؛ بقره / ۱۵۵.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

«طوبی للصابرين في غيبته طوبی للمتقين علی محبته اولئك الذين وصفهم الله في كتابه و قال: هدی للمتقين الذين یومنون بالغیب». خوشا به حال صابران و شکیبان در عصر غیبت او، استواران در محبت او، که آنها را خداوند عزوجل در کتابش چنین معرفی فرموده است:

این قرآن هدایت است برای پرهیزکاران آنها که به غیب ایمان می آورند.^۱

مراد از غیب چنانچه حضرت صادق ﷺ فرمود: کسانی هستند که ایمان آورند به قیام قائم ﷺ که او حق است.

و نیز از آن حضرت در مورد آیه شریفه سؤال شد؟

امام فرمود: متقین شیعیان علی ﷺ هستند و مراد از غیب «حجة غائب» است و شاهد آن آیه شریفه «فقل انما الغیب الله».^۲

۹

آیهای از سوره آل عمران

«وله اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها».^۳ یعنی: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیمند و به سوی او باز می گردند.

از رفاع بن موسی روایت شده که گفت: از امام صادق ﷺ شنیدم که در تفسیر این آیه شریفه فرمود: هرگاه مهدی ﷺ قیام کند مصداق این آیه ظاهر می شود زیرا آن وقت است که در زمین باقی نماند هیچ قریه و بلد و سرزمینی، مگر آنکه در آن قریه و شهر صدا بلند شود به «اشهدان لاله الا لله و ان محمدا رسول الله».

۱. بقره / ۳ و ۲.

۲. کمال الدین صدوق، باب ۳۳، ص ۳۴۰، حدیث ۱۹ و ۲۰.

۳. آل عمران / ۸۳.

۱۰

آیه‌ای از سوره نساء

وقتی آیه:

«يا أيها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»^۱ نازل شد، جابر بن عبدالله انصاری از آن حضرت پرسید... اولی الامر که اطاعتشان در این آیه در ردیف اطاعت شما به حساب آمده است چه کسانی هستند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آن‌ها جانشینان من و ائمه مسلمانان هستند که اولین آن‌ها علی بن ابیطالب و بعد از او فرزندش حسن و... به این ترتیب تک تک ائمه اطهار علیهم السلام را نام بردند وقتی به امام دوازدهم رسیدند با این تعبیر ایشان را یاد می‌کنند که: «ثم سمی محمد و کنی حجة الله فی ارضه و بقية فی عباده ابن الحسن بن علی...» او همنام من، هم کنیه من حجة الله و بقية الله در بین مردمان، فرزند حسن بن علی علیه السلام هستند...^۲

۱۱

آیه‌ای از سوره نساء

حذیفه می‌گوید: روزی که آیه شریفه:

«اولئك الذين انعم الله عليهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقاً»

نازل شد حضور پیامبر صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم...

از ایشان پرسیدم: یا رسول الله این‌ها چه کسانی هستند که خداوند اسامی آن‌ها را کنار هم آورده است؟ فرمود: ای حذیفه! من آن نبی هستم که خدای متعال فرمود: من النبیین الذین انعم الله علیهم.

که اول آنان در نبوت و آخرشان در بعثت هستم و از صدیقین علی بن ابیطالب است چون زمانی که خداوند مرا به رسالت برگزید او اولین کسی بود که

۱. نساء / ۵۹

۲. تفسیر پیررهان، ج ۱، ص ۳۸۱.

رسالت مرا تصدیق کرد و از شهداء حمزه سیدالشهداء و جعفر طیار نیز اولین کسانی بودند که رسالت مرا تصدیق کردند.
و از صالحین حسن و حسین علیهما السلام سید جوانان اهل بهشت هستند. و (و حسن اولئك رفیقا) مهدی زمان خویش است.^۱

۱۲

آیه‌ای از سوره انعام

«یوم یأتی بعض آیات ربك لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن امنّت من قبل».^۲ یعنی: روزی که بعضی از آیات پروردگار فرا رسد ایمان کسانی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند سودی نبخشد.
صاحب کتاب ثواب الاعمال از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: آیات (در این آیه) ائمه اطهار علیهم السلام هستند و «بعض آیات» قائم آل محمد علیهم السلام است.

۱۳

آیه‌ای از سوره اسراء

«جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا» امام باقر علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید: «اذا قام القائم ذهبت دولة الباطل» آن هنگام که حضرت قائم علیه السلام قیام فرماید حکومت و دولت باطل از دنیا رخت بر بندد.^۳

۱۴

فی الاکمال عن الصادق علیه السلام: «وقد ذکر شق فرعون بطون الحوامل فی طلب موسی علیه السلام کذلک بنو العباس لما ان وقفوا...»^۴ در کتاب کمال الدین، مرحوم صدوق در حدیثی از امام صادق علیه السلام آورده: فرعون شکم‌های زنان حامله را پاره کرد و بنی‌امیه و

۱. شواهد التنزیل، ج ۱ نساء / ۶۹ آیات مربوط به امام مهدی علیه السلام در قرآن خیلی بیشتر از آن است (بیشتر از ۲۰۰ آیه) که در این مختصر به آن اشاره شده است حتی در منابع تفسیری اهل سنت روایاتی در این خصوص وجود دارد.

۲. انعام / ۱۵۸.

۳. اسراء / ۸۱ - کافی، ج ۸، ص ۲۸۷.

۴. توبه / ۳۳.

بنی‌عباس نیز چون مَطَّلَع شدند که زوال و نابودی آن‌ها به دست قائم علیه السلام می‌باشد به ما عداوت ورزیدند و در قتل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیرها کشیدند و نسل آن حضرت را قطع کردند به طمع وصول به قتل قائم علیه السلام. پس خداوند مسئله کشف آن حضرت را برای ظالمان مخفی فرمود تا تمام فرماید نور خود را با ظهور آن حضرت و نابودی دولت‌های ظالم و سلطه آن حضرت بر تمام عالم، اگرچه مشرکان اکراه داشته باشند.

۱۵

آیه‌ای از سوره توبه

از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر آیه شریفه ۳۶ از سوره توبه که می‌فرماید:
«با همه مشرکین بجنگید چنان که آنان همگی با شما می‌جنگند».

سؤال شد:

حضرت فرمود: هنوز تأویل این آیه نیامده است هنگامی که قائم ما پس از ما قیام کند آنان که زمان او را درک کنند تأویل این آیه را خواهند دید که بی‌تردید آئین محمد صلی الله علیه و آله به هر نقطه‌ای که شب و روز می‌رسد خواهد رسید و دیگر اثری از شرک در روی زمین نمی‌ماند چنان که خدای متعال می‌فرماید:

«دیگر نشانی از آن‌ها به جز اقامتگاه‌هایشان دیده نمی‌شود».^۱

زمین به وسیله مهدی علیه السلام آباد، خرم و سرسبز می‌شود و به وسیله او چشمه سارها روان گردد فتنه‌ها و غارت‌گری‌ها از بین می‌رود و برکات بسیار می‌شود.^۲

۱. احقاف / ۲۵.

۲. الزام الناصب، ص ۲۲.

۱۶

اراده خداوندی

امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «هر که در آسمانها و زمین است خواه ناخواه تسلیم او شده است»^۱. فرمود: آیه یاد شده در شان قائم نازل گردیده چون ظهور کند اسلام را بر یهودیان و مسیحیان و ستاره پرستان و بی‌دینان و مرتدان و کافران در شرق و غرب جهان عرضه نماید هر کس از روی تمایل اسلام را بپذیرد او را به نماز و زکات و انجام دستوراتی که بر هر مسلمانی واجب است مکلف می‌سازد و هر کس تن به پذیرش اسلام ندهد گردنش را می‌زند به طوری که در سراسر جهان جز موحد و یکتاپرست کسی باقی نمی‌ماند. عرض کردم: فدایت شوم مردم (کافر) بسیارند فرمود: البته وقتی که خداوند انجام کاری را اراده فرماید بسیار را اندک و اندک را بسیار می‌گرداند.^۲

۱۷

آیه‌ای از سوره حج

در ذیل آیه شریفه «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا وان الله علی نصرهم لقدير»^۳. یعنی: اجازه و رخصت جنگ به مؤمنان که دیگران با آنها جنگ می‌کنند داده شد زیرا آنها از دشمن ستم کشیدند و خدا بر یاری آنها قادر است.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است که: این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب آن بزرگوار می‌باشد که مورد ظلم قرار گرفته‌اند.^۴

۱۸

آیه‌ای از سوره اسراء

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «من قتل مظلوما» فرمود: او حسین بن علی علیهما السلام

۱. آل عمران / ۸۳.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۳. حج / ۳۹.

۴. الحجّة البيضاء، ص ۱۴۲.

است و بقیه آیه شریفه: «فقد جعلنا لوليّه سلطانا فلايسرف في القتل انه كان منصورا» مقصود امام زمان علیه السلام است که نامش در این آیه منصور می‌باشد چنان که خداوند احمد و محمد علیهم السلام را محمود و عیسی علیه السلام را مسیح خوانده است.^۱

۱۹

آیه‌ای از سوره انبیاء

«ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون...»^۲ یعنی: ما در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته و صالح من به ارث خواهند برد.

امام باقر علیه السلام در ذیل این آیه می‌فرماید: هم اصحاب المهدی فی آخرالزمان: آن بندگان شایسته خدا، همانا یاران حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان می‌باشند.

۲۰

آیه‌ای از سوره قصص

شیخ طوسی در کتاب الغیبة از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت پس از تلاوت آیه «ونريد ان من على الذين استضعفوا في الارض...» فرمود:

«هم آل محمد يبعث الله آل مهديم بعد جهدهم فيعزهم و يذل عدوهم» مستضعفان مورد اشاره در آیه، خاندان پیامبر علیه السلام می‌باشند که پس از تحمل رنجها و سختیها، خداوند مهدی آنان را برانگیزد و بدینوسیله آنان را عزت و دشمنانشان را خواری بخشد.^۳

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شده که فرمود:

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید دنیا پس از تندخوئیش بر ما مهربان خواهد شد همان گونه که ضروس^۴ بر فرزندش عطوفت می‌ورزد. و در دنباله این آیه شریفه را تلاوت فرمودند که:

۱. تفسیرفات کوفی، ص ۲۴۰ - اسراء / ۳۳

۲. انبیاء / ۱۰۵ - بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

۳. غیبت طوسی / ص ۱۸۴.

۴. ضروس: به حیوان شیر دهنده‌ای گویند که از شدت عطوفت به فرزندش، دوشنده شیر خود را گاز می‌گیرد.

بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۴

«ونريد ان من على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين». آیه‌ای از سوره حدید در قرآن کریم آمده است: «اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها»؛ یعنی: بدانید که خداوند زمین را از پس مرگ آن احیاء می‌کند.^۲ در حدیث از حضرت باقر علیه السلام وارد شده که در ذیل این آیه فرموده‌اند: خداوند زمین را به واسطه مهدی علیه السلام زنده می‌سازد و او عدالت را جاری کرده و زمین را به نور عدل منور می‌سازد پس از آنکه در تیرگی ظلم مرده باشد.^۳

۲۱

آیه‌ای از سوره الرحمن

در تفسیر آیه شریفه: «آن روز بدکاران به صورت‌هایشان شناخته شوند پس به موی پیشانی و با پاهایشان گرفتار شوند».^۴ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: خداوند آن‌ها را همواره می‌شناسد ولی آیه در مورد قائم نازل گردیده که مجرمان را از سیما و صورتشان می‌شناسد و او و یارانش با شمشیر آن‌ها را تنبیه می‌کنند (چه) تنبیه کردنی.^۵

۲۲

آیه‌ای از سوره صف

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون». یعنی: خداوند فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه دین‌ها غالب شود هرچند مشرکین نخواهند. بنابر روایتی از امام رضا علیه السلام این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام است وی امامی است که خداوند او را بر همه آیین‌ها غالب می‌گرداند.

۱. مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۵ - قصص / ۵
۲. حدید / ۱۷.
۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۶۸.
۴. الرحمن / ۴۱.
۵. غیبت نعمانی، ص ۱۲۷.
۶. صف / ۹.

و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام «فی قوله عزوجل: هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق...».

حضرت صادق علیه السلام در آیه شریفه:

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی...» فرمود: به خدا قسم تاویل آن هنوز نازل نشده و نازل نشود تاویل آن تا وقتی که قائم بیرون آید. وقتی که حضرت ظاهر شود باقی نماند کافری و مشرکی به خدا و به امام، زیرا کراهت داشته و نمی‌خواهد خروج قیام مهدی علیه السلام را ببینند. زیرا اگر کافری در شکم سنگی باشد سنگ به قدرت کامله تکلم کند که ای مؤمن در بطن من کافری است مرا بشکن و او را بیرون آورد و بکش. «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولوکره المشرکون».

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند اگرچه مشرکان ناخوش دارند. امام فخر رازی که از بزرگان علمای اهل سنت است در تفسیر کبیر خود آورده: «قال السدی: ذلك عند خروج المهدي» پیروز شدن اسلام بر تمام ادیان در زمان ظهور مهدی علیه السلام اتفاق می‌افتد.^۱

۲۳

آیه‌ای از سوره غاشیه

«هل اتیک حدیث الغاشیه» یعنی: آیا داستان آن فرو گیرنده به تو رسیده است؟

شیخ بزرگوار جناب صدوق «ره» در کتاب شریف ثواب الاعمال از محمدبن سلیمان از پدرش روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم «هل اتیک حدیث الغاشیه» یعنی چه؟

فرمود: مقصودم قائم ماست که اهل باطل را با شمشیر فرو می‌گیرد. گفتم: «وجوه یومئذ خاشعة» (صورت‌های آن‌ها در آن روز وحشتناک است) یعنی

چه ؟

فرمود: از ترس قدرت او گریز ندارند.

۱. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۸۲.

گفتم: «عامله ناصبه»: (عمل کننده رنج دیده) چیست؟ فرمود: آنها برخلاف دستور خدا عمل می کنند و والیان جور منصوب دارند.
گفتم: «تصلی نارا حامیه»: (در آتش سوزنده بیفتند) یعنی چه؟ فرمود: به روزگار قائم ما، در آتش جنگ بسوزند و در سرای دیگر به دوزخ افتند.^۱

۲۴

آیه‌ای از سوره معارج

«سال سائل بعذاب واقع»^۲. سائلی از عذابی که وقوع آن حتمی است سؤال نمود.
از امام باقر علیه السلام درباره آیه فوق سؤال کردند که منظور از این عذاب چیست؟
امام فرمود:

«نار تخرج من المغرب و ملك يسوقها من خلفها حتى يأتي من جهة دار بنی سعد ابن همام عند مسجد هم فلا تدع دارا لبني امية الا احرقتها و اهلها و لاتدع دارا فيها و ترلال محمد الا احرقتها و ذلك المهدي عليه السلام»^۳. یعنی:

عذاب در اینجا آتشی است که از طرف مغرب شعله‌ور می شود و پادشاهی که آن را رهبری می کند و تمام خانه‌های بنی امیه و همه غاصبان حقوق اهل بیت را آتش می زند و مخصوصا از بنی امیه آثاری باقی نخواهد گذاشت و اوست مهدی علیه السلام.^۴

۲۵

آیه‌ای از سوره عصر

«والعصر ان الانسان لفي خسر...» سوگند به عصر که همانا انسان در زیانکاری و خسران است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۸.

مفضل از امام صادق علیه السلام درباره این سوره پرسید امام می‌فرماید: سوگند به عصر، (منظور) عصر خروج قائم است. «همانا انسان در زیانکاری است»^۱.
یعنی:

دشمنان ما در خسران و زیانند؛ مگر آنان که ایمان آوردند.
«الا الذين آمنوا و عمل الصالحات» یعنی: مگر آن‌ها که آیات ما ایمان آورده‌اند و «کارهای نیک انجام دادند» یعنی مواسات با برادران دینی و «یکدیگر را به حق سفارش نمودند» یعنی: به امامت «یکدیگر را به صبر و پایداری توصیه کردند» مربوط به دوران فترت و غیبت است که عقاید سست می‌شود.



انتشارات سعید نفیسی

بخش ۴

امام مهدی علیه السلام در کلام معصومین علیهم السلام



۲۶

پر نورتر از خورشید آسمان

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: **اسم المهدی اسمی**: یعنی نام مهدی نام من است.^۱
و علی علیه السلام نیز در روایتی فرموده‌اند که: **اسم المهدی محمد** یعنی: نام مهدی، محمد است.^۲

- جابر بن عبدالله انصاری درباره آیه شریفه: «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم»^۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید در ادامه افزود: یا رسول الله «ما اطيعوا الله» را که خدا باشد شناختیم و اطاعت می‌کنیم و «اطيعوا الرسول» را نیز شناختیم و می‌دانیم که تو پیامبر مائی ولی به ما بگوئید که اولی الامر چه کسانی هستند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام فرمود:
یا علی! اولی آن‌ها توئی سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک به یک امامان را نام

۱. صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۴۳۹.

۲. کمال‌الدین صدوق، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳. نساء / ۵۹.

بردند تا به امام عصر علیه السلام رسیدند و فرمودند: برای مهدی غیبتی پیش می‌آید او کسی است که وقتی می‌آید، زمین را پر از عدل و داد می‌کند کنیه‌اش کنیه من است.

جابر پرسید: یا رسول الله در زمان غیبت مردم به امام نمی‌رسند و او را نمی‌بینند، آیا نفعی هم دارد این کار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: غیبت او مثل خورشید پشت ابر است خورشید اگر نباشد شب می‌شود.^۱

۲۷

خاتم الاوصیاء

- ابن عباس روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«انا سید النبیین و علی بن ابیطالب سید الوصیین و ان اوصیائی اثنا عشر اولهم علی بن ابیطالب و آخرهم القائم». من سید پیامبرانم و علی سید اوصیاء است و اوصیای من دوازده نفرند که اول آنها علی و آخرین ایشان قائم است.^۲

۲۸

امام مهدی علیه السلام در خطبه غدیر

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز عید غدیر خم نیز درباره حضرت ولی عصر علیه السلام سخنانی ایراد فرموده‌اند که بخشی از آن عبارت است از «الا و انّ خاتم الائمة منّا القائم المهدي صلوات الله علیه...».

آخرین امام معصوم از ما اهل بیت حضرت قائم است که صلوات و رحمت پروردگار بر او باد بدانید اوست که روش حق و دین الهی را آشکار می‌سازد و اوست که از ظالمین انتقام خواهد گرفت و اوست که دژهای شرک و کفر را نابود و فتح می‌کند...

«الا انه الباقي حجة و لاجة بعده و لاحق الامعه و لانور الاعده...» اوست که آخرین حجت خداست و پس از او حجتی نیست و حق فقط نزد اوست و هدایت و نور پروردگار تنها نزد اوست و بدانید هیچ کس بر او چیره نمی‌شود و هیچ

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۵.

۲. ینابیع المودة، ص ۲۵۸ - کشف الاستار، محدث نوری، ص ۷۴.

کس توانایی مقابله با او را ندارد، بدانید اوست سرپرست خلق در زمین از جانب پروردگار...

۲۹

لوحی از عرش

- جابر بن عبدالله می گوید: خدمت حضرت فاطمه علیها السلام شرفیاب شدم در حالی که در مقابل حضرت لوحی بود که در آن لوح اسامی اوصیاء نوشته شده بود. من اسامی را شمردم دوازده نام دیدم که آخر آن اسمها قائم بود و سه نام محمد و چهار نام آنها علی بود.^۱

۳۰

جوانی از قریش

- عمر بن خطاب در دوران خلافتش روزی داخل کعبه شد آنگاه گفت: نمی دانم سلاحها و گنجینه های این خانه را به همین حال بگذارم یا آنکه آنها را در راه خدا تقسیم کنم. علی علیه السلام به او فرمود: از این مطلب بگذر صاحب این کار تو نیستی صاحب آن مردی از ماست جوانی از قریش که در آخرالزمان آنها را در راه خدا تقسیم خواهد کرد.

۳۱

دوازده هدایت یافته

- امام حسین علیه السلام: «منا اثنا عشر مهديا اولهم امير المؤمنين علي بن ابي طالب و اخرهم التاسع من ولدي و هو الامام بالحق» دوازده هدایت یافته از ما می باشند که اولین آنها امیرمؤمنان علی بن ابیطالب و آخرین آنها نهمین فرزند من است که به حق قیام خواهد نمود.^۲

۱. کمال الدین، ص ۳۰۷.

۲. کمال الدین، ص ۳۱۷.

۳۲

برترین‌های هستی

- امام حسین علیه السلام می‌فرماید: روزی در کودکی من و برادرم نزد جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدیم پیامبر صلی الله علیه و آله مرا بر ران خود نشانند و برادرم حسن علیه السلام را بر ران دیگر سپس ما را بوسید و فرمود: پدرم فدای شما دو امام صالح باد، خداوند شما را و پدر و مادران را برگزیده است و از صلب تو ای حسین نه امام دیگر را برگزید که نهمین آنان قائمشان می‌باشد و همه شما در فضیلت در نزد خدا برابرید.^۱

۳۳

انتظار در غیبت او واجب است

امام جواد علیه السلام فرمود: قائم ما همان مهدی علیه السلام است او کسی است که در زمان غیبتش انتظارش واجب و هنگام ظهور اطاعتش واجب است...^۲

۳۴

صاحب الامر کیست؟

- شعیب بن ابی حمزه می‌گوید: به محضر امام حسین علیه السلام تشریف یافته عرض کردم: آیا تو صاحب الامری؟
فرمود: نه عرض کردم: پس فرزند شماست؟ فرمود: نه، عرض کردم: آیا فرزند فرزند شماست؟ فرمود: نه.

پرسیدم پس صاحب الامر کیست؟ فرمود: آنکه زمین را پر از عدل خواهد کرد همان گونه که پر از ظلم گشته باشد او پس از زمانی طولانی که امامان پیشین رفته باشند خواهد آمد همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از مدتی دراز که از زمان پیامبران پیشین گذشته بود مبعوث شد.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۵۵.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳. عقداالدرر، ص ۱۵۹.

۳۵

ذخیره‌های بی‌مانند

امام سجاد^{علیه السلام} می‌فرماید: ذوالقرنین در میان انتخاب دو ابر مخیر شد او ابر فرمانبر از آن دو را انتخاب کرد و ابر سرسخت را برای مولای شما ذخیره کرده است از امام سؤال شد منظور از سرسخت چیست؟ فرمود: آن ابريست که در آن رعد و برق و صاعقه باشد و صاحب شما سوار آن خواهد شد آگاه باشید که سوار ابر می‌شود و بوسیله اسباب بالا می‌رود...

۳۶

قائم منتقم

- امام باقر^{علیه السلام} در پاسخ به پرسش ابوحمزه ثمالی که از علت نامگذاری امام زمان^{علیه السلام} به قائم پرسید؟ فرمود: وقتی جدم حسین^{علیه السلام} کشته شد فرشتگان با گریه به درگاه خداوند فریاد برآوردند: ای خدا و سرور ما، آیا از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده تو و بهترین آفریده تو را می‌کشد چشم می‌پوشی؟ خداوند به آنان وحی فرمود که: فرشتگان من آرام گیرید به عزت و جلالم سوگند که از آنان انتقام خواهم گرفت اگرچه طول کشد. آنگاه خداوند امامان از نسل حسین^{علیه السلام} را به فرشتگان نشان داد و فرشتگان بدان شاد شدند و در میان آنها یکی ایستاده بود و نماز می‌خواند خداوند فرمود: با این قائم از آنان انتقام می‌کشم.^۱

۳۷

نشانه‌های مخفی

به حضرت باقر^{علیه السلام} عرض شد^۲: شیعیان شما در عراق بسیارند والله مثل شما هم در اهلیت شما نیست پس چرا خروج نمی‌کنی؟

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

امام به عبدالله فرمود: ای عبدالله! همانا مثل احمقها گوش به حرف هر کسی داده‌ای، والله من صاحب شما نیستم.
عرض کرد: صاحب ما کیست؟ فرمود: نگاه کنید هر کس ولادتش بر مردم مخفی شد او صاحب شما است.^۱

۳۸

چهارمی قائم است

- امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که سه نام محمد، علی و حسن پشت سر هم قرار گرفت چهارمی آن قائم است.

۳۹

ما چگونه ایم؟

- سدید صیرفی می‌گوید: من، مفضل، ابوبصیر و ابان بن تغلب، خدمت مولای خودمان امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم دیدیم که امام علیه السلام بر روی خاک نشسته و شمشینه‌ای خبیری پوشیده به طوری که دور گردن مبارک را گرفته بود بدون یقه بود و آستین‌های کوتاهی داشت و آن حضرت گریه می‌نمود مانند شخص مصیبت‌زده‌ای که فرزند از دست داده.....

و حزن و غم از صورت مبارکش آشکار شده بود و رخسار مبارکش تغییر کرده و اشک بر روی گونه‌های مبارکش جاری بود و می‌فرمود: «سیدی غیبتک نفت رقادی وضیقت علی مهدادی و ابتزت منی راحة فوادی سیدی غیبتک اوصلت مصابی بفجائع الابد...»^۲

یعنی: آقای من غیبت تو خواب را از من گرفته است و محل آسایش مرا تنگ کرده و راحتی قلبم را گرفته... در حالی که امام صادق علیه السلام این گونه از غیبت امام زمان علیه السلام اظهار ناراحتی می‌نمایند ما چه وظیفه‌ای داریم؟

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۰۸.

۲. غیبه الطوسی، ص ۱۶۷.

۴۰

امروز او به دنیا آمده

- وقتی از امام صادق علیه السلام پرسیدند که آیا (قائم) به دنیا آمده است؟ فرمود: «لا ولو ادرکتہ لخدمته ایام حیات» نه، اما اگر او را درک کنم تمام عمرم در خدمت او خواهم بود.^۱

۴۱

او بقیة الله است

- شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: یابن رسول الله صلی الله علیه و آله آیا رواست که به امام قائم علیه السلام به عنوان «سلام بر تو ای امیرمؤمنان» سلام کرد؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: خیر روا نیست، خداوند تنها علی علیه السلام را به این اسم نامید. قبل از علی علیه السلام کسی بر این نام نامیده نشده و بعد از او هم جز کافر آن نام را بر خود نبندد.^۲

۴۲

به دیدارش امیدواریم

«دعبل خزاعی» شاعر توانای سده سوم هجری (متوفای ۲۴۶) در قصیده‌ای که در خدمت امام رضا علیه السلام خواند چنین سروده است.

تقطع نفسی اثرهم حسرات

فلولا الذی ارجوه فی الیوم اوغد

یقوم علی اسم الله و البرکات

خروج امام لامحاله خارج

ویجزی علی النعماء و النقمات^۳

مییز فیها کل حق و باطل

ترجمه: «اگر آنچه را امروز یا فردا امید وقوع آنرا دارم نمی‌بود دلم از حسرت و اندوه بر ایشان - اهل بیت علیهم السلام - پاره پاره می‌شد. - و آن امید به - قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهد کرد - که - با نام خدا و همراه با برکات الهی قیام می‌فرماید.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۴۵ - بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۱۱، (از این روایت متوجه می‌شویم که مردم در آن زمان به علت کثرت روایات درباره امام مهدی علیه السلام دنبال شناخت ابعاد وجودی شخصیت امام عصر علیه السلام بوده‌اند).

۳. الغدیر، ج ۲، ص ۳۶۰ - بیابیع/لموده، ج ۳، ص ۳۰۹، حدیث ۱.

- و او - در میان ما حق و باطل را از هم جدا می‌سازد و پاداش و کیفر می‌دهد.

هنگامی که دعبل این ایات را به عرض رساند امام رضا علیه السلام سر برداشت و فرمود: «ای خزاعی» این اشعار را روح القدس بر زبان تو جاری ساخته است.
 آنگاه فرمود:

آیا می‌دانی آن امام کیست؟ دعبل عرض کرد: نمی‌دانم فقط شنیده‌ام که امامی از دودمان شما خروج می‌فرماید و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد امام فرمود: ای دعبل! امام بعد از من پسر مَحْمَد (امام جواد) و بعد از او پسرش علی (امام هادی) و بعد از او پسرش حسن (امام عسگری) است و پس از او نیز پسرش حَجَّت قائم است که در غیبت او انتظارش را می‌برند و به هنگام ظهور مطاع خواهد بود و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌سازد تا قائم خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد سازد چنان که از جور پر شده است...^۱

۴۳

چرا او قائم است

- جعفر بن ابی‌دلف می‌گوید: حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: همانا امام بعد از من پسر مَحْمَد است و بعد از او علی است امر او امر من و گفته‌اش گفته من و اطاعتش اطاعت از من است و امام بعد از او پسرش حسن است امر او امر پدرش و گفته او گفته پدرش و اطاعت او اطاعت از پدرش می‌باشد. سپس ساکت شد.

عرض کردم: یا بن‌رسول‌الله امام بعد از حسن علیه السلام کیست؟

پس آن حضرت به شدت گریست، آنگاه فرمود: البته بعد از حسن پسرش آنکه قائم به حق و مورد انتظار است می‌باشد.
 گفتم: یا بن‌رسول‌الله چرا قائم نامیده شده است؟

فرمود: وقتی ظهور کند یادش (در ذهن‌ها) مرده باشد و بیشتر معتقدان به امامتش از او برگشته باشند.

گفتم: چرا منتظر نامیده شده است؟

فرمود: زیرا او را غیبتی است که روزهایش بسیار و مدتش طولانی پس مخلصان، منتظر خروجش باشند و اهل تردید انکارش کنند و جاهلان یاد او را به استهزاء گیرند و وقت‌گذاران (تعیین‌کنندگان وقت ظهورش) در آن دروغگو شوند و عجله‌کنندگان در آن هلاک گردند و تسلیم‌شوندگان در آن نجات یابند.^۱

۴۴

مهدی موعود

عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که بر سرور خود امام جواد^{علیه السلام} وارد شدم قبل از آن که من سؤالم را که درباره حضرت قائم بود بگویم، حضرت پاسخ سؤال مرا داد و فرمود: ای ابوالقاسم، قائم ما همان مهدی^{علیه السلام} است، او کسی است که در زمان غیبتش انتظار او واجب است و هنگامی که ظهور کرد اطاعتش واجب است. او سومین نفر از فرزندان من است قسم به آن خدایی که محمد^{صلی الله علیه و آله} را مبعوث کرد و ما را به امامت برگزید اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد هر آینه خداوند متعال آن را چنان طولانی کند تا آنکه قائم در آن روز خارج شود و ظهور نماید...^۲

اِنْشَارَاتُ سَعِيدِ نَوِينِ

۱. کمال‌الدین، ص ۳۷۸.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

بخش ۵

امام مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت



۴۵

راویان احادیث امام مهدی علیه السلام

مجموعه روایاتی که درباره امام مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت آمده از راویانی مانند عمر بن خطاب و عبدالله بن عمر، ابوهریره، انس بن مالک، ثوبان غلام عمر، ابوسعید خدری، عبدالله بن مسعود و عبدالرحمان ابن عوف،... است که علمای اهل سنت همه اینها را از صحابه بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله می دانند.

۴۶

کتبی که در نزدیکی ولادت امام مهدی علیه السلام نوشته شده است

بعضی از محدثین و فقهاء اهل سنت که اخبار وارده پیرامون امام زمان علیه السلام را در کتب مختلف خود آورده اند یا نزدیک ولادت یا اندکی بعد از ولادت امام زمان علیه السلام زندگی می کرده اند در این میان به نام چند نفر از آنها اشاره می شود: بخاری متوفای ۲۵۶ هجری در کتاب صحیح، ابن ماجه قزوینی به سال ۲۳۸ در سنن، محمد بن سوره ترمذی در سال ۲۷۸ در

الجامع، مسلم بن حجاج نیشابوری به سال ۲۶۱ در صحیح، احمد بن حنبل متوفای سال ۲۴۱ هجری در کتاب مسند.

البته بعد از این عده، دانشمندان اهل سنت مثل ابونعیم اصفهانی در اربعین و ثعلبی در تفسیر ده جلدی خود (متوفای سال ۴۲۷) و حاکم نیشابوری در مستدرک و ابن عساکر در تاریخ مدینه دمشق ۷۰ جلدی (متوفای ۵۷۱) و طبرانی در معجم کبیر و معجم صغیر (متوفای ۳۶۰ هجری قمری) و .. بیش از دویست و پنجاه حدیث صحیح درباره اوصاف امام زمان و عمر طولانی او و مسئله غیبت و اصلاح جهان در زمان امام و حکومت واحد جهانی و عدالت او روایت نقل شده است.

۴۷

خلف صالح

- ابن خشاب متوفای ۵۶۷ هجری در کتاب موالیدائمه با اسناد خود از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود: خلف صالح فرزند ابومحمد حسن العسگری است و او مهدی صاحب الزمان است.

و از امام کاظم روایت می نماید که فرمود: خلف صالح از فرزندان من است و مهدی اوست نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم است که در آخر الزمان ظهور می کند و نام مادرش صیقل می باشد.

ابن طلحه شافعی متوفای ۶۵۲ در مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول اشعاری را در وصف امام عصر علیه السلام آورده است.

- ابن جوزی متوفی ۶۵۴ هجری در تذکرة الخواص درباره یک یک ائمه اطهار علیهم السلام سخن گفته، از جمله این که درباره امام مهدی آورده است که: کنیه او ابوالقاسم است حجت باقی و صاحب الزمان و قائم منتظر اوست و هم او آخرین امام است.

سپس می نویسد:

عبدالعزیز بن محمود بن بزار از عبدالله بن عمر برای من روایت کرد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از فرزندان من در آخر الزمان ظهور می کند که

نامش مانند نام من و کنیه‌اش مثل کنیه من است او جهان را پر از عدل و داد می‌کند او همان مهدی است...

- ترمذی در صحیح جلد ۲ صفحه ۴۶ روایت آورده که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

- ابن صباغ مالکی متوفای ۸۵۵ در الفصول المهمه فی احوال الائمه در فصل دوازدهم آورده ابوالقاسم محمد الحجه، خلف صالح بن ابومحمد حسن، امام دوازدهم... او به تفصیل درباره آن حضرت سخن گفته است.

۴۸

حیات نورانی

- علامه گنجی شافعی صاحب کفاية الطالب درالبیان فی اخبار صاحب الزمان به تفصیل درباره آن حضرت مطالب آورده که در باب ۲۵ آمده: از هنگامی که غیبت نموده تاکنون زنده است و بقاء او تاکنون مانعی ندارد...

- سیوطی در جلد دوم روایت آورده که: مهدی از این امت است و او کسی است که عیسی پشت سرش نماز می‌خواند.

۴۹

امام مهدی علیه السلام در کتب تفسیری اهل سنت

۱. در تفسیر آیه شریفه: «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی

الارض کما استخلف الذین من قبلهم...»^۱.

یعنی: خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده که بی‌شک آنان را در این سرزمین جانشین کند چنان که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین ساخت.

ابن کثیر متوفای ۷۷۴ هجری قمری در تفسیر ۴ جلدی خود به نقل از صحیح مسلم می‌نویسد: از جابر ابن سمره نقل شد که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: سرنوشت این مردم تا زمانی که سرپرست آن‌ها دوازده مرد باشد از دست نمی‌رود.

سپس پیامبر ﷺ کلمه‌ای فرمود که من نفهمیدم از پدرم پرسیدم رسول خدا ﷺ چه فرمود: پدرم گفت: فرمود که همگی آنها (آن دوازده نفر) از قریش اند.

سپس ابن کثیر می‌گوید: و مهدی از آن ۱۲ نفر است که اسم او مثل اسم پیامبر و کنیه‌اش هم چون کنیه اوست و زمین را پر از عدل و داد می‌کند زمانی که پر از ظلم و جور شده باشد.^۱

۲. شبلینجی شافعی در نورالابصار درباره آیه شریفه: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین» از امام باقر ﷺ روایت آورده که فرمود: هنگامی که مهدی قیام کند پشت به کعبه کرده (تکیه دهد) و ۳۱۳ تن از پیروانش نزد او گرد آیند پس اولین چیزی که گوید این آیه است: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین...» این روایت را ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه باب دوازدهم نیز آورده است.

۳. در تفسیر نیشابوری در مورد آیه شریفه: «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون» آمده است که: مراد از این آیه مهدی منتظر است که خداوند در کلام خودش، قرآن کریم به او وعده داده است و از حضرت رسول خدا ﷺ رسیده که فرمودند: اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از امت من که اسم او چون اسم من و کنیه او چون کنیه من باشد قیام کند و زمین را پر از عدل سازد چنانچه از ظلم پر شده است.

در کتاب انهایه ابن کثیر، جلد ۱، صفحه ۲۴، آمده است: ابن عباس روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی طاووس اهل بهشت است.

۵۰

نکته‌ای مشترک

اختلافی در مورد امام زمان ﷺ در بین شیعیان و سنی‌ها وجود ندارد هر دو گروه (سنی و شیعه) اتفاق نظر دارند که امام عصر ﷺ در آخرالزمان ظاهر می‌شود و حضرت عیسی بن مریم پشت سر او به نماز می‌ایستد.

۱. تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۳۰۱.

در کتب اهل سنت درباره تولد امام مهدی علیه السلام مطالبی وجود دارد. این دسته از علمای اهل سنت معتقدند که مهدی فرزند امام عسگری علیه السلام است و تاکنون زنده است و در آخر زمان ظاهر می شود و زمین را پر از عدل و داد می کند و این بزرگان گفته های شیعیان را در این مورد تصدیق کرده اند که از جمله آنها عبارتند از: سبط ابن جوزی در کتاب تذکرة الخواص، عبدالوهاب شعرانی در عقائد الاکابر ابن الخشاب در تواریخ موالید الائمة و وفیاتهم، محمدبخاری حنفی در کتاب فصل الخطاب، احمد بن ابراهیم بلاذری در کتاب الحدیث المتسلسل و ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمة و کمال الدین بن طلحه در کتاب مطالب السئوال فی مناقب الرسول و عارف عبدالرحمن در کتاب مرآة الاسرار.

۵۱

شاهد مثال

در ینابیع المودة باب ۷۹ آمده که: **وَمِ یَخْلَفُ وَلِدَا غَیْرِ ابْنِ الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ الْمُنْتَظَرِ الْمَسْمُومِ بِالْقَائِمِ وَالْحِجَّةِ وَالْمُهَدِيِّ وَصَاحِبِ الزَّمَانِ وَخَاتِمِ الْأُمَّةِ الْإِثْنَا عَشَرَ عِنْدَ الْإِمَامِيَّةِ وَكَانَ مَوْلِدَ الْمُنْتَظَرِ لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ سَنَةِ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ أُمَّةً أُمَّ وَلِدٍ يُقَالُ لَهَا نَرْجِسٌ تُوْفِيَ أَبُوهُ وَهُوَ ابْنُ خَمْسِ سِنِينَ فَاخْتَفَى إِلَى الْآنِ...**

برای آن حضرت (منظور امام حسن عسگری علیه السلام) فرزندی نماند مگر ابوالقاسم محمد منتظر که نامیده شده است به قائم و حجة و مهدی و صاحب الزمان و خاتم امامان دوازده گانه نزد امامیه و تولد آن امام منتظر در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج بوده که مادرش را نرجس می گفتند و او در موقع وفات پدر بزرگوارش پنج ساله بوده و تا الآن مخفی و پنهان می باشد.

۵۲

فبری واضح و غیرقابل انکار

- ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری قمری در فتح الباری می گوید: اخبار

مهدی) به حد تواتر رسیده است که مهدی از این امت است و در هنگام ظهور عیسی بن مریم نازل می‌شود و پشت سر او نماز می‌خواند.^۱

- ابن حجر هیشمی در کتاب صواعق المحرقه می‌گوید: احادیثی که ذکر ظهور مهدی در آن‌ها آمده است بسیار زیاد و متواتر است.^۲

- پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: یکی از اهل بیت من حکومت را بدست می‌گیرد که اسمش اسم من است و هر آینه اگر از دنیا جز یک روز باقی نباشد خداوند آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا او حکومت کند.^۳

و در روایتی دیگر فرمود:

دنیا تمام نمی‌شود تا مردی از اهل بیت من بر اعراب حکومت کند که نامش نام من است.

رسول خدا ﷺ فرمود: ما اهل بیتی هستیم که خداوند به جای دنیا آخرت را برای ما برگزید و همانا اهل بیتم پس از من آوارگی و مصیبت‌های بسیاری می‌بینند تا اینکه قومی از سوی مشرق برمی‌خیزند که دارای پرچم‌های سیاه هستند و طلب خیر می‌کنند که (خیر) به آن‌ها داده نمی‌شود.

پس می‌جنگند و پیروز می‌شوند و هرچه بخواهند به آن‌ها داده می‌شود ولی این بار نمی‌پذیرند تا این که حکومت را به دست مردی از اهل بیتم واگذار می‌کنند که جهان را پراز عدل کند پس از آنکه پر از ظلم شده باشد.^۴

- مسند احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری و صحیح بخاری متوفای ۲۵۶ هجری از جمله کتب مشهور و معتبر اهل سنت است که قبل از تولد امام

۱. فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۲. صواعق المحرقه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۳. صحیح ترمذی، ج ۴، ص ۴۳۹، ح ۲۲۳۲ و ۲۲۳۰.

۴. سنن ابن ماجه قزوینی متوفای ۲۷۹ هجری قمری، ج ۲، ح ۴۰۸۲ و ۴۰۸۷.

قائم علیه السلام نوشته شده است و در آنها احادیث مربوط به امام قائم علیه السلام نقل شده است.^۱

۵۴

شش هزار خبر نورانی

رواجنی متوفای ۲۵۰ هجری قمری نیز از علمای اهل سنت است که کتابی به نام اخبارالمهدی را پیش از تولد امام عصر علیه السلام نوشته است مولف کتاب امام مهدی علیه السلام می نویسد: اگر اخبار رسیده از طریق شیعه و سنی روی هم شماره گردد روی هم رفته درباره امام مهدی علیه السلام به بیش از ۶۰۰۰ روایت بر می خوریم...^۲

۵۵

نقلی تاریخی

- مورخ معروف اهل سنت علی بن حسین مسعودی در کتاب خود، مروج الذهب آورده: در سال ۲۶۰ ابومحمد حسن بن علی علیه السلام... در زمان خلافت معتمد عباسی درگذشت او به هنگام درگذشت ۲۹ سال داشت و او پدر مهدی منتظر است.^۳

و در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که: اگر از عمر دنیا یک روز بیش تر باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از امت و خاندان من که نامش نام من است ظاهر شود و زمین را از عدل و داد پر کند چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.^۴

۵۶

گفتاری صحیح

ألوسی در غالیه المواعظ آورده:

۱. مسند احمد بن حنبل متوفای ۲۴۱ هجری قمری، ج ۱، ص ۸۴ و ۹۹ و ۴۴۸ و ج ۲، ص ۲۷ و ۳۷.

۲. کتاب امام مهدی علیه السلام، ص ۶۶.

۳. مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۹۹.

۴. الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۴.

«بر اساس صحیح‌ترین گفته‌ها نزد اکثر اندیشمندان ظهور مهدی از جمله نشانه‌های قیامت است و نظر برخی از اهل فضل... که آمدن وی را انکار نموده‌اند فاقد ارزش و اعتبار است...».

آلوسی پس از بررسی و تحقیق درباره روایات امام مهدی عج آورده: «مطالبی را که درباره مهدی بیان کردیم گفتاری است صحیح از اقوال اهل سنت و جماعت».^۱

محمد بن طلحه شافعی در مطالب السئول فی مناقب آل الرسول در وصف امام عصر ع می‌نویسد: «هو ابن ابی محمد العسگری و مولده بسامراء». او فرزند ابامحمد امام حسن عسگری است و محل تولدش سامراء بوده است.

ابن ابی‌الحدید نیز در شرح نهج‌البلاغه خود می‌گوید: اتفاق جمیع مسلمین بر این است که دنیا و تکلیف آن به پایان نمی‌رسد مگر بعد از ظهور حضرت مهدی عج.^۲

رسول خدا ص فرمود: مهدی موعود از عترت من و اولاد فاطمه است.^۳ و از همان حضرت نیز روایت کرده‌اند که فرمود: مهدی طاووس اهل بهشت است.^۴

رسول خدا ص فرمود: مهدی ما پیشانی بلند و بینی باریک دارد...^۵ - قندوزی نیز در ینابیع‌المودة آورده که خبر معلوم و مسلم در نزد موثقان این است که ولادت قائم عج در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامرا واقع شده است.^۶

- رسول اکرم ص فرمود:

۱. الامام‌المهدی عند اهل السنه، ج ۲، ص ۱۵۸ و ۱۶۰، «آلوسی تفسیر قرآنی دارد به نام روح المعانی، او آیاتی که در مورد اهل بیت و خصوصا در شأن مولی‌الموحدين علی علیه السلام آمده را مکرر انکار نموده است اما یک چنین شخصی در مقابل امام مهدی عج و روایات آن تسلیم شده است چون هیچ شبهه و شکی وجود ندارد.

۲. نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۵۳۵.

۳. فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۴.

۴. فصول المهمه، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۴.

۵. ینابیع‌المودة، قندوزی، ج ۳، ص ۱۶۳.

۶. ینابیع‌المودة، ج ۳، ص ۱۱۴.

مردی از ماوراءالنهر که او را حارث بن حرّاث می‌گویند قیام می‌کند. در پیشاپیش او مردی در حرکت است که نامش منصور است. و زمینه را برای حکومت آل محمد آماده می‌سازد...^۱

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «یخرج ناس من المشرق فیوطنون للمهدی».^۲

یعنی: مردمی از مشرق زمین برمی‌خیزند که زمینه‌ساز حکومت مهدی علیه السلام خواهند بود.

۵۷

بهترین اصحاب نقل حدیث کرده‌اند

- صاحب غایه‌المامل می‌گوید: بین علمای گذشته و حال مشهور است که باید مردی از اهل بیت در آخر الزمان ظهور کند که نامش مهدی است. او سپس می‌نویسد روایت مهدی را جماعتی از بهترین اصحاب نقل کرده و بزرگان از محدثین مانند ابوداود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابویعلی، بزاز، امام احمد بن حنبل و حاکم، در کتاب‌های خود آورده‌اند، سپس تأکید می‌کند که: اشتباه کرده است کسی که احادیث مهدی را تخطئه کند و آن‌ها را نادرست بداند.

۵۸

معرفی کتب و منابع اهل سنت

حدود ۶۰ کتاب از کتب مرجع اهل سنت در مورد امام مهدی علیه السلام روایات آمده که از جمله آن کتب می‌توان مستدرک صحیحین، تاریخ بغداد ۱۴ جلدی نوشته خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳ هجری قمری، جامع ترمذی، صحیح مسلم و تأویل مختلفه‌الحدیث و استیعاب فی اسماء‌الاصحاب نوشته ابن‌عبدالبر ۲۴ جلدی متوفای ۴۶۳ هجری قمری، تاریخ ابن‌عساکر، مصابیح‌السنه و موارد دیگر را نام برد. کتبی که اهل سنت پیرامون موضوع امام عصر علیه السلام تألیف کرده‌اند:

۱. سنن ابی داود، جزء ۶، ص ۱۶۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷، این روایت در حدود بیست کتاب از کتب اهل سنت وارد شده است.

عقدالدرر فی اخبارالامام المنتظر نوشته شیخ جمال‌الدین یوسف الدمشقی یکی از اعلام قرن هفتم هجری، القول‌المختصر فی علامات المهدي المنتظر تألیف ابن حجر متوفای ۸۵۲ هجری قمری، العرف‌الوردی فی اخبار المهدي نوشته سیوطی متوفای ۹۱۱، علامات المهدي نوشته سیوطی، احوال صاحب الزمان نوشته شیخ سعدالدین حموی.

۵۹

نوری برتر

- علامه گنجی در کتاب‌البیان فی اخبار صاحب الزمان پس از اعتراف به صحت خبرهای وارده درباره امامت امام زمان در نماز و جهاد و اجماعی بودن این تقدم و امامت، با بیان مفصلی ثابت می‌کند که آن حضرت به ملاک این امامت از حضرت مسیح برتر است.^۱

۶۰

انکار نبوت همه انبیاء

رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که قائم از فرزندان مرا انکار کند بدرستی که مرا انکار کرده است.^۲

- قندوزی روایت کرده که پیامبر اکرم ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند اول ایشان، ای علی تویی و آخر ایشان قائم است که خدا با دست او مشارق و مغارب زمین را می‌گشاید.^۳

۶۱

اجرای همه احکام اسلام

رسول خدا ﷺ در مورد ایام حکومت حضرت مهدی می‌فرماید...برای ما دولتی هست که در آینده مقرر است و پس از دولت ما، دیگر دولتی نخواهد

۱. البیان فی اخبار صاحب الزمان، ص ۴۹۸.

۲. ینابیع‌المودة، ص ۴۵۸.

۳. ینابیع‌المودة، ص ۴۹۳.

بود.^۱ و در روایت دیگری فرمود: در پایان روزگار امت من زمام داری (حضرت مهدی) می‌آید که بی‌دریغ و بی‌شمارش عطا و اسلام را با تمام ابعادش پیاده می‌کند.^۲

۶۲

دورنمای کلی موضوع

در کتاب منتخب‌الاثار احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را مؤلف با بیش از ۶۰ مصدر معتبر از اهل سنت من جمله از صحاح شش گانه و بیش از ۹۰ مصدر از کتابهای شیعیان من جمله کتب اربعه نقل کرده و آورده است. تمامی احادیث اهل سنت و شیعیان درباره امام مهدی علیه السلام که در کتابها و مصادر خود به نقل از حضرت رسول یا ائمه اطهار علیهم السلام آورده‌اند و آیات قرآنی که تاویلش درباره امام عصر علیه السلام می‌باشد در کتاب وزین و وسیع «معجم احادیث الامام‌المهدی» به طور زیبا جمع‌آوری شده است.^۳

- روایت‌ها در باب مهدویت که از طریق شیعه و سنی نقل شده به بیش از ۶۰۰۰ روایت می‌رسد مُسَلَّم باید توجه داشت هر موضوعی بیشتر تکرار شده است قطعاً بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد مثلاً اگر پدری مطلبی را درباره فرزندش به کُرّات تکرار کند آن فرزند و دیگران می‌یابند که این مطلب به طور خاص بیشتر مورد توجه پدر است لذا در باب مسائل دینی کم مبحثی را داریم که پیرامون آن ۶۰۰۰ حدیث نقل شده باشد و این نهایت اهمیت موضوع می‌باشد فافهم و تأمل.

۶۳

آمار و فهرست عددی روایات درباره امام مهدی علیه السلام

در اینجا بخشی از آمار احادیث امام مهدی علیه السلام از کتاب شریف منتخب‌الاثار

۱. نورالابصار، ص ۲۳۱.

۲. صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

۳. معجم احادیث الامام‌المهدی چاپ بنیاد معارف اسلامی قم که در پنج جلد به اتمام رسیده و چاپ شده است این کتاب در نوع خود مجموعه‌ای بی‌نظیر می‌باشد.

آورده می‌شود. امام مهدی مردم را به هدایت و قرآن و سنت برمی‌گرداند: ۱۵ حدیث.

روش او روش پیغمبر ﷺ می‌باشد: ۳۰ حدیث.

ولادتش پنهان می‌باشد: ۱۴ حدیث.

او از خاندان و ذریه پیامبر ﷺ است: ۳۸۹ حدیث.

اسم پدرش حسن ﷺ است: ۱۴۷ حدیث.

در این کتاب صرف نظر از احادیث فوق حدود ۲۰۰۰ حدیث پیرامون بقیه ابعاد زندگی امام عصر ﷺ آورده شده است.^۱

در فصل سوم باب اول این کتاب نام بسیاری از علمای اهل سنت که قائل به امامت و حیات امام عصر ﷺ بوده‌اند نیز ذکر شده است.

هم‌کنیه بودن امام زمان با رسول خدا ﷺ به تعداد ۴۸ حدیث در کتب روایی شیعه آمده است.

امام عصر ﷺ دارای القاب بسیاری است حاجی نوری برای آن امام بیش از ۱۵۰ لقب همراه با مستندات روایی در کتاب خود آورده، و مرحوم میزرا جواد آقا ملکی تبریزی نیز در جلد اول کتاب المراقبات القابی را برای امام بر شمرده است.

اباصالح از القاب امام عصر ﷺ است که حاجی نوری در این زمینه آورده است: این لقب در اخبار خاصه (شیعه) مأخذی ندارد مگر خبری که احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب محاسن از ابوبصیر نقل کرده که او می‌گوید امام صادق ﷺ فرمود: هرگاه در راه گم شدی بگو: یا صالح (یا اباصالح) ارشدنا ای الطریق رحمکم الله.

علی بن اسی حمزه می‌گوید: ما در راه گم شدیم و این ذکر را که گفتیم راه را به ما نشان دادند.

و اباصالح که در عرب به آن کنیه گفته می‌شود وجود فرزندی را برای امام عصر ﷺ به نام صالح اثبات نمی‌کند و به کارگیری کنیه در عرب الزاما به معنای وجود حقیقی فرزند نمی‌باشد.^۲

۱. نوید امن و امان، ص ۶۷

۲. نجم‌الثاقب، ص ۵۷۳

امام مهدی علیه السلام دوازدهمین امام است: ۱۸۵ حدیث آمده است.

امام مهدی علیه السلام یازدهمین فرزند امام علی علیه السلام است: ۲۱۴ حدیث.

مهدی علیه السلام از سلاله فاطمه زهرا علیها السلام: ۱۹۲ حدیث.

مهدی علیه السلام نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است: ۳۰۸ حدیث.

امام مهدی علیه السلام فرزند سایر امامان به تفکیک نقل شد جمع آنها به ۹۶۹

حدیث می‌رسد.

امام مهدی فرزند بلافضل از صلب مطهر امام عسگری است: ۲۹۳ حدیث.

غیبت آن حضرت به صغری و کبری تقسیم می‌شود: ۱۰ حدیث.

اشاره به عمر طولانی امام: ۳۱۸ روایت.

دولت امام زمان علیه السلام و پر شدن زمین از عدل و داد: ۱۲۳ روایت.

حضور یاران امام در کنار ایشان به سرعت یک چشم بر هم زدن: ۲۵

حدیث.

حضرت عیسی علیه السلام به امام در نماز اقتداء می‌کند: ۲۹ حدیث.

منادی آسمانی حضرت را با اسم معرفی می‌کند: ۲۷ حدیث.

بخش ۶

تولد امام مهدی عج



۶۴

عامل دلگرمی شیعیان

مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: در سال ۲۳۵ هجری به دستور متوکل عباسی امام دهم حضرت هادی و فرزند خردسالش امام حسن عسگری عج را از مدینه به سامرا پایتخت خود احضار کرد و در محله عسکر تحت نظر قرار داد.

علت آن این بود که به متوکل خبر دادند جنب و جوشی در میان شیعیان پدید آمده و آن‌ها نزدیک بودن زمان ولادت قائم موعود را به یکدیگر نوید می‌دهند. و شخص او را در خانه امام دهم و فرزند جوانش جستجو می‌کنند. متوکل دستور داد تا مأمورین زن و مرد بر خانه امام گماشتند تا از تولد امام مهدی عج مطلع شود حتی خلفای بعد از متوکل نیز همین رویه را تعقیب کردند.

متن نامه متوکل

خلیفه پلید عباسی متوکل نامه‌ای برای امام هادی علیه السلام نوشت که طی آن نامه نیرنگ‌آمیز، امام هادی و امام حسن عسگری علیهما السلام در واقع با زور از مدینه به سامرا تبعید شدند و در محاصره نیروهای نظامی قرار گرفتند و امام عسگری علیه السلام در سن کمتر از پنج سالگی بود که به همراه پدر بزرگوارشان از مدینه به سامرا انتقال یافتند.

متوکل بارها می‌گفت که موضوع ابن‌الرضا مرا خسته و درمانده کرده است لذا با نامه منافقانه‌اش منجر به اقامت اجباری امام عسگری در سامرا شد.^۱

- متن نامه متوکل عباسی به امام هادی علیه السلام و امام حسن عسگری علیهما السلام:

بسم الله الرحمن الرحيم

اما بعد، همانا امیرالمؤمنین (یعنی متوکل عباسی) قدر تو را می‌شناسد و خویشاوندی تو را (با پیغمبر صلی الله علیه و آله و هم با خود) رعایت می‌کند و حق تو را لازم می‌داند و برای اصلاح تو و خانواده‌ات و عزت و خوشبختی تو و آسودگی تو و ایشان هر چه لازم باشد فراهم می‌کند و از این رفتار خشنودی پروردگار و انجام حقی که از تو و ایشان بر او واجب است طلب می‌کند.^۲

امیرالمؤمنین مشتاق دیدار و تجدید عهد با شما است شما هم تا هر زمانی که می‌خواهی دیدار و اقامت نزد او داشته باشی حرکت کن...^۳

۱. در بین ائمه اطهار علیهم السلام فقط امام عسگری علیه السلام است که به علت حصر نتوانستند حج و عمره به عمل آورند، لذا شایسته است مؤمنین از طرف آن امام نیابتاً این اعمال را بجا آورند.

۲. امام عسگری با شش تن از خلفای سفاک بنی‌عباس معاصر بودند که آن‌ها عبارتند از متوکل - منتصر - مستعین - المعتز - مهتدی - معتمد.

۳. به امام جواد و امام هادی و امام عسگری علیهم السلام ابن‌الرضا می‌گفته‌اند.

۶۷

سری پنهان

در روایات است که وصلت و ازدواج امام عسگری علیه السلام نیز به طور سری و ساده آن هم در خانه عمه‌اش انجام گرفت.

- به خاطر وضعیت حساس و مراقبت شدید، امام دهم مادر امام زمان علیه السلام را به عمه‌اش حکیمه سپرد تا او را در خانه خود نگاه دارد.

از این رو هیچ کسی از ازدواج امام حسن عسگری و تولد امام مهدی علیه السلام خبری نداشت این قرنطینه شدید آنچنان بود که حتی حضرت وقتی به عمه‌اش فرمود: امشب مولود ما (امام مهدی علیه السلام) قدم به عالم وجود می‌گذارد و آن راز بزرگ الهی آشکار می‌شود.

حکیمه می‌پرسد: این مولود از کدامیک از بانوان است؟
حضرت می‌فرماید: از نرجس.

حکیمه می‌گوید: من اثر حاملگی در نرجس نمی‌بینم.
حضرت می‌فرماید:

(همین که گفتم) او مانند مادر موسی است که تا لحظه وضع حمل کسی از وضع او اطلاع نداشت.

۶۸

تولدی اسرارآمیز

حدود دو قرن قبل از تولد امام مهدی علیه السلام روایاتی نقل شده که حکایت بر پنهان بودن تولد آن امام دارد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: ولادت قائم ما بر مردم پوشیده می‌ماند و خودش از نظرها غائب می‌شود.

امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: خداوند ولادت قائم ما را پوشیده می‌دارد و خود او از نظرها پنهان می‌گردد تا وقتی آشکار گردد بیعت کسی بر گردن او نباشد.

امام سجاد^{علیه السلام} می‌فرماید: قائم ما ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند تا جائی که مردم می‌گویند چرا تاکنون متولد نشده است؟
 امام باقر^{علیه السلام} به عبدالله بن عطاء می‌فرماید: ای پسر عطا من صاحب الزمان نیستم نگاه کنید آنکس که ولادتش بر مردم پوشیده می‌ماند صاحب الامر شماست.

۶۹

شرحی کوتاه از زندگی مادر امام مهدی^{علیه السلام}

بشیرابن سلیمان می‌گوید:

در شبی از شبها در خانه خود بودم که درب به صدا درآمد لباسم را به تن کرده و برای باز کردن درب راهی شدم با تعجب «کافور» غلام امام علی النقی^{علیه السلام} را در پشت درب دیدم.

هراسان از او پرسیدم چه شده که این وقت شب به نزد من آمده‌ای کافور گفت: حضرت شما را احضار کرده‌اند قدری در فکر فرو رفتم اما وقتی اصرار کافور را دیدم زمان را تلف نکردم به داخل برگشته لباس کامل به تن کرده و به دیدار حضرت رفتم وقتی خدمت امام رسیدم در نزد ایشان امام حسن عسگری^{علیه السلام} و خواهرش حکیمه خاتون که در پس پرده قرار داشت نیز حضور داشتند.

۷۷

حضرت بعد از کمی مکث و سکوت رو به من کرد و گفت: ای «بشیرابن سلیمان انصاری» تو از اولاد انصار هستی و دوستی شما نسبت به اهل بیت پیوسته میان شما برقرار بوده به طوری که فرزندان شما نیز آن را به ارث خواهند برد و شما مورد وثوق ما می‌باشید.

در این وقت متوجه شدم که امام مطالب مهمی دارند سرا پا گوش شدم و کاملاً توجه خود را معطوف به سخنان حضرت کردم با این حال اضطرابی خاص داشتم و انتظار می‌کشیدم، حضرت سپس ادامه دادند که می‌خواهم تو را فضیلتی دهم که در مقام دوستی با ما بر سایر شیعیان پیشی‌گیری.

با این سخن حضرت، رغبتم برای شنیدن بیشتر شد و شادی خاصی مرا فرا گرفت.

حضرت از رازی مرا خبر دادند سپس کاغذ و قلم آوردند و نامه‌ای با خط خوش و به زبان رومی نگاشتند اگر چه برای من تعجیبی از زبان رومی نگاشتن امام نبود اما بدنبال مقصود کار می‌گشتم.

بالاخره نامه نگاشته شد و (ممهور به خاتم مبارک نیز گشت)^۱ پس از آن حضرت رو به من کرد کیسه زری که در آن دویست و بیست اشرفی بود بیرون آورده و به من داد حضرت در حالی که کیسه را به من داد گفتند، به بغداد می‌روی و صبح فلان روز در سر پل فرات حضور می‌یابی.

چون کشتی حامل اسیران نزدیک شد و اسیران را دیدی، می‌بینی که مشتریان (برای خرید بردگان رومی) فرستادگان اشراف بنی‌عباس و قلیلی از جوانان عرب می‌باشند در این موقع مواظب شخصی به نام «عمر بن زید» برده فروش باش او قصد دارد کنیزی را با اوصافی مخصوص از جمله: دو لباس حریر پوشیده که خود را از معرض فروش و دسترس مشتریان حفظ می‌کند به مشتریان عرضه کند.

در این وقت صدای ناله‌ای به زبان رومی به گوش تو خواهد رسید که از اسارت و هتک احترام خود می‌نالد و در این زمان یک مشتری نزد عمر بن زید می‌رود و برای خرید او پیشنهاد سیصد دینار می‌کند اما آن کنیز به زبان عربی از پشت پرده شروع به سخن با او، کرده و به او می‌گوید: اگر تو حضرت سلیمان و دارای حشمت او نیز باشی نخواهم گذاشت مرا به تو بفروشند، بیهوده مال خود را تلف مکن زیرا که اگر چنین کنند من خود را خواهم کشت.

«عمر بن زید» در این هنگام با صدای بلند می‌گوید: پس چاره چیست و تکلیف من چه می‌باشد؟ و با کنیز اتمام حجت می‌کند که من تو را خواهم فروخت در این زمان کنیز می‌گوید: چرا شتاب می‌کنی قدری

۱. بر، نامه مهر زدند.

تحمل داشته باش حتما خریداری که من انتظار او را می‌کشم و قلب من به او و امانت او آرام می‌گیرد خواهد آمد.

در این هنگام فرصت را غنیمت شمار و نزد فروشنده برو و بگو من حامل نامه‌ای هستم که یکی از بزرگان به خط و زبان رومی نوشته است نامه را به کنیز بده تا درباره نویسنده آن بیندیشد سپس او را از فروشنده خریداری کن و نزد ما بیاور.

۷۰

در کنار فرات

بشیر می‌گوید: من برای سفر آماده شدم از سامرا به بغداد و از آنجا به کنار فرات رفتم انتظار کاروانی با مشخصات گفته شده را می‌کشیدم تمامی حواسم را جمع کرده بودم تا اشتباهی رخ ندهد بالاخره انتظار به پایان رسید صدای نزدیک شدن کجاوه‌ها به گوش می‌رسید.

پس از اینکه مشخص شد کجاوه‌ها حامل کنیزانی است که برای فروش آورده شده‌اند عده‌ای با شتاب به طرف آن‌ها حرکت کردند من نیز به سرعت حرکت خود افزودم و مرتب به این طرف و آن طرف می‌رفتم و هر صدایی که از کنیزان بلند می‌شد، سعی در شنیدن آن داشتم.

با خود می‌گفتم، نکند صحبتی گفته شود و من نشنوم، بعد به خود دل داری می‌دادم و می‌گفتم، آنچه امام فرموده رخ خواهد داد.

در این موقع صدایی به گوشم رسید که حاکی از اعتراض یکی از برده فروش‌ها به یکی از کنیزان بود، وقتی بیشتر توجه کردم دیدم به آنچه امام فرموده بودند نزدیک می‌شوم و وقتی خوب توجه کردم تکلم عربی زن به گوشم رسید، آرامش خاصی یافتم، پس از اینکه خریداری پیشنهاد سیصد درهم کرد بود فروشنده حاضر به فروش شده بود ولی کنیز تهدید به خودکشی نمود مطمئن شدم که به مقصود رسیده‌ام این بود که جلو رفتم و نامه امام را به کنیز رومی دادم نامه را گرفت و وقتی چشم به نوشته

انداخت اختیار از کف داد و شروع به گریستن کرد، کنیز خطاب به فروشنده گفت: مرا به صاحب این نامه به فروش و سوگند یاد کرد که اگر از فروش او به صاحب نامه خودداری شود خود را هلاک خواهد کرد من در تعیین قیمت او با فروشنده گفتگوی بسیار کردم تا به همان مبلغ که امام به من داده بود راضی شد.

پول را به وی تسلیم نمودم و با کنیز که خندان و شادان بود به محلی در بغداد آمدم در آن حال با بی‌قراری زیاد نامه امام را بیرون آورده و می‌بوسید و روی دیدگان خود می‌نهاد.

من گفتم، عجب! نامه‌ایی را می‌بوسی که نویسنده آن را نمی‌شناسی.

گفت: ای درمانده کم معرفت! گوش فراده و دل سوی من بدار، تا رازی را برای تو که امانتدار امام شیعیان هستی باز گویم من «ملیکه» دختر «یشوعا» پسر قیصر روم هستم مادرم از فرزندان حواریون است و به شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام نسیم می‌رسد.

قیصر پدربزرگ من قصد داشت تا مرا که تنها سیزده سال داشتم به عقد و ازدواج برادرزاده‌اش درآورد لذا سیصد تن از کشیشان بزرگ مسیحی از دودمان حواریون حضرت عیسی علیه السلام و هفتصد نفر از اعیان و اشرف و چهار هزار نفر از امراء و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت و همچنین اسقف اعظم را در مراسم بسیار با شکوهی دعوت کرد، تختی آراسته بودند که با انواع جواهرات قیمتی تزیین شده و بر روی چهل پایه بنا شده بود. همه شرکت کنندگان بهترین لباسهای خود را پوشیده و بهترین جواهرات را به خود آویخته بودند و بی‌صبرانه انتظار ورود عروس و داماد را می‌کشیدند، بالاخره انتظار به پایان رسید، قیصر روم با شکوه و جلال وارد مجلس شد و سپس پسر عموی پدرم وارد شد و آهسته با کمک کسان خود بر روی تخت قرار گرفت اسقفها آماده جاری کردن عقد بودند.

صلیبها آراسته شد و انجیلها آماده، اسقف اعظم نیز برای اجرای عقد آماده گشت همه چیز همانطور که انتظار می‌رفت پیش رفته بود اسقف

اعظم انجیل را گشود اما تا لب به سخن باز کرد ماجرای حیرت انگیزی رخ داد.

صلیب‌ها فرو افتاد و پایه‌های تخت متزلزل گشت و داماد از بالا به زیر افتاد و بی‌هوش شد، همه در حیرت فرو رفتند و چهره‌ها در هم گرفته شد و شادی که در مجلس حاکم بود مبدل به ناراحتی گشت، اسقف اعظم رو به قیصر روم کرد و با حالتی همراه با التماس گفت: پادشاه ما را از مشاهده این اوضاع منحوس که نشانه زوال دین مسیح و مذهب پادشاهی است معاف بدار!

اما قیصر برآشفته شده و گفت:

باید بار دیگر مجلس ترمیم شده و صلیبها استوار گردد و دستور داد داماد را بیاورند تا هر طور که هست به عقد من در آورده شود اما چون دوباره همه چیز آماده گشت، چهره نگران کشیشان وحشت عجیبی در دل حاضران انداخته بود، اسقف اعظم نیز در حالی که بسیار نگران و مضطرب به نظر می‌رسید انجیل را گشود اما باز هنوز لب نگشوده بود که وضعیت قبل تکرار شد.

حاضران هراسناک پا به فرار گذاشته و از مجلس گریختند و مراسم عروسی انجام نشد.

حضرت نرجس خاتون علیها السلام در ادامه افزودند: شب هنگام در خواب حضرت عیسی و شمعون وصی او و گروهی از حواریون را دیدم که در قصر قیصر و پدربزرگم اجتماع کرده‌اند و در جای تخت زرین منهدم شده منبری نورانی قرار گرفته است چیزی نگذشت که محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر خاتم و داماد و جانشین او و جمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند حضرت عیسی علیه السلام به استقبال شتافت و با محمد صلی الله علیه و آله معانقه کرد و محمد صلی الله علیه و آله فرمود: یا روح‌الله! من به خواستگاری دختر

وصی شما شمعون، برای فرزندم آمده‌ام و در این هنگام اشاره به امام حسن عسگری علیه السلام نمود. حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرده و گفت: شرافت به سوی تو روی آورد با این وصلت با میمنت موافقت کن، وصل کن رحم خود را به رحم آل محمد علیهم السلام^۱ او هم گفت: موافقم.

پس محمد صلی الله علیه و آله بالای منبر نورانی رفت و خطبه‌ای فرمود و مرا برای فرزندش تزویج کرد و حضرت عیسی و فرزندان خود و حواریون را گواه گرفت.

چون از خواب برخاستم از بیم جان خود خواب را برای پدرم پدربزرگم نقل نکردم و همواره آن را پوشیده می‌داشتم.

بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام حسن عسگری علیه السلام موج می‌زد که از خوردن و آشامیدن باز ماندم و کم‌کم لاغر و رنجور گشتم و بیماری سختی مرا فرا گرفت.

پدربزرگم تمام پزشکان را احضار نمود و از مداوای من سؤال کرد و چون مایوس گردید گفت: نور دیده: هر خواهشی داری بگو تا در انجام آن بکوشم؟ گفتم: پدرجان! اگر در به روی اسیران مسلمان بگشایی و آن‌ها را از قید و بند و زندان آزاد گردانی امید است که عیسی و مادرش مرا شفا دهند.

قیصر تقاضای مرا پذیرفت و من نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم و کمی غذا خوردم پدربزرگم نیز از این واقعه خشنود گردید و سعی در رعایت حال اسیران مسلمین و احترام آنان نمود.

۷۲

شب چهاردهم

حضرت نرجس خاتون علیها السلام در ادامه فرمود:

۱. بر خلاف تصور عامه با این که شمعون جد مادری نرجس است و غالباً می‌بایست نسب و حسب و انتقال نسل از طرف پدر باشد یکبار دیگر انتقال ذریه شمعون از ناحیه نرجس به خاندان عصمت و طهارت وصل می‌شود. نرجس نوه سزار بار داس است که لقب وی به عربی قیصر است.

چهارده شب بعد از این ماجرا باز در خواب دیدم که حضرت فاطمه علیها السلام با حضرت مریم و حواریون بهشتی به عیادت من آمده‌اند.

حضرت مریم رو به من نمود و فرمود: این بانوی بانوان جهان و مادر شوهر تو است من دامن مبارک او را گرفتم و گریه نمودم و از نیامدن امام حسن عسگری علیه السلام به دیدنم شکایت کردم حضرت زهرا علیها السلام فرمود: او به عیادت تو نخواهم آمد زیرا تو مشرک به خدا و پیرو مذهب نصاری هستی. سپس فرمود: این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می‌برد اگر می‌خواهی خدا و عیسی و مریم از تو خشنود باشند و میل داری فرزندم به دیدن بیاید به یگانگی خداوند و اینکه محمد پدر من، خاتم پیامبران است گواهی بده.

چون این کلمات را ادا نمودم فاطمه علیها السلام مرا در آغوش گرفت و بدین گونه حالم بهبود یافت سپس فرمود: اکنون منتظر فرزندم باش که او را نزد تو خواهم فرستاد چون از خواب برخاستم شوق زیادی برای ملاقات حضرت در خود حس کردم.

۷۳

شب فراق پایان یافت

شب بعد امام را در خواب دیدم و در حالی که از گذشته شکوه می‌نمودم فرمودند نیامدن من پس از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (ما را به عقد هم درآورد)، علتی جز مذهب سابق تو نداشت و اکنون که اسلام آورده‌ای به دیدن من می‌آیم.

بشرین سلیمان پرسید، چطور شد که به میان اسیران افتادی؟

نرجس خاتون گفت: در یکی از شبها در عالم خواب امام حسن عسگری علیه السلام فرمود: فلان روز قیصر لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد تو هم به طور ناشناس در لباس خدمتکاران همراه عده‌ای از کنیزان از فلان راه به آن‌ها ملحق شو.

سپس پیشقراولان اسلام مطلع شدند و ما را اسیر گرفتند و کار من به اینگونه که دیدی انجام پذیرفت ولی تاکنون به کسی نگفتم که نوه پادشاه روم هستم حتی پیرمردی که در تقسیم غنائم جنگی، من جزء سهم او بودم نامم را پرسید ولی من اظهار نکردم و گفتم: نرجس. گفتم: عجیب است که تو رومی هستی و عربی را بسیار خوب تکلم می کنی؟!

گفت: جدم در تربیت من جهدی بلیغ داشت او زنی را که چندین زبان می دانست معین کرده بود که صبح و شام نزد من آمده زبان عربی به من بیاموزد و به همین جهت عربی را به خوبی آموختم. چون به سامرا رسیدیم با عزت و احترام شاهزاده رومی را به خدمت امام بردم و حضرت پس از دیدن او شاد شدند امام از او پرسیدند: عزت اسلام و ذلت نصاری و شرف خاندان پیغمبر ﷺ را چگونه دیدی؟ گفت: درباره چیزی که شما از من دانایتر می باشید چه عرض کنم؟ فرمود: می خواهم ده هزار دینار یا مژده ای مسرت انگیز به تو بدهم، کدام یک را انتخاب می کنی؟

عرض کرد: مژده فرزندی به من دهید! فرمود: تو را مژده به فرزندی می دهم که شرق و غرب عالم را مالک شود جهان را از عدل و داد پر گرداند وقتی که پر از ظلم و جور شده باشد.

در این وقت امام گفت به خواهرم حکیمه بگویند نزد من بیاید، چون آن بانوی محترم آمد، فرمود: خواهر این زن همان است که گفته بودم حکیمه خاتون آن بانو را مدتی در آغوش گرفت و از دیدارش شادمان گردید. امام ﷺ خطاب به خواهرش گفت: ای دختر رسول خدا ﷺ او را با خود به منزل ببر و به او دستورات دینی را بیاموز زیرا که او همسر فرزندم حسن و مادر قائم آل محمد ﷺ است.^۱

۱. منتهی الامال، ابن بابویه و شیخ طوسی نیز به سندهای معتبر این جریان را نقل کرده اند.

رحلت مادر امام عصر و غفلتی بزرگ

مادر بزرگوار حضرت حجة بن الحسن (علیه آلاف التحية و الثناء) طبق بعضی نقل‌ها دو سال قبل از شهادت امام حسن عسگری در حالی که امام عصر سه ساله بودند از دنیا رحلت کردند.^۱

- مادر حضرت مهدی نامش ملیکه، ملیکا، سوسن، حکیمه، خمس، مریم، ریحانه، سبیکه، صیقل، و نرجس بوده است.

- مادر امام عصر از طرف پدری دختر یوشعا فرزند امپراتور روم شرقی بود و از طرف مادر نوه شمعون است که از یاران مخصوص حضرت عیسی بن مریم و وصی او نیز بود.^۲

پرستار میدان جنگ

- مادر امام عصر با عده‌ای برای پانسمان زخم‌های سربازان مجروح به جبهه عزیمت کرد و این جنگ در جنوب شرقی اروپا میان رومیان و ارتش اسلام رخ داده بود.

پیش‌تازان اسلام بعد از شکست دادن دشمن به این اکیپ برخورد کرده آن‌ها را اسیر کردند و هیچ کس متوجه نشد که دختر قیصر هم در میان آن‌ها است.

تا اینکه توسط بشیر بن سلیمان که یکی از دوستان امام عسگری و از

۱. حیاة الامام المهدی، ص ۱۱۶.

در این که تاریخ رحلت مادر گرامی امام عصر متعدد نقل شده شکی نیست ولیکن در این میان نایبستی در تنها کشور شیعی در جهان، روزی را به نام رحلت مادر امام عصر تعیین نمود تا بدین وسیله به ساحت آن امام عزیز عرض ارادتی شده و در ادای حق موده القربی و ادای اجر رسالت نبی اکرم اقدامی شده باشد.

این که روزی را با این مناسبت اختصاص دهیم و به نقطه مشترک در مورد تعیین روز رحلت مادر امام عصر به اجماع برسیم. کار سختی به نظر نمی‌آید، لذا ضرورت دارد متولیان که در این خصوص وظیفه دارند در تعیین این روز ولو به طور اجماعی اقدام لازم را به عمل آورند تا پرونده این غفلت بزرگ بسته شود. ان شاء الله

۲. نرجس بر اساس حروف ابجد ۳۱۳ می‌شود.

نسل ابویوب انصاری بود در زمان امام هادی علیه السلام توسط آن صحابی خریده شد و نزد امام آورده شد.

۷۶

نور بی‌پایان رسید

چون لحظه ولادتشان فرا رسید نوری شدید فضای اتاق را فرا گرفت به طوری که نرجس خاتون از دیدگان حضرت حکیمه عمه امام عسگری علیه السلام که به دستور امام یازدهم در آن شب تاریخی به سبب یاری رسانی در امر ولادت حضرت مهدی علیه السلام در منزل امام مانده بود پنهان شد و لحظه‌ای بعد در میان بهت و حیرت و نگرانی حکیمه خاتون نوزادی نمایان شد و امر ولادت تحقق یافت.^۱

نیمه شعبان ۲۵۵ هجری نزدیک طلوع فجر حکیمه خاتون عمه پدر امام عصر علیه السلام و دختر امام جواد فرزند را گرفت در حالی که بر بازویش با نور نوشته شده بود: «**جالحق و زهق الباطل**».

از امام رضا علیه السلام نقل شده که او با دو زانوی خود روی زمین قرار می‌گیرد در حالی که انگشت سبابه‌اش را به طرف آسمان بلند کرده عطسه می‌کند و می‌گوید: «**الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله عبد ذاکر لله غیر مستکف ولا مستکبر...**».

همین که آن حضرت پا به عرصه وجود نهادند سر به سجده گذاشتند و پس از ادای شهادت به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امامت یازده امام قبل از خود، از امامت خویش سخن گفتند و از خداوند سبحان مسالت کردند که ظهورشان در وقت مقرر تحقق یابد تا بدست عدالت گستر ایشان دنیا پر از قسط و عدل و داد شود.^۲

از غیاث بن اسد روایت شده که از جناب محمد بن عثمان که یکی از نواب اربعه امام زمان علیه السلام بوده است شنیدم که فرمود:

۱. منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۸۵.

۲. منتهی الامال، ج ۲، ص ۲۸۵.

هنگامی که حجت منتظر متولد شدند نوری از بالای سرشان ساطع گردید و حضرت عرضه می‌داشتند: خداوندا به یگانگی تو اعتراف می‌کنم و گواهی می‌دهم که ملائکه آسمان و صاحبان علم و عدل و داد قیام می‌کنند و نیست خدایی جز او که حکیم و مقتدر است خداوندا تنها دینی که نزد تو اعتبار و رسمیت دارد اسلام است.^۱

۷۷

منجمین چه گفتند

تولد امام مهدی عج در سپیده دم جمعه در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری مطابق با ۸۶۸ میلادی در شهر سامرا در خانه امام یازدهم بود.^۲ در زمان تولد امام عصر عج در شهر قم یک منجم یهودی زندگی می‌کرد احمد بن اسحاق وکیل امام حسن عسگری عج در قم این منجم را احضار کرد و به او فرمود: در چنین وقتی کودکی بدنیا آمده میلاد و طالع او را ملاحظه کن؟

یهودی در طالع او نگاه کرد و عملیات خود را انجام داد او در پاسخ به اسحاق گفت: ستاره‌ها را نمی‌توانم ببینم تا محاسبه کنم اما این مولود یا پیغمبر است یا جانشین پیامبر از طالع او می‌فهم که به شرق و غرب دنیا مالک خواهد شد و بر تمام بیابان‌ها و کوه‌ها مسلط می‌شود به طوری که در روی زمین کسی نمی‌ماند مگر اینکه به او نزدیک می‌شود و به ولایت او معتقد می‌گردد.^۳

۷۸

تولد او را این چنین منتشر کرد

عمری نخستین نماینده و سفیر امام عصر عج می‌گوید:

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶.

۲. کافی، ج ۱، ص ۵۱۴/ارشاد مفید، ص ۳۲۶ - در بعضی از روایات تولد امام ۲۵۶ هجری قمری ذکر شده است.

۳. روز رهایی، احمد بن اسحاق فرزند سعد بن مالک بن احوص اشعری قمی است و وکیل اموال امام بود امام عسگری قبل از تشریف او طی نامه‌ای تولد حضرت حجت را به او خبر داده بود.

وقتی امام عصر علیه السلام متولد شد امام عسگری فرمود: دنبال ابی عمرو بروید. او حاضر شد، امام به او دستور داد ده هزار رطل گوشت خریداری کند و به تعداد خانواده‌های بنی‌هاشم تقسیم‌بندی کند.

سپس عقیقه کرده برای آن‌ها بفرستد و برای هر یک از اصحاب خود یک راس گوسفند سر بریده، فرستاد و به یکی از اصحاب خود دستور داد این صدقه‌ها را توزیع کند سپس چهار راس قوچ برای یکی از اصحاب خود در خارج سامرا فرستاد و در نامه‌ای نوشت که: این‌ها را برای فرزندم مهدی عقیقه کن و به هر یکی از شیعیان ما دست پیدا کردی اطعام کن.^۱

حضرت سعی وسیع داشتند تا خبر تولد امام مهدی علیه السلام به شیعیان برسد و وقتی بعضی از اصحاب به دیدن امام عسگری می‌آمدند حضرت امام مهدی علیه السلام را نیز به آن‌ها نشان می‌داد.

۷۹

قابله غریبه

در تاریخ است که حضرت امام عسگری علیه السلام دستور داد غیر از افراد خانواده و شیعیان یک قابله بیگانه هم بیاید و مولود را مشاهده کند و جریان را به تمام همسایه‌ها برساند تا همه بدانند که قضیه حتمی است نقل شده که امام عسگری به این قابله اجرت بیشتری داد و از او خواست که مسئله را نادیده بگیرد و به کسی خبر ندهد چون می‌دانست او آنچه دیده و شنیده همه را بازگو خواهد کرد. البته واضح است که امام سعی داشته تولد را از چشم افراد نااهل پوشیده نگهدارد.

۸۰

چهل مؤمن شاهد

بعد از اینکه خبر تولد امام عصر علیه السلام منتشر شد چهل نفر از شیعیان به

۱. کمال الدین.

محضر امام عسگری تشریف یافته و امام عسگری علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را حاضر کرد و فرمود: این امام شما و جانشین من در میان شما است، از او اطاعت کنید و بعد از من متفرق نشوید که به هلاکت می‌رسید. آگاه باشید که شما بعد از این او را نخواهید دید از جمله آن افرادی که در این جلسه حضور داشتند محمد بن عثمان سفیر امام عصر علیه السلام، علی بن بلال، محمد بن معاویه بن حکیم، حسن بن ایوب بن نوح، و عده‌ای دیگر از موثقین که این جریان از آن‌ها نقل شده و گفته‌اند که ما چهل نفر بودیم که در منزل امام، حضرت عسگری علیه السلام فرزند خود را به ما نشان داد.

۸۱

تکلم فی المهد

ابوغانم می‌گوید: من خدمت امام زمان علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که امام در گهواره بود، او می‌گوید: در نزد من یک قطعه چوب صندل سرخ معطر بود خدمت او بردم.

امام مهدی علیه السلام فرمود: آیا مرا می‌شناسی؟ عرض کردم: تو آقا و فرزند آقای من (امام عسگری علیه السلام) هستی. فرمود: از این مطلب نمی‌پرسم. گفتم: جانم به قربانت بیشتر توضیح بدهید.

فرمود: من خاتم اوصیاء هستم خداوند به سبب من بلا را از اهل من و شیعیانم دور می‌سازد...

۸۹

۸۲

به فرمان و دوستان ما این خبر را بگو

عیسی بن مهدی جواهری می‌گوید: خدمت حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام شرفیاب شدم و خودم را به امام نزدیک کردم. آنگاه امام به من فرمود: ای عیسی! اگر نبودند آنان که جریان ما را تکذیب می‌کنند و می‌گویند او کجا است؟ کجا به دنیا آمده، چه خبری از او به شما رسیده؟ هرگز تو

مرا نمی‌دید. ای عیسی! آنچه را که دیدی به دوستان ما بگو، مبادا به دشمنان خبر دهی که دیگر مرا نخواهی دید.

۸۳

منکران ملحد

در اصل وجود نازنین و پرفیض و با برکت و پرنور امام زمان ع هیچ اختلافی بین علمای اسلامی نیست ولی تنها ابن‌خلدون و احمدکسروی و احمدامین مصری به علت بغض نسبت به اهل‌بیت ع او را انکار کرده‌اند.^۱

۸۴

فریادرس اوست

فضل‌بن‌شاذان از ابراهیم‌بن‌محمد نیشابوری نقل می‌کند که گفت: وقتی عمروبن‌عوف والی بود به قتل من دستور داد، ترس بزرگی بر من چیره شد برای فرار از این خطر با اقوام خود وداع کرده و برای وداع نیز به خانه امام حسن عسگری ع رفتم وقتی وارد منزل امام شدم دیدم پسری چون ماه شب چهارده کنار امام نشسته به طوری مبهوت او شدم که نزدیک بود کارم را فراموش کنم.

آن پسر به من فرمود: ای ابراهیم فرار نکن خداوند شر او را (عمروبن‌عوف) کفایت می‌کند. حیرت من زیادتر شد در این هنگام به امام حسن عسگری ع عرض کردم: یا بن‌رسول‌الله ص این کیست که از نیت من خبر می‌دهد؟ امام فرمود: این پسر و جانشین من است... و در آخر حدیث آمده است که چون از خانه بیرون آمد عمویش به او خبر داد که: معتمد عباسی برادر خود را جهت کشتن عمروبن‌عوف فرستاده است.^۲

۱. حیاة الامام/المهدی، ص ۱۵.

۲. اثبات الهداة، ج ۷.

راه بهشت پیدا شد

کامل بن ابراهیم مدنی می گوید: اصحاب امام عسگری علیه السلام مرا خدمت آن حضرت فرستادند تا بعضی از مسائل را سؤال کنم و از جریان مولود جدید مطلع گردم وقتی نشستم در کنار در پرده ای آویخته بود بادی وزید پرده را کنار زد ناگهان چشمم به کودکی که در حدود چهارسال از عمرش می گذشت افتاد، سیمایش مانند ماه بود آنگاه آن فرزند به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم، تا حرف او را شنیدم از حرف زدن او بدنم لرزید. گفتم: بلی ای آقای من. فرمود: آمدی از ولی خدا سؤال کنی؟ فکر می کنی کسی که عقیده تو را ندارد و مانند تو نیست داخل بهشت نخواهد شد؟ (یعنی ولایت شرط ورود به بهشت است).

عرض کردم آری به خدا سوگند؟...

انتشارات سعید نفیسی



انتشارات سجد نون

فصل دوم

بخش ۱:

شبهات‌های امام مهدی عج با انبیاء و امامان علیهم‌السلام

بخش ۲:

آثار معنوی دعا برای فرج امام مهدی عج و ضرورت آن

بخش ۳:

دلایل غیبت حضرت ولی عصر عج

بخش ۴:

غیبت صغری و کبری امام عصر عج

بخش ۵:

سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت



انتشارات سجد نون

بخش ۱

شباهت امام مهدی علیه السلام با انبیاء امامان علیهم السلام



۱

امام مهدی علیه السلام و انبیاء الهی

شیخ صدوق می‌فرماید:

شبی در عالم رویا دیدم که در مکه‌ام و گرد خانه خدا طواف می‌کنم در دور هفتم نزد حجرالاسود آمدم و آن را لمس کردم و بوسیدم در این هنگام دعاهایی را که برای زمان بوسیدن حجرالاسود است را می‌خواندم در این حال مولای خود حضرت مهدی علیه السلام را دیدم که بر در خانه کعبه ایستاده‌اند با خاطری پریشان به حضرت نزدیک شدم حضرت با نگاهی به رخساره‌ام، به فراست خود راز دلم را دانست سپس به امام سلام کردم حضرت پس از جواب سلام فرمود: چرا درباره غیبت کتابی نمی‌نویسی تا اندوه دلت را بزداید؟

عرض کردم: یا بن‌رسول‌الله در این باره کتاب نوشته‌ام.

حضرت پاسخ دادند: منظورمان این نیست که همانند گذشته بنویسی کتابی درباره موضوع غیبت بنگار و در آن غیبت‌های پیامبران علیهم السلام را بیان کن.

وقتی کلام امام به پایان رسید از دیدگانم پنهان شدند من از خواب بیدار شدم و تا طلوع فجر به دعا و گریه و مناجات پرداختم چون صبح دمید نگارش این کتاب را آغاز کردم.^۱

(این کتاب با ارزش که به الهام و دستور امام مهدی علیه السلام و به قلم شیخ صدوق علیه السلام که نام آن کمال الدین است نوشته شده است و مربوط به ۱۰۰۰ سال قبل است این کتاب از حیث سند و محتوا دارای مطالب جامع و بدیع و درباره زندگی امام عصر علیه السلام نکات نورانی و برجسته و در خور توبه دارد).

۲

شباهت‌های حضرت ولی عصر علیه السلام با پیامبران و امامان علیهم السلام

شباهت به پیامبران ^۲

۱. حضرت آدم:

خداوند حضرت آدم را به خلافت تمام زمین مرحمت کرد (انی جاعل فی الارض خلیفه) و امام زمان نیز به خلافت تمام زمین خواهد رسید.^۳
حضرت آدم پس از کفر جنیان، زمین مرده را به عبادت خدا زنده کرد و مهدی علیه السلام زمین را به عدل و عبادت و اقامه حدود الهی زنده می‌سازد.^۴

۲. حضرت نوح:

نوح شیخ الانبیاء بود و عمری طولانی (به مقدار ۲۵۰۰ سال) داشت.^۵ و مهدی علیه السلام شیخ الاوصیاء است و عمری طولانی (تاکنون بیش از هزار سال) دارد و حضرت نوح تا زمان پیامبریش ۹۵۰ سال صبر کرد و مهدی علیه السلام از اول امامتش تا الان صبر کرده است و تا هنگام ظهورش نیز صبر می‌کند.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۷۴. مزار مرحوم صدوق علیه‌الرحمة در شهرری نورافشانی می‌کند.

۲. شباهت امام زمان با پیامبرانی چون ادریس، هود، صالح، اسماعیل، اسحاق، لوط، الیاس، خضر علیهم السلام و در روایات آمده است ولیکن و... در اینجا به همه آنها پرداخته نشد.

۳. بحارالانوار ج ۷، ص ۵۳.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۵. بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۸۵.

و هرکس از نوح فاصله گرفت هلاک شد و امام مهدی علیه السلام نیز چنین است.^۱

۳. حضرت ابراهیم علیه السلام:

ولادت ابراهیم علیه السلام و حمل او مخفی بود، حمل و ولادت امام مهدی علیه السلام نیز مخفی بود.

ابراهیم علیه السلام رشد بسیار سریعی داشت و در یک روز بقدر یک ماه و در یک ماه به قدر یکسال رشد می کرد، و مهدی علیه السلام نیز چون چهل روزه بود بخوبی راه می رفت و حرف می زد.^۲

ابراهیم دو غیبت داشت و مدتی از مردم دوری گزید امام مهدی علیه السلام نیز دارای دو غیبت می باشد ابراهیم را خدا از آتش نجات داد.^۳

و خداوند امام مهدی علیه السلام را از آتش نجات می دهد او نیز چنین کرامتی دارد و در مقابل خواسته شخصی از اهل اصفهان که معجزه ابراهیمی از او طلب می کند حضرت دستور می دهد آتشی برافروزند و خود داخل آتش می شود اگرچه آن مرد منکر می شود و حضرت را ساحر می خواند و امام به آتش فرمان می دهد که او را بگیرد و نابود نماید.^۴

۴. همانند ذوالقرنین:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ذوالقرنین بنده ای شایسته بود که خداوند عزوجل او را حجت بر بندگان خود قرار داد و او قوم خویش را به سوی خدا دعوت کرد خداوند عزوجل به ذوالقرنین در جهان قدرت داد و از هر چیزی برای او وسیله ای قرار داد و او به مغرب و مشرق رسید.

خداوند متعال بزودی سنت و شیوه او را درباره قائم از فرزندان من نیز جاری خواهد ساخت و او را به شرق و غرب جهان می رساند به طوری که هیچ منزلگاه و دشت و کوهی نیست که ذوالقرنین زیر پا گذاشته باشد مگر اینکه قائم نیز آن ها را زیر پا می گذارد و خداوند گنج ها و معادن زمین را

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۵

۲. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۱

۳. انبیاء / ۶۹

۴. این حدیث از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

برایش آشکار می‌سازد و به وسیله رعب و وحشت او را پیروز می‌گرداند و به واسطه او زمین را همان گونه که پر از جور و ستم شده پر از عدل و داد می‌کند.^۱

۵. همانند عیسی و ایوب و محمد صلوات‌الله‌علیهم اجمعین

امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرماید:

در قائم ما شباهتهایی با پیامبران خدا وجود دارد شباهتی با نوح و شباهتی با ابراهیم شباهتی با موسی و شباهتی با عیسی شباهتی با ایوب و شباهتی با محمد صلی الله علیه و آله.

با نوح در طول عمر شبیه است و با ابراهیم در پنهان بودن تولدش و کناره‌گیری او از مردم و با موسی در خوف و غیبت و با عیسی در اختلاف مردم درباره او و با ایوب در رسیدن فرج پس از بلا و گرفتاری و با محمد صلی الله علیه و آله در قیام با شمشیر.^۲

- امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: در قائم ما شش سنت از شش پیامبر وجود دارد از نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، ایوب، محمد صلی الله علیه و آله...

- حضرت ایوب تقریباً هفت سال در مصائب و بلاها صبر کرد اما امام مهدی بیش از هزار سال است که در مقابل همه سختی‌ها صبر کرده‌اند.

۶. همانند یونس و یوسف

- در روایتی دیگر امام سجاده علیه السلام می‌فرمایند:

در او (مهدی) سنتی از یونس بن‌متی هست و آن برگشت از غیبت در قیافه جوانی با سن بالا و سنتی از یوسف که آن غایب شدن از خودی و بیگانه و پنهان شدن از پدر و برادران با نزدیکی مسافت و فاصله. و این که امام مهدی علیه السلام ۴۰ روز در چاه آب منزل خود مخفی بود و هر وقت مادر گرامیشان قصد داشتند به ایشان شیر دهند آب چاه ایشان را به بالا می‌داد.

- در روایتی دیگر امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: غیبت او مانند غیبت یوسف، و رجعتش مانند رجعت عیسی است همان عیسی که منکر زنده بودنش بودند،

۱. کمال‌الدین، ص ۳۹۴.

۲. کمال‌الدین، ص ۳۲۲، باب ۳۱، ح ۳.

مردم نیز در ولادت مهدی اختلاف دارند همان طور که در مرگ عیسی اختلاف دارند.

۷. مانند داود علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الائمة بعدی اثنا عشر، عدد شهور الحول و منّا مهدی هذه الامة له هیبة موسی و بهاء عیسی و حکم داود و صبر ایوب».

امامان بعد از من به تعداد ماه‌های سال دوازده نفرند و مهدی این امت از ما است که هیبت موسی و شکوه و درخشندگی عیسی و حکم داود و شکیبایی ایوب را دارد.^۱

۸. مانند موسی علیه السلام

- در بسیاری از روایات می‌فرمایند:

مهدی آل محمد شبیه چند نفر از پیغمبران است شباهت او به حضرت ابراهیم و موسی در پنهان بودن ولادت اوست.

مانند موسی علیه السلام است چرا که تا موقع ولادت کسی از باردار بودن مادر وی اطلاع نداشت و بعد هم که از مادرش جدا شد در حفظ و حمایت الهی بود. - همان گونه که خداوند امر حضرت موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود، امر ظهور ولی عصر علیه السلام را نیز در یک شب اصلاح می‌فرماید چنانچه امام جواد علیه السلام می‌فرماید: همانا خداوند برای آن حضرت در یک شب امر او را اصلاح کند چنان که اصلاح امر کلیم خودش موسی را نمود.^۲

- مادر موسی علیه السلام حامله بودنش مخفی بود مادر امام زمان علیه السلام هم همین طور. موسی دو غیبت داشت اولی طولانی به مدت ۲۸ سال و از مصر و دومی کوتاه (۴۰ شب) و در میقات.^۳ و مهدی نیز دو غیبت دارد.

موسی مورد خطاب خدا قرار گرفت و مهدی علیه السلام چون بعد از ولادت به عرش برده شد مورد خطاب خدا واقع شد.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۳۰۳

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۴۰. این اثر ارزشمند جناب صدوق (ره) حدود ۹۰ سال بعد از غیبت کبری امام عصر علیه السلام نوشته شده است و از این حیث کتاب قابل اعتماد و بی‌نظیر می‌باشد.

۴. بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۵۱.

خداوند عصائی برای موسی قرار داد و آن را معجزه او دانست و امام زمان علیه السلام نیز همان عصا را خواهد داشت امام باقر علیه السلام فرمود: عصای موسی در ابتدا در اختیار حضرت آدم بود که بعد به شعیب و سپس به موسی رسید. و اینک آن عصا در اختیار ما است و مثل همان انجام می‌دهد و این برای قائم ما نگهداری می‌شود که آن را معجزه خود قرار می‌دهد.

(عصای موسی که نامش را: ماشاءالله، نفعه و علیق گفته‌اند دارای خصوصیتی است منجمله این که دو سر داشت و چون موسی شبانه به جایی می‌رفت که ماه نبود از دو سر آن عصا نور ساطع می‌شد و چون موسی به غذا نیاز پیدا می‌کرد آن عصا را به زمین می‌زد و غذای آن روزش حاضر می‌شد.

و چون میوه‌ای میل داشت آن عصا را در زمین فرو می‌کرد و بلافاصله شاخ و برگ بر آن می‌روئید و همان میوه مورد علاقه موسی بر آن ظاهر می‌شد و اگر آن را بر کوه محکم و سنگ سخت و درخت می‌کوبید متلاشی و منفجر می‌شد و ...)^۱

و در خبر است که آن عصا از چوب درختی بهشتی می‌باشد که به وسیله جبرئیل آورده شد.^۲

- و موسی از مصر فرار کرد و امام در زمان غیبتش از شهرها فرار کرد.^۳ و خداوند دشمن موسی یعنی قارون را به زمین فرو برد و لشکر سفیانی که دشمن امام مهدی علیه السلام است نیز در بیابان بین مکه و مدینه به زمین فرو می‌رود.^۴

و فقط ۳ نفرشان سالم می‌مانند که آن‌ها هم صورتشان به طرف عقب برمی‌گردد و وارونه می‌شوند و این معنای آیه شریفه قرآن کریم است...

«من قبل ان نظمس وجوها فنزدها علی ادبارها».^۵

- برای موسی دوازده چشمه از سنگ جوشید و مهدی علیه السلام نیز چون از مکه

۱. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۶۰

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸

۵. نساء / ۴۷

حرکت می‌کند به لشکریان فرمان می‌دهد آب و خوراک بر ندارند و فقط آن سنگ موسی را بر شتری می‌گذارد و هر زمان بخواهد از آن چشمه‌ای می‌جوشد که همه را سیر و سیراب می‌کند.^۱

- دست موسی به معجزه الهی نور می‌داد و مهدی علیه السلام نیز چنان نوری دارد که مردم را از نور خورشید بی‌نیاز می‌کند.^۲

۹. همانند عیسی بن مریم علیه السلام

- حضرت مسیح در گهواره تکلم نمود حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در کودکی در گهواره سخن گفت: چنانچه در روایت آمده که حکیمه دختر امام جواد علیه السلام فرمود: که حضرت حجت بعد از ولادت سخن گفت و فرمود: «شهدان لاله‌الاله وحده لا شریک له و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم...»^۳

- حضرت مسیح علیه السلام در شکم مادرش تکلم نمود و تسبیح خداوند را کرد امام زمان علیه السلام نیز در شکم مادر حرف زده و سوره مبارکه قدر را تلاوت فرمود.^۴

و در روایت است که او کمال موسی بهاء عیسی و صبرایوب را داراست.

- امام عصر علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام در شکم مادر هر دو سخن گفتند هر دو در کودکی به خلافت و رهبری الهی رسیدند هر دو به آسمان برده شدند و هر دو مردگان را زنده کرده و می‌کنند.

حضرت عیسی علیه السلام از افعال مردم و آنچه می‌خوردند و آنچه ذخیره می‌کردند خبر می‌داد و مهدی علیه السلام بر تمام و اعمال ما ناظر و مطلع است. (و تمامی ائمه ما چنین هستند).^۵

۱۰. حضرت خاتم‌الانبیاء علیه السلام

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مهدی هم نام و هم کنیه من است و از همه مردم از نظر خلقت و اخلاق به من شبیه‌تر است.^۶

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۶۷.

۲. المحجة البيضاء، ۷۴۸.

۳. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۲۵.

۴. کمال‌الدین، ص ۴۲۸.

۵. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۴۴۳.

۶. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۲.

و امام زمان علیه السلام زیباترین مردم می‌باشد چون از همه مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله شبیه‌تر است و رسول خدا صلی الله علیه و آله خوش سیماترین مردم بوده‌اند.^۱

شبهت امام مهدی علیه السلام به امامان علیهم السلام

در اینجا به طور مختصر به تشابه آن حضرت با ائمه اطهار علیهم السلام اشاره می‌شود.

- با امام علی علیه السلام در علم و شجاعت شریک است لذا شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: شنیده‌ایم که علی بن ابیطالب علیه السلام لباس ساده و خشن می‌پوشید اما شما لباس جدید و خوب می‌پوشید.

امام صادق علیه السلام فرمود: در آن زمان پوشیدن چنان لباسهائی مرسوم بود و کسی که می‌پوشید انگشت نما نمی‌شد اما در این زمان چنین نیست و هر کس باید لباس معمولی زمان خود را بپوشد فقط قائم ما که ظهور می‌کند بر سیره علی علیه السلام رفتار می‌کند و لباس ساده مثل او بر تن می‌کند.^۲ و نیز می‌فرمود:

لباس مهدی خشن است غذای او جوین است و شمشیر (بر علیه دشمنان) بکار می‌برد.^۳

- با امام حسن علیه السلام در حلم و آرامش شبیه است.

- امام زمان علیه السلام در مسائل بسیاری شبیه جد بزرگوارش حسین بن علی علیه السلام می‌باشد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱. شدت سعی هر دو امام در امر به معروف و نهی از منکر.

۲. هر دو زیر بار بیعت با طاغوت زمان خود نرفتند.^۴

۳. آن دو امام را ملائکه به آسمان بردند.

۴. در اینکه هر دو امام آرزو می‌کردند در زمان دیگری بودند و او را یاری

می‌کردند (حسین علیه السلام می‌گفت: کاش با مهدی بودم و مهدی علیه السلام می‌گوید:

۱. کافی، ج ۱، ص ۵۳۴.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۴. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

ای کاش در کربلا بودم... [در زیارت ناحیه مقدسه این حسرت جانسوز امام مهدی علیه السلام مطرح گردیده است].

۵. خروج هر دو از مدینه با حالت ترس و ماندن در مکه و حرکت بسوی کوفه.^۱

- با امام سجاده علیه السلام در کثرت عبادت شبیه است.

- با امام باقر علیه السلام چون خیلی به رسول خدا صلی الله علیه و آله شبیه بود.^۲ در همه صفات

با امام عصر علیه السلام شبیه است.

- با امام صادق علیه السلام در کشف علوم و گسترش معارف و بیان احکام شبیه

است.

- با امام کاظم علیه السلام در تقیه و رنج و غم و ابتلاءات فراوان شبیه است.

- با امام رضا علیه السلام در ریاست و حکومت ظاهری و رفع تقیه و ترس از دشمن

شبیه است.

- با امام جواد علیه السلام در رسیدن به امامت در ایام کودکی و قبل از بلوغ شبیه

است.

- با امام هادی علیه السلام در هیبت و ابهت بی مانند در نزد دوست و دشمن شبیه

است.

- با امام عسگری علیه السلام در جلال و شان بسیار مورد تجلیل دیگران بودن

حتی از ناحیه دشمنان شبیه است.

شباهت‌های امام زمان علیه السلام به قرآن

- در قرآن کریم بیان هر چیز وجود دارد چنانچه در سوره نحل آیه ۸۹

می‌فرماید: «تبیانا لکلشی» وجود مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام نیز بیان کننده

همه چیز می‌باشد.

- قرآن شفای جسم و جان مؤمنین است و برای کافران جز خسارات

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص پ ۲۳۸.

۲. بحارالانوار، ج ۴۶، ص پ ۲۲۳.

نیست حضرت ولی عصر نیز شفای جان مؤمنین و موجب خسارات برای کافران است. (به جهت نابودی کافران در زمان ظهور).
 - به وسیله قرآن کریم اسباب حرکت انسان‌ها به سوی نور فراهم می‌شود این مطلب راجع به حضرت نیز صدق می‌کند که به وسیله آن امام مردم از تاریکی‌های نفس و جهل و ... نجات می‌یابند.
 پیرامون بعضی از شباهت‌های امام عصر علیه السلام در بخش وقایع بعد از ظهور نیز مطالبی در این کتاب درج شده است.

۴

منجی نهانی در کتب ادیان و مذاهب دیگر

باید دانست که اعتقاد به نجات بخش نهایی و مصلح کل در تمام کتب گذشته به شکل‌های مختلف مورد اشاره و تصریح و تاکید قرار گرفته است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود در کتاب **دید** که از کتب هندیان است اشاره به شخصی به نام منصور شده که از او تلقی **مصلح کل** هستی شده است و در **کتاب باسک** نیز همین مطلب تأکید شده است.
 در انجیل و تورات در بخش بشارات عهدین نیز این مطلب آمده است.
 در منابع زردشتیان در کتاب **زند** و در کتاب **جاماسب نامه** به منجی نهایی و مصلح کل اشاره و تصریح شده است.

۵

اعتقاد به مهدی موعود علیه السلام در منابع اسلامی (شعرای اسلامی)

به علت این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نیز ائمه اطهار علیهم السلام بارها و بارها در مناسبت‌های گوناگون از حضرت مهدی علیه السلام و ظهور و قیام و غیبت طولانی آن حضرت خبر داده بودند. لذا برخی از شعرای بزرگ و معروف مضمون این احادیث را دهها سال بلکه متجاوز از یک قرن پیش از تولد حضرت مهدی علیه السلام در اشعار خود بیان کردند که در اینجا به بعضی از این شعرای بزرگ صدر اسلام اشاره می‌نماید.

۱. کمیت اسدی: شاعر مبارز و نستوه، شعری در مورد امام موعود در حضور امام باقر (ع) قرائت کرد و از زمان قیام آن حضرت سؤال نمود.^۱
 ۲. اسماعیل حمیری: پس از تشرف به خدمت امام صادق (ع) قصیده‌ای طولانی سرود و ادبیات ذیل از آن جمله است.

تطلع نفسی نحوه بتطرب

بان ولی الامر والقائم الذی

فصلی علیه‌الله من متغیب

له غیبة لا ید من ان یغیبها

ولی امر و قائمی که جانم مشتاق اوست غیبتی دارد که بدون تردید غایب خواهد شد. درودهای خدا بر این غایب باد مدتی در پس پرده غیبت می‌ماند و سپس ظهور می‌کند و شرق و غرب جهان را پر از عدل و داد می‌سازد.^۳ دعبل خزاعی: قصیده‌ای در خدمت امام رضا (ع) خواند.

تقطع نفسی اثرهم حسرات

فلولا الذی ارجوه فی الیوم اوغد

یقوم علی اسم‌الله و البرکات

خروج امام لامحاله خارج

ویجزی علی النعماء و النقمات

یمیز فیها کل حق و باطل

ترجمه:

«اگر آنچه را امروز یا فردا امید - وقوع - آن را دارم نمی‌بود دلم از حسرت و اندوه بر ایشان (اهل بیت (ع)) پاره پاره می‌شد، و آن امید به قیام امامی است که بدون تردید قیام خواهد کرد، با نام خدا و همراه با برکات الهی قیام می‌فرماید.

و او در میان ما حق و باطل را از هم جدا می‌سازد و پاداش و کیفر می‌دهد».

هنگامی که دعبل این ابیات را بعرض رساند امام رضا (ع) سر برداشت و فرمود: ای خزاعی این اشعار را روح القدس بر زبان تو جاری ساخته است. آنگاه فرمود: آیا می‌دانی آن امام کیست؟

دعبل عرض کرد: نمی‌دانم فقط شنیده‌ام که امامی از دودمان شما خروج می‌فرماید و زمین را پر از عدل و داد می‌سازد.

امام فرمود: ای دعبل! امام بعد از من پسر محمد (امام جواد) و بعد از

پسرش علی (امام هادی) و بعد او پسرش حسن (امام عسگری علیه السلام) است و پس از حسن پسرش حجت قائم است که در غیبت او انتظارش را می‌برند و به هنگام ظهور مطاع خواهد بود و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خدا آن روز را طولانی می‌کند تا او خروج نماید و زمین را پر از عدل و داد سازد چنانکه از جور پر شده است.^۱

(شعرای دیگری نیز در دوران‌های مختلف ۲۵۰ ساله زندگی ائمه اطهار علیهم السلام اشعاری در وصف امام مهدی علیه السلام سروده‌اند که بعضی از آن‌ها از بزرگان شعرای عرب می‌باشند در اینجا صرفاً به ۳ نفر از آن‌ها اشاره شد و الاً تعداد آن‌ها بیشتر از این می‌باشد).



انتشارات سعید نفیسی

بخش ۲

آثار معنوی دعا برای فرج امام مهدی عج و ضرورت آن



۶

دعا. برای فرج و ظهور امام مهدی عج

آثار معنوی دعا برای امام زمان عج.

آثار دعا برای امام عصر عج، اظهار و اعلام محبت قلبی نسبت با آن حضرت است و روایاتی^۱ که در فضیلت سخن گفتن و شعر گفتن و بیان فضائل ائمه معصومین عج وارد شده بر آن دلالت دارد.

- زنده نگه داشتن مسئله امامت شیعه از مسائل بسیار ضروری و مورد تصدیق عقلانی شرع است.^۲

و دعا برای امام زمان عج در راستای همین مهم قابل ارزیابی است.

- اداء حقوق بسیاری که آن حضرت بر ما دارد، دعا کردن بر او را بر ما فرض و لازم می‌سازد و دعاهای ما دارای این فایده می‌باشد که بعضی از حقوق بسیار، آن امام بر ما به وسیله دعا اداء می‌شود.

۱. بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۲۷.

۲. لئالی‌الاکابر، ص ۴۷۶.

- دعا برای آن حضرت این فایده را دارد که او نیز برای یاری دهنده و دعا کننده اش دعا می کند.^۱ زیرا این دستور دینی ما است.^۲
- از دیگر فوائد دعا برای آن حضرت تقرّب دعا کننده به خداوند متعال است زیرا ائمه اطهار^{علیهم السلام} وسیله های تقرّب و وصول الی الله هستند.^۳
- از آثار دعا برای امام زمان^{علیه السلام} دفع بلا و وسعت رزق است و روایات متعددی برای این مهم می باشد.^۴
- از فوائد دعا برای حضرت ولی عصر^{علیه السلام} امکان تشرّف به محضر مبارکش و درک توفیق زیارت و ملاقات آن امام می باشد.^۵
- یکی از آثار دعا برای حضرت صاحب الزمان^{علیه السلام} تعجیل در فرج و ظهور او است زیرا اگر دعا برای ظهور آن حضرت از جانب مؤمنین با آداب و شرائط استجابت مربوط به آن انجام پذیرد حتما مورد اجابت الهی قرار گرفته و امر خداوند در مورد ظهور مبارکش زودتر تحقق می یابد و احادیثی بر این مطلب گواه است.^۶
- و اعتقاد شیعه به مسئله بداء در امور موقوفه (نه حتمیه) این امر را تأیید می کند.^۷
- از دیگر فوائد دعا برای ولی عصر^{علیه السلام} نورانیت قلب دعا کننده و کسب نور از آن نور فروزان الهی است اشراق نور امام^{علیه السلام} بر قلب مؤمن درخشنده تر از خورشید نورافشان است.^۸
- طول عمر (برای دعا کننده) از دیگر منافع و آثار دعا کردن برای امام زمان^{علیه السلام} است و روایات متعددی بر این امر دلالت صریح دارد.^۹

۱. مهج الدعوات، ص ۳۰۲.

۲. نساء / ۸۶.

۳. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۴۶.

۵. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱-۷۷. (در خصوص نحوه ملاقات با امام و اذکار تشرّف آن مطالبی در این کتاب آمده است.)

۶. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۴.

۷. کافی، ج ۱، ص ۱۴۷ - مرآة العقول، ج ۲، ص ۱۲۵.

۸. کافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۹. مکارم الاخلاق، ص ۲۹۸.

- دعا برای حجة بن الحسن علیه السلام نصرت و یاورى الهی را برای دعا کننده به ارمغان می آورد و نصرت ائمه اطهار علیهم السلام با زبان که دعا کردن نیز از مصادیق آنست موضوع نصرت الهی خوانده شده است.^۱

- دعا برای امام زمان علیه السلام باعث می شود که دعا کننده در روز قیامت همراه و هم درجه امیرالمؤمنین علیه السلام خواهد بود زیرا دعا برای آن حضرت علامت ثبوت ایمان دعا کننده است و ثابت قدم بودن در دین و در محبت اهلبیت و در اعتقاد به امام عصر علیه السلام موجب همراهی با حضرت علی علیه السلام است.^۲

- دعا برای امام زمان علیه السلام باعث آمرزش گناهان و نیز تبدیل سیئات به حسنات است و مضمون احادیث دینی بر آن دلالت دارد.^۳

- مداومت بر دعا کردن برای حضرت مهدی علیه السلام سبب کسب تأییدات الهی در موفقیت انسان برای عبادت می شود.^۴

- از فوائد دیگری که می توان برای دعا در حق امام عصر علیه السلام در روایات برشمرد این است که دعا کننده بر آن حضرت، از تشنگی شدید و آزار دهنده روز قیامت در امان خواهد بود و جاودانه در بهشت الهی سکنا داده می شود.^۵

- دعا کننده برای حضرت ولی عصر علیه السلام پیوسته در سایه لطف و عنایت

خداوندی قرار دارد و از رحمت پروردگار متعال بهره می برد.^۶

البته در فوائد و آثار دعای برای حضرت امام عصر علیه السلام سخن بسیار است به طوری که بعضی از بزرگان در حدود یکصد فائده و اثر (معنوی و دنیائی و برزخی و قیامتی) برای دعا کردن در مورد آن حضرت ذکر کرده اند.^۷

لذا به جهت پرهیز از اطاله کلام به همین مقدار بسنده شد البته آثار دعا برای امام عصر علیه السلام برگرفته از روایات متعددی است که در این زمینه رقم خورده و در کتب و منابع شیعی به آن اشاره شده است که در این بخش

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳. عده الداعی، ج ۲۳۸.

۴. عده الداعی، ص ۲۳۵.

۵. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۹.

۶. کافی، ج ۲، ص ۲۰۶.

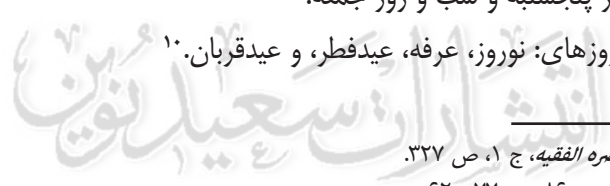
۷. مکمل المکارم.

کوتاه صرفا به آدرس روایات اکتفا شده و هر کدام در ذیل به آن اشاره شده است.

۷

چه زمانی برای امام زمان علیه السلام باید دعا کرد

از آیات و روایات استفاده می‌شود که اگر دعا به طور کلی و نیز دعا برای امام زمان علیه السلام در موقعیت ممتاز و حالت مناسب روحی و جسمی و در مکان و زمان خاصی انجام شود اجابتش سریعتر و تحقق آثارش بیشتر خواهد بود در اینجا به بعضی از آن موقعیت‌های ویژه و ممتاز دعا برای آن حضرت اشاره می‌شود.



۱. بعد از نمازهای واجب.^۱
۲. بعد از نماز ظهر.^۲
۳. بعد از نماز عصر.^۳
۴. بعد از نماز صبح.^۴
۵. بعد از هر دو رکعت از نماز شب.^۵
۶. در قنوت نماز.^۶
۷. در سجده شکر نماز.^۷
۸. هر صبح و شام.^۸
۹. روز پنجشنبه و شب و روز جمعه.^۹
۱۰. روزهای: نوروز، عرفه، عید فطر، و عید قربان.^{۱۰}

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۷.
 ۲. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۷۷ و ۶۲.
 ۳. فلاح السائل، ج ۱۹۹.
 ۴. بحارالانوار، ص ۸۶، ص ۷۷.
 ۵. جمال الصالحین، ص ۱۷۳.
 ۶. مهج الدعوات، ج ۴۹-۵۱.
 ۷. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۸. (امام زمان علیه السلام به سجده شکر بعد از نماز واجب دستور فرموده‌اند).
 ۸. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.
 ۹. جمال الاسبوع، ص ۱۷۹.
 ۱۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۱۱. ماه مبارک رمضان (روزهای: ۸ - ۱۳ - ۱۸ - ۲۱ و شبهای: ۶ - ۱۲ - ۱۹).^۱
 ۱۲. روز (دحوالارض)^۲ (۲۵ ذیقعده) و روز عاشورا.^۳
 ۱۳. شب و روز نیمه شعبان.^۴
 ۱۴. بعد از ذکر مصیبت امام حسین علیه السلام و بعد از زیارت امام زمان علیه السلام.^۵
 ۱۵. به هنگام گریه از ترس خداوند.^۶
 ۱۶. به هنگام نجات از غصه‌ها در سختی‌ها و مشکلات در نزد هر نعمت و زوال آن.^۷
 ۱۷. بعد از هر نماز جعفر طیار.^۸
 ۱۸. در مسجد الحرام،^۹ وادی عرفات،^{۱۰} سرداب مقدس در سامراء، حرم امام حسین علیه السلام،^{۱۱} حرم امام رضا علیه السلام،^{۱۲} حرم تمامی ائمه اطهار علیهم السلام.^{۱۳}
 ۱۹. در تمام مکان‌های منسوب به امام زمان علیه السلام. (مثل مسجد جمکران و...).
 ۲۰. مداومت چهل روزه بر دعا.^{۱۴}
- تذکر این نکته لازم است که دعا برای امام زمان علیه السلام اگر به زبان عربی و همان دعهای وارد شده از ناحیه ائمه اطهار علیهم السلام باشد بهتر است ولی به هر زبان و لغت و لهجه‌ای و نیز به هرگونه دعایی اگرچه غیر وارد از ناحیه

۱. اقبال، ص ۱۳۳-۱۶۴-۱۲۸-۱۴۱-۱۶۴.

۲. اقبال، ص ۳۱۲ - زادالمعاد، ص ۲۳۶.

۳. زادالمعاد، ص ۳۸۴.

۴. جمال الصالحین، ص ۳۶۹.

۵. دروس، ص ۱۵۵.

۶. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۵۰.

۷. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۲۷.

۸. جمال الاسبوع، ص ۲۹۲.

۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰.

۱۰. زادالمعاد، ص ۲۷۷.

۱۱. کامل الزیارات، ص ۲۳۸-۲۳۲-۳۱۱-۳۱۵.

۱۲. کامل الزیارات، ص ۲۳۸-۲۳۲-۳۱۱-۳۱۵.

۱۳. کامل الزیارات، ص ۲۳۸-۲۳۲-۳۱۱-۳۱۵.

۱۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

ائمه اطهار علیهم السلام می‌توان برای آن حضرت دعا کرد البته دعا با صدای بلند مخصوصا در مجالس عمومی مورد سفارش قرار گرفته است.^۱

۸

روایاتی در تأکید بر انجام دعا

- امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر شما همه با هم به درگاه الهی ناله کرده و فرج ما را می‌خواستید خداوند هم فرج ما را نزدیک می‌کرد اما اگر چنین نکنید (غیبت) تا نهایت خود به طول خواهد کشید.^۲

- امام مهدی علیه السلام نیز برای ظهور خود به درگاه الهی دعا می‌کند. چنانچه عرض می‌نماید: خداوندا و عده‌هایی را که به من دادی تحقق بخش... و فرج مرا زود برسان و به من قدرت و نصرت ببخشای و فتح بزرگ را نصیبم گردان...^۳

- در تشریف‌ها و روایت‌ها بیشتر به این نکته سفارش شده است که: تا می‌توانید برای فرج امام عصر علیه السلام دعا کنید.

شخصی از نایب امام زمان علیه السلام محمدبن عثمان پرسید آیا صاحب‌الامر را ندیده‌ای؟ گفت: دیده‌ام و آخرین پیمان من با ایشان نزد خانه خدا بود که می‌فرمود: خداوندا: نزدیک و برآورده بفرما آنچه را که وعده فرموده‌ای...^۴

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من کذب بالمهدی فقد کفر»: هر کس ظهور مهدی را دروغ شمارد کافر گردید.^۵

۹

سهام ما در زمینه‌سازی ظهور

هیچ کاری بدون زمینه‌سازی مناسب و تلاش، امکان بروز و ظهور نخواهد یافت و هیچ تغییری بدون رنج حاصل نخواهد شد سهم ما در زمینه‌سازی

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۰۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

۳. الصحیفه المهدیه، ص ۱۱۵.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱.

۵. نوید امن و امان.

ظهور گل معطر و مطهر زهرا^{علیها السلام} چیست؟ حداقل آن، دعاست که در توان همه ما نیز می‌باشد. در روایتی امام صادق^{علیه السلام} می‌فرماید:

«لِیَعْدُونَ أَحَدَكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمَا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ...» باید هر کدام از شما برای خروج قائم آمادگی پیدا کند اگر چه با تهیه یک تیر باشد چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است امید است که عمر او را دراز کند تا ظهور او را درک کند و از یاوران مهدی^{علیه السلام} باشد.^۱

۱۰

غفلت ما غیبت آورده است

مرحوم آیت‌الله حاج میرزا محمدتقی موسوی اصفهانی مؤلف کتاب شریف مکیال‌المکارم بیش از صد فائده مهم برای فواید دعا برای فرج امام عصر^{علیه السلام} ذکر نموده‌اند. امام مهدی^{علیه السلام}: «اَكثَرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ» برای تعجیل در فرج زیاد دعا کنید که آن گشایشی برای خود شما است.^۲

۱۱

هم دل با او باش

منتظران را به لب آمد نفس ای شه خوبان تو به فریاد رس
شیخ رجب علی خیاط می‌فرماید: اغلب مردم اظهار می‌کنند که ما امام زمان^{علیه السلام} را از خود بیشتر دوست داریم حال آن که این طور نیست زیرا اگر او را بیشتر دوست داشته باشیم باید برای او کار کنیم نه برای خود. همه دعا کنید که خداوند موانع ظهور امام زمان صلوات‌الله‌علیه را برطرف کند و دل ما را با دل آن وجود مبارک یکی کند.

۱۲

دستور رسیده تا دعا کنم

عارف بی‌بدیل حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی بر حسب رویه خود در قنوت

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

نمازشان آیات نورانی قرآن کریم را که به صورت دعا بود می‌خواندند. تا این که بعد از مدتی دوستان و شاگردان ایشان متوجه می‌شوند ایشان دعای: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیہ و علی آبائه...».

را می‌خوانند روزی از محضر ایشان از تغییر این رویه سؤال شد ایشان در پاسخ فرمودند: «حضرت پیغام دادند در قنوت به من دعا کنید»^۱.

۱۳

منتظران واقعی

سیدبن طاووس برای فرزند خود می‌نویسد:

روزی به مردی که به ظاهر دلبسته ظهور شریف آن بزرگوار است و به او دعوی وفاداری می‌کند و از غیبتش سوگوار و اندوهناک است گفتم اگر آن حضرت به تو بگوید که من از طریق پدران خود دانسته‌ام که اگر ظهور کنم به محض اینکه چشمت به من افتد در دم جان خواهی سپرد، اما اگر در ظهور من تأخیر افتد بیست سال دیگر با کمال خوشی با زن و فرزند و اهل و عیال خودخواهی زیست، آیا تو چند روز زندگی بیشتر در این جهان فانی را به تأخیر ظهور من ترجیح خواهی داد؟^۲

۱۴

راستگو معلوم شد

سیدبن طاووس به پسر خود می‌نویسد: بارها دیده‌ام که اگر مسلمانی برده‌ای یا اسبی یا درهم و دیناری از آنان گم شود سرا پا متوجه آن می‌شوند و برای یافتن آن نهایت کوشش را به عمل می‌آورد اما ندیده‌ام که کسی برای تأخیر ظهور آن حضرت و عقب افتادن اصلاح اسلام و تقویت ایمان مسلمانان و قطع ریشه کافران و ستمکاران به اندازه دلبستگی به این امور ناچیز دلبسته باشد و به اندازه‌ای که برای از دست دادن این اشیاء متأثر می‌گردد متأثر باشد.

۱. آیت بصیرت، ص ۱۰۶.

۲. کشف المحجّة، ص ۲۲۷ با تغییر مختصر و تلخیص.

پس چنین کسانی چگونه مدعی آنند که به حق عارفند و به رسول او واقف و با امامت آن حضرت معتقد؟ پس چگونه ادعای دوستی آن بزرگوار می‌کنند.^۱

۱۵

منتظران واقعی

آنچه ما با خود کردیم هیچ نابینا نکرد در میان خانه ما گم کردیم صاحب خانه را امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: من خوف دارم کاری نکنیم که امام زمان علیه السلام پیش خدا شرمنده بشود (و ملائکه بگویند) این‌ها شیعه تو هستند این کار را می‌کنند.

نمی‌توانیم ما لفظاً بگوییم ما در زیر پرچم ولی عصر علیه السلام هستیم و عملاً توی آن مسیر نباشیم...

نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان علیه السلام یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان علیه السلام باشد.^۲

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجّت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.

۱۶

به قدر یک دعا دارای سهم باشیم

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لیَعْدَن اِحدکم لَخُرُوجِ القَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا» هر یک از شما خود را برای ظهور حضرت قائم آماده سازد ولو با یک تیر.^۳

۱. کشف المحجّة، ص ۲۲۷ با تغییر مختصر و تلخیص.

۲. صحیفه نور.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶.

بخش ۲

دلایل غیبت امام عصر علیه السلام

۱۷

علت اول: ۳۱۳ نفر نیستند

یکی از دلایل غیبت امام عصر علیه السلام نبود آن ۳۱۳ یار واقعی است و دلیل دیگر اینکه امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: هر گاه قائم ما قیام کند (در توجیه علت غیبت طولانی خود) برای مردم این آیه شریفه را تلاوت می‌کند.

«ففررت منکم لما...»^۱ چون از شما بر خود نگران بودم از شما دوری گزیدم تا اینکه خداوند بزرگ مرا مقام فرماfroایی و حکومت عطا فرمود.^۲

۱۸

علت دوم: یاران جانفشان

امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «لو کان فیکم عدّة اهل بدرٍ لقام قائمنا».^۳

۱. شعراء / ۲۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱.

۳. مشکاة الانوار، ص ۶۳.

یعنی: اگر در میان شما به تعداد اهل بدر وجود داشت قائم ما قیام می‌کرد.

- سدیر می‌گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به آن حضرت عرض کردم: به خدا سوگند نشستن برای شما روانیست.

امام فرمود: چرا ای سدیر؟

گفتم: به خاطر یاران و پیروانی که دارید به خدا سوگند اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه شما پیرو داشت قبایل تیم و عدی (قبیله عمر و ابوبکر) در خلافت طمع نمی‌ورزیدند.

حضرت فرمود: تعداد آنان چه اندازه است؟

گفتم: صد هزار.

حضرت فرمود: صد هزار (به تعجب).

گفتم: بله بلکه دویست هزار.

فرمود: دویست هزار؟

گفتم: بله و بلکه نصف دنیا؟

حضرت ساکت شد و پس از لحظه‌ای فرمود: آیا می‌توانی همراه ما به ینبع (محلّی نزدیک مدینه) بیایی سپس به راه افتادیم ...

حضرت در آن مکان به پسر بچه‌ای که چند بزغاله می‌چرانید نگاه کرد و فرمود: ای سدیر! اگر من به اندازه این‌ها شیعه داشتم سکوت را روا نمی‌داشتم.

سدیر می‌گوید: آن‌ها را شماره کردم شمار آن‌ها هفده رأس بود.^۱

در علت غیبت امام عصر علیه السلام در روایتی امام صادق علیه السلام به زراره می‌فرماید: ... دو سال پیش از فوت پدرش متولد شد و اوست منتظر مگر اینکه خداوند

دوست دارد که شیعه را امتحان کند پس در آن هنگام است که توهم اهل باطل آغاز شود...^۱

۲۰

علت چهارم: سرّی بزرگ

عبدالله بن فضل می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: برای صاحب این امر ناگزیر غیبتی است که اهل باطل را به شک می اندازد. پرسیدم: فدایت گردم چرا؟ فرمود: بخاطر چیزی که ما مجاز به کشف آن برای شما نیستیم. پرسیدم: راز غیبت امام عصر علیه السلام چیست؟

فرمود: فلسفه غیبت امام، همچون فلسفه غیبت حجت‌های گذشته الهی است و راز غیبت وی آشکار نمی‌شود مگر پس از ظهور آن حضرت، چنانکه راز اقدامات خضر علیه السلام یعنی شکستن کشتی و کشتن آن پسر بچه، ساختن دیوار، برای موسی علیه السلام روشن نشد مگر زمان جدا شدند آن دو از یکدیگر. ای پسر فضل! این موضوع یکی از دستورات الهی و سرّی از اسرار خدا و غیبی از غیب‌های اوست... و هر گاه خداوند را حکیم دانستیم باید تمام افعال او را حکیمانه بدانیم گرچه راز آن بر ما روشن نباشد.^۲

۲۱

علت پنجم: نبود یاران واقعی

یکی از یاران امام صادق علیه السلام بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد: فدایت شوم به خدا سوگند من تو را دوست می‌دارم و هر کس تو را دوست دارد را دوست می‌دارم، ای آقای من چقدر شیعیان شما فراوانند. آن حضرت فرمود: آنان را بشمار. عرض کردم: بسیارند، آن حضرت فرمود: آن‌ها را می‌توانی بشماری؟ عرض کرد: آن‌ها از شمارش بیرونند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

حضرت فرمود: ولی اگر آن شماره‌ای که توصیف شده‌اند سیصد و اندی تکمیل گردد آنچه را می‌خواهند انجام خواهد شد.

در روایتی دیگر نیز شخصی از خراسان به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و به امام عرض کرد: چرا شما قیام نمی‌کنید؟ شما یاران زیادی دارید. امام فرمود: یاران زیاد؟ آنگاه یکی از اصحاب امام وارد شد به نام هارون مکی پس از سلام امام به او فرمود برو داخل تنور و هارون مکی داخل تنور رفت در حالی که تنور روشن بود امام با آن شخص خراسانی مشغول صحبت شدند بعد فرمودند: ببینیم داخل تنور چه خبر است رفتند و دیدند هارون مکی داخل تنور نشسته و نسوخته امام فرمودند: در شهر شما چند نفر مثل این مرد هست؟ عرض کرد: هیچ.

۲۲

علت ششم: نبود طرفداران حق

و در روایتی دیگر است که امام علی علیه السلام فرمود:

اگر چهل نفر با من همدست، می‌شدند حق خود را از آن‌ها (ابوبکر و عمر) می‌گرفتم و حتی حضرت شبها به همراه همسر و فرزندان خود بر در خانه انصار می‌رفت و پیمان غدیر را یادآوریشان می‌کرد و آن‌ها را به دفاع از حق فرا می‌خواند ولی کسی حمایت ننمود.

حتی معاویه در نامه‌ای به امام همین مطلب را اشاره می‌کند: «و اگر فراموش کرده باشی، من از یاد نبرده‌ام که وقتی ابوسفیان تحریکت می‌کرد گفتمی اگر چهل نفر یار با عزم می‌داشتم مقاومت می‌کردم».

امام علی علیه السلام فرمود: **وَاللَّهِ مَا سَلَّمَتِ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أَجِدْ أَنْصَارًا وَلَوْ وَجَدْتُ أَنْصَارًا لِقَاتَلْتَهُ**

المعاویه لیلی و نهاری.

به خدا سوگند! کار را به معاویه وا نگذاشتم مگر به خاطر این که یآوری نداشتم، اگر یاورانی داشته باشم، شب و روز با معاویه خواهیم جنگید.^۱

۲۳

علت هفتم: امکان ظهور وجود نداشت

شیخ صدوق با استناد به روایت عبدالحمید بن ابی‌الدیلم از امام صادق علیه السلام می‌نویسد: در عصر ابراهیم علیه السلام چون امکان ظهور حجت نبود، خداوند او را از دیده‌ها پنهان داشت و نمرود فرزندان رعایای خود را برای جستن ابراهیم می‌کشت و ابراهیم ستم دیدگان را با افکار خود آشنا می‌کرد وقتی شمار آنان به اندازه معین رسید ابراهیم رسالت الهی خود را آشکار ساخت.

۲۴

علت هشتم: حامیان دین خدا نیستند

در یکی از مجالس امیرسعید رکن‌الدوله، ملحدی از شیخ صدوق پرسید: در فلان جنگ که چیزی نمانده بود تا روم بر مسلمانان غلبه کنند امام زمان شما کجا بود و چرا خروج نکرد؟ شیخ جواب داد: در روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز شمار کافران بیشتر و قدرتشان بالاتر بود، با این حال چهل سال پیامبر صلی الله علیه و آله رسالت خود را ابراز نکرد و مترصد فرصت شد.^۱

۲۵

علت نهم: اعمال و کردار ما باعث غیبت شده است

در روایتی امام علی علیه السلام فرموده‌اند: ... خداوند مردم را از دیدن او (امام مهدی علیه السلام) محروم می‌کند بخاطر ستم و ظلم و جور و اسراف که بر خود می‌کنند.^۲

۱. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲، ص ۳۱

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱، حدیث ۲ (این حدیث مبارک و شریف از این جهت نیز قابل تأمل است که اگر کسی قصد دیدار بر سعادت عزیز قلبها امام مهدی علیه السلام را دارد باید از ظلم و ستم و اسراف و... دست کشیده و به فرامین امام خود گردن نهد).

علت دهم: تباه گردید

در برخی از روایات وقتی به بعضی از نشانه‌های ظهور امام عصر ع برخورد می‌کنیم فی‌البداهه می‌یابیم که آن نشانه به وقوع پیوسته و افرادی می‌گویند پس چرا امام قیام نکرده است، البته این دسته از نشانه‌ها بیشتر نشانه‌های سیاسی و جغرافیائی و تاریخی است و از نوع نشانه‌های حتمی نمی‌باشند (مثل انقلاب اسلامی ایران که در روایات متعدد مقرون به ظهور تعبیر شده است) و در ثانی علت عدم ظهور امام عصر ع به خود ما و افعال ما بر می‌گردد، دلیل این ادعا روایت زیر می‌باشد:

امام صادق ع به مؤمن طاق می‌فرماید:

«فَوَاللَّهِ لَقَدْ قَرَّبَ هَذَا الْأَمْرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَادْعْتُمُوهُ فَآخَرَهُ اللَّهُ» به خدا سوگند این امر (قیام) سه مرتبه نزدیک بود آغاز گردد و شما آن را تباه ساختید، پس خداوند آن را به تأخیر انداخت.^۱ و در روایتی دیگر آمده که اگر شما برای فرج دعا نکنید، خداوند تا آخر مقرر شده آن ظهور را به تأخیر می‌اندازد. پس قطعی است که عدم ظهور و عدم توفیق دیدار امام عصر ع بر عملکرد ما برمی‌گردد.

اِنْشِازَاتُ سَعِيدِ نَوِينٍ

بخش ۴

غیبت صغری و کبری امام عصر علیه السلام



۲۷

شهادت امام عسگری علیه السلام

معتمد عباسی به وسیله یکی از محرمان و نزدیکانش، امام عسگری علیه السلام را با زهر مسموم کرد تا به خیال خود از وقوع ظهور امام مهدی علیه السلام جلوگیری کند .

حضرت امام حسن عسگری علیه السلام بر اثر زهر چند روزی در بستر بیماری بود و در این ایام معتمد پیوسته طبیبان درباری خود را بر بالین امام می فرستاد تا مردم گمان کنند که حضرت از بیماری طبیعی در رنج است و گمان بدی نسبت به خلیفه پیدا نکنند و در آخرین روز یعنی هشتم ربیع الاول چون امام ساعت وفات خود را حس کرد فرزند خود را بر بالین طلبد و به کمک آن حضرت برای نماز آماده شدند.

آنگاه رو به طفل خود فرمودند: بشارت باد تو را ای پسر من، همانا تویی صاحب الزمان، و تویی مهدی و حجت خدا بر روی زمین و تویی پسر من و پدر تو رسول خدا صلی الله علیه و آله است و تو خاتم ائمه طاهرین هستی و رسول

خداﷻ نام و کنیه تو را بشارت داد و این عهدهی است برای من از پدرم و او از پدرهای طاهربین خود.

و چون این جملات به پایان رسید لبهای مبارک حضرت از حرکت باز ماند و رحلت آن حضرت به سوی اجداد مطهرش انجام شد آن حضرت در هنگام وفات ۲۹ سال بیشتر نداشت.

بعد از شهادت حضرت امام حسن عسگری^{علیه السلام} نسیم غلام خلیفه عباسی به سامراء آمد و در خانه حضرت امام حسن عسگری^{علیه السلام} را شکست حضرت صاحب الامر «عجل الله تعالی فرجه الشریف» از خانه بیرون آمدند و در حالی که تبریزی در دست داشتند به نسیم فرمودند: چه میکنی در خانه من؟ نسیم بر خود لرزید و گفت: جعفر (عموی امام) می گفت که از پدرت فرزندی نمانده است سپس از خانه بیرون آمد.^۱

۲۸

آغاز غیبت صغری

غیبت صغری از زمان شهادت امام حسن عسگری^{علیه السلام} در هشتم ربیع الاول ۲۶۰ قمری شروع و با وفات علی بن محمد سمری در نیمه شعبان سال ۳۲۹ قمری پایان یافت.

مدت غیبت صغری امام نزدیک ۷۰ سال است لیکن برخی آن را ۷۴ سال نیز نوشته اند این عده از علماء مبداء غیبت صغری را سال تولد آن حضرت یعنی سال ۲۵۵ قمری به حساب آورده اند.^۲

آغاز غیبت صغری امام عصر^{علیه السلام} در روز جمعه هشتم ربیع الاول بعد از نماز بر بدن مطهر پدر بزرگوارش در سال ۲۶۰ بوده است.

لذا در روایتی از امام صادق^{علیه السلام} پرسیدند: آیا امام زمان هنگام تولد دیده می شود در پاسخ فرمود: بلی به خدا سوگند از ساعت ولادتش تا زمان وفات پدرش دیده می شود و بعد از غروب روز جمعه هشتم ربیع الاول سال دویست و شصت غایب می شود...

۱. منتهی الامال، ج ۲، ص ۴۹۸، به نقل از محمد بن یعقوب کلینی.

۲. اعلام الوری، ص ۶۱۶.

غیبت صغری امام عصر علیه السلام جمعا ۶۹ سال و شش ماه و پانزده روز به طول انجامیده است. امام زمان علیه السلام در زمان غیبت صغری به سؤالات دینی علماء و مردم به طور مکتوب پاسخ می دادند و بعضی از این نامه ها که به خط مبارک امام نوشته شده بود در نزد شیخ صدوق نگهداری می شد.^۱ و متن این سؤالات و پاسخ های نورانی امام علیه السلام در کتب روایی شیعه مفصل آمده است.

۲۹

امانت به اهل آن رد شد

علی بن سنان موصلی از پدرش نقل می کند که وقتی امام حسن عسگری علیه السلام وفات کرد عده ای از مردم قم طبق معمول اموالی را به سامرا آوردند تا تحویل امام خود دهند چون از جانشین امام عسگری علیه السلام سؤال کردند مردم برادرشان جعفر را نشان دادند مردم در پی او شدند تا اینکه او را در قایقی در دجله و در حال تفریح کردن و مشغول شراب خواری دیدند!

آن ها با خود گفتند که امام هرگز چنین نمی کند بالاخره صبر کردند تا او بازگشت و نزد او رفتند و گفتند که ما از قم آمده ایم اموالی را برای امام عسگری آورده ایم که باید به جانشین ایشان تحویل دهیم او گفت: آن اموال را نزد من آورید.

گفتند: برنامه ما چنین است که پول ها، در کیسه های جداگانه قرار دارد و هر کیسه دارای مهر و موم مخصوص است امام جزئیات هر کیسه و نقش مهر مخصوص آن و مقدار پولی که داخل آن است را بیان می کند و ما آن وقت آن ها را تحویل می دهیم و قبلاً امام عسگری علیه السلام با ما چنین می کردند. جعفر گفت: شما دروغ می گوید این علم غیب است که هیچ کس از آن مطلع نیست و برادرم این چنین نبوده است. زود اموال را نزد من بیاورید. آن ها گفتند ما اجیر مردم هستیم و بدون آن علامت که گفتیم نمی توانیم پول ها را تحویل بدهیم.

۱. حیاة الامام / مهدی.

جعفر با ناراحتی نزد خلیفه رفت و شکایت آن‌ها را به خلیفه کرد خلیفه نیز آن‌ها را احضار کرد و دستور داد پول‌ها را به جعفر بدهند. آن‌ها عذر آوردند و جریان را تعریف کردند و گفتند: صاحبان پول‌ها به ما دستور داده‌اند که جز با این علامت پول‌هایشان را تحویل ندهیم و اینک اجازه دهید ما پول‌ها را به صاحبانش برگردانیم خلیفه اجازه بازگشت به آن‌ها را داد در حالی که جعفر مات و مبهوت مانده بود. کاروان وقتی حرکت کرد و از شهر خارج شد هنوز مسافتی را نپیموده بود که جوانی زیبا رو به نزد آن‌ها رفت و گفت بیایید تا شما را نزد مولایتان بیرم آن جماعت به شهر آمدند و به خانه امام حسن عسگری علیه السلام وارد شدند آنجا امام زمان را دیدند که لباس سبز رنگی بر تن شریف دارد و بر مسندی تکیه زده‌اند سلام کردند و پاسخ شنیدند حضرت تمام جزئیات اموال آن‌ها را بیان فرمود و نام صاحبان پول‌ها را نیز ذکر فرمودند و چون تمامی علامتها مطابق بود آن‌ها اموال را تحویل امام دادند آنگاه حضرت فرمودند: از این پس پولی نزد من نیاورید بلکه اموال ما را به نمایندگان ما تحویل دهید آنگاه امام نمایندگان خود را به آن‌ها معرفی کردند.^۱

۳۰

صبر داشته باش

علی یمانی می‌گوید: در بغداد بودم که قافله‌ای از یمنی‌ها برای رفتن آماده شدند من تصمیم گرفتم با آن‌ها همراه شوم لذا نامه‌ای نوشته تا از حضرت ولی عصر علیه السلام اجازه حرکت بگیرم. حضرت پاسخ دادند که در کوفه بمان و با آن‌ها حرکت مکن. در کوفه ماندم و بعدا آگاه شدم که قافله مذکور مورد حمله قرار گرفته و اموال آن‌ها به سرقت رفته است.^۲

۱. منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲. محجة‌البیضاء، ج ۴، ص ۳۵۱.

۳۱

مال دیگران را بپرداز

شخصی مقداری پول برای امام زمان علیه السلام فرستاد ولی حضرت آن را به او باز گرداند و فرمود: چهارصد درهم این پول برای پسر عمه‌ات می‌باشد آن را به او باز گردان آن شخص با پسر عمه‌اش در باغی شریک بود ولی آن را تصرف کرد و پسر عمه‌اش را از آن محروم کرده بود. او پس از بررسی دریافت که سهم او چهارصد درهم می‌باشد آن را پرداخت کرد و بقیه را تقدیم امام کرد آنگاه حضرت آن پول حلال را پذیرفت.^۱

۳۲

فرماندار قم در محضر امام عمر علیه السلام

حسن بن عبدالله بن حمدان می‌گوید: عمویم برایم حکایت کرد بعد از آنکه سلطان، چند حاکم برای شهر قم فرستاد اهل قم با همه آن‌ها جنگ کردند آنگاه خلیفه مرا به فرمانداری قم انتخاب کرد و لشکری هم با من همراه کرد ما به سوی قم حرکت کردیم در بین راه به جهت شکار دنبال شکاری رفتیم تا اینکه از لشکریان دور شدم و به نهر آبی رسیدم در این هنگام اسب سواری با عمامه‌ای سر و صورت خود را بسته بود و به سوی من آمد و مرا به اسم خطاب کرد و گفت: ای حسین، گفتیم: چه می‌خواهی فرمود: چرا در مورد امام زمان شک می‌کنی؟ و به ناحیه مقدسه اعتنا نداری؟ چرا خمس پول‌هایت را به نمایندگان من نمی‌دهی؟ من با آنکه شجاع و قوی بودم ولی از هیبت او ترسیدم و گفتم آنچه را می‌فرمائی انجام می‌دهم فرمود: وقتی که به قم رفتی اموالی که بدست می‌آوری خمس آن را به مستحقین بده. گفتم: حتما چنین خواهم کرد آنگاه فرمود: حالا برو. او عنان اسبش را گرفت و رفت آنگاه به سمت لشکر خود برگشتم و براه افتادیم. چیزی نگذشت که این جریان را فراموش کردم. وقتی به قم رسیدیم در انتظار جنگ با اهالی قم بودیم اما عده‌ای از

۱. محجة البیضاء، ج ۴، ص ۳۵۰.

آن‌ها نزد ما آمدند و گفتند: حاکمان گذشته را به شهر خود راه نداده‌ایم ولی تو را بعنوان حاکم می‌پذیریم و شهر را در اختیار می‌گذاریم. من وارد شهر شدم مدتی طولانی فرماندار قم بودم و ثروت بسیاری کسب کردم تا اینکه عده‌ای بر طولانی شدن زمان حکومت من و ثروت زیاد من حسد ورزیده و نزد خلیفه از من بدگویی کردند خلیفه نیز مرا عزل کرد در نتیجه من به سوی بغداد مراجعت کردم بعد از ورود نزد خلیفه رفته و گزارش کار خود را داده سپس به منزل خود رفتم مردم و دوستان به دیدن من می‌آمدند در یکی از روزها محمدبن عثمان که یکی از نواب خاص امام زمان ع بود به منزل آمد و مردم حاضر در مجلس را کنار زد و کنار من نشست من از این کار او ناراحت شدم اما حرفی نزد مردم دسته دسته آمدند و رفتند اما محمدبن عثمان همچنان نشسته بود وقتی مجلس خلوت شد به من گفتم: من سخن خصوصی با تو دارم.

گفتم: بگو.

او گفت: آن اسب سوار که در کنار نهر آب با تو ملاقات کرد برای پیغام داده است که ما به وعده خود وفا کردیم (ولی تو چرا وفا به عهد خود نکردی)؟

من ناگهان به یاد آن جریان افتادم و گفتم «حتما» چنان می‌کنم.

سپس برخاستم و دست او را گرفتم و به خزانه اموال خود بردم و خمس تمامی آن‌ها را محاسبه کرده و به او دادم از آن به بعد هرگز در مورد آن حضرت شک نکردم.^۱

عده‌ای در طول تاریخ ادعای مهدی بودن را کرده‌اند که چند تن از آن‌ها عبارتند از: ۱. مهدی سودانی در سال ۱۸۸۱ میلادی که در نهم رمضان ۱۳۰۲ در حالی که حاکم سودان بود به علت مرض تیفوس مُرد.

۱. محجة البیضاء، ج ۴، ص ۳۴۷.

۲. مهدی یمنی در سال ۱۱۵۹ در تهامه یمن ادعای امامت کرد و سه سال بعد از دنیا رفت.

۳. مهدی سنگالی در سال ۱۸۲۸ میلادی در سنگال قیام کرد و چندی بعد کشته شد.

۴. مهدی معزبی و مهدی سومالیایی و ...^۱

۵. حسین بن منصور حلاج صوفی مشهور او نیز در ابتداء، ادعای نیابت خاصه امام را نمود ولی بعد ادعای مهدویت نمود.

۶. ابن تومرت از کسانی است که در مغرب زمین در نواحی شمال آفریقا در اواخر قرن پنجم و اوائل قرن ششم هجری ادعای مهدویت کرد و کارش بالا گرفت و مریدان وی زیاد شدند و سپس به جنگ برخاست و سلسله موحدین را تشکیل داد و بعد از او به سلسله مؤمنیه کومیه معروف شدند ابن تومرت به «المهدی القائم بامرالله» لقب یافت و قبل از فتح مراکش فوت کرد.

او قواعد و دستوری دینی معین کرد تا پس از او عبدالمؤمن آنها را انجام دهد او در اذان صبح کلمات «أصیح و لله الحمد» را اضافه کرد.

۷. غلام احمد قادیانی (۱۲۳۵ ق. ۰) مؤسسه فرقه قادیانی در هند و سید علی محمد باب که در ۱۲۶۶ قمری در تبریز کشته شد، او فرقه بابی را در ایران راه انداخت و آنها نیز ادعای مهدویت کردند.

آنچه را که باید شدیداً مورد توجه قرار داد آنست که در دوره‌های قبل و در زمان ما این ادعاها هنوز وجود دارد و این نقشه‌ای است تا بتوانند با ظهور مهدی‌های جعلی ظهور آن عزیز را در اذهان مؤمنان خراب کنند و باید توجه داشت که ظهور امام عصر علیه السلام وابسته به علائمی حتمی است و این علائم برای تشخیص مدعیان دروغین نشانه‌ای محکم محسوب می‌شود.

۱. عثمان بن سعید از سال ۲۶۰ هجری قمری تا سال ۲۸۰ هجری قمری به مدت ۲۰ سال.
۲. محمد بن عثمان از سال ۲۸۰ هجری قمری تا سال ۳۰۵ هجری قمری به مدت ۲۵ سال او در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ فوت کرد.
۳. حسین بن روح از سال ۳۰۵ هجری قمری تا سال ۳۲۶ هجری قمری جمعا به مدت ۲۱ سال که در شعبان ۳۲۶ فوت کرد.
۴. علی بن محمد سمري از سال ۳۲۶ هجری قمری تا سال ۳۲۹ که با وفات علی بن محمد سمري در نیمه شعبان سال ۳۲۹، غیبت کبری امام زمان علیه السلام شروع شد.

۳۵

شناخت یاران: (نائب اول)

عثمان بن سعید:

از یازده سالگی جز دوستان و خدمتگزاران امام هادی علیه السلام بود و برای رساندن وجوهات مردم به دست امام هادی علیه السلام در دوران تاریک و پر خطر متوکل عباسی لعنه الله علیه بواسطه شغل خود که روغن فروشی بود پول‌ها و نامه‌های مردم را در درون ظرفهای روغن جاسازی می‌کرد و به خانه امام می‌فرستاد.

او سپس پیرو امام عسگری علیه السلام شد و مورد وثوق امام گشت تا زمان امام عصر علیه السلام و چون از دنیا رفت در بغداد به خاک سپرده شد.^۱

«عثمان بن سعید» پیش از وفات به فرمان امام عصر علیه السلام فرزند خود «ابوجعفر محمد بن عثمان» را به جانشینی خود و نیابت امام معرفی کرد. «محمد بن عثمان» نیز همچون پدر خود از بزرگان شیعه و در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد اعتماد و احترام شیعیان بود و قبلاً نیز حضرت عسگری علیه السلام نسبت به او و پدرش اظهار اعتماد و اطمینان فرموده بود و مرحوم شیخ طوسی می‌نویسد:

۱. مراقد المعارف، ج ۲، ص ۶۳

شیعه بر عدالت و تقوی و امانت او اتفاق داشتند.^۱ پس از درگذشت نائب اول، جناب «عثمان بن سعید» توقیعی^۲ از جانب امام زمان علیه السلام در مورد وفات او و نیابت فرزندش «محمد» صادر شد که ترجمه آن چنین است.

۳۶

«انالله وانا الیه راجعون»

در برابر فرمان او تسلیم و به قضای او راضی هستیم پدرت سعادت‌مند زیست و پسندیده در گذشت خداوند او را رحمت کند و به پیشوایان و سرورانش علیهم السلام ملحق سازد همواره در کار آنان جهد می‌ورزید و در آنچه موجب تقرّب به خدای عزیز و جلیل و پیشوایان بود می‌کوشید خداوند روح او را شاد و شاداب دارد و از لغزشش درگذرد.^۳

۳۷

تبعیت و وحدت

روزی چهل نفر خدمت امام حسن عسگری علیه السلام رسیدند تا از جانشین بعد از ایشان سؤال کنند در همان زمان حضرت با بچه‌ای که همانند ماه می‌درخشید و بیشترین شباهت را به پدر بزرگوارش داشت آمده و فرمودند: این بچه امام شماس است بعد از من او خلیفه است پس امر او را اطاعت کنید و بعد از من به بیراهه نروید و از یکدیگر جدا نشوید که باعث هلاکت شما خواهد شد.

آنگاه امام حسن عسگری فرمودند: آگاه باشید که شما بعد از امروز دیگر او را (امام مهدی علیه السلام) را نخواهید دید تا این که زمان ظهور او فرا رسد پس

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.

۲. «توقیع» یعنی حاشیه نویسی و اصطلاحاً به دستورات و نامه‌های خلفا و پادشاهان نیز گفته می‌شد و در کتب علمای شیعه به نامه‌ها و فرمانهایی که در زمان غیبت از طرف امام غائب به شیعیان رسیده «توقیعات» می‌گویند.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۹.

در این مدت بر شما باد که از عثمان بن سعید پیروی کنید و هرچه به شما فرمان داد بپذیرید زیرا او خلیفه امام شماسست و امر شما بدست اوست.^۱

۳۸

نائب دوم

محمد بن عثمان بن سعید: فرزند وکیل اول امام بود و مورد توجه و وثوق امام عسگری و امام زمان علیه السلام بود او پس از وفات پدرش نامه‌ای از طرف امام عصر به دستش رسید که رسماً به عنوان جانشین پدر منصوب شد. او مدت ۵۰ سال متولی نیابت و وکیل امام بود و کتب متعددی نیز تألیف کرده است در احوالاتش نقل شده که قبری را برای خود حفر کرده بود و هر روز درون آن می‌رفت و یک جزء قرآن می‌خواند و گریه می‌کرد او در اواخر جمادی الاولی سال ۳۰۵ هجری وفات یافت.

قبر محمد بن عثمان در بغداد پیش قبر مادرش در محلی که خانه‌اش آنجا بوده واقع است نویسنده تحفه قدسی می‌گوید: اکنون قبر شریف او در وسط شهر بغداد در خیابانی که منتهی می‌شود به شارع الرشید واقع است و معروف به شیخ خلانی می‌باشد.

امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرمایند: «واشهدوا علی ان عثمان بن سعید العمری وکیلی و ان ابنه محمدا وکیل وکیل ابنی مهدیکم»؛ گواه و شاهد باشید که عثمان بن سعید عمری (نایب اول) وکیل من است و فرزندش محمد بن عثمان (نایب دوم) وکیل فرزند من، مهدی شما است.^۲

۳۹

داستانی از نائب دوم امام عصر

شیخ کلینی، شیخ طوسی و شیخ طبرسی از زهری نقل کرده‌اند که گفت: مدت مدیدی در طلب دیدار امام زمان علیه السلام بودم و در این راه مال

۱. غیبت طوسی.

۲. کتاب غیبت طوسی، ص ۳۵۶، توجه به رفتار عبادی نائبان امام عصر علیه السلام برای مؤمنین الگوی مناسبی است و هر آنکس که اینگونه باشد قطعاً رضایت امام را کسب کرده است چرا که امام از نائبان خود راضی بوده‌اند.

فراوانی خرج کردم تا اینکه به خدمت محمدبن عثمان (دومین نایب خاص امام زمان در زمان غیبت صغری) رسیدم و با التماس از او خواستم مرا به حضور امام ببرد.

پاسخ منفی داد اما در مقابل تضرع بسیار من سرانجام لطف نمود و فرمود: فردا اول وقت نزد من بیا. فردای آن روز به خدمت محمدبن عثمان رفتم دیدم جوانی خوش سیما همراه اوست محمدبن عثمان به من اشاره کرد و گفت: ایشان همان کسی است که در طلبش هستی. به نزد امام رفتم و آنچه سؤال داشتم پرسیدم و ایشان نیز پاسخ فرمود تا به خانه‌ای رسیدیم حضرت داخل آن خانه شد و دیگر ایشان را ندیدم.

اما در این دیدار امام دوبار به من فرمود: از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را چندان به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها دیده نشوند و نماز مغرب را به قدری به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها نمایان شوند.

«ملعون، ملعون من آخر العشاء الی ان تشتبك النجوم، ملعون، ملعون، من آخر الغداة الی ان تنقضی النجوم ودخل الدار»^۱.

۴۰

داستان دوم

عبدالله بن جعفر حمیری می‌گوید: از محمدبن عثمان پرسیدیم آیا صاحب الامر را دیده‌ای؟

فرمود: آری، آخرین ملاقاتم با او کنار در بیت الله الحرام بود که می‌گفت: «اللهم انجز لی ما وعدتني» خداوندا نزدیک فرما آنچه وعده دادی، و او را در مستجار^۲ دیدم که می‌گفت: «اللهم انتقم بی اعدائی» خداوند بوسیله من از دشمنان انتقام گیر.

۱. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۶۰، باب ۸.

این دستور و پیام امام عصر^ع تنها برای آن ملاقات کننده نیست معلوم می‌شود که امام عصر^ع نسبت به خواندن نماز اول وقت تأکید دارند و حجم بالایی از روایات دلالت و تأکید بر اقامه نماز در اول وقت دارد. امیدواریم خداوند توفیق دهد به این دستور امام عمل کنیم).

۲. محلی خاص از کعبه معظمه را گویند.

و فرمود: صاحب الامر هر سال در حج حاضر می شود او مردم را می بیند و می شناسد و مردم او را می بینند ولی او را نمی شناسند.^۱

۴۱

نائب سوم

حسین بن روح: نایب سوم امام بود حکم نیابت او به وسیله محمد بن عثمان به دستش رسید او بیست و دو سال مقام نیابت را داشت در سال ۳۲۶ هجری پس از یک دوره مریضی طولانی وفات یافت و در بازار تجاری بغداد به خاک سپرده شد.

حسین بن روح از پیشگاه امام استجازه کرد به سفر حج برود امام علیه السلام اجازه نداد او از این جریان نگران شد چون حج نذری داشت لذا دوباره از محضر امام طلب اجازه کرد حضرت در جوابش مرقوم فرمودند: اگر ناگزیر از سفر هستی با قافله دوم حرکت کن. او نیز طبق دستور با کاروان دوم حرکت کرد ولی در شگفت بود که چطور شد امام در دفعه اول اجازه نفرمود ولی در بار دوم اجازه داد تا آنکه حقیقت امر روشن شد آنان که در قافله های قبلی حرکت کرده بودند تمامشان گرفتار قرامطه شدند و در حمله آنها تمام کاروانهای حجاج میان حجاز و عراق از بین رفته و کشته شدند و این سفیر با اخلاص امام سالم به حج خود رسید.

۴۲

داستانی عجیب از نائب سوم امام عصر علیه السلام

حسین بن علی بن محمد معروف به ابن علی بغدادی می گویند: در بغداد زنی از من پرسید:

مولای ما کیست؟ یکی از اهالی قم در پاسخ او گفت: ابوالقاسم بن روح وکیل حضرت ولی عصر علیه السلام است آنگاه نشانی او را به آن زن داد وی نزد ابوالقاسم آمد و به او گفت: ای شیخ همراه من چیست؟

شیخ فرمود: هرچه با خود داری در دجله بینداز، آنگاه نزد من بیا تا

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۱.

به تو بازگویم زن رفت و آنچه با خود داشت در دجله انداخت و بازگشت ابوالقاسم به خدمت کار خود گفت تا آن جعبه را حاضر کند، سپس به آن زن گفت: این همان جعبه‌ای بود که در دجله انداختی! من به تو بگویم در آن چیست یا تو می‌گویی؟

زن گفت: شما بگوید؟ شیخ گفت: یک جفت دست‌بند طلا یک حلقه‌ی بزرگ گوهردار، دو حلقه‌ی کوچک که هر کدام یک گوهر دارد و دو انگشتر فیروزه و عقیق در این جعبه هست. سپس جعبه را گشود و هرچه را در آن بود نشان داد، زن به آن‌ها نگریست و گفت: این همان است که من آوردم و در دجله انداختم آنگاه از فرط تعجب بی‌هوش شد.

جناب ابوالقاسم حسین بن روح کتابی دارد به نام تادیب پس از آنکه آن را می‌نگارد آن را برای فقهاء و شیعیان در قم می‌فرستد.^۱

۴۳

چهارمین و آخرین نائب در عصر غیبت صغری

بعد از رحلت حسین بن روح طبق نظر مبارک امام زمان علیه السلام ابوالحسن علی بن محمد سمري به جانشینی وی منصوب گردید از زندگانی او چندان اطلاعی در دست نیست شیخ صدوق در کمال الدین و شیخ طوسی در کتاب رجال و صاحب کتاب اعیان الشیعه سخن را درباره او در نهایت اجمال گفته‌اند. اسحاق بن یعقوب بعد از این که فهمید سمري آخرین نائب خاص حضرت است سئوالی را به واسطه سمري از امام زمان علیه السلام پرسید مبنی بر اینکه بعد از شروع غیبت کبری شیعیان شما باید چه کنند؟

امام در پاسخ به او فرمودند: «واما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم

حجتی علیکم وانا حجة الله علیهم».^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۲. منتهی الامال: (این فرمایش امام دلالت بر این دارد که سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت کبری رها شده نیست و تکلیف مردم مشخص است که از چه کسانی باید تبعیت و تقلید کنند).

یعنی: در بروز رخ دادها و حوادث به روایان احادیث ما رجوع کنید زیرا آنها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر همه مردمم.

۴۴

نامه آخر به نائب آخر

وقتی پایان عمر سمری نزدیک شد در بستر بیماری بود که عده‌ای از شیعیان از او خواستند جانشین بعدی خود را مشخص کند او در پاسخ توقیعی از امام مهدی عج را به آنها نشان داد که در آن آمده بود:

۴۵

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا علی ابن محمد السمری، اعظم الله اجرا اخوانك فيك فانك ميت ما بينك و بين سته ايام فاجمع امرک ولاتوص الی احد...».

یعنی: ای محمد سمری! خداوند اجر برادرانت را در تو زیادی بخشد تو تا شش روز دیگر خواهی مرد پس کارهای خودت را جمع کن و هیچ فردی را به جایگزینی خود معرفی مکن زیرا از هم اکنون غیبت کبری واقع شده است و هیچ ظهوری در کار نخواهد بود مگر آنکه خداوند اذن دهد و این ظهور در زمانی صورت خواهد پذیرفت که مدتی طولانی سپری شود قلبها سخت شود و زمین پر از ستم گردد بزودی می‌آیند کسانی که ادعای مشاهده مرا می‌کنند ولی بدانید هر کس چنین ادعایی را قبل از خروج سفیانی و صحیبه آسمانی بکند دروغگوی تهمت زن است.

«ولاحول ولاقوة الا بالله العظیم». همه کسانی که در آن مجلس بودند از روی توقیع امام نسخه برداری کردند وقتی که روز ششم فرا رسید و آنها برای آخرین ملاقات بر بالین او حاضر شدند دیدند که لحظات پایانی عمر را می‌گذراند.

۱. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۴۸. امام زمان عج در این مرقومه تلویحا اشاره فرمودند که می‌توان امام عصر عج را در دوران غیبت کبری دید ولی بینده اگر اظهار کرد او را تکذیب کنید تا راه مرید و مرید بازی بسته باشد و عده‌ای دکان داری نکنند وگرنه منعی برای دیدن نیست این به آن معناست که آن کسی که اسرار حق آموختند باید دهانش بسته باشد.

در این موقع یکی از حاضرین که هنوز جریان توقیع امام را نشنیده بود از سمري سؤال کرد که وکیل بعد از تو کیست؟ او پاسخ داد: «لله امر هو بالغه».

یعنی: خدا برای امریست که او می‌رساند به هر کس که بخواهد. او در روز نیمه شعبان ۳۲۸ هجری وفات کرد.

۴۶

آغاز غیبت کبری

علی بن محمد سمري بسیار با تقوا بود با آنکه علمای بزرگ هم معاصر با او بودند ولی او از طرف امام نیاقت را پیدا کرد و در نیمه شعبان سال ۳۲۸ هجری وفات یافت او در اواخر عمرش نامه‌ای از امام عصر علیه السلام دریافت نمود که آن حضرت باب نیاقت خاصه را مسدود اعلام کردند.^۱ علی بن محمد سمري سه سال نیاقت امام را به عهده داشت و غیبت کبری از همان سال فوت علی بن محمد سمري یعنی سال ۳۲۹ قمری شروع شد و هم اکنون نیز ادامه دارد.

۴۷

سفیران دروغین

عده‌ای در طول تاریخ غیبت امام عصر علیه السلام (غیبت کبری یا صغری) به دروغ ادعای وکالت امام را داشته‌اند که از آن جمله: احمد بن هلال که از اصحاب امام عسگری علیه السلام بود، و مورد لعن امام قرار گرفت، حسن شریعتی از اصحاب امام هادی و امام عسگری علیه السلام حسین بن منصور حلاج که در سال ۳۰۹ هجری کشته شد، محمد بن علی شلمغانی که به جهت حسادت بر نایب چهارم امام منحرف شد و محرمات شرعی را برای پیروان خود حلال کرد و دستور ترک عبادت داد و امام زمان در نامه‌ای که برای نایب خود فرستادند او را لعنت کردند او در سال ۳۲۳ به دار آویخته شد.^۲

۱. منتخب الاثر.

۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۹۶، و احتجاج، ج ۲، ص ۲۰۹.

روایتی در باب غیبت کبری

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

ان لصاحب هذا الامر غیبتین احدیہما تطول حتی یقول بعضهم مات وبعضهم یقول: قتل و بعضهم یقول: ذهب فلا یبقی علی امره من اصحابه الا نفر یرسیر لایطّلع علی موضعه احد من ولی و لا غیره الا المولی الذی یری امره.^۱ برای صاحب این امر دو غیبت است:

یکی از آن دو طولانی است تا این که بعضی از مردم گویند، مرده است و برخی گویند کشته شده و گروهی گویند رفته است. پس از اعتقاد به حضرت از اصحاب وی کسی باقی نمی ماند مگر افراد اندکی، هیچ کس از جایگاه او آگاه نیست، نه ولیّ و نه دیگران مگر خادمی که کارهای ایشان را انجام می دهد.^۲

انتشارات سعید نفیسی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۰.

توضیح این خادمان در بخش آتی این کتاب آمده است ولی محدث نوری در *جمله الماوی* این حدیث را آورده که: و هذه الثلاثون الذین یستانس بهم الامام علیه السلام فی غیبتہ لابد ان یتبادلوا فی کل قرن اذ لم یقدر لهم من العمر ما قدر سیدهم علیه السلام ففی کل عصر یوجد ثلاثون مؤمنا ولیا یتشرفون بلقائه.

و این سسی تن که امام با آنان انس می گیرد در زمان غیبت کبرا به ناچار در هر قرنی تغییر می کنند زیرا عمری که برای سرور آنان مقدّر شده برای آنان نیست از این روی در هر عصری سی مؤمن دوستدار مشرف به لقای حضرت می شوند.

(شایسته است مؤمنین و دوستداران حضرت حجت علیه السلام برای این ۳۰ نفر بزرگواری که در دوران های مختلف سمت نورانی خدمتکاری امام خود را به عهده داشته اند اعمال عبادی انجام داده و ثواب آن را به پاس خدمتکاریشان به آن ها اهداء نمایند).

بخش ۵

سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت امام زمان علیه السلام

۴۹

زامداری علما، فداترس

سرنوشت جامعه شیعه در زمان غیبت امام عصر علیه السلام رها شده نیست بلکه طبق دستور امام زمان علیه السلام بایستی به راویان حدیث و علماء مراجعه نمود. در این خصوص امامان شیعه علیهم السلام فرمایشاتی دارند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

– امام هادی علیه السلام فرمود:

اگر علمای دینی در زمان غیبت امام قائم نبودند که مردم را به سوی او بخوانند، آن‌ها را بر او راهنما باشند، دین آن‌ها را حفظ کنند و ضعیفان شیعه را از دام‌های شیطان و توطئه‌های دشمنان نجات دهند، هیچ کس باقی نمی‌ماند مگر آنکه از دین خارج و به ارتداد می‌افتاد، آن‌ها ایند که سکان قلب ضعیفان فکری از شیعه را چون سکان دار کشتی در دست می‌گیرند و آنان در نزد خداوند بر سایرین برتری دارند.

- در روایتی دیگر بلکه طبق فرمایش امام صادق علیه السلام فقهاء زمامدار امور شرعی و سیاسی مسلمانان هستند.

«واما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدينه مخالفا لهواه مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه». هرکس از فقها نفس خود را از معاصی و محرمات نگهداری کند و دین خود را حفظ نماید و مخالف هوای خود و مطیع مولای خود باشد پس عوام (کسی که فقیه نیست و قدرت استنباط مسائل شرعی را از کتاب ندارد) باید از آنها تقلید بکنند.^۱

- توقیع مبارک امام عصر علیه السلام به جناب محمدبن عثمان نایب دوم مبنی بر این که «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا».^۲ زمانی صادر شده که تا زمان غیبت کبری امام عصر علیه السلام ۲۴ سال فاصله بوده است این توقیع در پاسخ به پرسشهای اسحق بن یعقوب است که مردم را در حوادث واقع به علما و راویان حدیث ارجاع می‌دهد.

۵۰

حیات بشری با حجت خدا

سلیمان می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: مردم چگونه از حجت غایب پنهان بهره‌مند می‌شوند؟
فرمود: همچنان که از خورشید پس ابر بهره‌مند می‌شوند.^۳

۵۱

وکالی امامان علیهم السلام در تمام دورانها بوده‌اند

با بررسی تاریخی در زندگی امامان علیهم السلام درمی‌یابیم که حضرات معصومین علیهم السلام در زمان حیات خود در شرایط خاص وکلایی را جهت مراجعه مردم به آنها انتخاب می‌کردند این وکلا در تاریخ زندگی امام هفتم امام نهم و دهم و

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

۳. امالی صدوق، ص ۱۵۲.

یازدهم به کثرت دیده می‌شوند پس جای تعجب ندارد که در عصر غیبت امام عصر^ع عده‌ای عالم با شرایط خاص پرچم‌دار دین خدا باشند. در اینجا لازم است به داستان‌های مستندی که از آن معلوم می‌شود امام عصر^ع مراجع تقلید را به عنوان پرچم‌دار و سکاندار در عصر غیبت کبری مقرر فرموده‌اند اشاره شود.

۵۲

شاهد مثال و دلیل اول

حضرت آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی می‌گوید: یک روز در نجف اشرف مشهور شد که یک نفر مرتاض هندی که از راه حق ریاضت کشیده و به مقاماتی رسیده به نجف آمده، به دیدار وی رفتم، و به او گفتم: آیا در مدت ریاضت خود ختمی یا ذکرری به دست آورده‌اید که بشود به وسیله آن به خدمت آقا امام زمان^ع رسید؟

وی در جواب گفت: آری من یک ختم مجرب دارم از وی دستور آن ختم مجرب را خواستم او چنین گفت: باید با طهارت^۱ بدن و لباس در بیابانی رفت و نقطه‌ای را انتخاب نمود که محل رفت‌وآمد کسی نباشد بعد با وضو رو به قبله نشست و خطی دور خود کشید و مشغول ختمی شده پس از انجام ختم، هر کس که به نزد تو آمد همان امام زمان^ع است.

آیت‌الله اراکی^۲ فرمود: من به بیابان سهله رفتم و طبق دستور ختم را انجام دادم همین که ختم تمام شد سیدی را دیدم که دارای عمامه سبزی بود به من فرمود: چه حاجتی داری؟

من فوراً در جواب گفتم: به شما حاجتی نیست...

سید لبخندی بر لبانش نقش بست و از کنار من دور شد با دور شدن او

۱. این ذکر، از اذکار اذنی است و درباره این ذکر از حضرت آیت‌الله لنگرودی سؤال کردم فرمود: چون این ذکر اذنی است کسانی انجام دادند ولی موفق نشده‌اند، اول بایستی غسل توبه کرد و وضو گرفت سپس به بیابانی رفته و دور خود خطی کشیده و ۷۰ بار آیه‌الکرسی را خواند برای تفصیل بیشتر این موضوع به بخش مربوطه در این کتاب مراجعه شود.

۲. مزار آیت‌الله حاج شیخ عبدالنبی اراکی در مسجد بالا سر حرم حضرت معصومه^ع است.

این مطلب در خاطر آمد که نکند این همان آقا امام زمان علیه السلام باشد به خود گفتم شیخ عبدالنبی مگر آن مرتاض نگفت جایی را اختیار کن که محل عبور و مرور اشخاص نباشد هر کس را دیدی همان امام زمان علیه السلام است و تو بعد از انجام ختم کسی را غیر از این سید ندیدی...

فورا به دنبالش روان شدم ولی هر چه تلاش کردم به او نرسیدم...

چون زیاد دویدم خسته شدم قدری استراحت کردم ولی چشم من به سید دوخته شده بود و مراقب بودم که سید به کدام از کوچه‌های عربی (خانه‌های عرب) وارد می‌شود...

از دور دیدم به یکی از کوچه‌های عربی وارد شد بعد از مدت کوتاهی به سوی آن کوخ رفتم وقتی رسیدم، درب زدم شخصی آمد و گفت: چه کار دارید؟

گفتم: سید را می‌خواهم، گفت: دیدار سید نیاز به اذان دخول دارد صبر کن بروم برای شما اذان بگیرم.

وی آمد و گفت: آقا اذن دخول دادند وارد کوخ شدم دیدم همان سید بر روی تخت محقری نشسته سلام کردم و جواب شنیدم فرمود: بیایید و بر روی تخت بنشینید اطاعت کردم و بر روی تخت روبروی سید نشستم... پس از گذشت مدتی فکر سر بلند کردم، آقا را در حال انتظار دیدم لذا خجالت کشیده و با شرمندگی تمام عرض کردم: آقا اجازه مرخصی می‌فرمائید؟ فرمود: بفرمائید از خانه خارج شدم همین که چند قدم راه رفتم... دوباره برگشتم و درب را زدم همان شخص آمد به او گفتم: می‌خواهم دوباره خدمت آقا برسم؟ وی گفت: آقا نیست، گفتم: دروغ نگو... وی گفت چگونه نسبت دروغ به من می‌دهی، استغفار کن، من اگر قصد دروغ کنم هرگز جایم در اینجا نخواهد بود ولی بدان این آقا مانند آقایان دیگر نیست این امام والامقام در این مدت ۲۰ سال که افتخار نوکری او را دارم برای یک مرتبه زحمت درب باز کردن را به من نداده است گاهی از درب بسته وارد می‌شود.^۱

۱. امام طبق روایت همیشه ۳۰ نفر یار مخصوص دارد که با حضرت هستند و امور امام را انجام می‌دهند. برای

گفتم: معذرت می‌خواهم... مرا ببخشید. گفتم: آیا راهی دارید برای حل مشکل من؟

گفت: آری هر وقت ولی‌عصر علیه السلام در اینجا تشریف ندارند فوراً در جای ایشان نایب ایشان ظاهر می‌گردد و برای حل جمیع مشکلات آمادگی دارد. گفتم: می‌شود به خدمت نایب امام رسید؟

گفت: آری، وارد خانه شدم دیدم بر جای امام زمان علیه السلام مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی^۱ نشسته است سلام کردم جواب شنیدم بعد با لبخند و بالهجه اصفهانی فرمود: حالت چگونه است...؟ پس از حل جمیع مسائل مشکل دستش را بوسیدم و از خدمتش مرخص شدم همین که بیرون آمدم با خود گفتم:

آیا این آقا سید ابوالحسن اصفهانی بود یا شخصی دیگر بود؟ مردد بودم بعد با خود گفتم: تردید وقتی از بین می‌رود که به نجف رفته و به خانه ایشان بروم و همان مسائل و مشکلات را سؤال کنم اگر همان جوابها را از سید بدون کم و زیاد شنیدم آن وقت همان آقا، سید ابوالحسن است و اگر جوابها را طور دیگر شنیدم آن سید غیر آیت‌الله سید ابوالحسن است. به نجف رفتم و یکسره به منزل آیت‌الله سید ابوالحسن رفتم... بعد مسائل به همان نحو مطرح شد و سید به همان صورت جواب دادند بدون کم و زیاد.

بعد فرمودند: حالا یقین کردی و از حالت تردید بیرون آمدی؟

عرض کردم: آری ای آقای بزرگوار.

سپس فرمودند: من راضی نیستم در حال حیات و زندگی این جریان را برای کسی نقل کنی بعد از مردنم مانعی ندارد.^۲

توضیح بیشتر به بخش مربوطه مراجعه شود تا چگونگی ملحق شدن این افراد معلوم گردد.
 ۱. از این دست تشریفات زیاد نقل شده و این نشان می‌دهد که سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت رها شده نیست و کاملاً تحت اشراف و عنایت مستقیم امام عصر عجل و نایبان آن امام می‌باشد.
 ۲. شیفتگان حضرت مهدی عجل، ص ۱۲۰. این جریان را مرحوم حضرت آیت‌الله شیخ عبدالنبی اراکی برای مرحوم حضرت آیت‌الله لنگرودی که در مسجد جوادیه قم اقامه نماز می‌کردند نقل کرده است و صاحب این قلم از ایشان شنیده است.

داستان دوم

محدث نوری می‌نویسد: در روزگار گذشته فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می‌کرد که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن منطقه گوی سبقت را از او ربوده بود روزی وزیر بر فرمانروا وارد شد و اناری را به دست حاکم داد که به صورت طبیعی این کلمات بر پوست آن نقش بسته بود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ محمد رسول الله» و ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله.

فرمانروا از دیدن انار شگفت زده شد و به وزیر خود گفت: این نشانه‌ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است نظر تو درباره شیعیان بحرین چیست؟

وزیر پاسخ داد: به باور من باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارایه دهیم اگر آن را پذیرفتند باید از مذهب خود دست کشند و موضوع حل است وگرنه آنان را میان سه مطلب مخیر می‌کنیم: یا پاسخی قانع کننده بیاورند، یا جزیه بدهند، یا اینکه مردان شان را می‌کشیم و زنان و فرزندان شان را اسیر کنیم و اموالشان را به غنیمت می‌بریم. او رای وزیر خود را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فرا خواند آن گاه انار را به آن‌ها نشان داد و گفت: اگر برای این پدیده دلیلی روشن نیاورید شما را می‌کشم و ...

دانشمندان شیعه سه روز از او مهلت خواستند.

علماء شیعه پس از گفت و گوی زیاد به این نتیجه رسیدند که از میان خود ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند آنگاه از میان آن ده نفر، سه نفر را انتخاب کنند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به صحرا برو و به امام زمان عجل الله فرجه استغاثه کن و از او راه رهایی از این مصیبت را بپرس زیرا او امام و صاحب ماست.

آن مرد چنین کرد ولی پاسخی از حضرت ندید شب دوم نیز نفر دوم فرستادند او نیز پاسخی دریافت نکرد، شب آخر نفر سوم را که مردی

پرهیزکار بود فرستادند او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت درخواست کمک کرد چون آخر شب شد شنید مردی خطاب به او می گوید:
ای محمدبن عیسی! چرا تو را به این حال می بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمدی؟ محمدبن عیسی از او می خواهد که او را رها کند و به حال خود واگذارد آن مرد می فرماید: ای محمدبن عیسی منم صاحب الزمان حاجت خود را بگو.

محمدبن عیسی گفت: اگر تو صاحب الزمانی داستان مرا می دانی و به گفتن من نیاز نیست.

امام فرمود: راست می گویی تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است به این جا آمده ای. عرض کرد: آری شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید.

پس حضرت فرمود: هنگامی که درخت انار تازه آورده بود، او (وزیر) از گل قالبی به شکل انار ساخت آن را نصف کرد و در میان آن جمله را نوشت سپس قالب را بر روی آن انار که کوچک بود گذاشت و آن را بست (انار که کم کم بزرگ شد کلمات قالب بر آن نقش بست) فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه وزیر می دهم چون به خانه وزیر رفتید پیش از وزیر به فلان جا برو کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گل در آن است آن را به فرمانروا نشان ده.

نشانه ای دیگر اینکه به فرمانروا بگو که معجزه ای دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.
سپس امام فرمود: انار را به وزیر دهید تا آن را دو نیم کند تا تمام آن دود و خاکستر به صورت وزیر بریزد.

محمدبن عیسی از این سخنان بسیار شاد شد و به نزد شیعیان بازگشت روز دیگر آنان پیش فرمانروا رفتند و هر چه امام زمان علیه السلام فرموده بود آشکار گشت .

فرمانروای یمن با دیدن این معجزه شیعه شد و دستور داد وزیر حيله گر

را به قتل رساندند.^۱ قبر شریف محمدبن عیسی در نزد مردم بحرین مقدس و زیارتگاه است و این قضیه (در آنجا مشهور است).

۵۴

داستان سوم

مرحوم میرزا محمد تنکابنی می‌نویسد:

از دهات کسی به محضر شیخ مفید رسید و سؤال کرد که زنی حامله فوت کرده و فرزندش زنده است آیا باید شکم آن زن را شکافت، و طفل را بیرون آورد و یا این که با آن زن او را دفن کنیم؟

شیخ فرمود: با همان حمل او را دفن کنید.

مرد برگشت در راه دید سواری از پشت سر می‌تازد و می‌آید چون نزدیک رسید گفت:

ای مرد! شیخ مفید فرموده است شکم آن زن را پاره کنید و طفل را بیرون آورید و زن را دفن کنید. بعد آن مرد چنین کرد.

بعد از چندی جریان را برای شیخ نقل کردند، شیخ فرمود: من کسی را نفرستادم و معلوم است که آن آقا حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام بوده است حال که در احکام شرعیه خطا می‌نمائیم همان بهتر که دیگر فتوا ندهیم پس در خانه خود را بست و بیرون نیامد.

تا آنکه از طرف امام عصر علیه السلام توقیعی (نوشته‌ای) برای شیخ صادر شد که:

بر شماست که فتوی دهید و بر ماست که شما را تسدید کنیم و نگذاریم در خطا واقع شوید. پس شیخ بار دیگر بر مسند فتوا نشست.^۲

داماد شیخ مفید در احوالات معنوی این پاک سرشت عرشی نسب می‌نویسد:

او (شیخ مفید) جزء پاسی از شب را در بستر خود نمی‌خفت و سپس

۱. نجم‌الثاقب، ص ۵۵۶ و مرحوم مجلسی این داستان را نیز در بحارالانوار آورده است.

۲. قصص العلماء، ص ۳۹۹.

برخاسته نماز می‌خواند یا مطالعه می‌کرد یا تدریس می‌نمود و یا قرآن تلاوت می‌کرد.

(افتخار شیعه به این است که در عصر غیبت کبری چنین علمایی پاک و نورانی زمام امور دینی و سیاسی شیعیان را در دست دارند).

۵۵

و مثال‌هایی دیگر

- امام عصر علیه السلام در بیمارستان قلب تهران از حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی علیه السلام عیادت کردند و به منزل ایشان در قم رفت و آمد داشتند.

- زمانی حضرت آیت‌الله بهجت به مسجد جمکران مشرف شده بودند و از بلندگوی مسجد دعای ندبه پخش می‌شده است و به جملات «أین» به معنی «کجاست» رسیده بودند.

ایشان فرموده بودند: آقا کجا نیست؟

- و در بین جامعه شیعیان ارسال پیغام مکتوب امام عصر علیه السلام برای مرحوم آیت‌الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی توسط حاج شیخ کوفی شوشتری نیز در کتب زیادی نقل و ذکر شده است و حتی بعضی از علماء معاصر آن مکتوب نورانی امام را خطاب به آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی دیده‌اند.

- فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مؤسس حوزه مقدس قم می‌فرماید.

پدرم چون از وجوهات مصرف نمی‌کرد روزهایی بود که ما هیچ چیزی در خانه نداشتیم و کمترین پولی برای خرید غذا نبود ۵ تا ۶ ماه، خرج ما را حضرت می‌دادند خیلی از شبها غذا نداشتیم اما بی‌غذا هم نمی‌شدیم.

- درباره عدم پذیرش مرجعیت از طرف آیت‌الله بهاء‌الدینی نیز به داستان زلال بی‌زوال در این کتاب مراجعه شود.^۱

- حضرت آیت‌الله بهجت می‌فرماید:

۱. آیت بصیرت، ص ۶۸

مرحوم آقای قاضی رفیق مرحوم آقای سیدحسن صدر بود و می‌فرمود ایشان به دستور حضرت ولی عصر علیه‌السلام ارواحنا فداه رساله نوشتند و مرحوم سیدحسن صدر در فقه ید طولانی داشت (و معلوم می‌شود که سرنوشت جامعه شیعه در عصر غیبت کبری تحت اشراف امام ع قرار دارد).



انتشارات سجید نفیسی



انتشارات سجد نون

فصل سوم

بخش ۱:

مشخصات چهره و قامت نورانی امام مهدی عج.

بخش ۲:

فضیلت انتظار در عصر غیبت و روایات مربوط به آن.

بخش ۳:

پاداش معنوی منتظران.

بخش ۴:

مسئله طول عمر امام مهدی عج و محل زندگی امام.

بخش ۵:

شرایط تشریف یافتگان.

بخش ۶:

امکان دیدار امام مهدی عج و اذکار تشریف.

بخش ۷:

ضرورت شناخت امام زمان و وظایف شیعیان.

بخش ۸:

توقیعات امام مهدی عج.



انتشارات سجد نون

بخش ۱

مشخصات چهره و قامت نورانی امام مهدی عج



۱

گفتار رسول خدا ص درباره چهره نورانی امام مهدی عج

رسول خدا ص می فرماید:

- مهدی از من است او دارای پیشانی بلند و بینی کشیده است.
- مهدی از فرزندان من است صورت او مانند ماه، زیبا و گرد و با رنگ عربی، جسم او جسم اسرائیلی (یعنی گندمگون بودن و دارای قامت کشیده که به بلند قامت بودن نزدیک تر است).
- صورتش مانند دینار (گرد) دندانهایش مثل دندانهای منشار (خوش تراش و موزون) شمشیرش مانند آتش سوزان.
- مثل اینکه مردی از شنوا^۱ است بر او دو عبای قطان^۲ است.
- فرمود: بر دو چشمش سرمه کشیده شده و با ریشی پرپشت که برطرف راست صورت او خالی می باشد.

۱. شنوا محلی است در یمن.

۲. قطان محلی است در کوفه یا سمرقند یعنی: آن عبا در یکی از این دو شهر بافته شده است.

عن النبی ﷺ: «وجهه کالدینار علی خده الایمن خال کانه کوکب دری» چهره‌اش مانند دینار می‌درخشد و بر گونه راستش خالی است که گویی ستاره‌ای درخشان است. چهره آن حضرت را چنین توصیف نموده‌اند: صورت سفید مایل به قرمز دندان‌های ثنا یا سفید و مرتب و بافاصله استخوان بندی درشت و چهارشانه پیشانی بلند و جلوی سر کم مو، بینی کشیده با کمی انحناء در وسط، شکم وسیع، و بسیار زیبا.^۱

پیامبر اکرم ﷺ: «المهدی رجل من ولدی وجهه کالکوکب الدر» مهدی مردی از فرزندان من است و چهره‌اش چون ستاره درخشان می‌باشد.^۲
عن النبی ﷺ: «وجهه کالدینار علی خده الایمن خال کانه کوکب دری»؛ چهره‌اش مانند دینار می‌درخشد و بر گونه راستش خالی است که گویی ستاره‌ای درخشان است.

۲

سخنان امیرالمؤمنین

- مهدی دارای چشمان سیاه است مثل این که از زیادی خشوع به طرف بینی خود نگاه می‌کند، موهایش مجعد، صورتش مانند ماه و پیشانی او باز، دارای خالی در طرف راست صورت است و مهر نبوت در میان دو کتف اوست...

- شکم مبارکش فربه است دندانهایش درخشان، رانها از هم فاصله دارد، در شانه علامت‌های نبوت حضرت محمد ﷺ قرار دارد.

- هم نام پیامبر اکرم ﷺ است، دارای اندام موزون و متناسب و صورت با طراوت، صدایش شاد و روشن است، مژه هر دو طرف بلند و در اثر تواضع در پیشگاه خداوند آویخته و افتاده است گردنش کشیده و موزون است...

- او سرخ رو دارای موی سیاه و سپید، به آسانی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و در کوچکی از پدر و مادر دور می‌شود.

۱. حیاة الامام المهدی، ص ۳۲.

۲. کنز العمال - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۳، باب ۴.

۳

سخنان امام باقر علیه السلام درباره چهره نورانی امام مهدی علیه السلام

- فرمود: صورتش مانند ستاره درخشان است و متمایل به سرخی.
 - سیاهی هر دو دیده‌اش درخشان است، کف دو دستش خشن و زبر است و هر دو زانو خم شده و شکم، کمی جلو آمده است.
 - در کمرش دو خال وجود دارد یکی به رنگ پوست بدن خود آن حضرت و دیگری شبیه خال جدش رسول خدا.
 - قائم دارای چندین نشانه است: جای بریدگی شمشیر در سرش و خالی زیر شانه چپ و در زیر هر دو کتفش خالی است مثل مثل برگ درخت آس.
 - موهایش کوتاه و مجعد، دندانها از هم جدا و پیشانی گشاده است...
 - ابروانش بهم نزدیک است و هر دو چشم در اثر بیداری شب و عبادت فرو رفته، سیاهی دیدگانش درخشان است، خالی به صورت دارد، سینه فراخ و میان دو کتفش پهن است و مفصل استخوان‌هایش درشت است.

۴

گفتار امام صادق علیه السلام درباره امام زمان علیه السلام

- در صاحب‌الزمان نشانه‌ای از یونس است و آن ظاهر شدن بعد از غیبت در قیافه جوانی است.
 - او زیبا صورت و گندم‌گون متمایل به سرخی است.
 - او خوش بیان است و زیبا صورت و ساق هر دو پایش محکم ولی در اثر قناعت و زهد و زیاده روی (در عبادت) نحیف است.
 - از نظر بدن نیرومند، هنگامی که فریادش به کوه‌ها برسد تخته سنگ‌های آن فرومی‌ریزد، دست بر دوش هر انسانی که بگذرد قلب او مانند آهن محکم می‌شود.
 - او از نظر قامت نه زیاد بلند است و نه زیاد کوتاه بلکه میان بالا و چارشانه است سرش بزرگ و سینه‌اش فراخ است و گشاده پیشانی، ابرو پیوسته و در طرف راست صورتش خالی است مانند قطعه مشک و عنبر نرم شده.

سخنان امام رضا علیه السلام درباره امام مهدی علیه السلام

- می‌فرماید: او به من و موسی بن عمران شباهت دارد بر تن او پیراهنی از نور است که نور آن به شعاع قدس بالا می‌کشد، اندامش موزون و رنگ و صورتش با طراوت است در خلق و خوی او به رسول خدا شباهت دارد.
- حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

«القائم هو الذی اذا خرج کان فی سنن الشیوخ و منظر الشبان قوی فی بدنه» قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران و منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد.^۱

به امام رضا علیه السلام عرض شد: آیا شما صاحب الامر هستید؟
حضرت فرمود:

من صاحب الامر هستم ولی آن صاحب الامری که زمین را پر از عدل می‌کند نیستم من چگونه می‌توانم آن باشم و حال آن که بدنم ضعیف است. حضرت رضا فرمود: او حضرت قائم علیه السلام است وقتی که ظاهر می‌شود در سن بزرگسالان و در قیافه جوانان است آن چنان قدرتی دارد که اگر دستش را به سوی درخت‌های بلند و بزرگ دراز کند آن را از زمین بر می‌کند و اگر بین کوه‌ها فریاد زند سنگ‌های کوه از جا کنده می‌شوند. همانا عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر خاتم حضرت سلیمان علیه السلام همراه اوست.^۲

چهره نورانی امام مهدی علیه السلام در روایات و کتب اهل سنت

- در کتاب برهان ص ۹۳ از ابی امامه از حدیث روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مثل اینکه صورتش ستاره درخشانده است.
در رینایع الموده از کتب اهل سنت ص ۴۶۷ آمده که مهدی علیه السلام صورت سرخی دارد و در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰ از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت دارد که در صورتش خالی است. در کفایه الخصام، ص ۶۸۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت

۱. منتخب الاثر، ص ۲۲۱، حدیث ۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

دارد که فرمود: مهدی از من است و پیشانی گشاده دارد و در ینابیع المودة، ص ۴۶۹ روایت دارد که ابروی او کشیده و طولانی و قوس دارد و قوس آن نزدیک هم است ولی پیوسته نیست.

در ینابیع المودة، ص ۴۶۹ دارد که بر گونه راست امام مهدی خالی است و بر دست راستش نیز خالی وجود دارد.^۱

و در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰ از امام علی آورده که: بینی امام بلند و در وسطش برآمدگی دارد و سوراخ بینی کوچک است در غالیه المواعظ، آلوسی، ج ۱، ص ۷۷ دارد که بر کف دست راست امام مهدی خالی وجود دارد و در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۹ دارد که علی فرمود: مهدی ریش انبوه دارد و در کتاب غیبت طوسی، ص ۲۸۱.

و در کتاب ینابیع المودة، ص ۴۶۷ آمده که موی او سرخ تیره است.

۷

چهره نورانی امام مهدی در کتب شیعه

امام علی می فرماید: مهدی چهل ساله در بین مردم می آید.^۲
امام صادق می فرماید: هنگامی که قائم قیام کند مردم او را انکار می کنند زیرا به صورت جوان معتدل و رشیدی بیاید.^۳
جابر جعفی گوید: از امام باقر شنیدم که فرمود: عمر بن خطاب از امام علی سؤال کرد: نام حضرت مهدی چیست؟

فرمود: راجع به نام او رسول خدا با من عهد کرده که تا مبعوث نشود نامش را بیان نکنم.

پرسید: صفت و نشانه اش چیست؟

فرمود: جوانی میانه، قامت خوشرو و خوش مو است که موهایش بر شانه ریخته و نور صورتش بر سیاهی محاسن و سرش احاطه کرده است.^۴

۱. یاقی علی الناس زمان، ص ۱۹۲.

۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، ص ۴۹۵. (در کتب اهل سنت روایتهای مربوط به امام عصر به بیش از ۱۰۰۰ روایت می رسد)

۳. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۷.

۴. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۱۴.

و در ملاحم، ص ۱۴۱ روایت دارد که رسول خدا ﷺ فرمود: رنگ مهدی عربی است و در کتاب ملاحم، ص ۷۳ از کعب روایت کند که: فروتنی او (مهدی) مثل فروتنی شیشه است.^۱

در نجم‌الثاقب، ص ۷۴ دارد که سر مبارک امام گرد و مدور است.^۲ و گندم‌گون است که زردی به او عارض شود بر اثر بیداری شب و در روایتی دیگر می‌فرماید: صورتش از صفا و بی‌عیبی مانند اشرفی است و در منتهی‌الامال، ج ۲، ص ۲۸۹ دارد که:

گوشت صورت امام کم است و با پیشانی گشاده و نورانی ابروست و در روایتی است که مهدی مردیست که ابروهایش از هم جدا و باریک است و در کتاب ملاحم، ص ۷۳، ص ۷۴ دارد که چشمان امام سرمه‌ای و درشت است که کمی چشمانش فرو رفته است^۳ امام علی علیه السلام می‌فرماید: که موی سرش نیکو و آویزان بر دو شانه مبارک است در کتاب وافی، ج ۲، ص ۱۱۲ آمده که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

سر دو شانه‌هایش نرم است و در بحار ج ۵۱، ص ۱۹ در ذیل حدیث ۲۷ و ۳۷ حکیمه خاتون فرمود:

بر بازوی راستش نوشته بود: «**جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقا**» و در اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۱ از امام حسن عسگری علیه السلام روایت دارد که امام امر فرمود: شکم امام مهدی را باز کنند (پیراهنش را کنار بزنند) دیدند از گودال زیر گلو تا ناف امام مهدی مو روئیده است به رنگ سبز و در کتاب وافی، ج ۲، ص ۱۱۲ از امام باقر علیه السلام روایت دارد که دو ران امام مهدی پهن و بزرگ است و در روایتی از امام علی علیه السلام در کتاب لوایح الانوار، ج ۲، ص ۱۲ است که بر ران راست امام مهدی علیه السلام نیز خالی است در نجم‌الثاقب ص ۷۳ آمده که ساق‌های پای مبارک امام مهدی باریک است و در منتهی‌الامال، ج ۲، ص

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۰۰.

۲. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۰۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۰.

۲۸۹ آمده که هیات و شکل ظاهری امام نیکو و خوش است چنانچه هیچ چشمی تا به حال چنین اعتدال و تناسبی ندیده است.^۱

۸

چه قد و قامتی، قیامت است

ابوبصیر یحیی بن قاسم نابینا بود وی احتمال می داد امام صادق علیه السلام مهدی موعود باشد لذا با از امام اجازه عرض کرد:

من می خواهم دستی روی سینه شما بکشم!

حضرت فرمود: مانعی ندارد، او دست به سینه و سرشانه امام کشید.

حضرت فرمودند: ای ابوبصیر چرا چنین می کنی؟

عرض کردم: قربانت شوم من از پدر بزرگوار شما شنیدم که می فرمود:

قائم ما سینه ای گشاده و سرشانه باز و عریض دارد.

حضرت فرمود: ای ابوبصیر! پدرم زره پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشید برایش بلند بود به

طوری که روی زمین کشیده می شد.

حضرت فرمودند: من هم وقتی آن زره را پوشیدم به زمین می رسید ولی

وقتی که قائم علیه السلام آن را بپوشد مثل این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را پوشیده

است و دامن زره به زمین کشیده نمی شود کسی که عمرش از چهل سال

تجاوز کرده است صاحب الامر نیست.^۲

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹، حدیث ۲۰ (در روایات آمده که حضرت ولی عصر با اینکه عمر طولانی دارد ولی هنگام ظهور به صورت جوانی است که کمتر از چهل سال دارد لذا امام در این روایت اشاره به کهولت سن و ضعف پیری خود دارند).

بخش ۲

فضیلت انتظار در عصر غیبت و روایات مربوط به آن

۹

منتظران واقعی همراهان اهل بیتند

اصبغ بن نباته می گوید:

به حضور امیرمؤمنان علی علیه السلام آمدم دیدم آن حضرت غرق در فکر و اندیشه است و در روی زمین خط می کشد پرسیدم: ای امیرمؤمنان! چرا تو را اینگونه در فکر و اندیشه می نگرم که به زمین می نگری و در آن خط می کشی؟ آیا به رهبری در زمین اشتیاق یافته‌ای؟

امام علی علیه السلام فرمود: نه به خدا سوگند هرگز، حتی یک روز نبوده که من شیفته خلافت یا شیفته دنیا گردم بلکه درباره مولودی که یازدهمین فرزند من است (یعنی درباره حضرت مهدی علیه السلام) فکر می کردم درباره همان مهدی علیه السلام که سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می کند برای او غیبت و سرگردانی وجود دارد بعضی در این راه گمراه گردند و بعضی راه هدایت را شناخته و می پیمایند.

اصبغ بن نباته عرض کرد: ای امیرمؤمنان! غایب بودن آن حضرت و سرگردانی او تا چه اندازه است؟
امام علی علیه السلام فرمود: طول غیبت شش روز یا شش ماه یا شش سال است.

اصبغ بن نباته عرض کرد: آیا این (غیبت و سرگردانی) واقع شدنی است؟
امام علی علیه السلام فرمود: آری این موضوع مسلم است و انجام شدنی است ولی ای اصبغ! تو کجا و این امر کجا؟ آن‌ها (که غیبت را درک کرده و در این راه استوارند) نیکان این امت و همراه نیکان این عترت هستند!!
اصبغ بن نباته پرسید: بعد از آن چه می‌شود؟
حضرت فرمود: بعد از آن هرچه خدا بخواهد انجام می‌شود زیرا برای خدا مقدرات و اراده‌ها و نتیجه‌ها و پایان‌ها است.^۱

۱۰

امام علی علیه السلام مشتاق اوست

مردی خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان! به ما از مهدی آل محمد علیهم السلام خبر ده؟
حضرت فرمود: آنگاه که روندگان بروند، زمان‌ها بگذرد و مؤمنان کمیاب شوند و فراهم آمدگان نابود شوند در آن زمان خواهد آمد.
عرض کرد: ای امیرمؤمنان: او از کدام قبیله است؟
امام فرمود: از بنی هاشم است... او هیچ هراسی ندارد... او کارآمد و چیره دست و پیروز است شیر دروگر دشمنان و زخم افکن و نام‌آور است.
او شمشیری از شمشیرهای خداست، سرور بخشنده است.
اندیشه او در عالی‌ترین جایگاه سیادت بندآمده است و مجد ریشه دار او در گرانبهارترین اصالت‌ها جا یافته است...
حضرت مجدداً به توصیف حضرت مهدی پرداختند و فرمودند: پناه دهندگی او از همه فراگیرتر، علم او از همه فروتر و وصله رحم او از همه بهتر و بیشتر است.

۱. اصول کافی، ج ۱.

خدایا! ظهور او را! بیرون شدن او از اندوه و درد قرار ده! و به سبب او پراکندگی امت اسلام را گرد آور.

پس اگر توفیق درک حضور او را یافتی و خدای سبحان خیر تو را فراهم آورد مصمم و استوار باش و از او رو بر متابان و اگر به حضور او راه یافتی از او مگذر.

در اینجا حضرت با دست اشاره به سینه خود نمود و فرمود: آه که چه شوقی به دیدار او دارم.^۱

۱۱

آرامشی وجود ندارد

امام رضا علیه السلام می فرماید: گویی شیعیان را می بینم که در روزگار از دست دادن سومین فرزند از نسل من در پی یافتن آسایش برمی آیند اما نمی یابند. عرض کردم: چرا ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: چون امامشان از دیدگان آن ها غایب می شود.

عرض کردم: چرا؟ فرمود: برای آن که هرگاه شمشیر برکشد بیعت احدی را به گردن نداشته باشد.^۲

۱۲

انتظار، امتحان است

خداوند متعال وقتی حضرت موسی علیه السلام را به کوه طور دعوت کرد حضرت موسی علیه السلام به قوم خود فرمود: ظرف سی روز برخوادم گشت و از اول ماه ذی قعدة عازم کوه طور شد اما خداوند ده روز به آن سی روز اضافه فرمود تا چهل شب میقات موسی کامل شود.

به محض آنکه از آمدن موسی خبری نشد سامری جلودار قوم موسی علیه السلام گشت و روی به بت پرستی آوردند. این آیه در عصر انتظار باید چراغ راه مسلمانان باشد تا امید و انتظار را از دست ندهند و از سرگذشت سامری و

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۰.

بنی اسرائیل عبرت گیرند چند روزی مولای ما اگر نیامد یا دیر آمد بالاخره خواهد آمد؟

۱۳

دین داری مؤمن در آخرالزمان

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «لأحدهم اشد بقية على دينه من خطر القتاد في الليلة الظلماء او كالباض على جمر الغضا» هر یک از آنان (مؤمنین) اعتقاد و دین خویش (در آخرالزمان) را با هر سختی نگاه می‌دارد چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می‌کند یا آتش پر دوامی را در دست خود نگاه می‌دارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ان لصاحب هذا الامر غيبة...المتمسك فيها بدینه كالخارط للقتاد ثم قال هكذا بيده فايكم يمك شوك القتاد بيده».

برای صاحب‌الامر علیه السلام چنان غیبتی هست که دین داری در آن زمان مثل آن است که کسی درخت خاردار قتاده^۱ را با دستش بتراند و به دست خود اشاره کرد و فرمود: این چنین و بعد فرمود: کدامیک از شما با دستش چنین می‌کند؟^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

«يفقد الناس امامهم فيشهد الموسم ولا يرونه» مردم امام خود را گم می‌کنند ولی آن حضرت در موسم حج حاضر می‌شود و مردم را می‌بینند اما آن‌ها او را نمی‌بینند.^۳

۱۴

انتظار او را داشتن، واجب است

عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند که بر سرور خود امام جواد علیه السلام وارد شدم قبل از آنکه سؤالم را درباره حضرت قائم بگویم حضرت پاسخ سؤال مرا داد و

۱. درختی است بسیار خاردار و خارهایش نیز مثل سوزن می‌باشد.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۲.

۳. کمال الدین، ص ۳۴۶.

فرمود: ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی عج است او کسی است که در زمان غیبتش انتظار او واجب است و هنگامی که ظهور کرد اطاعتش واجب است. او سومین نفر از فرزندان من است قسم به آن خدایی که محمد ص را مبعوث کرد و ما را به امامت برگزید اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد هر آینه خداوند متعال آن را چنان طولانی کند تا آنکه قائم در آن روز خارج شود و ظهور نماید...^۱



انتشارات سجید نفیس

بخش ۲

پاداش معنوی منتظران



۱۵

جایگاه منتظران

در روایت آمده است که: به خدا سوگند شما که در حال انتظار می‌میرید مرگتان عادی نیست بلکه در نزد خدا (ثواب آن) از شهدای بدر و اُحد بیشتر است...

و در روایتی دیگر آمده: شما بالاتر از اصحاب قائم هستید برای آنکه شب و روزتان در میان ترس می‌گذرد از ستم پیشوایان جور بر امامتان، و خودتان بیمناک هستید اگر نماز بخوانید با ترس می‌خوانید اگر روزه بگیرید با تقیه روزه‌دار هستید اگر حجّ به جا بیاورید با تقیه است اگر شهادت دهید شهادتان مورد قبول نیست...

۱۶

به روحی از خدا تأیید شده‌اند

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«یخرج بعد غیبه و حیره لایثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون لروح الیقین الذین»

اخذ الله ميثاقهم بولايتنا و كتب في قلوبهم الايمان و ايدهم بروح منه» بعد از غيبت حيرت ظاهر می‌شود در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می‌مانند که در ایمان خود مخلص باشند و با روح یقین همراه و آنان کسانی هستند که خداوند از آن‌ها درباره ولایت ما پیمان گرفته و در دل آن‌ها ایمان را مستقر کرده و آن‌ها را با روحی از خود تأیید فرموده است.

۱۷

عملی ویژه و بی‌نظیر

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل» برترین عمل امت من در انتظار فرج الهی بودن است.^۱

۱۸

جهادی ممتاز و استثنایی

امام صادق علیه السلام: «المنتظر للثاني عشر كالشاهر سيفه بين يدي رسول الله ﷺ يذب عنه»؛ کسی که منتظر امام دوازدهم است همانند کسی است که در برابر پیامبر خدا شمشیرش را برهنه نموده و از آن حضرت دفاع می‌نماید.^۲

۱۹

روزهدار خالص در عصر غیبت کبری

امام باقر علیه السلام فرمودند: «واعلموا ان المنتظر لهذا الامر مثل اجر الصائم القائم» و بدانید که انتظار کشیدن این امر (فرج) پاداشی چون پاداش روزه‌دار به عبادت ایستاده دارد.^۳

۲۰

راه نجات بخش در آخر الزمان

امام حسن عسگری علیه السلام می‌فرماید: به خدا قسم (امام زمان) غیبتی

۱. کمال‌الدین، ص ۶۴۴

۲. کمال‌الدین، ص ۶۴۷

۳. کافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

طولانی خواهد داشت و از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدا او را در اعتقاد به امامت او ثابت بدارد و به او توفیق دعا برای ظهور و فرج آن حضرت را بدهد.^۱

۲۱

اتحاد روحی و معنوی با امامان

امام کاظم علیه السلام فرمودند: «طوبی لشیعتنا المتمسکین بحبلنا فی غیبة قائمنا الثابتین علی موالاتنا... اولئک منا و نحن منهم».

خوشا به حال آن شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما به ریسمان ما چنگ زنند و بر ولایت ما استوار مانند... آنان از ما آیند و ما از آنانیم.^۲

۲۲

اجر معنوی منتظرین امام مهدی علیه السلام ثواب ... شهید است

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «من ثبت علی ولایتنا فی غیبة قائمنا اعطاه الله اجرالف شهید مثل شهداء بدر و احد».

آن که در دوران غیبت قائم ما بر ولایت ما ثابت بماند خداوند پاداش هزار شهید همچون شهدای بدر و احد به او عطا خواهد کرد.^۳

۲۳

برترین مردم دوران‌ها

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «انّ اهل زمان غیبتة و القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره افضل من اهل کل زمان».

آنان که دوران غیبت آن حضرت (امام زمان علیه السلام) را درک کنند و معتقدان به امامت و منتظران ظهور آن حضرت باشند، از اهل دورانهای دیگر برترند.^۴

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۶۱.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۲.

۴. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۷.

وجودی سراسر نور

امام زمان علیه السلام فرمودند: «واما وجه الانتفاع فی غیبتی فکا لانتفاع بالشمس اذا غیبتها عن الابصار السحاب».

اما استفاده و انتفاع از وجود من در زمان غیبت کبری همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است.^۱

حضرت ولی عصر علیه السلام می فرماید: «انی امان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السماء».

وجود من موجب امنیت اهل زمین است آن چنانکه ستارگان امان آسمانند.^۲

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سؤال کرد: آیا شیعیان در زمان غیبت از امام غائب نفعی می برند؟

فرمود: آری سوگند به آنکه مرا به نبوت مبعوث ساخته است آنان به نور او روشنی می گیرند و به ولایت او نفع می برند مانند نفع بردن از خورشید هر چند ابرها آنها پوشانده باشد.^۳

عدهای گمراه می شوند به خاطر غیبت مولانی

احمد بن اسحاق اشعری گفت: به خدمت امام عسگری علیه السلام رفتم تا از نام امام بعد از او سؤال کنم امام عسگری قبل از آنکه من سخنی بگویم فرمود: ای احمد! از آغاز خلقت تاکنون خداوند لحظه ای زمین را خالی از حجت خود قرار نداده است...

عرض کردم: امام بعد از شما چه کسی می باشد؟ حضرت با عجله برخاست و داخل اتاق دیگر شد و چون بازگشت بچه سه ساله ای را که بسیار زیبا بود در بغل داشت آنگاه فرمود: اگر ارزش و مقام تو نزد خدا و

۱. غیبت طوسی، ص ۱۷۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۸۰.

۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۶۵.

ما زیاد نبود پسر من را به تو نشان نمی‌دادم این فرزند من هم نام پیامبر اکرم ﷺ است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند و او شباهت با خضر و ذوالقرنین دارد. عرض کردم: ای مولای من آیا علامتی بر امامت او وجود دارد؟

در این وقت آن بچه با زبان عربی فرمود: من بقیة الله در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان خدا هستم! آن روز من در حالی که بسیار خوشحال بودم از محضر حضرت خارج شدم و روز بعد که نزد امام حسن عسگری رسیدم عرض کردم: از لطفی که دیروز در حق من مبذول داشتید بسیار شکرگزار و خوشحالم.

ولی معنای این که فرمودید: برنامه‌ای مانند برنامه حضرت خضر و ذوالقرنین دارد را نفهمیدم؟

حضرت فرمود: منظورم غیبت طولانی او می‌باشد.

عرض کردم: آیا غیبت او خیلی به طول می‌انجامد؟

فرمود: آنقدر غیبت او طولانی می‌شود که اکثر معتقدین به او از راه صحیح منحرف می‌شوند...^۱

معیار زندگی و راه قبولی اعمال

«عن الی ابی عبدالله علیه السلام انه قال: الاخرکم بما لایقبل الله عزوجل من العباد عملا الایه الآ به؟

فقلت...». امام صادق علیه السلام به راوی فرمود:

آیا ملاک قبولی اعمال بندگان را به شما خبر دهم؟ راوی گفت: بله.

امام فرمود: عبارتند از باور به خدای یکتا و بندگی او و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و... انتظار مهدی قائم آل محمد علیهم السلام.^۲

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انتظر والفرج ولاتياسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله

انتظار الفرج».

منتظر فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا ناامید نشوید که همانا

بهترین کارها نزد خداوند انتظار فرج است.

۱. محجة البیضاء، ج ۴، ص ۳۳۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۳۰۰.

غیبت غفلت نیامورد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: در آن هنگام (زمان غیبت امام عصر علیه السلام) بایستی بندگان خدا هر صبح و عصر انتظار وقوع فرج را داشته باشند...^۱
در کتاب کمال‌الدین از ابوصیر روایت کرده که: **قال الصادق علیه السلام: «یا ابابصیر طوبی لشیعة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبته و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لاخوف علیهم ولا یحزنون».**

یعنی: خوشا به حال شیعیان و پیروان قائم ما، آن‌هایی که ظهور او را در زمان غیبت انتظار می‌کشند؛ و او را اطاعت می‌کنند، در زمان ظهور او این‌ها هستند مصداق آیه شریفه: **«الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون».**

عجیب‌ترین مردم

علی بن ابیطالب علیه السلام از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتی طولانی روایت می‌کند که فرمود: ای علی! عجیب‌ترین مردم از جهت ایمان و بزرگترین مردم از جهت یقین گروهی هستند که در آخرالزمان می‌باشند پیغمبر را درک نکرده‌اند و امام از آن‌ها پنهان است پس ایمان می‌آورند به واسطه سیاهی (نوشته‌ها) که بر سفید نگاشته (صفحات) شده است.^۲

اِنْشِازَاتُ سَعْدِ بْنِ

۱. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۳۹، در احوالات قدیم مردم کاشان آمده که در روز جمعه مردان آن دیار با اسلحه و اسب به بیرون شهر رفته و انتظار امام عصر عج را می‌کشیدند ما بایستی مسئله انتظار را در جامعه ملموس و عینی کنیم که البته اینکار ظرافتهای روانی و هنری و تربیتی خاص خود را می‌طلبد.
۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۹.

بخش ۴

طول عمر امام مهدی علیه السلام و محل زندگی امام



۲۹

عمر با برکت امام عصر در روایات

برای عمر شریف امام عصر علیه السلام بعد از ظهور اخبار و روایات زیادی از شیعه و سنی نقل شده است که در این جا به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. برای مطالعه عمیق‌تر و دقیق‌تر صاحب کتاب «یأتی علی الناس» زمان ۳۱ روایت آورده که می‌توان گفت بیشترین روایات در این خصوص در آنجا ذکر شده است.

در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۲ عمر حضرت بعد از ظهور پنج یا هفت یا نه سال آمده است در فصول المهمه از حذیفه ده سال آمده است.

در ملاحم، ص ۷۸ در ذیل خطبه البیان امام علی علیه السلام می‌فرماید: هشتاد سال، در غیبت طوسی، ص ۲۸۳ به اندازه ۳۰۹ سال مثل اصحاب کهف و در بحار الانوار ج ۵۳، ص ۳۴ مفضل از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند...

امام می‌فرماید: که خدا می‌داند و به مشیت و اراده خداست.

نظری سترگ

از حضرت آیت‌الله جوادی آملی پرسیدند: حیات (عمر) حضرت ولی‌عصر (ارواح‌الهدی) چگونه با قوانین علمی توجیه می‌شود؟ ایشان فرمودند: اولاً حیات طولانی امام زمان علیه السلام برخلاف عادت است نه برخلاف علیّت، یعنی بطور عادی کسی نمی‌تواند هزار یا ده هزار سال زندگی کند اما به صورت غیر عادی (خرق عادت) این کار ممکن است. ثانیاً اگر بدانیم انسان چیست و بدنش را چه کسی اداره می‌کند این سوال اصلاً برای ما مطرح نیست برای عرفا و حکمای بزرگ چنین سؤال‌هایی اصلاً مطرح نیست.

بنده یک وقتی به دندانپزشک محترمی مراجعه کردم او می‌گفت بعضی‌ها هستند که دندان‌هایشان صد سال دوام دارد و نمی‌پوسد ولی اگر فولاد صد سال شب و روز کار بکند فرسوده می‌شود چون فولاد و آهن اگر فرسوده شد دیگر جایگزین نمی‌شود اما دندان هر روز عوض می‌شود مرتب سلول‌های جدید جای سلول‌های مرده و قدیمی را می‌گیرند.

با این توضیح تمام ذرات بدن در حرکت و تعویض هستند و روح آدمی حرکات تمام این ذرات را دقیقاً تحت کنترل دارد در این صورت اگر روح انسان کاملاً برخلاف عادت (نظم عادی) بهترین سلول‌ها را جایگزین کند و دقیق‌ترین کنترل‌ها را روی قسمت‌های مختلف بدن داشته باشد یک انسان کامل می‌شود و می‌تواند حتی میلیون‌ها سال نیز زنده بماند (و این مطلبی است که در علم پزشکی امروز به اثبات رسیده است)...

اگر روح پیوندش با خالق جهان هستی به حدی بود که قدرت خاصی مافوق قدرت افراد عادی پیدا کرد می‌تواند همان طوری که بدن خود را می‌گرداند خارج از بدن خود را هم اداره کند زیرا خارج از روح او حکم بدن او را دارد... کرامات، همه محال عادی هستند نه محال عقلی، کرامت بردار نیست $2 \times 2 = 5$ این شدنی نیست اعجاز بردار هم نیست به هر حال حیات

حضرت ولی عصر علیه السلام محال عادی است نه محال عقلی^۱ مرحوم آیت الله کشمیری در این مورد می‌فرماید:

با آمدن مرگ مقدر همه رعایت‌های جسمانی پایان می‌پذیرد عمده‌اش رعایت اغذیه روحانی است که پایان ندارد و تأثیر آن همیشگی است.

۳۱

نظر شریف مرحوم علامه طباطبائی

مرحوم علامه طباطبائی درباره راز طول عمر امام عصر علیه السلام می‌فرماید: نوع زندگی امام غائب را به طریق خرق عادت (می‌توان پذیرفت) البته خرق عادت غیر از محال است و از راه علم هرگز نمی‌توان عادت را نفی کرد زیرا هرگز نمی‌توان اثبات کرد که اسباب و عواملی که در جهان کار می‌کنند تنها همانها هستند که ما از آنها خبر نداریم یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم یا نفهمیده‌ایم وجود ندارد از این روی ممکن است در فردی و یا افرادی از بشر اسباب و عواملی به وجود آید که عمری بسیار طولانی، هزار یا چندین هزار ساله برای ایشان تأمین نماید.^۲

۳۲

طول عمر امام در منابع اهل سنت

ابو عبدالله فقیه محمد بن یوسف گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در آخر باب ۲۰ آورده: «ان المهدي ولد الحسن العسگری فهو حی موجود باق مند غیبتة الی الان ولا امتناع فی بقائه بدلیل بقاء عیسی و الخضر والیاس علیهم السلام».

یعنی: به درستی که مهدی فرزند حسن عسگری زنده و موجود و باقی است غیبت او الی الان است و بقای او امتناعی ندارد به دلیل بقای عیسی و خضر و الیاس.

۱. توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۷۱.

۲. شیعه در اسلام، ص ۱۵۱.

و دلایل قرآنی نیز در این زمینه موجود است: «ولکننا انشانا قرونا فتناول علیهم العمر»^۱.

یعنی: «ولی ما از آن پس نسل‌هایی را بیافریدیم که عمرشان به دراز کشید...».

این واقعیتی است که هنوز برای جهان امروز مسأله و راز طول عمر در پرده‌ای از ابهام باقی مانده ولی این به این معنا نیست که این مسئله را امری محال تلقی و تحلیل نمائیم ولیکن این مسئله (طول عمر) با دلایل قرآنی واقعیتی غیر قابل انکار است آنجا که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: نوح، ۹۵۰ سال در قوم خود پیامبر بود و در روایات آمده که عمر شریف این پیامبر، ۲۵۰۰ سال بوده است.

اگر ما ویژگی‌های همه جانبه‌ای از مسأله عمر بدست بیاوریم مسئله یا بهتر بگوئیم معادله طول عمر براحتی قابل درک خواهد بود این مسئله ارتباط مستقیم با دانش بشری دارد و امکان علمی و نظری آن با استفاده از اسرار خوراکی‌ها و با استفاده از روشهای طبیعی دست یافتنی است.

درباره مسئله طول عمر امام عصر علیه السلام شایسته است به اثر قدیمی کنز الفوائد نوشته محمد کراچی طرابلسی متوفی ۴۴۹ هجری قمری مراجعه شود او در جزء دوم این کتاب رساله‌ای تحت عنوان: البرهان علی صحة طول عمر الامام صاحب الزمان دارد.

دلیلی قرآنی برای طول عمر

در قرآن کریم خداوند درباره حضرت یونس وقتی که در شکم ماهی قرار گرفت فرمود:

ولو لانه كان من المسبحین للبت فی بطنه الی یوم یبعثون.^۲ «پس اگر از تسبیح گویان نمی‌بود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند». خداوند در این آیه می‌فرماید

۱. قصص / ۴۵.

۲. عنکبوت / ۱۴.

با نبود هیچ یک از شرایط عادی یونس را تا قیامت در دل نهنگ نگه می‌داشتیم و اگر اراده خدای قادر و توانا به چیزی تعلق یابد آن امر شدنی است.

طول عمر امام عصر^{علیه السلام} را صرف نظر از آنچه گذشت می‌توان یک معجزه نیز تلقی نمود چنانچه خداوند دریا را برای حضرت موسی^{علیه السلام} شکافت و یا آتش را بر حضرت ابراهیم سرد و سلامت کرد و...

پس می‌توان این گونه تحلیل کرد که عمر امام عصر^{علیه السلام} از وجوه مختلفی قابل قبول بوده و در نتیجه آن سرور هنوز با این همه سال بعنوان امام زنده در نظر شیعیان باقی می‌باشند.

۳۴

طول عمر با فرمول مثلث تغذیه یک روش شدنی است

استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمد شاه آبادی دامت برکاته در زمینه طول عمر طبیعی می‌فرمایند: ما از اثرات غذاها بی‌اطلاعیم و نمی‌دانیم چه چیزی (چه نوع غذایی) و در چه وقتی (وقت خوردن آن) و به چه مقدار و میزانی باید استفاده کنیم اگر کسی بتواند این سه مورد را دقیق مورد اجراء قرار دهد عمر طولانی برای او متصور است، لذا ما نسبت به خوراک در مثلثی قرار داریم که اگر همه سه ضلع ذکر شده برای کسی روشن شود به طور طبیعی می‌تواند هزاران سال عمر کند چرا که انسان چنین قابلیت‌هایی را دارد چرا که اشرف مخلوقات است و همه ما می‌دانیم که امام عصر^{علیه السلام} به این ۳ جنبه مذکور احاطه کامل و دقیق دارند پس نتیجه منطقی موضوع آنست که امام می‌تواند به طور عادی و طبیعی عمر شریفشان طولانی باشد.^۱

اگر به بعضی از تشریفات که برای علماء پیش آمد نگاه کنیم می‌فهمیم که امام عصر^{علیه السلام} در موقع تغذیه بعضی از میوه‌ها را به عنوان غذا استفاده می‌فرمودند نه به عنوان میوه لذا در روایتی امام رضا^{علیه السلام} می‌فرمایند:.... غذای او تنها غذای ساده و کم‌اهمیت است.

۱. معظم‌له در این مطالب را در پاسخ به سوال یکی از شاگردان فرمودند.

برای مطالعه دقیق‌تر در بخش ۵ به داستان تشریف حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی مراجعه شود.

۳۵

محل زندگی امام مهدی

یکی از مسائلی که برای همه دارای اهمیت است مسئله محل سکونت امام عصر است به صورت روشن نمی‌توان محلی را برای آن حضرت در نظر گرفت ولی آنچه از روایات و ادعیه و توقیعات مبارک امام بدست می‌آید آنست که امام در بین مردم در تردد است و در بین آن‌ها نیز بعضاً زندگی را می‌گذارند ولی مردم او را نمی‌شناسند.

امام همه ساله حج بجا می‌آورند ولی حجاج نیز ایشان را نمی‌شناسند البته در روایات و دعاها به بعضی از اماکن زندگی امام اشاره شده است.

مثل: مدینه منوره - عتبات عالیات - کوه رضوی و ذی طوی و ... که برای هر یک روایات مربوط به آن آورده می‌شود.

در فصل پنجم این کتاب نیز به محل زندگی موقت امام عصر در شهر مقدس قم اشاره شده است.

۳۶

فواص از محل زندگی امام اطلاع دارند

اسحق بن عمار می‌گوید: «قائم دو غیبت دارد یکی طولانی و دیگری کوتاه در اولی (کوتاه) جز شیعیان خاص او کسی از محلش اطلاع ندارد و در دومی (طولانی) جز دوستان خاصش کسی مکانش را نمی‌داند.^۱

روایات درباره محل زندگی امام دو دسته است بعضی روایات مثل روایت فوق محل خاصی را مورد اشاره قرار می‌دهد و بعضی از روایات به محل‌های عمومی و غیرقابل دسترس اشاره دارد که در این باب به هر دو دسته اشاره شد.^۲

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۳۴، روایت ۴۷۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۱۸۲، این منطقه نیز در دعای ندبه به آن اشاره شده است.

یکی از محل‌های سکونت و زندگی امام عصر

عبدالاعلی می‌گوید: با امام صادق علیه السلام خارج شدم چون به روحاء رسیدیم امام به کوه آنجا نگاه کرد...

پس به من فرمود: می‌بینی این کوه را، این کوه را رضوی می‌گویند از کوه‌های فارس بود ما را دوست می‌داشت پس خداوند منتقلش کرد به سوی ما، آگاه باش در آن هر میوه خوش طعمی هست و خوب جای امنی است برای خائف و ترسناک (یعنی امام زمان) آگاه باش برای صاحب این امر در این کوه دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی.^۱

در دعای ندبه می‌خوانیم: «لیت شعری این استقرت بك النوی بل ای ارض تقلك اوثری ابرضوی اوغیرها ام ذی طوی».

کاش می‌دانستم که کجا به ظهور تو قرار و آرام خواهد یافت آیا در کدامین سرزمین اقامت داری در زمین رضوا یا غیر آن در دیار ذی طوا متمکن گردیده‌ای؟

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هیچ کس جای حضرت را به جز خدمتگزار مخصوصش نمی‌داند.^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«یکون لصاحب هذا الامر غيبة في بعض الشعاب او مايبده الي ناحية ذی طوی...».

امام زمان علیه السلام را غیبتی است در بعضی از دره‌ها سپس اشاره کرد به منطقه ذی طوی در ادامه این روایت محل ظهور و خروج آن حضرت و مرکز تجمع یاران نیز همین منطقه یاد شده است.^۳

محل زندگی، نقطه ظهور

امام باقر علیه السلام فرمود: صاحب‌الامر را غیبتی است در برخی از این صخره‌ها

۱. یاتی علی‌الناس زمان، (رضوی کوهی است بین مکه و مدینه نزدیک ینبع که دارای آب فراوان و درختان است).

۲. غیبت طوسی، ص ۱۰۲. خدمتگزاران امام آن سی نفر هستند که شرح آن‌ها خواهد آمد.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۱۵.

و امام به ناحیه ذی طوی که در دره‌های مکه و مدخل‌های آن است اشاره کرد تا اینکه دو شب قبل از خروجش غلام خود را می‌فرستد تا با برخی از یاران حضرت (۳۱۳ نفر) ملاقات می‌کند، او از آن‌ها می‌پرسد شما در اینجا چند نفر هستید؟ پاسخ دهند چهل نفر.

می‌گوید: اگر شما دوست و محبوب خود را ببینید چه خواهید کرد؟ می‌گویند: به خدا سوگند اگر در کوه‌ها منزل و مأوی گزیند با او خواهیم رفت آنگاه در مقابل آنان آمده و به آن‌ها می‌گوید: با ده تن از بزرگان و برگزیدگان خود مشورت کنید، آنان در این مورد به مشورت می‌پردازند آنگاه آنان را برده تا به صاحب امرشان می‌رساند و امام شب موعود را که پس از آن فرا می‌رسد به آن‌ها وعده می‌دهد.^۱

۳۹

کوه طوی آخرین محل استقرار

امام سجاد^{علیه السلام} می‌فرماید: مهدی از گردنه کوه طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجدالحرام می‌شود و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌گزارد و به حجرالاسود تکیه می‌زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و درود بر او لب به سخن می‌گشاید به گونه‌ای که هیچ یک از مردم چنان سخن نگفته باشد و نخستین کسانی که با او دست بیعت می‌دهند جبرئیل و میکائیل می‌باشند.^۲

۴۰

مدینه منوره یکی از منازل

امام باقر^{علیه السلام} می‌فرماید:

«لاید لصاحب هذا الامر من عزلة ولايد في عزلة من قوة و ما ثلاثين من وحشة و نعم المنزل

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

طیبه^۱، صاحب الزمان را عزلت و غیبتی است که در آن غیبت نیرومند است به سی نفر^۲ که با آن حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می‌کنند و خوب جایگاهی است طیبه (مدینه).

۴۱

محرمان حریم یار بی‌املاع نیستند

در توقیع و نامه‌ای که امام عصر علیه السلام به شیخ مفید مرقوم فرموده‌اند آمده است:

هم اکنون در جایگاه و خیمه‌ای در قله‌های کوه برای حوائج شما دعا می‌کنم همچنین در بیابان‌های تاریک و ظلمانی و صحراهای خشک و بی‌آب و علف که دست تطاول زمان بدان نمی‌رسد برای شما دعا می‌کنم.

«...الان فی مستقرلنا ینصب فی شمراخ من بهماء صرنا لیه انفا من غمالیل الجا لیه» و به همین زودی از این محل به دشت همواری که چندان از آبادی دور نباشد فرود می‌آییم و از حالات آینده خود آگاهی می‌سازیم.^۳

۴۲

روایتی دیگر بر محل زندگی امام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: (قبل از ظهور) قائم به یاران خود می‌فرماید: ای مردم! اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من برای هدایت فرستاده شدم تا آنچه شایسته است به آن‌ها بگویم و با آن‌ها اتمام حجت کرده باشم. در این هنگام مردی از یاران خود را می‌طلبد و به او می‌گوید: برو نزد اهل مکه و بگو ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم او به شما می‌گوید: «همانا ما خانواده رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم. ما ذریه محمد صلی الله علیه و آله و سلاله پیغمبرانیم مردم به ما ستم نمودند و ما را در

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. در بخش یاران مخصوص توضیح لازم درباره این سی نفر داده شده است.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸. خوشا به حال شیخ بزرگ و متقی پارسا جناب مفید که امام با او این گونه رفتار می‌کند و اسرار را به او می‌فرماید.

به در و مقهور کردند و از هنگام رحلت پیامبر تاکنون ما از شما چشم یاری داریم ما را یاری کنید».

آن جوان این سخنان را می‌گوید و مردم به او هجوم آورده و در بین رکن و مقام او را می‌کشند و او همان مرد پاکدل، نفس زکیه است.

وقتی خبر کشته شدن او به امام می‌رسد حضرت به یارانش می‌فرماید: «من به شما خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند».

اهل مکه او را دعوت به مکه نمی‌کنند آنگاه او با ۳۱۳ نفر که به تعداد بدریان هستند از کوی ذی‌طوی (کوهیست مجاور شهر مکه) فرود می‌آیند و داخل مسجدالحرام می‌شوند امام در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌خواند و تکیه به حجرالاسود می‌دهد... (امام شروع به سخن می‌فرماید). او نخستین کسی است که جبرئیل و میکائیل دست در دست او می‌گذارند و با وی بیعت می‌کنند.

۴۳

بیت الحمد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: برای صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) خانه‌ای است که آن را بیت‌الحمد گویند و در آن چراغی روشن است از آن روز که متولد شده تا روزی که با شمشیر خروج کند خاموش نمی‌شود.^۱

حضرت به طور حتم در خیلی از شهرها حضور داشته و مسلم قدم مبارک امام زمان علیه السلام خیلی از شهرها را مزین کرده است چرا که در روایات آمده که در زمان غیبت، امام در بین مردم تردد می‌کند و در بازارشان راه می‌رود ولی او را نمی‌شناسند.^۲

ولی از برخی روایات صراحتاً بدست می‌آید که امام در بعضی از شهرها بیشتر حضور دارند مثل شهرهای مدینه طیبه و مکه مکرمه و نجف اشرف و کربلا و کاظمین و مشهد مقدس و شهر مقدس قم و مساجد کوفه و سهله و جمکران.

۱. غیبت طوسی، ص ۴۶۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

روایاتی که اشاره به محل مشخصی برای سکونت امام نمی‌کند.

۴۴

روایاتی که محل مشخصی برای سکونت امام معرفی نمی‌کند

۱. در تشریف یکی از اولیاء به خدمت امام عصر^ع در قبرستان وادی السلام حضرت فرموده بودند: از موقعی که جَدِّمان را در کربلا شهید کردند ما آواره بیابان‌ها شدیم.

۲. امام عصر^ع می‌فرماید: «وهو يقول اللهم انك تعلم انها احب البقاع ولولا الطرد». خداوند می‌داند که این مکان (یعنی شهر سامراء) محبوب‌ترین مکان برای ما است اگر ما را از آن نمی‌رانند.^۱

۳. امام علی^ع می‌فرماید: «صاحب هذا الامر الطريد الشديد الفريد الوحيد». صاحب امر چنان مورد بی‌مهری مردم واقع می‌شوند که مردم او را طرد و آواره‌اش می‌کنند و او یگه و تنها و ناشناس زندگی می‌کند.^۲

- امام عصر^ع به ابراهیم بن مهزیار در تشریف می‌فرماید:

پدرم فرمود: ای فرزندم! همیشه در جاهای پنهان و دور بگذران سپس فرمود: ای ابواسحاق این گفتگو را پنهان بدار مگر از برادران دینی و افراد با صداقت و هرگاه علامات ظهور و اقتدار مرا دیدی خود و برادران دینی خود را که همواره سعی در رسیدن به مرکز نور یقین و روشنی چراغ‌های دین دارند (برای رسیدن) کوتاهی مکن و بسوی من بیا تا به حقیقت نائل گردی...^۳

۵. امام عصر^ع در نامه‌ای به یکی از سفرای خود نوشت: پدرم صلوات‌الله‌علیه از من پیمان گرفته که در سرزمینهای دور و مخفی زندگی کنم برای آنکه محفوظ بمانم و از کید دشمنان و گمراهان جایگاهم در امان

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۶۶.

۲. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۰۳، حدیث ۱۳. البته یکی از اولیاء خدا به نام حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ حسین فاضلی در قم به نویسنده گفت: حضرت مهدی^ع مکرر (حدود ۱۰ بار) به منزل ایشان آمده‌اند این عالم ربانی تشریفات بسیاری داشته‌اند که تاکنون کسی به جمع‌آوری تشریفات متعدد و مکرر ایشان اقدام نکرده است و علمای زیادی در قم و تهران با این ایشان ارتباط داشته‌اند این مرد بزرگ چند سال قبل از دنیا رفته‌اند در این کتاب به تشریف فرمائی آن سرور به منزل حاج آقا فخر و آیت الله بهاء‌الدینی اشاره شده است.

۳. در این ملاقات امام مطالب زیادی به ابراهیم بن مهزیار فرموده است که رجوع به آن و مطالعه آن مفید حال معنوی خواهد بود.

باشد مرا به کوه‌های پر از حیوانات درنده و ریگزار فرستاد و از زمین‌های بی‌آب و علف منع کرد منتظر پایان کار منست که گره از کارم گشوده شده و سختی برطرف گردد.

۴۵

زندگی امام عصر علیه السلام به سه شکل

در برخی از روایات محل خاصی برای زندگی امام عصر علیه السلام تعیین نشده و به عکس در بعضی روایات محل خاصی را به عنوان محل زندگی امام تعیین فرموده‌اند که از هر دو دسته روایات در این کتاب بهره گرفته شده است.

در بعضی روایات نیز حضرت ولی عصر علیه السلام به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه شده و اشاره شده که ایشان همانند یوسف در بین مردم رفت و آمد می‌کند ولی او را نمی‌شناسند (چنانچه مرحوم نخودکی گفته می‌دیدم حضرت ولی عصر علیه السلام با یک شخصی جلوی مسجدی هرچند وقت یکبار آمده و صحبت می‌کردند و می‌رفتند ولی آن پیر مرد دوره گرد نمی‌دانست او امام عصر علیه السلام است و من نیز به او نگفتم تا یک وقت از او سلب توفیق نشود). و این پنهان بودن تا زمانی ادامه دارد که خداوند به ایشان اجازه فرماید خود را همانند یوسف معرفی نماید.^۱

اِنْشِیَارَاتُ سَعْدِیْنِ

۱. این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است در غیبت نعمانی ص ۱۶۴.

بخش ۵

شرائط تشرّف یافتگان



۴۶

نکاتی مهم در آداب دیدار

۱. چه باید کرد؟ نمی‌شود با اعمالی که حضرت به آن‌ها ملتزم است و عمل می‌نمایند ما بیگانه باشیم بعد توقع دیدن ایشان را داشته باشیم. بایستی به اعمالی که مورد توجه آن امام عزیز می‌باشد توجه داشته باشیم.
۲. باید بدانیم آنانی که سعادت دیدار امام نصیبشان شده چه می‌کرده‌اند و حضرت در آن ملاقات‌ها چه دستور یا پیغامی را به آن‌ها داده‌اند تا ما نیز به این توفیق نائل آئیم ان شاءالله.
۳. و کسانی که خدمت امام مشرف شدند چه ویژگی‌هایی داشتند، و درثانی متوجه اعمالی که امام انجام می‌دهند نیز باشیم از جمله این که حضرت خود به اذکاری مشغولند برای نمونه یک مورد از آن را می‌آوریم: تسبیحی که حضرت ولی عصر علیه السلام از روز هجدهم هر ماه تا آخر ماه

می‌گویند: «سبحان الله عدد خلقه سبحان الله ارضی نفسه سبحان الله مداد کلماته سبحان الله زنة عرشه و الحمد لله مثل ذلك».

۴. وقتی می‌خواهیم با امام خود انس داشته باشیم باید ببینیم ایشان به چه انس دارند حضرت با قرآن مانوس است حضرت با خدا انس دارد حضرت روضه جدشان را دوست دارند نمی‌شود ما با این‌ها انس نداشته باشیم نمی‌شود با دوستان آن امام دشمن بود.

۵. البته برای دیدن حضرت باید اول به خداوند نظر داشت اهل بیت منسوب به باری تعالی هستند لذا اول باید صاحب خانه را خواست بعد سراغ اعضاء خانه رفت اهل بیت بعد از صاحب خانه عزیزترین اعضاء خانه هستند.

۶. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «...صاحب هذا الامر يتردد بينهم و يمشى في اسواقهم و يطافرهم و لا تعرفونه حتى يأذن الله له ان يعرفهم نفسه...»^۱

حضرت مهدی به طور معمولی در میان مردم زمان غیبت زندگی می‌کند در بازارهایشان رفت و آمد دارد و در مجالس آنان حضور می‌یابد ولی آنان او را نمی‌شناسند تا آن که خداوند به او اجازه می‌دهد که خود را به آن‌ها معرفی نماید.

لذا بر اساس این حدیث بایستی از خدا خواست تا خداوند اجازه دهد آن حضرت خود را به ما نشان دهد.

۴۷

ادب‌ورزی اصل عشق‌ورزی

یکی از اولیاء خدا به نام مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین فاضلی می‌گوید: در منزل مرحوم حاج آقا فخر حدیث کساء می‌خواندم سیدی را نزدیک خود دیدم به او گفتم حاج آقا فخر ناراحت می‌شود که وسط دعا حاضرین در جلسه حرف بزنند آن سید فرمود:

حق با حاج آقا فخر است چرا که مادرم زهرا علیها السلام جلوی در ایستاده (و این کار خلاف ادب است) می‌گفت در فکر فرو رفتم برگشتم تا جواب سید

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴، باب ۲۳.

را بدهم دیدم هیچ کس نزد من نیست و از دیگران هم بعدا پرسیده شد که کنار حاج آقای فاضلی سیدی نشسته بود گفته بودند کسی را ندیده بودیم.

۴۸

رابطه عاشق و معشوق

مولانا جلال‌الدین رومی در شعری بسیار زیبا رابطه بین عاشق و معشوق را این گونه سروده:

آن یکی آمد دریاری بزد گفت یارش کیستی ای معتمد
گفت: من، گفتش برو هنگام نیست این چنین خوانی مقام خام نیست
رفت آن مسکین و سالی در سفر در فراغ یار سوزید از شرر

آن عاشق چون برای خود منیت و هویت قائل بود به لقاء یار بار نیافت و فهمید راه وصال کنار گذاشتن خودیت است.

بعد از مدتی که یار رفت و خود را ساخت و معنا و قدر و قیمت لقاء یار را فهمید دوباره آمد و در خانه آن محبوب را کوبید.

گفت یارش که بر در کیست آن گفت: بر درهم تویی ای دلستان
گفت یارش کاندر آی جمله من نی مخالف چون گل و خار و چمن
نیست سوزن را سررشته دوتا چونکه یکتایی در این سوزن در

ما بایستی بررسی کنیم بینم چه عملی ما را از نظر آن امام دور و چه عملی ما را به آن حضرت نزدیک و ملحق می‌نماید.

نمی‌شود از ارتباط با امام دم زد ولی هیچ فصل مشترکی با امام نداشت حضرت در دیدارها جهت‌هایی را تبیین فرمودند ما باید آن‌ها را بگیریم چون آن مطالب مورد توجه امام است.

حضرت خود فرمودند: عدم دیدار شما با ما به واسطه گناهان است و گرنه دیدار ما با شما این قدر به تأخیر نمی‌افتاد امام در فرمایشی می‌فرماید: من به یاد شما هستم؛ آیا چطور ما نیز به یاد او هستیم. «چه خوش بی مهربانی هر دو سربی».

روحي واحد در دو جسم

عقبه بن علقمه روایت کرده که بر علی علیه السلام وارد شدم پیش روی حضرت دوغ ترشی نهاده بودند که ترشی و پرآبی آن آزارم می داد. به امام عرض کردم: آیا از این دوغ میل می کنید؟ حضرت فرمود: ای ابوالخُبُوب! پیامبر را دیدم که از این بدتر می خورد و از لباس من خشن تر می پوشید. من بیم آن دارم اگر کاری را که او انجام می داده انجام ندهم به او ملحق نشوم.^۱

امام علی علیه السلام در رفتار خود چنان دقیق است تا به گونه ای عمل کند که روز به روز به رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک تر شود و از این دست روایت زیاد وارد شده که شما به واسطه عملتان به ما اهل بیت نزدیک یا دور می شوید نمی شود با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا نبود بعد عمل و سیره ما با عمل و سیره اهل بیت یکی باشد.

پس آشنایی با سیره آسمانی آنها ضروریست تا خدای ناکرده برخلاف روش و منش آنها حرکت نکنیم.

تشریف عارف بزرگ آیت الله سیدعلی آقا قاضی

آقا سیدهاشم حدّاد می فرماید: حضرت آقا (قاضی تبریزی) خیلی در گفتارشان و در قیام و قعودشان و به طور کلی در مواقع تغییر از حالتی به حالت دیگر، خصوص کلمه «یا صاحب الزّمان» را بر زبان جاری می کردند روزی یک نفر از ایشان پرسید: آیا شما خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مشرف شده اید؟

ایشان فرمودند: کور است هر چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در اولین نظر نگاهش به امام زمان علیه السلام نیفتد.^۲

۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۷۲.

۲. روح مجرد، ص ۵۱۳.

۵۱

اطاعت از فرامین امام اصلی مهم

از حضرت آیت‌الله بهجت سؤال می‌شود که: چگونه رابطه خویش را با اهل بیت علیهم‌السلام و مخصوصاً صاحب العصر علیه‌السلام تقویت کنیم؟ ایشان می‌فرمایند: اطاعت و فرمان برداری از خداوند بعد از شناخت او، موجب محبت به او می‌شود و (همچنین موجب) محبت کسانی که خداوند آن‌ها را دوست دارد می‌شود. که عبارتند از انبیاء و اوصیاء که محبوب‌ترین ایشان به خداوند، حضرت محمد و آل او علیه و علیهم‌السلام می‌باشند و نزدیک‌ترین ایشان به ما صاحب العصر علیه‌السلام می‌باشد.^۱

۵۲

سه نوع دیدار ممکن است

دیدار امام به سه شکل ممکن است اتفاق بیفتد که این سه نوع بستگی به ظرف وجودی و قدرت باطنی آن‌ها دارد.

۱. دیدار امام با شکلی که اصلاً برای دیدار کننده قابل شناسایی نیست که این زیاد پیش می‌آید.
۲. دیداری که شخص پس از دیدن امام و پایان ملاقات متوجه تشرّف خود می‌شود.
۳. دیداری که ملاقات کننده، از همان ابتداء می‌داند و متوجه است که ملاقات با امام دارد.

در این کتاب سعی شده به هر سه نوع ملاقات‌ها و تشرّف‌ها اشاره شود.

۵۳

تلاش عاشقانه

یکی از مراجع تقلید می‌فرمود: امام عصر علیه‌السلام در یکی از تشرّفات فرموده

۱. بسوی محبوب، ص ۵۵.

بودند: اگر به اندازه‌ای که برای پیدا کردن مرغ گمشده خود جستجو می‌کردید به دنبال من می‌گشتید مرا می‌یافتید.

شیخ مفید از بزرگان فقهای شیعه در سال ۳۳۶ هجری قمری به دنیا آمد او در کتاب خود به نام: الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد که مجموعه‌ای است از زندگانی امامان شیعه در جز دوم بخش پایانی آن ص ۳۳۹ به ویژگیهای امام عصر^{علیه السلام} اشاره می‌نماید و در این بخش به اشخاصی که به فیض ملاقات حضرت نائل شده‌اند اشاراتی دارد. لذا تلقی بر آن است که مسئله ملاقات با امام قدمت دیرینه‌ای در کتب شیعی و حتی اهل سنت دارد. لذا ناامیدی در این راه بزرگ‌ترین مانع آن محسوب می‌شود.

۵۴

پیامی دلگرم کننده برای مشتاقان دیدار امام

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جشن بزرگ منتظران ظهور حضرت مهدی^{علیه السلام} خطاب به حاضرین اینگونه فرمودند: «...خیلی از بزرگان ما در همین دوران غیبت، آن عزیز و محبوب دل‌های عاشقان و مشتاقان را از نزدیک زیارت کرده‌اند بسیاری از نزدیک با او (امام زمان^{علیه السلام}) بیعت کرده‌اند، بسیاری از او سخن دلگرم کننده شنیده‌اند بسیاری از او نوازش دیده‌اند و بسیاری دیگر بدون این که او را بشناسند از او لطف و نوازش و محبت دیده و او را شناخته‌اند در همین جبهه جنگ تحمیلی جوانانی که در لحظه‌های حساس، احساس نورانیت و معنویت کردند لطفی از غیب به سوی دل‌های خودشان حس و لمس کردند و شناختند و نفهمیدند، بسیارند. امروز هم همان طور است.^۱

آری نمی‌توان با گناه ارتباط داشت و اشتیاق دیدن حضرت را در دل پروراند گناه با دیدار قابل جمع نیست.

۱. ملاقات ۱۳۷۸/۹/۳ در جمع مشتاقان امام مهدی^{علیه السلام}، جشن بزرگ منتظران ظهور امام مهدی^{علیه السلام}.

۵۵

جنت لقا

ولی خوشا به حال آنانی که موفق می‌شوند امام خود را با همه شرایط باطنی و آداب قلبی آن ببینند در روایتی آمده که:

رسول خدا ﷺ فرمودند: «یا اَبیُّ! طوبی لمن لقیه و طوبی لمن احبه و طوبی لمن قال به ینجیهم من الهلکة و بالاقرار بالله و برسوله و بجمیع الائمة ینفتح الله لهم الجنة مثلهم فی الارض کمثل المسک الذی یسطع ریحہ فلا یتغیر ابدًا و مثلهم فی السماء کمثل القمر المنیر الذی لا یطفأ نوره ابدًا»^۱.

ای اَبیُّ! خوشا به حال کسی که با او دیدار نماید خوشا به حال آنکه او را دوست بدارد خوشا به حال آنکه به او معتقد باشد خداوند آنان را از هلاکت نجات بخشد و به واسطه اقرار و اعتقاد به خدا و به رسولش و به تمام امامان، خداوند درهای بهشت را برایشان بگشاید آنان در زمین همانند مُشک‌اند که بوی خوشش در فضا پخش و پراکنده گردد و هیچگاه فاسد نشود و در آسمان هم چون ماه درخشانده‌اند که هیچگاه خاموشی نمی‌پذیرد.

۵۶

امری شدنی

از حضرت آیت‌الله کشمیری سؤال شد: آیا ممکن است ملاقات با امام زمان ﷺ صورت پذیرد و به چه علت است که این قدر (بعضی‌ها) ادعای رؤیت امام را می‌کنند؟

جواب: ملاقات با امام ممکن است لکن نوعاً خواب یا مکاشفه است و عده‌ای برای باز کردن دکان دنیوی و مرید جمع کردن، نسبت رؤیت به امام ﷺ می‌دهند. و افرادی مانند سیدبن طاووس^۲ که شخصی ممتاز بوده خود امام ﷺ را می‌دیده است.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹، باب ۲۷.

۲. درباره سیدبن طاووس مطالب کامل‌تری را در این کتاب خواهید یافت جهت دستیابی به فهرست موضوعی کتاب مراجعه شود.

۳. آفتاب خوبان، ص ۸۶.

پایمردی و پاکی

حضرت علی علیه السلام فرمود: هر دری را که بسیار بکوبی بر روی تو باز می‌شود، مگر عنوان بصری خدمت امام صادق علیه السلام نرسید و وقتی امام او را نپذیرفت با توسل به رسول خدا صلی الله علیه و آله توانست خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شده و حدیث با منزلت عنوان بصری در منابع روایی ما که نتیجه ملاقات او با امام صادق علیه السلام است از او به یادگار مانده است. افرادی اصرار دارند مسئله تشرف را طوری وانمود کنند که انگار مسئله ایست محال و در حالی که این گونه نیست.

خیلی از معاصرین ما بودند که با تلاش و خودسازی و راهنمایی استاد حاذق به خدمت حضرت مشرف شدند یکی از دوستان به محضر حضرت آیت الله حجتی رحمة الله علیه^۱ عرض کرده بود ذکر بدیدید تا در خواب خدمت یکی از ائمه اطهار علیهم السلام برسیم ایشان ناراحت شده بودند که چرا در خواب! چرا در بیداری نمی‌خواهید خدمت امام برسید و سرانجام با دستوری که از آن عارف گرفته بود در یزد در ماجرائی زیبا خدمت امام عصر علیه السلام مشرف شده بودند.

راه به سوی او

مهمترین دلیل بر امکان هر چیزی وقوع آن است؛ این قاعده معروفی است که به واسطه عقل نمی‌توان آن را انکار کرد به این معنا که اگر جریانی انجام شد و به وقوع پیوست خود این وقوع بهترین شاهد دلیل بر امکان اتفاق مجدد آن است و از جنبه محال بودن خارج می‌شود. علم الهدی سید مرتضی اعلی الله مقامه می‌فرماید: ما قطع و یقین نداریم که کسی را دسترسی به آن حضرت نباشد و هیچ کس وی را زیارت و ملاقات نماید...^۲

۱. این عالم ربانی از نزدیکان حضرت آیت الله بهاء الدینی در قم بودند و در سال ۱۳۷۶ نیز رحلت کردند.

۲. تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۰ و ۲۳۴.

و نیز در پاسخ به این اشکال که اگر علت غیبت آن حضرت ترس از ظالمین است پس باید برای اولیاء و شیعیانشان ظاهر شوند زیرا از ناحیه آن‌ها خوفی متوجه آن وجود مبارک نخواهد داشت.

سید مرتضی^۱ نیز در این باب می‌فرماید: هیچ گونه مانعی نیست از اینکه امام زمان^۲ برای بعضی از دوستان خود که بیم و ترسی از ناحیه آنان ندارد ظاهر شوند...^۱

و شیخ طوسی رحمه‌الله‌علیه نیز می‌فرماید: اگر دشمنان ولی‌عصر^۳ مانع ظهور او شدند به طوری که آن حضرت از تصرف و تدبیر و اداره امور بر کنار است ولی این موجب آن نیست که بعضی از دوستان و دلدادگان آن حضرت، در حالی که معتقد به لزوم اطاعت او بوده و پیروی اوامر او را فرض و واجب شمرده و او را حاکم بر قلب و جان خویشان می‌دانند به نحو اختصاصی و استثنائی و با خواست خود آن حضرت شرفیاب حضورش نگردند.^۲ و در کلامی دیگر می‌فرماید: لازم نیست انسان معتقد باشد که آن حضرت از همه اولیاء و دوستانش پنهان و مخفی بماند.^۳

و در رساله غیبت خود می‌فرماید: ما یقین نداریم که امام زمان از همه دوستانش پنهان باشند بلکه امکان دارد برای بسیاری از آنان ظاهر گردند و هیچ کس از حال دیگری جز خود او آگاه نیست.^۴

و در همان رساله تصریح می‌نمایند که: ما احتمال می‌دهیم و تجویز می‌کنیم که بسیاری از دوستان و معتقدان امامت آن حضرت، شرفیاب حضورش گردند و از وجود مقدسش بهره‌مند شوند.

و عالم بزرگ سید المراقبین سیدبن طاووس نیز در این باره خطاب به فرزند خود می‌فرماید: راه به سوی امام زمان تو - برای کسی که خداوند بخواهد عنایتش را شامل حال او کند و احسان خود را بر او کامل گرداند -

۱. تنزیه الانبیاء، ص ۲۳۰ و ص ۲۳۴.

۲. تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۲۲۱ و ص ۲۲۲.

۳. تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۲۲۱ و ص ۲۲۲.

۴. کلمات المحققین، ص ۵۳۳.

باز است^۱ در فصل‌های آتی به بخشی از تشرفات این مرد آسمانی اشاره خواهد شد انشاءالله.

در منابع روایی و ادعیه درباره دیدن و دیدار امام عصر^ع نیز مطالبی آمده چنانچه در حرز امام سجاده^ع در مفاتیح‌الجنان این مطلب به وضوح دیده می‌شود آنجا که آمده: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ... وارزقنی روية قائم آل محمد..» یعنی: خدایا دیدار قائم آل محمد را روزیم کن.

۵۹

تشریف به محضر امام زمان^ع در منابع اهل سنت

علمای اهل سنت نیز در لابلای کتب خود به تشریف عده زیادی اشاره کرده‌اند که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود.

شیخ سلیمان بلخی حنفی در کتاب ینابیع‌المودة باب ۷۱ تا ۸۶ را به گفتار درباره امام زمان^ع اختصاص داده او در باب ۸۲ روایاتی را آورده که در زمان حیات امام عسگری عده‌ای امام عصر را دیده‌اند و در باب ۸۳ یازده خبر را نقل می‌کند مبنی بر اینکه عده‌ای در زمان غیبت کبری خدمت آن حضرت رسیده‌اند نام این باب: «فی بیان من رأى صاحب الزمان المهدی^ع بعد غیبته الكبرى» می‌باشد.

یعنی: در بیان کسانی که دیده‌اند صاحب الزمان مهدی^ع را بعد از غیبت کبری.

او باب ۸۲ کتابش را به مطالب و روایاتی اختصاص داده که عده‌ای امام مهدی^ع را در زمان حیات پدر بزرگوارش دیده‌اند او با این عنوان بیان کرده. «فی بیان الامام ابومحمد الحسن العسگری اری ولده القائم المهدی لخواص موالیه و اعلمهم ان الامام من بعده ولده رضی الله عنهما». یعنی: در بیان آنکه امام ابومحمد حسن عسگری نشان داد فرزندش قائم مهدی را به خواص و دوستانش و به آنها تعلیم نمود که امام بعد از او فرزندش مهدی می‌باشد.

گفتاری بلند از حکیمان معاصر

مرحوم میرزا اسماعیل دولابی عارف و ارسته می فرماید: ما سه دسته منتظر داریم.

۱. کسی که از دور زیاد یاد امام می کند و انتظار دیدار او را می کشد تا علائم و آثاری از امامش ببیند که فرموده اند: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

۲. کسی که آثار و جای پا و جلوه‌ای از امام را دیده است و فرموده اند: «فان ذلك فرجکم» یعنی انتظار و دعا کردن برای خود شما فرج و گشایش می آورد.

۳. اگر انتظار کامل و محبت به حد کمال برسد طوری می شود که ببیند یا نبیند در یقین او اثر ندارد بلکه در همه وقت با قلب خود مشاهده می کند.

مثل پیامبر اکرم ﷺ و او ایس قرن که به ظاهر اصلاً یکدیگر را ندیدند اما هرگز از هم جدا نبودند امام سجاد علیه السلام می فرماید: «ان اهل زمان غیبه... افضل اهل کل زمان لان الله تعالی ذکره اعطاهم من العقول والافهام والمعرفته ما صارت به الغیبة عنهم بمنزلة المشاهدة...»^۱

یعنی:

منتظرین واقعی در زمان غیبت آن قدر فهم پیدا کرده اند که غیبت و شهود برای آن‌ها فرق نمی کند.

آئینه شو جمال پری صلعتان طلب

ابو بصیر گوید: «در خدمت امام باقر علیه السلام وارد مسجد شدم. مردم در حال ورود و خروج بودند، جمعی وارد مسجد می شدند دسته‌ای بیرون می رفتند.

حضرت به من فرمودند: از مردم سؤال کن که آیا مرا می بینند.

من به هر که می رسیدم از او می پرسیدم: آیا امام باقر علیه السلام را ندیدی؟

۱. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶، باب ۴۴.

در جواب می‌گفت: نه در حالی که حضرت در مسجد و چند قدمی او ایستاده بودند.

تا آنکه "ابوهارون مکفوف" وارد شد. او نابینا بود و به ظاهر جایی را نمی‌دید.

امام فرمودند: از او بپرس.

من به ابوهارون گفتم: آیا حضرت باقر علیه السلام را ندیدی؟

وی پاسخ داد: مگر او نیست که آنجا ایستاده است؟

با تعجب پرسیدم: چگونه فهمیدی؟! چطور او را شناختی؟!!

گفت: چگونه ندانم، در حالی که آن حضرت، نوری درخشنده و تابان است.

و چه خوش گفته حافظ شیرازی: چو مستعد نظر نیستی وصال مطلب!!

۶۲

روش رشد

سیدمرتضی علم‌الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ه ق) یکی از برجسته‌ترین شاگردان شیخ جلیل‌القدر مفید علیه السلام بود.

او در کتاب‌المقنع فی الغیبة آورده:

اولیای امام، هر چند شخص او را نمی‌شناسند ولی در سایه باور به وجود او از انجام امور ناپسند پرهیز می‌کنند چون او را در میان خود احساس می‌کنند که از کوشش شیعیان باخبر است و آلودگی شیعیان او را افسرده می‌کند.

سید مرتضی درباره علت این رساله می‌نویسد: در مجلس وزیر السید سخن از غیبت امام عصر علیه السلام به میان آمد و این امر مرا بر آن داشت در این باب اثر کوتاهی بنگارم.

۶۳

شناخت، دلیل شهود

از حضرت آیت‌الله جوادی آملی سؤال شد چگونه می‌توان امام زمان علیه السلام را شناخت؟

فرمودند: یک شناخت تاریخی داریم و یک شناخت واقعی که مهم‌تر از اولی است عمده آن است که ما حضرت را حقیقتاً بشناسیم و حضرت ما را ببیند نه ما حضرت را ببینیم در زمان پیامبر ﷺ (که مقامش بالاتر از همه ی ائمه است) کم نبودند کسانی که وجود مبارک حضرت را می‌دیدند اما خدای سبحان درباره آن‌ها در قرآن فرمود: «وتراهم ينظرون اليك و هم لا يبصرون»^۱ آن‌ها را می‌بینی که به تو نگاه می‌کنند ولی تو را نمی‌بینند اهل نظرند ولی اهل بصیرت نیستند.

اگر ما سعی کنیم وجود مبارک امام زمان ﷺ ما را ببیند هنر است... و گرنه دیدن فیزیکی خیلی کار ساز نیست.^۲

۶۴

ترک معاصی و انجام واجبات

یکی از اولیاء خدا نقل می‌کردند: از راه علوم غریبه از خود حضرت ولی عصر ﷺ سؤال شد که چگونه می‌شود به دیدار شما نایل شد؟ فرموده بودند: با ترک معصیت و محرمات و انجام دادن واجبات الهی.

۶۵

امان از حق الناس

مرحوم علامه طباطبائی می‌فرمایند:

در ایامی که از نجف بازگشته و در تبریز به سر می‌بردم در یکی از روزها از طرف «مرحوم نوری» قاصدی آمد و مرا احضار کرد چون خدمت ایشان رسیدم فرمود: فلانی ماجرای پیش آمده که در کم و کیف آن مبهوتم، چند روز در منزل بنایی داشتیم بنا با شاگردش مشغول کار بودند کارهای دقیق شاگرد توجه‌ام را جلب کرد، می‌دیدم کارهایش را به خوبی انجام می‌دهد و نمی‌خواهد وقت تلف شود ظهر که استادش برای صرف ناهار به منزل می‌رفت در همان محل کار می‌ماند و ابتدا تجدید وضو می‌کرد و نمازش

۱. اعراف / ۱۹۸.

۲. توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ص ۷۱.

را در اول وقت می‌خواند و سپس دستمال کوچک خویش را باز می‌نمود و غذای ساده‌ای که با خود آورده بود را می‌خورد و بلند می‌شد و مقدمات کار را فراهم می‌کرد. تا استادش برسد و وقتی استاد می‌آمد با تلاش زیادی همراه وی کار را ادامه می‌داد در یکی از روزها بنا به وی گفت: برو از همسایه نردبانی بگیر و بیاور، جوان رفت ولی برخلاف انتظار دیر آمد و لذا هنگام عصر که استادش به خانه رفت من نزد آن جوان رفته و ضمن احوال‌پرسی از او پرسیدم در آوردن نردبان انتظار نبود تأخیر نمایی، چرا دیر کردی؟! جوان کارگر لب‌خندی زد و گفت: دلیل دیر آمدنم تنگی کوچه بود و اگر مواظبت نمی‌کردم ممکن بود دیوارهای مردم بر اثر برخورد نردبان خراش بردارد از پاسخ قانع کننده این جوان بیش از پیش متعجب شدم از او پرسیدم آیا می‌شود امام زمان ع را دید؟

بلافاصله با حالتی کاملاً عادی گفت: بلی، اتفاقاً این هفته به تبریز تشریف آورده بودند، پرسیدم: لباس امام چگونه بود؟ پاسخ داد: به لباس پاسبانی بودند! سپس مرحوم علامه طباطبائی ادامه می‌دهند که: مرحوم نوری می‌خواستند از من بپرسند چگونه می‌شود امام زمان ع به لباس پاسبانی باشند؟

من به او گفتم: همه عالم از آن حضرت مهدی ع است و لذا برای آن حضرت مکان و یا لباس و شبیه اینگونه مسائل مشکلی ایجاد نمی‌کند و قرائن به گونه‌ای است که قضیه حقیقت داشته و او از جوانانی بود که امام زمان ع را می‌دیده است با توجه به اینکه نشانی آن جوان را داشتم به سراغش رفتم ولی متأسفانه موفق به یافتنش نشدم.^۱ (خدا می‌داند که حق الناس چه تیرگی برای آدمی می‌آورد).

که بر پیغمبر وارد می‌شود لذا هر روز که می‌آمد می‌دید چند نفری در مسجد هستند و از این جهت غصه می‌خورد.

یک روز صبح زودتر از همه حرکت کرد و به مسجد آمد دید در مسیر مسجد فقط یک جای پا بیشتر نیست و آن جای پای رسول خدا ﷺ است آن را می‌شناخت (پای رسول خدا ﷺ قدری بزرگ بود و افراد آن را می‌شناختند). خیلی خوشحال شد که امروز بعد از پیغمبر هیچ کس به مسجد نیامده و من اولین کسی هستم که به مسجد آمده‌ام وقتی وارد مسجد شد دید سلمان هم آنجاست.

گفت سلمان تو از آسمان آمدی؟

سلمان گفت: خیر.

پرسید: دیشب در مسجد معتکف بودی؟ گفت: خیر.

پرسید: پس چگونه است که من اثر پایی جز اثر پا و کفش مبارک

رسول خدا ﷺ ندیدم؟

سلمان گفت: من پیغمبر را خیلی دوست دارم دلم می‌خواهد در همه چیز خودم را شبیه پیغمبر کرده باشم حتی در قدم زدن لذا مراقب بودم بینم پیغمبر پای خود را کجا گذاشته‌اند من هم همان جا پا بگذارم.

(چرا ما به سلمان فارسی اقتداء نکنیم و به هر شکل و وسیله‌ای ارادت قلبی و عملی خود را به آن عزیز ملکوتی ابراز نکنیم.

یکی از این ابراز ارادت‌ها انجام اعمال نیابتی است به نیابت از امام زمان (عج).

در این کتاب به سرموفقیت مرحوم نخودکی و یکی از اولیاء الهی اشاره شد که با انجام و اهداء ثواب اعمال مستحبی به امام عصر (عج) موفقیت‌های معنوی متعددی را کسب کرده‌اند.

امام جواد (عج) در جواب موسی بن قاسم که در ایام حج به نیابت از یکایک معصومین (عج) طواف انجام داده بود فرمود:

«استكثر من هذا فانه افضل ما انت عامله ان شاء الله». یعنی: این عمل را زیاد انجام بده چرا که برترین عمل محسوب می شود ان شاء الله.

حضرت آقای مظلوم^۲ که از معاصرین زمان خود ما هستند در کنار کعبه با آن چشم برزخی خود فقط دو نفر را می بینند که به شکل انسان مشغول طواف هستند از یکی از ایشان وقتی سؤال شد گفت: من^۳ عمل طواف خود را نیابتی انجام می دادم لذا آقای مظلوم مرا این گونه مثل انسان دیدند.

امام کاظم^{علیه السلام} نیز در پاسخ به علی بن مغیره که در ماه رمضان به روح یکایک معصومین^{علیهم السلام} یک ختم قرآن هدیه می نمود فرمودند: «لك بذلك ان تكون معهم يوم القيامة».

یعنی: پاداش تو به خاطر این کار آن است که با ایشان در روز قیامت باشی.^۴

لذا رویه رفتاری بزرگان نیز این گونه بوده: چنانچه سیدبن طاووس که از علماء بسیار بزرگ و مردی فوق العاده ای بوده به فرزندش سیدمحمد می گوید: پسرم اگر می خواهی برای بچه های صدقه بدهی اول برای امام زمان^{علیه السلام} صدقه بده بعد برای بچه ها...

۶۸

گفت مشق نام لیلی می کنم

امیرالمؤمنین^{علیه السلام} فرمود: «من احب شیئا لهج بذکره».

هر که چیزی را دوست بدارد همواره نام آن را بر زبان دارد.^۵

و حضرت امام حسن عسگری^{علیه السلام} خطاب به حضرت مهدی^{علیه السلام} فرمودند:

۱. کافی، ج ۴، ص ۳۱۴ / باب الطواف والحج عن الائمة^{علیهم السلام}.

۲. حضرت آقای مظلوم ساکن قم بودند که چند سال پیش به دیار باقی شتافتند و در این کتاب به مختصری از زندگی ایشان اشاره شده است، ایشان با خیلی از علماء معاصر ارتباط داشتند.

۳. حضرت آقای مظلوم پس از حج با آن شخص که واعظ مشهور مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سید صادق شمس الدین بودند عقد اخوت بست و فرزندان این عالم ربانی خاطرات زیبایی از تشرفات حاج حسین مظلوم دارند.

۴. برای دریافت بیشتر در این خصوص به قسمت اذکار تشریف در همین فصل در انجام اعمال نیابتی مراجعه شود / کافی ج ۲، ص ۶۱۸ باب فی کم یقرأ القرآن ویختم.

۵. غررالحکم، ص ۶۵، حدیث ۸۵۹.

«واعلم ان قلوب اهل الطاعة و الاخلاص نزع اليك مثل الطير الى او كارها». و بدان که دل‌های پارسایان و صاحبان اخلاص به سوی تو پر می‌کشند همچنان که پرنده به سوی آشیانه.^۱

۶۹

ختم قرآن به نیابت

برای تشرّف خدمت آن عزیز دو سرا اگرچه اعمال خاصی و اذکاری بیان شده است ولی عمده آنست که انسان مخلصانه و با دلی شکسته از خدای متعال درخواست نماید.

چنانچه شخصی در کنار حرم رسول خدا ﷺ در مدینه قرآن کریم را ختم و به امام عصر علیه السلام اهداء کرده بود از این ماجرا این گونه می‌گوید که: وقتی قرآن را تمام کردم داشتم دعا می‌کردم دیدم کسی پشت سر من آمین می‌گوید و من هر چه دعا می‌کنم او آمین می‌گوید.

تعجب کردم که این چه کسی است که آمین می‌گوید دعاهای خود را به فارسی کردم دیدم او نیز در پایان هر دعای من مجدداً آمین می‌گوید. می‌گوید: لهجه محلی داشتم با زبان محلی خود دعا کردم دیدم دوباره او آمین می‌گوید برگشتم دیدم عجب جذابیتی، عجب صورتی، عجب قد و بالائی...

۷۰

عشق می‌خواهد

مفسر کبیر قرآن کریم حضرت آیت‌الله علامه طباطبائی رحمته الله علیه در شعری لطیف سروده‌اند.

از سمک تا به سُهائش کشش لیلا برد تو مپندار که مجنون سر خود مجنون شد

۱. کمال‌الدین، ص ۴۴۸، حدیث ۱۹.

چو مستعد نظر نیستی وصال مجوی

یکی از شاگردان آیت‌الله‌انصاری^{ره} از ایشان سؤال می‌کند چه زمانی ما می‌توانیم خدمت صاحب الزمان ولی عصر^{عج} برسیم؟ ایشان فرمودند: زمانی که حضور و غیبت آقا برای شما فرقی نکند. و در زمانی دیگر یکی از شاگردان ایشان سؤال کردند آیا می‌شود به حضور حضرت حجت^{عج} رسید؟ ایشان فرمودند: بنده خدا! به حضور خداوند هم می‌توانیم برسیم، به حضور بنده‌اش نمی‌توانیم برسیم. در یک مرحله نیز آیت‌الله شهید دستغیب^{ره} و آیت‌الله فهری در کنار ایشان بودند آیت‌الله نجابت سؤال می‌کند که آیا به حضور امام زمان^{عج} رسیده‌اید؟ آقا جوابی می‌دهند بدین مضمون که: «ما زددت یقیناً» کنایه از اینکه من چنان حضور امام را همیشه با تمام وجود احساس می‌کنم که حضور و غیبت او علی‌الظاهر برایم یکسان است.^۱

زمزمه و زاری

و چه زیبا بیان و نجوا کرده حضرت عارف کبیر، علامه عزیز، جناب حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی^{ره}: «ره».

مولای من! آقای من! کی می‌رسد که تو ما را ببینی و ما تو را...
مولای من! کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را؟
و چشمان به دیدار تو روشن گردد و به راهنمایی تو راه پیدا کنیم و تو ما را از هر آنچه حقیقت امور بر ما مشکل شده آگاهی بخشی...
(واضح است تا خود حضرت نخواهد تلاش ما به جایی نخواهد رسید
لذا مرحوم میرزا جواد آقا ملکی عرض می‌کند که اول تو ما را ببینی و بعد ما تو را).

۱. در کوی بی‌نشانه، ص ۱۱۸.

ایشان در ادامه به حضرت ولی عصر علیه السلام در مناجاتش عرض می‌کند:
سرور من! دوری و جدایی از تو از همه این‌ها سخت‌تر است والا بلا در
کنار شما نعمت است و آزار شدن در راه شما آسایش.

سرور من! فدایت شوم اگر من باشم باشم کارم درست می‌شود و راست
می‌آید پس شتاب کن و بیا و بگو دلت چه می‌خواهد تا من آن را که
خشنودی تو در آنست برگزینم و در پیش گیرم.

مولای من!... این بنده بیچاره بندگی نپذیرفته است تا روزی آزاد شود و
اگر او را آزاد کنی نخواهد گریخت...

سرور من! مولای من! رهبر من! تو را به شکستگی من، تو را به
درماندگی‌ام، تو را به فروتنی‌ام، تو را به ناتوانی من، تو را به بیچارگی‌ام، تو
را به بی‌نیازی‌ات، قسم مبادا مرا بدست خیانتکار قوی هیכלی بسپاری که
از سست رأیان به تو گردم.

سرور من! چون به وصال تو و لذت دیدارت می‌اندیشم و در حال و روز
کسانی که آن‌ها را به کنار خود کشاندی و از فضل بیدریغ خود به آنان
بخشیدی و آنان را به زیارت جمال خود مشرف کردی...

نزدیک است که دلم از حسرت منفجر شود و سینه‌ام از غیرت از هم
شکافته گردد.

آه آه! وای به حال دل همچو من بخت برگشته‌ای.

«... اگر تمامی حسن و ظرافت که موجب کمال چهره‌ای می‌شوند (یکجا)
تو را ببینند به تکبیر و تهلیل خواهند پرداخت.

...و نیز جدایی!

و دوری تو با دوری دیگر دلدارها شباهتی ندارد چرا که هر که از جز تو
دلداری دور باشد فقط از او دور است و در دوری از او جز از جانب خود سرزنش
و ملامت نمی‌شود اما دوری از تو را، هم خود ملامت می‌کند و هم مردم
سرزنش و ملامت می‌کنند.

و کسی نیست تا او را دلداری دهد چرا که ممکن نیست به تو نسبت
بی‌وفایی داده شود یا گفته شود که تو دلدادگان خود را دوست نمی‌داری.

و همه دلدادگان تو معتقدند که محبت و وفای تو بیش از محبت و وفای آن‌هاست.

لذا وقتی که از آن‌ها دوری می‌کنی معلوم می‌شود که تقصیر و کوتاهی از آنان است و قصور در محبت آن‌ها از بی‌معرفتی و عدم شناخت آنان و تمیز ندادن (نسبت به امام عصر علیه السلام) آن‌ها پرده برمی‌دارد.

پس کسی که از تو مهجور و دور مانده است زیان کارترین زیانکاران است مگر آنکه خود را با امروز و فردا کردن و اینکه ثواب (انتظار) زیاد است دلداری دهد.

وگرنه کدام ثواب پیش عاشق و دلداده بزرگتر و بیشتر از دیدار روی توست.

مولای من! هر که جز تو، فدای تو باد! جانم فدای آن شوکت و عظمتی که هم‌ردیف و هم‌طراز ندارد.

جانم فدای آن بزرگی و شرافتی که برابر و نظیر ندارد.
تا کی، سرپرست من! من سرگردان تو باشم و تا کی و با چه زبانی تو را وصف کنم و با تو راز دل بگویم؟

ای دلسوزترین دلسوزان، بندگانت گرفتارند.

دیدگان مؤمنان را به رخسار سرپرست دین روشن کن.^۱

مؤلف این مناجات عارفی بی‌نظیر است که در اخلاق و عرفان جز اوتاد زمان خود محسوب می‌شده است در همین فقرات کوتاه که همه آن آورده نشده او به دلیل عدم تشرف به محضر مبارک آن پیکر نورانی هستی چه ناله‌ها که نمی‌کند.

و از این مناجات معلوم می‌شود که دیدار حضرت شدنی است ولی اول باید خواست.

یعنی:

انسان باید بخواهد و خود را آماده آن تشرف کند چنانچه انسان برای هر

۱. *المراقبات*، مزار نورانی این عارف ربانی در شیخان قم محلّ دریافت‌های معنوی بسیاری است که همه روزه عده کثیری از این مزار نورانی کسب فیض معنوی می‌کنند.

مجلسی لباس مناسب آن مکان را برای خود انتخاب می‌کند هیچ انسانی برای مجلس جشن، لباس عزا را بر نمی‌گزیند فافهم و تأمل.

گدایی گردد از یک جذبه شاهی به یک لحظه دهد کوهی به کاهی^۱
آنچه واضح است آنکه در سیاق کلام عارف عزیز جناب میرزاملکی معلوم می‌شود او اشتیاق به دیداری دارد که شدنی است یا لااقل او یافته و فهمیده عده‌ای خدمت مولایشان رسیده‌اند لذا او نیز در آتش آن فراق می‌سوزد و طلب می‌کند.

۷۳

سوز و ساز عاشقان

بسم الله الرحمن الرحيم

دلم شد چراغانی چشم تو	هلا روز و شب فانی چشم تو
شگفت است مهمانی چشم تو	به مهمان، شراب عطش می‌دهد
ز روز ازل بانی چشم تو	بنا را بر اصل خماری نهاد
شب شعر عرفانی چشم تو	پر از مثنویهای رندانه است
منم سالک فانی چشم تو	توئی قطب روحانی جان من
در آفاق بارانی چشم تو	دلم نیمه شبها قدم می‌زند
اشارات پنهانی چشم تو	شفا می‌دهد آشکارا به دل
مفاهیم طولانی چشم تو	هلا توشه راه دریادلان
کرامات نورانی چشم تو	مرا جذب آئین آئینه کرد
به آیات قرآنی چشم تو ^۲	از این پس مرید نگاه توأم

۷۴

محبتی وثیقا و وسیع

باید این گونه بود: قرآن کریم صراحتاً تصریح و تاکید فرموده است: «قل

ان کان ابوکم و ابنوکم و اخوانکم...».

۱. مثنوی، گلشن راز شیخ شبستری، ص ۷۴.

۲. اشعار شاعر مرحوم سیدحسن حسینی.

بگو: اگر پدران‌تان و فرزندان‌تان و برادران‌تان و زنان‌تان و خویشاوندان‌تان و اموالی که اندوخته‌اید و تجارتی که از کساد آن بیم دارید و خانه‌هایی که به آن دلخوش هستید برای شما از خدا و پیامبرش و جهاد کردن در راه او دوست داشتنی‌تر است منتظر باشید تا خدا فرمان خویش بیاورد و خدا نافرمان را دوست ندارد.

در آیه مورد اشاره تأکید برتری و ترجیح دادن دوستی پیامبر ﷺ بیان شده که دوستی رسول خدا ﷺ قرین با دوستی ائمه اطهار ﷺ می‌باشد به این معنا که زبان و قلم و رفتار و منش ما بایستی در مسیر ترویج و ابراز محبت به آن خاندان بکار گرفته شود و نمی‌توان در مسیر خلاف محبت آن‌ها گام نهاد.

۷۵

راه‌های رسیدن به امام عصر ع در آخرالزمان

امام علی ع فرمود:

و آن زمانی است که (آخرالزمان) در آن نجات نمی‌یابد مگر هر مؤمن بی‌نام و نشان که اگر (در مجالس) حضور یابد شناخته نشود و هرگاه غایب باشد در جستجویش برنیایند اینان چراغهای هدایت و روشنگران راه شبروانند که به فتنه و فساد و سخن چینی در میان مردم آمد و شد نکنند و دهان به عیب‌گویی از مردم و یاوه‌سرایی نگشانید برای آن‌ها خداوند درهای رحمتش را باز می‌کند و از ایشان سختی عذابش را برطرف می‌نماید.

ای مردم زمانی بر شما خواهد رسید که اسلام در آن واژگون می‌شود همچنانکه ظرف واژگون گردد و آنچه در آن است بریزد...^۱

- یمان تمار می‌گوید: نزد امام صادق ع نشسته بودیم که به ما فرمود: «صاحب‌الامر غیبتی خواهد داشت اگر کسی بخواهد در آن دوره دیندار بماند سخت در مشقت و در معرض مشکلات است.»

و سپس فرمود: «صاحب الامر غیبتی دارد و بنده خدا- برای حفظ دینش - باید تقوای الهی را پیشه کند و دو دستی به دین خود بچسبد.^۱

- در کمال الدین صدوق به سند صحیحی از امام باقر علیه السلام آمده که فرمود: زمانی بر مردم خواهد رسید که امام آن‌ها از ایشان غایب شود ای خوشا به حال آنان که بر امر ما پایدار بمانند...

جابر گفت: عرض کردم: ای فرزند رسول خدا بهترین کاری که مؤمن در آن زمان انجام دهد چیست؟

فرمود: حفظ زبان و خانه نشینی است.^۲

- امام صادق علیه السلام فرمود: امام علی علیه السلام در حالی که بر منبر کوفه نشسته بود فرمود: «ان الارض لاتخلوا من حجت الله عزوجل ولكن الله سيعمي خلقه عنها بظلمهم وجورهم و اسرافهم على انفسهم...».

خداوند زمین را از حجت خود خالی نمی‌گذارد و لیکن خداوند مردم را از دیدن او (امام مهدی علیه السلام) محروم می‌کند بخاطر ستم و ظلم و اسراف که بر خود می‌کنند...^۳

۷۶

پاسخ به سؤالی مهم

افراد زیادی می‌پرسند آیا امکان دیدار وجود نازنین امام عصر علیه السلام در دوره غیبت کبری وجود دارد یا نه؟

در پاسخ باید گفت با توجه به روایات زیادی که از طرف ائمه اطهار علیهم السلام آمده، از مجموع آن‌ها می‌توان فهمید که به لحاظ دلایل عقلی و دلایل نقلی هیچ گونه محدودیتی در امکان زیارت آن حضرت وجود ندارد.^۴

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۲، روایت ۱۴.

۲. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲.

۳. غیبت نعمانی، ص ۱۴۱، حدیث ۲، در سطر بالای همین روایت امام علیه السلام می‌فرماید کسی اهل نجات خواهد بود که مردم او را نشناسند یعنی اگر کسی در هر مجلسی، محفلی، جلسه‌ای با هر تیپ انسانی نشست و برخاست داشته باشد اهل نجات نیست و نتیجه منطقی آن ظلم و جور و اسراف خواهد بود و در نتیجه چنین شخصی از دیدن امام خود محروم می‌شود.

۴. پاسخ‌های حضرت آیت‌الله گلپایگانی و حضرت آیت‌الله بهجت در این زمینه در این کتاب می‌باشد.

اما در مورد آن جمله معروفی که امام زمان علیه السلام در توقیعی به نفی تشرف و دیدار صادر فرمودند که... «...فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة فهو کذاب مفتر...».

یعنی؛ در (دوره غیبت کبری) هر کس ادعای مشاهده مرا قبل از خروج سفیانی و واقع شدن صدای آسمانی بنماید دروغگو و افتراء زن است؛ باید گفت با توجه به صدر و ذیل همان توقیع و سایر روایات از اهل بیت مقصود نفی دیدار نیست بلکه نفی ادعای وجود نائب خاص در دوره غیبت کبری است و امام برای جلوگیری از دکانداری عده‌ای فرمودند کذاب هستند و گرنه ممکن است عده‌ای خدمت امام برسند ولی مؤظف نیستند همه جا آن را مطرح کنند و جار بزنند امام در این فرمایش نفی دیدار نمی‌نمایند بلکه می‌فرمایند اگر کسی گفت تکذیب کنید امام فرمودند اصلاً نمی‌شود دید بلکه صرفاً اظهار آن را نفی کردند.

لذا می‌بینم علمای بزرگ شیعه مکرر به جهت ضرورت توفیق زیارت آن چهره عالمتاب را یافته‌اند از جمله:

مرحوم مقدس اردبیلی، علامه سید بحر العلوم، مرحوم نخودکی، مرحوم حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی، و از بزرگان و عرفا می‌توان مرحوم رجب علی خیاط را نام برد.

در اینجا به چند ملاقات که پیام‌های مهمی برای جامعه شیعی به همراه دارد اشاره می‌شود و صد البته بایستی به دستورات عبادی و معنوی این پیام‌ها توجه بیشتری داشته باشیم.

خدمت امام رسیدن، اساس آن، قلب پاک داشتن است و کسانی در شهر مبارک و با برکت قم هستند که به خدمت امام عصر علیه السلام مشرف شده‌اند و حتی حضرت سکه‌ای نقره‌ای که نقش روی آن خط زیبای «**اشهدان لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله**» می‌باشد را از دست امام گرفته‌اند.

و چه زیبا فرمود مرحوم حاج شیخ حسین فاضلی که:

با دیدن امام عصر علیه السلام تمام لذت‌های دنیا در چشم انسان حقیر و ناچیز می‌شود.

و به یک معنا:

تا من بدیدم روی تو ای ماه و شمع روشنم هر جا نشینم خرم و هر جا روم در گلشنم دیدار او میسر است و شدنی و لیکن می‌توان اینگونه گفت که تمامی نقص از ناحیه ماست و اشکال در شکل رفتار و کردار و گفتار ماست که ما را در حجاب انداخته و توفیق زیارت از ما سلب شده. مرحوم فیض کاشانی می‌فرماید:

گفتم که روی ماهت از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رُخم عیان است.

۷۷

ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام در دوران غیبت کبری

حضرت آیت‌الله بهجت در گفتاری می‌فرماید: «و حضرت حجّت که در چشم عارفان حاضر است...». این گونه گفتارها از عرفاء کم نیست چرا که آن‌ها در نوع ارتباط خود با حضرت به مرحله شهود دست یافته و در بیشتر اوقات کشف آن‌ها شهود گردیده و دائماً حضرت ولی عصر علیه السلام را می‌بینند. اگرچه بعضی از علمای گذشته قائل‌اند که امکان ارتباط با حضرت برای کسی وجود ندارد ولیکن عده‌ای نیز در مقابل قائل تشریف عده‌ای خاص، آن‌هم نه هر کسی را مطرح کرده‌اند چنانچه صاحب کتاب جنّة الماوی داستانها و حکایت‌های زیادی را نقل کرده است.

بالاخره آنچه بدیهی است آنست که در روایات متعددی آمده که نحوه بهره‌مند شدن از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت، به خورشید در زیر ابر تعبیر شده لذا صحیح به نظر نمی‌رسد که با ضرس قاطع نفی ارتباط با امام را حکم کنیم مضافاً این که در خصوص دیدن و ارتباط با امام روایاتی وارد شده است.

شیخ طوسی در کتاب غیبت آورده:

دیدار اولیای الهی با حضرت و بهره‌مندی از محضر آن جناب امکان دارد. امام عصر علیه السلام در میان مردم و کوچه و بازار است مانند یوسف که برادرانشان او را نمی‌شناختند ولی او آنان را می‌شناخت.

سید مرتضی نیز می‌گوید: ما جایز می‌دانیم که گروه زیادی از اولیاء و معتقدان به امامت ایشان شرفیاب محضرشان شوند و بهره گیرند.^۱ روزی حضرت آیت الله بهاء‌الدینی فرموده بودند جلسه‌ای در مکه بوده که امام عصر^ع با یاران خود تشکیل داده بودند و در آن جلسه نام حاج آقا فخر^۲ را برده‌اند...

به صراحت حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی از جلسه امام عصر^ع مطلب نقل می‌کند و کشف و شهود ایشان برای خیلی‌ها به اثبات رسیده. تلقی و تحلیل این بنده بر این است که امثال ایشان دائماً فیض حضور امام عصر^ع را درک می‌کنند. برای امکان ارتباط و دیدار امام صرف نظر از این داستانها روایات خاصی وارد شده است.

البته باید عنایت داشت که دیدار و ارتباط برای چه کسی حاصل می‌شود و چه کسی می‌تواند ادعای آن را بنماید قطعاً عده‌ای برای دکان داری و مرید و مرشد بازی از این جملات بیان می‌کنند که انسان خود بایستی در این امور دقت نماید اگر در مورد کسی مثل سیدبن طاووس یا علامه بحرالعلوم و یا حضرت آیت الله بهاء‌الدینی و... گفته شود قابل قبول است ولی نه اینکه هر کسی از راه رسید ادعای رؤیت حضرت را بنماید و متأسفانه این بنده افرادی را دیده که حب جاه‌طلبی آن‌ها باعث شده که به دروغ دیدار امام را داشته‌اند.

عده‌ای از علمای گذشته امکان تشریف را در زمان غیبت کبری غیر ممکن دانسته و دلیل خود را روایت زیر دانسته‌اند.

...وسیأتی شیعتی من یدعی المشاهدة الا فمن ادعی المشاهدة قبل خروج السفیانی والصحیحة فهو کاذب مفتر... یعنی: به زودی از شیعیان من خواهند آمد کسانی که ادعای

۱. رسائل الشریف المرتضی، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲. حاج آقا فخر از اولیاء الهی بودند که چند سالی است به دیار باقی شتافته‌اند و مزار ایشان در قبرستان بقیع قم می‌باشد.

مشاهده و دیدن مرا بکنند آگاه باشید هرکس قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعا کند که مرا دیده است او دروغگوی افترا زننده است...^۱
این روایت آخرین توقیع مبارکی است که حضرت ولی عصر علیه السلام برای شیخ علی بن محمد سمری صادر فرموده‌اند.

۷۹

«بزرگترین دلیل»

بزرگترین دلیل امکان دیدار امام عصر علیه السلام در عصر غیبت کبری همین روایتی است که بعضی آن را به عدم امکان دیدار تلقی کرده‌اند می‌باشد. در این روایت امام عصر علیه السلام نفی دیدار فرمودند بلکه فرمودند اگر کسی ادعا کرد دروغگو است و به این معناست که تشرّف امکان دارد ولی دیدار کننده، نبایستی اظهار کند این به آن جهت است که جلوی جلوه‌گری‌های کاذب و دکان داری‌های عده‌ای سود جو گرفته شود. چنانچه رویه رفتاری علمای گذشته اینگونه بوده آن‌ها خود تشرّف‌های مکرر داشته‌اند ولی اظهار نکرده و آن را مخفی نگه می‌داشتند مثل علامه بحر العلوم و آیت‌الله مرعشی نجفی. راغب در مفردات می‌نویسد: **الشهود والشهادة الحضور مع المشاهدة اما بالبصر.**

شهود و شهادت به معنای حضور با دیدن است دیدن با چشم است.^۲
چنانچه محقق تستری در کشف‌القناع آورده که: برخی از بزرگان و حاملان اسرار ائمه علیهم السلام مسائلی را از امام عصر علیه السلام دریافت کرده‌اند و چون امکان اعلان آن نبوده، به عنوان اجماع از نظر امام زمان علیه السلام یاد می‌کنند.

۸۰

اشتیاق دیدار

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یا ابی طویب من لقیه و طویب لمن احبه...».

یعنی:

۱. کتاب الغیبة طوسی، ص ۳۹۵.

۲. مفردات راغب اصفهانی، ص ۲۶۷.

ای اُبی! خوشا به حال کسی که با او دیدار نماید خوشا به حال آنکه او را دوست بدارد.^۱

مرحوم محدث نوری صاحب کتاب شریف مستدرک در کتاب نجم الثاقب متجاوز از ۱۲۰ نفر را اضافه بر آنچه مرحوم طبرسی نقل فرموده نام می‌برد که یا حضرت ولی عصر علیه السلام را مشاهده نمودند و یا معجزه‌ای از آن امام را دیده‌اند و یا به هر دو فیض نائل شده‌اند و حکایات ایشان در کتب اصحاب با اسناد مختلف موجود است.

و برخی دیگر از علماء نام و داستان افرادی را که در زمان غیبت کبری خدمت امام عصر علیه السلام شرفیاب شده‌اند یا کراماتی از آن حضرت در بیداری مشاهده کرده‌اند در تألیفات خود گردآوری کرده‌اند که از آن جمله کتاب کشف الاستار و بحار الانوار، ج ۱۳ در چاپ قدیم و دارالسلام را می‌توان نام برد.

اخیرا نیز مسجد جمکران کتابی را از معجزات و شفا یافتگان در آن مکان مقدس جمع‌آوری و چاپ نموده که مدارک تمامی شفا یافتگان مستندا در مسجد جمکران مضبوط می‌باشد.^۲

این معجزه را صاحب این قلم خود شخصا مشاهده کرده است.

در دهه آخر ماه مبارک رمضان ۱۴۲۲ برابر با بهمن سال ۱۳۸۰ هجری در نیمه شبی از دهه آخر ماه رمضان در حین خروج از مسجد جمکران همراه با مرحوم حضرت آیت‌الله احمدی فقیه‌یزدی با شخصی که سؤالی داشت مواجه شدیم او با لهجه‌ای کُردی گفت: دو هفته پیش، مادرم که به سرطان مبتلا بود و همه دکترهای تهران از او قطع امید کرده بودند با آدرسی که از مسجد جمکران به ما دادند او را به مسجد جمکران آوردیم مادرم در کفشداری مسجد، در قسمت مردانه شب خوابید صبح با تعجب دیدیم هیچ

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹.

۲. کرامات حضرت مهدی علیه السلام چاپ مسجد جمکران.

اثری از سرطان در بدن او نیست و این مطلب باعث اعجاب دکترها و بعضی از اقوام ما در شهر سقز شد او در ادامه گفت: تصمیم گرفتم از سقز بیائیم و در قم ساکن شویم و خانه تهیه کنیم و مادرم در این جریان شیعه شد و من و دو برادر دیگرم نیز شیعه شدیم...

کرامات و عنایات امام عصر^ع بیشتر از اینهاست ولی این آنچه بود که در مواجهه با این شخص دیده و شنیده شد...^۱

۸۲

ملاقات با امام عصر^ع امکان دارد؟

مرحوم علامه حلی از امام عصر^ع سؤالی پرسیده‌اند و اما اصل ماجرا: آقا سیدمحمد صاحب کتاب مفاتیح‌الاصول و مناهل‌الفقہ از خط علامه حلی که در حواشی یکی از کتابهایش آورده است نقل می‌کند: علامه حلی در شبی از شبهای جمعه تنها به زیارت قبر حضرت سیدالشهداء^ع می‌رفت ایشان بر حیوانی سوار بود و تازیانه‌ای برای راندن آن به دست داشت.

اتفاقاً در اثنای راه شخصی پیاده در لباس اعراب به ایشان برخورد کرد و با ایشان همراه شد.

در بین راه شخص عرب مسأله‌ای را مطرح کرد علامه حلی فهمید که این مرد عرب، مردی عالم و با اطلاع است لذا بعضی از مشکلات علمی خود را از او سؤال کرد تا ببیند چه جوابی برای آنها دارد با کمال تعجب دید ایشان حلال مشکلات و کلید معماهاست.

باز مسأله‌ای را که بر خود مشکل دیده بود سؤال کرد و از شخص عرب جواب گرفت...

تا اینکه مسأله‌ای مطرح شد که آن شخص عرب در آن مسأله برخلاف نظر علامه حلی نظر داد لذا علامه نظر او را قبول نکرد و گفت:

۱. ماجرای این شفا یافته در کتاب کرامات مهدی عج چاپ مسجدجمکران نیست به جهت اینکه این اتفاق در ماه رمضان سال ۸۰ افتاده است و کتب مذکور قبل از آن چاپ شده است.

این فتوا برخلاف اصل و قاعده است و دلیل و روایتی را که مستند به آن باشد نداریم.
 آن شخص عرب فرمود:
 دلیل این حکم که من گفتم حدیثی است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نوشته است.^۱
 علامه گفت: چنین حدیثی در تهذیب نیست و به یاد ندارم دیده باشم که شیخ طوسی یا غیر او نقل کرده باشند.
 آن مرد فرمود: آن نسخه از کتاب تهذیب را که تو داری از ابتدایش فلان مقدار ورق بشمار در فلان صفحه و فلان سطر حدیث را پیدا می‌کنی.
 علامه با خود گفت:
 شاید این شخص که در رکاب من می‌آید مولای عزیزم حضرت بقیةالله روحی فداه باشد.
 لذا برای اینکه واقعیت امر برایش معلوم شود در حالی که تازیانه از دستش افتاد پرسید:

۸۳

«آیا ملاقات با حضرت صاحب الزمان امکان دارد یا نه؟»

آن شخص چون این سؤال را شنید خم شد و تازیانه را برداشت و با دست با کفایت خود در دست علامه گذاشت.
 و در پاسخ به علامه حلی فرمود: «چطور نمی‌توان دید در حالی که الان دست او در دست تو می‌باشد!!»
 همین که علامه این کلام را شنید بی‌اختیار خود را از بالای حیوانی که بر آن سوار بود بر پاهای آن امام انداخت تا پای مبارکشان را ببوسد ولی از کثرت شوق بی‌هوش شد...

۲۱۰

۱. از این تشرف متوجه می‌شویم که علمای شیعه تحت اشراف و نظارت امام عصر عج هستند آنگونه حضرتش در روایتی به این مطلب تصریح و تأکید کرده‌اند و معلوم می‌شود که سرنوشت جامعه شیعی در عصر غیبت کبری رها شده نیست برای اطلاع بیشتر به بخش غیبت کبری در این کتاب مراجعه شود.

بعد از آنکه به خانه خود رسید کتاب تهذیب خود را ملاحظه کرد و حدیث را در همان جایی که آن بزرگوار فرموده بود مشاهده کرد. لذا علامه حلی در حاشیه همان کتاب تهذیب نوشت: «این حدیثی است که مولای من صاحب الامر^{علیه السلام} مرا به آن خبر دادند و حضرتش به من فرمودند: در فلان ورق و فلان صفحه و فلان سطر می باشد. آقا سید محمد صاحب مفاتیح الاصول فرمود: من همان کتاب را دیدم و در حاشیه آن کتاب خط علامه حلی را مشاهده کردم.^۱»

۸۴

دستورات و پیام های عبادی امام عصر^{علیه السلام} به شیعیان

همه ما داستانهایی را خوانده یا شنیده ایم که عده ای سعادت دیدار امام عصر^{علیه السلام} را یافته اند ولی نکته مهمتر اینجاست که در این دیدارها پیام هایی نهفته است که امام برای ما فرستاده اند و بایستی ما که شیعه پرشتیاق او هستیم به این پیامها که خواسته امام است عمل کنیم اصل موضوع در این تشرفات دستورات معنوی و روحانی امام عصر^{علیه السلام} است که باید نصب العین گردد.

۸۵

نماز اول وقت یادت نرود

شیخ کلینی و شیخ طوسی و شیخ طبرسی از زهری نقل کرده اند که گفت: مدت مدیدی در طلب دیدار امام زمان^{علیه السلام} بودم و در این راه مال فراوانی خرج کردم تا این که به خدمت محمد بن عثمان (دومین نایب خاص امام زمان در زمان غیبت صغری) رسیدم و با التماس از او خواستم مرا به حضور امام ببرد.

پاسخ منفی داد اما در مقابل تضرع بسیار من سرانجام لطف نمود و فرمود فردا اول وقت نزد من بیا.

فردای آن روز به خدمت محمد بن عثمان رفتم دیدم جوانی خوش سیما

۱. العبقری الحسان، ج ۲، ص ۶۱

همراه اوست محمدبن عثمان به من اشاره کرد و گفت: ایشان همان کسی است که در طلبش هستی. به نزد امام رفتم و آنچه سؤال داشتم پرسیدم ایشان نیز پاسخ فرمود تا به خانه‌ای رسیدیم حضرت داخل آن خانه شد و دیگر ایشان را ندیدم. اما در این دیدار امام دوبار به من فرمود: از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را به حدی به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها دیده نشوند و نماز مغرب را به قدری به تأخیر اندازد تا ستاره‌ها نمایان شوند.

۸۶

تشریح حضرت آیت الله مرعشی نجفی «ره»

در ایام تحصیل علوم دینی خود در نجف اشرف با خود عهد کردم که ۴۰ شب چهارشنبه پیاده به مسجد سهله بروم به این نیت که به فوز زیارت جمال پر جلال و ملکوتی امام زمان علیه السلام نائل شوم.

تا ۳۵ یا ۳۶ شب چهارشنبه ادامه دادم... در مسیر راه صدای پایی را از دنبال سر شنیدم برگشتم عقب شخصی را دیدم که با زبان فصیح گفت: ای سید سلام علیکم... تعجب کردم که این شخص در این تاریکی شب چگونه متوجه سیادت من شد...

سخن می‌گفتم و می‌رفتم از من سؤال کرد به کجا قصد رفتن را داری؟ گفتم: مسجد سهله...

پس از ورود به مسجد زیدبن صوحان^۱، فرمودند: سید تو گرسنه‌ای چه خوبست شام بخوری.

پس سفره‌ای را که زیر عبای خود داشت بیرون آورد در آن سه قرص نان و دو یا سه عدد خیار سبز تازه بود...

سپس فرمود:

بلند شو به مسجد سهله برویم وقتی داخل مسجد شدیم آقا مشغول اعمال وارده شد و من هم متابعت می‌کردم و بدون اختیار نماز مغرب و عشا را به آن آقا اقتدا کردم...

۱. مسجد زیدبن صوحان در نزدیکی مسجد سهله است.

در وسط مسجد در مقام امام صادق علیه السلام نشستیم... و این نشست نزدیک دو ساعت طول کشید در این مدت مطالبی رد و بدل شد که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

- از جمله مطالب^۱ این جلسه تأکید بر تلاوت این سوره‌ها بعد از نمازهای واجب بود.

بعد از نماز صبح سوره یس، بعد از نماز ظهر سوره نباء، بعد از نماز عصر سوره عصر، بعد از نماز مغرب سوره الواقعة و بعد از نماز عشاء سوره ملک. - دیگر اینکه تأکید فرمودند: بر خواندن دو رکعت نماز بین نماز مغرب و عشا که در رکعت اول بعد از حمد هر سوره‌ای که خواستی می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از سوره حمد سوره واقعه را می‌خوانی.

- تأکید فرمودند که: بعد از نمازهای پنج‌گانه این دعا را بخوان.

«اللهم سرحنی عن الهموم و والغموم و وحشة الصدرو و سوسه الشیطان برحمتک یا ارحم

الراحمین».

- تأکید فرمودند بر خواندن این دعا بعد از ذکر رکوع در نمازهای یومیه خصوصاً رکعت آخر. «اللهم صل علی محمد و آل محمد و ترحم علی عجزنا و اغثنا بحقهم».

- تأکید فرمودند: بر خواندن قرآن و هدیه کردن ثواب آن برای شیعیانی که وارثی ندارند یا دارند و لکن یادی از آنها نمی‌کنند.

- تأکید فرمودند: بر زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام...^۲

پس خواستم از مسجد بیرون روم به خاطر حاجتی آمدم نزدیک حوض به ذهنم رسید این سید عرب کیست شاید همان مقصود معشوقم باشد با اضطراب برگشتم ولی آن آقا را ندیدم و کسی هم در مسجد نبود و یقین کردم که آقا امام زمان علیه السلام را از زیارت کردم و غافل بودم...^۳

۱. به دستورات و پیامهای عبادی امام عصر علیه السلام عنایت بیشتری شود.

۲. مطالب رد و بدل شده بیشتر از آن است که آمده، سعی شد پیامهای عبادی امام آورده شود.

۳. شیفتگان مهدی علیه السلام.

دعای ندبه و روضه عمه‌ام

واعظ مشهور مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدصادق شمس‌الدین فرمود:

حدود سال ۶۲ شمسی روزی در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت بودم ایشان فرمودند: یک روز طلبه‌ای به نام سیدحسین یزدی در مسجد جمکران توفیق زیارت حضرت حجت علیه السلام را پیدا کرده‌اند و حضرت به ایشان مطالبی فرموده‌اند و خانه‌ای می‌خواسته که حضرت به ایشان مرحمت کرده‌اند و همچنین سفارش فرمودند که رفتن به مجلس دعای ندبه را ادامه دهند و آن را ترک نکنند.

و فرموده بودند: مصائب عمه بزرگوارم حضرت زینب علیها السلام را در آن مجلس و جاهای دیگر تذکر دهید.^۱

ملا محمد تقی مجلسی «ره» و سؤالی بزرگ

هنگامی که خداوند مرا به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام موفق ساخت و در اطراف آستان مقدس آن امام در حال مجاهده و ریاضت بودم خداوند به برکت مولایمان درهای مکاشفاتی را به رویم گشود...

از جمله مکاشفاتی که برای این بنده حقیر پدید آمد این است که من در آغاز دوران بلوغ همواره در صدد بودم تا رضایت خداوند را بدست آورم و کارهایی را دنبال کنم که موجبات خشنودی پروردگار عالم را فراهم سازد بر این اساس همیشه به یاد خدا بودم و جز به یاد او آرام و قرار نداشتم تا اینکه یک روز در بین خواب و بیداری دیدم امام زمان علیه السلام در مسجد جامع قدیم اصفهان نزدیک دری که به درب طنابی معروف است ایستاده‌اند به

۱. مسجد مقدس جمکران ص ۵۵ (حجة الاسلام والمسلمین شمس‌الدین از واعظان مهذب و پر مجلس بودند ایشان در سال ۱۳۷۹ از دنیا رحلت کردند و پس از اقامه نماز توسط حضرت آیت‌الله بهجت در حرم حضرت معصومه علیها السلام در جایگاه ابدیشان به خاک سپرده شدند).

ایشان سلام کردم خواستم که پای مبارک آن امام را ببوسم نگذاشتند آن گاه دست مبارکشان را بوسیدم.

سپس بعضی از مسائل را که حلشان برای من مشکل بود از آن حضرت پرسیدم...

امام در پاسخ یکی از سؤالاتم فرمودند: نماز شب را چگونه که مرسوم است بخوان...

سپس عرض کردم: مولای من از آنجا که هرگاه که بخواهم به حضورتان شرفیاب بشوم برایم میسر نیست اگر ممکن است کتابی را به من مرحمت کنید تا بر طبق مطالب آن به انجام وظیفه پردازم؟^۱

امام فرمود: من کتابی را به مولی محمدتاج داده‌ام تا آن را به دست تو برساند برو آن را از ایشان تحویل بگیر من بلافاصله در همان حال از درب مسجدی که روبروی ایشان بود بطرف محله‌ای که محمدتاج در آنجا سکونت داشت به راه افتادم.

وقتی به آنجا رسیدم آن شخص چون چشمش به من افتاد گفت: آیا تو را امام زمان علیه السلام نزد من فرستادند؟ عرض کردم: بلی.

آنگاه کتابی را که معلوم بود یک کتاب قدیمی است از جیبش بیرون آورد و من بدون آنکه آن را باز کنم فهمیدم که آن یک کتاب دعاست آنرا گرفتم و بوسیدم و به چشمم گذاشتم...

نسخه‌ای از کتاب شریف و نورانی صحیفه سجادیه که با راهنمایی امام زمان علیه السلام به دست من رسیده بود به خط شهید بود... از آن تاریخ به بعد عده زیادی نسخه‌های صحیفه سجادیه^۲ را با کتاب صحیفه من مقابله کردند و به برکت آن کتابی که امام زمان علیه السلام به من بخشیدند صحیفه کامله

۱. در آتی به راههای تشریف و دیدار اشاره خواهد شد.

۲. خواننده گرامی ملاحظه می‌کنند که متأسفانه در جامعه امروز ما توجهی که در خور کتاب شریف صحیفه سجادیه نمی‌شود جای خالی او را در صدا و سیما و روزنامه‌ها و متون درسی مدارس و دانشگاه‌ها می‌بینیم و در این ملاقات امام عصر عجل الله فرجه و دستوری مورد نظر مبارکشان بوده، پس ضروریست به این فرمان و پیام عمل نموده و لازم است این پیامها را به دست همه شیعیان برسانیم چرا که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: ای مفضل، اخبار مهدی را به شیعیان ما برسان تا در دین خود به شک نیفتند. (بشاره/اسلام، ص ۲۶۷).

سجاده در تمام شهرها چون خورشید درخشان در مدت بسیار کمی منتشر شد.^۱

امام زمان علیه السلام در سرداب مقدس در سامراء به آیت الله العظمی مرعشی نجفی نیز سفارش می فرمایند که دعاهای صحیفه سجاده را حفظ کنند و...^۲

۸۹

نگویند شما آقا ندارید

مرحوم آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۴ - ۱۳۶۵ هجری قمری) به واسطه علاقه وافر به درس به نزد پدر آمده و تقاضا می کند تا پدر به او اجازه خواندن درس طلبگی دهد.

پدرش مخالفت کرده و می گوید: اگر چنین کاری بکنی من متکفل مخارجت نمی شوم.

سید می گوید: اشکالی ندارد...

او در مدرسه صدر اصفهان حجره ای در زاویه مدرسه می گیرد ایام زمستان فرا می رسد در حالی که سید نه فرشی دارد و نه چراغی.

شبی از شبها پدرشان به اصفهان می آید برای دیدن فرزند خود به مدرسه می رود ولی با آن وضع نابهنجار مواجه می شود رو به فرزند کرده و با زبان تعبیر می گوید: نگفتم طلبه نشو گرسنگی دارد محرومیت بدنبال خواهد داشت...

این سخنان سید را دگرگون می کند رو به قبله می کند و خطاب به امام زمان علیه السلام می گوید: «آقا عنایتی کنید تا نگویند شما آقا ندارید».

دقایقی بعد درب مدرسه را می زنند فرارش درب را باز می کند معلوم می شود که با سید ابوالحسن کار دارند سید شخصی را می بیند که مقداری

۱. روضه المتقین، ج ۱۴.

۲. قبسات، در این تشریف امام عصر عج انگشتر عقیقی به مرحوم آیت الله مرعشی نجفی هدیه می دهند و مقداری نیز تربت کربلا به ایشان می دهند.

پول (پنج قرون) به او داده و می‌گوید شمعی هم در طاقچه حجره هست آنرا روشن کن تا نگویند شما آقا ندارید.^۱

۹۰

سیدبن طاووس کیست؟

سیدبن طاووس فرزند خود را به امام عصر ع می‌سپارد:

او خطاب به فرزندش می‌نویسد:

ای محمد ای فرزند که امیدوارم پروردگار جل جلاله، ظاهر و باطن ترا به دوستی و مهر اولیای خود و دشمنی دشمنان خود زینت بخشد.

در ایام زیارت عاشورا در کربلا خبر ولادت تو^۲ به من رسید من به شکرانه این نعمت و احسان پروردگار با فروتنی بسیار در پیشگاه مقدسش بر پای خاستم و بفرمان الهی ترا بنده امام مهدی ع و متعلق به او قرار دادم. و در حوادثی که بارها برای تو روی داده است به سایه حضرتش پناه برده‌ام... و بارها آن بزرگوار را به خواب دیده‌ام و به ما انعام‌ها و لطف‌ها فرموده و نیازهای ترا برآورده است چنانکه بیان آن از قدرت من بیرون است. پس در دوستی و مهر و وفا به آن حضرت بزرگوار و توجه دل و تعلق خاطر آنگونه باش که خدا و رسول او و پدران بزرگوارش می‌خواهند و خواسته‌های حضرت او را بر نیازهای خود مقدم دار و من این مقوله را در کتاب المهمات و التتمات شرح داده‌ام.^۳

۲۱۷

- سیدبن طاووس در مهج الدعوات می‌نویسد: در شب چهارشنبه ۱۳ ذی القعدة سال ۶۳۸ در سامرا بودم در سحرگاه دعای حضرت ولی عصر را «شنیدم» و دعای حضرت را در حق عده‌ای از مردگان و زنده‌ها که نام می‌برد حفظ کردم.

۱. به نقل از حضرت آیت‌الله حرم پناهی.

۲. ولادت فرزند ایشان در نهم محرم سال ۶۴۳ قمری بوده است.

۳. المهمات والتتمات بنا به گفته سیدبن طاووس در آن اسرار فراوان و کاشف رازها در بر دارد.

البته برخی از این جمله استفاده کرده‌اند که سید محضر حضرت را در حال نماز شب که عده‌ای از مؤمنین را نام برده‌اند، درک نموده است.^۱

- سیدبن طاووس اگر چه خیلی کتوم و رازدار بوده و سیره او بر همین طریق بود لیکن در برخی موارد در جمال الاسبوع آورده:

روز یکشنبه روز امیرالمؤمنین است و بعد از آن اضافه می‌کند که:

زیارت امیرالمؤمنین در آن روز (یکشنبه) به روایت کسی است که صاحب‌الزمان را در «بیداری» مشاهده کرد که در روز یکشنبه امیرالمؤمنین را زیارت می‌کرده و چنین است (زیارت)...^۲

- سیدبن طاووس در کتاب دیگری از شخصی سخن گفته (بدون ذکر نام او) آورده است که: اگر بازگو کردن رابطه و پیوند او با حضرت ولی‌عصر علیه السلام جایز بود «چند جزء کتاب» درباره رابطه او تألیف می‌گردید.^۳

و این نقل‌ها نشان می‌دهد که جناب سید ارتباط و تشرفات زیادی را به دست آورده است به حدی که اگر بخواهد آن تشرفات را بنویسد چند جلد کتاب می‌شود.

۹۱

خوابی به روشنی بیداری

- سیدبن طاووس در آثار خود به صراحت ادعای روایت امام عصر علیه السلام را ندارد ولی از رابطه خاص خود با حضرت و برخی از ماجراهای مربوط به آن احیاناً خبر می‌دهد مثلاً آورده است که: در شب شنبه ۲۱ جمادی‌الآخر سال ۶۴۱ فردی را که در راستگویی‌اش تردیدی نیست، به نام عبدالمحسن و از عراق به حله آمده بود دیدم او گفت: دیشب حضرت ولی‌عصر را با این مشخصات زیارت کردم و فرمود:

به نزد ابن طاووس برو و چنین و چنان به او بگو.

۱. مهج الدعوات، ص ۲۹۶.

۲. جمال الاسبوع، ص ۳۰.

۳. رساله مواسعه سید به نقل از نجم الثاقب، ص ۲۵۱.

عبدالمحسن آنچه را حضرت ذکر فرموده بودند برایم بازگو کرد و من او را وصیت کردم که ماجرا را برای احدی نقل نکند.

سید ادامه ماجرای آن شب خود را چنین نقل می‌کند: آن شب را برای نماز شب برخاستم «فتح» برایم آفتابه آورد تا وضو بگیرم دسته آفتابه را گرفتم که آب بریزم ولی دهانه آن را کسی گرفت و برگرداند و از وضو گرفتن با آن آب مرا بازداشت با خود گفتم: شاید آب نجس است و خداوند خواسته است که مرا از نجاست آب حفظ کند.

زیرا عنایات و بخشش‌های خداوند بر من بسیار است که یکی از آن‌ها این گونه است و در گذشته هم مانند آن سابقه داشت ولی بعد از تطهیر آفتابه و پر کردن آن از شط (رودخانه) باز هم کسی دهانه آن را گرفت و مانع وضوی من شد برگشتم و مشغول خواندن برخی از ادعیه شدم سپس به سراغ آفتابه آمدم و مجددا همان ماجرا تکرار شد فهمیدم که این قضیه برای آن است که من نماز شب نخوانم در همان حال خوابم برد بعد فردی را دیدم که می‌گوید:

عبدالمحسن برای پیام ما آمده بود سزاوار بود که در پیش او راه بروی بیدار شدم و فهمیدم که در احترام و اکرام شیخ عبدالمحسن کوتاهی کردم توبه کردم و شروع به وضو گرفتن کردم دیگر کسی آفتابه را برنگرداند و مانع وضو نشد بعد از آنکه دو رکعت نماز خواندم صبح شد و نماز شب را قضا کردم بعدا به نزد شیخ عبدالمحسن آمدم و او را اکرام و احترام کردم... - در جایی دیگر آورده است که روز سی‌ام به سوی کربلا حرکت کردم در

شب اول رجب محمدبن سوید به من گفت:

در شب شنبه ۲۱ جمادی‌الآخر در خواب دیدم که من در خانه‌ام و پیکی به نزد شما آمد و می‌گوید:

از جانب «صاحب» (یعنی: امام عصر علیه السلام) آمده‌ام و...

من متعجب شدم که محمدبن سوید در همان شبی که فرستاده حضرت

به نزد من آمده بود خواب آن را دیده است در حالی او از این امور خبری نداشت.^۱

۹۲

زلزال بی‌زوال

حضرت آیت‌الله حجتی رحمه‌الله‌علیه^۲ می‌فرمودند: بعد از آنکه حضرت الله بهاء‌الدینی از مکه (سفر حج) برگشتند دیدم هر دو دست خود را آزاد گذاشته تا مردم و طلبه‌ها آن را ببوسند از اینکار ایشان تعجب کردم چونکه ایشان قبلاً نمی‌گذاشتند کسی دستشان را ببوسند!

تا اینکه بعد از مدتی از ایشان پرسیدم شما قبلاً نمی‌گذاشتید کسی دستتان را ببوسد حالا چطور شده که امتناع نمی‌کنید؟

در پاسخ فرمودند: در سفر حج در عرفات ما را در چادر حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام} بردند خواستم دست امام را ببوسم حضرت امتناع فرمودند سؤال کردم اجازه نمی‌فرمائید دست مبارک را ببوسم؟

امام فرمودند: شما چرا نمی‌گذارید شیعیان ما دست شما را ببوسند...

در جلسه‌ای که حضرت ولی‌عصر^{علیه‌السلام} در مکه داشتند نام چندین نفر برده می‌شود که یکی از آنان حاج آقا فخر تهرانی^۳ بوده است...

ایشان سال‌های بسیاری در قنوت نماز آیات نورانی قرآن را می‌خواندند تا اینکه زمانی دعا‌های ایشان تغییر کرد و در قنوت برای امام مهدی^{علیه‌السلام} دعا می‌کردند:

اللّٰهُمَّ اِنِّى سَعِدْتُ بِرَبِّى

۱. آنچه را که محمد بن سوید در خواب دیده بود قبلاً در بیداری برای سید اتفاق افتاده بود.
۲. حضرت آیت‌الله حجتی از نزدیکان حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی و مورد توجه خاص ایشان بودند او خود عارف بزرگ و گمنام بود شاگردانی بزرگ در وادی سیر و سلوک تربیت نمود ایشان چند سال پیش در جوار رحمت حق آرآمدند و پس از اقامه نماز توسط آیت‌الله بهجت در قبرستان نو قم دفن شدند.

ایشان خود نیز تشریفاتی داشته‌اند تشریفی در مدینه و یکبار هم در شهر میانه این مرد ربانی برای حرکت معنوی به شاگردان ابتداء دستور جامعی می‌دادند و آن عبارت بود از خواندن نوافل و زیارت جامعه و زیارت عاشورا و با انجام این ۳ دستور راه‌های بعدی خود به خود روشن می‌شد.

۳. حاج آقا فخر تهرانی انسانی وارسته و پارسا که بطور مخفی اوضاع فقراء و محرومان را زیر نظر داشت او به مدارس خدمت زیادی کرد و واقعه‌ای نیز در خصوص حضور امام عصر^{علیه‌السلام} در منزل ایشان قبل از شروع جلسه قرائت حدیث کساء آورده شد بدن مطهر این مرد نورانی در قبرستان بقیع دفن گردیده است.

«أَللّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ...» از ایشان سؤال شد که علت این تغییر رویه چیست؟ فرمود: حضرت پیغام دادند «در قنوت به من دعا کنید».

و در زمانی که حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی رحلت فرمود عده‌ای دنبال مرجعت حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی را گرفتند ولی ایشان قبول نمی‌کردند تا اینکه در جواب عده‌ای که اصرار بر این مطلب داشتند فرمودند: «قبول حرف شما فقط یک راه دارد و آن این که حضرت صاحب‌الامر علیه السلام بفرمایند در این صورت قبول خواهم کرد زیرا بنده مشکلاتی دارم که وقتی حضرت، امر فرمودند این موارد را هم حل خواهند کرد و بعد از آن خودشان تضمین می‌کنند».

۹۳

عین‌الحیاء

یکی از اولیاء خدا در سفر حجّ وقتی در مسجد شجره از قافله خود جا می‌ماند مضطر و ناراحت مانده بود که چه کند او می‌گوید:

سیدی را دیدم به من نزدیک شد و احوالپرسی کرد سپس فرمود: چرا ناراحتی؟ جریان خود را عرض کردم که جا مانده‌ام.

فرمود: بیا قدم بزیم در حین قدم زدن ایشان از من پرسید مسئله‌ای نداری از من پرسی؟

چند مسئله از او پرسیدم دیدم در نهایت اتقان پاسخ داد.

چند قدمی سپری شد دوباره تأکید فرمود: شما سؤالی از من نداری پرسی؟

عرض کردم: آیا در زمان غیبت کبری می‌توان خدمت امام عصر علیه السلام رسید؟

فرمود: بله چرا نمی‌شود بلکه بعضی با بقیه الله قدم هم می‌زنند...

در این حال دیدم به صفا و مروه رسیدم و به کاروانی برخورد کردم که از آنجا جدا شده بودم با آن که آن مسافت طولانی بود با گذراندن چند قدم طی شد.

پسرم از من پرسید: با چه کسی آمدی؟

گفتم: با این آقا (اشاره به سید) ولی دیدم آن سید نورانی نیست.^۱

۹۴

دستور العمل نورانی از امام عصر

در تشریف سیداحمدبن سید هاشم موسوی رشتی در ۱۲۸۰ هجری، وقتی او از قافله مسافران دیار حجّ جا افتاده بود... آن شخص به من فرمود: تو کیستی؟

عرض کردم: رفقا رفتند و من جا ماندم و راه را نمی دانم تا ملحق شوم.

به زبان فارسی فرمود: نافله بخوان تا راه پیدا کنی؟^۲

پس من مشغول نافله شدم و بعد از اتمام نماز شبم باز آمدم و فرمودند:

نرفتی؟

گفتم: والله راه را نمی دانم! فرمود: جامعه بخوان.^۳

من نیز زیارت جامعه کبیره را حفظ نداشتم و هم اکنون نیز حفظ نیستم

ولی بلند شدم و آنرا کامل خواندم.

باز نمایان شد و فرمود: نرفتی؟ هستی؟

مرا بی اختیار گریه گرفت و گفتم: هستم راه را نمی دانم.

فرمودند: عاشورا بخوان... برخاستم عاشورا را با اینکه حفظ نبودم و اکنون

نیز حفظ نیستم کامل خواندم آن هم با دعای علقمه، خواندم.

باز فرمودند: نرفتی؟ گفتم: نه.

فرمود: تو را به قافله می رسانم پس رفت و بر الاغی سوار شد... و

۱. این تشریف مربوط به حضرت حجة الاسلام والمسلمین مرحوم حاج شیخ حسین فاضلی است.

۲. نافله به مجموعه نمازهای مستحبی یومیّه اطلاق می شود که ترتیب آن ها عبارت است از ۲ رکعت قبل از نماز صبح ۴ رکعت قبل از ظهر و ۴ رکعت قبل از عصر و ۴ رکعت بعد از مغرب ۴ رکعت و ۲ رکعت بعد از عشاء و ۱۱ رکعت نماز شب.

۳. زیارت جامعه کبیره در مفاتیح می باشد این زیارت به انشاء امام هادی علیه السلام می باشد و بسیار مورد سفارش قرار گرفته چنانچه مرحوم ملامحمدتقی مجلسی در تشریفی که به خدمت امام زمان علیه السلام داشته اند وقتی این زیارت را می خوانند امام به ایشان می فرماید: نعمه الزیارة، چه خوب زیارتی است. برای مطالعه این تشریف به کتاب نورانی روضة المتقین نوشته مرحوم مجلسی ج ۵ ص ۴۵۱ مراجعه شود. و تصریح و تأکید امام عصر علیه السلام بر زیارت عاشورا نیز دیگر جای توضیح ندارد چرا که همه ما مکرر به این زیارت سر تا سر نور تمسک یافته ایم و از نور و ضیای ملکوتی او بهره بردیم.

فرمود: در ردیف من بر الاغ سوار شو من نیز در پشت سر ایشان بر الاغ سوار شدم... پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید نافله، نافله، و تا سه مرتبه فرمود.

و باز فرمود:

شما چرا عاشورا نمی‌خوانید عاشورا، عاشورا، عاشورا و سه مرتبه آن را فرمود.

بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید جامعه، جامعه، جامعه تا اینکه به دوستانم ملحق شدم و او را ندیدم...

۹۵

تشریف بی‌مانند و عجیب

صاحب کتاب شریف جنۃ‌الماوی مرحوم محدث نوری در حکایت ۵۹ آن کتاب و در کتاب عبقری الحسان آمده آورده است که: شخصی بنام حاج علی بغدادی نقل کرد که ۸۰ تومان از مال امام علیه السلام (خمس) در ذمه‌ام بود پس به نجف اشرف رفتم و بیست تومان آن را به شیخ مرتضی (اعلی‌الله‌مقامه) دادم. بیست تومان آن را نیز به جناب شیخ محمدحسین مجتهد کاظمینی و بیست تومان آن را نیز به جناب شیخ محمدحسن شروقی و بیست تومان از آن هشتاد تومان در ذمه من باقی ماند که قصد داشتیم در مراجعت به بغداد به جناب شیخ محمدحسن کاظمینی آل‌یس بدهم و به بغداد مراجعت کردم خوش داشتیم که در ادای آنچه در ذمه من باقی بود تعجیل کنم.

آن روز که پنجشنبه بود به زیارت امام موسی بن جعفر و حضرت جواد علیه السلام مشرف شدم و سپس نزد جناب شیخ محمد حسن رفته و مقداری از ۲۰ تومان را دادم و وعده کردم که بقیه را بعد از فروش بعضی از اجناس مغازه‌ام به تدریج ادا کنم.

عصر آن روز قصد مراجعت به بغداد را داشتیم که جناب شیخ محمدحسن خواهش کرده بمانم من عذر آوردم که باید بروم و مزد کارگران خود را بدهم.

از کاظمین به سوی بغداد حرکت کردم ثلث راه را آمده بودم که سید

جلیل‌القدری را دیدم که از طرف بغداد رو من می‌آمد وقتی نزدیک شد سلام کرد و دست‌های خود را برای مصافحه و معانقه به سمت من دراز کرد و فرمود: اهلاً و سهلاً و آنگاه مرا در آغوش کشید و یکدیگر را بوسیدیم. او عمامه سبز روشنی بر سر داشت و بر رخسار مبارکش خال سیاه بزرگی بود سپس ایستاد و فرمود: حاج علی! خیر است به کجا می‌روی؟ عرض کردم: کاظمین را زیارت کرده‌ام و حالا به بغداد می‌روم.

فرمود: امشب شب جمعه است برگرد (یعنی به کاظمین).

گفتم: ای سید من، برایم امکان اینکار وجود ندارد.

فرمود: امکان دارد برگرد تا برای تو شهادت دهم که از موالیان جد من امیرالمؤمنین علیه السلام و از موالیان مایی و شیخ هم (مقصود شیخ محمد حسن کاظمینی آل یس است) شهادت دهد. زیرا خدای تعالی امر فرموده که دو شاهد بگیرید.

(این اشاره به مطلبی بود که در نظر داشتم از جناب شیخ خواهم کنم نوشته‌ای به من دهد که من از موالیان اهل بیت علیهم السلام می‌باشم تا آن نوشته را در کفن خود بگذارم).

من گفتم: تو چه می‌دانی و چگونه شهادت می‌دهی؟

فرمود: کسی که حقش را به او می‌رسانند چگونه رساننده (یعنی: خمس دهنده) را نمی‌شناسد.

گفتم: چه حقی؟

فرمود: آن که به وکیل من رساندی.

گفتم: وکیل تو کیست؟

فرمود: شیخ محمد حسن.

گفتم: او وکیل تو است؟

فرمود: وکیل من است.

در اینجا به خاطر آمد که این سید جلیل‌القدر با آنکه او را نمی‌شناسم مرا به اسم خواند.

بعد به خود گفتم: شاید او مرا می‌شناسد و من او را فراموش کرده‌ام اما

باز با خود گفتم: این سید از حق سادات (خمس) از من چیزی می‌خواهد و خوش داشتم که از مال امام علیه السلام (خمس) چیزی به او برسانم. پس به او گفتم: ای سید من! نزد من از حق شما چیزی مانده بود (سهم سادات) و رجوع کردم به جناب شیخ محمدحسن برای آنکه ادا کنم حق شما را.

او به روی من تبسمی کرد و فرمود:

آری بعضی از حقوق ما را به وکلای ما در نجف اشرف رساندی.

گفتم: آنچه ادا کردم قبول شد؟

فرمود: آری.

در این وقت به ذهنم آمد که این سید علمای اعلام و مراجع تقلید را وکلای خود می‌داند و این در نظرم بزرگ آمد و تعجب کردم و با خود گفتم: آری! البته که علما در گرفتن حقوق سادات وکیل‌اند و مجدد غفلت مرا فرا گرفت.

آنگاه فرمود: برگرد جدم را زیارت کن.

پس برگشتم و در حالی که دست راست او در دست چپ من بود، به راه افتادیم دیدم در طرف راست ما نهر آب صاف جاری است و درختان لیمو، نارنج، انار، انگور، و غیر آن هم با میوه وجود دارد.

گفتم: این نهر و این درخت‌ها چیست؟

فرمود: هرکس از موالیان ما که قصد زیارت جدم ما و خود ما را کند این‌ها با او هست.

گفتم: می‌خواهم سؤال کنم؟

فرمود: سؤال کن؟

گفتم: مرحوم شیخ عبدالرزاق، مدرس بود، روزی نزد او رفتم شنیدم که می‌گفت:

اگر کسی همه عمرش چه روزها روزه باشد و شبها را به عبادت به سر برد و چهل حجّ و چهل عمره بجا آورد و در میان صفا و مروه بمیرد و از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام نباشد برای او چیزی (در نامه عملش) نیست.

فرمود: آری والله برای او چیزی نیست!! پس در اینجا از حال یکی از خویشان خود پرسیدم که آیا او از موالیان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ فرمود: آری او و هر کس به تو متعلق است.

گفتم: سیدنا برای من مسأله‌ای است.

فرمود: بپرس؟

گفتم: خوانندگان تعزیه امام حسین علیه السلام می‌گویند که سلیمان اعمش نزد شخصی آمد و از زیارت سیدالشهداء علیه السلام پرسید و او در جواب گفت: بدعت است. بعد او در خواب هودجی را که در میان آسمان و زمین دید سؤال کرد: در این هودج کیست؟

گفتند: فاطمه زهرا و خدیجه کبری علیهما السلام.

گفت: به کجا می‌روند؟

گفتند: به زیارت امام حسین علیه السلام چرا که امشب شب جمعه است او دید رقعه‌هایی (برگه‌هایی) از هودج می‌ریزد و در برگه‌ها نوشته شده: «امان من النار لزوار الحسين في ليلة الجمعة امان من النار يوم القيامة»؛ (یعنی: امان دارد از آتش جهنم در قیامت زائر حسین علیه السلام در شب جمعه).

آیا این حدیث صحیح است؟ فرمود: آری راست و تمام است.

گفتم: سیدنا صحیح است که می‌گویند هر کس در شب جمعه زیارت کند حسین علیه السلام را برای او امان است.

فرمود: آری والله سپس اشک از چشمان مبارکش جاری شد و گریست.

گفتم: سیدنا مسئله - یعنی سؤالی دارم.

فرمود: بپرس.

گفتم: سال ۱۲۸۹ هجری حضرت رضا علیه السلام را در مشهد زیارت کردم و منطقه در درود (نزدیکی قدمگاه در راه مشهد) یکی از عرب‌ها را که از بادیه نشینان طرف مشرق نجف بود را ملاقات کردم و او را مهمان نموده و از او پرسیدم که شهر حضرت رضا علیه السلام چگونه است؟

گفت: بهشت است.

سپس آن عرب ادامه داد:

امروز من پانزده روز است که از مال مولای خود حضرت رضا علیه السلام خورده‌ام چه حق دارند دو فرشته منکر و نکیر در قبر نزد من بیایند گوشت و خون من از طعام آن حضرت و در مهمانخانه آن حضرت روئیده است؟
- آیا این گفته او صحیح است و علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌آید و او را از دست آن دو فرشته نجات می‌دهد؟

فرمود: آری والله جد من ضامن است.^۱

گفتم: سیدنا مسأله کوچکی است می‌خواهم بپرسم؟

فرمود: بپرس؟

گفتم: زیارت حضرت رضا علیه السلام را که من انجام داده‌ام قبول است؟

فرمود: قبول است ان شاءالله.

گفتم: سیدنا سؤالی دارم.

فرمود: بسم الله.

گفتم: حاجی محمدحسین بزازباشی پسر مرحوم حاجی احمد بزازباشی زیارتش قبول است یا نه (او با من در راه مشهد هم خرج بود).

فرمود: عبدالصالح زیارتش قبول است.

گفتم: سیدنا سؤالی دارم؟

فرمود: بسم الله.

گفتم: فلانی - از اهل بغداد که همسفر ما بود - زیارتش قبول است؟

اینجا ساکت شد.

گفتم: سیدنا سؤالی دارم؟

فرمود: بسم الله.

گفتم: این سؤالم را شنیدی یا نه؟ آیا زیارت او قبول است یا نه؟

جوابی نداد (او فرد بدی بود او مادر خود را کشته بود و همسفر ما بود). پس در مسیر راه ما به جاده پهنی رسیدیم که در طرف آن باغ‌هائی از کاظمین بود و قسمتی از آن جاده مال بعضی از ایتام سادات بود که حکومت وقت آن را به زور از آن سادات گرفته بود و آن را جزء جاده کرده بودند و اهل

۱. خوشا به سعادت زائران مولای عزیزمان حضرت رضا علیه السلام. این فیض پر برکت ان شاءالله برای زیارت حضرت معصومه علیها السلام نیز هست چرا که طبق روایت، زیارت حضرت معصومه علیها السلام مثل زیارت حضرت رضا علیه السلام می‌باشد.

تقوا و مؤمنین همیشه از این قسمت جاده کناره می‌گرفتند و از آن جا عبور نمی‌کردند ولی دیدم آن حضرت از آن راه می‌روند.
گفتم: ای سید من این محل برای بعضی از ایتم سادات است و تصرف در آن روا نیست.

فرمود: این موضع برای جد ما امیرالمؤمنین علیه السلام و ذریه او و اولاد ماست و تصرف در آن برای موالیان ما حلال است.

در نزدیکی آن مکان در طرف راست، باغ معروف حاجی میرزاهادی که از ثروتمندان معروف عجم و ساکن بغداد بود قرار داشت.

گفتم: سیدنا راست است که می‌گویید: زمین حاج میرزاهادی مال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است.

فرمود: چکار داری به این و از جواب اعراض نمود...

پس آمدیم و چند قدمی نرفتیم که خود را در صحن مقدس امام کاظم علیه السلام در نزد کفش‌داری دیدم در حالی که هیچ کوچه و بازاری را ندیدیم پس از طرف باب المراد از سمت شرقی داخل صحن شدیم امام در رواق مطهر مکث نفرمود و اذن دخول نخواند و داخل شد و کنار در حرم ایستاد و فرمود: زیارت کن .

گفتم: من قاری نیستم - سواد ندارم -

فرمود: برای تو بخوانم؟

گفتم: آری.

آنگاه... بر همه ائمه اطهار علیهم السلام یک یک سلام کرد تا به سلام حضرت

عسگری علیه السلام رسید و فرمود: **السلام عليك يا ابا محمد الحسن العسگری.**

سپس به من فرمود: امام زمان خود را می‌شناسی؟

گفتم: بلی او را می‌شناسم.

فرمود: بر امام زمان خود سلام کن.

گفتم: السلام عليك يا حجة الله يا صاحب الزمان يا بن الحسن.

او تبسمی نمود و فرمود: عليك السلام و رحمة الله و برکاته.

سپس داخل حرم مطهر شدیم و به ضریح مقدس چسبیدیم و بوسیدیم.

آنگاه فرمود: زیارت کن.

گفتم: من قادر نیستم.

فرمود: زیارت بخوانم برای تو؟

گفتم: آری.

فرمود: کدام زیارت را می‌خواهی؟

گفتم: هر زیارتی که افضل است مرا با آن زیارت بده.

فرمود: زیارت امین‌الله افضل است.^۱

آنگاه مشغول به خواندن شدند.

در این هنگام چراغ‌های حرم را روشن کردند و دیدم شمع‌ها روشن است ولکن حرم منور به نوری دیگر است مانند نور خورشید و شمع‌ها مانند چراغی بودند که در آفتاب روشن می‌کنند و مرا چنان غفلت گرفته بود که هیچ ملتفت این نشانه‌ها نمی‌شدم.

چون از زیارت فارغ شدیم از سمت پائین پا آمدند به پشت سر و در طرف شرقی ایستادند و فرمودند: آیا جدم حسین علیه السلام را زیارت می‌کنی.

گفتم: آری زیارت می‌کنم چرا که شب جمعه است پس زیارت وارث را خواندند در اینجا بود که مؤذن‌ها از اذان مغرب فارغ شدند.

به من فرمود: نماز کن و ملحق به جماعت شو.

پس ایشان تشریف آورد پشت سر حرم [مطهر در آن جا نماز جماعت منعقد بود و خود به صورت انفرادی در طرف راست امام جماعت محاذی او ایستادند و من داخل شدم در صف اول و برایم مکانی پیدا شد چون فارغ شدم او را ندیدم از مسجد بیرون آمدم و در حرم تفحص کردم ولی او را ندیدم...

۱. با این زیارت نورانی می‌توان با تغییر اسم امام در خط اول آن هر امامی را نام برده و زیارت کرد این زیارت با سند معتبر و مشهور از امام چهارم و پنجم صلوات‌الله علیهما نقل شده که در حرم تمامی امامان معصوم علیهم السلام می‌توان آن را خواند در ثواب آن آمده که: هر کس از شیعیان ما این زیارت را در کنار مزار امیرالمؤمنین علیه السلام یا هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام بخواند این زیارت نامه را در صندوقچه‌ای از نور بالا می‌برند و مهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر آن می‌زنند و آن را نگه می‌دارند تا به دست حضرت مهدی عج برسد / بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۶.

آمدم نزد کفشدار و از حال آن جناب سؤال کردم گفت: بیرون رفت و پرسید که این سید رفیق تو بود گفتم: آری...^۱

۹۶

او منصوب می‌نماید

عارف بزرگ ملاآقا جان زنجانی در یکی از تشرفات خود به امام عصر علیه السلام عرض کردند: آقامیرزای نائینی که از نظر علمیت از حاج سیدابوالحسن اصفهانی عمیق‌تر است چرا پرچم داری مرجعیت را به او عنایت نکردید؟ و میرزای نائینی شهرت و اقتدار حاج سیدابوالحسن را پیدا نکرد؟ وجود مبارک امام زمان علیه السلام فرموده بودند: دو صفت در حاج سیدابوالحسن هست که ایشان را شایسته این رتبه کرده است یکی دست و دلبازی حاج سیدابوالحسن و دیگری سعه صدر ایشان و هنگام وفات حاج سیدابوالحسن فرموده بودند من مأمور حفظ این شال بودم ما به بسیاری از بی‌سوادها اجازه اجتهاد دادیم تا رضاخان عمامه‌هایشان را بر ندارد چون می‌خواستیم سیاهی لشکر درست شود و موجودیت حفظ شود جامعه نگوید حوزه متلاشی شد و متدینین دلسرد نشوند من مأمور حفظ این شال بودم اما تربیت علمی طلبه‌ها به آقای بروجردی واگذار شده است جالب‌تر این که رضاشاه برای مرحوم سیدابوالحسن پیغام داده بود که توقع نداشتیم با ما این‌گونه عمل کنی یعنی: این همه اجازه اجتهاد بدهی البته مرحوم سید ابوالحسن در خوابی بنا به دستور امام صادق علیه السلام که به ایشان فرموده بودند اجازه اجتهاد بده این کار را انجام داده بودند. رضاشاه خبیث به روحانیونی که اجازه اجتهاد داشتند

۱. انجام یک عمل مخلصانه چه توفیقات بزرگی را برای انسان رقم می‌زند در زمان امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز خانی به نام شطیطه در نیشابور یک درهم و قطعه‌ای پارچه به شخصی می‌دهد تا آن را به عنوان خمس به امام برساند وقتی آن شخص خدمت امام موسی بن جعفر علیه السلام رسید حضرت به او فرمود: سلام مرا به شطیطه برسان و این کیسه پول را که چهل درهم در آن است و این قطعه پارچه که از کفن خود من است را به او بده و بگو آن را در کفن خود قرار دهد که پنبه این پارچه از مزرعه خود ماست... سپس امام فرمود: به او بگو ۱۹ روز بیشتر زنده نیستی و به او بگو من بر جنازه او نماز خواهم گزارد بعد از فوت شطیطه امام در نیشابور به بدن او نماز گزارد فرمود: من و امامان نظیر من باید بر جنازه‌های شما حاضر شویم در هر جا که از دنیا بروید پس تقوای خدا را در خود حفظ کنید هم اکنون این بانوی بزرگوار در نیشابور دارای بارگاه می‌باشد / ریاحین الشریعه، ج ۴، ص ۳۶۲.

کاری نداشت و آن‌ها را خلع لباس نمی‌کرد و مرحوم آیت‌الله آقاسیدابوالحسن اصفهانی برای خیلی از روحانیون اجازه اجتهاد نوشت.

۹۷

چگونه او ایس قرنی شد

مرحوم آیت‌الله سیدنورالدین اراکی (۱۲۷۸ - ۱۳۴۱) قمری وی همگام و همراه با میرزا محمدتقی شیرازی (م، ۱۳۳۸ هجری قمری) بود. و مرحوم سید محمدتقی خوانساری و مرحوم سیدابوالقاسم کاشانی (م ۱۳۸۲ هجری قمری) و شیخ شریعت اصفهانی (م ۱۳۳۹ هجری قمری) در جنگ جهانی دوم، فتوای جهاد علیه استعمار جهانی داده و خود با جمعی از مردم مسلمان اراک (که در آن وقت ساکن این شهر بود).

رهسپار ترکیه گردید و بیش از سه سال در جبهه جنگ به جهاد مشغول بود در همین سفر به مدت دو سال با شرائط بسیار دشوار و در زیر بمباران‌های هوایی استکبار جهانی بدون دسترسی به هرگونه منبع تحقیقی با تکیه بر حافظه و دقت عقلی در آیات قرآن به تفسیر قرآن پرداخت.

مرحوم آیت‌العظمی اراکی در مقدمه‌ای که بر این تفسیر نوشته‌اند درباره ایشان می‌فرماید: فقیهی کاوشگر، اصولی ژرف نگر، متکلم، عارف و یگانه مرجع فتوی. (در بلاد خودش) و صاحب ریاست شرعی و دینی بود... با حضرت ولی عصر علیه السلام ارواحنا فداه ارتباط داشت...

بر اساس مکاشفه‌ای که بین ایشان و حضرت ولی عصر علیه السلام بوجود آمد حضرت با تبسم اظهار لطف به ایشان کردند و فرمودند: «تو او ایس زمان هستی» و خود مؤلف نیز در اشعاری که در اول تفسیر آمده به این مطلب اشاره نموده است این تفسیر به نام القرآن و العقل در ۳ جلد چاپ شده است.

که با تصحیح و تعلیق موسوی کرمانی - شیخ علی پناه اشتهاردی - به چاپ رسیده است.

به قول مرحوم آیت‌الله اراکی در میدان جنگ و بدون دسترسی به هر گونه منبع تحقیقی این کار (یعنی نوشتن تفسیر) کاری خارق‌العاده است. البته مؤلف محترم انگیزه خود از نوشتن این تفسیر دفع شبهاتی می‌داند که از جانب ملحدان مطرح می‌شد به رشته تحریر در آورده است. چنانچه در متن کتاب می‌نویسد: بعضی از دوستانم جناب فاضل و دوست کامل سید عبدالرسول یزدی ساکن شهر کاظمیه از من تقاضا نمود چیزی در ردّ بعضی از شیاطین غربی که ادعا نموده‌اند قرآن برخلاف عقل است بنویسم...

این عالم بزرگ در حالی که به یک دست اسلحه و با دستی دیگر قلم برگرفته، با هجوم و حضور نظامی دشمن و تهاجم فکری و تبلیغات مسموم دشمنان به مبارزه برمی‌خیزد.

مرحوم علامه طباطبائی^ع که در تصحیح مقداری از این تفسیر دارای سهمی قابل توجه هستند می‌نویسند: در میان تفسیرهای مسلمانها بر چنین تفسیری دست نیافتیم حقا این تفسیر برای دفع ایرادهای خیالی زمان ما سودمند است.

دلسوزی بی‌همتا

از نامه‌ها و توقیعات آن وجود ملکوتی و آن سرور دوسرا حضرت بقیة‌الله الاعظم^ع که خطاب به علماء و بعضی از مراجع و بزرگان است می‌فهمیم که آن امام عزیز نهایت دلسوزی را نسبت به دوستان و پیروان خود دارند و نسبت به آن‌ها و سرنوشت آن‌ها حساس می‌باشند و توجهی مخصوص به هدایت ایشان دارند.^۱

۱. در کتاب شریف کمال الدین شیخ صدوق در کتاب غیبت شیخ طوسی حدود هشتاد توقیع نقل شده است.

دعای شریف علوی مصری

محمدبن علوی مصری می گوید:

گرفتاری سختی از جانب فرماندار محل مرا رنج می داد و ترسی از او در لدم جای گرفته بود و هرگز امید رهایی از آن را نداشتم.

مدت ۱۵ روز در حرم مطهر امام حسین علیه السلام در حائر متوسل بودم و تقاضای خلاصی از این بلا را داشتم تا اینکه شبی در بین خواب و بیداری ناگهان امام عصر علیه السلام خود را با آن چهره ملکوتی اش به من نمایاند و فرمود: پسر من از فلانی (کنایه از آن ظالم است) ترسیدی؟

عرض کردم: آری قصد داشت مرا نابود کند.

امام فرمود: آیا خداوند را به آن دعایی که آباء و اجدادم در گرفتاریها می خواندند و خداوند گرفتاریهای آنها را رفع می نمود خوانده ای؟

عرض کردم: کدام دعا است که بخوانم؟

حضرت فرمود: وقتی شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نماز خود را بخوان چون از سجده شکر برخاستی در حالتی که دو زانو نشسته ای با چشمی اشکبار و دلی شکسته این دعا را بخوان.

علوی مصری می گوید: امام علیه السلام پنج شب پیاپی تشریف آورده این دعا را تکرار فرمودند تا اینکه آن را یاد گرفتم شب جمعه دیگر امام عصر علیه السلام را زیارت نکردم.

برخاستم غسل کردم لباس عوض نمودم و خود را معطر کرده نماز شب را چنانکه باید بخوانم خواندم آنگاه دعا را با همان روشی که فرموده بودند خواندم.

شب شنبه امام عصر علیه السلام با همان هیبت قبل به دیدار من آمد و فرمود: ای محمد دعایت مستجاب شد و خدا دشمن تو را کشت و بعد از خواندن دعایت خداوند قادر و توانا او را هلاک نمود.

محمد گوید: چون صبح شد به محلی که در آنجا ساکن بودم رفتم

مقداری که راه را طی کردم توسط شخصی نامه‌ای از فرزندانم دریافت کردم که نوشته بودند آن مرد خبیث که از او فرار کردی با جمعی از یارانش در مجلسی بودند خوردند و آشامیدند و متفرق شدند و فقط او و غلامانش در آن مکان ماندند و خوابیدند و چون صبح از خواب بیدار شدند اثری از او نیافتند و چون به سراغش رفتند و روانداز او را کنار زدند مشاهده کردند که از پشت سر، سرش را بریده‌اند و خون جاری است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاد و کسی از قاتل او خبری ندارد...

و این دعائیست که حضرت ولی عصر علیه السلام به من آموخت:^۱

«رب من ذا الذی دعاک فلم تجبه و من ذا الذی سالك فلم تعطه و من ذا الذی ناجاك فخبیته او تقرب الیک فابعدته...» یعنی: بار خدایا چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت نفرمودی؟ کدامیک از بندگان دست نیاز به سوی تو دراز کرد و تو او را محروم نمودی؟

کدام بنده با تو مناجات کرد و تو او را مایوس ساختی چه کسی از بندگان تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از در خانه‌ات راندی؟... مرا در این دنیا آزمایش مکن آن کسی را که رحم ندارد بر من مسلط مفرما...

از تو تمنا دارم که برمحمد و آل محمد درود فرستی و مرا مانند نیکبختان زنده کنی و مانند شهیدان بمیرانی آن چنانکه دوستان خودت را می‌پذیری مرا نیز بپذیر...^۲

خداوندا به تو پناه می‌برم و به حمایت تو دل بسته‌ام تو را می‌پرستم و به لطف تو امید دارم...

۱. از آوردن همه دعا صرف نظر شد بلکه در بخش آخر کتاب ترجمه این دعا آورده شده است و لیکن در راستای فرهنگ سازی مهدوی و گسترش اندیشه‌های امام عصر علیه السلام و با عنایت به مفاهیم بسیار زیبا و عرفانی این دعا شایسته است این دعا بطور مجزا چاپ و در دسترس شیعیان قرار گیرد تا همانند دعای کمیل و سایر ادعیه در جامعه شیعی جاری و جاوید شود ان شاء الله مخصوصاً زیارت ناحیه مقدسه که متأسفانه کمتر به آن توجه شده این زیارتنامه جگر سوز، طاق سوز درباره شهادت امام حسین علیه السلام است. که همانند این دعا، توسط امام عصر علیه السلام به دست ما رسیده است.

۲. امام عصر عجل در این دعا از خداوند درخواست شهادت در راه خدا می‌نماید.

خداوندا دعاهایم را طولانی کردم و خواسته‌هایم را برشمردم تنگی سینه مرا بر آن داشت زیرا می‌دانم یک اشاره، یک یا الله گفتن کافی است و تو از همه نیازهای من مطلعی و احتیاج به تفصیل ندارد...

۱۰۰

چگونه توفیق تشرف را پیدا کنیم

خواننده گرامی:

اگر نامه‌های امام عصر^ع را به شیخ مفید در همین کتاب مطالعه کنید. در می‌یابید که چه وجوهی از شخصیت شیخ مفید را امام زمان^ع برمی‌شمارند لذا بایستی به این محاسن توجه کرد در یکی از همین نامه‌ها حضرت ولی عصر^ع به شیخ مفید مرقوم می‌فرمایند: «ولو ان اشباعنا وفقهم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تاخر عنهم الیمن بلقائنا».

یعنی: اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به بندگی خویش موفق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می‌داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می‌شمردند سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نائل می‌شدند...

سپس در ادامه می‌فرمایند:

«آنچه که موجب جدائی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است...» و در توقیعی دیگر به محمدبن‌علی بن‌هلال کرخی مرقوم می‌فرمایند:

«یا محمدبن‌علی قداذانا جهلاء الشیعة و حمقا و هم و من دینه جناح البعوضه ارجح منه...».

ای محمدبن‌علی! شیعه نادان و نابخردان آن‌ها موجبات آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می‌کنند و افرادی که برای دینشان به اندازه یک بال مگس ارزش قائل نیستند باعث ناراحتی ما هستند...^۱

در این چند نامه امام عصر^ع می‌توان یافت که با چه کارهایی

می‌توانیم به آن حضرت تقرب جویم و با چه اعمالی باعث ناراحتی و دوری‌مان از آن وجود پربرکت خواهیم شد پس باید در اعمال خود دقت کنیم.

۱۰۱

دوست دارم شما را ببینم

از محاسن نقل است که علی بن‌العزیز از قول حضرت صادق علیه السلام فرمود: «والله اني لاحب ریحکم و ارواحکم و رویتکم و زیارتکم و انی لعلى دين الله و دين ملائکته فاعینوا على ذلك بورع انا فی‌المدينة بمنزلة الشعيرة (الشعرة) اتقلقل حتى اری الرجل منکم فاستریح الیه».

یعنی: سوگند به خدا که من بوی شما (شیعیان) را دوست دارم و ارواح شما را دوست دارم و زیارت و دیدار شما را دوست دارم و حقا که من بر دین خدا و دین فرشتگان خدا هستم.

ای شیعیان! شما مرا بر این دین یاری کنید من در تمام مدینه مانند یک دانه جو تنها هستم در تمام مدینه حرکت می‌کنم تا یکی از شما را ببینم و با ملاقاتش استراحت خاطر برایم حاصل شود.^۱

امام زمان علیه السلام نیز می‌فرماید: «ولا ناسین لذکرکم» من شما را فراموش نمی‌کنم. پس چرا نباید خود را آماده دیدار کنیم همه امید امام به ماست ما با اعمالمان موجبات رنجش ایشان را فراهم نکنیم آیا شایسته است که ایشان این قدر مشتاق و ما این قدر پرحذر باشیم.

۱۰۲

ماه آسمان دلدادگی

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یا ابي! طوبی لمن لقیه و طوبی لمن احبه و طوبی لمن قاله به ینجیهم من الهلکة و بالاقرار بالله و برسوله و بجمیع الائمة یفتح الله لهم الجنة مثلهم فی الارض کمثل المسک الذی یسطع ریحہ فلا یتغیر ابدًا و مثلهم فی السماء کمثل القمر المنیر الذی لا یطفأ نوره ابدًا».

یعنی: ای اَبی! خوشا به حال کسی که با او (مهدی) دیدار نماید خوشا

۱. بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۰۹.

به حال آنکه او را دوست بدارد، خوشا به حال آنکه به او معتقد باشد، خداوند آنان را از هلاکت نجات بخشد و بواسطه اقرار و اعتقاد به خدا و به رسولش و به تمام امامان، خداوند درهای بهشت را برایشان بگشاید آنان در زمین همانند مشک اند که بوی خوشش در فضا پخش گردد و هیچ‌گاه فاسد نشود و در آسمان هم چون ماه درخشانند که هیچ‌گاه خاموشی نمی‌پذیرد.^۱

در این روایت به طور صریح تشریف یافتگان تحسین شده‌اند و تأکید شده که تشریف یافتگان به توفیق بسیار بزرگی نائل آمده‌اند. اللهم ارزقنا.

۱۰۳

امام رضا علیه السلام دعا فرموده‌اند

صفوان به یحیی می‌گوید:

روزی خدمت امام رضا علیه السلام بودم سخن از اهل قم و علاقه آن‌ها نسبت به حضرت مهدی علیه السلام به میان آمد آن حضرت برای آن‌ها طلب آمرزش کرد و فرمود: خداوند از آنان خشنود باشد آنگاه فرمود: بهشت دارای هشت در است که یکی از آن‌ها مخصوص اهل قم می‌باشد آنان (اهل قم) بهترین پیروان ما از بین شیعیان جهان هستند خداوند سبحان محبت و دوستی ما را در سرشت آنان قرار داده است.^۲

(امام رضا علیه السلام در این روایت علاقمندان امام مهدی علیه السلام را دعا کرده‌اند).

۱۰۴

راه هموار وصال

سیدمرتضی در پاسخ به این اشکال که امام غائبی که هیچ‌کس از مردم به وی دسترسی نداشته باشند چه فایده‌ای دارد و تفاوت بود یا نبود وی چیست؟ می‌نویسد: «الجواب: قلنا اول مانقرله انا غیر قاطعین علی ان الامام علیه السلام لایصل الیه احد ولایلقاه بشر فهذا امر غیر معلوم ولا سبیل الی القطع الیه».

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

یعنی: در پاسخ می‌گوییم نخستین چیزی که به آن معترفیم این است که، ما قطع نداریم هیچ کس به خدمت امام نمی‌رسد و هیچ بشری او را ملاقات نمی‌کند این امر معلوم نیست و راهی به قطع (یقینی) به آن وجود ندارد.^۱

و می‌نویسد: «لسنا نقطع علی ان الامام لایظهر لبعض اولیائه و شیعتہ بل یجوز ذلک...». ما قطع نداریم امام بر برخی از اولیاء و شیعیان خود ظاهر نشود بلکه این جایز است...^۲

شیخ طوسی نیز در کتاب الغیبة می‌نویسد: «انا اولا لانقطع علی استتاره عن جمیع اولیائه بل یجوز ان یظهر لاكثرهم...».

یعنی: ما قطع نداریم که حضرت (ولی عصر ع) از تمام اولیای خود پنهان باشد بلکه جایز است که برای بیشتر آن‌ها ظاهر گردد...^۳

۱۰۵

دیدار جمعی

از امام صادق ع روایت شده که فرمود: قائم قیام نمی‌کند مگر آنکه دوازده نفر همگی اتفاق بر یک سخن کنند و گویند او را دیده‌اند اما آن‌ها را تکذیب می‌کنند.^۴

۱۰۶

آئینه شو

مرحوم سیدبن طاووس به فرزندش فرمود: پسر من راه رسیدن به امام زمانت برای هر کس که خداوند عنایت خود را شامل حالش کند باز است.^۵

۱. تنزیه الانبیاء سید مرتضی، ص ۱۸۲، رضی، قم.

۲. الشافی فی الامامة سیدمرتضی.

۳. کتاب الغیبة، ص ۹۹.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

۵. کشف المحجبة، ص ۱۵۴.

و مرحوم سید مرتضی علم الهدی فرمود: تشرّف به محضر امام زمان علیه السلام در زمان غیبت جایز است.^۱

البته کسی که طالب دیدار آن امام است باید دقیقاً راه‌ها و موانع ملاقات را بدانند و این ضروری‌ترین بخش آن می‌باشد.

برای مطالعه اینکه چه دستورات و فرمایشاتی بیشتر مورد توجه امام عصر علیه السلام می‌باشد و شیعیان خود را به آن‌ها سفارش فرمودند به کتاب انتظارات امام زمان از شیعیان نوشته روحانی جلیل‌القدر جناب سیدمهدی شمس‌الدین^۲ مراجعه شود.

یکی از موانع دیدار گناه است چنانچه جناب سیدبن طاووس می‌فرماید: در سحرگاهی در سرداب مطهر از حضرت صاحب‌الامر علیه السلام شنیدم که به خداوند عرض کرد: «اللهم ان شیعتنا من شعاع انوارنا و بقية طینتنا و قد فعلوا ذنوبا کثیرة اتکالا علی حبتا و ولایتنا...».

یعنی: خداوندا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و بقیه طنیت ما خلق کرده‌ای آنان گناهان زیادی به اتکاء بر محبت و ولایت ما کرده‌اند... (حضرت از این وضعیت تأسف باری که در جامعه امروزی ما جاریست ناراحت است گناه کردن با توقع داشتن شفاعت چه معنایی دارد؟! فافهم و تأمل).

ما باید در مسیر رضایت امام عصر علیه السلام حرکت کنیم نه اینکه به امید شفاعت، راه گناه کردن را هموار کنیم.

انتشارات سعید نفیسی
۱۰۷

دعا کلید وصال

یکی از راه‌های تشرّف مسئله دعاست و استمرار بر دعا برای تشرّف مؤثر و نتیجه‌بخش خواهد بود چنانچه در این روایت آمده است: پس دعا بسیار

۱. کلمات المحققین، ص ۵۳۳.

۲. در این کتاب ۴۰ سفارش و دستور امام عصر علیه السلام که در تشرّفات افراد متعدد به دست آمده جمع‌آوری شده است این کتاب توسط انتشارات شفق در قم چاپ شده است.

کن که کلید هر رحمت و پیروزی بر هر حاجت است و آنچه نزد خدای عزوجل است جز به وسیله دعا به دست نیاید و همانا هیچ دری بسیار کوبیده نشود مگر اینکه به گشایش برای کوبنده‌اش نزدیک گردد.^۱

فی الصافی عن القائم علیه السلام: «انه سئل عن المفوضة قال: كذبوا بل قلوبنا اوعية لمشيئه الله عزوجل فاذا شاء شننا ثم تلا هذه الاية». در کتاب تفسیر صافی نوشته فیض کاشانی در ذیل آیه ۳۰ از سوره انسان آمده: «وما تشاؤون الا ان يشاء الله».

یعنی: نمی‌خواهد مگر آنچه خدا خواهد.

از حضرت قائم علیه السلام روایت کرده که از امام درباره فرقه مفضّسه سؤال کردند امام فرمود: آن‌ها دروغ گفتند بلکه دل‌های ما ظرف‌های مشیت خدا است پس زمانی که او بخواهد ما می‌خواهیم سپس امام همین آیه را تلاوت کرد (پس یکی از راه‌های تشرّف دعا کردن می‌باشد).

- در دعای ندبه است که: «و (ای خدا) آقای این بنده کوچکت را به وی بنمایان ای شدید القوی».

- در دعایی که پس از سلام بر آن حضرت در سرداب مبارک مروی است آمده.

«و چهره‌اش را به ما بنمای».

- در دعایی که توسط عمری و کیل آن حضرت روایت آمده: و ما را از کسانی قرار ده که دیده‌شان به دیدارشان روشن گردد.^۲

- جناب محمدبن عثمان در پاسخ به کسی که اشتیاق دیدن حضرت ولی عصر علیه السلام را اظهار کرد چنین دعا کرد.

«و روی آن حضرت را به آسانی و عافیت به تو بنمایاند».^۳

- در دعائی از عمری از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت شده: اللهم اني اسئلك ان

ترینی ولی امرک ظاهرا نافذا الامر».

یعنی:

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۲۲.

۲. کمال‌الدین، ص ۵۱۳.

۳. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۹۷، باب ۷.

بار خدایا! از تو مسئلت دارم که ولی امرت را به من بنمایی در حالیکه فرمانش نافذ باشد...^۱

(البته بایستی در احوال و افعال کسانی که ماجرای تشرّف آنها به دست ما رسیده دقت کرد تا سرّ تشرّف یافتن آنها بر ما معلوم گردد).

- در دعاهای ماثوره وارد شده که از خداوند بخواهیم تا امام عصر ع را بینم چنانچه در دعای عهد می خوانیم: اللهم ارنی الطلعة الرشيدة و الغرة الحميدة...
خدایا! آن رخسار زیبایی رشید و صاحب جبین ستوده را نشانم ده و چشمانم را با سرمه نگاهی به او روشنایی بخش...

امام عصر ع به علی بن ابراهیم مهزیار فرمود: ای ابن مهزیار! پدرم از من خواسته با گروهی که گرفتار غضب خدا شده اند همجوار و نزدیک نباشم آنها در دنیا و آخرت خوارند و عذاب دردناک در انتظار آنهاست از من خواسته در کوه های سخت و بیابان های هموار سکونت گزینم...^۲

دیدار حضرت ولی عصر ع یک سری لوازم بدیهی دارد که همه ما فی الجمله بر آن مطلع ایم مثلاً این که دیدار حضرت با چشمی که آلوده به معاصی است محال است تقوا داشتن، پرهیز از معاصی، نماز اول وقت، و... جزء شرائط بدیهی و مبرهن دیدار و تشرّف است.

- سید مهدی نجفی مشهور به بحر العلوم در الدرہ النجفیه خود آورده از اموری که غسل کردن برای آنها مستحب است دیدن امام عصر ع در خواب است.

انتشارات سعید نفیسی

۱. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. سرّ اینکه ما توفیق زیارت امام را نداریم همین مطلبی است که مولای ما امام عصر ع به علی بن ابراهیم فرموده اند امام عصر ع با گروهی که گرفتار غضب خدا هستند هیچ ارتباطی ندارد. فافهم و تأمل.

بخش ۶

امکان دیدار امام مهدی علیه السلام و اذکار تشریف

درآمد

در ابتدای این بخش توجه خوانندگان را به چند مطلب مهم جلب می‌نمائیم.

۱. اذکار مندرج در این بخش جنبه عمومی ندارد و صرفاً به آن دلیل آورده شده است که این مطلب معلوم شود که دیدار امام عصر علیه السلام برای عده‌ای خاص رخ داده است و قطعاً بعضی از این اذکار از استادی حاذق در امور معنوی کسب اجازه می‌خواهد.

۲. اذکار تشریف بیشتر از آن است که در این چند صفحه به آن اشاره شده است لکن صرفاً جهت اطلاع بر سبیل اختصار مواردی آورده شد.

۳. شایسته است به شرایط تشریف یافتگان در فصل سوم بخش ۵ توجه بیشتری نمود تا معلوم گردد که علت تشریف فقط گفتن ذکر نیست بلکه وجود شرایط باطنی و قلبی نورانی و رفتاری صحیح و شرعی شرط الزامی تشریف افراد خواهد بود، لذا اگر کسی صرفاً به گفتن اذکار بدون شرایط آن اقدام کند نتیجه نخواهد گرفت.

۴. شاعر شهیر صائب تبریزی چه خوش فرمود:

صد نامه نوشتیم و جوابی نوشتی این هم که جوابی نویسی، جوابی است
اگر تمام این اعمال را برای تشریف انجام بدهیم ولی توفیق زیارت آن
زیبای بی‌همتا حاصل نشود نباید غصه خورد چرا که: «این هم که جوابی
نویسی، جوابی است».

۱۰۸

خواندن سوره بنی اسرائیل

در تفسیر برهان از عیاشی و صدوق بسندهایشان از امام صادق ع آورده‌اند
که امام فرمود: هر کس سوره بنی اسرائیل (اسراء) را در هر شب جمعه بخواند
نمیرد تا اینکه قائم ع را دریابد و از اصحابش خواهد بود.^۱

۱۰۹

صلوات بعد از نماز

روایتی است در بحار الانوار و مستدرک و کتاب جمال الصالحین از امام
صادق ع که می‌فرماید: هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللهم صل علی
محمد و آل محمد و عجل فرجهم». نمی‌میرد تا اینکه حضرت قائم ع را دیدار کند.^۲

۱۱۰

مناجات و دعا

در کتاب جنه‌الماوی اثر عالم متقی محدث نوری ع به نقل از کتاب
الاختصاص شیخ مفید از ابوالمفرا از امام موسی بن جعفر ع روایت آمده که
گوید: شنیدم آن حضرت فرمود:

«من کانت له الی الله حاجة و اراد ان یرانا و ان یعرف موضعه فلیغتسل ثلاث لیل نیاجی بنا
فانه یرانا و یغفرله بنا و لایخفی علیه موضعه...». یعنی: هر کس به سوی خداوند حاجتی
دارد و می‌خواهد ما را ببیند و منزلگاه خودش را (در آخرت) بداند پس سه

۱. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳۸۹.

۲. مکمل المکارم، ص ۲۵، ج ۲.

شب غسل کند در حالی که به وسیله ما (به درگاه الهی) مناجات نماید که همانا ما را خواهد دید و آمرزیده خواهد شد و جایگاهش بر او پوشیده نمی ماند.^۱

۱۱۱

زیارت آل یاسین

از عالم ربانی و عارف صمدانی حضرت آیت الله سید عبدالکریم کشمیری رحمته سؤال شد: برای تشریف و زیارت حضرت بقیة الله علیه السلام خواندن کدام دعا بهتر است؟

در پاسخ فرمودند: انسان هر روز، ساعتی را اختصاص دهد به خواندن زیارت آل یاسین که در مفاتیح الجنان آمده است به اضافه ۱۱۰ مرتبه «الْمُسْتَعَاثُ بِكَ يَا بَنَ الْحَسَنِ» به شرط آن که شرایط لازم را هم داشته باشد این عمل برای تشریف خوب است.^۲

ایشان در پاسخ به سؤال دیگری مبنی بر اینکه اساسا ملاقات با امام زمان علیه السلام آیا ممکن است...؟

می فرمایند: ملاقات با امام ممکن است لکن نوعا خواب یا مکاشفه است... و افرادی مانند سیدبن طاووس که شخصی ممتاز بوده خود امام علیه السلام را می دیده است.

۱۱۲

دعای دیدن امام زمان علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر کسی بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند در خواب یا بیداری امام عصر علیه السلام را زیارت می کند.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيْنَمَا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلِهَا عَتَى وَ عَنِ الْوَدَّيِّ وَ عَنِ وُدِّي وَ أَخَوَانِي التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ وَ زَيْتَةِ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُكَ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ

۱. جنبه الهامی، الفائدة الثلاثية.

۲. آفتاب خوبان، ص ۸۷.

فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَبِيعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لِأَحْوَلِ عَنْهَا وَلَا أَرْوُلُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ انصاريهِ وَ الدَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ المُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِّرًا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجْرَدًا قِنَاقِي مُلْبِيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي. اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اَكْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنْنِي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمُرَهُ وَ اعْمُرْ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ وَ اِحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ).^۱ فَاطْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِئِكَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ أَلْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَطْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ الْإِمْرَاقَهُ وَ يُحِقِّقَ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يُحَقِّقَهُ. اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ أَنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ".^۲ ترجمه دعا:

بار خدایا به مولای ما صاحب الزمان هر کجا که هست و به هر سوی رو می کند از مشارق و مغارب زمین، هموارها و ناهموارهای آن از طرف من و والدینم و فرزندانم و برادرانم تحیت و سلام برسان به تعداد خلق خدا و به وزن عرش الهی و آنچه کتابش شمارش نموده و علمش به آن احاطه کرده! پروردگارا! من در صبح این روز و تا زنده هستم در همه روزهای زندگانیم پیمان و عقد و بیعتی از برای او در گردنم تجدید و تازه می کنم که نه از آن روی گردانم و نه هیچگاه آن ها را بشکنم پروردگارا! مرا از یاران و مدافعان از حریمش و فرمانبرداران اوامر و نواهی آن بزرگوار در ایام حکومتش و شهید شدگان در پیشگاهش قرار ده بارالها! اگر میان من و او با مرگ که بر بندگانت امر قطعی و حتمی است تقدیر فرموده ای، جدایی افتاد پس (هنگام ظهورش) مرا از قبر بیرون آور در حالی که کفنم را بر کمر بسته و شمشیرم را کشیده و نیزه ام را برهنه نموده باشم و دعوت آن دعوت کننده حق را در شهر و بیابان لیبک گویم.

پروردگارا! آن رخسار زیبای رشید و صاحب جبین ستوده را نشانم ده و دیده ام را با سرمه نگاهی به او روشنایی بخش و فرجش را تعجیل و برنامه قیامت را آسان فرمای.

پروردگارا! به او نیرو عطا کن و پشتش را محکم ساز و عمرش را طولانی

۱. روم / ۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱.

نمای و به وجود او سرزمین‌هایت را آباد گردان و بندگان را حیات ده که تو فرموده‌ای و قول تو حق است: فساد در خشکی و دریا بر اثر کردارهای مردم آشکار شد.

پس ای پروردگار! آشکار کن ولی خودت و فرزند دخت پیامبرت را که همنام او است تا از باطل چیزی باقی نگذارد و خداوند حق را با کلمات خویش اثبات و محقق دارد.

بارالها! این غم بزرگ و غیبت را با ظهور او از این امت برطرف ساز آن‌ها «مخالفین» ظهورش را دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌بینیم و درود خدا بر محمد و آل او باد.^۱

۱۱۳

هر شب ۱۰۰ بار آیه

عارف بزرگ مرحوم شیخ رجب علی خیاط در برابر خواسته‌های مکرر یاران خود برای تشریف به محضر مقدس حضرت ولی عصر ع سفارش می‌فرمود:

شبی یکصد بار آیه کریمه: «رَبِّ ادْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَ اَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَصِيْرًا»^۲ قرائت شود (تا چهل شب).

یکی از کسانی که این سفارش شیخ را دریافت کرده و بر آن مداومت کرده است پس از چهل روز نزد شیخ می‌آید و می‌گوید که موفق به زیارت حضرت نشده است.

شیخ می‌فرماید: هنگامی که در مسجد نماز می‌خواندید آقای سیدی به شما فرمودند: انگشتر در دست چپ کراهت دارد.

و شما در پاسخ گفتید: «گل مکروه جائز». ایشان امام زمان ع بودند.

حکایت دیگر نقل شده است که دو نفر مغازه‌دار عهده‌دار زندگی خانواده

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱

۲. از آنجایی که این ذکر اجازه می‌خواهد و اذنی است مرحوم حضرت آیت‌الله لنگرودی در قم به افرادی که اهلیت داشتند و به ایشان مراجعه می‌کردند اذن انجام این ذکر و عمل را می‌دادند.

سیدی می‌شوند یکی از آن دو برای تشریف به محضر امام زمان ع ذکر فوق را که مورد سفارش شیخ بوده شروع می‌کند. پیش از شب چهارم یکی از فرزندان خانواده سید نزد مغازه‌دار می‌آید و یک قالب صابون می‌خواهد. مغازه دار می‌گوید: مادرت هم فقط ما را شناخته می‌توانی از دیگری صابون بگیری!

شب بعد از خواب متوجه می‌شود که از داخل حیاط او را صدا می‌کنند. بیرون می‌آید ولی کسی را نمی‌بیند سه بار صدایی را می‌شنود که با نام او را صدا می‌زنند در حیاط را می‌گشاید در کوچه سیدی را می‌بیند که روی خود را پوشانده است و می‌گوید: «ما می‌توانیم بچه‌هایمان را اداره کنیم ولی می‌خواهیم شما به جایی برسید»^۱.

۱۱۴

خواندن مسبحات سبع

امام باقر ع: «من قراء مسبحات کلها قبل ان ینام لم یهت حتی یدرک القائم و ان مات کان فی جوار محمد ص» هر کس سوره مسبحات سبع را قبل از خواب بخواند نمی‌میرد الا این که حضرت قائم ع را می‌بینند و اگر مُرد در جوار رسول خدا ص خواهد بود.^۲

۱۱۵

خواندن دعای عهد

امام صادق ع فرمود: هر کس پس از هر نماز واجب این دعا (دعای عهد) را بخواند امام زمان حضرت (م ح م د) فرزند امام حسن عسگری ع را در خواب و یا بیداری زیارت خواهد کرد.^۳

۱. تندیس اخلاص، ص ۸۴.

۲. کافی، ج ۲، ص ۶۲۰ حدیث ۳ مسبحات سبع به سوره‌هایی گفته می‌شود که با سبح و یسبح شروع می‌شوند سوره حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن را مسبحات سبع گویند.

۳. بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۶۱.

توسلی جامع برای رفع مشکلات

از ابوعبدالله حسین فرزند محمد بزوفری منقول است که از ناحیه مقدسه امام عصر ع دستوری رسید که:

چنانچه کسی حاجتی داشته باشد در شب جمعه پس از نیمه شب غسل کند و در جایگاه نمازش دو رکعت نماز بخواند در رکعت اول هنگام قرائت سوره «حمد» چون به آیه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید آن را صد بار تکرار کند و پس از آن «حمد» را تمام کند و سوره توحید را یکبار خوانده به رکوع رفته ذکر رکوع و سپس سجود را هفت بار تکرار کند رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد و پس از آن این دعا را بخواند البته خداوند تبارک و تعالی حاجت او را هر چه باشد عنایت و برآورده خواهد فرمود مگر اینکه حاجتش در مورد قطع رحم باشد و دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتَكَ فَأَلْمَحْمَدَةَ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتَكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَ شَكَرَ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ قَدْ عَصَيْتَكَ فَأَنْتَ قَدْ أَطَعْتَكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ الْإِيمَانُ بِكَ لَمْ آتَخِذْ لَكَ وَكَلْدًا وَ لَمْ آدَعْ لَكَ شَرِيكَاً مَنَا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَأَمَّا مَنِي بِهِ عَلَيْكَ. وَ قَدْ عَصَيْتَكَ يَا أَلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمَكَابِرَةِ وَلَا الْخُرْجِ عَنْ عُبُودِيَّتِكَ وَلَا الْجُحُودِ لِرَبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَارْتَأَيْتُ الشَّيْطَانَ فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيِّنَاتُ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِدُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ تَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادُ كَرِيمٍ يَا كَرِيمٍ يَا كَرِيمٍ...». یا کریم را آنقدر تکرار کند تا نفس قطع شود سپس بگوید: «يَا إِمْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذَرَ أَسْئَلُكَ بِإِمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ إِنْ تَصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلُ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ سَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا خَافَ أَحَدًا وَ لَا أَحْذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نَعْمَ الْوَكِيلُ يَا كَاتِبِي إِبْرَاهِيمُ ع مَرُودَ يَا كَاتِبِي مُوسَى ع فِرْعَوْنَ أَسْأَلُكَ إِنْ تَصَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ».

(و در اینجا حاجات و خواسته‌هایش را بگوید).

یعنی:

«بار خدایا اگر تو را اطاعت می‌کنم این توفیق از جانب ذات پاک تو

۱. این نماز برای رفع مشکلات و رسیدن به حاجات مهم مناسب است و در مفاتیح الجنان مرحوم آقاشیخ عباس قمی آن را آورده است.

است و باید تو را حمد و سپاس گویم و اگر ترا معصیت و نافرمانی می‌کنم حجت تو بر من تمام است (و تمام راهنماییهای لازم بوسیله فرستادگان انجام شده و هیچ عذری برای من باقی نمانده است) و همه سرور و گشایش‌ها از توست، منزّه است خداوندی که نعمت می‌دهد و سپاس کرده می‌شود و پاک و منزّه است پروردگاری که در عین قدرت می‌بخشاید خدایا! اگرچه تو را معصیت کرده‌ام ولی در محبوب‌ترین چیزها در نزد تو که ایمان به ذات پاک توست نافرمانی نکرده‌ام برای تو فرزند و شریکی قائل نشده‌ام و در این راه نیز، تو به من توفیق داده‌ای و بر من منت داری نه من بر تو. خداوند! نافرمانی من از جهت سرکشی و انکار و خروج از بندگی تو نبود بلکه تنها پیروی از هوی و هوس نفسانی بوده و شیطان مرا گمراه نموده و با توجه به اینکه تمام وظایف بندگی را بیان فرموده‌ای حجت بر من تمام است پس اگر به جهت گناهانم مرا عذاب کنی. هیچ گونه ظلمی درباره من روا نداشته‌ای و اگر مرا ببخشایی و رحم کنی از باب کرم وجود توست ای کریم، ای کریم...

سپس عرضه می‌داری: ای آفریدگاری که از گزند هر چیزی در امانی و همه چیز از تو در بیم و هراس است از پیشگاه مقدّست درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و من و خانواده و فرزندانم و آنچه را که به من عطا فرموده‌ای در پناهت محفوظ داری تا این که هرگز از هیچکس و هیچ چیز ترس و واهمه‌ای نداشته باشم و تو بر هر چیز قادر و توانایی و خداوند کفایت کننده ما و بهترین و کیل است ای خدایی که ابراهیم خلیل ع را از شرّ نمرود و موسی ع را از شرّ فرعون کفایت نمودی از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستاده و شرّ فلان و فلان را از من دور گردانی...^۱

۱. مهج الدعوات، ص ۲۹۴. این نماز در مفاتیح الجنان آمده است (مرحوم طبرسی صاحب تفسیر در کتاب کنوز النجاح این روایت را نقل کرده است).

انجام اعمال نیابتی

از محضر یکی از اولیاء خدا (مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین فاضلی) سؤال شد: کدام اعمال است که انسان را زودتر به نتیجه می‌رساند؟ فرمود: اعمالی را که آن‌ها (امامان علیهم‌السلام) مثل نماز اول وقت و... دستور دادند ترک نکند.

سؤال شد: چه وقت دیدار آن حضرت حاصل می‌شود؟ فرمود: هر وقت خودشان بخواهند و فرمودند: دعاهای شب جمعه ترک نشود.

بعدا متوجه شدیم که رویه رفتاری این عبد صالح خدا اینگونه بوده که از سن تکلیف تا حال که حدود ۷۵ سال دارند این بوده که تمام اعمال مستحبی خود را به محضر نورانی آن عزیز غائب هدیه می‌کرده‌اند لذا سرّ تشریف‌های مکرر او فاش شد.

ایشان فرموده بودند: هر که عمل مستحبی را به حضرت اهداء کند دو اثر دارد اول آنکه این اعمال ناقص ما قابل عرضه به محضر بلند و بزرگ آن حضرت را ندارد اعمال ما غالبا شائبه‌های متعدد و نقص‌های بزرگ دارد لذا وقتی عمل را اهداء کردی خداوند متعال آن عمل را برای اهداء به حضرت مهدی علیه‌السلام در سطح آن حضرت ارتقاء می‌دهد تا در شأن آن امام قرار گیرد پس اثر اول عمل نیابتی، ارتقاء سطح کیفی عمل ما را در پی خواهد داشت و خداوند آن عمل را آنقدر بالا می‌آورد تا در شأن و مقام آن امام قرار بگیرد. دوم اینکه وقتی عمل را خدمت امام ارائه می‌دهند حضرت عطف نظری می‌فرمایند تا ببینند چه کسی این عمل را اهداء نموده و این نظر حضرت اثر معنوی غیر قابل توصیفی را در پی خواهد داشت ایشان مثال زدند که اگر شما وارد منزل خود شوید و غذایی رابه درب منزل شما آورند شما از خانواده خود می‌پرسید چه کسی غذا را آورد می‌گویند فلانی، این در نظر شما می‌آید که فلانی غذا داد وقتی ما نیز عمل نیابتی برای امام انجام دهیم حضرت نظر می‌فرمایند که چه کسی این عمل را انجام داده و این نظر حضرت ارتقاء معنوی خاصی را به همراه خواهد داشت.

این مرد ملکوتی مکرر خدمت امام عصر علیه‌السلام رسیده‌اند.

چنانچه فرموده بودند روزی به امام عصر علیه السلام عرض کردم مولای من شما وقتی به قم وارد می شوید شبها در کجا استراحت می فرمائید؟
امام فرموده بودند: منزل ما در علی بن جعفر علیه السلام^۱ بود من آنجا را بخشیدم به شهدا.

ایشان می فرمود: فردای آن روز دیدم شهدای جبهه را به انتهای خیابان چهارمردان قم می برند پرسیدم چرا اینجا، گفتند: قرار شده شهداء را در اینجا (علی بن جعفر) دفن کنند.

شاید روی همین اصل بوده که عارف کبیر حضرت آیت الله کشمیری فرموده بودند: اینجا (علی بن جعفر علیه السلام) غرق در نور است ولی مردم نمی بینند و تأکید فرموده بودند حتی خیابان های اطراف آن محل نیز غرق نور هستند. و شبیه همین جمله را نیز عارف بی بدیل حضرت آیت الله انصاری همدانی در چهل سال پیش نیز فرموده بودند.

در تکمیل مبحث، بیان می شود که: از عارف عزیز حضرت آیت الله کشمیری سؤال کرده بودند آن مقامات عرفانی بلند برای مرحوم نخودکی^۲ چگونه حاصل شده بود؟
ایشان در پاسخ فرموده بودند:

مرحوم نخودکی ۴ سال از شب تا صبح در بالا سر حرم امام رضا علیه السلام قرآن خواند و به حضرت رضا علیه السلام اهداء نمودند تا اینگونه مقامات برای او حاصل شد. فافهم و تأمل.

و جالب اینکه آن عبد صالح خدا (مرحوم حاج شیخ حسین فاضلی) فرمود:
روزی سؤالاتی در ذهنم بود در اربعین امام حسین علیه السلام وارد حرم حضرت معصومه علیه السلام شدم در موقع برگشت جلوی شیخان قم دیدم کسی مرا از پشت صدا کرد «حاج شیخ حسین».

برگشتم دیدم حضرت ولی عصر علیه السلام هستند حضرت در پاسخ به سؤالاتم که در ذهنم بود فرمودند: آری این انقلاب را من نگه داشتم و نگذاشتم از بین

۱. امام زاده علی بن جعفر علیه السلام در انتهای خیابان چهارمردان قم است.

۲. زندگی مرحوم نخودکی، در دو جلد تحت عنوان نشان از بی نشان ها چاپ شده است.

برود دشمنان شما در بعضی شبها با خوشحالی، دل خوش بودند که فردا صبح ایران در دست آن هاست ولی من نگذاشتم.
سپس امام فرمودند: اینها (اشاره به عزاداران حضرت سیدالشهداء) اکنون مورد توجه من هستند و...^۱

۱۱۸

دعای مجرب

هر کس بعد از نماز صبح بر این جمله مداومت کند و بخواند انشاءالله به زیارت حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه موفق خواهد شد.
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ «اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ اَنْ تُؤَخِّرَ اَجَلِیْ وَ لَا تَقْبِضَ رُوْحِیْ حَتّٰی اَرٰی سَیِّدِیْ وَ مُوَلٰی صَاحِبِ الزَّمٰنِ حُجَّهٖ بِنِ الْحَسَنِ صَلَواتِ اللّٰهِ وَ سَلامُهُ عَلَیْهِ».^۲

۱۱۹

ختمی مجرب برای دیدن امام عصر

ختمی مجرب برای دیدن امام عصر ع چهل روز روزی ۴۰۰ مرتبه آیه شریفه: «قل رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و جعل لی من لدنک سلطانا نصیرا»^۳ خوانده شود.

این ذکر را باید در ساعتی ثابت و در محل عبور و مرور مثل مساجد جامع و اماکن متبرکه و زیارتگاهها و امامزادهگان خواند و داخل خانه ذکر را نباید گفت.

سپس استاد^۴ تأکید کردند این ذکر رد خور ندارد ولی سه حالت دارد یا امام را می بینید و نمی شناسید یا امام را می بینید و بعد از آنکه امام رفت می شناسید یا می بینید و می شناسید این درک حضور بستگی به تصرف امام و میزان ظرفیت باطنی و معنوی شخص دارد.

۱. برای انجام اعمال نیابتی به روایات انجام عمل نیابتی به فصل سوم بخش ۵ مراجعه شود.

مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین فاضلی با علمای معاصر ارتباط داشتند.

۲. ذکر و ختوم، ص ۲۷۵.

۳. اسراء / ۸۰ این ذکر از استاد اجازه می خواهد.

۴. منظور مرحوم حضرت آیت الله لنگرودی می باشند.

از ایشان پرسیده شد از کجا ذکر را آوردید فرمودند: از استاد گرفتم و این ذکر را ایشان به جوانی اهوازی داده بودند. چند سال پیش او چهل روز در مسجد جمکران آن را گفته بودند و خدمت حضرت رسیده بودند و...

۱۲۰

هزار صلوات و...

نوشته‌اند که هرکس که چهل صبح اذکار زیر را بخواند از دیدار آن وجود نورانی، حضرت مهدی آل محمد علیهم السلام بهره‌مند خواهد شد. روزی هزار صلوات: «اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم». آنگاه در پایان بگوید. «الهی بحق فاطمة و ابیها و بعلمها و نبیها و السر المستودع فیها و بحق بقیة الله (به یک نفس تکرار شود) یا الله (به یک نفس) یا ربه (به یک نفس) یا سیدا (نود و نه بار) را بگوید سپس بگوید: «أرئی الطلعة الرشیدة والعزة الحمیدة واجعلنی من أنصاره و أعوانه»^۱.

۱۲۱

مسجد جمکران

درباره تشریف خدمت امام عصر علیه السلام از حضرت آیت‌الله بهجت نیز سؤال شده است.

چنانچه پرسیدند: این حقیق مشتاق زیارت امام عصر حضرت حجة بن الحسن العسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشم از حضرت تعالی تقاضا دارم که مرا دعا کنید که به این سعادت نائل شوم. پاسخ فرمودند: زیاد صلوات، اهداء وجود مقدسش نمائید، مقرون بادعاء تعجیل فرجش و زیاد به مسجد جمکران مشرف شوید با اداء نمازهایش^۲.

۲۵۳

۱. ختوم و اذکار، ص ۲۷۵.

۲. (از صاحب دلی که از اولیاء خدا در زمان حاضر است نیز پرسیده شد ایشان نیز رفتن به مسجد جمکران را برای تشریف تأکید می‌فرمودند).

ایشان در پاسخ به این سؤال: که چگونه می‌توان بهتر با خداوند و ائمه اطهار علیهم‌السلام انس گرفت؟ می‌فرمایند: با طاعت خدای تعالی و رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام و ترک معصیت در اعتقاد و عمل^۱ یعنی: دیدن و انس گرفتن با امام زمان علیه‌السلام شرائطی دارد که تا آن‌ها احراز و کسب نشود ملاقات حاصل نمی‌شود.

نکته: امام عصر علیه‌السلام می‌فرماید:

وفي ابنة رسول الله لي اسوة حسنة؛ یعنی: زندگی دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الگوی شایسته برای من است ما چقدر نسبت به زندگی این بانوی بزرگوار اطلاعات داریم تا بتوانیم ایشان را به عنوان الگو حساب کنیم چقدر در جامعه ما نسبت به شناخت این بزرگوار در مطبوعات و مجلات و کتب درسی و صدا و سیما اقدام می‌شود آیا آدرسی بهتر از این سراغ داریم.^۲

۱۲۲

خبر غیبی امام علی علیه‌السلام از مسجد جمکران

حضرت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در عصر خود قبل از آنکه سخنی از قم در حجاز و کوفه به میان آید حدود ۳۳۰ سال قبل از آغاز تأسیس مسجد جمکران از آن خبر داده است آنگونه که نقل شده حضرت روزی به حذیفه بن یمان یکی از اصحاب نیک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«ای پسر یمانی! در اول ظهور، قائم آل محمد علیه‌السلام از شهری که آن را قم گویند، خروج می‌کند^۳ و مردم را به سوی حق دعوت می‌نماید همه مردم از شرق و غرب به آن روی می‌آورند و اسلام تازه می‌شود...

ای پسر یمانی! این سرزمین، مقدس است و از همه آلودگیها پاک می‌باشد... آنگاه حضرت در ادامه حدیث می‌فرماید: پرچم و رأیت وی^۴ را بر

۱. بسوی محبوب، ص ۵۸، ص ۵۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۳. منظور، پایگاه امام عصر در مراحل بعدی است، و گرنه بدون تردید نخستین پایگاه قیام آن حضرت در مکه کنار خانه خدا خواهد بود.

۴. حضرت مهدی منظور می‌باشد.

فراز کوه سفید، نزدیک مسجد... که آن را جمکران نامند نصب کنند او از زیر مناره آن مسجد بیرون آید...^۱».

این پیش گوئی غیبی نیز در جای خود بسیار عجیب است چرا که حضرت تأکید دارند که قم یکی از پایگاه‌های مرکزی حضرت مهدی عج همگام با قیام جهانی آن حضرت خواهد بود.

۱۲۳

اثرات و نورانیت زیارت عاشورا

در بعضی از متن‌ها آمده که با ۴۰ بار زیارت امام حسین عج نیز دیدار امام عصر عج میسر می‌شود چنانکه علامه رشتی در جنه‌المأوی آورده است.

۱۲۴

دستور مرحوم آیت‌الله سیدعلی آقا قاضی

عارف بزرگ حضرت آقای سید علی قاضی رحمة‌الله‌علیه برای زیارت حضرت مهدی عج به جناب حاج شیخ محمدتقی آملی چنین دستوری را می‌فرمایند که باید آیه نور را هر شب قبل از خواب به عدد اصحاب بدر همراه با طهارت و به دور از زنان در شبهای محدودی که حد آن را به جناب ایشان فرموده‌اند قرائت نمایند.^۲

۱۲۵

آیه نور

حضرت آیت‌الله کشمیری عارف نامی می‌فرمایند: ۴۰ روز آیه شریفه نور^۳ را به عدد نور (۲۵۶) از اذان صبح تا طلوع آفتاب (بین الطلوعین) بخواند ان شاءالله دیدار آن خورشید عالمتاب نصیب او خواهد شد.

و نوع دیگری نیز فرمودند و آن اینکه: از اول ماه قمری تا پانزدهم آن در

۱. مونس‌الحرزین شیخ صدوق و خلاصة البلدان و انوار المشعشین، ج ۲ - ص ۱۹۰ - ۱۹۴.

۲. معادشناسی، علامه طهرانی، ج ۷، ص ۲۳۷.

۳. نور / ۳۵ = البته در این ذکر غذای خاصی را باید انسان استفاده کند و مشکلات خاصی را شاید به همراه داشته باشد به هر صورت این ذکر برای عام مردم غیرقابل استفاده است چون که شرایط زیادی دارد.

بین الطلوعین به عددی خاص آیه مبارکه نور و از پانزدهم تا آخر ماه به همان عدد خاص لاله‌الاله گفته شود (در بین الطلوعین) ان شاءالله دیدار حضرت نصیب او خواهد شد.

۱۲۶

یک اربعین خالصانه

«ایضا فائدة: دعائه علیه السلام من قرأه اربعین صباحا رزقه الله لقاء القائم بسم الله الرحمن الرحيم من الا سرار الالهية و الكنوز الربانية ان من قرأ الدعاء المسمى بدعاء صاحب الزمان بهذا العدد (۱۷۴۸۸) فی اربعین یوما علی هذا النهج یقرأ فی تسع منها (۳۶۰) و فی الیوم العاشر منها (۱۱۳۲) اظهر الله تعالی له سره و اعطاه الجمیع و السلطنة و الملك و رزقه روية صاحب الامر غیر انه ینبغی قبل الشروع ان یتزاء و یجلس مقابل القبلة فی موضع طاهر و یصلی علی التبی و یتستغفر الله من الذنوب و یقرء «یا من هو اقرب الی من جبل الورید یا فعلا لما یرید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الاعلی یا من لیس کمثله شیء» مرة واحدة ثم یشرع فی الدعاء و هو هذا «یا الله یا محمد یا علی یا فاطمه و بنیها یا صاحب الزمان ادركنی یا فارس الحجاز ادركنی یا اباصالح المهدي ادركنی و لاتهلکنی» ثم یصلی علی النبی عشر مرات ثم یختم بالفاتحة و الاخلاص و یجب ان یداوم و علیه بالاخلاص فان فیہ اسم الله الاعظم و یظهر منه الآثار العجیبه و الافعال الغریبه بعون الله تعالی»^۱.

۱۲۷

توسل، صراطا معبود

یکی از علمای نجف برای مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نقل فرمود که: برای من مشکلی پیش آمد به مسجد جمکران در قم رفتم درد دل خود را به محضر حضرت مهدی علیه السلام عرض کردم و از آن حضرت خواستم تا در نزد خدای متعال شفاعت نمایند تا مشکل حل شود.

برای همین مکرر به مسجد جمکران مشرف می‌شدم ولی نتیجه‌ای نگرفتم روزی به حضرت مهدی علیه السلام عرض کردم: «مولای من آیا درست است در محضر شما و در منزل شما به دیگری متوسل شوم؟»
شما امام من می‌باشید آیا زشت نیست با وجود شما من حتی به

۱. تحف الاسرار، فی ادعیة واذکار، چاپ بیروت، ص ۳۲۰.

علمدار کربلا قمر بنی هاشم (عج) متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع خود قرار دهم».

از شدت تأثر در بین خواب و بیداری بودم که ناگهان با چهره نورانی امام مهدی (عج) مواجه شدم.

حضرت با محبت جوایم را دادند و فرمودند: «نه تنها زشت نیست و نه تنها ناراحت نمی شوم به علمدار کربلا متوسل شوی بلکه شما را راهنمایی هم می کنم که به حضرتش چه بگویید.

وقتی خواستی از حضرت ابوالفضل (عج) حاجت بخواهی چنین بگو: «یا ابالغوث ادرکنی؛ یعنی ای آقا پناهم بده»^۱.

- و صاحب کتاب معالی السبطين آورده: هر کس ۱۳۳ بار صلوات بفرستد و بعد ۱۳۳ بار بگوید: یاعباس یاعباس... و بعد از آن مجدداً ۱۳۳ بار صلوات بفرستد این عمل را هر روز انجام دهد تا حاجتش برآورده شود.

- به تجربه از علماء و بزرگان رسیده که برای برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاری بعد از نماز روز جمعه ۱۳۳ مرتبه رجاء بگوید:

یا کاشف الکرْبِ عَنْ وَجْهِ الْحَسَنِ اِکْشِفْ کَرْبِ بَحْقِ اَخِيكَ الْحَسَنِ (عج)

۱۲۸

تضرع و دعا

هر کس بعد از نماز صبح بر این جمله و دعا مداومت کند انشاءالله به زیارت حضرت ولی عصر (عج) موفق خواهد شد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُؤَخِّرَ اَجَلِیْ وَلَا تَقْبِضَ رُوْحِیْ حَتّٰی اَرٰی سَیِّدِیْ وَمَوْلَایْ صَاحِبَ الزَّمَانِ حُجَّةَ بَنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللّٰهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ.^۲

۱. چهره درخشان قمر بنی هاشم (عج)، ص ۴۱۹ امام عصر (عج) در تشریف بعضی از افراد فرمودند من به هنگام روزه عموم عباس در آن مجلس حاضر می شوم.

۲. گنجینه های اسرار، ص ۲۷۴ (برای تشریف مداومت به دعای شریف احتجاب بسیار مؤثر می باشد و یا نماز امام عصر (عج) در نیمه شب جمعه ها که قبلاً آورده شده ان شاءالله مؤثر خواهد بود).

تشرّف آیت الله سید محمد باقر سیستانی رحمته با ۴۰ زیارت عاشورا

مرحوم آیت الله سید محمد باقر سیستانی در مشهد مقدس برای آنکه به محضر امام زمان عجل شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را چهل جمعه، هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز می کند. ایشان می فرمود:

در یکی از جمعه های آخر، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه ای نزدیک به مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم، می تابید. حال عجیبی به من دست داد و از جای برخاستم و به دنبال نور به در آن خانه رفتم. خانه کوچک و فقیرانه ای بود که از درونش، نور عجیبی می تابید. در زدم، وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم که حضرت ولی عصر امام زمان عجل در یکی از اتاق های خانه تشریف دارند و در آن اتاق، جنازه ای را مشاهده کردم که پارچه ای سفید رویش کشیده بودند. وقتی که وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت به من فرمودند: چرا اینگونه به دنبال من می گردی و این رنجها را متحمل می شوی؟! مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم! بعد فرمود: این بانویی است که در دوره بی حجابی (دوران پهلوی)، هفت سال از خانه بیرون نیامد؛ تا مبادا نامحرم او را ببیند!!^۱

(معلوم می شود که یکی از بزرگترین عوامل مؤثر در دیدار امام عصر عجل داشتن تقوای الهی و متعهد بودن به فرامین و دستورات قرآن کریم و دستورات شرع مقدس اسلام است حضرتش در این ماجرا به صراحت به این مطلب تأکید می فرمایند که پای بندگی به دین و احکام آن باعث دیدار خواهد شد).

نکته: از تشرّف مهم تر داشتن عمل صالح و تقواست به ماجرای زیر توجه کنید:

تشرّفی که مرحوم سید عبدالکریم پینه دوز در تهران داشته اند امام

۱. شیفتگان حضرت مهدی عجل، ج ۳، ص ۱۵۸

عصر^۱ به ایشان می‌فرمایند برویم بر سر قبر فلان عالم (یکی از علمای زاهد و پاک مدفون در شهرری) سید عبدالکریم به همراه امام بر سر قبر این عالم برای خواندن فاتحه حاضر می‌شود ولی او از امام می‌پرسد: یابن رسول‌الله! چرا شما سر قبر این عالم آمدید؟

امام در پاسخ می‌فرمایند: او در طول عمر خود یک بار با اعمالش باعث ناراحتی ما نشد (با تلخیص و نقل به تردید از نویسنده است احتمالاً این عالم ربانی آیت‌الله حاج سیدعلی آقا مفسر مدفون در محوطه امامزاده عبدالله در شهرری است.

۱۳۰

تشریف با ۴۰ مرتبه زیارت حضرت سیدالشهدا در شب جمعه

علامه شیخ علی دستانی نقل کرده که وقتی که از زیارت امام حسین ع مراجعت کرده بودم و از راه آب فرات به سمت نجف در حرکت بودم در کشتی کوچکی که بین کربلا و طویرج بود نشسته بودم پس جماعتی را دیدم که مشغول لهو و لعب و مزاح شدند جز یک نفر از آن‌ها که با آن‌ها نبود آن جماعت به مذهب او عیب می‌گرفتند مجال سؤال کردن برایم فراهم نشد تا اینکه به جایی رسیدیم که به جهت کمی آب ما را از قایق بیرون کردند (تا قایق سبک شود و از آن نقطه عبور کند) در کنار نهر راه می‌رفتیم پس بر حسب اتفاق به آن جوان نزدیک شدم.

از او پرسیدم به چه دلیل از این جماعت دوری می‌کنی؟

او گفت: این‌ها اقوام و فامیل‌های من هستند و پدرم نیز بر مسلک آن‌ها بود آن‌ها سنی مذهب هستند ولی مادرم از اهل ایمان است و من نیز به برکت حضرت صاحب‌الامر ع شیعه شدم.

پس من از گذشته او سؤال کردم:

او گفت: اسم من یاقوت است و کارم فروختن روغن در کنار پل حله^۱ می‌باشد. او در ادامه گفت: در سالی به جهت خریدن روغن بیرون رفتم وقتی به اطراف حله رفتم چند منزل دور شدم تا از بادیه نشینان روغن

۱. منطقه‌ای در عراق کنونی.

خریدم در موقع برگشت در یکی از منازل خوابیدم وقتی بیدار شدم کسی را ندیدم راه من در صحرای بی‌آب و علفی بود که درندگان بسیاری داشت. پس برخاستم تا در عقب قافله حرکت کنم تا به آن‌ها برسیم وقتی رفتم راه را گم کردم پس به خلفاء ثلاثه استغاثه نمودم به خلفاء ثلاثه و مکرر گفتم: یا صدیق اکبر ابابکر - یا فاروق اعظم ای عمر بن خطاب - یا عثمان و ایشان را شفیع کردم در نزد خداوند ولی ابداء فرجی حاصل نشد.

بعد پیش خود گفتم که من از مادرم می‌شنیدم که می‌گفت: ای فرزند، ما امام زنده‌ای داریم که کنیه‌اش اب‌الصالح است و گمشدگان را به راه می‌آورد. پس با خداوند عهد کردم تا به او استغاثه کنم اگر مرا نجات داد به دین مادرم در آییم.

آنگاه او را ندا کردم و استغاثه نمودم ناگاه کسی را دیدم که با من راه می‌رود و بر سرش عمامه سبزی است خیلی خیلی سبز بعد از آن راه را به من نشان داد و امر فرمود که به دین مادرم در آییم. سپس فرمود: چند لحظه بعد به روستائی می‌رسی که همه آن‌ها شیعه هستند.

عرض کردم: یاسیدی با من تا آن قریه نمی‌آئید؟ فرمودند: نه زیرا که هزار نفر در اطراف بلاد همین استغاثه را کردند باید ایشان را نجات بدهم پس از نظرم غائب شد پس اندکی رفتم تا به آن روستا رسیدم...

چون به حله رسیدم رفتم نزد سید فقهای کاظمین آیت‌الله سید مهدی قزوینی ساکن حله و ماجرا را نقل کردم و معالم دین خود را از ایشان آموختم. آنگاه از آن عالم بزرگ پرسیدم آیا عملی هست تا به وسیله آن بشود یکبار دیگر آن امام را ملاقات کنم؟

ایشان فرمودند: بلی! چهل شب جمعه به زیارت حضرت اب‌عبدالله علیه السلام می‌روی.

وقتی به آن چهل زیارت مشغول شدم از حله برای زیارت، روز پنجشنبه حرکت و شب جمعه را در کربلا مشرف می‌شدم تا اینکه یک شب جمعه

بیشتر باقی نمانده بود که روز پنجشنبه از حله بیرون رفتم وقتی به دروازه شهر کربلا رسیدم دیدم مأموران در نهایت سختی از واردین جواز ورود می‌خواهند و من نیز تذکره ورود نداشتم و نه پول تهیه آن راه، پس در تحیر ماندم.

در این هنگام صاحب‌الامر ع را دیدم که در شکل طلاب عجم عمامه سفیدی به سر دارد و داخل است پس چون به امام استغاثه کردم حضرت بیرون آمده و دست مرا گرفت و داخل دروازه کرد و کسی مرا ندید وقتی نیز داخل می‌شدم کسی را ندیدم.

۱۳۱

توسل به حضرت ابوالفضل ع

عارف واصل جناب حاج شیخ جعفر مجتهدی رضوان‌الله علیه می‌فرماید: حضرت ولی عصر (ارواح‌نافداه) می‌فرمایند: هر کس با این دو بیت شعر متوسل به عمویم قمر منیر بنی‌هاشم حضرت عباس ع بشود حتما حاجتش برآورده خواهد شد...

آنگاه دو بیتی را روی کاغذ نوشتیم که عبارت بود از:

یادم زوفای اشجع ناس آید	وز چشم سوده الماس آید
آید به جهان اگر حسین دگری	هیئات برادری چو عباس آید ^۱

۱۳۲

مطالب جامع

صاحب کتاب شریف و نورانی نجم‌الثاقب نیز در باب دوازدهم به ذکر اعمال و آدابی که بتوان به برکت آن‌ها به سعادت، دیدار حضرت حجت‌بن‌الحسن ع رسید اشاره‌هایی دارند که در نوع خود مطالبی جامع و در خور توجه و پر ارزش و ذی قیمت است.

۱. لاله‌ای از ملکوت، ص ۲۳۶.

۱۳۳

اصلاح نفس

استاد عزیز حضرت آیت‌الله رخشاد دامت برکاته در کتاب شریف در محضر علامه طباطبائی رحمته آورده‌اند که:
(از حضرت علامه سؤال می‌کنند) راه رسیدن به امام زمان - عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف چیست؟
علامه می‌فرماید: امام زمان رحمته خود فرموده است: شما خوب باشید ما خودمان شما را پیدا می‌کنیم.

۱۳۴

مسجد جمکران

از یکی از اولیاء خدا مرحوم حاج‌شیخ حسین فاضلی که مکرر خدمت وجود مبارک و نازنین امام‌عصر رحمته مشرف شدند سؤال کردم چگونه می‌توان خدمت امام زمان رحمته رسید؟
فرمودند: گناه نکند و جمکران زیاد برود.
عرض شد: می‌توان جزء آن خادمان مخصوص (۳۰ نفر) رفت و از ملازمان آن حضرت شد فرمود: بلی، انسان گناه نکند و عمل انجام دهد.

۱۳۵

راه وصول

حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی رضوان‌الله‌تعالی‌علیه در پاسخ به سؤالی که از معظم‌له شده است تصریح به امکان شرفیابی نموده‌اند و تأکید فرمودند دیدار آن عزیز غایب برای عده‌ای ممکن است.
و اینک متن سؤال و جواب:

پرسش: چه باید کرد تا امام زمان رحمته را ملاقات کنیم؟
پاسخ: به طور کلی برای تشرف به حضور ایشان نمی‌توان راهی را که همه کس به آن برسند ارائه داد مگر عده‌ای معدود مردم از این فیض

۱. راجع سی نفر ملازمان خاص امام در این کتاب مطالب لازم آورده شده است.

عظیم به نحوی که آن حضرت را بشناسند محروم هستند مع ذلک عمل به تکالیف شرعی و جلب رضایت و خشنودی آن حضرت و بعضی اعمال مثل چهل شب به مسجد سهله رفتن، بسا موجب تشرف بعضی اشخاص که مصلحت باشد خواهد بود.^۱

و در این خصوص سیدین طاووس علیه السلام نیز می فرماید: اکنون که امام زمان برای شیعیانش ظاهر نمی باشند هیچ مانعی نیست که گروهی از آنان حضرت را ملاقات کرده و از گفتار و افعال وی بهره مند شوند و مطلب را کتمان کنند و اظهار نمایند...^۲

۱۳۶

۴۰. شب رفتن به مسجد سهله

صاحب کتاب شریف و نورانی نجم الثاقب «ره» می فرماید: از سید مؤید «ره» فرمود: در سال ۱۲۷۵ هجری در نجف اشرف جهت تحصیل بودم می شنیدم که می گفتند مردی که شغلش سبزی فروشی می باشد و به خدمت امام عصر علیه السلام مشرف شده است من نیز مترصد دیدن او شدم تا این که پیداش کردم و با او رفیق شدم.

روزی به طور اتفاقی در شب چهارشنبه به مسجد سهله می رفتم آنگاه آن مرد سبزی فروش را دیدم خیلی خوشحال شدم به او عرض کردم که ما اعمالمان را بجا می آوریم ولی شما امشب مهمان من باش.

بعد از انجام اعمال مسجد سهله به سوی مسجد کوفه رفته و در آنجا با هم بودیم تا اینکه بعد از مدتی از او راجع به قضیه تشرفش سؤال کردم.

۱. یکی از دفاتر استفتائات مخلوط معظم له: جالب اینکه حضرت ولی عصر علیه السلام در حین تشیع جنازه این عالم متقی و پارسا در قم تشریف آورده و در هنگام ظهر با عده ای حدود ۳۰ نفر به نماز ظهر و عصر در حالی که مردم مشغول تشیع بودند می پردازند در مسجد امام حسن عسگری که یکی از قدیمی ترین مساجد ایران اسلامی است این مساجد بنا به دستور امام حسن عسگری در زمان امامت ایشان در قم ساخته شده است و قدمت آن حتی از مسجد جمکران بیشتر می باشد.

۲. الطرائف ص ۱۸۵ = چنانچه می بینیم میرزای شیرازی نیز در حالی که از سرداب مقدس خارج می شد در پاسخ به این که چرا فتوای تحریم تنباکو را اعلام نمی کنید می فرماید: هم اکنون اجازه آن را از مولای خود گرفتم و مسئله جریان فتوای شیخ مفید در مورد زن بارداری که از دنیا رفته بود و اصلاح فتوای آن بزرگوار از ناحیه امام عصر علیه السلام نیز امری مشهور و معروف است و مفصل این جریان را در این کتاب آورده ایم.

گفت: از اهل معرفت و سیر و سلوک شنیده بودم که اگر کسی یک سال در شب‌های چهارشنبه در مسجد سهله اعمال آن را به جا آورد و آن عمل معروف به عمل استجاره است حضرت را ملاقات و زیارت خواهد کرد.

من نیز به این کار علاقه پیدا کردم و دیگر در این مدت برای من زمستان و تابستان و گرما و سرما و کار و بی‌کاری و ابر و باران مطرح نبود و همواره در هر شب چهارشنبه من به مسجد سهله مشرف می‌شدم و پس از انجام اعمال آنجا به مسجد کوفه رفته و شب را در آنجا به پایان می‌رساندم و صبح به نجف مراجعت می‌کردم تا اینکه در یکی از شب‌های چهارشنبه هوا به قدری ابری و تاریک بود که رفتن را سخت می‌نمایاند خود را در اوائل غروب به مسجد سهله رساندم و وارد مسجد شدم هیچکس آنجا نبود حتی خادم مسجد که همیشه آنجا بود آن شب نبود.

شروع به انجام اعمال کردم در حالی که از خلوت بودن مسجد می‌ترسیدم که ناگه چشمم به مقام امام زمان علیه السلام افتاد دیدم شخصی در آنجا مشغول نماز و دعاست و مقداری آنجا روشن است خیلی خوشحال شدم با خود گفتم ممکن است زائر غریبی باشد که من ملتفت ورود او نشده‌ام پس بقیه اعمال مسجد را در کمال اطمینان خاطر بجا آوردم سپس به نزدیک مقام امام عصر علیه السلام رفتم و مشغول نماز شدم آخر نماز بود که آن آقا نمازش زودتر تمام شد و روی مبارک را برگردانید و فرمود: میل داری به مسجد کوفه برویم من هم با کمال ذوق و شوق عرض کردم: آری! در حالی که در آن شب از اوائل نماز من (قبل از زیارت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام) به قدری هوا رعد و برق و باران سیل‌آسا جاری بود ولی همین که با آن آقا از مسجد سهله خارج شدیم فضای حرکت ما روشن و زمین خشک بود و اصلاً رعد و برقی در کار نبود تا آنکه به درب مسجد کوفه رسیدیم درب را زدم خادم گفت: کیست؟

گفتم: زوارم!

گفت: این موقع شب در این باران و رعد و برق چگونه از مسجد سهله آمدی؟

گفتم: درب را باز کن و همین که درب مسجد کوفه را باز کرد رویم را به عقب برگرداندم دیگر آن آقا را ندیدم و فهمیدم و دانستم که آن وجود مقدس حضرت صاحب الامر علیه السلام بوده است و دیدم چنان باران و رعد و برق است که قابل راه رفتن نبود...

۱۳۷

دعای دیدار

طبق نقل مفاتیح الجنان در بخش اعمال نیمه شعبان خواندن این دعا به منزله زیارت ولی عصر عجل الله فرجه است:

اللهم بحق ليلتنا هذه و مولودها، و حجتك و موعودها التي قرنت الي فضلها فضلاً، فتمت كلمتك صدقاً وعدلاً، لا مبدل لكلماتك و لامعقب لآياتك، نورك المتألق، و ضياؤك المشرق، و العلم النور في طخياء الديجور، الغائب المستور، جلّ مولده، وكرم محته، و الملائكة شهدة و الله ناصره و مؤيده اذا ان ميعاده، و الملائكة امداده، سيف الله الذي لاينور و نور الله الذي لا يخبو، و ذوالحلم الذي لا يصبو، مدار الدهر، و نواميس العصر، و ولاة الأمر، و المنزل عليهم ما ينتزل في ليلة القدر، و اصحاب الحشر و النشر، تراجمة وحيه، و ولاة امره و نهييه. اللهم فصل على خاتمهم و قائمهم المستور عن عوالمهم. اللهم وادرك بنا ايامه، و ظهوره و قيامه، و اجعلنا من انصاره و اقرن ثارنا بثاره، و اكتبنا في اعوانه و خلصائه، و احيانا في دولته ناعمين، و بصحبته غافين، و يحقّه قائمين، و من السوء سالمين، يا ارحم الراحمين و الحمد لله رب العالمين، و صلواته على سيدنا محمد خاتم النبيين و المرسلين، و على اهل بيته الصادقين، و عترته الناطقين، و العن جميع الظالمين، و احكم بيننا و بينهم يا احكم الحاكمين.

۲۶۵

بار خدایا، به حق این شب و به حق مولود این شب و به حق محبت تو و به آنچه به او وعده فرموده‌ای؛ شبی که به فضل آن فضیلتی قرین داشتی پس نخست به راستی و عدل پایان یافت. نه سخنت را تغییر دهنده‌ای است نه آیاتت را واپس انداز. روشنایی تو پرلمعان و پرتو تو فروزان است و علم نور در تیرگی شب دیجور، غائب و مستور است.

تولدش جلیل و نژادش شریف است. فرشتگان شاهدان اویند و خدا یار اوست و هنگامی که می‌عاشد فرا رسد یاور او و فرشتگان مددکاران او. او شمشیر الهی است که کند نگردد و نور خدایی است که نیفسرد و دارای شکیبایی که از جای نرود. محور چرخ روزگار و ناموس‌های عصر و والیان

امرند و آنچه در شب قدر از آسمان فرود آید، بر آنان فرود آیند. آنان اصحاب حشر و نشرند و ترجمانان وحی الهی و صاحبان امر و نهی خدایی هستند.

بار خدایا، پس بر خاتم آنان و بر قائم پنهان از عوالم آنان درود نثار فرمای.

بار خدایا، ایام او را روزی ما کن و بودن در ظهور و قیام وی را نصیب ما فرمای و ما را از یاران او قرار ده و ما را در انتقامجویی از دشمنان، همراه فرمای و ما را در زمره یاران و نزدیکان او بنویس؛ و ما را در دولت او به نعمت، زنده و از همنشینی با او، بهره‌ور و در قبول حق او، مردمی بر پای و از هر بد، به سلامت فرمای ای ارحم الراحمین.

والحمد لله رب العالمین و درود خدا بر سرور ما محمد ﷺ خاتم پیغمبران و مرسلان و بر خاندان راست کردارش و بر تبار سخنورش. و لعنت تو بر همه ستمکاران باد و ای استوار حکم فرما، میان ما و آنان حکم فرما.^۱

۱۳۸

محل دیدار

حضرت بقیة الله ﷺ خطاب به حسن بن مثله فرمود: به مردم بگو به این موضع (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز دارند...^۲.
چه بسیار مردم صالح و متقی که با نیت پاک در همین مسجد به محضر آن حضرت مشرف شده‌اند.

۱۳۹

خواندن نماز در داخل کعبه

حضرت ولی عصر ﷺ: پس از تعلیم نماز تحیت و نماز امام زمان در مسجد جمکران، به حسن به مثله فرمود: «فمن صلیهما فکاها صلی فی البیت العتیق»:

۱. اقبال الاعمال، ص ۲۱۷ اعمال شب نیمه شعبان - مصباح المنیر، ص ۳۰۰، مصباح کفعمی، ص ۷۲۴، مصباح

الزائر، ص ۳۱۵.

۲. نجم الثاقب، ص ۲۱۲.

هر کس این دو نماز را در مسجد جمکران بخواند همانند کسی است که در خانه کعبه نماز بگذارد.^۱

۱۴۰

شعر حضور

مرحوم شیخ عبدالزهراء رحمته می گوید: یک روز بعد از ظهر وارد صحن مطهر امام حسین علیه السلام شدم شخصی در مقابل یکی از حجره های صحن شریف کتاب های مذهبی می فروخت و با من سابقه آشنایی داشت، مرا دید گفت: کتابی دارم که شاید برای شما نافع باشد و در آن اشعاری وجود دارد که زینده شما می باشد و قیمت آن این است که یکبار آن را برایم بخوانی. مرحوم شیخ می گوید: آن اشعار قصیده ابن عرندس حلی بود... مشغول خواندن بودم ناگهان سیدی از بزرگان عرب را دیدم که در برابرم ایستاده است و به اشعار گوش می دهد و می گیرد. وقتی به این بیت رسیدم:

أَيُّفْتَلُّ ظَمَانَا حَسِينَ بَكْرَبَلَا وَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَنَامِلِهِ بَحْر

گریه آن بزرگوار شدید شد و رو به ضریح امام حسین علیه السلام کرد و این بیت را تکرار می نمود و مثل زن بچه مرده می گریست وقتی اشعار به پایان رسید دیگر آن بزرگوار را ندیدم و به هر طرف رو کردم کسی را ندیدم یقین داشتیم او حضرت مهدی عج بوده است.

مرحوم علامه امینی در کتاب شریف الغدير ج ۷ ص ۱۴ ضمن بیان آن قصیده می فرماید: در میان اصحاب ما معروف است که در هر مجلسی این قصیده خوانده شود موجب تشریف فرمایی سرور عالم امکان به آن مجلس می شود.^۲

۱۴۱

ذکر یا حجة القائم

آقای رضوی می فرمود: شخصی گفت: یک نفر بت پرست از هندوستان

۱. نجم الثاقب.

۲. شیفتگان حضرت مهدی، ج ۳ ص ۱۷۲.

نزد من آمد و گفت مرا محاکمه کرده‌اند و وکیلیم می‌گوید: فقط قاضی مانده اگر امضاء کند اعدامت می‌کنند هیچ راهی برای رهایی من وجود ندارد کمک کنید!

به او گفتم: ذکر یا حجة‌القائم را به تعداد مشخص در قبرستان مسلمان‌ها می‌گویی تا درست شود این شخص رفت و همان کرد می‌گوید: یک مرتبه دیده بود آقای بزرگواری تشریف آورده و فرمودند: چه می‌خواهی؟ قضیه را گفته بود.

فرموده بودند: حاجتت برآورده شد.

عرض کردم: شما چه کسی هستید.

فرموده بودند: من صاحب این اسم هستم گفته بود چرا به فریاد شیعیانتان نمی‌رسید؟ فرموده بودند: مگر ما را می‌خواهند!!!^۱

۱۴۲

رمز ملاقات با امام عصر

علاقمندان ملاقات با امام عصر علیه السلام باید در سیره یاران امام، چه نائبان خاص امام که در این کتاب آمده و چه آن ۳۱۳ نفری که جزء اصحاب امام در موقعه ظهور همراه امام هستند (که بحمدالله سعی شده به بعضی از ویژگی‌های آن‌ها در کتاب اشاره شود) و توجه به این که کسانی که مشرف شده‌اند چه ویژگی‌های شخصیتی و معنوی داشته‌اند وظیفه ما را مشخص و فاصله معنوی و ظاهری ما را با امام عصر علیه السلام مشخص می‌نماید و می‌یابیم که چقدر به امام عصر علیه السلام نزدیک یا خدای ناکرده از امام خود فاصله داریم.

بخش ۷

ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام و وظایف شیعیان



شناخت امام زمان ضرورتی است که مستقیماً رضایت خداوند را به همراه خواهد داشت (قطعاً یکی از راههای دیدار با آن امام است). چرا که راه خدا و صراط مستقیم الهی جز با معرفت و شناخت ائمه و پیروی از آنها حاصل نمی‌شود لذا دعوت مردم به سوی ائمه اطهار علیهم السلام و شناخت آنها مخصوصاً معرفت و شناخت نسبت به امام زمان علیه السلام واجب است و کتمان آن حرام می‌باشد.

لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هرکس به سایر امامان اقرار و اعتراف داشته باشد اما دوازدهمی آنها را انکار نماید مثل کسی است که تمام الانبیاء الهی را قبول داشته باشد اما رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار نماید.

۱۴۳

۲۵ مورد از وظایف شیعیان نسبت به امام طبق روایات

آنچه که در این مختصر اشاره می‌شود بر طبق روایات آمده است که به آدرس هر یک از آنها اشاره شده است.

۱. آشنایی با امام زمان علیه السلام و شناخت شخصیتی او و معرفت به شخصیت عظیم آسمانی اش (امام صادق علیه السلام) به زراعه فرمودند: اگر امامت را بشناسی تقدیم و تأخیر ظهور امام زمان علیه السلام به تو ضرری نمی‌رساند.^۱
۲. ادب ورزی در برابر نام مبارکش.^۲ (نحوه عملی ادب‌ورزی در این کتاب آمده است).
۳. علاقه‌مندی به حضرت مهدی علیه السلام و اشاعه عشق و محبت به او در جامعه.^۳
۴. محزون بودن و گریستن و گریاندن به جهت فراق و غیبت آن حضرت (نه بی‌تفاوت بودن نسبت به آن).^۴
۵. اقامه مجلس به جهت بزرگداشت امام عصر علیه السلام حضور در مجالس تشکیل شده به نام آن حضرت^۵ و سرودن و خواندن شعر در مدح ایشان.^۶
۶. شناخت اجمالی علائم و شرائط ظهور.^۷
۷. صدقه دادن به نیابت از امام زمان علیه السلام و نیز صدقه دادن برای سلامتی آن حضرت.^۸
۸. انجام حج، زیارات، طواف به نیابت از آن حضرت و حتی نائب گرفتن برای آن امام غائب در حج و زیارت^۹ و نیز اهداء ثواب نماز مستحبی برای ایشان (مخصوصاً انجام حج نیابتی برای پدر امام عصر علیه السلام) چون که امام عسگری علیه السلام در طول عمر شریفشان به حج مشرف نشدند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۲. نجم الثاقب، ص ۵۲۳.

۳. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۴۱.

۴. روضه کافی، ص ۲۲۹ - مجالس صدوق، ص ۸۸.

۵. کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۱.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۶۷.

۷. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳۰۳.

۸. وسائل الشعیه، ج ۱۰، ص ۴۶۷.

۹. غیبت نعمانی، ص ۲۵۲.

۱۰. مجالس صدوق، ص ۲۰۱.

۱۱. فروع کافی، ج ۴، ص ۳۱۴.

۹. تجدید بیعت مکرر با امام عصر علیه السلام^۱ مخصوصاً بعد از نماز صبح و در هر روز جمعه.^۲
۱۰. هدیه دادن به آن حضرت^۳ حداقل یکبار در سال (مثل صرف مال در مصارف مورد رضایت آن حضرت، اقامه مجلسی برای او، کمک به فقرا به نیابت از او و ...)
۱۱. رسیدگی به حال شیعیان آن حضرت و شادمان نمودن مؤمنین.^۴
۱۲. فرستادن صلوات و درود بر آن حضرت.^۵
۱۳. توسل به امام عصر علیه السلام و استغاثه به آن حضرت.^۶
۱۴. صبر و تحمل اذیت‌ها و آزارهای دشمنان و مخالفین^۷ (و مقابله با آن‌ها در ابعاد اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و نظامی، در حدتوان).
۱۵. اتحاد و هماهنگی با مؤمنین به جهت آمادگی برای نصرت امام زمان علیه السلام و تدارک ابزار لازم و آموزش فنون مورد نیاز به جهت دفاع و یاری رسانی نسبت به آن حضرت.^۸
۱۶. ترک گناه و معصیت و نیز هر عمل و رفتاری که موجبات ناراحتی آن حضرت را فراهم می‌کند و توبه از رفتارهای ناشایست.^۹
(که گناه خود بزرگترین عامل دوری ما از امام عصر علیه السلام می‌باشد).
۱۷. تعظیم و تکریم مشاهد و مکانهای متعلق و منسوب به آن حضرت (مثل ترمیم، نظیف، انجام نماز و عبادت، تکرر رفت و آمد، حضور با وضو

انتشارات سعید نفیسی

۱. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۰.

۳. کافی، ج ۱، ص ۵۳۷ - امالی، ص ۳۲۶.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳.

۵. جمال الاسبوع، ص ۴۹۳.

۶. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۲۲-۳۵.

۷. روضه کافی، ج ۳۷، ص ۲۴۷.

۸. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۹. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

و لباس تمیز و معطر، پرهیز از مزاح و خنده و لغویات و امور دنیوی در آنجا و انجام عبادات مخصوصه آن مکانها).^۱

۱۹. تکذیب نواب خاصه در زمان غیبت کبری.^۲

۲۰. دعای مکرر برای دستیابی به توفیق لقاء و دیدار و زیارت آن سرور^۳ (این امر تحقق یافتنی است کما اینکه مرحوم مجلسی فرمود: در بعضی از اخبار است که امام زمان^{علیه السلام} بین مردم تردد و رفت و آمد دارد ولی مردم او را نمی شناسند و برای من و بعضی از نیکان مسائلی اتفاق افتاده که از اسرار پنهانی است).^۴

و مرحوم سید مرتضی فرمود: تشرف به محضر امام زمان^{علیه السلام} در زمان غیبت جایز است.^۵ و سیدبن طاووس به فرزندش فرمود: پسر! راه رسیدن به امام زمانت برای هر کس که خداوند عنایت خود را شامل حالش کند باز است).^۶

۲۱. پیروی صادقانه از آن حضرت در اخلاق و کردار و سیره عملی.^۷

۲۲. به جای آوردن نمازهای مخصوصه امام عصر^{علیه السلام} در زمان غیبت.^۸

۲۵. گریستن بر حضرت امام حسین^{علیه السلام} و دعا برای فراهم آمدن وسایل انتقام گیری از دشمنان و قاتلان آن حضرت با ظهور منتقم حقیقی، جهان حضرت صاحب الزمان^{علیه السلام}.

به علاوه که در روایات از گریستن بر مظلوم کربلا بعنوان اداء حق

انتشارات سعید نفیسی

۱. مکیال المکارم.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۶.

۳. غیبت نعمانی، ج ۱۵۹، ص ۱۶۰.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴.

۵. کلمات المحققین، ص ۵۳۳ کتاب غیبت.

۶. کشف المحجّة، ص ۱۵۴.

۷. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۴۰.

۸. مفاتیح الجنان - جمال الاسبوع، ص ۲۸۰.

ائمه اطهار علیهم السلام یاد شده است.^۱ و همچنین است زیارت قبر مطهر حضرت سیدالشهداء علیه السلام.^۲

آنچه آمد تنها گوشه‌هایی از وظایف شیعیان است و بدون شک در این باره سخن بسیار است و حرفهای گفتنی فراوان.

۱۴۴

اخبار مربوط به امام عصر علیه السلام را منتشر کرده و به هم برسانید

شناخت امام عصر علیه السلام از ضروریاتی که مورد تصریح و تأکید قرار گرفته و آثار فوق‌العاده‌ای نیز به همراه دارد چنانچه در روایت است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ای مفضل! اخبار مهدی را به شیعیان ما برسان تا در دین خود به شک نیفتند.^۳

و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرمایند: خوشا به حال آن کسی که به او (مهدی) معتقد باشد.^۴

۱۴۵

تبلیغ برای امام عصر علیه السلام

ضروریست هر یک از ما با گفتار خود مردم را به وظایفشان در عصر غیبت نسبت به امام حاضر و ناظر حضرت حجة‌ابن‌الحسن علیه السلام آشنا کنیم این ضرورت ریشه‌روائی دارد چنانچه سلیمان بن خالد گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: من اهل بیتی دارم که سخنانم را می‌پذیرند آیا آنان را با امر شما اهلیت و امام زمانم آشنا کنم؟ امام فرمود: بلی خداوند متعال می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و اهلتان را از آتشی که هیزمش مردم و سنگ‌ها هستند حفظ کنید.^۵

۱. کامل‌الزیارات، ص ۸۱.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۱۲۷-۱۲۸-۱۴۶.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۶۷.

۴. عیون‌اخبارالرضا، ج ۱.

۵. کافی، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱.

شناخت امام زمان علیه السلام واجب است چرا که عدم شناخت آن حضرت مُردن جاهلی را در پی خواهد داشت چنانچه در روایات به آن تصریح شده.^۱ لذا ضرورت دارد برای رهایی از مرگ جاهلی به شناخت عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله که یکی از دو ثقل اکبر است اقدام کرد. و آثار و برکات این شناخت آن چنان است که امام مهدی علیه السلام می فرمایند: «انا خاتم الاوصیاء و بی يدفع الله و عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی».

من آخرین وصی هستم و خداوند به واسطه من بلا را از پیروان و شیعیان من دور می دارد.^۲



انتشارات سجید نفین

۱. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر و مورد اتفاق بین شیعه و سنی می فرماید: من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة یعنی: کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. (احقاق الحق).
 ۲. غیبت طوسی، ص ۲۴۶، ح ۲۱۵.

بخش ۸

توقیعات امام مهدی علیه السلام



درآمد

بایستی ارتباط معنوی و ظاهری با امام عصر علیه السلام برقرار باشد. آنچه در بخش قبل آمد شامل ارتباطات ظاهری بود و آنچه هم اکنون در مقابل نظر شماست ارتباطات مکتوب امام عصر علیه السلام است که حضرتش با پاسخ به نامه‌های علماء و اولیاء آنها را مورد لطف کریمانه خود قرار داده است.

۱۴۶

توقیعات صادره از حضرت امام زمان علیه السلام

در عصر غیبت صغری و کبری امام عصر علیه السلام به تناسب و ضرورت مکتوباتی را برای بعضی از اصحاب و یارانشان نوشته‌اند که در این بخش به بعضی از این توقیعات اشاره می‌شود.^۱

۱. توقیع به نوشته و دستخط گویند.

توقیع حضرت ولی عصر علیه السلام به اسحاق بن یعقوب

اسحاق بن یعقوب می گوید:

در مورد برخی از مسائل که برای من مشکل شده بود توسط نایب امام زمان علیه السلام جناب محمد بن عثمان عریضه‌ای به پیشگاه مبارک امام زمان علیه السلام نوشتم که جوابی از ناحیه مقدسه امام واصل شد.

اما نامه و توقیع امام عصر علیه السلام به خط خود حضرت نوشته شده است: «اما ما سالت عنه ارشد الله و ثبتك من امر المنكرين لي من اهل بيتنا و بني عمنا فاعلم انه ليس بين الله عزوجل...».

خداوند ترا به راه حق هدایت کند و تو را ثابت قدم بدارد.

– در مورد انکار وجود من از طرف برخی از خویشاوندان^۱ بدان که میان خداوند و بندگانش قرابت و خویشاوندی وجود ندارد و هر کس که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح است.

– در مورد جعفر عمویم و فرزندانش وضع آنان همانند برادران یوسف «علی نبینا و آله و علیه السلام» است.

– خوردن و استعمال فحاح (آبجو) حرام ولی نوشیدن شلماب^۲ مانعی ندارد.

– اما وقت ظهور ما منوط به اراده خداوند عزوجل است و هر کس برای ظهور ما وقت تعیین کند دروغ گفته است.

– و اما گفتار کسانی که پنداشته‌اند امام حسین علیه السلام کشته نشده کفر و گمراهی است.

– اما در مورد حوادث و مسائل جدیدی که برای شما پیش می‌آید:

«فارجعوا الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیکم».

یعنی: به کسانی مراجعه کنید که احادیث ما را روایت می‌کنند آن‌ها

حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر همه شما هستم.

۱. اشاره به جعفر کذاب عموی امام عصر است.

۲. شلماب شربتی است که از شلغم درست می‌شود. حضرت به سؤالات فقهی و شرعی اسحاق بن یعقوب پاسخ فرمودند.

- اما در مورد محمدبن عثمان عمری که خداوند از او و پدرش راضی باد مورد اعتماد من و نوشته و نامه او نامه من است.
- در خصوص محمدبن علی بن مهزیار اهوازی: «فسیلح الله قلبه ویزیل عنه شکه».

یعنی: بزودی قلب او اصلاح و شک از دلش بیرون می‌رود.^۱
- و اما اموالی که برای ما فرستادی ما آن‌ها را نمی‌پذیریم چرا که از حرام است و باید از حرام پاک شوند.
- در مورد محمدبن شاذان سوال کردی او از شیعیان ما اهل بیت است.
- اما ابوالخطاب محمد فرزند ابی زینب الاجدع و اصحاب او همه ملعونند با آن‌ها رفت و آمد مکن که من و پدران گرامی‌ام از آن‌ها بیزاریم.
- «و اما ندامة قوم قد شكوا في دين الله علي ما وصلونا به فقد اقلنا من استقال ولا حاجة لنا في صلة الشاكين».

در مورد شک و تردید عده‌ای در دین خدا و پشیمانی آن‌ها از اینکه اموالی را برای ما ارسال نموده‌اند باید بدانند که ما احتیاجی به اموال آن‌ها نداریم.
- «و اما علة ما وقع من الغيبة فان الله عزوجل يقول: «يا ايها الذين آمنوا لاتسالوا عن اشياء ان تبدلكم تسوكم»».^۲

درباره علت غیبت (من) سؤال کرده بودید: خداوند متعال در قرآن خود می‌فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آن‌ها را نمی‌توانید تحمل کنید و ناراحت می‌شوید سوال نکنید».

- «و اما وجه الانتفاع في غيبتي فكا لانتفاع بالشمس اذا غيبتها عن الابصار الحساب».
یعنی: اما استفاده از وجود من در زمان غیبت همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است.
- «و اني لاملان لاهل الارض كما ان النجوم امان اهل السماء».

یعنی:

۱. درباره رویه عبادی علی بن مهزیار آورده‌اند او بعد از طلوع آفتاب به سجده می‌رفت و برای ۱۰۰۰ نفر از مؤمنین و مسلمانان دعا کرده است، این‌ها این گونه بودند که به دیدار حضرتش نائل شده‌اند.

۲. مائده / ۱۰۱.

آگاه باشید که وجود من موجب بقای کره زمین و امان برای همه مخلوقات است همچنان که ستارگان موجب امان اهل آسمانند.

– «فاغلقوا السؤال عما لایعینکم ولاتتکلفوا علی ما قد کفیتم».

یعنی: پس درهای سؤال را بر آنچه برای شما سودی ندارد و آن را از شما نخواستند ببندید.

– «واکثروا الدعا بتعجیل الفرج فان ذلک فرجکم والسلام علیک یا اسحق بن یعقوب و علی من

اتبع الهدی».

یعنی: برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج خود شما در همین دعا کردن است و سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب و بر هر که بر سبیل هدایت قرار دارد.^۱

۱۴۸

ارزشی استثنائی

حضرت ولی عصر علیه السلام چند نامه برای شیخ مفید فرستاده‌اند در ابتداء باید دقت کرد که شیخ مفید چگونه بوده است تا امام معصوم او را به این زیبایی تمجید و توصیف می‌نمایند و اما نامه و توقیع مبارک حضرت:

بسم الله الرحمن الرحيم «اما بعد سلام الله عليك ايها المولى والمخلص في الدين المخصوص فينا باليقين فاننا نحمد اليك الله الذي لاله الا هو و نساله الصلوة على سيدنا و مولانا نبينا محمد وآله الطاهرين...».

نامه‌ای به برادر با ایمان و دوست رشید ما ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) که خداوند عزت وی را مستدام بدارد.

سلام خداوند بر تو! ای کسی که در دوستی ما به زیور اخلاص آراسته‌ای و در اعتقاد و ایمان به ما دارای امتیاز مخصوصی هستی، ما در مورد نعمت وجود تو خداوند یکتا را سپاسگزاریم!!!

و از پیشگاه مقدس خداوند استدعا می‌کنیم که بر سید و مولای ما حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و خاندان او درود و صلوات پیاپی و بی‌نهایت خویش

۱. غیبت طوسی، ص ۱۷۶.

را نازل فرماید: از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی خداوند این افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم.

شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستان ما برسانی... ما بر اساس فرمان خداوند و صلاح واقعی ما و صلاح شیعیانمان تا زمانی که حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه‌ای دور و پنهان از دیدها بسر می‌بریم ولی از تمام حوادث و ماجراهایی که بر شما می‌گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست...

«ولاناسین لذکرکم و لولا ذلك لنزل بکم اللاواء واصطلمکم الاعداء». یعنی: شما را هرگز فراموش نمی‌کنیم و اگر عنایات ما نبود مصائب و حوادث زندگی شما را در برمی‌گرفت و دشمنان شما را از بین می‌بردند...

«فلیعمل کل امری منکم مایقرب به من محبتنا و لیتجنب ما یدنیه من کراهیتنا...». یعنی: پس سعی کنید! اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک کند و از گناهایی که باعث نارضایتی ما می‌شود بترسید و دوری کنید...
عدم التزام و اجرای دستور ما موجب می‌شود که بدون توبه از دنیا بروند...^۱

۱۴۹

نامه‌ای به شیخ بزرگ مفید

در اینجا مناسب است که مختصری از دو نامه‌ای که شیخ مفید افتخار دریافت آن را از ناحیه مقدسه امام علیه السلام داشته را بیاوریم تا تأملی شود که چگونه یک نفر می‌تواند تا آنجا اوج بگیرد که اینگونه مورد خطاب امام عصر علیه السلام قرار گیرد.

«هذا کتابنا الیک ایها الایمخلف فی وذننا الصّفی و الناصر لنا الوفی...». این نامه‌ای است به برادر راستگو و درستکار و دوست مخلص ما کسی که در یاری ما

کوتاهی نکرده و وفا را رعایت کرده است خداوند ترا با دیده قدرتش که هرگز به خواب نمی‌رود محافظت فرماید.

آنچه ما به تو نوشتیم باید پوشیده باشد و غیر از آنان که به جهت ایمانی که به ما دارند و مورد اعتماد ما هستند و سخنان ما موجب آسایش و آرامش خاطر آنها می‌شود فرد دیگری نباید از مضمون این نامه آگاه شود به همه دوستان ما سفارش کن که به محتوای فرمان ما با عنایت خداوند عمل کنند.^۱

در تاریخ پنج‌شنبه ۲۳ ذی حجه سال ۴۱۲ هجری قمری نیز توقیع و نامه دیگری از پیشگاه انور امام زمان علیه السلام به شیخ مفید شرف صدور یافت.

«من عبدالله المرابط فی سبيله الی ملهم الحق ودلیلہ...». این نامه‌ای است از سوی بنده خدا و آن کس که پیوسته در راه او در حرکت است و هیچگاه از مسیر حق منحرف نمی‌شود به کسی که از حق الهام می‌گیرد (شیخ مفید) و خود دلیل و راهنمای حق است.

سلام و درود ما بر تو که یار و یاور حق هستی و پیوسته مردم را به راستی و پیروی از کلمه صدق راهنمایی و دعوت می‌نمایی.

ما در مورد نعمت وجود و توفیقات شما، پروردگار یکتا را که، خداوند ما و پدران ماست، سپاسگزاریم...

اما بعد! مناجات تو را دیدیم، خداوند در سایه موهبتی که در ارتباط با اولیاءش به تو عنایت فرموده است از شما حراست و نگهبانی فرماید و از شر دشمنان در امان باشی و شفاعت ما را در برآوردن حوائج شما بپذیرد و هم اکنون در جایگاه و خیمه‌ای در قله‌های کوه برای حوائج شما دعا می‌کنم همچنین در بیابان‌های تاریک و ظلمانی و صحراهای خشک و بی‌آب و علف که دست تطاول زمان بدان نمی‌رسد برای شما دعا می‌کنم.

و به همین زودی از این محل به دشت همواری که چندان از آبادی دور

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶. دستورات حضرت در این چند نامه فوق العادگی خاصی دارد و وظایف شیعیان را کاملاً روشن کرده است.

نباشد فرود می‌آئیم و از حالات آینده خود آگاهی می‌سازیم و بدان وسیله باخبر می‌شوی که به سبب کارهای خوب نزد ما مقرب باشی. باید در مقابل باطل و طرفداران آن، که جان مردم را به خطر انداخته مقاومت کنی تا پیروان باطل را بترسانی...

«و نحن نعهد اليك ايها الولي المخلص المجاهد فينا الظالمين». ای دوست مخلص و ای کسی که با ستمگران در راه ما مبارزه می‌کنی خداوند بزرگ آنچنان که دوستان صالح ما را در گذشته یاری فرمود شما را نیز با نصرت خود تأیید فرماید...

اگر شیعیان ما که خداوند آن‌ها را به بندگی خویش موفق بدارد در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می‌داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می‌شمردند سعادت دیدار ما به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می‌شدند...

آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است.^۱ شعری منسوب به امام عصر^{علیه السلام} که در تشیع جنازه شیخ مفید وارد شده است:

لا صوت الناعي بفقده انه يوم على آل الرسول عظيم

صدای آن که خبر مرگ تو را اطلاع داد به گوش نرسد که مردن تو بر آل رسول مصیبت بزرگی است. اگر در زیر خاک پنهان شده‌ای حقیقت دانش و خداپرستی در تو اقامت گزیده است. قائم مهدی^{علیه السلام} خوشحال می‌شد هرگاه تو از انواع علوم تدریس می‌کردی.^۲

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. قصص العلماء ص ۳۹۹.

نامه محمد بن عبدالله جعفر حمیری به پیشگاه انوار امام عصر

محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری نامه‌ای به امام عصر نوشتند که خلاصه نامه و پاسخ امام بدین قرار است: «اطال الله بقاءك و ادام عزك...». خداوند عمر مبارکت را طولانی فرماید و عزت و وجود مقدست را مستدام بدارد... در پیش آمدهای سوؤ (خداوند) مرا فدای شما و مرگ مرا پیش از وجود مقدست قرار دهد. خداوند شما را مؤید بدارد.

در محل ما جماعتی هستند که در مورد مقام و منزلت با یکدیگر گفتگو می‌کنند و نامه‌ای از ناحیه مقدسه شما برای گروهی از آنان رسیده است که در آن به یاری کردن و کمک رساندن به «ص»^۱ امر فرموده‌اید و نامی از علی بن محمد معروف به مالک بادو که برده نشده بدین جهت او ناراحت و غمگین شده، از من خواست تا جریان را به عرض مبارکتان برسانم تا اگر علت نام نبردن او گناهی بوده او طلب آمرزش کند و اگر غیر از این باشد بیان فرمائید تا موجب آرامش خاطر او گردد. ان شاء الله تعالی.

جواب امام عصر: «لم نکاتب الا من کایتنا» یعنی: هر کس به ما نامه نوشت ما هم با او مکاتبه می‌کنیم.^۲

در ادامه این نامه حدود ۸ سؤال شرعی از امام عصر درباره عده وفات و ماه رمضان و احکام میت و... سؤال شده که امام جلالت را پاسخ فرمودند.

توقیع مبارک امام عصر به جمعی از شیعیان

در بین جماعتی از شیعیان در مورد جانشینی حضرت امام حسن عسگری اختلاف پیش آمد لذا در این خصوص نامه و عریضه‌ای توسط یکی از نواب خاص امام به محضر پرنور امام نوشته شد امام در پاسخ نوشتند: «بسم الله الرحمن الرحيم عافانا الله و اياكم من الضلالة و الفتن و هب لنا و لکم روح اليقين...».

۱. ممکن است بنا به مصالحی اسم مخف ذکر شده باشد.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۱.

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند همه ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها با عافیت نجات دهد و به ما و شما روح یقین عنایت فرماید...

«انه انهى الى ارتياب جماعة منكم في الدين و ما دخلهم من الشك و الحيرة في ولاة امور هم فغمنا ذلك...». به من خبر رسید که گروهی از شما درباره ولی امر و امام زمان خویش دچار شک و حیرت شده‌اید از این جهت غمگین شدم ولی نه برای خود بلکه برای شما.

ای شیعیان! چه چیزی باعث شده است که در وجود ما شک و تردید کنید و در حیرت باشید؟

«او ما سمعتم الله عزوجل يقول: يا ايها الذين آمنوا اطيعواالله و اطيعواالرسول و اولى الامر منكم».^۱ ای ایمان آوردندگان! فرمان خداوند و رسول او و صاحبان امر را اطاعت کنید...

آیا ندیدید خداوند متعال چگونه از بدو خلقت آدم ﷺ پناهگاه و معقل و پرچمهای هدایتی برای شما قرار داد؟

هرگاه یکی از پرچمهای هدایت به زمین می‌افتاد پرچم دیگری به اهتزاز در می‌آمد و هر زمان که یکی از ستارگان درخشان آسمان توحید و نبوت و امامت غروب می‌کرد ستاره فروزان دیگری به جای او طلوع می‌نمود.

– پس آنگاه که پدرم از دنیا رفت گمان کردید که خداوند دین خود را باطل و بی‌سرپرست گذاشته... نه چنین است، نه در گذشته این طور شده و نه در آینده این طور خواهد شد...

«واجعلوا قصدكم الينا بالمودة على السنة الواضحة...».

یعنی: هدف و مقصد خود را بر اساس دوستی و محبت با ما قرار دهید و راه روشن را دنبال کنید آنچه لازمه محبت و نصیحت بود به شما گفتیم آن ستمگری که در مقابل خداوند سرکشی کرد و مدعی مقامی شد که برای او نبود (ادعای امامت کرد)... آن نادان بزودی نتیجه عمل پست خود را خواهد دید...

۱. غیبت طوسی، ص ۱۷۲.

درباره ادعاهای جعفر کذاب

احمد بن اسحاق می‌گوید: از جعفر نامه‌ای به دست من رسید که در آن نامه او ادعا کرده بود به این که علم دین و نیز کلیه علوم و آنچه را که مردم به آن نیازمندند را آگاهی دارد.

وقتی آن نامه را خواندم عریضه و نامه‌ای خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام نوشتم و نامه جعفر را نیز همراه آن فرستادم.

حضرت ولی عصر علیه السلام در پاسخ چنین جوابی را مرقوم فرمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم: أتانی کتابك ابقاك الله و الكتاب الذي انفديه درجه...».

خداوند تو را پایدار بدارد نامه شما و ضمیمه آن (نامه جعفر) به من رسید از مضمون آن که با اختلاف الفاظ و اشتباهات بسیار توأم بود مطلع شدم و اگر شما هم دقت کرده بودید به برخی از آن‌ها آگاه می‌شوید...

ای احمد بن اسحاق! خداوند خلائق را بی‌هوده نیافریده... برای رسیدن به کمال واقعی اسباب تکامل را به آنان مرحمت فرموده از جمله برای شنیدن حقایق گوش و برای دیدن آیات الهی چشم و برای درک حقایق و تمیز باطل از حق قلب و عقل عنایت فرمود.

سپس انبیاء علیهم السلام را مبعوث کرد تا به نعمت‌های خداوند در آخرت و الطاف وی در این دنیا بشارت دهند و مردم را از عذاب او بترسانند...

و از دیگر الطاف بزرگ الهی فرو فرستادن قرآن کریم است که تمام دلایل و موجبات خوشبختی و سعادت و همه عوامل شقاوت و بدبختی را در آن بیان می‌دارد...

سپس حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به رسالت مبعوث فرمود و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود اقدسش را برای همه جهانیان رحمت و اسعه الهی قرار داد...

و پس از او امر اسلام و خلافت و امامت را به برادر و پسر عم وصی، و وارث وی علی بن ابیطالب و پس از آن حضرت به فرزندانش یکی پس از

دیگری سپرد تا با تعلیمات ائمه معصومین علیهم السلام دین خود را زنده و نور خود را تمام کند...

این پیرو باطل و دروغگو (جعفرو ادّعی امامت او) بر خداوند افترا بسته است این شخص با امید به چه چیزی می‌خواهد این ادعای عاری از حقیقت خود را ثابت کند؟

آیا با اطلاعاتی که در احکام الهی دارد؟ به خدا قسم این فرد آنقدر بی‌اطلاع است که حلال و حرام را نمی‌شناسد و میان بد و خوب فرق نمی‌گذارد آیا به دانش خود تکیه دارد؟

او به قدری تهی دست است که حق و باطل را نمی‌شناسد...

خداوند تو را توفیق دهد، آنچه برایت گفتم از این ستمکار پیرس و او را آزمایش کن از یکی از آیات قرآن و تفسیر آن از او پیرس و یا از نماز و شرایط آن از او پیرس تا به معایب و کمبودهای او پی ببری و حال او را بدانی...^۱

۱۵۳

ادعاهای بی‌ربط و کذب

محمدبن داود قمی می‌گوید: نامه‌ای را به خط احمدبن ابراهیم و به املائی حسین بن روح (که یکی از نواب امام زمان علیه السلام) دیدم در آن پیرامون مسائل واصله از شهر قم و جواب آن‌ها نوشته شده بود به طوری که گفته می‌شد شخصی به نام محمدبن علی شلمغانی ادعا کرده که مسائل مزبور (مسائل پاسخ داده شده) را او پاسخ داده است در مورد اینکه جواب مسائل یاد شده از طرف امام عصر علیه السلام بوده یا از طرف شلمغانی استعلام و سؤال نمودند در نتیجه امام عصر علیه السلام در رد و تکذیب شلمغانی در پاسخ چنین فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحيم، قد وقفنا على هذه الرقعة و ما تضمنته فجميعه جوابنا و لا مدخل للمخدول الصّال المضل المعروف بالعزاقری لعنه الله في حرف منه و قد كانت...».

این نامه و آنچه در آن آمده به نظر ما رسید تمام پاسخ‌هایی که طی نامه

مزبور داده شده از طرف ماست و آن گمراه مخذول (محمدبن علی شلمغانی) معروف به عزاقری (لعنةاللهعليه) کوچکترین دخالتی در آن نداشته است در گذشته نیز مشابه و مانند ادعای این شخص ادعائی توسط احمدبن هلال و امثال او شده که خود نشانه ارتداد این افراد از اسلام است.

لعنت خداوند بر همه آنها باد...

اگر در مواردی نسبت به اعتبار آنچه نقل می شود و یا اینکه به وسیله افراد غیر موثق به دست شما می رسد شک دارید برای ما بفرستید تا مطالب آن را برای شما تصحیح یا باطل کنیم...^۱

۱۵۴

سؤالات فقهی و شرعی

بعضی از مکاتبات و پرسش و پاسخ های امام عصر علیه السلام با یاران و علما جنبه فقهی و شرعی داشته، در اینجا به چند سؤال شرعی که از امام علیه السلام بطور مکتوب پرسیده شده، اشاره می شود.

«وسال عن سجدة الشکر بعد الفریضة فان بعض اصحابنا ذکر انها بدعة... فاجاب علیه السلام سجدة الشکر من الزم السنن و اوجبها و لم یقل ان هذه السجدة بدعة الا من اراد ان يحدث بدعة في دين الله...». سؤال: برخی از اصحاب گفته اند که سجده شکر پس از نماز واجب بدعت است آیا جایز است پس از نماز واجب سجده شکر نمود یا خیر؟ امام پاسخ دادند:

سجده شکر از لازم ترین و واجب ترین مستحبات است و کسی که آن را بدعت خوانده خود قصد ایجاد بدعت در دین داشته است.^۲

سؤال: آیا مرد می تواند با دختر زن خود ازدواج کند؟
جواب: اگر در دامان وی و نزد او تربیت یافته باشد نمی تواند با آن دختر ازدواج کند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰.

۲. بخشی از توفیق حضرت بقیة الله علیه السلام به سوالات محمدبن عبدالله حمیری می باشد. شایسته است مؤمنین به فرمایشات توجه نموده و به آن عمل کنند.

سؤال: گِلِ قبر (ترت مقدس حضرت سیدالشهداء^{علیه السلام}) که همراه میت در قبر می‌گذارند عملی درست است یا خیر؟

پاسخ: در قبر گذاشته شود و به خواست خداوند با نخهای کفن وی مخلوط خواهد شد.

سؤال: آیا از تربت می‌توان تسبیح درست کرد و تسبیح با تربت فضیلتی دارد یا خیر؟

جواب: با آن (تسبیح تربت) تسبیح (و ذکر) بگویید که چیزی از تسبیح گفتن با آن بالاتر نیست و از جمله فضیلت و برتری آن این که گاهی انسان تسبیح گفتن را فراموش می‌کند اما تسبیح را می‌گرداند آنگاه برای او ثواب تسبیح گفتن را می‌نویسند.

سؤال: آیا بر مُهر تربت سجده جایز است و آیا فضیلتی دارد یا خیر؟

پاسخ: این عمل جایز و در آن ثواب و فضیلت است.

سؤال: در اصفهان لباسهائی به نام عتاییه از «قز» یا ابریشم بافته می‌شود آیا نماز خواندن در آن‌ها جایز است؟

پاسخ: نماز جز در لباسی که تار و پودش از پنبه یا کتان باشد جایز نیست.

سؤال: آیا خواندن نماز جعفر در مسافرت جایز است یا خیر؟

جواب: جایز است.

«و سال عن صلوة الجعفر فی السفر هل یجوز ان یملی ام لا؟» «فاجاب ^{علیه السلام} یجوز ذلک»^۱

۱۵۵

فرمان مبارک امام به مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی

فرمان مبارک امام به مرجع بزرگ و فقیه دلسوز حضرت آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی (۱۲۸۵ - ۱۳۶۵ هجری قمری) «ارخص نفسك و اجعل مجلسك في الدهليز و اقض حوائج الناس نحن نصرک. خودت را در اختیار مردم بگذار

و محل نشستن خویش را در ورودی خانه قرار بده و حوائج مردم را برآور، ما ترا یاری می‌کنیم».

(آری در عصر غیبت بحمدالله سرنوشت جامعه شیعه رها شده نیست بلکه فقها و مراجع بزرگ، زمامدار حرکت صحیح جامعه شیعی طبق فرمان امام زمان علیه السلام را به عهده دارند).^۱

۱۵۶

نامه و توقیع دوم

«کتب محمدبن زیاد الصمیری یسال صاحب الزمان علیه السلام کفنا یتیمن بما...».

یعنی: محمدبن زیاد صمیری نامه‌ای نوشت و از محضر امام زمان علیه السلام درخواست کفن نمود تا به برکت آن از عذاب قبر محفوظ بماند.

آن حضرت علیه السلام در پاسخ او نوشتند: «انک تحتاج الیه سنة احدى و ثمانین...».

یعنی:

تو در سال هشتاد و یک به کفن احتیاج پیدا خواهی کرد. و همین طور هم شد او در سال هشتاد و یک وفات نمود و یک ماه پیش از وفات وی از طرف ساحت پرسعادت حضرت ولی عصر علیه السلام کفن به محمدبن زیاد رسید: اللهم ارزقنا.^۲

۱۵۷

دستور مكتوب حضرت آیت الله بهجت برای جمع آوری و تدوین تشرفات

و تدوین تشرفات در پایان این فصل شایسته است قسمتی از پیام حضرت آیت الله العظمی بهجت به چهارمین اجلاسیه دو سالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی علیه السلام را یادآور شود حضرت آیت الله بهجت در پیام خود بر این مسأله تأکید کرده‌اند که بایستی تشرفات جمع و به مردم و مشتاقان ارائه شود.

۱. این پیام توسط شیخ محمد کوفی شوشتری به آن مرجع بزرگ رسید.

۲. غیبت طوسی، ص ۱۸۰.

و اما پیام معظم‌له:

«... مناسب است از جمله کارهای خود، این جهت را هم قرار دهند، که کتب و رسائل افرادی که به خدمت آن حضرت مشرف گردیده‌اند را در هر جا و هر کتاب که باشد جمع آوری جدی نموده و با طبع آن در دسترس جستجو‌گران قرار دهند تا متفحصین، از حد تواتر، یقین به حیات آن خلیفه‌الله پیدا کنند تا در تمام حرکات و سکنات ملتزم به موافقتش و عدم مخالفت به جایی برسند که یقین به الطافت و عنایت حضرتش پیدا کنند...»^۱



انتشارات سعید نفیسی

۱. هفته نام پرتو سخن، شماره ۱۵۲ سال ۸۱.

شایسته است آنانی که از تشرفات مرحوم حضرت حاج‌شیخ حسین فاضلی که از معاصرین می‌باشد اطلاع مستند دارند با تشریک مساعی نسبت به چاپ این تشرفات برای مشتاقان اقدام نمایند.

ضمناً مشتاقان جهت مطالعه تشرفات به کتاب شریف عبقری الحسان که دارای تشرفات زیاد و مستند و زیبا می‌باشد و اخیراً به فارسی روان به چاپ رسیده است مراجعه نمایند. در این کتاب حدود ۲۰۰ تشریف از علمای بزرگ آورده شده است.



انتشارات سجد نون

فصل چهارم

بخش ۱:

نشانه‌های دنیای قبل از ظهور (آخر زمان)

بخش ۲:

اتفاقات در کشورهای منطقه خاور میانه قبل از ظهور

(ایران، عراق، شام «سوریه»، بیت المقدس، مصر، بحرین، افغانستان، اسرائیل، لبنان و فلسطین)

بخش ۳:

علائم ظهور

بخش ۴:

مکان و زمان ظهور

بخش ۵:

وقایع ظهور در مسجدالحرام

بخش ۶:

هشت ماه نبرد امام عصر علیه السلام بعد از ظهور تا زمان استقرار حکومت

بخش ۷:

استقرار حکومت امام مهدی

بخش ۸:

رجعت



انتشارات سجد نون

بخش ۱

نشانه‌های دنیای قبل از ظهور (آخرالزمان)



۱

وضعیت مردم و جامعه در آخرالزمان

حضرت علی علیه السلام بعضا از مصائب و گرفتاری‌های آیندگان خبر می‌داد و راه درمان آن‌ها را نیز گوشزد می‌کرد. علی علیه السلام می‌فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که چند گناه بزرگ و عمل زشت در بین آن‌ها پدید می‌آید.

۱. کارهای زشت آشکار می‌گردد و معمولی می‌شود.
۲. پرده‌های عفت و شرم پاره می‌گردد.
۳. زناکاری و تجاوزهای ناموسی علنی می‌شود.
۴. مال‌های یتیمان را حلال می‌شمارند و می‌خورند.
۵. رباخواری شیوع پیدا می‌کند.
۶. در کیل و وزن‌ها کم و کاست می‌کنند.
۷. شراب را به اسم نبید حلال شمرده و می‌خورند.
۸. رشوه را به عنوان هدیه و شیرینی می‌گیرند.
۹. به نام امانت داری خیانت می‌نمایند.

۱۰. مردها خود را به شکل زنان و زنان خویش را به صورت مردها در می‌آورند.

۱۱. به احکام و دستورات نماز بی‌اعتنایی می‌کنند.

۱۲. حج خانه خدا را برای غیر خدا (برای ریا یا تجارت) بجا می‌آورند.

و کیفر این زشتی‌ها این است که خداوند آن‌ها را از فیوضات محروم می‌کند تا جایی که ماه در (شوال) برای آن‌ها مخفی می‌شود بطوری که گاهی دو شبۀ دیده می‌شود.

(که معلوم می‌شود روز عید فطر را به عنوان ماه رمضان روزه گرفته‌اند با این که روزه آن حرام بوده است).

و زمانی ماه در شب اول رمضان مخفی می‌شود که دو روز آن را روزه نگرفته و به عنوان آخر ماه شعبان می‌خورند و روز عید فطر را به خیال آخر ماه رمضان روزه می‌گیرند.

در این وقت باید ترسید از اینکه خداوند بطور ناگهانی آن‌ها را کیفر کند (مانند زلزله و طوفان سیل).

و به دنبال آن اعمال بلاها مردم را فرا می‌گیرد تا جایی که کسانی صبح سالم هستند ولی شب در دل خاک و قبر آرمیده‌اند و گاهی شب سالمند و بامدادان جزء مردگان هستند.

وقتی چنین روزگاری پیش آمد لازم است انسان همیشه وصیت کرده که مبادا بلایی بر او فرود آمده و بدون وصیت بمیرد و واجب است نماز را در اول وقت آن بخواند چون ممکن است تا آخر وقت زنده نباشد.

سپس امام فرمود:

هر یک از شما آن زمان را درک کرد بدون وضو نخوابد و اگر برایش امکان دارد همیشه با وضو باشد زیرا ترس آن است که مرگ او ناگهان برسد لذا خوب است با وضو باشد که روح وی با طراوت خدا را ملاقات نماید.

من شما را ترساندم، اگر بترسید و آگاه نمودم، اگر آگاه گردید و شما را پند دادم، پند بگیرید پس در پنهان و آشکار از خدا بترسید و نباید کسی از شما

بمیرد مگر اینکه مسلمان باشد زیرا هر کس به جز اسلام آئینی داشته باشد از او پذیرفته نیست و در آخرت زبان کار است.^۱

۲

وصف دوره آخرالزمان

«قال ذریب بن ثمالا وصی عیسی بن مریم فی وصف آخر الزمان: اذا استغنی رجالکم برجالکم... واطاع الرجل امراته و عقی والدیه و ضرب الشّاب والدته».^۲ ذریب بن ثمالا وصی حضرت عیسی علیه السلام در وصف آخر الزمان می‌گوید: آن گاه که مردان به مردان اکتفا کنند... مرد از زن خود اطاعت و پدر و مادرش را ناراضی کند و جوان مادرش را بزند.

۳

رفتار و کردار مردم آخرالزمان

حمران بن اعین می‌گوید: روزی در محضر امام صادق علیه السلام بودیم و سخن از وضیعت مالال‌آور شیعیان به میان آمد و ستمی که عباسیان به آن‌ها روا می‌دارند حضرت فرمودند: من یک روز با منصور دوانیقی می‌رفتم و منصور با مرکب خود حرکت می‌کرد و بر روی اسبی نشسته بود و در مقابلش یک دسته از اسب سواران و در پشت سرش یک دسته دیگر از اسب سواران او را احاطه کرده بودند منصور در نهایت ابهت و جلال و من هم بر روی الاغی نشسته بودم و در کنار منصور می‌رفتم (در اینجا امام به گفتگوی خود با منصور اشاره می‌فرمایند).

سپس امام در پاسخ به سؤال یکی از شاگردانش که به امام عرض کرده بود چرا شما بر الاغ و منصور بر اسب سوار بود... فرمود:

آیا تو نمی‌دانی کسی که انتظار ظهور ما و فرج ما را بکشد و به واسطه مراتب و درجات خوف و اذیتی که بر او وارد می‌شود شکیبایی کند فردای قیامت در گروه ما خواهد بود سپس امام فرمود: پس هرگاه دیدی که حق

۱. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۷۸.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۳ - کنز القوائد، ص ۵۹.

مرده و اهل حق از میان رفتند و دیدی که ستم همه شهرها را فرا گرفته و دیدی که قرآن کهنه شده و چیزهایی که در آن نیست در آن پدیدار شده و آن را طبق نظر دلخواه توجیه می‌کنند و دیدی که آیین زیرورو گشته چنانچه آب زیر ورو شود و دیدی که بزهکاری و گناهان آشکار گردیده و مردان به مردان (لواط) و زنان به زنان (مساحقه) اکتفا کنند و دیدی که شخص مؤمن مهر به لب زده و سخنش را نپذیرند و دیدی که شخص فاسق دروغ گوید و کسی دروغ و افترایش را به او باز نگرداند و دیدی که کوچک، بزرگ را خوار شمارد و دیدی که قطع رحم کنند و دیدی هر که را به کار بد بستایند خندان گردد...

و دیدی مدح و ثنا بسیار گردد و دیدی که همسایه، همسایه آزاری کند... و دیدی که کافر خوشحال است از آنچه در مؤمن می‌بیند و شاد است از اینکه در روی زمین فساد و تباهی بیند و دیدی که شراب را آشکار بنوشند و دیدی که امر کننده به معروف خوار است و فاسق در آنچه خدا دوست ندارد نیرومند و ستودنی است و دیدی که اهل قرآن و تفسیر خوانند و هر کس که آن‌ها را دوست دارد شیرخوار است و دیدی که راه خیر بسته شده و به راه شر و بدی رفت و آمد گردد...

و دیدی که مرد به زبان چیزی گوید و عمل به آن نکند و دیدی که مردان برای استفاده مردان خود را فربه کنند و زنان برای زنان و دیدی که زندگی مرد از پشش اداره گردد.

و زندگی زن از فرجش و دیدی زنان نیز چون مردان برای خود انجمنها ترتیب دهند...

و دیدی که درباره استفاده از مرد رقابت شود و پولدار عزیزتر از مومن باشد و ربا آشکار شود و بر آن سرزنش نشود و زنان بر دادن زنا ستایش شوند و دیدی که مرد با ایمان غمناک و پست و خوار گردد و دیدی که مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند و دیدی که حرام، حلال شود و حلال، حرام گردد.

و دیدی که دین به رأی تعیین شود و قرآن و احکام آن تعطیل گردد.

و دیدی که مومن نتواند کار بد را انکار کند جز به دلش و دیدی مال کلان در جائی شود که خشم خدا را به دنبال دارد و دیدی زمامداران به کافران نزدیک شوند و از خوبان دوری کنند...

و دیدی که حکومت و فرمانروایی در مزایده^۱ قرار گیرد و دیدی به صرف تهمت و سؤزن مردم را بکشند و دیدی که مرد از راه کسب زنش از هرزگی نان می‌خورد، در حالی که آن را می‌داند به آن تن می‌دهد و دیدی که زن بر مرد خود مسلط شود...

و دیدی که سوگندهای بناحق به نام خدا بسیار گردد و قماربازی آشکارا شود و دیدی ساز و ضرب علنی گردد و بر سر کوی و بازار آشکارا زنند و کسی از آن جلوگیری نکند... و دیدی مردم شریف را خوار کنند کسی که مردم از تسلط و قدرتش ترس دارند...

و دیدی هر کس ما را دوست دارد دروغ‌گوییش دانند و شهادتش را نپذیرند و دیدی بر سرِ گفتن حرف زور و ناحق، مردم با همدیگر رقابت کنند و دیدی که شنیدن قرآن بر مردم سنگین باشد و در عوض شنیدن ناروا برای آن‌ها آسان باشد...

دیدی که حدود خدا تعطیل شده و در آن طبق دلخواه خود عمل کنند و دیدی که مساجد طلاکاری و نقاشی شود... و دیدی که سخن چینی و شر آشکار گردد.

و دیدی که ستمکاری شیوع یافته و دیدی که غیبت را سخن خوشمزه شمارند و مردم همدیگر را به آن مژده دهند و دیدی که برای غیر خدا به حج و جهاد روند و دیدی که سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار کند... دیدی که زندگی مرد از کم فروشی اداره می‌شود و دیدی خونریزی را آسان شمارند و دیدی که مرد برای غرض دنیایی ریاست می‌طلبد و خود را به بدزبانی مشهور می‌سازد تا از او بترسند و کارها را به او واگذارند و دیدی که نماز را سبک شمارند... و دیدی که آشوب بسیار است...

و دیدی که حیوانات را نکاح کنند... و دیدی که دل مردم سخت و چشمانشان

۱. یعنی هر که بیشتر پول می‌دهد یا برای گرفتن رأی تبلیغ بیشتر می‌کند به حکومتداری می‌رسد.

خشک شده و یاد خدا بر آنان سنگین شده و دیدی که کسب‌های حرام شیوع یافته و بر سر آن رقابت شود...

و دیدی که مردم با کسی هستند که پیروز شود و دیدی هر کسی که روزی حلال می‌جوید مورد مذمت قرار گیرد و جوینده حرام مورد تعظیم است.

و دیدی که در حرمین (مکه و مدینه) کارهایی که خدا دوست ندارد انجام گیرد و کسی از آن‌ها جلوگیری نکند و میان مردم و انجام آن کارها کسی مانع نشود و دیدی که اگر کسی سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند دیگران او را نصیحت کنند و بگویند این کار بر تو لازم نیست و مردم به همدیگر نگاه کنند و به مردم بدکار اقتدا کنند.

و دیدی که مرده را مسخره کنند و کسی برای مرگ او (مرده) غمناک نشود و دیدی که هر سال بدی و بدعت تازه بیشتر از گذشته پیدا شود... و دیدی که به فقیر چیز دهند در حالی که به او بخندند و برای غیر خدا به او ترحم کنند...

و دیدی که مردم در غیر اطاعت خدا زیاد خرج کنند ولی در مورد اطاعت از خداوند از کم هم دریغ دارند و دیدی ناسپاسی پدر و مادر آشکار گشته و پدر و مادر را سبک شمارند و حال آن‌ها در پیش فرزند از همه بدتر باشد و فرزند خوشحال است که به آن‌ها دروغ بندد...

و دیدی که پسر به پدر افتراء زند و به پدر و مادر خود نفرین کند و از مرگشان خوشحال شود و دیدی اگر روزی بر مردی بگذرد که در آن روز گناهی بزرگ نکرده باشد مانند هرزگی و یا کم فروشی یا انجام کار حرام یا میخوارگی، آن روز گرفته و غمناک است و خیال کند که روزش به هدر رفته و عمرش در آن روز تلف شده...

و دیدی با شراب مداوا کنند و برای بیمار نسخه کنند و بدان سلامتی جویند و دیدی که حق خویشاوندان پیغمبر (خمس) بنا حق تقسیم شود...

دیدی برای اذان گفتن و نماز پول گیرند و دیدی که مسجدها پر است از کسانی که ترس از خدا ندارد و برای غیبت و خوردن گوشت مردم به ناحق

(به وسیله غیبت) به مسجد آیند... و دیدی هر که مال یتیمان بخورد به شایستگی او را بستایند...

و ببینی که بر فراز منبرها مردم را به پرهیزگاری دستور دهند ولی خود به آن عمل نکنند و دیدی که وقت نمازها را سبک شمارند و دیدی که تمام غم و اندوه مردم درباره شکم و عورتشان، است باکی ندارند که چه بخورند و با چه نکاح کنند و ببینی که نشانه‌های حق کهنه گشته.

در چنین وقتی خود را نگهدار و از خدای عزوجل نجات بخواه و بدان که در چنین وضعی مردم مورد خشم خداوند قرار گرفته در حالی که خداوند به آن‌ها مهلت داده، مراقب باش و کوشش کن تا خدای عزوجل تو را برخلاف آنچه مردم درآند مشاهده کند که اگر عذاب بر آن‌ها نازل گردد و تو در میان آن‌ها باشی بسوی رحمت حق شتافته باشی و اگر جدا شوی آنان گرفتار شوند و تو از روش آنان و بی‌باکی آن‌ها نسبت به خداوند بیرون باشی... همانا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است!^۱

۴

شروع آخر الزمان

رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی خواهد آمد که علماء به لباس زیبا شناخته می‌شوند و قرآن در صوت زیبا خلاصه می‌شود و عبادت منحصر، به ماه مبارک رمضان می‌شود...^۲

- رسول خدا ﷺ فرمود: «یاتی علی الناس زمان وجوههم وجوه الادمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین کامثال الذناب الضواری سفًا کون للدماء...».

یعنی: زمانی خواهد آمد که ظاهر مردم مثل ظاهر انسان است اما قلبهای آن‌ها مثل قلب شیطان است، نسبت به همدیگر مثل گرگ درنده‌اند، مردم در آن زمان خونریز هستند و کسی مردم را از کار منکری که انجام می‌دهند نهی نمی‌کند اگر از آن‌ها پیروی کنی به تو شک می‌کنند

۱. روضه کافی، ج ۱، ص ۵۸.

۲. بحار الانوار، ج ۲۲.

و اگر با آن‌ها سخن بگویی تو را تکذیب کرده و وقتی که از آن‌ها جدا شوی تو را غیبت می‌کنند...

انسان بردبار در این زمان مکار شمرده می‌شود و انسان مکار در این زمان حلیم شمرده می‌شود... و زنان، بد زبان و خبیث هستند و ...^۱
 - رسول خدا ﷺ فرمود: زمانی خواهد آمد که کسی به حکومت نمی‌رسد مگر با کشتار و زورگویی و کسی ثروتمند نمی‌شود مگر به خوردن مال دیگران و بخل ورزیدن و کسی محبوب نمی‌شود مگر با دین فروشی و پیروی از هوا و هوس پس کسی که این زمان را درک کند بر فقر خویش صبر کند با اینکه می‌تواند با حرام خواری غنی شود و همچنین بر اینکه مورد غضب واقع شود صبر کند...^۲

۵

نکته

ضرورت دارد به این علائم توجه نمود تا بفهمیم آیا ما در عصر آخرالزمان واقع شده‌ایم؟ آنگاه در پی درمان این مشکل رفته آن‌هم آن گونه که در روایات آمده است این درمان در صفحات آتی بر اساس روایات خواهد آمد. و شایسته است هر فرد مسلمان در خود تأملی کند تا بفهمد این صفات شمرده شده در روایات در او وجود دارد یا خیر؟

۶

خروج دجال و رابطه آن با آخرالزمان

امام علی علیه السلام روزی برای مردم خطبه خواند و پس از حمد الهی فرمود: مردم قبل از آنکه مرا از دست دهید آنچه را که می‌خواهید بدانید از من پرسید و این مطلب را سه بار تکرار کرد.
 در این هنگام صعصعه بن صوحان بلند شد و پرسید: یا ابالحسن دجال چه وقت خروج می‌کند؟

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۴۵۳.

۲. بحارالانوار، ج ۱۸.

حضرت فرمود: بنشین، خداوند کلام تو را شنید و می‌داند منظورت چه بود، در این مورد سؤال شنونده، دانایتر از سؤال کننده نیست و لکن خروج دجال علامات و نشانه‌هایی دارد که این علامات پی‌درپی ظاهر می‌شوند و اگر می‌خواهی علامات آن را برای تو بگویم؟
صعصعه عرض کرد: بلی یا امیرالمؤمنین.

آنگاه امام فرمود: بدان که یکی از علامات آن این است که مردم نماز را می‌میرانند و دفن می‌کنند و امانات را ضایع می‌کنند و دروغ گفتن امری عادی می‌شود و رباخواری شایع می‌شود و رشوه خواری رایج می‌شود و برج سازی رواج پیدا می‌کند و دین فروشی رونق می‌یابد و سفیهان حاکم شوند و زنان مورد مشورت قرار گیرند و صله ارحام بین اقوام نیست و هر کس دنبال هوا و هوس خویش است و قتل و خون ریزی کار سهلی است... سلاطین اهل فسق و وزراء اهل ستم هستند... گناه علنا انجام می‌شود... قرآن‌ها زیور می‌شوند... و کسی دنبال وفای به عهد نیست و زمان موعود نزدیک می‌شود و زنان در تجارت با مردان هستند و در زراندوزی شریک می‌شوند.

در این زمان انسان دروغگو، راستگو و انسان خائن، امین به شمار می‌آید مردم سراغ آلات موسیقی می‌روند و مردم آخرالزمان گذشتگان خود را لعن می‌کنند و زنان سوار بر زین (ماشین) می‌شوند و زنان خود را به شکل مردان و مردان خود را به شکل زنان در می‌آورند...

برای دنیا فقه (مسائل شرعی) می‌آموزند و ترجیح می‌دهند عمل دنیا را بر آخرت...^۱

- در روایتی دیگر امام علی علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که مقرب نمی‌شود مگر کسی که نزد پادشاه و امراء از مردم با فضیلت، سخن چینی کند...

در آن زمان صدقه و انفاق را غرامت و تاوان شمارند و صله رحم و آمدورفت

با خویشان را با منت انجام دهند و عبادت را سبب فزونی (فخر) بر مردم می‌دانند...^۱

- امام علی علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم می‌آید که زناکار به نعمت می‌رسد و انسان فرومایه مقرب می‌شود و مرد با انصاف ضعیف می‌گردد. عرض شد: یا امیرالمؤمنین! این در چه وقت است؟

«فقال: اذا تسلطن النساء و سلطن الاماء و امر الصبيان». فرمود: هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط گردند و بچه‌ها به حکومت برسند.^۲

۷

زکات ندهند

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: ای سلمان! در زمانی که علمای شما کم شوند و قاریان قرآن شما از میان بروند و زکات ندهند و کارهای زشت خود را آشکار سازند «وعلت اصواتکم فی مساجدکم». و صدای شما در مساجد بلند شود.

امور دنیا را روی سر بگذارید (اهمیت دهید) و دانش را در زیر پا، سخنان شما دروغ و شیرینی گفتارتان غیبت و آنچه به دست می‌آورید حرام باشد، نه بزرگان شما به کوچکتر رحم کنند و نه کوچکتران احترام بزرگان را نگاه بدارند...^۳

۸

باطنی سیاه، ظاهری زیبا

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «سیاتی علی امتی زمان تخیث فیہ سرائرهم...». زمانی بر امت من خواهد آمد که باطن مردم کدر، ظاهرشان نیکو و زیباست این دو رویی بخاطر طمع مردم در مظاهر دنیوی است.

مردم از اظهار دوستی هرگز قصد الهی ندارند و کلیه امور عبادی مردم

۱. نهج البلاغه، کلمه ۹۸.

۲. اصول کافی، ج ۸، ص ۶۹ - بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۳۱، باب ۱۱۴.

۳. جامع الاخبار، ص ۱۴۰ فصل دوم - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۲، باب ۲۵.

بخاطر ریاست می‌باشد و نه از روی خوف الهی، این مردم را خداوند شامل عذابی می‌کند که آن وقت هرچه دعا کنند مستجاب نمی‌شود.^۱

۹

رفتارشناسی مردم در آخر الزمان

علی بن ابراهیم در تفسیرش در ذیل آیه شریفه: «فهل ينظرون الا الساعة ان تاتيهم بغتة فقد جاء اشراطها فاني لهم اذ جاءتهم ذكريهم»^۲ آورده است که... ابن عباس گفت: ما با رسول خدا ﷺ در حجة الوداع به حج مشرف شدیم.

رسول خدا ﷺ حلقه در خانه خدا را گرفت و رو به ما نمود و با سیمای مبارکش ما را مخاطب قرار داد: «فقال: الا اخبركم با شرط الساعة و كان ادنى الناس يومئذ منه سلمان رحمة الله؟»

فقال: بلى يا رسول الله! فرمود: آیا می‌خواهید من شما را به نشانه‌های قیامت با خبر کنم؟

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! بله می‌خواهیم ما را خبر کنی!

فقال ﷺ: «ان من اشراط القيامة اضاءة الصلوة و اتباع الشهوات و الميل مع الاهواء و تعظيم المال و بيع الدين بالدنيا فعندها يذاب قلب المؤمن و جوفه كما يذوب الملح في الماء مما يرى من المنكر ولا يستطيع ان يغيره...».

پس رسول خدا ﷺ فرمود: همانا که از نشانه‌های قیامت آن است که مردم نماز را ضایع می‌کنند و دنبال رو شهوات هستند و تمایلشان به سوی هوای نفس است مال را بزرگ می‌شمارند و دین را به دنیا می‌فروشند در چنین وضعی همانگونه که نمک در آب حل می‌شود دل و اندرون مؤمن آب می‌شود چرا که منکرات را می‌بیند ولی قدرت اصلاح و تغییر آن را ندارد.

سلمان عرض کرد: آیا این‌ها از اموری است که تحقق می‌یابد؟

پیامبر ﷺ فرمود:

آری سوگند به آن کسی که جان من در دست اوست، ای سلمان! در آن

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۲. محمد / ۱۸.

وقت افرادی که بر مردم حکومت دارند و زمام آن‌ها را در دست داشته و بر آن‌ها ولایت دارند کسانی هستند که همه آن‌ها ستمکار و ظالمند، وزرایی که فاسقند... و امین‌هایی که همه اهل خیانتند...

ای سلمان! در آن وقت منکرات و گناه و زشتی در بین مردم کارهای نیکو محسوب می‌شود و کارهای نیکو به صورت کارهای ناپسند جلوه می‌کند و مردم خیانت پیشه مورد اعتماد و امانت قرار می‌گیرند و به افراد درستکار نسبت خیانت داده می‌شود و مرد دروغگو را تصدیق کنند و به دروغ‌های او صحه درستی می‌نهند و مرد راستگو را دروغگو شمارند و به گفتار او ترتیب اثر ندهند...

ای سلمان! در آن زمان زنان با شوهرانشان در امور خارج از منزل مانند تجارت، شرکت می‌کنند و باران در تابستان می‌بارد و انسان‌های بزرگ پیوسته در خشم و غضب فرو می‌روند و مردم بی‌چیز و تنگدست مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند...

همه مردم از کار و کسب خود در گله و شکوه هستند یکی می‌گوید: من چیزی نفروختم، دیگری می‌گوید سودی نبردم و در آن وقت می‌نگری که تمام مردم در مقام گالیه از خداوند و مذمت او هستند...

ای سلمان! کسانی در آن زمان بر مردم حکومت می‌کنند، که اگر مردم برای دفاع از حقوق خود و برای حق اولیه خود کوچکترین مطلبی سخن گویند آن‌ها را می‌کشند و اگر مردم سکوت هم اختیار کنند آن‌ها اموال و نفوس و آبرویشان را مباح می‌شمارند و برای استفاده از کار و زحمت و دسترنج آن‌ها از خوردن خونشان و ریختن آن دریغ نمی‌کنند زنان و دختران آن‌ها را به بیگاری می‌برند و اعمال منافی عفت انجام می‌دهند و احترام آن‌ها را پایمال می‌کنند.

و خون مردم بیچاره را بی‌مهابا و بدون پروا می‌ریزند و در دل‌هایشان ترس به اندازه‌ای وارد می‌کنند که کسی حق نفس کشیدن ندارد...
ای سلمان! در آن زمان چیزی از مشرق و چیزی از مغرب برای مردم می‌آورند که بدین وسیله امت مرا رنگ می‌کنند...

گفتار آن‌ها همه فحش و زشتی است هیکل آنان شکل آدمی است ولی دل‌های آن‌ها دل‌های شیاطین است...

ای سلمان! در آن زمان مردها به مردها (لواط) و زن‌ها به زن‌ها (مساحقه) اکتفا می‌کنند در آن زمان همانگونه که یک زن در خانه شوهر خود، مورد حفظ است تا به او تعدی نکنند تا صرفاً برای مرد خود باشد، همین طور افرادی هستند که جوانان تازه به سن رسیده را به خود اختصاص می‌دهند و در اعمال نامشروع آن‌ها را مورد حراست و حفظ خود قرار می‌دهند تا کسی دیگر به آن‌ها توجهی نکند آنگاه مردها خود را شبیه به زنان و زنان خود را مثل مردان می‌کنند و زنان سوار بر زین‌ها (اسب‌ها) می‌شوند پس بر آن زنان امت من لعنت باد...

ای سلمان! در آن وقت مردم مساجد را زینت می‌دهند همان طوری که معبدهای نصاری و یهود را زینت می‌کنند و قرآن‌ها را با نقش و نگار، زیبا می‌کنند، و مأذنه‌های مساجد را بلند می‌سازند تا اشراف بر خانه‌های اطراف پیدا می‌کند و صف‌های نماز جماعت بسیار می‌شود و مردم در این نمازها با دلی پر از کینه و حسد و دشمنی با یکدیگر و با زبان‌هایی منافقانه و سخن‌های بی‌هوده و نیت‌های فاسد شرکت می‌کنند...

ای سلمان! در آن زمان رباخواری در بین مردم ظاهر می‌شود و مردم با غیبت و رشوه با یکدیگر معامله می‌کنند و دین در نزد مردم ضایع می‌شود و نازل و پایین می‌آید و دنیا بالا رفته و به درجات عالی می‌رسد.

یا سلمان! «و عندها یكثر الطلاق فلا یقام لله حدو لن یضرب الله شیئا».

ای سلمان! در آن زمان طلاق زیاد می‌شود و حد الهی جاری نمی‌گردد و این‌ها به خداوند ضرری نمی‌رساند.

ای سلمان! در آن زمان استفاده از آلات موسیقی رونق می‌یابد پولداران امت من برای تفریح به حج می‌روند و متوسطین از اتمم برای تجارت و فقراء اتمم برای خودنمایی و سمعه حج می‌گذارند در آن موقع بسیاری از مردم قرآن را برای غیر خدا یاد می‌گیرند...

و اولاد زنا زیاد می‌شود و قرآن را به صورت لهو و با صوت تغنی

غیرمشروع می‌خوانند و همه مردم برای رسیدن به دنیا و مراتب آن تلاش می‌کنند و سعی می‌کنند تا در امور دنیا از هم پیشی گیرند... در آن زمان پرده عصمت مردم دریده می‌شود... و معصیت‌های خدا رواج می‌گردد و دروغ علنی بین مردم رایج می‌شود... مردم با لباس خود بر هم دیگر مباحثات می‌کنند و بارانهای فراوان در غیر فصل باران پیدا و نازل می‌شود و اشتغال به لهو و لعب امری نیکو شمرده می‌شود... در بین زهاد و علما بدبینی پدیدار می‌شود و پیوسته در صدد عیب‌جویی و ملامت از یکدیگر بر می‌آیند این چنین افرادی در ملکوت آسمان‌ها موجودات پلید و کثیف خوانده می‌شوند...

ای سلمان!

به فقراء و ضعفا اعتناء و کمکی نمی‌شود افراد نیازمند از این جمعه تا آن جمعه درخواست می‌کنند ولی کسی پیدا نمی‌شود که در دست آن‌ها چیزی بگذارد...!

۱۰

زنانشان قبله آن‌ها هستند

قال رسول الله ﷺ: «يأتي على الناس زمان بطونهم آلهتهم و نساوهم قبلتهم و دنانيرهم دينهم و شرفهم متاعهم...» زمانی خواهد آمد که خدای مردم شکم آن‌ها و قبله شان زنانشان و دینشان درهم و دینار است و عزت به مال دنیا است ایمان، امری تشریفاتی و همه، اسم اسلام را یدک می‌کشند.

و برای حفظ ظاهر، فقط قرآن را یاد می‌گیرند و مساجد زیبا می‌سازند... صحابه با تعجب پرسیدند: یا رسول الله آیا مردم واقعا بت پرست می‌شوند؟ پیامبر ﷺ فرمود: بله: هر دره‌می در این زمان یک بت است.^۲ و در روایتی دیگر: قال رسول الله ﷺ: «يأتي على امتی زمان تكثر فيه الاراء و تبتغ فيه الاهواء و يتخذ القرآن مزامر...».

زمانی بر امت من خواهد آمد که رأی‌ها بسیار می‌شود و از خواهش‌های

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۰۳ - بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۰۵ باب ۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳، باب ۱۴.

نفسانی پیروی می‌کنند و قرآن را با سرود و ترانه و آواز غنا می‌خوانند و قرائت قرآن موجب ترس آن‌ها نمی‌شود (در آن‌ها اثر نمی‌کند) و خداوند به قرائت آن‌ها از قرآن اجری نمی‌دهد بلکه آن‌ها را لعنت می‌کند...

مردم از شنیدن آواز و آهنگ‌های خوش به نشاط می‌آیند و حلاوت و شیرینی قرائت قرآن را نمی‌چشند...

مردم گرفتار فتنه و هرج و مرج و قتل و آشوب می‌شوند و ...

زن‌ها مجلس‌هایی برپا می‌کنند و دسته بندی‌های (حزبی و سیاسی) زیاد می‌شود تا این اندازه که زن در مجالس مانند مردان سخنرانی می‌کند و اجتماعاتشان برای لهو و لعب است نه برای رضای خدا...

پس وقتی که آن‌ها را دیدید (آن زمان را درک کردید) با آن‌ها قطع رابطه کنید و برای رضای خدا از آنان پرهیز کنید زیرا که ایشان جنگ‌کنندگان با خدا و پیغمبرانند و خدا و رسول او از آن‌ها بیزارند.

«فانهم حرب لله ولرسوله والله ورسوله منهم بربی»^۱

اسم و رسم در آخر الزمان

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

«سیاقی زمان علی امتی لایبقی من القرآن الا رسمه ولا من الاسلام الا اسمه...». به زودی

زمانی بر امت من فرا رسد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم باقی نمی‌ماند آنان به نام مسلمان خوانده می‌شوند در حالی که دورترین مردم از اسلام‌اند مساجد آنان آباد و از هدایت خراب است...^۲

روایتی دیگر از رسول خدا ﷺ می‌باشد که نشانه‌های آخر الزمان را به کنایه بیان فرموده‌اند: آن گونه که می‌فرمایند: - وقتی که امت من نماز را ضایع کنند - از شهوات پیروی کنند - خیانت در میان مردم زیاد شود - امانت و امانتداری کم شود - و مردم همدیگر را سب و لعن کنند - قیمت‌ها بالا رود - افراد نسبت به یکدیگر بدبین شوند - مردم در زندگی گرفتار تجملات

۱. نواب الدهور، ج ۱، ص ۱۶۹. با تلخیص.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰. با تلخیص.

شوند و قناعت و میانه روی از بین برود. خلاف پسندیده شود. افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند. نادانها به دلیل نادانی خود مشهورند. مردم خانه‌های خود را زینت دهند. قصرها و خانه‌های بلند ساخته شود. باطل را به لباس حق جلوه دهند. زشتی دروغ از بین برود به حدی که لباس راستی بر آن پوشانند. گمراهی و راه کج رفتن را هدایت بدانند. کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند. محبت نسبت به یکدیگر وصله رحم از دل‌های مردم برداشته شود. مردم کارهای باطل و ناچیز را نیکو بدانند. قرآن را به بازی بگیرند. رحم و مهربانی از دل‌های همه مردم برود. اموال بیت‌المال را مال شخصی خود بدانند. به نافرمانی از خداوند مباهات کنند. در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از این طرف به آن طرف و از این قله کوه به آن قله کوه و از این دره به دره دیگر برود تا سلامت دین داشته باشد.

مردم در کارهایشان به خداوند بی‌اعتنا باشند. تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد. هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم.^۱
امیر بیان و کلام حضرت مولی‌الموحیدین علی بن ابیطالب علیه السلام در خطبه‌ای به نام خطبه‌البیان ضمن معرفی خود می‌فرماید: «انا ابو الائمة الاطهار انا ابوالمهدی القائم فی آخر الزمان».

منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی علیه السلام که در آخر الزمان قیام می‌کند.
در این وقت مالک اشتر نخعی از پایین منبر عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! این قیام کننده از فرزند شما چه وقت قیام می‌فرماید؟
حضرت فرمود: «اذا زهق الزاهق - وخفت الحقائق - و لحق اللاحق - وثقلت الطهور و تقاربت الامور و حجب النشور و ارغم المالك - وسلک السالك... و اشکل الاشکال - و شیع الکربال - و منع الکمال... فعند ذلك ترقبوا خروج صاحب الزمان علیه السلام».

هنگامی که نابود شونده نابود شود. و حقایق مخفی شود. و ملحق شونده ملحق شود. و پشت‌ها سنگین شود. و کارها و اشیاء نزدیک به هم شوند. و از انتشار جلوگیری شود. و دماغ مالک به خاک مالیده شود... و عرب‌ها با هم

۱. نوائب الدهور، ص ۲۹۱، این روایت خلاصه شده است.

اختلاف کنند- و خواسته‌ها شدید شود- و ام‌ها درخواست شود - و اشک‌ها روان شود - و گوش‌ها کر شود - شیطان چیره گردد- و واجب الهی تعطیل شود... کمبود شدت گیرد - و حرام زادگان به پا خیزند... و امور شبیه به هم، هم شکل شوند - و سوزانده و نابود شوند غربال - و از کمال منع شود...

پس در آن هنگام انتظار بکشید ظهور صاحب‌الزمان را.^۱

و در روایتی دیگر: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «والفتن اربع فتنه السراء و فتنه الضراء...».

فتنه (فتنه آخرالزمان) بر چهار قسم است: فتنه سراء، فتنه ضراء و فتنه

کذا...^۲

۱۲

دلیل جنگ با امام زمان علیه السلام

این چنین جامعه‌ای است که از حیث محتوا چنان سقوط می‌کند و آنگونه تهی و بی‌مغز می‌شود که دچار قرائت‌های جدیدی از اسلام می‌شوند در نتیجه در مقابل اسلام مجسم، حضرت بقیة‌الله علیه السلام شمشیر بر می‌کشند چنانچه در روایت آمده است که: امام صادق علیه السلام فرمود: «القائم علیه السلام یلقى فی حربہ مالم یلق رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم...».

قائم علیه السلام در پیکار خود با چیزی روبه‌رو خواهد شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با آن رو به رو نگردید همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی به سوی مردم آمد که آنان بتهای سنگی و چوب‌های تراشیده را می‌پرستیدند ولی زمان قائم علیه السلام چنان است که بر او می‌شورند و کتاب خدا را بر ضد او تأویل می‌کنند آن گاه به استناد به همان تأویل با او به جنگ بر می‌خیزند.^۳

و در غیبت طوسی ص ۲۸۳ امام صادق علیه السلام فرمود: چون قائم قیام کند چیزی آورد غیر از آنچه که قبلاً بوده است.^۴

شاید چیز جدیدی را که امام می‌آورد جدید نباشد بلکه دین و سنت واقعی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که تحریف و تغییر یافته و آن را احیاء می‌نماید

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. الحاوی للفتاوی، جلال‌الدین سیوطی، ص ۳۷۲.

۳. غیبت نعمانی، ص ۴۲۴.

۴. یاتی علی الناس زمان، ص ۵۳۹.

لذا برای مردمی که مستغرق در بدعت‌ها بوده‌اند دین امام جدید جلوه می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «انه اول قائم يقوم منا اهل البيت يحدثكم بحديث لا تحتملونه فتخرجون عليه برميلة الدسكرة فتقاتلونه فيقاتلونهم فيقتلونهم».

در وقت ظهور، قائم ما برایتان سخنانی گوید که تاب شنیدن آن را ندارید علیه او در رميله^۱ شورش خواهید کرد او با شما جنگیده و شما را نابود خواهد کرد.^۲

۱۳

علت قیام مردم بر علیه امام عصر علیه السلام

در روایتی امام علی علیه السلام علت شورش و عدم تحمل مردم را بیان می‌فرمایند چنانچه می‌فرماید: «ويحيى ميت الكتاب و السنة».

«مهدی علیه السلام کتاب و سنت مرده و از میان رفته را زنده می‌کند».^۳

آنچه که واضح است آن است که امام بعد از ظهور با اخلاقیات و رفتارهای و جریانات غلط اجتماعی و سیاسی برخورد کرده و آن را اصلاح می‌نماید و اساساً ظهور امام مثل بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله بخش وسیعی از آن تکمیل و ترمیم اخلاقی بشری خواهد بود که متأسفانه در این اصلاح عده‌ای در مقابل اصلاحات امام قیام می‌کنند. چنانچه در روایت به آن تصریح شده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: **يضع كما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله يهدم ما كان قبله كما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله امر الجاهلية و يستأنف الاسلام جديدا.**

راه و روش او، مثل رسول خدا صلی الله علیه و آله است هرچه را پیش از او باشد ویران می‌کند چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو می‌نماید.^۴

۱. منطقه‌ای در عراق است.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۴. کشف الغمه، اربلی ج ۳ ص ۲۵۴.

و در روایتی دیگر می‌فرماید: «و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا» و اسلام پوستین وارونه شود.^۱

و در روایتی دیگر می‌فرماید: «أیها الناس سیاتی علیکم زمان یکفاء فیہ الاسلام کما یکفاء الاناء بما فیہ».

ای مردم! روزگاری خواهد آمد که اسلام را از حقیقت آن دور کنند همچون ظرفی که واژگونش کنند و آن را از آنچه دارد از درون تهی سازند.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا خرج القائم بامر جدید و کتاب جدید و سنة جدید و قضا جدید».

هنگامی که قائم خروج کند امر و کتاب و روش و داوری جدید با خود می‌آورد.^۳

امام علی علیه السلام می‌فرماید: به خدا سوگند مثل این که او را بین رکن و مقام می‌بینم که مردم با او و کتابی نوین بیعت می‌کنند در حالی که این امر بر عرب سخت و دشوار است...^۴

ابن ابی‌یعفور از امام صادق علیه السلام نقل کرده که حضرت به او فرمود: وی اولین قائمی است از ما اهل بیت که قیام می‌کند و با شما سخنی می‌گوید که تحمل آن را ندارید و در رمیله و دسکره^۵ بر او خروج می‌کنید و با او می‌جنگید او نیز با شما می‌ستیزد و همه شما را به قتل می‌رساند...^۶

۱۴

مخالفین امام عصر علیه السلام تنها کفار نیستند!

در روایتی امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی که صاحب این امر (امام عصر علیه السلام) به بعضی از احکام و سنت حکم کند و سخن بگوید گروهی از مسجد بیرون آمده و آهنگ خروج بر او را

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

۳. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱.

۵. رمیله و دسکره دو منطقه در عراق می‌باشد.

۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ۳۴۵.

دارند وی (امام زمان علیه السلام) به یارانش دستور می‌دهد حرکت کنید و آن‌ها نیز حرکت می‌کنند و خود را در محله تمارین (خرمافروشان) در کوفه به آن‌ها می‌رسانند و آن‌ها را به اسارت خویش درمی‌آورند آنگاه به امر آن حضرت آنان را سر می‌برند این آخرین گروهی است که بر قائم آل محمد علیه السلام خروج می‌نماید.^۱

۱۵

بدون جنگ، کار سامان نمی‌گیرد

بعضی پنداشته‌اند امام عصر علیه السلام بدون خونریزی و جنگ امور دنیا را اصلاح می‌فرماید: در صورتی که روایات، مطلب دیگری را تبیین می‌فرماید: «راوی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردم می‌گویند: مهدی که قیام کند کارها خود به خود درست می‌شود و به اندازه یک حجامت خون نمی‌ریزد.

امام فرمود: **كَلَّا وَالَّذِي نَفْسُهُ بِيَدِهِ لَوْ اسْتَقَامَتِ الْاِحَادُ عَفْوًا...**

هرگز چنین نیست به خدای جهان آفرین سوگند اگر قرار بود کار برای کسی خود به خود درست شود برای پیامبر صلی الله علیه و آله درست می‌شد هنگامی که دندان‌ش شکست و صورتش شکافت، هرگز چنین نیست که کار خود به خود درست شود به خدای جان آفرین سوگند کار درست نشود تا اینکه ما و شما در عرق و خون غرق شویم».^۲

از این روایات می‌فهمیم که حضرت با همه ابزارهای جنگی موجود در ارتش‌های کفر به جنگ بر می‌خیزد و بدیهی است در بخشی از آن جنگ حضرت از این ابزار استفاده خواهد نمود.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵ و ۳۴۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

چگونه از بلاهای آخر الزمان رهایی یابیم؟

در مستدرک، ج ۴، ص ۴۴۰ رسول خدا ﷺ فرمود: فتنه‌هایی در پیش دارید که مثل پاره شب تاریک است راوی عرض کرد: چه کنیم یا رسول‌الله؟ حضرت فرمود: پلاس خانه باشید.^۱

و در همان کتاب ص ۴۴۸ فرمود: فتنه‌ها مثل سیل خواهد آمد و چون آن را دیدید در خانه‌های خود جمع شوید و شمشیرهای خود را بشکنید و صورت خود را بپوشانید.^۲

در الزام‌الناصب ص ۱۹۷ امام علی علیه السلام فرمود: بهترین مردم در زمان فتنه کسی است که در خانه خود مخفی باشد و با کسی رفت و آمد نداشته باشد...^۳

- عبدالحمید واسطی به خدمت امام باقر علیه السلام عرض کرد: ما بازارها را ترک کرده‌ایم به انتظار این امر (ظهور).

امام فرمود: ای عبدالحمید! خیال می‌کنی هر کس برای خدا زحمت کشید و خود را نگاه داشت خدا برای او راهی قرار نمی‌دهد؟

بلی! به خدا قسم خداوند راه گشایشی برای او قرار خواهد داد خدا رحمت کند بنده‌ای را که خود را برای ما نگاه دارد.^۴

- فضل‌بن‌شاذان... از عمار یاسر نقل می‌کند که او فرمود:

«دعوة اهل بیت نبیکم فی آخر الزمان فالزموا الارض وکفوا حتی تروا قاداتها...». دعوت

اهل بیت پیامبر شما در آخر الزمان آن است که ملازم خانه‌های خود باشید و از جای خود حرکت نکنید و صبر پیشه کنید تا اینکه رهبر قیام را ببینید. پس هرگاه ترک‌ها با رومی‌ها درگیر شوند و جنگ و خونریزی در زمین بالا گیرد منادی بر دروازه دمشق فریاد خواهد زد که وای از شری که نزدیک شده است و نیز دیوار مسجد دمشق فرو ریزد.^۵

۱. پلاس خانه بودن به معنی این است که در حداقل و در هنگام ضرورت از خانه خارج شدن.

۲. یاتی علی الناس الزمان، ص ۱۴۸.

۳. یاتی علی الناس زمان، ص ۱۳۲.

۴. یاتی علی الناس زمان، ص ۹۳.

۵. غیبت طوسی، ص ۲۶۸ و بحار الانوار.

- رسول خدا ﷺ فرمود:

وقتی دیدی مردم عهد و پیمانهایشان درهم و برهم و مختلط شد و امانت‌هایشان سبک شمرده شد پس ملازم خانه خود باش و مالک زبان خود باش و بگیر آنچه را که می‌شناسی و واگذار بکن آنچه را که نمی‌شناسی و به کار شخصی خود پردازد و در امر عامه دخالت مکن.^۱

- امام صادق علیه السلام به سدید فرمود: «یا سدید! الزم بیتک وکن جلسا من احلاسه واسکن ما

سکن الليل و النهار فاذا بلغ ان السفیانی قد خرج فارحل الینا و لو علی رجلک».

ملازم خانه خود باش و گلیمی از گلیم‌های آن پس تا آنگاه که شب و روز (قبل از علامت صیحه آسمانی) ساکن هستند در خانه خود باش پس هرگاه خبر رسید که سفیانی خروج کرده به سوی ما کوچ کن اگرچه با پای خود (یعنی حتی با نبود مرکب با پای پیاده حرکت کن).^۲

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گلیم‌های خانه‌های خود باشید زیرا که فتنه

برای کسی است که او را برانگیزند...^۳

- امام رضا علیه السلام می‌فرماید: زود است که بر مردم زمانی بیاید که عافیت

در آن زمان ده جز باشد نه جز از آن در جدا شدن از مردم و یک جز از آن در سکوت باشد.

و در روایتی دیگر فرموده‌اند: فساد عمومیت، پس بیشتر عافیت در این

است که از مردم جدایی جوید و سکوت از اهل جور.^۴

- جابر جعفی از امام باقر علیه السلام بعد از شرح علامات ظهور پرسید: چه چیزی

بهترین چیز است که مؤمن در آن زمان (آخرالزمان) عمل کند.

امام فرمود: «حفظ اللسان و لزوم البیت».

حفظ زبان و خانه نشینی.^۵

۱. مختصر تذکره، ص ۲۰۱.

۲. مهدی منتظر، ص ۲۹۲.

۳. مهدی منتظر، ص ۲۹۱.

۴. مهدی منتظر، ص ۲۹۱.

۵. مهدی منتظر، ص ۲۹۰.

- در این چند صفحه دو مطلب مهم آمده است:
۱. از گناهانی که به عنوان نشانه‌های مردم آخرالزمان در روایات به آن اشاره شده است باید شدیداً پرهیز نمود.
 ۲. حضرات ائمه اطهار علیهم‌السلام به منظور رهایی ما در دوره آخرالزمان راهنمایی لازم را برای نجات و عاقبت بخیری مؤمنین فرموده‌اند پس شایسته است به راه‌های رهایی امامان علیهم‌السلام توجه دقیق کرد.



انتشارات سجید نقین

بخش ۲

اتفاقات در کشورهای خاور میانه قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام



(ایران، عراق، شام (سوریه)، مصر، بیت المقدس، بحرین، افغانستان و اسرائیل، لبنان و فلسطین)

۱۸

وضیعت ایران و همسایگان قبل از ظهور

امام صادق علیه السلام فرمود: «بلدة یجری فی وسطها النهر و فی جنبها مضجع الامامین یقوم فیها رجل اول اسمه عبد...».

یعنی: شهری ساخته می شود که در وسط آن شهر رودخانه ای جریان دارد و در کنار آن مرقد دو امام واقع شده (بغداد) در آنجا مردی قیام می کند که اول نام او عبد است او بر علیه پادشاه آن دیار دست به انقلاب می زند تا اینکه پادشاه و وزراء و دوستان او را به قتل می رساند... سپس در ماه رمضان مرد دیگری قیام می کند که اول نام او نیز عبد است و او عبد اول را که بر علیه پادشاه وقت قیام کرده به قتل می رساند. آنگاه عبد دوم که عبد اول را در نیمه ماه رمضان کشته است.

«یطیر فی طائرة فتحترق ویهلك» در طیاره‌های پرواز می‌کند و طائرہ او می‌سوزد و به هلاکت می‌رسد.

سپس (ایرانیان) دست به انقلاب می‌زنند و در ماه محرم خونهای بسیاری بر زمین ریخته می‌شود تا آنجا که شاه عجم از ترس مردم پا به فرار می‌گذارد و از کشور می‌گریزد و از شدت غصه و اندوه به هلاکت می‌رسد (اشاره به درک واصل شدن محمدرضا شاه پهلوی دارد که از ترس مردم فرار کرد و از غصه در خارج مُرد).

«وتدوم الفتنة و یدوم الانقلاب و بشر الناس بظهوره الحجة».

پس از آن آشوب‌ها ادامه دارد و انقلاب نیز ادامه دارد و بعد از این جریانات مردم را به ظهور حجت‌بن‌الحسن بشارت ده.^۱
- یکی از علائم ظهور ایجاد اختلاف و دو دستگی در میان دو صنف از عجم می‌باشد بطوری که خون ریزی بسیاری در بین آن‌ها پدیدار می‌گردد.
- امام صادق می‌فرماید:

«تربة قم مقدسه و اهلها منا و نحن منهم... انهم انصار قائمنا و دعاه حقنا».

خاک قم مقدس است و ساکنانش از مایند و ما از آن‌ها ایم... ایشان یاوران قائم ما و مبلغان حق ما هستند.^۲

- عنوان بصری از امام صادق روایت می‌کند که آن حضرت فرمود:
آیا هیچ می‌دانید که شهر قم را چرا قم نام گذاشتند؟
عرض کردم: خدا و رسولش آگاه‌ترند.

حضرت فرمود: برای آن که اهل قم در موقع ظهور ولی عصر با قائم‌آل محمد همراه می‌باشند و او را نصرت می‌دهند.
- امام صادق می‌فرماید:

۱. بیان الاثمه، ج ۱، ص ۲۲۲.

(در توضیح روایات فوق جالب توجه است که اولین رئیس جمهور عراق بعد از رژیم سلطنتی ملک فیصل شخصی بنام عبدالکریم قاسم بود پس از او عبدالسلام عارف با کودتا راس کار آمد، همان کسی که هنگام پرواز هواپیمایش در هوا آتش گرفت و به درک واصل شد و بعد از او برادرش عبدالرحمن عارف آمد و بعد از او نیز حسن البکر با یک کودتا رئیس جمهور شد...). در سال ۱۹۵۸ میلادی سرهنگ عبدالکریم قاسم کودتای نظامی کرد و رژیم سلطنتی را در عراق سرنگون کرد و رژیم جمهوری را در عراق برقرار ساخت.

۲. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸.

شهر قم وطن ما و شهر شیعیان ماست شهری است با قداست و پاکیزگی...

سپس فرمود: اهل قم از انصار و یاوران امام زمان ع و مراعات کنندگان حقوق ما اهل بیت‌اند.

سپس سر به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:
خداوندا اهل قم را از فتنه‌ها و بلاها حفظ فرما و آن‌ها را از ضلالت و گمراهی محفوظ و رستگارشان فرما.^۱

۱۹

انقلاب ایران و...

عن ابی جعفر ع: «انه قال: کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا راوا ذلك وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سالوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ولایدفعونها الا الی صاحبکم قتلاهم شهداء اما انی لو ادرکت ذلك لاسبقت نفسی لصاحب هذا الامر».

امام باقر ع می‌فرماید:

مردمی از مشرق زمین قیام کرده حق را طلب می‌کنند ولی طاغوت زمان، حق حکومت آنان را نمی‌شناسد پس از مدتی دوباره حق را می‌طلبند و این بار نیز از دادن حق آنان سرباز می‌زنند ولی آن‌ها وقتی وضع را چنین دیدند شمشیرهای خود را بر شانه‌ها و گردنهای خود می‌نهند و با حکومت طاغوت می‌جنگند.

باز هم خواست آن‌ها را نمی‌دهند اما در این مرتبه مردم نیز قیام می‌کنند و حکومت را در دست دارند تا به صاحب حقیقی (امام زمان ع) تحویل دهند کشته‌های آنان شهیدند آگاه باشید اگر من آن زمان را دریابم خود را برای صاحب امر نگه می‌دارم.^۲

- در بحارالانوار از پیشوایان دین روایت شده است که: قم مرکز علم و دانش می‌گردد و ندای اسلام به تمام عالم از شرق و غرب و جن و انس می‌رسد...

۱. ترجمه کتاب السماء، بحارالانوار، ج ۴، ص ۲۱۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۳، حدیث ۵۰.

این پیشامدها در زمان غیبت امام زمان علیه السلام و در نزدیکی ظهور آن حضرت واقع می‌شود و آنان جانشینان امام زمان هستند تا آن که پرچم اسلام را به حضرت مهدی علیه السلام بسپارند...^۱

- امام صادق علیه السلام: زمانی می‌آید که شهر قم و مردم آن بر تمام مردمان عالم حجت می‌شوند تا آنگاه که ولی عصر علیه السلام ظهور نماید و اگر چنین نبود زمین اهل خود را می‌بلعید...^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «یخرج ناس من المشرق فیوطنون للمهدی سلطانه». مردی از مشرق زمین قیام می‌کند و زمینه را برای تسلط مهدی علیه السلام فراهم می‌سازد.^۳

۲۰

عراق قبل از ظهور امام عصر علیه السلام

مفضل بن عمر درباره وقایع آخرالزمان و قیام امام مهدی علیه السلام و ... از امام صادق علیه السلام درباره بغداد و حاکمان زور چنین آمده است که:
مفضل گفت: حضور امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای آقای من! در آن وقت دارالفاسقین چگونه است و چه وضعی دارد؟ امام فرمود: مشمول لعنت و خشم و غضب خداوند است و فتنه‌ها و آشوبها آن را (بغداد) ویران می‌کند...

«فالویل لها و لمن بها کل الویل من الرايات الصفرة و رايات المغرب و من یجلب الجزیره و من الرايات اللتی تسیر الیها من کل قریب او بعید». ای وای بر بغداد^۴ و بر مردمی که در آنجا سکنای می‌گزینند از پرچم‌های زرد و پرچم‌هایی که از مغرب (غربیان) می‌آیند آن کسی که جزیره را (بصره) به آشوب می‌کشد و از پرچم‌هایی که از دور و نزدیک به آنجا رو می‌آورد که تمام بدبختیها و گرفتاری‌ها و ویرانی‌ها به وسیله آنهاست.

۱. بحارالانوار، ج ۶۰، باب ۳۶.

(بحمدالله این اتفاق اکنون در قم به وقوع پیوسته مبلغین مذهبی از قم به کشورهای خارجی و به شهرهای ایران اعزام می‌شوند و رادیوی معارف قم به چندین زبان برنامه‌های معارفی خود را پخش می‌نماید).

۲. سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۳. کنز العمال، حدیث ۳۸۶۵.

۴. زوراء نام بغداد است که در روایت آمده است.

به خدا سوگند که هر گونه عذاب و بلائی که بر امت‌های سرکش گذشته از اول خلقت تا پایان روزگار رسیده است بر بغداد فرود می‌آید. عذاب‌هایی به بغداد خواهد رسید که هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ گوش‌ی آن را نشنیده است.^۱

و طوفان شمشیر آن‌ها را درو خواهد نمود...

و روزی برسد که فرمانروایانی دروغگو و افترازن که به خدا دروغ می‌بندند و به غیر کتاب خدا فرمان می‌دهند در آن ظاهر شوند و خونریزی چنان در بغداد شایع شود و روز به روز گسترش یابد تا جایی که فجایع تمام دنیا به پای آن نرسد.

سپس خداوند همین بغداد را بوسیله آن فتنه‌ها و آشوبها و همان پرچمها چنان ویران کند که وقتی رهگذری از آنجا بگذرد بگوید: آری: زوراء (بغداد) در اینجا بوده است.^۲

- جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام درباره سفیانی سؤال کردم حضرت فرمود: سفیانی خروج نمی‌کند مگر آنکه قبل از او شیبصانی^۳ در سرزمین عراق خروج کند او همچون جوشیدن آب از زمین می‌جوشد و فرستادگان شما را به قتل می‌رساند بعد از آن در انتظار خروج سفیانی و ظهور قائم باشید.^۴

۲۱

بصره قبل از ظهور امام عصر علیه السلام

زمانی که امیرمؤمنان از جنگ جمل فارغ شد منادی را امر کرد تا اعلام کند مردم از فردا به مدت ۳ روز در نمازها حاضر شوند و هیچ کس بدون عذر، حق سرپیچی ندارد چون روز معین فرا رسید و مردم اجتماع کردند

۳۲۰

۱. شاید اشاره به جنگ خلیج فارس در سال ۶۹ باشد آمریکا و کشورهای عضو ناتو با عنوان و اسم طوفان صحرا به کشور عراق توسط بوش شدیداً مورد حمله واقع شده است. چنانچه در روایات بعدی به آن پرداخته خواهد شد و این جنگ عراق با آمریکا سر فصل ظهور امام عصر علیه السلام در روایات تلقی شده است.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۴ شبیه این روایات نیز در خطبه ۷۰ نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید آمده از امام علی علیه السلام در مسجد کوفه نقل شده و در آن خطبه اشاره به نزدیکی ظهور امام عصر نیز دارد.

۳. شیبصانی در روایات، مردی است دشمن اهل بیت.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۰.

امام در آن مکان حضور یافت و نماز صبح را در مسجد جامع بصره با مردم گذارد بعد از پایان نماز، حضرت ایستاد و در حالی که پشت به قبله و به دیوار سمت راست مصلا تکیه زده بود مردم را مخاطب قرار داد آنگاه بعد از حمد الهی و صلوات بر پیامبر اسلام ص و طلب آمرزش برای مردان و زنان مؤمن فرمود: «ای مردم بصره، ای اهالی شهری که تاکنون سه مرحله اهل خود را به کام مرگ فرستاده است خداوند متعال مرحله چهارم را نیز محقق ساخته است.

ای لشکریان زن (عایشه) آیین شما نفاق است و آب آشامیدنی تان تلخ و غیرقابل استفاده خاک شهر شما بدبوترین خاک‌های شهرهای خداست و دورترین آن‌ها از رحمت خداوند...

گوئیا می‌بینم شهر شما را آب پوشانده بگونه‌ای که غیر از مناره مسجد که مانند سینه پرنده‌ای در وسط دریا آشکار است چیز دیگری دیده نمی‌شود. در این هنگام احنف بن قیس ایستاد و سؤال کرد: ای امیرمؤمنان! این‌ها چه زمانی اتفاق می‌افتد؟
حضرت فرمود:

ای ابابحر! تو آن زمان را هرگز درک نخواهی کرد فاصله بین تو و آن زمان قرن‌هاست لکن باید حاضرین شما به غائبین و آن‌ها نیز به برادران دینی خود برسانند...

سپس حضرت فرمود: زمانی که دیدند نیزارهای آن تبدیل به خانه‌ها و آسمان خراش شده است پس فرار فرار (کنید).

که در آن روز دیگر بصره‌ای برای شما باقی نخواهد ماند آنگاه امام متوجه سمت راست خود شد و فرمود: چقدر فاصله بین شما و اُبُلَّة^۱ است؟ منذرین جارود عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چهار فرسخ حضرت به او فرمود: راست گفتی... آنگاه فرمود: از پیامبر شنیدم اینگونه که شما هم اکنون از من می‌شنوید روزی پیامبر ص به من فرمود:

ای علی! می‌دانی فاصله بین مکانی که بصره نام دارد و منطقه‌ای که

۱. نام منطقه‌ای در عراق.

آن را اُبَّله می‌نامند چهار فرسخ است بزودی این منطقه محل استقرار خراج‌گیران خواهد شد در آن مکان هفتاد هزار نفر از امت من شهید خواهند شد که به منزله شهدای جنگ بدر می‌باشند.

منذر سؤال کرد: ای امیرمؤمنان علیه السلام چه کسی آنان را می‌کشد؟ حضرت فرمود: آنان به وسیله کسانی که مانند شیاطین سیاه چهره و بدبو هستند کشته می‌شوند حرص و طمع آنان زیاد است ضربه‌هایشان محکم و کاری، اما غنیمت اندکی دارند خوش به حال کسی که به دست اینان کشته شود، برای مبارزه با آنان گروهی پیشقدم می‌شوند که نزد مستکبرین آن زمان خوار هستند و در زمین ناشناس و در آسمان معروفند آسمان و زمین و آنچه در آن‌هاست بر آنان می‌گریند سپس چشمان حضرت پر از اشک گردید و فرمود: و ای بر تو ای بصره از لشکری که نه صدا دارد و نه گرد و غبار. منذر سؤال کرد: یا ابالحسن! آنچه فرمودید که از غرق شدن برای آنان (اهل بصره) پیش می‌آید کدام است؟

حضرت فرمود: این لفظ (وای) دارای دو درب است یکی در رحمت و دیگری در عذاب، آری ای پسر! جارود خونخواهانی بزرگ که گروهی از آنان بعضی دیگر را به قتل می‌رسانند و از آن جمله فتنه و آشوبی است که تخریب خانه‌ها و شهرها و غارت اموال را به دنبال خواهد داشت و اسارت زنانی که با وضع بسیار بدی سر بریده می‌شوند. ای وای! که تا چه اندازه سرگذشت آنان عجیب است.

و از جمله آن نشانه‌ها دجال بزرگ است که یک چشم راست او ناپیدا است و در چشم دیگرش چیزی مانند گوشت جویده شده می‌باشد که آمیخته به خون است.

چشم وی مانند دانه انگوری که روی آب در گردش باشد از حدقه بیرون آمده است گروهی از مردم بصره که تعداد آن‌ها به اندازه شهدای اُبَّله می‌رسد و انجیل‌ها حمایل دارند از او پیروی می‌کنند در آن زمان عده‌ای کشته می‌شوند و عده‌ای فرار می‌کنند و پس از آن اتفاقاتی صورت می‌گیرد

مثل لرزش زمین، به اطراف پرتاب شدن، فرو رفتن، و به صورت دیگر در آمدن قیافه‌ها.

آنگاه گرسنگی در اثر قحطی و بعد از آن مرگ سرخ یعنی غرق شدن می‌باشد.

سپس امام فرمود:

شهر بصره در کتب آسمانی دارای سه نام دیگر غیر از بصره است که جز دانشمندان و علماء، آن‌ها را کسی نمی‌داند از آن جمله خُرَیْبَه، تَدْمَر و موتفکه است....

در ادامه این خطبه امام فرمود:

در یکی از روزها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مطلبی را به من فرمود و غیر از من کسی با آن حضرت نبود آنگاه امام فرمود: جبرئیل روح‌الامین مرا بر شانه راستش حمل نمود تا زمین و آنچه که بر روی آن وجود دارد را ببینم کلیدهای آن را به من سپرد و به آنچه که در زمین بود و تا روز قیامت خواهد بود مرا آگاه نمود آشنایی و آگاهی این امر برایم دشوار نبود همان طوری که بر پدرم آدم سخت نیامد آن زمانی که همه نام‌ها را پدرم آرام آموختند اما ملائکه آن‌ها را ندانستند.

آنگاه من در کنار دریا شهری را مشاهده نمودم که بصره نامیده می‌شد آن شهر دورترین قسمت زمین نسبت به آسمان بود نزدیک‌ترین شهرها به آب، آن سرزمین از سایر مکان‌ها زودتر خراب می‌گردد و دارای نامرغوب‌ترین خاک و شدیدترین عذاب‌ها خواهد بود که در قرون گذشته چندین بار به زمین فرو رفته و دیگر بار نیز چنین خواهد شد.

ای اهل بصره و ای روستاهای اطراف: آن روزی که آب آنجا را فرا می‌گیرد برای شما، از نظر بلا و مصیبت روز بس بزرگی خواهد بود من محل فوران و جوشش آب در شهر شما (بصره) را می‌دانم و قبل از آن حوادثی بزرگ و غیره منتظره به شما روی می‌آورد که از دیدگان شما پنهان است لکن ما به آن آگاهیم کسی که نزدیک غرق شدن، آن شهر را ترک کند رحمت خدا

شامل او شده است و کسی که در آن بدون توجه باقی بماند در گرو گناه خویش است خداوند نسبت به بندگان ستم نمی‌کند.^۱

۲۲

شهر بغداد قبل از ظهور امام عصر

زمانی که امیرمؤمنان علی علیه السلام از جنگ نهروان برمی‌گشت در منطقه‌ای به نام بُراثا فرود آمد در آن منطقه راهبی بنام حُباب در صومعه خویش بسر می‌برد همین که هیاهوی لشکریان را شنید از جایگاه خود به بیرون نگریست و نظاره‌گر سپاهیان امیرمؤمنان شد وی با مشاهده این وضع سراسیمه بیرون آمده و سؤال کرد:

فرمانده این لشکر چه کسی است؟ گفتند: امیرمؤمنان علیه السلام است که از جنگ نهروان برمی‌گردد حباب با شتاب خود را به آن حضرت رسانده و در حضور وی ایستاد و سخن آغاز کرد و عرضه داشت درود بر تو ای پیشوای راستین مؤمنان که بحق امیرمؤمنان هستی حضرت فرمود: چگونه دانستی که من امیرمؤمنان راستین و بر حق هستم؟

عرض کرد: دانشمندان و عالمان دینی ما چنین به ما آموخته‌اند... در این لحظات بود که حباب به آن حضرت عرض کرد: دستت را به من بده شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و....

امیرمؤمنان از او سؤال کرد کجا زندگی می‌کنی؟ گفت: در صومعه خویش حضرت به او فرمود از امروز به بعد در آن سکونت مکن اما در اینجا مسجدی بنا بگذار و آن را به نام بانی و صاحب این منطقه نامگذاری کن. بدین ترتیب مسجدی را در آنجا ساخت و نام آن را بُراثا گذاشت سپس حضرت فرمود: ای حباب از کجا آب می‌نوشی؟ عرض کرد: همین جا از دجله.

فرمود: چرا چشمه و چاهی حفر نمی‌کنی؟

عرض کرد: ای امیرمؤمنان هر وقت به حفر چاه مبادرت نمودیم آب آن شور و غیر گوارا بود حضرت اشاره فرمودند: در اینجا چاهی بکن، او حفر

۱. بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۲۵۶، باب ۴.

کرد تا به سنگی برخوردند که قادر به کندن آن نبودند آن حضرت سنگ را از جای برکنده از آن چشمه آبی جوشید که شیرین تر از عسل و دلپذیر از کره بود حضرت فرمود: ای حباب آب آشامیدنی تو از این چشمه است اما بزودی در مجاورت این مسجد تو شهری بنا خواهد شد که ستمگران در آن افزون و بلا و مصیبت‌های بزرگی بوجود خواهد آمد تا جائی که در هر شب جمعه هفتاد هزار عمل منافی عفت در آن انجام می‌شود وقتی که بلا و گرفتاریها به آنان روی آورد به مسجد تو هجوم می‌آوردند و آن را منهدم می‌سازند.^۱

۲۳

آتشی از آسمان برای بغداد و بصره

- امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

پیش از قیام قائم مردم در اثر گناهانشان بوسیله آتشی که از آسمان بر آن‌ها آشکار می‌شود در عذاب بوده و رنج می‌برند (که علائمی دارد) و آن رنگ سرخی است که آسمان را می‌پوشاند و فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و خون‌هایی که در آنجا ریخته می‌شود و خانه‌هایی که خراب می‌گردد و هلاکتی که در بین اهالی آن سامان به وجود می‌آید و چنان اضطرابی که اهل عراق را فرا می‌گیرد به گونه‌ای که موجب سلب آرامش آن‌ها می‌گردد.^۲

- مرحوم شیخ مفید فرمود: نشانه‌های قیام حضرت قائم و حوادثی که قبل از قیام آن بزرگوار بوجود می‌آید در روایات آمده است از جمله:... ترس و وحشت فزاینده‌ایی که اهل عراق و بغداد را فرا می‌گیرد و به وجود آمدن مرگ دسته جمعی در بین آنان و کمبود و کاستی در اموال و جان‌ها و محصولات... می‌باشد.^۳

- در علائم عمومی ظهور آمده که: باد سیاهی در اول روز در بغداد می‌ورزد

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

و اکنون این مسجد نزدیک شهر بغداد است و حملات امریکائی‌ها به این مسجد و مصائب و فسادهای این شهر به گوش همه رسیده است.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۱.

۳. ارشاد مفید، ص ۳۳۶.

و زلزله در آنجا روی می‌دهد بطوری که بسیاری از شهر فرو رفته و خراب گردد.

۲۴

نتیجه حمله به عراق

امام علی علیه السلام فرمودند: از من پرسید پیش از آنکه فتنه‌ای از شرق (ظاهر شود) پای خود را بردارد که مدیر و مدبری ندارد، و یا در آن فتنه فساد بسیار می‌شود و آن از دجله و یا اطراف آن یعنی بغداد آغاز می‌شود و تمام کسانی را که آن فتنه را آغاز کرده‌اند و جنگ ناخواسته‌ای را شروع نموده‌اند در نتیجه در آتش خود می‌سوزاند.

و سرانجام دود آن فتنه به چشم خودشان می‌رود - و همه کسانی که در آن شرکت می‌کنند و «رهبر» آن فتنه را در بغداد یاری می‌دهند و آتش این فتنه را دامن می‌زنند و او را در ادامه فتنه راهنمایی می‌کنند و سیل کمک‌های مادی و معنوی خود را بسوی بغداد سرازیر می‌نمایند و خلاصه همه کسانی که به نحوی در این فتنه دست دارند همگی از هستی ساقط می‌شوند و از میان می‌روند و جز اندوه و حسرت و پشیمانی برای آنان حاصلی ندارد.^۱

۲۵

فرعون عراق

بزنطی از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین آورده است: از حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره مسئله‌ای در موضوع (خواب) سؤال نمودم حضرت از جواب دادن خودداری نمود سپس فرمود: اگر ما آنچه را که شما می‌خواستید به شما بدهیم و یا به شما بگوئیم برایتان خوب نیست و به شما زیان می‌رسد آنگاه امام علیه السلام درباره حضرت صاحب‌الامر به سخن پرداخت و فرمود: «و اتمم بالعراق ترون اعمال هولاء الفراعنه و ما امهل لهم...»^۲

۱. قسمتی از توضیح مذکور، در ذیل حدیث مزبور در بیان علامه مجلسی ره نیز آمده است.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

یعنی:

در حالی که شما در عراق اعمال (زشت و کردار ناپسند) این فرعونها و ستمکاران و مهلتی که خداوند به آنها داده است را از نزدیک می بینید پس باید تقوی را پیشه خود سازید و به جانب خدا رو آورید و دنیا شما را فریب ندهد و همچنین به وضع کسانی که خداوند به آنها مهلت داده است (تا حجت خود را بر آنها تمام کند و آنان نیز توجه خود را بطور کلی از خدا قطع کرده اند) فریب نخورید که چنان می بینم حقیقت به شما رسیده (و حضرت صاحب الامر علیه السلام ظهور فرموده است).^۱

۲۶

مسجد برائا

انس بن مالک خادم رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما نقل کرد: وقتی امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ نهر روان مراجعت نمود و در «برائا» (محلی بین بغداد و کاظمین) نزول اجلال فرمود و با راهبی به نام حباب به گفتگو پرداخت... تا آنجا که فرمود: ای حباب! به زودی در جنب مسجد تو شهری بنا می شود (بغداد) که ستمگران بسیار فراوانی در آن باشند و مردمش بلای بزرگی در پیش خواهند داشت.

تا جائی که در هر شب جمعه هفتاد هزار عمل منافی عفت و زنا مرتکب گردند وقتی ظلم و بلای آنها زیاد شد راه این مسجد را می بندند کسی این مسجد را خراب نمی کند مگر اینکه کافر باشد سپس آنرا دوباره تجدید بنا می کنند و آنگاه در مرتبه آخر وقتی که مسجد را خراب کردند سه سال مردم را از رفتن به حج منع می کنند و زراعتهای آنها می سوزد و خداوند مردی از اهل (سفح)^۳ (یا به عبارت روشنتر) مرد سفاک و بی باک و خونریزی را بر آنها مسلط می کند و او به هیچ شهری وارد نمی شود مگر

۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۱۰.

۲. شهر بغداد بعدها ساخته شده است و در زمان امام علی علیه السلام از آن خبری نبوده است.

۳. این شهر در زمان هارون ساخته شد و به باغ دادخواهی معروف بوده که هارون در آن باغ به دادخواهی مردم رسیدگی می کرد. بعدها به گویش محلی باغ داد به بغداد تغییر یافته است.

۳. نام محلی از عراق عرب است مراد.

آنکه آن شهر را خراب می‌کند و مردم آن را می‌کشد سپس بار دیگر باز هم بسوی آن‌ها برمی‌گردد.^۱

۲۷

جنگ‌های خونین

من حدیث ابی الحسن الربعی المالکی یسند الی رسول الله ﷺ قال: «اذا وقعت الملاحم، بعث الله رجلا من الموالی، اکرم العرب...». پیغمبر گرامی اسلام فرمود:
زمانی که جنگ‌های سخت و خونینی (که در آن کشته‌های فراوان باشد) درگرفت خداوند مردی از ایرانیان را خواهد برانگیخت که از نظر اصل و نسبت گرامی‌ترین عرب و از نظر سلاح و ابزار و آلات جنگی و اسلحه، لشکریان او از همه اعراب برتر و بهتر و نیکوتر است و خداوند بوسیله «موالی» یعنی: ایرانیان دین را تأیید خواهد نمود.

پس در آن هنگام حکمران عراق یعنی فرمانروای این کشور، در آن سرزمین، آن مرد متوسط القامه (و میان قدی) را که دارای ریش و محاسنی انبوه و مویی سرخ و سفید (و یا سرخ متمایل به زردی) و دندانهای سفید و براق است به قتل می‌رسانید وای بر اهل عراق (و مردمی که در این کشور زندگی می‌کنند) از ظلم و ستم بی‌حدی که از پیروان بی‌دین، و اتباع از خدا بی‌خبر آن حاکم ظالم بر آن‌ها خواهد رفت، آنگاه مهدی ما اهل بیت آشکار خواهد شد و سراسر زمین را هم چنانکه پر از ظلم و جور شده است از عدل و داد پر خواهد کرد.^۲

۲۸

جبار آخرالزمان در عراق

امام علی علیه السلام فرمودند: «ویل لفراخ فراخ آل محمد علیهم السلام من خلیفة جبار عتریف مترف...»؛ یعنی: وای بر فرزندان خاندان آل محمد علیهم السلام از پادشاه جبار فریبکار ستمکار

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷، باب ۲۵.

۲. بشارة الاسلام، ص ۲۹.

اسرافکاری که بر بازماندگان فرزندان من و فرزندان فرزندانم استخفاف می‌ورزد و درباره آن‌ها ظلم و ستم روا می‌دارد.

به خدای بزرگ سوگند من به آینده جهان آگاهم و به آنچه در آن اتفاق خواهد افتاد اطلاع کامل دارم.

آگاه باشید بعد از من از میان خاندانم مردی خواهد برخاست که به فرمان خدا دستور دهد و به حکم خداوند حکم نماید و او مرد قوی و نیرومندی است که به دستور خدا عمل می‌نماید.

و او بعد از زمان بسیار، قیام خواهد کرد که مردم از دست ستمکاران در فشار و ناراحتی بوده و زشتیها و رسوائیها از هر سو دامنگیرشان گردیده و بلاها و شدائد به آن‌ها روی آورده و امیدها ناامید گشته و رشوه خواری رواج دارد.

در آن هنگام که او برخاست و قیام کرد مردی از کنار دجله بغداد به دستور حزبش برانگیخته می‌شود که قبلاً در پشت پرده قرار داشته و گمنام بوده و کسی او را نمی‌شناخته است و دشمنی و کینه توزی، او را به کشتار و خونریزی (بی گناهان) وادار می‌سازد آن مرد خون آشام به کشتار مردمی دست می‌زند که بر آن‌ها خشمناک و غضبناک، و کینه‌توزی وی نسبت به ایشان بسیار شدید است زیرا آن‌ها خواسته او را اجابت نمی‌کنند و در برابرش تسلیم نمی‌شوند و او طبق روش (بخت النصر) شهرهایشان را بر سرشان خراب می‌کند و جام تلخی به ایشان می‌چشاند و سرانجام کار او نیز عذابی دردناک و پایان عمل ناروایش شمشیر هلاکت است.^۱

زوراء و عاقبت آن

از علقمه بن قیس روایت کرده است که وی گفت:

امیرالمؤمنین در مسجد کوفه بالای منبر آن برای ما خطبه (لؤلؤه) را ایراد

نمود.

آنگاه فرمود:

۱. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۳، ع ۵۹، ح ۳۹۶۷۹.

شهری در بین دجله و فرات ساخته می‌شود که به آن شهر زوراء (بغداد) می‌گویند پس هرگاه آن شهر را دیدید که با گچ و آجر ساخته شد و با طلا و نقره و لاجورد و مرمر و رخام و درهایی از چوب عاج و آبنوس و خیمه‌ها و قبه‌ها و پرده‌ها تزئین یافت و انواع درختان ساج و عرعر و صنوبر سر به فلک کشیده، در هر طرف آن دیده‌ها را خیره ساخت و به انواع قصرها و کاخ‌های گوناگون استحکام یافت و بیست و چهار نفر از پادشاهان بنی شیصان یکی پس از دیگری در آنجا حکومت کردند... و سپس قبه خاکی رنگ، صاحب بیابان سرخ بنا گردید آنگاه پشت سر آن قائم به حق هم چون ماه نورانی بین ستارگان درخشان، در میان سرزمین‌های عالم و قاره‌های بزرگ جهان نقاب از چهره خود برمی‌دارد.^۱

۳۰

نشانه‌های ظهور در عراق در کلام امام هفتم

یحیی بن فضل نوفلی گفت: بر حضرت ابوالحسن «امام موسی بن جعفر» در بغداد وارد شدم و این موقعی بود که حضرت از خواندن نماز عصر فارغ شده و دست‌های مبارک را به طرف آسمان بالا برده بود و شنیدم که حضرت در دعای خود می‌فرمود: «**انت الله لاله الا انت الاول و الاخر و الظاهر و الباطن**». تا آخر دعا که فرمود: بار خدایا از تو می‌خواهم که بر محمد و آلش رحمت فرستی و در ظهور فرج آن منتقمی که برای تو از دشمنان انتقام می‌گیری تعجیل فرمایی و آنچه را که وعده فرموده‌ای به آن جامه عمل بپوشانی.

«**یا ذالجلال و الاکرام**». عرض کردم: یابن رسول الله! برای چه کسی دعا

می‌فرمودید؟

فرمود: برای آن مهدی موعودی که از آل محمد است (و جهان در انتظار اوست) دعا می‌کردم آنگاه پاره‌ای از اوصاف و خصوصیات روحی او را بر شمرد و شمایل نیک آن حضرت را از زردی رنگ چهره و شب زنده داری و رکوع و سجودش بیان فرمود.

۱. کفایة الاثر، ص ۲۱۳.

عرض کردم:

یابن رسول الله! زمان قیام حضرتش چه وقت خواهد بود فرمود: «اذا رایت العساكر بالانبار^۱ علی شاطئی الفرات^۲ و الصراة^۳ و دجله وهدم قنطرة الكوفة، و احراق بعض بیوتات الكوفة. فاذا رایت ذلك فان الله یفعل ما یشاء لا غالب لامرالله ولا معقب لحكمه».

یعنی:

هرگاه لشکریان فراوانی را در شهر «انبار» در کنار شط فرات و «صراة» و «دجله» مشاهده کردی و دیدی که «جسر» و پل روی شط کوفه منهدم گردید و برخی از خانه‌های اهل کوفه سوخت در آن موقع زمان خروج حضرت قائم ع فرا رسیده است پس زمانی که این علامت‌ها را دیدی آنچه را که خدا بخواهد انجام خواهد داد و فرمان خداوند مغلوب شدنی و تأخیرپذیر نیست. «لا غالب لامرالله ولا معقب لحكمه»^۴.

در روایتی دیگر آمده: سفیانی وارد کوفه می‌شود و سه روز در آنجا به غارت می‌پردازد و شصت هزار نفر از اهالی آنجا را می‌کشد سپس هجده شب در آنجا می‌ماند...

و در نقلی از امام علی ع آمده که فرمود: او (سفیانی) یکصد و سی هزار تن را به کوفه می‌فرستد و آن‌ها در منطقه روحاء و فاروق فرود می‌آیند شصت هزار تن از آن‌ها راهی کوفه می‌گردند تا اینکه در محل قبر هود در نُخلیه فرود می‌آیند و روز عید به آن‌ها هجوم می‌آورند.

انتشارات سعید نفیسی

۱. انبار شهری است که در کنار فرات در سمت غربی (بغداد واقع شده و فاصله بین این شهر تا بغداد ده فرسخ است نام قبلی شهر انبار «رمادی» بوده است.

۲. دجله و فرات نام دو رود معروف عراق است و هر دو از ترکیه سرچشمه می‌گیرند و سپس وارد عراق می‌شوند.
۳. صراة دو معنا دارد یکی از معانی آن نام نهری است که در یک فرسخی بغداد قرار دارد و پس از آبیاری نمودن باغستانهای بسیاری در نتیجه زیادی آب آن به دجله می‌ریزد که ظاهراً منظور حدیث از صراة نام این نهر نیست و معنای دیگر آن عبارت از آب راکدی است که مدتی در یک جا بماند به طوری که بوی آن تغییر کند که در اصطلاح به آن «مرداب» و یا «باتلاق» می‌گویند که ظاهراً منظور از صراة همین مرداب‌ها است که در جنوب شرقی عراق است.

۴. فلاح السائل، چاپ اول، ص ۲۰۰.

۳۱

شام^۱ قبل از ظهور

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی می‌فرماید:
پیوسته بر جای خود باش و دست و پای حرکت تا علامت‌هایی را که
برای تو بیان می‌کنم مشاهده کنی.
پیدایش ندا کننده‌ای که از آسمان پیام می‌دهد و این صدا از ناحیه
دمشق شنیده می‌شود و مژده ظهور حضرت مهدی را می‌دهد و فرو رفتن
آبادی در شام که آن را جایبه نامند...
در آن سال (سال ظهور) در هر نقطه‌ای از زمین در ناحیه غرب اختلاف و
درگیری وجود دارد و نخستین سرزمینی که نابود شود شام است...

۳۲

فلسطین در آخرالزمان

امام علی علیه السلام فرمودند: **الا یا ویل لفلسطین وما یحل بها من الفتن التي لاتطاق...**
آگاه باش! وای بر مردم فلسطین از فتنه‌ها و جنگ‌ها که در آن واقع
می‌گردد و انسان طاقت آن را ندارد.^۲
و در روایاتی دیگر فرمودند: **وستاتی الیهود من الغرب لانشاء دولتهم بفلسطین قال الناس**
یا ابالحسن انی تکنون العرب؟

قال: **تکنون مفککة العری مفککة العری غیر متکاتفة و غیر مترافة... وستاتی النجدة من العراق**
کتب علی رایاتها القوة و تشترک العرب والاسلام کافّة لتخلص فلسطین، معركة وائی معركة؟... زود
است که یهود از غرب برای ایجاد کشور و دولت فلسطین بیاید پرسیدند:
عرب‌ها کجا هستند؟ فرمود: در آن زمان عرب‌ها از ما جدا هستند و اتحاد
ندارند اما به زودی نیروهایی اهل کارزار از عراق حرکت می‌کنند که بر

۱. شام در روایات به کشور سوریه فعلی اطلاق نمی‌شود بلکه منطقه شامات، از وسعت بیشتری در آن زمان برخوردار بوده که عراق نیز جز شام آن زمان محسوب شده است.

۲. **الزام الناصب**، ج ۲، ص ۴۸۰.

پرچم‌های آنان کلمه «قوة»^۱ نوشته شده است و اسلام و عرب با هم متحد و شریک می‌شوند و همه حرکت می‌کنند برای آزادی فلسطین و میدان جنگی برپا می‌شود چه معرکه‌ای؟ در کنار دریا مردم در خون رفته و شنا می‌کنند و مجروحین از روی بدن کشتگان راه می‌روند قسم به خدا که همه یهودیان را چون گوسفند سر می‌برند تا این که یک یهودی هم در فلسطین باقی نمی‌ماند.^۲

۳۳

خراب شدن مسجد اموی در دمشق

ابن حماد از محمد حنفیه نقل کرده که فرمود: نخستین گروه‌های لشکریان مغربی وارد مسجد دمشق می‌شوند و در حالیکه مشغول تماشای دیدنی‌های شگفت‌انگیز آن هستند ناگهان زمین فرو رفته و بخش غربی مسجد دمشق و آبادی به نام حرستا فرو می‌رود در این هنگام سفیانی خروج می‌کند.^۳ و در روایتی دیگر امام علی علیه السلام می‌فرماید: وقتی در شام دو گروه نظامی اختلاف کنند نشانه‌های الهی آشکار می‌شود پرسیدند: ای امیرمؤمنان آن نشانه چیست؟

فرمود: زمین لرزه‌ای در شام رخ می‌دهد که صد هزار نفر در اثر آن هلاک می‌گردند و این را خداوند رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار می‌دهد.

وقتی آن هنگام فرا رسد سوارانی که دارای اسبهای سفید و پرچم‌های زرد رنگ^۴ باشند از مغرب می‌آیند تا وارد شام می‌شوند و در آن لحظات است که فریاد و بی‌تابی بزرگ و مرگ سرخ فرا می‌رسد وقتی آن وضع پیش آمد پس بنگرید فرو رفتن آبادی از روستاهای دمشق را که به آن حَرْشَا

۱. بر روی آرم سپاه پاسداران کلمه قوه است.

۲. عقاید الامامیه عشریه.

۳. ابن حماد، نسخه خطی، ص ۷۱.

۴. در روایت است این گروه که پرچم زرد دارند در نزدیکی ظهور امام ظاهر می‌شوند شاید بتوان صاحبان این پرچم زرد را به نشان پرچم حزب‌الله لبنان تطبیق داد.

می‌گویند در این هنگام فرزند هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان خروج کرده و بر منبر دمشق قرار گیرد در این بحبوحه در انتظار ظهور حضرت مهدی عج باشید.^۱

- رسول خدا ص می‌فرماید: دیری نمی‌پاید که مردم شام دینار و پیمان‌های (پول و غذا) نزدشان یافت نمی‌شود پرسیدیم این امر از کجاست؟ فرمود: از جانب رومیان (غربی‌ها).

سپس لحظه‌ای سکوت کرد و فرمود: در آخرالزمان خلیفه‌ای می‌آید که به مردم اموال کمی داده و آن را به شمارش نمی‌آورد.^۲ در روایتی آمده که: اهل غرب به سوی مصر هجوم می‌آورند همینکه وارد می‌شوند فرمانروایی سفیانی برقرار می‌شود و قبل از آن شخصی مردم را به سوی آل پیامبر ص دعوت می‌نماید.^۳

۳۴

لبنان در آخرالزمان

امام علی ع می‌فرماید: بلاها به اطراف لبنان وارد شود پس چه بسا کشته شده‌ای در بیابان بی‌آب و علف و اسیرانی در جانب نهر، پس در آنجا (لبنان) گریه‌های بلندی شنیده شود و ترس‌ها با آنان رفیق گردد.^۴

۳۵

آزادی بیت المقدس

روزی حضرت امیرالمؤمنین ع فرمود: یهودیان از اطراف جهان جملگی به کشور فلسطین خواهند آمد و از برای خود دولت تشکیل می‌دهند... و عده‌ای از زمامداران کشورها با آنان جنگ می‌کنند ولی شکست نصیب

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۹۲.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸ و ص ۲۵۳.

۴. الزام‌النائب، ج ۲، ص ۲۴۰ - یاقی علی الناس زمان، ص ۶۱۴ (در دهه ۶۰ اتفاقات و درگیری‌های داخلی لبنان این کشور را مصداق عینی همین روایت نموده و درگیری‌ها و قتل‌های عجیب در این کشور سال‌ها ادامه داشت).

یهود نگردد آخر الامر مسلمین با اعراب متحد شوند و وحدت لازم در همه آنان ایجاد گردد و با نبردی که می کنند سرانجام پیروزی نصیب آنان می گردد و کشور فلسطین در اختیار آن ها می آید و یک یهودی در آنجا جایگزین نمی شود.^۱

۳۶

شکست و اضمحلال اسرائیل

پیامبر اکرم ص فرمود: قیامت برپا نمی شود مگر آنکه بین مسلمانان و یهود جنگی رخ دهد به گونه ای که مسلمانان همه آن ها را به هلاکت می رسانند...^۲

در روایتی دیگر می فرماید: یهودیان با شما به ستیز بر می خیزند اما شما بر آن ها مسلط خواهید شد.

۳۷

قیام مردم بحرین

- روزی امیر المؤمنین علی ع بر منبر کوفه خطبه ای ایراد نمود و پس از حمد خدا و درود بر پیغمبر اسلام ص فرمود: ای مردم! هر چه می خواهید از من پرسید زیرا در این دهه آخر ماه مبارک رمضان من از میان شما میروم.

سپس امام حوادث بعد از خود را ذکر نمود و شهادت امام حسین ع و زیدین علی و سوزندان جنازه او و به باد دادن خاکستر آن را بیان فرمود و گریه کرد.

آنگاه امام به زوال و نابودی بنی امیه و سلطنت بنی عباس را به مردم تذکر داد و سپس حوادث بعد از آن ها را به مردم خاطر نشان ساخت و چنین فرمود:

«اولها السفیان و آخرها السفیان فقیل له و السفیانی و السفیانی؟ فقال: السفیانی؟ فقال: السفیانی»

۱. عقاید الامامیه اثناعشر.

۲. مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۴۱۷.

صاحب هجر و السفیانی صاحب الشام». یعنی: اول آن فتنه‌ها سفیانی و آخر آن نیز سفیانی خواهد بود.

از آن حضرت پرسیدند سفیان اول کیست؟ و سفیانی دوم کدامست؟ حضرت فرمود: سفیانی اول صاحب هجر^۱ و سفیانی دوم صاحب شام است. آنگاه آن حضرت ذکر پادشاهان بنی عباس را از قول رسول خدا ﷺ تجدید کرد و سپس از شیعیان و دوستان خود یاد کرد و از آن‌ها تمجید نمود و فرمود: آن‌ها در نزد مردم کافر و در نزد خدا از خوبانند، پیش مردم دروغگو، ولی نزد خدا راستگویانند در نزد مردم پلید اما پیش خدا پاکیزه‌گانند در نزد مردم ملعون و پیش خدا از نیکانند...^۲

۳۸

افغانستان در کلام امام علی

وقتی ابوموسی اشعری مملکت فارس را گرفت خبر فتح را به عمر بن خطاب داد و اجازه خواست تا به سوی خراسان حرکت کند وقتی نامه ابوموسی به عمر رسید در پاسخ او نوشت که ای ابوموسی از آن فتح‌هایی که بدست مسلمانان شده خداوند را سپاس گفتم لکن آهنگ خراسان مکن در هر شهری که به دست تو گشوده شده حاکمی نصب کن و خود به بصره برگرد و اندیشه خراسان از دل بیرون کن ما را با خراسان و خراسان را با ما چکار، کاش در میان ما و خراسان کوه‌های آهن و دریا‌های آتش بود و مانند سد یاجوج و ماجوج هزار سد حاجز و حایل ما بود.

امام علی علیه السلام به عمر فرمود: ای عمر این چه سخن است که می‌گویی. عمر گفت: خراسان از ما دور است و مردم آن عهد شکن و خونریزند.

امام علی علیه السلام فرمود: ای عمر! خراسان را اثرهای بزرگ است هرات شهریست از خراسان که ذوالقرنین اکبر آن را بنا کرده و عزیز پیغمبر در آنجا

۱. در لسان العرب هجر شهر معروفی است در بحرین، و شهری به این نام در نزدیکی مدینه است شاید اشاره به قیام مردم بحرین می‌باشد.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۱۳۶، باب ۵۹.

نماز گذاشته زمینی نیکو دارد و آبهای گوارا بر آن می‌گذرد بر هر دروازه‌ای از آن شهر فرشته‌ای با شمشیر کشیده ایستاده و بلاها را از آن دفع می‌کند و آن شهر به غلبه (شکست) گشوده نشود مگر به دست قائم آل محمد عجل الله فرجه... و دیگر شهر آن بخارا است که در آنجا مردانی آیند که از کثرت عبادت ادیمی را مانند که مالش داده باشند و دیگر سمرقند است، خداوند نیکی دهد اهل سمرقند را و این شهر در آخر زمان بدست ترکان (شرقی و غربی‌ها) پایمال شود...^۱ و دیگر طالقان است که خدای را در آنجا خزانه هاست نه از سیم و زر بلکه از مردان دانشور که خداوند را چنانکه باید بشناسند و در آخر الزمان ملازم خدمت قائم آل محمد عجل الله فرجه باشند...

در ادامه روایت حضرت از شهرهای سرخس، ترمذ، سجستان، شاش و فرغانه، بلخ نام برده و بعضی از خصوصیات مردمان آن شهر را برمی‌شمارند.^۲

انتشارات سعید نفیسی

۱. شاید حمله آمریکا به افغانستان منظور امام علی عجل الله فرجه می‌باشد که فی الحال رخ داده است فافهم و تأمل.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۳۵.

(در ایران ۲ منطقه به نام طالقان وجود دارد یکی در استان خراسان و دیگری در نزدیکی تهران).

بخش ۳

علائم ظهور

درآمد

در این بخش، سعی شده حتی الامکان علائم ظهور جدا شده باشد و علائم سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، اجتماعی و علائم حتمی و غیر حتمی و به طور منظم تفکیک شده باشند.

۳۹

توضیحی در باب علائم ظهور

بعضی از علائم ظهور امام، مقارن ظهور و یا همراه با امام مهدی علیه السلام آشکار می شود و بعضی دیگر قبلاً اتفاق می افتند که بین این دو دسته از علائم باید تفاوت قائل شد.

علائمی که همراه با امام اتفاق می افتند عبارتند از: خروج سفیانی در شام و قیام یمانی و خروج دجال و دابة الارض و صیحه آسمانی که دلالت بر نزدیکی ظهور امام دارند و قیام سید حسنی که نام ایشان محمد بن حسن می باشد و کشته شدن او در مکه بین رکن و مقام و فرو رفتن لشکر سفیانی بین مدینه و مکه در زمین و پیدا شدن دست یا صورت و سینه ای در چشمه

خورشید و طلوع خورشید از مغرب که البته بعضی از این علامات را باید به عنوان کنایه و رمز تحلیل و تفسیر کرد.

بعضی از علائم ظهور بر سبیل کنایه و رمز بیان شده است که علت آن را می‌توان هم خوان نبودن شرائط فیزیکی و اجتماعی و سیاسی در زمان بیان روایت تلقی نمود مثلاً در زمان امام صادق علیه السلام امام صادق چگونه جریان حرکت هواپیما در آسمان را برای یاران خود توصیف نماید آیا راهی جز طریق کنایه و رمز باقی می‌ماند.

و بعضی از علائم که در روایات آمده شامل علائم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و ... است.

۴۰

نشانه‌های نزدیک به ظهور

با توجه به روایات، تعدادی از علائم ظهور نزدیک به آن اتفاق خواهد افتاد به طوری که بین آن‌ها و ظهور امام فاصله زیادی نباشد و به طور مسلم فاصله این علائم تا ظهور در این دسته از علائم زیاد نیست و بیشتر این علائم یا در همان سال ظهور یا سال پیش از آن رخ می‌دهد لذا توصیه می‌شود برای آنکه ارتباط منطقی بین این علائم برقرار شود و زنجیره واضحی برای خواننده به دست آید به آن دسته از روایاتی که دارای قید زمانی هستند بایستی عنایتی مضاعف داشت.

۴۱

نشانه‌های غیر طبیعی

بخشی از نشانه‌های ظهور بر سبیل و روال عادی و طبیعی نیست و بیان‌گر مطالبی است که تحقق آن غیر عادی می‌باشد و این دسته از علائم را می‌توان به دو صورت تحلیل کرد اول: آنکه این دسته از علائم و بیان مختصات آن بر طریق رمز و رموز گفته شده که در جای خود از پرده کنایه و رمز خارج خواهد شد و اساساً این دسته از روایات معنایی کنایی شاید داشته باشد.

و دوم: اینکه این علائم غیرعادی را معجزه تلقی نمائیم. که از باب نمونه می‌توان به ظاهر شدن دست و یا نشانه‌ای با خورشید در آسمان اشاره کرد.

ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} برای بیان علائم ظهور مشکل تفهیم مخاطب را داشتند لذا مطالب را با کنایه و تشبیه مطرح کرده‌اند تا هم برای شاگردان قابل فهم باشد هم برای آیندگان قابل درک، لذا این دسته از روایات خیلی شفاف نیستند (از حیث معنا).

اگرچه بعضی از علامات ظهور امام عصر حتمی است ولی بعضی از علائم آن شرطی است و بستگی به اراده خداوند متعال داشته و اگر خدا نخواهد واقع نخواهد شد.

و بعضی از علائم ظهور نیز در زمان‌های گذشته واقع شده و زمان آن سپری شده است که به آن‌ها علامات واقعه می‌گویند که در این مجموعه به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۴۲

لسان کنایه در علائم ظهور

بعضی از روایات ظهور بر طریق تشبیه است لذا بایستی مفاد آن را دقیق تحلیل و برداشت نمود.

چنانچه صعصعه بن صوحان در پاسخ مردی که از منظور امیرالمؤمنین علی^{علیه‌السلام} از جمله «لاتسألونی عما یکون بعد ذلک...» پرسیده بود. گفت:

«ان الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم هو الثانی عشر من العترة التاسع من ولد الحسین بن علی وهو الشمس الطالعة من مغربها». یعنی: کسی که حضرت عیسی^{علیه‌السلام} پشت سر وی نماز گزارد دوازدهمین نفر از خانواده پیامبر^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و نهمین نفر از فرزندان حسین بن علی^{علیه‌السلام} است و هم اوست خورشیدی که از غروبگاهش طلوع می‌کند»^۱.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۴، باب ۲۵.

خروج سفیانی؟

سفیانی کیست؟ (خروج سفیانی در روایات از علائم حتمی ظهور امام عصر ع می باشد).

امام علی ع فرمود: فرزند خورنده جگرها از وادی یابس خارج می شود... اسمش عثمان و پدرش عنبسه و از اولاد ابوسفیان است.^۱

و امام باقر ع می فرماید: سفیانی سرخ رویی سفید پوست و زاغ چشم است هرگز خدا را پرستش نکرده و هرگز مکه و مدینه را ندیده است.^۲

- امام چهارم ع نیز می فرماید: سپس سفیانی ملعون از وادی یابس بیرون می آید وی از فرزندان عنبسه بن ابوسفیان است.^۳

- امام صادق ع می فرماید: خروج این سه تن، خراسانی سفیانی و یمنی^۴ در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و پرچم یمنی از همه هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند.^۵

نکته

[باید توجه داشت که آنچه را که درباره خراسانی در منابع معتبر حدیثی یافت می شود روایتی است که در کتاب الغیبة نعمانی ص ۲۶۴ آمده که به نقل از امام باقر ع می گوید: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و در یک ماه و در یک روز اتفاق می افتد.

در سند این روایت افرادی مجهول و مهمل و واقفی مذهب قرار دارند که وجود حسن بن علی بن ابی حمزه در آن برای ضعف روایت کفایت می کند.]

- امام باقر ع می فرماید: اگر سفیانی را مشاهده کنی در واقع پلیدترین مردم را دیده ای، وی دارای رنگی بور و سرخ و کبود است هرگز سر به

۱. کمال الدین، ص ۶۵۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۴۳۵.

۳. غیبت طوسی، ص ۲۷۰.

۴. ظاهراً در روایات مربوط به یمانی آمده که در آن زمان یعنی خروج یمانی خرید و فروش سلاح ممنوع می باشد

۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

بندگی خدا فرود نیاورده مکه و مدینه را ندیده است و می‌گوید: پروردگارا انتقام من با آتش است.^۱

- امام صادق علیه السلام فرمود: ما و اولاد ابوسفیان دو خاندان هستیم که به خاطر خدا با یکدیگر دشمنی داریم ما گفتیم: خداوند راست گفت، آن‌ها گفتند: خداوند دروغ گفت...

ابوسفیان به جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و معاویه فرزند ابوسفیان به جنگ علی بن ابیطالب علیه السلام رفت.

و یزید پسر معاویه به نبرد با حسین بن علی علیه السلام پرداخت.

و سفیانی به مصاف حضرت قائم علیه السلام بر می‌خیزد.^۲

۴۵

زمان خروج سفیانی و شعاع فعالیت و حرکت او

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سفیانی از علایم حتمی است خروج او در ماه رجب و از آغاز خروجش تا پایان آن جمعا ۱۵ ماه است که در ۶ ماه آن جنگ می‌کند و چون شهرهای پنج‌گانه را تصرف کرد ۹ ماه فرمانروایی می‌کند و یک روز هم بر آن افزوده نمی‌شود.^۳

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی از شام به نام سفیانی خروج می‌کند و تمام افرادی که از او متابعت می‌کنند از طایفه کلب هستند پس کشتار می‌کنند حتی شکم زن‌ها را می‌درند و بچه‌ها را می‌کشند آنگاه طایفه قیس با او جنگ می‌کند و همگی کشته می‌شوند و کسی که بتواند در مقابل او مقاومت کند نمی‌ماند در این هنگام مردی از خاندان من در مکه مکرمه قیام می‌کند و خبر قیامش به سفیانی می‌رسد...^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۰.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۸، ص ۴۲۶. در روایت است که سفیانی و امام مهدی علیه السلام در یک سال قیام می‌کنند (انباة الهداة).

۴. عقدة الدر، ص ۷۳.

۴۶

سفیانی نشانه حتمی ظهور

علائم ظهور طبق روایتی از امام باقر علیه السلام به دو دسته تقسیم شده است امام فرموده‌اند: نشانه‌های ظهور دو دسته‌اند یکی نشانه‌های غیر حتمی و دیگر نشانه‌های حتمی و خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است که راهی جز آن نیست.^۱

و در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: وقوع ندا از امور حتمی است و سفیانی و یمانی از امور حتمی است و کشته شدن نفس زکیه از امور حتمی است و کف دستی که از افق آسمان بیرون می‌آید از امور حتمی است.

۴۷

زمان خروج سفیانی

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خروج سفیانی امری حتمی است و خروجش در ماه رجب است.^۲

۴۸

جنگ‌های سفیانی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

سه پرچم به اهتزاز در می‌آید پرچم حسنیّه - پرچم امویّه - پرچم قیسّیه در همین اثنا سفیانی خروج می‌کند و پیروان هر سه پرچم را مانند محصولات زراعی درو می‌کند و به کشتاری دست می‌زند که مانند آن را هیچگاه ندیده‌ای.^۳

۴۹

سفیانی در مسجد دمشق

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۸، ص ۴۲۹.

۲. غیبت نعمانی، باب ۱۸، ص ۴۲۶، ص ۴۳۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۰.

وقتی در شام دو گروه نظامی اختلاف کنند نشانه‌های از نشانه‌های الهی آشکار می‌شود.

پرسیدند: ای امیرمؤمنان آن نشانه چیست؟

فرمود: زمین لرزه‌ای در شام رخ می‌دهد که صدهزار نفر در اثر آن هلاک می‌گردند و این را خداوند رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار می‌دهد.

وقتی آن هنگام فرا رسد نظاره‌گر سوارانی که دارای اسبهای سفید و پرچم‌های زرد رنگ، باشید که از مغرب روی می‌آورند تا وارد شام می‌شوند و در آن لحظات است که فریاد و بی‌تابی بزرگ و مرگ سرخ فرا می‌رسد. وقتی آن وضع پیش آمد پس بنگرید فرو رفتن آبادی ای از روستاهای دمشق که به آن حرشا می‌گویند در این هنگام فرزند هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان خروج کرده و بر منبر دمشق قرار می‌گیرد در این بحبوحه در انتظار حضرت مهدی عج باشید.^۱

۵۰

عملیات سفیانی در مدینه

از حذیفه روایت شده که رسول خدا ص فرمود... و اما لشکر دوم^۲ (سفیانی) وارد مدینه شده و سه شبانه روز به غارت و چپاول آنجا می‌پردازد آنگاه بیرون آمده و به سوی مکه روانه می‌گردند تا این که به بیابان می‌رسند و خداوند در این هنگام جبرئیل را برمی‌انگیزد.

و می‌فرماید: جبرئیل آن‌ها را نابود گردان.

پس جبرئیل با پای خود ضربتی به آن زمین می‌زند و زمین آن‌ها را در خود فرو می‌برد و هیچکس از آن‌ها نجات نمی‌یابد مگر دو مرد^۳ از جُهمینه.^۴ - در نقلی آمده که سواران سفیانی مثل شب ظلمانی و سیل ویرانگر روی می‌آورند و به هر چیزی که برسند آن را نابود می‌کنند...

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

۲. لشکر اول سفیانی به سمت شرق حرکت می‌کند.

۳. این دو مرد در روایات به نام وتر و وتیره آمده است.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶.

و در روایتی از امام علی علیه السلام آمده که فرمود: ارتش سفیانی وارد کوفه می‌شود و کسی را رها نمی‌کند مگر آنکه او را می‌کشد «آنچنان خوی آدمکشی دارند» که وقتی مردی از آن‌ها به گوهر گران‌بها و عظیمی برخورد نماید به آن توجهی نمی‌کند ولی اگر کودک خردسالی را ببیند او را دستگیر کرده و به قتل می‌رساند.^۱

از ابن عباس روایت شده که گفت:

سفیانی خروج می‌کند و دست به کشتار می‌زند حتی شکم زنان را می‌درد و اطفال را در دیگ‌های بزرگ می‌جوشاند.^۲

۵۱

وظیفه شیعیان در هنگام خروج سفیانی

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: در آن وقت (خروج سفیانی) وظیفه ما نسبت به زن و فرزندان چیست؟

امام فرمود: مردان شما خود را از او بیوشانند زیرا که هراس و شرارت او البته بر شیعیان ماست اما زنان ان شاءالله به آن‌ها ضرری نمی‌رسد.

پرسیدند: مردان کجا بروند و به کجا بگریزند؟

امام فرمود: هر کس می‌خواهد از شر آن‌ها بگریزد به مدینه یا مکه و یا شهر دیگر برود...^۳

امام علی علیه السلام می‌فرماید: خروج سفیانی با پرچم سرخ همراه است و فرمانده آن مردی از قبیله بنی‌کلب است.^۴

۳۴۵

۵۲

چهره سفیانی

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: فرزند هندجگرخوار از وادی یابس (دره خشک) خروج می‌کند او مردی است چهارشانه و بدقیافه دارای سری بزرگ که بر

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹.

۲. ابن‌حماد، نسخه خطی، ص ۸۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

صورت او اثر آبله پیداست وقتی او را می‌بینی پنداری که یک چشم دارد
نامش عثمان و پدرش عینیه (عنبسه) است او از فرزندان ابوسفیان است...^۱

۵۳

۳ پرچم در شام

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود به نام سدیر فرمود:
ای سدیر! همواره در خانه خود باش همچون گلیم و فرش و آرامش گزین
همچون شب و روز، پس همین که سفیانی خروج کرد به سوی ما کوچ
کن ولو با پای پیاده.

گفتم: فدایت شوم آیا پیش از آن چیزی هست؟ فرمود: بلی و با سه
انگشت دست خود به شام اشاره نمود فرمود: در شام سه پرچم (لشکر)
حسنی - اموی و قیس جمع می‌شوند در حالی که با یکدیگر اختلاف دارند.
ناگاه سفیانی خروج می‌کند و آن‌ها را همچون کشتزار درو می‌کند و من
هرگز نظیر این را ندیدم.^۲

- در روایت است که: سفیانی تلاش و کوشش خود را صرفاً متوجه عراق
می‌کند و سپاه وی وارد قرقسیا^۳ می‌شود و در آنجا به کارزار می‌پردازد.^۴

۵۴

سفیانی در کوفه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گویا سفیانی را می‌بینم که در میدان کوفه
شما جایگاه خود را گسترده و منادی او فریاد می‌زند هرکس سر شیعه
علی بن ابیطالب را بیاورد هزار درهم مزد خواهد گرفت پس همسایه بر
همسایه می‌جهد و گردنش را می‌زند و هزار درهم را می‌گیرد...^۵

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۰، باب ۲۵.

۳. قرقسیا شهر کوچکی است در نزدیکی مدخل نهر خابور در رود فرات و امروزه خرابه‌های آن نزدیک شهر
دیزور سوریه قرار دارد و نزدیک مرزهای سوریه و عراق است و به مرز ترکیه سوریه نیز نسبتاً نزدیک است
معجم البلدان.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۵. غیبت طوسی، ص ۲۷۳.

عاقبت سفیانی

طبق پاره‌ای از روایات سفیانی مردی اموی نسب و از نسل یزید است و نامش عثمان بن‌عنبسه است او چهره‌اش سرخ و کبود چشم و آبله رو و بد منظر و خیانتکار است او در شام^۱ قیام کرده و به سرعت پنج شهر را تصرف می‌کند و با سپاهی بزرگ به سوی کوفه می‌آید او در شهرهای نجف و کوفه جنایات بزرگی مرتکب می‌شود و لشکری دیگر به سوی مدینه می‌فرستد سپاه سفیانی در مدینه به قتل و غارت می‌پردازند و از آنجا به سوی مکه می‌روند سپس آن لشکر در بیابانی در میان مدینه و مکه به زمین فرو می‌روند.

امام عصر^{علیه السلام} نیز از مکه به مدینه و از مدینه به سوی کوفه می‌آید و سفیانی خود از عراق به شام و دمشق فرار می‌کند و امام سپاهی را به تعقیب او می‌فرستد سرانجام او را در بیت‌المقدس هلاک کرده و سرش را جدا می‌سازند.^۲

حادثه در سرزمین بیداء

در منتهی‌الامال مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد:

بیداء سرزمین پایین مکه و مدینه است که در زمان ظهور حضرت قائم در این سرزمین لشکری که به سیصد هزار نفر می‌رسند به امر خداوند در زمین فرو رفته و نابود می‌شوند. (در لشکر سفیانی دو نفر زنده می‌مانند در حالی که سر آنها به عقب برگشته است).

۱. به مناطق دمشق فلسطین و حمص، اردن و قنسرین قبلاً شام می‌گفته‌اند.

۲. اثبات‌الهدایة، ج ۷، ص ۳۹۸ - غیبت نعمانی، باب ۱۴ در علامات ظهور از، ص ۲۴۷ تا ۲۸۳ - غیبت طوسی در علامات ظهور از ص ۲۶۵ تا ۲۸۰.

۵۷

خروج خراسانی از علانم حتمی است

قال رسول الله ﷺ: «يخرج الناس من المشرق فيوطئوا للمهدى سلطانه». یعنی: جمعی از مشرق حرکت کرده و مقدمات حکومت مهدی را فراهم می‌کنند.^۱

۵۸

نکته

انقلاب اسلامی ایران که از نشانه‌های نزدیک ظهور امام مهدی ﷺ در روایات بر شمرده شده است با تعابیر مختلفی آمده است مثل مردی از قم قیام می‌کند - مردی از خمین قیام می‌کند - جمعی از مشرق می‌آیند، اصحاب روح‌الله، که تعداد این روایات هم کم نمی‌باشد.

۵۹

زمان خروج خراسانی

امام صادق ﷺ می‌فرماید: خروج سفیانی و خراسانی و یمانی هر سه در یک سال و در یک ماه و در یک روز است اما هیچ پرچمی (جدای از سفیانی) هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی نیست.....

امام باقر ﷺ می‌فرماید: سفیانی و قائم ما در یک سال قیام می‌کنند.^۲

- امام هادی ﷺ می‌فرماید: خراسانی و سفیانی خروج خواهند کرد این از مشرق و آن دیگری از مغرب.^۳

۶۰

بیعت با خراسانی

«عن ثوبان قال: قال رسول الله ﷺ تجي الرايات السود من قبل المشرق كان قلوبهم زيرا الحديد...».

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۴۰.

(باید توجه داشت که روایت خراسانی را نعمانی در باب ۱۶ کتاب الغیبه حدیث ۶ نیز آورده و نوشته که خراسانی یکی از نشانه‌های حتمی پنج گانه است ولی سند این روایت به دلیل آمدن نام محمدبن حسان رازی و علی بن ابی حمزه واقفی و محمدبن علی کوفی ضعیف تلقی می‌شود).

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۲۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.

ثوبان از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: پرچم‌های سیاهی از طرف مشرق زمین می‌آید که گویی دلهای آن‌ها پاره‌های آهن است پس هر کس که آوازه قیام و حرکت آن‌ها را به گوش شنید باید نزد آن‌ها برود و با آن‌ها بیعت کند هر چند با دست و زانو و سر انگشتان پا بر روی برف و یا یخ راه برود.^۱

۶۱

خراسانی‌های متعدد

در روایات به قیام خراسانی که دلالت بر نزدیکی ظهور امام عصر ع دارد با خراسانی که ابومسلم خراسانی و یا هولاکوخان است فرق دارد چون با توجه به سابقه تاریخی، دو نفر از شرق (خراسان) خروج کرده‌اند آن کسی که در روایات در بحث علائم ظهور مطرح است سیدی است از سلاله رسول خدا ﷺ که قیامش زمینه‌ساز ظهور امام عصر ع خواهد بود.

۶۲

اصحاب خراسانی و دایره فعالیت آن‌ها

«عن الزهري قال: قال رسول الله ﷺ تقبل الرايات السود من المشرق تقودهم رجال كالنجم المجلجله اصحاب شعور انسابهم القرى و اسماء هم الكنى يفتحون مدینه دمشق ترفع عنهم الرحمه ثلاث ساعات». زهري روایت کرده که پیامبر اسلام ص فرمود: پرچم‌های سیاه از مشرق زمین می‌آید و مردانی قوی و نیرومند و ریش‌دار که نسب‌هایشان شهرتشان و کنیه آن‌ها نام‌هایشان است. این پرچم‌ها را رهبری نموده و به جلو می‌رانند آن‌ها شهر دمشق را می‌گشایند و به مدت سه ساعت شفقت و رحمت از دل‌هایشان برداشته می‌شود.^۲

امام باقر ع می‌فرماید: یاران پرچم‌های سیاه که از خراسان به سوی

۱. الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۳.

۲. «انسابهم القرى و اسمائهم الكنى» یعنی: شخص را به نام شهرش می‌خوانند این نوع نامگذاری در ایران مرسوم است مثل تهرانی قمی یا گلپایگانی یا شیرازی و معنای کنیه نام و اسم آن‌هاست به این معنی است که بر عکس عرب که کنیه را اسم نمی‌دانند ایرانی‌ها کنیه را اسم می‌گذارند مثل ابوالفضل ابوطالب و ابوالحسن و ... و این در ایران مرسوم است.

کوفه می‌آیند در آنجا فرود می‌آیند و چون مهدی عج ظهور می‌کند گروهی را جهت بیعت به سوی او می‌فرستند.^۱

۶۳

خروج دجال

دجال به معنی ضد خدا یا دشمن خداست که نام اصلی آن صائدبن صید و کنیه‌اش ابویوسف که از مادری یهودی به نام میمونه به دنیا آمده که از سال چهارصد هجری که بگذرد باید منتظر او بود دجال صورتی آبله رو دارد که یک چشم او کور شده و چشم دیگرش در وسط پیشانی می‌باشد. خراسان و کوفه نقاطی هستند که به عنوان محل خروج او ذکر شده است.

۶۴

دجال در کلام امام علی ع

اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علی ع پرسید: یا امیرالمؤمنین دجال کیست؟
امام فرمود:

آگاه باشید که دجال صائدبن صید است، شقی کسی است که او را تصدیق کند و سعید کسی است که او را تکذیب کند... او از روستائی که معروف به یهودیه است خروج می‌کند، چشم راستش از اصل، خلقت ندارد به طوری که گودی حدقه‌اش نیست...

در چشمش مانند پارچه‌ای گوشت، چیزی است گویا که با خون ممزوج است و در میان چشمش لفظ کافر نوشته شده به طوری که همه کس آن را می‌خوانند...

در ایام قحطی شدیدی خروج می‌کند^۲ و به دراز گوش سبز یا خاکستری

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۷.

۲. امام علی ع در مسجد جامع بصره بعد از جنگ جمل خطبه‌ای ایراد فرمود که در آن خطبه زمان خروج دجال را در حمله‌ای که توسط غربی‌ها انجام می‌پذیرد بیان فرموده‌اند.

رنگ سوار می‌شود و زمین در زیر پایش پیچیده می‌گردد و به هیچ آب نمی‌گذرد مگر اینکه خشکیده می‌شود.

به طوری که جایش تا روز قیامت خشک می‌ماند و به آوازی بلند ندا می‌کند بطوری که همه جن و انس و شیاطین که در ما بین شرق و غرب‌اند صدای او را می‌شنوند.

دجال چنین گوید: «ای دوستان من به زودی به سوی من آید منم آن کسی که مخلوقات را خلق نمود و ایشان را در محکم نمودن ترکیبشان با هم مساوی گردانید و اندازه صورت‌ها و هیأت‌های ایشان را تعیین نمود و منم آن پروردگار شما که بر همه اشیاء قادر است».

و این دشمن خدا این‌ها را به دروغ می‌گوید زیرا که او مردی است که طعام می‌خورد و در بازارها راه می‌رود و پروردگار شما کور نیست و طعام نمی‌خورد و راه نمی‌رود...

تابعان او در آن روز از اولاد زنا و صاحبان طیلسان سبز هستند و آن پارچه‌ای است مانند ردا که بر سر و دوش انداخته می‌شود.

خداوند عزوجل او را در شهر شام در بالای تلی که معروف است به تل افیق سه ساعت از روز جمعه گذشته به دست کسی که مسیح بن مریم علیه السلام در پشت سرش نماز می‌گزارد به قتل می‌رساند.

آگاه شوید بدرستی که بعد از این، طامه کبری واقع خواهد شد و آن خروج دابه^۱ از زمین است بعد از آن امام علی علیه السلام فرمودند: که از من بپرسید که بعد از خروج دابه چه واقع خواهد شد.^۲ در روایتی است که امام مهدی علیه السلام دجال را در کناسه کوفه بدار می‌زند.^۳

۱. خروج دابه نیز از علائم ظهور است.

۲. بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۴۸۳ (در بعضی از جملات این روایت امام بر سبیل کنایه و رمز سخن فرمود که تحلیل و تفسیر آن به راحتی به دست نمی‌آید).

۳. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۳۹.

۶۵

محل خروج دجال

امام علی علیه السلام می‌فرماید: دجال از شهری که آن را اصفهان می‌گویند و از قریه‌ای که معروف به یهودیه است بیرون می‌آید.^۱

- در مستدرک ص ۵۲۹ در ذیل حدیثی دارد که دجال از یهودیه اصفهان خروج می‌کند.

سپس فرمود: امرشان کن که پلاسی باشند از پلاس‌های خانه خود.^۲ (یعنی مؤمنین این گونه باشند).

- در روایت است که دجال پشت سرش راه راه است (یعنی موهای پشت سرش مثل راه است یا چین دارد) او می‌گوید: من خدای بزرگ شمایم.

هرکس تصدیق کرد به فتنه افتاد و هرکس به او گفت دروغ می‌گویی خدای من الله است و بر او توکل می‌کنم و بسوی او توبه و بازگشت می‌کنم ضرری به او نرساند در روایتی دیگر آمده که دجال را یهودیان اصفهان متابعت کنند به تعداد هفتاد هزار نفر که ردهای مدور پوشیده‌اند.^۳

- در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۲۶ فرمود: دجال از یهودیه اصفهان خارج می‌شود به کوفه می‌آید پس جماعتی از مدینه به او ملحق می‌شوند و جماعتی از طور و عده‌ای از ذی یمن و دسته‌ای از قزوین.^۴

۶۶

فتح قسطنطنیه در ۷ ماه

- معاذبن جبل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود: شورش و جنگ بزرگ و فتح قسطنطنیه و خروج دجال در هفت ماه خواهد شد.^۵ در ملاحم،

۳۵۲

۱. مهدی موعود: علی دوانی، ص ۹۶۵.

۲. یاتی علی الناس زمان، ص ۱۴۸.

۳. یاتی علی الناس زمان، ص ۲۱۹.

۴. یاتی علی الناس زمان.

۵. یاتی علی الناس زمان، ص ۵۷۴ و مستدرک ج ۴، ص ۴۲۶.

ص ۹۷ از رسول خدا ﷺ منقول است که چون عیسی بن مریم نازل شود دجال را بکشد...^۱

۶۷

اتفاقات استثنایی ماه رجب در قبل از ظهور

امام صادق علیه السلام می فرماید: پیش از آن سالی که ندای آسمانی (که از علائم حتمی است) بلند شود در ماه رجب نشانه دیگری باید دیده شود. عرض کردم: آن چیست؟ فرمودند: صورتی در ماه پیدا می شود و دستی ظاهر می گردد که همه آن را می بینند.^۲

۶۸

دستی که در آسمان دیده می شود

بزنطی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: «قبل هذا الامر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح و کف یقول هذا و هذا». قبل از قیام فرزندم مهدی علیه السلام پنج علامت دیده می شود. خروج سفیانی و قیام یمانی و خروج مروانی و شعیب بن صالح و بیرون آمدن دستی از آسمان به طوری که افراد آن را به یکدیگر نشان بدهند.^۳ در اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۳۵ از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: کف دستی از آسمان طلوع کند و آن از علائم حتمی است.^۴

۶۹

باران - ۱۴ روزه

امام صادق علیه السلام: «وإذا ان قیامه مطر الناس فی جمادی الاخرة و عشرة ایام من رجب مطرا لم یرالناس مثله فینبت الله به لحوم المؤمنین فی ابدانهم فی قبورهم...».

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۸۶.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۵۲. (این علامت از انواع علائم سمائی یا آسمانی است و از علائم غیر طبیعی ظهور تلقی می شود)

۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۶.

۴. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۵۹.

و چون هنگام ظهور مهدی علیه السلام نزدیک شود در تمام ماه جمادی الاخر و ده روز نخست ماه رجب بارانی بر مردم بیارد که تا آن هنگام مانند آن را ندیده باشند پس خداوند به وسیله آن گوشت بر بدن مؤمنان که در قبرهایشان خفته‌اند برویاند.^۱

۷۰

پنج نشانه

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیش از ظهور قائم پنج نشانه حتمی است یمانی، سفیانی، صحیه آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن در بیابان.^۲

– امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی که آمدن مهدی نزدیک شد در ماه جمادی الاخر و ده روز از ماه رجب چنان باران می‌بارد که مردم مثل آن را ندیده باشند...^۳

و در روایتی دیگر می‌فرمایند: خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد.^۴

۷۱

ندای رحمت از آسمان در ماه رجب

امام رضا علیه السلام می‌فرمود: ...گویی می‌بینم سرور و خوشحالی آنان (شیعیان) را که در نتیجه شنیدن یک صدا به آن‌ها دست می‌دهد شنیدن این صدا برای آن‌هایی که نزدیک یا دورند یکسان است و آن ندا رحمت است برای اهل ایمان و عذاب است برای کافران.
عرض کردم: آن ندا چیست؟

فرمود: سه صدا در ماه رجب شنیده می‌شود البته از آسمان، صدای اول می‌گوید: آگاه باشید که ستمگران از رحمت خداوند دور و ملعون‌اند.

۱. اعلام الوری، ص ۴۳۲.

۲. کمال‌الدین، ص ۶۵۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، ح ۷۷.

۴. غیبت نعمانی، باب ۱۸، ص ۴۲۶ و ص ۴۳۴.

صدای دوم: «ازفت الازفة یا معشر المؤمنین» نزدیک شد نزدیک شونده، ای گروه مؤمنان.

صدای سوم: بدنی را در خورشید می بینند که گوینده آسمانی فریاد می زند:

این است امیرالمؤمنین که به دنیا برگشته است برای هلاک کردن ستمگران.^۱

– حسن بن محبوب از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که امام فرمود: گویا او را می بینم که دل مردم را شاد کند آوازی بلند می شود که دور و نزدیک آن را بشنوند و آن آواز برای مؤمنین رحمت و برای کافرین عذاب است.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت آن چیست؟

فرمود: سه آواز در ماه رجب برآید:

اول: «الالعهن الله علی الظالمین».

دوم: «ازفت الازفة یا معشر المؤمنین».

سوم: بدنی را خواهند دید که در پیشاپیش آفتاب آشکار می شود و آواز می دهد: خداوند برای براندازی ستمگران فلانی را برانگیخت.

در آن هنگام فرج مؤمنین فرا می رسد و خداوند سینه های آنان را شفا بخشد و عقده های دلشان برطرف گردد.^۲

خسوف در شب چهاردهم رجب

ام سعید حمسیه به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

یابن رسول الله صلی الله علیه و آله علامت و نشانه ای برای خروج و ظهور امام مهدی علیه السلام در

دست من قرار ده؟

امام فرمود:

۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۸.

۲. مکبیل المکارم، ج ۱، ص ۳۰۵.

ای ام‌سعید، هرگاه ماه در شب چهاردهم ماه رجب خسوف شد و از زیر او مردی بیرون آمد (در آسمان ظاهر شد) پس خروج قائم عج نزدیک است.^۱

۷۳

اتفاقات استثنایی ماه رمضان در قبل از ظهور

امام علی ع می‌فرماید: «اذا نادى منادٍ من السماء: ان الحق في آل محمد ذلك يظهر المهدى على افواه الناس و يشربون حبه فلا يكون لهم ذكر غيره».

هرگاه آواز دهنده‌ای از آسمان آواز برآورد که: همانا حق در میان خاندان محمد است در آن هنگام (نام و یاد او) مهدی بر سر زبانهای مردم می‌افتد و جام محبت او را سر می‌کشند و جز یاد و نام او بر زبان ندارند.^۲

۷۴

وحشت در ماه رمضان

امام باقر ع فرمود: از امیرمؤمنان علی ع درباره این آیه شریفه: «فاختلف الاحزاب من بينهم».^۳

سؤال شد حضرت فرمود: با دیدن سه علامت منتظر فرج باشید، عرض شد: یا علی! آن سه علامت چیست؟ فرمود: اختلافی که در میان شامیان یعنی اهل شام پیدا می‌شود و دیگری آمدن پرچم‌های سیاه از خراسان و سومی وحشتی است که در ماه مبارک رمضان پدیدار می‌گردد. عرض کرد: یا امیرالمؤمنین وحشت در ماه رمضان چیست؟ فرمود: مگر نشنیده‌اید گفتار خدا تعالی را که در قرآن کریم که می‌فرماید: «و ان نشانزل علیهم من السماء آية فضلت اعناقهم لها خاضعين».^۴

یعنی: اگر بخواهیم نشانه‌ای از آسمان برای آن‌ها می‌فرستیم که گردن‌هایشان در برابر آن کج شده و خاضع گردند؛ نشانه آن صدایی است

۱. اثبات الهداة.

۲. کنز العمال، حدیث ۳۹۶۶۵.

۳. غیبت نعمانی، ص ۲۵۱.

۴. شعراء / ۴.

که از آسمان شنیده می‌شود به طوری که دختران پس پرده را از خانه‌ها بیرون می‌کشند و خفتگان را بیدار و اشخاص بیدار را هراسناک می‌گردانند.^۱

۷۵

خسوف و کسوف در ماه رمضان

امام باقر علیه السلام فرمود: «آیتان تکونان قبل القائم لم یكونا منذ هبط آدم علیه السلام الى الارض تنكسف الشمس في النصف من شهر رمضان والقمر في آخره فقال رجل يا بن رسول الله تنكسف الشمس في آخر الشهر والقمر في النصف؟

فقال ابو جعفر علیه السلام اني لاعلم بما تقول ولكنها آیتان لم تكونا منذ هبط آدم علیه السلام».

دو نشانه پیش از قیام مهدی علیه السلام پدید خواهد آمد که از زمان هبوط آدم علیه السلام در زمین بی سابقه است: گرفتن خورشید در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در آخر آن ماه، مردی به امام عرض کرد: ای پسر رسول خدا، کسوف در وسط و خسوف در آخر ماه؟

حضرت فرمود: آری من به آنچه می‌گویی داناترم ولی آن دو نشانه‌اند که واقع شدن آن‌ها از زمان هبوط آدم علیه السلام سابقه ندارد.^۲

۷۶

صدای جبرئیل و شیطان در ماه رمضان

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: در ماه رمضان صدایی شنیده خواهد شد.

عرض کردند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله این صدا در اول یا وسط یا آخر آن است؟ فرمود:

«لا بل في النصف من رمضان اذا كانت اليلة النصف ليلة الجمعة يكون صوت من السماء يصعق

له سبعون الفا ويصم سبعون الفا».

نه بلکه در نیمه آن ماه و در زمانی که شب نیمه ماه، شب جمعه باشد صدایی از آسمان بلند می‌شود که هفتاد هزار نفر از ترس آن بیهوش و هفتاد هزار نفر کر می‌شوند.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۱.

۲. اثبابة الهداة، ج ۵، ص ۳۵۶.

عرض کردند: یا رسول الله! پس از امت شما چه کسی سالم می ماند؟
فرمود:

کسی که ملازم خانه اش باشد و پناه ببرد به خدا یا سجده کردن و صدای خود را برای خدا به تکبیر بلند کند.
همانا صدای اول صدای جبرئیل است و صدای دوم از شیطان است پس صدا در ماه رمضان بلند شود و در ماه شوال صدای اسلحه و درگیری سخت به گوش رسد و در ماه ذی القعدة قبیله ها از یکدیگر تمیز داده شوند و در ماه ذی الحجة حاجیان غارت شوند.
و در ماه محرم چه محرمی! از اول آن بلا بر امت من روی دهد و در آخر آن فرج است برای امت من...^۱

۷۷

کلام آسمانی در رمضان درباره چیست؟

امام صادق علیه السلام در جواب به این پرسش که صدای آسمانی چگونه شنیده می شود؟

می فرماید: در اول روز گوینده ای از آسمان صدا می زند به طوری که تمامی مردم با زبان های مختلف خود آن را می شنوند او می گوید: آگاه باشید که حق در پیروی از علی علیه السلام و شیعیان اوست.

آنگاه شیطان در آخر روز از زمین صدا می زند: آگاه باشید که حق در پیروی از عثمان و پیروان اوست در آن هنگام است که اهل باطل دچار تردید می شوند.^۲

در روایتی دیگر آمده که صدای اولی صدای جبرئیل امین است.
- ناجیه قطان از امام باقر علیه السلام نقل می کند که شنیدم امام فرمود:

«انّ المنادی ینادی انّ المهدی من آل محمد فلان ابن فلان باسمه و اسم ابیه...».

منادی از آسمان ندا سر می دهد که مهدی آل محمد (فلان پسر فلان

۱. نوائب الدهور، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲. کتاب غیبت طوسی، ص ۲۶۶.

است) که نام مبارک و اصلی حضرت باشد و نیز شیطان فریاد می‌زند و نام یکی از بنی‌امیه را می‌برد که فلانی و پیروان او بر حق هستند.^۱

۷۸

زمان صیحه آسمانی در رمضان

در روایات است که امام باقر علیه السلام فرمود:

صیحه آسمانی در شب بیست سوم ماه رمضان خواهد بود.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الصيحة التي في شهر رمضان تكون ليلة الجمعة لثلاث و عشرين مضي من شهر رمضان».

صیحه آسمانی که در ماه رمضان واقع می‌شود حتما در شب جمعه

بیست سوم آن ماه خواهد بود.^۳

۷۹

رستگاری شیعیان علی علیه السلام در کلام جبرئیل

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: منادی در آسمان ندا می‌دهد که «ان علیا و شیعة

هم الفائزون».

و ابلیس در مقابل ندای جبرئیل در آخر همان روز می‌گوید:

«الا ان عثمان و شیعة هم الفائزون» و در حدیثی دیگر آمده که می‌گوید: «الا ان

الحق في عثمان و شیعة، الا ان عثمان قتل مظلوما».^۴

– امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: در ماه رمضان به هنگام صبح از ناحیه

مشرق ندا دهنده‌ای بانگ برمی‌آورد که: ای اهل ایمان! گرد هم آیید و از

ناحیه غرب پس از ناپدید شدن شفق ندا دهنده‌ای می‌گوید: ای اهل باطل

گردهم جمع شوید...

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۷.

۲. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۶.

۴. مهدی منتظر، ص ۱۷۸.

۸۰

اصحاب کهف جز یاران امام مهدی

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

.... رومیان به ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف^۱ روی آورده و خداوند آن جوانان را با سگ شان از غارشان برمی‌انگیزد در بین آنان مردی به نام ملیخا و خمالها بوده که این دو تسلیم دستورات حضرت قائم خواهند بود.^۲

۸۱

وظیفه مؤمنین در صیحه آسمانی ماه رمضان

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد صیحه آسمان چیست؟

فرمود: این صیحه در نیمه ماه رمضان در شب جمعه خواهد بود و صدایی است که شخص خوابیده را بیدار می‌کند و ایستاده را می‌نشانند و زنان نجیب و پوشیده را در اثر (وحشت) از پرده‌ها بیرون می‌آورد....

در شب جمعه و در سالی که زلزله زیاد است وقتی نماز صبح را به جای می‌آورید به خانه‌های خود بروید و در و پنجره‌ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوشه‌هایتان را ببندید وقتی آن صوت را شنیدید سر به سجده بگذارید و بگوئید.

«سبحان القدوس سبحان القدوس سبحان القدوس» هر کس چنین کند نجات یابد

و هرکس نکند هلاک شود.

۸۲

علامتی ویژه در ماه رمضان

روای می‌گوید: در محضر امام باقر علیه السلام بودم آن حضرت دو علامت پیش از قیام حضرت قائم را ذکر کرده و فرمودند: از وقتی که حضرت آدم علیه السلام به این دنیا آمد این دو آیت بزرگ هرگز دیده نشده است: اول کسوف خورشید است در نیمه ماه رمضان، دوم خسوف ماه است در آخر همان ماه رمضان

۱. غار اصحاب کهف در چند جا مطرح شده در کشور سوریه در نزدیکی شهر دمشق کوه قاسیون، در بحرین و در منطقه قفقاز آذربایجان و مقصود از رومیان غربی‌ها می‌باشند نه روم باستان (ایتالیا).

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۵.

مردی در مجلس نشسته بود عرض کرد: ای پسر پیامبر اینطور نیست بلکه درست بر عکس است کسوف در آخر ماه و خسوف در وسط ماه پدید می آید.

امام فرمود:

می دانم شما چه می گوئید اما من می خواهم بگویم از اول تا قبل از قیام مهدی ما این کار نشده است و اختصاص به پیش از ظهور دارد.^۱

۸۳

کسوف خورشید در ماه رمضان

- امام صادق علیه السلام می فرماید: کسوف خورشید در ماه مبارک رمضان است و وقت کسوف سیزدهم و چهاردهم ماه رمضان خواهد بود.^۲
- در کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۵۷ روایت کند که یکی از علامات ایستادن خورشید است از وقت زوال روز تا وسط عصر...^۳

۸۴

علائم ظهور در ماه ذی الحجه

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آیا شما را از پایان حکومت بنی فلان خبرندهم (ظاهرا مراد از بنی فلان بنی امیه یا بنی عباس است) عرض کردند: چرا یا امیرالمؤمنین؟ حضرت فرمود: کشتن نفس محترمی که ریختن خون او حرام است یعنی نفس زکیه- در روز محترم در شهر محترم از طایفه ای از قریش. قسم به پروردگاری که دانه را شکافت و بشر را آفرید پس از کشتن او بجز ۱۵ شب حکومت نخواهند کرد.^۴

در روایات علائم ظهور کشته شدن نفس زکیه دو نوع ذکر شده.

الف: کشته شدن نفس زکیه در ماه ذی الحجه در مکه مکرمه.

ب: کشته شدن نفس زکیه در نجف اشرف به همراه ۷۰ نفر از یارانش، این

۱. مکیال المکارم، ص ۱۸۹.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۷۲.

۳. یاتی علی الناس زمان، ص ۲۶۰.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۴.

نفس زکیه غیر از نفس زکیه‌ای است که در مکه شهید می‌شود و نامش محمدبن حسن است.

۸۵

آخرین علامت ظهور امام عصر

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: فاصله بین کشته شدن نفس زکیه و ظهور قائم علیه السلام بیش از ۱۵ شبانه روز نیست.^۱ (شهادت جناب نفس زکیه در ماه ذی‌الحجه می‌باشد).

باید توجه داشت یک نفس زکیه در مکه کشته می‌شود و آن غیر از آن سید حسنی و نفس زکیه‌ای است که در پشت کوفه^۲ به شهادت می‌رسد.^۳ نفس زکیه شخصی است به نام محمدبن حسن از یاران امام مهدی علیه السلام که حامل پیام امام مهدی علیه السلام خطاب به مردم مکه است او پیام امام را گرفته و در میان مقام ابراهیم و رکن در مسجدالحرام آن را قرائت می‌کند سپس مردم به او حمله کرده و سر او را از تن جدا کرده و شهیدش می‌کنند.

۸۶

علامت سمائی (فضائی)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی آتش بزرگی از طرف مشرق مشاهده کردید که در بعضی شبها بالا می‌آید در آن هنگام گشایش کار مردم پدید می‌آید و این آتش اندکی قبل از ظهور قائم خواهد بود.^۴ و در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام می‌فرماید: پیش از قیام قائم مردم به وسیله

۱. /ارشاد شیخ مفید، ص ۶۹۷

۲. از امام حسن علیه السلام سؤال شد امام علی علیه السلام را در کجا دفن کردید؟ فرمودند: در پشت کوفه یعنی: نجف فعلی در آن زمان نجف وجود نداشته اگر دقت شود شهید شدن آیت‌الله حکیم در پشت کوفه یعنی نجف فعلی و پشت کوفه یعنی دقیقا کنار حرم امام علی علیه السلام البته شهدای همراه آیت‌الله حکیم حدود همان ۷۰ نفر بودند که در ابتدای انفجار بر اساس خبر خبرنگار همراه ایشان در اطراف محل انفجار افتاده بودند. شهدای بعدی، از مجروحین و مغازه‌داران اطراف حرم بودند علی ای حال این روایت محل تأمل و شاید نشانه روشنی از علائم ظهور می‌باشد.

۳. /ارشاد شیخ مفید، ص ۶۹۲

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ و ۲۲۱.

آتشی که برای آنان از آسمان پدید آمده و سرخی آن آسمان را می‌پوشاند از گناهانشان باز داشته می‌شوند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود: ده چیز پیش از قیامت حتماً به وقوع خواهد پیوست: سفیانی، دجال، دخان، دابّه، خروج قائم، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی، خسوف در مشرق، خسوف در جریزه‌العرب و آتشی که از مرکز عدن شعله می‌کشد و مردم را به سوی بیابان محشر هدایت می‌کند.^۲

- و از نشانه‌های سماوائی ظهور امام عصر علیه السلام:
توقف خورشید از اول ظهر تا وسط وقت عصر.

۸۷

بروز صاعقه در آسمان

در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۳۵ روایت دارد که فرمود: صاعقه در وقت نزدیکی ظهور امام مهدی به طوری زیاد می‌شود که مردی نزد جماعتی می‌آید و سؤال کند که امروز صاعقه به چه کسی خورد...^۳

۸۸

ستاره‌ای درخشان در آسمان

طلوع ستاره درخشانی در مشرق که مانند ماه بدرخشد و سپس یک طرف آن خم گردد به طوری که نزدیک باشد دو طرف آن بهم برسد و البته این ستاره غیر از ستاره دنباله‌داری است که در بعضی از روایات به قیام شخصی در آخر الزمان و پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره دارد.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰ و ۲۲۱.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۶۷.

۳. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۲۱.

۴. ارشاد شیخ مفید، ج ۲، ص ۳۴۵.

علائم جغرافیایی (آب و هوایی)

شیخ الطایفه در کتاب غیبتش از سعیدبن جبیر نقل فرموده است که:

«السنة التي يقوم فيها المهدي بمطر اربعا و عشرين مطرة يري اثرها و برکتها».

در آن سالی که حضرت مهدی عج قیام می کنند بیست و چهار ساعت باران می بارد و آثار و برکات آن بارانها دیده می شود.^۱

سعیدبن جبیر می گوید: سالی که قائم قیام می کند ۲۴ نوبت بر زمین باران می بارد که آثار و برکات آن دیده می شود.^۲

امیرالمؤمنین علی ع فرمود: ظهور آن حضرت نشانه‌ها و علامات‌ی دارد: نخست محاصره کوفه و کمین کردن و پرتاب سنگ و ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کوچه‌های کوفه، تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و کشف معبد و به اهتزاز در آمدن پرچم‌هایی گرداگرد مسجد بزرگ (مسجدالحرام) کشنده و کشته شده هر دو در آتش‌اند.^۳

امام صادق ع می فرماید: «یزجرالناس قبل قیام القائم ع عن معاصیهم بنار تظهر لهم فی السماء و حمرة تجلج السماء و خسف بیغداد و خسف ببلدة البصرة و دماء تسفک بها و خراب دورها و فناء یقع فی اهلها و شمول اهل العراق خوف لایکون لهم معه قرار».

قبل از قیام قائم ع مردم عراق بازداشت می شوند از معصیت خدا بوسیله آتشی که در آسمان برای آن‌ها ظاهر می شود و رنگ سرخی که آسمان را درخشان می گرداند و خرابی‌های عجیبی که در بغداد و بصره پدید آید.

سایر علامات ظهور

در ارشاد مرحوم شیخ مفید علائم دیگری را برای ظهور ذکر کرده‌اند که در اینجا به بعضی از آن‌ها اشاره می شود.

۱. غیبت طوسی، ص ۲۶۹.

۲. کشف الغمّه، ج ۴، ص ۲۵۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳.

۱. خسف بالمشرف یعنی فرورفتگی زمین در مشرق، شاید بتوان به بمباران اتمی ژاپن تعمیم داد.
۲. اختلاف بین بنی‌العباس بر سر دنیا.
- باید توجه داشت که این اختلاف اکنون در بین حکام جور به وجود آمده و علت ذکر نام بنی‌العباس می‌تواند به عنوان نماد ظلم باشد نه صرفاً بنی‌العباس زمان امامان.
۳. داخل شدن پرچم‌های قیس و عرب به مصر، شاید بتوان به حرکت کشتی‌های آزادی غزه تعمیم داد.
۴. و نَارٌ تَظْهَرُ بِالْمَشْرِقِ طَوِيلًا یعنی آتشی (جنگ) از مشرق به مدت طولانی ظاهر می‌شود. شاید بتوان گفت که مقدمه این کار فراهم شده است چرا که کشورهای هند و پاکستان، چین و ژاپن، کره جنوبی و شمالی و چین تایپه و تایوان اختلافات شدیدی دارند.
۵. اختلاف صنفین من العجم وسفك دماء كثيرة فيما بينهم.
۶. احراق رجلٍ عظیم القدر من شیعة بنی‌العباس بین جلولاً و خانقین (عراق).

اتفاقات جغرافیایی قبل از ظهور

فتح بیت‌المقدس یکی از مهم‌ترین اتفاقات جغرافیایی قبل از ظهور می‌باشد چنانچه در روایت است که: رسول خدا ﷺ فرمود: ای عوف! حفظ کن شش خصلت را پیش از ساعت ظهور.

یکی مرگ من، پس از آن فتح بیت‌المقدس، آنگاه پس از آن مرضی در شما پیدا شود که ذراری شما و خود شما از خدا طلب شهادت می‌کنید اموال شما زیاد می‌شود...

پس از آن بین شما و بین بنی‌الاصفر^۱ صلحی باشد پس ایشان غدر و حيله کنند و با هشتاد پرچم که زیر هر پرچمی دوازده هزار نفر باشد به شما حمله کنند.^۲

۱. رومی‌ها را گویند.

۲. یاتی علی الناس زمان، ص ۳۸۸ - کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۱۳ - مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۴۲۳.

وضعیت مسجد کوفه

امام حسین علیه السلام فرمود: «اذا هدم حائط مسجد الكوفة حمايلي دار عبدالله بن مسعود...» هرگاه دیوار مسجد کوفه که در جنب خانه عبدالله بن مسعود (یا خانه عبدالملک است) خراب شد در این هنگام سلطنت دشمنان ما ساقط می‌شود و در این زمان است که مهدی ما قیام می‌کند.^۱ از علائم ظهور امام عصر علیه السلام که در روایات به آن اشاره شده است. عبارتند از: خراب شدن دیوار مسجد کوفه، خراب شدن ضلع غربی مسجد اموی در شهر دمشق و خراب شدن شام، تعطیلی مساجد... از علائم ظهور امام عصر علیه السلام در روایت آن است که اطراف مسجد کوفه آباد می‌شود و خانه و ساختمانها زیاد می‌شود و در آن موقع که حکومت بنی‌العباس دچار زوال و نابودی می‌گردد در این وقت است که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌نماید.^۲

نبرد در منطقه قرقیسیا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: سفیانی نیروهای خود را برای کشتن آل محمد علیهم السلام و شیعیان اهل بیت گسیل می‌دارد و... سپاهیانش وارد قرقیسیا می‌شوند و جنگی سخت به راه می‌اندازد که صدها هزار نفر در آن کشته می‌شود.^۳

کشتاری بی‌مانند در قرقیسیا

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: در قرقیسیا حادثه‌ای روی می‌دهد که هرگز از اول آفرینش جهان چنین حادثه‌ای روی نداده است و تا روزی که زمین و

۱. عقد الدرر، ص ۵۱.

۲. فی الحال در اطراف مسجد کوفه اماکن و ساختمان‌های زیادی ساخته شده است.

۳. این حادثه قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام رخ خواهد داد و یکی از پیش زمینه‌های ظهور تحلیل شده است.

آسمانها وجود دارد چنین حادثه‌ای روی نخواهد داد و آنجا سفره گسترده الهی پهن می‌شود درندگان و طیور برای خوردن گوشت جباران گرد می‌آیند مرغان و درندگان صحرا از آن می‌خورند و سیر می‌شوند.

۹۵

مرکز درگیری‌ها قبل از ظهور قرقیسیا است

قرقیسیا منطقه‌ایست که در کنار فرات و او یکی از مراکز جنگ قبل از ظهور امام است جنگ ترک‌ها و رومی‌ها و غربی‌ها و یمانی و خراسانی و سفیانی در آنجا خواهد بود.^۱

- امام باقر علیه السلام فرمود: سپس سفیانی با ابقع^۲ روبرو می‌شود و با یکدیگر کارزار می‌کنند سفیانی او و همراهانش و اصبه را به قتل می‌رساند آنگاه هیچ تصمیمی جز حمله به عراق ندارد.

او سپاه خود را به قرقیسیا رسانده و در آنجا وارد نبرد می‌شود در این درگیری صدهزار ستمگر کشته می‌شود و سفیانی لشکری به تعداد هفتاد هزار نفر را بسوی کوفه گسیل می‌دارد.^۳

۹۶

تا دریا تصرف شود

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: قائم علیه السلام ظاهر نخواهد شد تا این که کفار پنج نهر (دریا) را مالک شوند سیحون و جیحون فرات^۴ و نیل و دجله، خداوند

۱. مهدی منتظر، ص ۱۵۳.

۲. این دو گروه مخالف اسلام و جزء طرفداران کفار می‌باشند لذا در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده که میان سه لشکر اصبه و ابقع و سفیانی اختلاف ایجاد می‌شود و امام در این روایت این اختلاف را نزدیک ظهور امام مهدی علیه السلام می‌دانند. (الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۴).

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۴. رژیم غاصب صهیونیستی با دولت ترکیه قرار داد احداث سدی بر روی فرات بسته‌اند که عن قریب این طرح به اجراء خواهد آمده و به یک معنا فرات خشک می‌شود چرا که فرات از ترکیه سر چشمه می‌گیرد و در روایات است که فرات حجاب از خود برمی‌گیرد شاید با این رفتار یهودی‌ها در حدیث ارتباط داشته باشد.

اهلبیت پیغمبر خود را بر همه گمراهان یاری خواهد کرد تا این که هیچ رایتی برای ایشان بلند نشود تا روز قیامت.^۱
 - امام علی علیه السلام می فرماید: هرگاه زیادی آب، شکافی در فرات ایجاد کند و آب به کوچه های کوفه برسد شیعیان ما آماده ملاقات قائم علیه السلام شوند.^۲

۹۷

کنجی از ملا در فرات

- در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۳ فرمود: ساعت ظهور برپا نشود تا اینکه در فرات کوهی از طلا پیدا شود مردم برای آن کشته شوند، پس نه دهم مردم کشته شوند.
 در حدیث دیگر فرمود: زود است که فرات کشف حجاب کند و کوهی از طلا در آن نمایان شود پس وقتی مردم آن را بشنوند به سوی فرات آیند پس کسی که نزد اوست بگوید والله اگر ما ترک کنیم، آن را می گیرند. و همه را می برند پس مردم برای خاطر آن (طلاها) همدیگر را بکشند تا اینکه از هر صد نفر نود و نه نفر کشته شوند.^۳

۹۸

اتفاقات و علانم اجتماعی و سیاسی قبل از ظهور

امام باقر علیه السلام می فرماید: حضرت قائم قیام نمی کند مگر در حالی که ترس شدید و فتنه و بلائی بر مردم فرا رسد و قبل از آن گرفتار طاعون می شوند آنگاه شمشیر برنده میان اعراب حاکم می شود و اختلاف میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در حال آنان بوجود می آید به گونه ای که هر کسی در اثر مشاهده درنده خوئی که در میان برخی از مردم نسبت به بعض دیگر وجود دارد صبح و شام آرزوی مرگ می کند.^۴

۱. الزام الناصب.

۲. مهدی منتظر، ص ۱۴۴.

۳. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۳۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۱.

- در کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۴۱ روایت آورده که فرمود: از علائم ساعت (ظهور) آن است که قرآن را اسباب تجارت خود قرار دهید.^۱
- رسول خدا ﷺ فرمود: «برپا نشود قیامت تا وقتی که صدا بلند شود در
طربها (آواز خوانی‌ها) مانند کشیده شدن صدای خرها.

لاتقوم الساعة حتى نيشاهد في الطروب مد الحمير».^۲

- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید: که‌ای پسر پیامبر چه موقع قائم
شما ظهور خواهد کرد؟

امام فرمود: «اذا تشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و اکتفی الرجال بالرجال...».

زمانی که مردان خود را به هیات و شکل زنان درآورند و زنان نیز مثل
مردان شوند و مردان به مردان اکتفا می‌کنند و زنان هم به همدیگر و زنان
سوار بر زین می‌شوند و شهادت دروغ پذیرفته می‌شود اما شهادت درست
پذیرفته نمی‌شود و خون ریزی امر معمولی و عادی گردد و خون مردم
احترام ندارد و قبح زنا می‌شکند و ربا خواری عادی می‌شود و مردم از اشرار
دوری کنند چون از زبانشان می‌ترسند...^۳

«عن انس عن النبي ﷺ انه قال:

يأتي على الناس زمان الصابر منهم على دينه كالقايض على الجمرة».

زمانی خواهد آمد که دینداری برای انسان مثل آن است که بخواهد
سنگ داغی را در دست خود نگه دارد.

- در آخر زمان طبق روایت مردم از نظر دینی روز به روز عقب گرد
می‌کنند تا آنجائی که لا اله الا الله به سبکی گفته می‌شود.

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۵۶۵.

۲. مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۲۶.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

- روایاتی وجود دارد که به بعضی از علائم ظهور اشاره می‌نماید.

از جمله: شیوع ظلم و ستم و بی‌دینی رواج گناه، شراب خواری، رباخواری ریاکاری- رشوه‌خواری، نفاق، تقلب و قساوت بی‌عفتی و بی‌حیایی، ظاهر شدن زنان با لباسهای زننده در اجتماع، صلح رحم مراعات نمی‌شود، بی‌احترامی به پدر و مادر، خمس و زکات پرداخت نمی‌شود، اهل باطل بر مسلمانان چیره می‌شوند.

امام صادق علیه السلام به صحابی بزرگوار محمد بن مسلم فرمود: قیام قائم دارای علامت‌هایی است از طرف پروردگار.

محمد بن مسلم پرسید: آن چیست؟

امام در جواب او آیه شریفه را تلاوت فرمود: «ولنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع

و نقص من الاموال و النفس و الثمرات و بشر الصابرين».

- در روایت است که: مؤمن اندوهگین و حقیق می‌شود به طوری که قدرت بر انکار ندارد مگر در قلب خود و به آن‌ها همه گونه اهانت می‌شود. و در روایتی دیگر آمده.

زمانی پیش خواهد آمد که دیندار نجات پیدا نمی‌کند مگر آنکه مردم گمان کنند که او ابله است و باید مؤمن خود را بر این موضوع آماده کند که به او بگویند ابله است و عقل ندارد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان غیبت قلب مؤمن در قفسه سینه‌اش آب می‌شود همان طور که نمک در آب محلول می‌گردد چون مؤمن منکرات را می‌بیند و قدرت ندارد آن را تغییر دهد مؤمن در میان مردم با ترس رفت و آمد می‌کند اگر سخن بگوید او را می‌خورند و اگر سکوت کند از فشار غصه می‌میرد.

ابن ابی‌الحدید در نهج‌البلاغه خود در خطبه‌ای از امام علی علیه السلام آورده که دلالت و مطابقت زیادی بر جنگ و حمله کشورهای ناتو و امریکا به عراق دارد و حضرت در آنجا به علائم آخر زمان نیز اشاره دارند که به جهت

طولانی بودن خطبه صرفا به این خطبه اشاره شد طالبین می‌توانند جهت مطالعه به آن خطبه بسیار جالب مراجعه نمایند.^۱
- امام علی علیه السلام می‌فرمایند: در آخرالزمان مردم کار دنیا را بر کارهای آخرشان مقدم دارند.

۱۰۰

کشتار بیوح

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: پیش از قیام مهدی علیه السلام کشتار بیوح روی خواهد داد راوی می‌گوید: پرسیدیم یابن رسول‌الله کشتار بیوح چیست؟
امام فرمود: جنگِ پیوسته بدون قطع شدن را گویند.

۱۰۱

ظهور چه زمانی خواهد بود

رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج از خداوند سؤال کرد: خداوند! (ظهور مهدی علیه السلام) چه زمان خواهد بود؟ به حضرت وحی شد.
زمانی که قتل و کشتار زیاد شود فقها و هدایت‌کنندگان واقعی کم شوند قرآن‌ها را زینت کنند، جور و فساد زیاد شود، منکرات ظاهر شود، امت تو امر به منکر و نهی از معروف کنند، مردها به مردها اکتفا کنند و زنان به زنان، سه خسف^۲ در دنیا ظاهر شود: خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره‌العرب، خراب شدن بصره، ظهور دجال و قیامش از سجستان و خروج سفیانی...^۳ (درباره خراب شدن بصره روایت کاملی در مجموعه روایات وضعیت عراق قبل از ظهور آمده است).

۱. نهج البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ج ۶ ص ۱۳۴، خطبه ۷۱.

۲. فرورفتگی.

۳. اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۳۹۰ (علائم جغرافیائی، سیاسی، اجتماعی در این روایات یکجا آمده).

۱۰۲

بدترین زمانها

عن امیرالمؤمنین علیه السلام: «يقول يظهر في آخر الزمان و اقتراب الساعة و هو شر الازمنة نسوة كاشفات عاريات متبرجات خارجات من الدين داخلات في الفتن مائلات الى الشهوات مسرعات الى اللذات مستحلات للمحرمات في جهنم خالدات».

علی علیه السلام فرمود: در آخرالزمان که بدترین زمانها است ظاهر شوند، زنهايي که بی حجاب و برهنه باشند و بیرون از خانه، خود را برای غیرشوهر زینت کنند و مایل به شهوات باشند این گونه زنها مسلما اهل دوزخ خواهند بود.^۱ و در روایتی دیگر علی علیه السلام فرمود: زمانی بر مردم بیاید که افراد ضعیف الایمان و بی انصاف و بی عدالت در نزد اکثر مردم عزیز و آبرومند باشند و افراد با ایمان و با انصاف در نزد مردم ضعیف و بی ارزش خواهند بود.

سؤال شد یا امیرالمؤمنین در چه زمانی چنین شود؟
حضرت فرمود: هر گاه زنها مسلط بر امور و امور مملکت بدست بچهها (یعنی جوانان بی تجربه) افتد.^۲

۱۰۳

علائم سیاسی

شیصبانی شخص ستمکاری است که بطور ناگهانی از کوفه سر درمی آورد. و با شیعه دشمنی دارد و به قتل بزرگان شیعه فرمان می دهد و همکار سفیانی اول است. حسن بن جهم می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: خداوند حال شما را به صلاح گرداند آنان (مخالفین) می گویند: سفیانی در حالی قیام می کند که بساط سلطنت بنی عباس برچیده شده باشد؟
حضرت فرمود: آنها دورغ می گویند سفیانی در حالی قیام می کند که هنوز بساط سلطنت بنی عباس پابرجاست.^۳

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۷.

۲. روضه کافی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۳. غیبت نعمانی، ص ۳۰۲.

۱۰۴

نکته

(منظور امام از بنی عباس در این روایت قطعاً حکومت‌های ستمکاریست که در زمان ظهور امام عصر در عراق حکومت می‌کنند و الا حکومت بنی عباس که قبلاً ساقط شده است پس این کنایه و لحنی است که در روایات علائم ظهور به طور وضوح زیاد دیده می‌شود).

۱۰۵

از صفر تا صفر سال بعد

در الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۵ از کتاب عبدالله بن بشار رضیع‌الحسین رضی الله عنه روایت کند که هر وقت خداوند اراده کند که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را ظاهر سازد شروع به جنگ خواهد شد از ماه صفر تا صفر (سال بعد) و این نزدیک خروج مهدی است.^۱

۱۰۶

خروج رضاشاه قلدرد

محمد بن بشر از محمد حنّیه نقل می‌کند که: به آن حضرت عرض کردم که قیام و دولت شما طول کشیده است این امر چه وقت خواهد شد؟ پس سر مبارک راتکان داده و فرمودند: هنوز اوضاع جهان دگرگون نشده و برادر درباره برادر جفا نکرده است؟ کجاست آن قیام؟ و حال آن که سلطان درباره رعیت ظلم نکرده است؟ کجاست آن حکومت؟ و حال آن که زندیقی از قزوین حرکت نکرده است؟ که پرده‌های عصمت را بدرد و قلب‌ها را انباشته از کفر کند...^۲

۱. یاقی علی الناس زمان، ص ۴۲۴ - صراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲. غیبت طوسی، ص ۲۶۹ (احتمالاً اشاره به جنایات و قیام رضاخان قلدرد دارد رضاشاه با قشون خود پس از حرکت از قزوین به تهران وارد شد و...).

۱۰۷

کشتاری وسیع

امام علی علیه السلام می فرماید: «لایخرج المهدي حتى يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقى ثلث»^۱.
مهدی ظهور نمی کند مگر بعد از آن که یک سوم مردم کشته شوند
یک سوم بمیرند و یک سوم دیگر باقی ماندند.

عن سلمان فارسی «قلت: يا اميرالمؤمنين متى القائم من ولدك؟»
سلمان فارسی گفت: روزی خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم: چه زمانی
قائم شما ظاهر خواهد شد؟

آن حضرت آهی از دل برکشید و فرمود: ظاهر نخواهد شد مگر زمانی
که بچه‌ها یعنی جوان‌های بی تجربه در امور فرمانروا شوند و کارها بدست
آن‌ها بیفتد و حقوق خداوند ضایع شود و قرآن را مانند غناء و سرود بخوانند.^۲
- امام عصر علیه السلام می فرمایند: نشانه ظهور من زیادی هرج و مرج و فتنه‌ها
است.

۱۰۸

اختلاف و تفرقه

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «ابشركم بالمهدي يبعث في امتي على اختلاف من الناس».
بشارت می‌دهم شما را به مهدی علیه السلام هنگامی که اختلاف و پراکندگی
مردم در میان امت برانگیخته می‌شود.^۳
از مالک بن ضمیره نقل شد که گفت:
امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: ای مالک بن ضمیره چگونه خواهی بود زمانی که
شیعیان این چنین با یکدیگر اختلاف داشته باشند؟
آنگاه حضرت انگشتان مبارک خود را بطور مشبک داخل یکدیگر نمود.

۳۷۴

۱. کنز العمال، حدیث ۳۹۶۶۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۷۵.

۳. كشف الغمة، ج ۳، ص ۲۸۴.

عرض کردم: ای امیرمؤمنان! در آن هنگام چه مسئله خیری بوجود خواهد آمد؟

حضرت فرمود: تمام خیر در آن هنگام است.

ای مالک! در آن زمان قائم ما قیام می کند و تعداد هفتاد مرد را که به خدا و رسول او دروغ گفته اند پیش کشیده و آنان را به قتل می رساند سپس خداوند همه را به یکپارچگی و وحدت می رساند.^۱

۱۰۹

نشانه‌ای که اتفاق افتاده است

۱. عرب‌ها استقلال پیدا کنند و کشورگشایی نمایند و از زیر بار و نفوذ دیگران بیرون روند.
۲. اهل مصر فرمانروای خود را بکشند. (کشته شدن انور سادات).
۳. شط فرات طغیان کرده یا شکافته شود به حدی که آب در کوچه‌های کوفه داخل شود.
۴. باد سیاهی در اول روز در بغداد بلند شود و زلزله‌ای در آنجا روی دهد به حدی که بسیاری از شهر فرو رفته و خراب گردد. (حمله آمریکا به عراق).
۵. ترسی عمومی و مرگی سریع و همگانی همه اهل عراق و مردم بغداد را فرا گیرد که قرار و آرام یا راه فرار نداشته باشند.^۲

۱۱۰

سایر علامت‌ها در روایات مربوطه به ظهور

۱. تخریب مسجد براثا

در روایتی رسول خدا ﷺ می فرماید: اگر مسجد براثا خراب شود زیانهایی دارد که از آن جمله تعطیل شدن برنامه حج است.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵.

۲. ارشاد شیخ مفید ج ۲، ۳۴۶.

عرض کردند: این مسجد در کجا قرار گرفته است؟
فرمود: در غرب زوراء (بغداد) از زمین عراق هفتاد پیامبر^{علیهم السلام} در این مسجد نماز خوانده‌اند و آخرین کسی که در آن نماز می‌خواند علی بن ابیطالب^{علیه السلام} است.^۱

۲. بسته شدن راه حج

حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در پاسخ این پرسش علی بن مهزیار اهوازی که پرسید: سرورم! این امر (ظهور) کی خواهد بود؟
«اذا حیل بینکم و بین سبیل الکعبه». فرمود: هرگاه راه مکه بر شما بسته شود.^۲

۳. ناامیدی عمومی

امام صادق^{علیه السلام} می‌فرماید: به خدا قسم این امر (ظهور) به سراغتان نیاید مگر پس از آنکه به کلی نومید شوید، نه به خدا، مگر پس از آن که (خالص و ناخالص شما) از هم باز شناخته شود.
- امام رضا^{علیه السلام} می‌فرماید: همانا فرج و گشایش پس از نومیدی می‌آید.^۳

۴. سال‌های پر دغدغه

حضرت علی^{علیه السلام} می‌فرمایند: قبل از قیام قائم سال‌های پر دغدغه و نیرنگی در پیش است.

در این سال‌ها راستگویان دروغگو شمرده می‌شوند و در عوض دروغگویان راستگو شناخته می‌شوند در این سالها «ماحل» تقرب پیدا می‌کند و «روبیضه» در سخن گفتن پیشقدم می‌گردند.

راوی عرض کرد: یا علی! محل و روییضه به چه کسانی گفته می‌شود؟
امام فرمود: مگر در قرآن نخوانده‌ای که خداوند می‌فرماید: «و هو الشدید

۱. نواب الدهور، ص ۱۳۱.

۲. تفسیر نورالقلین، ج ۵، ص ۴۶۱. (در زمان فهد و در قتل عام حجاج ایرانی ۳ سال راه خانه بسته شد).

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

المحال» سپس فرمودند: منظور از «ماحل» آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می‌کند.^۱

۵. پرچم دار هدایت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خروج خراسانی و سفیانی و یمانی هر سه در یک سال در یک ماه و در یک روز است اما هیچ پرچمی هدایتگرتر از پرچم یمانی نیست آری مردم را دعوت به حق می‌کند.^۲

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: در میان پرچم‌ها راهنماتر از پرچم یمانی نیست که آن پرچم هدایت است زیرا دعوت به صاحب شما (امام عصر علیه السلام) می‌کند و هنگامی که یمانی خروج نماید خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است و چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است و هیچ مسلمانی را روا نباشد که با آن پرچم مقابله نماید پس هر کس چنین کند از اهل آتش خواهد بود زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می‌خواند.^۳

۶. اسبغ مظفر در بتخانه

در روایتی از امام علی علیه السلام آمده: از نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام کشته شدن اسبغ مظفر در بت خانه با تعداد زیادی از انسان‌های شیطان صفت به طرز فجیع (صبرا) می‌باشد. (شاید کشته شدن عده زیادی از گروه داوودی در چند سال پیش در امریکا باشد که جملگی توسط پلیس امریکا در محل عباداتشان سوخته و کشته شدند).^۴

۷. امیر عبدالله در حجاز

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۷۸ در روایتی از پیامبر اکرم (ص رسیده که در معنی رویضه الرجل التافه... یعنی مرد حقیر و بی‌شخصیتی که علیرغم، عدم شایستگی در امور عامه مردم دخالت می‌کند و به جای آن‌ها اظهار نظر می‌کند).

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۴، ص ۳۶۹.

۴. بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۸۲.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس مرگ عبدالله^۱ را برای من تضمین کند من ظهور قائم را برای او ضمانت می کنم. سپس فرمود:

وقتی عبدالله در گذشت مردم بعد از او با کسی برای حکومت توافق نمی کنند و این اختلاف و درگیری به خواست خدا تا ظهور صاحب الامر ادامه می یابد و فرمانروائی های چند ساله پایان یافته و حکومت چند ماهه و چندین روزه فرا می رسد.

سؤال کردم: آیا این ماجرا بطول انجامد؟ فرمود: هرگز.^۲

۸. روایت ارادت ۱۲ نفر

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: قائم قیام نمی کند مگر آنکه دوازده نفر همگی اتفاق بر یک سخن کنند و گویند او را دیده اند اما آن ها را تکذیب می کنند.^۳

۹. ملخ سرخ

امام علی علیه السلام می فرماید:

قبل از قیام قائم علیه السلام در دو وقت از سال ملخ سرخ رنگ (برنگ خون) ظاهر خواهد شد یکی در موقع ظهور و یکی در غیر وقت آن.^۴

۱۰. ارسال ایمیل

۱. در روایاتی از امام باقر علیه السلام آمده که: علت مرگ او (عبدالله) این است که او با یکی از خواجگان خود ازدواج می کند و بعد دست به قتل او می زند و چهل روز مرگ او را مخفی نگه می دارد وقتی که سواران به جستجوی خواجه می آیند نخستین کسی که بیرون می آید تا آخرین نفر آنان باز نمی گردد و بدینگونه فرمانروایی آن ها منقرض می گردد (کمال الدین، ص ۶۵۵).

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۲۱۰.

در منطقه خاورمیانه چند کشور بدون حاکم می شوند که از جمله عربستان، سوریه، عراق، یمن... می باشد این وضعیت بلاصاحبی این کشورها در نزدیکی های ظهور خواهد بود یا حداقل قدرت حاکمیت ملی و نظارت حکومتها بر شهرهایشان بسیار ضعیف خواهد بود.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

۴. مهدی منتظر، ص ۱۴۱.

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مردم چگونه به قیام آن حضرت آگاه می‌شوند؟
امام فرمود:

هریک از شما وقتی از بستر خود بر می‌خیزد در کنار بسترش دعوت نامه‌ای می‌بیند که در آن آیه ۵۳ سوره نور نوشته شده که در آن آمده اطاعت خالصانه نشان دهید.^۱

۱۱. فواصل در بین نشانه‌های ظهور

از امام صادق علیه السلام پس از آن که برخی از نشانه‌های امام عصر علیه السلام را بیان کرد شخصی پرسید: فدایت شوم می‌ترسم این امر (تحقق نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام) به طول انجامد؟

امام علیه السلام فرمود: «لا اهما (هو) كنظام الخرز يتبع بعضه بعضا».
نه محققا همچون مهره‌های تسیح یکی پس از دیگری می‌آید.^۲

انتشارات سعید نفیسی

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲ این روایت دلالت دارد به پست الکترونیک و ایمیل و پیامک توسط تلفن همراه.

۲. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲۳۵، باب ۲۵.

بخش ۴

مکان و ظهور امام مهدی عج

۱۱۱

منکر ظهور کافر است

جابر بن عبدالله انصاری از حضرت رسول اکرم ص روایت کرده است که فرمود: «من انکر خروج المهدی فقد کفر» هر کس خروج مهدی را انکار نماید کافر گردیده.^۱

- قال الباقر ع: «یا اباحمزه! من المحتوم الذی حتمه الله قیام قائمنا فمن شك فیها اقول لقی الله و هو به کافر».

ای اباحمزه! از امور حتمیه‌ای که خداوند حتمی ساخته است قیام قائم ماست هر کس در این گفتار تردید کند خدا را در حال کفر ملاقات می‌کند.^۲

- قال رسول الله ص: «من انکر خروج المهدی فقد کفر بما انزل علی محمد ص».

پیامبر اکرم ص فرمود: هر کس منکر ظهور مهدی عج شود نسبت به آنچه بر محمد نازل شده کافر و منکر شده است.^۳

۱. کتاب الاشاعه، ص ۱۱۲ - العرف الوردی فی اخبار المهدی، ج ۲، ص ۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۹.

۳. منابع الموده، ص ۴۴۷.

وقت ظهور معلوم نیست

امام باقر^{علیه السلام}: در پاسخ به این پرسش فضیل که آیا زمان ظهور امام مهدی^{علیه السلام} تعیین شده است می فرماید: وقت گذاران دروغ گفته اند وقت گذاران دروغ گفته اند...^۱

و در روایتی دیگر امام صادق^{علیه السلام} می فرماید:

تعیین کنندگان وقت ظهور دروغگویند ما در گذشته، زمان تعیین نکرده ایم و در آینده نیز زمان تعیین نمی کنیم.^۲ (تعیین زمان ظهور یعنی به طور قطع، کسی روزی را تعیین کند و الا در روایات به صراحت وقوع علائم بیان شده پس می توان از وقوع یکی از علائم به نزدیکی ظهور حکم نمود).

- از حکیمه دختر امام جواد^{علیه السلام} آمده است:

«خداوند، ولی الله را از دیدگان بندگان پنهان می کند و هیچکس او را نمی بیند تا اینکه جبرئیل اسبش را به او تقدیم می کند تا آنچه در علم خدا، شدنی است انجام گیرد».^۳

- عیاشی به سند خود از حضرت صادق^{علیه السلام} روایت کرده در تفسیر «یومنون

بالغیب» فرمود: غیب، قیام و ظهور حضرت حجت^{علیه السلام} است.

- امام صادق^{علیه السلام} می فرماید: از برای ظهور وقتی نیست برای آنکه مانند روز قیامت، علم آن در نزد خدا است.

تا این که فرمود: برای ظهور مهدی ما کسی وقتی معین نکند مگر آن کسی که خود را شریک در علم خدا بداند و مدعی باشد که خدا او را بر سر خودش آگاه کرده است.^۴

- از مفضل بن عمر روایت شده که گفت: من از امام صادق^{علیه السلام} پرسیدم:

که آیا برای ظهور قائم^{علیه السلام} وقتی معین شده که شیعیان شما آن را بدانند؟

۱. غیبت طوسی، ص ۴۲۶، حدیث ۴۱۲.

۲. غیبت طوسی، ص ۴۲۶، حدیث ۴۱۲.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۰۶، روایت ۳۱۵.

۴. اثبات الهداة، ج ۷، فصل ۵۵، باب ۳۲، ص ۱۵۶، حدیث ۴۰.

حضرت فرمود: حاش لله که وقتی برای قیام او تعیین شده باشد تا شیعیان ما آن را بدانند.

پس مفضل گوید: عرض کردم: یا سیدی و لم ذلك؟

حضرت فرمود: وقت ظهور قائم همان ساعتی است که خداوند فرموده:

«قل انما علمها عند ربی»^۱ پس سؤال از کمیت آن وجهی ندارد و آن از مخزونات

علم کامل خداوند است.^۲

۱۱۳

عید اسعد

امام صادق علیه السلام فرمود: نوروز روزی است که قائم ما اهل بیت علیهم السلام در آن

ظهور کند.^۳

۱۱۴

جمعه روز ظهور

در روایتی مرحوم نعمانی نقل فرموده: در هر روز جمعه در عرش برای

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی و حسن و حسین علیهم السلام منبرهایی از نور نصب می شود

و در هنگام ظهر روز جمعه رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به دعا برمی دارند و فرج

حضرت ولی عصر علیه السلام را طلب می نمایند.

و ملائکه و انبیاء نیز چنین می کنند.

سپس حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده رفته و دعا

می کنند آنگاه پروردگار متعال آنچه بخواهد انجام می دهد که آنروز روز

مشخصی است.^۴

امام صادق علیه السلام: «یخرج قائمنا اهل البيت يوم الجمعة».

۱. اعراف / ۱۸۷.

۲. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۲. (وقت ظهور قطعا بر کسی معلوم نیست این با مسأله بروز علامت و نشانه های ظهور جدا خواهد بود چنانچه در روایات بسیاری از علائم ظهور مطالب و دقایق زیادی مطرح شده است ولی درباره وقت ظهور چیزی بیان نشده است).

۳. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۷۶ و جلد ۵۶، ص ۹۱.

۴. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۹۳.

قائم ما خاندان روز جمعه قیام می‌کند.^۱

۱۱۵

عاشورای ظهور

- طبق روایت، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: بنام قائم در شب جمعه ۲۳ ماه رمضان ندا می‌شود و در روز عاشورا قیام می‌کند مثل اینست که او را مشاهده می‌کنم که روز شنبه دهم محرم میان رکن و مقام ایستاده و در سمت راست او جبرئیل می‌باشد...

و بنا به روایتی که شیخ طوسی در کتاب غیبت، ص ۴۵۲ آورده و صاحب عقدالدرر در باب الرابع، فصل اول، ص ۶۵ آورده است.

ظهور امام مهدی علیه السلام در روز عاشورا می‌باشد.

و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یخرج قائمنا اهل البيت يوم الجمعة»؛ یعنی: قائم ما خاندان روز جمعه قیام می‌کند.

۱۱۶

عاشورا در اقوام و ملل گذشته

- امام جواد علیه السلام می‌فرماید: کشتی نوح در روز عاشورا روی کوه جودی نشست نوح امر کرد هر کس از جن و انس با او هست روزه بگیرد آیا می‌دانی آن چه روزیست؟ این همان روزیست که خداوند توبه آدم و حوا را قبول کرد این همان روزی است که دریا را برای موسی باز کرد و فرعون و همراهان او را غرق کرد و این همان روزی است که موسی بر فرعون پیروز شد، این همان روزی است که ابراهیم متولد گردید این همان روزیست که خداوند توبه قوم یونس را پذیرفت، این همان روزیست که عیسی بن مریم متولد شد و این همان روزیست که قائم در آن روز قیام می‌کند.

۱۱۷

سال‌های فرد

امام باقر علیه السلام فرمود: قائم در سال‌های فرد قیام می‌کند همچون نه، یک، سه و پنج...^۱

ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «لایخرج القائم علیه السلام الا فی وتر من السنین سنة احدى او ثلاث او خمس اوسع اتوسع».

قائم ما قیام نمی‌کند مگر در سال‌های طاق: یک یا سه یا پنج یا هفت یا نه.^۲

۱۱۸

۱۵ شب آخر

امام صادق علیه السلام فرمود: بین قیام حضرت قائم علیه السلام و شهادت نفس زکیه بیش از پانزده شب نخواهد بود.^۳

«لقد سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن ذلك فقال: اما مثله كمثل الساعة لاتاتیکم الا بغتة».

از پیامبر صلی الله علیه و آله راجع به زمان قیام امام مهدی علیه السلام پرسیده شد حضرت فرمود: مثل ظهور مهدی مثل بر پائی قیامت است (کسی جز خدا از وقت آن آگاه نیست) مهدی نمی‌آید مگر ناگهانی.^۴

۱۱۹

امام زمان علیه السلام از وقت ظهور خود چگونه مطلع می‌شود

صدوق از حضرت امام محمدتقی علیه السلام روایت می‌کند که ابن‌ابی‌کعب به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: دلایل خروج مهدی علیه السلام چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شمشیر او که در غلاف است وقتی زمان ظهورش

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.

۲. ارشاد شیخ مفید، ص ۳۵۳.

۳. غیبت طوسی، ص ۲۷۱.

۴. کفایة الاثر، ص ۲۵۰.

نزدیک شود آن شمشیر از غلاف خود بیرون می‌آید و خداوند آن را به سخن آورد و بگوید: یا ولی‌الله خروج کن که دیگر برای تو صبر جایز نیست. پس در آن حال خروج کند و دشمنان خدا را در هر جا بیابد می‌کشد و حدود الهی را برپا می‌دارد.^۱

۱۲۰

یکی از دلایل ظهور

امام علی علیه السلام می‌فرماید... به خدا سوگند اگر خروج نکند گردنش را (دشمنان) می‌زنند از خروجش ساکنان آسمان خشنود شوند و زمین را از عدل و داد پر کند چنانچه از ظلم و ستم پر شده باشد.^۲

۱۲۱

حرکت نفس زکیه به سوی مسجدالحرام

در ۲۴ یا ۲۳ ذیحجه (سال ظهور) یعنی ۱۵ شب پیش از ظهور، امام عصر علیه السلام جوانی از یاران خویش را بسوی مردم مکه گسیل می‌دارد این جوان که در روایات محمدبن حسن نام دارد و معروف به نفس زکیه است به سوی مسجدالحرام حرکت می‌کند. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: حضرت قائم علیه السلام به یاران خود می‌فرماید: ای دوستان من! اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من برای اتمام حجت نماینده خود را به سوی آنها می‌فرستم تا آنگونه که شایسته من است بر آنها حجت را تمام کند... از این رو یکی از یاران خود را فرا خوانده و به او می‌فرماید: به مکه برو و این پیام را به مردم آن سامان برسان و بگو: ای مردم مکه! من پیام‌آور فلانی به سوی شما هستم که چنین می‌گوید:

ما خاندان رحمت و کانون رسالت و خلافت الهی و از سلاله محمد صلی الله علیه و آله و از تبار انبیاء می‌باشیم از آن زمان که پیامبر ما به ملکوت اعلا پیوست تا

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۰۱.

۲. کتاب غیبت طوسی، ص ۱۱۶ (از قرار مسموع رژیم صهیونیستی اقدام به چهره نگاری امام کرده تا از این طریق بتواند به امام دست یابد و استقرار نیروهای امریکائی در عربستان احتمالاً برای مواجهه و مقابله با مسئله ظهور امام می‌باشد، لذا امام علی علیه السلام در روایات می‌فرماید احتمال خطر جانی باعث ظهور امام است).

امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستم‌ها رفت و حقوق مسلم ما پایمال گردید اینک ما از شما یاری می‌خواهیم و شما ما را یاری نمائید. وقتی آن جوان این سخنان را ابلاغ می‌کند بر او هجوم می‌آورند و او را در بین رکن و مقام به شهادت می‌رسانند او همان نفس زکیه است چون این خبر به اطلاع امام می‌رسد به یاران خود می‌فرماید: «نگفتم به شما که اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟»

یاران، حضرت را رها نمی‌کنند تا آنکه قیام می‌نماید و از کوه طوی با سیصد و سیزده نفر به تعداد رزمندگان بدر فرود می‌آید تا آنکه وارد مسجدالحرام شده و در مقام ابراهیم چهاررکعت نماز می‌گزارد و آنگاه به حجرالاسود تکیه می‌دهد و پس از حمد و ستایش خدا و ذکر نام و یاد پیامبر ﷺ و درود بر او، لب به سخن می‌گشاید به گونه‌ای که کسی از مردم چنین سخن نگفته باشد.^۱

۱۲۲

آخرین نشانه‌های قیام امام عصر

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: (قبل از ظهور) قائم به یاران خود می‌فرماید: اهل مکه مرا نمی‌خواهند ولی من برای هدایت فرستاده شدم تا آنچه شایسته است به آن‌ها بگویم گفته و با آن‌ها اتمام حجت کرده. در این هنگام مردی از یاران خود را می‌طلبد و به او می‌گوید: نزد اهل مکه برو و بگو ای اهل مکه من فرستاده فلانی هستم او به شما می‌گوید: «همانا ما خانواده رحمت و معدن رسالت و خلافت هستیم.» ما ذریه محمد صلی الله علیه و آله و سلاله پیغمبرانیم مردم به ما ستم نمودند و ما را دربه در و مقهور کردند و از هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون حق ما غصب شده است. اکنون ما از شما چشم یاری داریم ما را یاری کنید. آن جوان این سخنان را می‌گوید و مردم به او هجوم آورده و در بین رکن و مقام او را می‌کشند و او همان مرد پاکدل نفس زکیه است.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶ (باید توجه داشت که دو هفته بعد از کشته شدن نماینده امام جناب نفس زکیه، حضرت در ده محرم ظهور می‌فرمایند و این آخرین علامت ظهور امام محسوب می‌شود).

وقتی خبر کشته شدن او به امام می‌رسد حضرت به یارانش می‌فرماید:
«من به شما خبر ندادم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند».

اهل مکه او را دعوت به مکه نمی‌کنند آنگاه او با ۳۱۳ نفر که به تعداد بدریان هستند از کوه ذی طوی (کوهیست مجاور شهر مکه) فرود می‌آیند و داخل مسجدالحرام می‌شوند و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز می‌خوانند و تکیه به حجرالاسود می‌دهد...

سپس امام در ادامه روایت می‌فرماید: او نخستین کسی است که جبرئیل و میکائیل دست در دست او می‌گذارند و با وی بیعت می‌کنند.
آنگاه رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین برخواسته کتاب نو و مهر شده‌ای را که هنوز مهر آن خشک نشده و بر عرب دشوار است به او می‌دهند، به او می‌گویند:

بر طبق آنچه در این کتاب آمده عمل کن.

سپس او با سیصد و سیزده نفر تعداد خیلی از اهل مکه که با او بیعت کرده‌اند از مکه خارج می‌شود.
در حالی که در حلقه است.

ابوبصیر می‌گوید: پرسیدم: حلقه چیست؟
حضرت فرمود:

ده هزار مرد است که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند^۱ و در آن هنگام پرچم او را به اهتزاز در آورده همه جا می‌گردانند و این همان پرچم و زره پیامبر ﷺ می‌باشد و او شمشیر پیغمبر ﷺ را به نام ذوالفقار حمایل می‌کند و از هر شهری جمعی به یاری قائم ﷺ قیام می‌کند مگر مردم بصره که یک نفر هم از آنها به کمک او نمی‌رود.^۲
در روایتی از امام باقر ﷺ نقل شده که جناب نفس زکیه در میان رکن و

۱. جبرئیل و میکائیل نیز در جنگ‌های امام علی ﷺ به همین نحو امام علی ﷺ را مشایعت و حمایت می‌کردند و اینگونه حضور داشتند.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، حدیث ۸۱.

مقام کشته می‌شود که نام او محمد بن حسن است و معروف به نفس زکیه است.^۱

۱۲۳

دو شب قبل از ظهور امام در مکه

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: صاحب‌الامر را غیبتی است در برخی از این صخره‌ها آنگاه امام به ناحیه ذی طوی^۲ اشاره کرد تا اینکه دو شب قبل از خروجش غلام خود را می‌فرستد تا با برخی از یاران حضرت ملاقات می‌کند او از آنان می‌پرسد شما در اینجا چند نفرید؟ پاسخ می‌دهند چهل نفر.

می‌گوید: اگر شما دوست و محبوب خود را ببینید چه خواهید کرد؟ می‌گویند: به خدا سوگند اگر در کوهها منزل و ماوی گزیند با او خواهیم رفت آنگاه مقابل آنان آمده و به آنها می‌گوید با ده تن از بزرگان و برگزیدگان خود مشورت نمایید. آنان در مورد اول با ایشان به مشورت می‌پردازند بعد آنان را برده تا به صاحب امرشان می‌رسند و او شب موعود را که پس از آن فرا می‌رسد به آنها وعده می‌دهد.^۳

اِنْشِيارُكَ سَجْدٌ لِنَبِيِّكَ

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۲.

۲. به دره‌های مکه و مدخل‌های آن گویند.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

بخش ۵

وقایع ظهور در مسجدالحرام



۱۲۴

عهدنامه‌ای عرشی

امام سجاد علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام می‌فرماید: در حالی که حضرت مهدی علیه السلام در زیر درخت تناوری نشسته جبرئیل به صورت مردی از قبیله کلب می‌آید و می‌گوید: ای بنده خدا برای چه اینجا نشسته‌ای؟ حضرت ولی عصر علیه السلام می‌فرماید: منتظرم شب فرا رسد و هنگام شب به مکه بروم نمی‌خواهم در عین گرما بروم.

در این موقع جبرئیل می‌خندد، حضرت از خنده او متوجه می‌شود که او جبرئیل است آنگاه جبرئیل دست امام را گرفته و با او دست می‌دهد و به او سلام می‌کند و می‌گوید: برخیز سپس اسبی به نام براق برای او می‌آورد و او را سوار می‌کند و به کوه رضوی می‌آورد سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام می‌آیند و عهد نامه‌ای برای او می‌نویسند تا آن را برای مردم بخواند. قائم علیه السلام از آنجا به مکه می‌رود در حالی که مردم در آنجا اجتماع کرده‌اند

در این هنگام مردی می‌ایستد و می‌گوید: ای مردم! این است مطلوب شما که به نزد شما آمده است و شما را به آنچه پیامبر ﷺ دعوت می‌کرد... مردم به طرف او می‌روند که او را به قتل برسانند ولی سیصد و چند نفر از جا برمی‌خیزند و آن‌ها را از دور او عقب می‌زنند که ۵۰ نفر از آن‌ها مردم کوفه هستند و بقیه آن‌ها مردم ناشناسی هستند که اغلب یکدیگر را نمی‌شناسند آن‌ها در غیر موسم حج در مکه جمع می‌شوند.^۱

۱۲۵

حرکت به سوی کعبه

امام باقر ﷺ می‌فرماید: همانا قائم از راه کوه ذی طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می‌آید تا اینکه به حجرالاسود تکیه داده و پرچم را برمی‌افرازد. علی بن حمزه گفت: این مطلب را در حضور امام کاظم ﷺ عرض کردم، امام فرمود: نوشته‌ای است گشوده.^۲

- مفضل از امام صادق ﷺ سؤال کرد که حضرت مهدی ﷺ از کجا و چگونه ظهور می‌کند؟

امام فرمود: ای مفضل او به تنهایی ظهور می‌کند و به تنهایی کنارخانه کعبه می‌آید و به تنهایی شب را در آنجا می‌گذراند.^۳

- مطابق روایتی که عامه و خاصه نقل کرده‌اند ظهور آن حضرت از کنار کعبه است و جبرئیل در طرف راست او و میکائیل در طرف چپ او خواهد بود.^۴

۱۲۶

دست بوس امام عصر

اولین کسی که بعد از ظهور امام عصر ﷺ دست حضرت حجت ﷺ را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲ و ص ۳۰۶، حدیث ۷۹.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۴. عقداالدرر، فصل اول، باب الرابع، ص ۶۵.

می‌بوسد جبرئیل است و سپس بعد از او سایر فرشتگان و نجباء اجنه و بعد از آن‌ها نجباء نیز متابعت می‌نمایند مردم در مکه فریاد می‌زنند و می‌گویند. این مرد کیست و این جماعت که با او هستند چه کسانی هستند و این علامت که دیشب دیدیم و تا حالا نظیرش هرگز دیده نشده چیست؟

بعضی به بعضی دیگر می‌گویند: این مرد همان صاحب بزها می‌باشد.^۱

عده دیگر می‌گویند: نگاه کنید کسی از همراهان او را می‌شناسید؟

مردم می‌گویند: ما جز چهار نفر از مردم مکه و چهار نفر که از اهل مدینه هستند و فلانی و فلانی می‌باشند هیچ کدام از آن‌ها را نمی‌شناسیم.^۲

۱۲۷

مضطر امت

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: به خدا قسم گویا قائم علیه السلام را می‌نگرم که به حجرالاسود تکیه داده و مردم را به حق خودش سوگند می‌دهد و می‌فرماید: ای مردم! هر کس درباره خدا گفتگویی دارد از من بپرسد که من از هر کس به خدا نزدیکترم...

آنگاه به طرف مقام ابراهیم می‌رود و دو رکعت نماز می‌گذارد سپس مجدداً مردم را به حق خودش به امور یاد شده سوگند می‌دهد.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا قسم مضطر و گرفتاری که خداوند در این آیه می‌فرماید: «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء...».

اوست و اولین کسی که با او بیعت می‌کند جبرئیل علیه السلام است آنگاه سید و سیزده نفر با وی بیعت می‌کنند.^۳

۱. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که می‌فرمایند: قائم وارد شهر مکه شده و لباس پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و عمامه زردی بر سر دارد و نعلین وصله‌دار پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز به پا و عصای آن حضرت را به دست گرفته و چند بز لاغر را جلو انداخته و بدین گونه به طرف خانه خدا می‌رود بدون اینکه کسی او را بشناسد شاید مطلب فوق اشاره به این روایت داشته باشد.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۸.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۵، حدیث ۱۰.

۱۲۸

فراخوانی یاران

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت مهدی علیه السلام در بین رکن و مقام در مسجدالحرام می‌ایستد و با صدای رسا می‌گوید: «ای مردمی که به من نزدیک هستید و ای کسانی که خداوند شما را پیش از ظهورم در روی زمین برای یاریم ذخیره کرده است برای اطاعت از من به سوی من آئید». صدای او به این افراد می‌رسد و آن‌ها در شرق و غرب عالم در حالی که بعضی از آن‌ها در محراب عبادت و دسته‌ای دیگر خوابیده‌اند می‌رسد. سپس آن‌ها با یک چشم بر هم زدن در بین رکن و مقام نزد او حاضر می‌شوند...^۱

۱۲۹

کلام امام در کنار حجرالاسود

امام باقر علیه السلام فرمود: «والله لكانى انظر الى القائم علیه السلام و قد اسند ظهره الى الحجر ثم ينشأ الله حقه ثم يقول: يا ايها الناس...».

به خدا قسم گویی قائم را می‌نگرم که پشتش را به حجرالاسود تکیه داده و خدا را به حشش سوگند می‌دهد و آنگاه می‌گوید: ای مردم! هر که درباره خدا با من احتجاج می‌ورزد بداند که من به خدا نزدیکترم ای مردم هر که درباره آدم با من احتجاج می‌ورزد بداند که من به آدم نزدیکترم ای مردم هر که درباره نوح با من احتجاج می‌کند بداند که من به نوح نزدیکترم ای مردم هر که درباره ابراهیم با من احتجاج می‌ورزد بداند که من به ابراهیم نزدیکترم...^۲

و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «ان القائم اذا خرج دخل المسجد الحرام فيستقبل الكعبة و تجعل ظهره الى المقام ثم يصلى ركعتين ثم...».

هرگاه قائم ظهور کند وارد مسجدالحرام می‌شود و رو به کعبه می‌ایستد

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۷.

۲. نورالانقلابین، ج ۱، ص ۳۵۳.

و پشت به مقام می‌کند و دورکعت نماز می‌گزارد و آن گاه برمی‌خیزد و می‌گوید:

ای مردم! من نزدیک‌ترین مردم به آدم هستم ای مردم من نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم هستم ای مردم من نزدیک‌ترین مردم به اسماعیل هستم ای مردم من نزدیک‌ترین مردم به محمد ﷺ هستم.

سپس دو دست خود را به آسمان برمی‌دارد و چندان دعا و تضرع می‌کند که به رو می‌افتد (سجده می‌کند) و این است (معنای) سخن خداوند که: (امن یجیب المضطر اذا دعاه...)^۱

۱۳۰

عصای امام عصر ﷺ

امام باقر علیه السلام روایت کرده که عصای موسی حضرت آدم بود که از آدم به شعیب رسید و بعد از آن منتقل به موسی شد و الان آن عصا پیش ماست و ما حامل آن عصائیم... و آن عصا برای حضرت قائم علیه السلام می‌باشد حضرت قائم هر آنچه که حضرت موسی با آن عصا می‌کرد انجام می‌دهد همانا آن عصا می‌ترساند مخالفان را و به سرعت تمام فرو می‌گیرد اسباب و آلاتی که مخالفان با آن می‌خواهند مردم را فریب دهند...^۲

۱۳۱

اولین گفتار امام عصر علیه السلام پس از ظهور در کنار کعبه

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: در روز اول ظهور قائم ما در مکه در کنار بیت‌الله الحرام در حالی که پشت به کعبه داده است مردم جهان را خطاب قرار می‌دهد و چنین می‌فرمایند:

- ای مردم ما خاندان پیامبر شما هستیم و از هر کس به خداوند بزرگ و

حبیبش رسول الله سزاوارتریم.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۹، باب ۵.

۲. تفسیر شریف لاهیجی، ص ۷۳.

۳. غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۶۷.

- ای مردم من تنها باقیمانده از آدم و یگانه ذخیره نوح پیامبر^{علیه السلام} و خلاصه و برگزیده از ابراهیم و از محمد^{علیه السلام} هستم که درود خداوند بر آن بزرگوار و خاندانش باد.

- شما را بحق خداوند و رسول او و آن حقی که من بر شما دارم سوگند می‌دهم که ما را در حقوقمان یاری کنید و جلوی ظلم و ستمی را که درباره ما روا داشتند بگیرید چه آن که حقوق ما را (دشمنان) پنهان ساختند و درباره ما ظلم کردند و از وطنمان آواره نمودند...
از خدا بترسید ما را مخذول نکنید بلکه یاری کنید تا خداوند شما را نصرت عطا فرماید.^۱

۱۳۲

امام عصر^{علیه السلام} مظلوم است

این مظلومیت امام را در کلمات آن امام در حین ظهور و سایر روایات می‌توان فهمید که امام غریب است و کمتر یاد و نام او به دل‌ها جاریست و کمتر در فرجش دعا می‌شود. اما در باب مظلومیت امام عصر^{علیه السلام} امام باقر^{علیه السلام} می‌فرماید: پس قائم بین رکن و مقام می‌ایستد و نماز خوانده و به همراه وزیر خود رو به مردم نموده و می‌فرماید: «ای مردم ما از خداوند علیه کسانی که به ما ظلم کردند یاری می‌خواهیم آنان که حق ما را گرفتند. - ما امروز همه مسلمان‌ها را شاهد می‌گیریم که مظلوم واقع شدیم مردم ما را طرد نموده و بر ما ستم شد. ما را از سرزمین و اموال و بستگانمان اخراج نمودند ما مورد قهر آنان قرار گرفتیم...^۲

۱. غیبت نعمانی، باب ۱۴، حدیث ۶۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

(مرحوم حضرت آیت‌الله حائری طبسی که در مسجد جمکران سال‌ها اقامه نماز می‌کردند فرمودند: روزی شخصی ذکری را گرفته بود تا با آن بتواند صدام را از بین ببرد ولیکن حضرت حجت^{علیه السلام} را می‌بیند که به او می‌فرماید برای فرج ما دعا کن تا همه مشکلات رفع شود).

۱۳۳

اولین شب ظهور

جابر از حضرت جواد^{علیه السلام} روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: حضرت مهدی^{علیه السلام} شبانگاه در وقت نماز عشاء در مسجدالحرام ظهور می‌کند در حالتی که پرچم رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله} را به دست و پیراهن آن حضرت و شمشیر مخصوص آن بزرگوار را به همراه دارد بعلاوه نشانه‌هایی از نور و بیان.

وقتی نماز عشاء را به جا آوردند با صدای بسیار بلند می‌فرمایند: ای مردم! من خدا را به یاد شما می‌آورم و ایستادن شما را در پیشگاه خداوند. «فان الدنیا قد دنت فناوها و زوالها و ادنت بالوداع و انی ادعوکم الی الله و الی رسوله و العمل بکتابه و امانه الباطل و احیاء سنته».

یعنی: به درستی که دنیای شما نزدیک به فنا و نابودی است و با زبان مخصوص خودش با شما خداحافظی می‌کند و من شما را دعوت می‌کنم به سوی خداوند و به سوی فرستاده او و عمل به مقررات و حدود خداوند و امحاء و نابودی باطل و احیاء سنت‌های الهی.^۱

۱۳۴

حجرالاسود رکن امام مهدی^{علیه السلام} است

از امام صادق پرسیدند: چرا خداوند متعال سنگ حجرالاسود را در رکنی که فعلاً در آن قرار دارد نهاد و در رکن دیگری قرار نداد؟

امام فرمود: خداوند حجرالاسود که گوهری بهشتی بود را برای آدم آورد، لذا به واسطه پیمانی که خداوند از مردم گرفت در آن رکن گذاشته شد. زیرا در آن مکان بود که خداوند از اولاد آدم که پشت پدرانشان بودند پیمان بندگی گرفت و در آنجا بود که تمام بنی آدم یکدیگر را در صلبها دیدند و در آنجاست که مرغ بر حضرت قائم فرود می‌آید و نخستین کسی که با او بیعت می‌کند همان مرغ است. به خدا قسم او جبرئیل می‌باشد و در

همین مکان قائم علیه السلام پشت خود را به آن تکیه می‌دهد. آن رکن، حجت و دلیلی بر وجود قائم علیه السلام است.^۱

۱۳۵

بیعت با امام عصر علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حضرت قائم پشت خود را به حرم تکیه می‌دهد و هنگام طلوع خورشید دست خود را برای بیعت دراز می‌کند و دست او سفید رنگ دیده می‌شود و می‌گوید این دست خداست و به امر خداست.

بعد این آیه را تلاوت می‌کند؛ «ان الذین یبایعونک انما یبایعون الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه».^۲
و نخستین کسی که با وی بیعت می‌کند جبرئیل است بعد فرشتگان و نجبای جن بعد نقباء و اصحاب وی بیعت می‌کنند.

۱۳۶

۲۷ نفر از گذشتگان می‌آیند

مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که:
هرگاه مهدی آل محمد ظهور کند از پشت کعبه بیست و هفت نفر بیرون می‌آیند که پانزده نفر آن‌ها از قوم موسی هستند که حکم به حق می‌کند و به حق، عدل می‌ورزند و هفت نفر آن‌ها از اصحاب کهف هستند و یوشع بن نون وصی موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر نیز از این افراد هستند.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۶، حدیث ۶۳.

۲. فتح / ۱۰.

۳. تفسیر شریف لاهیجی، ص ۱۱۱، ج ۲.

بخش ۶

هشت ماه نبرد امام عصر^{علیه السلام} بعد از ظهور تا استقرار حکومت



۱۳۷

شیوه رفتار امام زمان^{علیه السلام}

حسن بن هارون می گوید: نزد امام صادق^{علیه السلام} نشسته بودم که معلی بن خنیس از حضرت پرسید: وقتی مهدی آل محمد^{علیهم السلام} ظهور کند آیا برخلاف سیره علی^{علیه السلام} عمل می کند؟
حضرت فرمود: آری علی^{علیه السلام} با نرمی و خودداری رفتار می نمود زیرا می دانست که پس از او شیعیانش مغلوب دشمنان واقع می شوند.
ولی مهدی آل محمد^{علیهم السلام} هنگام ظهور با قدرت و دستگیر ساختن، عمل می کند زیرا می داند که پس از او دیگر شیعیانش مغلوب نابکاران نخواهند شد.^۱

۱. عقدالدرر، ص ۲۲۶ و ۲۳۹.

۱۳۸

هشت ماه می‌جنگد

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: رعب و ترس مهدی یک ماه^۱ زودتر، پیش روی و چپ و راست او رفته و در دلها جای می‌گیرد. آنگاه فرمود: مهدی هشت ماه از کشته‌های بی‌دینان پشته‌ها می‌سازد و نخست از بنی‌شویه شروع می‌کند، دست آنها را می‌برد و به کعبه می‌آویزد و منادی او اعلام می‌کند که اینان دزدان خانه خدا هستند آنگاه به قریش حمله می‌کند شمشیر آنها را می‌گیرد و با ضرب شمشیر سیرابشان می‌گرداند...^۲

۱۳۹

جنگی خونین و بی‌امان

بشیرنبال می‌گوید:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: مخالفین ما می‌گویند وقتی مهدی علیه السلام قیام می‌کند بدون اینکه یک قطره خون بریزد امور سلطنت برای او فراهم می‌شود.

حضرت فرمود:

نه این طور نیست به خدایی که جان من در دست اوست اگر بدون خون ریزی امکان داشت، این کار برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی می‌داد و دیگر دندان مبارکش نمی‌شکست و روی مبارکش مجروح نمی‌شد به خدا قسم تا ما و شما شدائد و صدمات بسیار نبینیم و خون ریخته نشود دولت او پا نمی‌گیرد.^۳

۳۹۸

۱. بعثت بروز علائم ظهور، ترس و وحشت بین کفار بوجود می‌آید چرا که علائم ظهور امام قبل از ظهور حضرت واقع می‌شود. و بار روانی آن انعکاس خاصی را در جهان طنین انداز خواهد کرد.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰، حدیث ۱۳۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸، حدیث ۱۲۳.

۱۴۰

اولین برنامه اقامه و احیای نماز

فضیل بن زبیر از زید بن علی نقل کرد که زید بن علی (ع) در توضیح آیه شریفه گفت: هرگاه قائم آل محمد (عج) ظهور کند در بین مردم می ایستد و می گوید:

ای مردم! آن کسی که خدای کریم در قرآن مبین فرمود: «الذین ان مکنا هم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امرو بالمعروف و نهوا عن المنکر». ما هستیم و خویشتن را با این آیه معرفی می کند.^۱

۱۴۱

سیره قائم

از امام صادق (ع) سؤال شد آیا سیره قائم با اهل شهرها مانند سیره علی بن ابیطالب (ع) است؟
فرمود: نه و با انگشت به حلقوم خود اشاره کرد و فرمود: اینطور (یعنی سر می برد).
و در روایتی دیگر امام علی (ع) می فرماید: خداوند ناگاه بوسیله مردی از ما اهل بیت گشایشی (برای مسلمانان) بوجود آورد پدرم فدای آن فرزند بهترین کنیزان باد...
هم اوست که (دشمنان) در مدت هشت ماه به جز شمشیر و کشتار از او چیزی دریافت نخواهند کرد.^۲

۱۴۲

هشت ماه پر آشوب

امام علی (ع): «لا یعطیهم الا السیف یضع السیف علی عاتقه ثمانية اشهر هر جا حتی یقولوا و الله ما هذا من ولد فاطمة لوکان من ولدها لرحمنا».^۳
با آنان جز با شمشیر سخن نگوید هشت ماه پر آشوب شمشیر را از دوش

۱. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۲۳.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۷۸.

۳. التشریف بالمنن، ص ۱۴۰.

خود فرو نمی‌گذارد تا آن جا که می‌گویند: به خدا قسم این مرد از نسل فاطمه علیها السلام نیست اگر از نسل او بود به ما رحم می‌کرد.

۱۴۳

هشت ماه جنگ تا استقرار حق

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «لو يعلم الناس ما يضع القائم اذا خرج لاحب اكثرهم ان لا يروه ممّا يقتل من الناس... حتى يقول كثير من الناس: ليس هذا من آل محمد و لو كان من آل محمد لرحم».

اگر مردم می‌دانستند که هر گاه قائم قیام کند چه کشتاری به راه می‌اندازد بی‌گمان بیشتر آنان دوست داشتند که او را نبینند... چندان که بسیاری از مردم می‌گویند:

او از خاندان محمد صلی الله علیه و آله نیست اگر از خاندان محمد صلی الله علیه و آله بود رحم می‌کرد.^۱ و در روایتی دیگر امام علی علیه السلام می‌فرماید:

امام مهدی علیه السلام کاری را انجام می‌دهد زمانی که این کار را انجام داد قریش می‌گوید: ما را از نزد این ستمگر خارج کنید به خدا سوگند اگر او محمدی بود چنین نمی‌کرد اگر علوی بود اینطور نمی‌کرد اگر فاطمی بود چنین نبود آن‌ها از او رو می‌گردانند و جنگ جویانشان کشته شده و فرزندانشان اسیر می‌شوند.

۱۴۴

نبرد امام عصر علیه السلام در کوفه

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی امام زمان علیه السلام قیام می‌کند به کوفه تشریف می‌برند و در آنجا دو هزار نفر مسلح و مخالف حضرت، نزد امام می‌آیند و می‌گویند: از هر جا آمده‌ای برگرد ما احتیاجی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم. امام علیه السلام شمشیر میان آن‌ها می‌گذارد و تا آخرین نفر آن‌ها را می‌کشد. سپس وارد کوفه می‌شوند و در آنجا نیز تمامی منافقینی را که یقین به حضرت ندارند به قتل می‌رساند.

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

او قصرهای کوفه را ویران می‌سازد و با جنگ جویان آن‌ها نیز نبرد می‌کند و آنقدر از آن‌ها می‌کشد تا خداوند خشنود شود.^۱

۱۴۵

امری جدید

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «يقوم القائم بامر جديد و كتاب جديد و قضاء جديد على العرب شديد ليس شانه الا السيف الا يستتیب احدا ولا ياخذہ في الله لومة لائم».
قائم فرمانی تازه، کتابی تازه و قضاوتی تازه می‌آورد، بر عرب‌ها سخت می‌گیرد سر و کارش فقط با شمشیر است کسی را توبه نمی‌دهد و در راه خدا به سرزنش هیچ نکوهش‌گری توجه نمی‌کند.^۲

۱۴۶

منتقم خون حسین علیه السلام

پس از ماجرای کربلا و کشته شدن جانسوز امام حسین علیه السلام صدای گریه و ناله تمامی فرشتگان الهی بلند شد و آنگاه به خداوند عرض کردند: خداوند! با حسین که برگزیده توست و پسر پیغمبر توست این گونه رفتار کردند. در این حین خداوند سایه حضرت قائم علیه السلام را به آن‌ها نشان داد و فرمود: «بهذا انتقم لهذا» با این قائم انتقام خون حسین را می‌گیرم.^۳

۱۴۷

گروه تبریه

ابوالجارود یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام می‌گوید: آن حضرت فرمود: «اذا قام القائم علیه السلام سار الى الكوفة فيخرج منها بضعة عشر الف نفس يدعون التبرية عليهم السلاح فيقولون له...».

زمانی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند به کوفه می‌رود و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می‌آیند که آن‌ها را تبریه می‌گویند پس به آن حضرت

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸، حدیث ۸۱.

۲. غیبت نعمانی، ص ۲۳۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۴۶۵.

عرض می‌کنند: برگرد به همان جایی که بوده‌ای ما نیازی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم پس امام شمشیر را می‌کشد و همه آن‌ها را می‌کشد سپس وارد کوفه می‌شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می‌کشد تا خداوند متعال راضی گردد.^۱

۱۴۸

اصل تولا و تبری در قیام امام عصر علیه السلام

شخصی به نام عبدالسلام بن صالح می‌گوید: خدمت امام هشتم علیه السلام عرض کردم نظر شما درباره این مطلب که از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: وقتی حضرت قائم علیه السلام عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را به خاطر کاری که پدران آنان (در گذشته) انجام داده‌اند خواهد کشت چیست؟ حضرت فرمود: مطلب همین طور است.

گفتم: بنابراین آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.^۲
چگونه معنا می‌شود؟

حضرت فرمود: تمام آنچه خدا فرموده درست است اما چون ذریه و فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام به کار پدران خود و کشتن امام حسین علیه السلام راضی بودند و به آن مباهات و افتخار می‌کردند در گناه با پدرانشان شریک‌اند زیرا کسی که راضی باشد به کار دیگران مانند کسی است که آن عمل را انجام داده است سپس فرمود: هرگاه کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب به قتل او راضی باشد او نیز در پیشگاه خدا شریک قاتل است و علت اینکه حضرت مهدی علیه السلام ذریه و فرزندان قاتلان امام حسین علیه السلام را خواهد کشت این است که آن‌ها از کردار پدرانشان خشنود و راضی هستند.^۳

(اکنون در بعضی از بلاد به ظاهر اسلامی در روز عاشورا، جشن و پایکوبی و مراسم‌های شادی پابرجاست).

۱. /رشاد مفید، ص ۳۵۸.

۲. انعام / ۱۶۴ - فاطر / ۱۸.

۳. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۲.

نقش پرچم لشکریان امام زمان علیه السلام

در احادیث آمده که روی پرچم امام زمان علیه السلام این جمله نوشته شده است «البيعة لله» بیعت مخصوص خداست.

در هنگام ظهور امام عصر، پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه ایشان خواهد بود آنچه در روایات آمده این است که این پرچم از برگ بهستی تهیه شده و جبرئیل در جنگ بدر بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل کرد.

پس از جنگ، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن پرچم را پیچید و به امام علی علیه السلام داد آن حضرت نیز پرچم را در روز جنگ بصره باز کرد و آنگاه آن را پیچید و بعد از آن، کس دیگری جز امام زمان علیه السلام آن را پس از خروج باز نخواهد کرد.

در روایات آمده هنگام ظهور امام عصر علیه السلام بیرقی را که جبرئیل در روز بدر آورد همراه دارد و پیراهنی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احد پوشیده بود نیز به همراه دارد این پیراهن به خون جراحت بدن مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله رنگین است عمامه سحاب، زره، انگشتر، عصا و... شمشیر ذوالفقار مصحف امیرالمؤمنین و عهد نامه‌ای نیز از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که معاندین با اسلام را بکشد. - نوف روایت کند که نوشته شده.

بر پرچم مهدی علیه السلام البيعة لله، یعنی: بیعت برای خدا است.^۱

- از حضرت ابی الحسن علیه السلام نقل شده که فرمود: پرچم مهدی از یک پارچه

پشمین یا ابریشمی سیاه رنگ کرک دار و چهار گوش است از روز رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله باز نشده و تا روز ظهور مهدی هم بر افراشته نخواهد شد.

- بعد از ظهور امام عصر علیه السلام هفت عدد پرچم از شام برای جنگ با امام

به سوی او حرکت می‌کند که همه آنها را شکست می‌دهد.

پیراهن نبرد

امام صادق علیه السلام به یعقوب ابن شعیب فرمودند:

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۱۳۶.

یعقوب! نمی‌خواهی پیراهن قائم علیه السلام را که در آن قیام می‌کند به تو نشان دهم؟

عرض کردم: بله!

حضرت دستور داد جعبه‌ای را آوردند و در آن را گشودند و یک پیراهن کرباسی از میان آن بیرون آورد و آن را باز کرد دیدم آستین چپ آن پیراهن خون آلود است.

حضرت فرمود: این پیراهن پیغمبر صلی الله علیه و آله است که در روزی که دندان مبارکش را شکستند به تن داشت قائم هم در روز ظهورش این را به تن می‌کند. یعقوب می‌گوید:

من آن خون خشکیده را بوسیدم و آن را به صورت خود مالیدم سپس حضرت پیراهن را پیچیدند و برداشتند.^۱

۱۵۱

آغاز حرکت امام مهدی علیه السلام از مکه

راوی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا حضرت مهدی علیه السلام در مکه اقامت می‌کند؟ حضرت فرمود: نه.

او برای خود نایب در آنجا تعیین کرده اهل مکه وقتی که قائم از میان آن‌ها می‌رود هجوم آورده و نایب او را می‌کشند قائم علیه السلام به سوی آن‌ها برمی‌گردد و آن‌ها گریه‌کنان نزد او می‌آیند و التماس کرده و می‌گویند: ای مهدی آل محمد علیهم السلام توبه کردیم.

امام عصر علیه السلام آن‌ها را موعظه کرده و از غضب خدا می‌ترساند و نایب دیگری برای اهل مکه انتخاب کرده و از مکه خارج می‌شود.

این بار نیز اهل مکه نایب امام را می‌کشند حضرت قائم علیه السلام نیز همه یاران خود از طایفه جن را به سوی مکه فرستاده و دستور می‌دهند که به جز افراد با ایمان یک نفر از آن‌ها را باقی نگذارند...

زیرا آن‌ها به کلی از خداوند و من فاصله گرفتند و هر گونه پیوندی را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵، حدیث ۱۱۸.

قطع کرده‌اند لشکر امام هم به سوی اهل مکه می‌آیند و به خدا قسم از هر صد نفر بلکه از هر هزار نفر یک نفر از آن‌ها را باقی نمی‌گذارند.^۱

۱۵۲

پرچم فتح

ابو خالد کابلی می‌گوید:

امام سجاد علیه السلام فرمود: اباخالد! براستی فتنه‌ها و آشوبهایی همچون پاره‌های شب تار که منشأ و مقصد روشنی ندارد بوقوع خواهد پیوست که جز آنکس که خداوند از او عهد و پیمان گرفته احدی از آن‌ها نجات نیابد آنان چراغهای هدایت و چشمه‌سارهای دانش‌اند، خداوند از هر آشوب سیاه و تاریکی نجاتشان بخشد گویا صاحب شما مهدی موعود را می‌بینم که بر فراز شهر نجف پشت شهر کوفه برآمده و خود را آشکار نموده در میان سیصد و اندی مرد که جبرئیل از طرف راست و میکائیل در سمت چپ و اسرافیل در پیش روی اویند و پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را بدست گرفته و آن را گشوده است آن پرچم را بر هیچ قومی فرود نیاورد مگر این که خدای عزوجل آنان را هلاک گرداند.^۲

۱۵۳

بیعت سیدحسنی با امام مهدی علیه السلام و نبرد با گروه زیدیه

وقتی خبر ظهور امام مهدی علیه السلام به سید حسنی و یارانش می‌رسد یارانش به او می‌گویند: ای پسر پیغمبر این مرد کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟ سید حسنی می‌گوید: با من بیائید تا ببینیم او کیست و چه می‌خواهد؟ امام می‌فرماید: به خدا قسم سید حسنی می‌داند که او مهدی است و ایشان را می‌شناسد ولی برای این، آن را می‌گوید که به اصحاب خود او را بشناساند.

وقتی سیدحسنی امام مهدی علیه السلام را می‌ببیند از حضرت می‌پرسد.

۱. مهدی موعود، ص ۱۱۵۸.

۲. امالی شیخ مفید، ص ۵۸.

اگر شما مهدی آل محمد علیه السلام هستید عصای جدت پیغمبر صلی الله علیه و آله و انگشتر و پیراهن و زره اش موسوم به فاضل و عمامه مبارکش به نام سحاب و اسبش و شترش و قاطرش و الاغ آن سرور و اسب اصیلش براق و قرآنی که امیرالمؤمنین علیه السلام جمع کرده را به ما نشان دهید.

حضرت مهدی علیه السلام تمام اینها را بیرون می آورد و به سید حسنی نشان می دهد آنگاه عصای پیغمبر صلی الله علیه و آله را گرفته و به سنگ سختی می زند سنگ مانند درخت سبز می شود و شاخ و برگ درمی آورد...
آنگاه صدای الله اکبر سید حسنی بلند می شود و صدا می زند: ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله دست مبارک خود را بده تا با شما بیعت کنیم.

حضرت مهدی علیه السلام دستش را دراز می کند و سید حسنی نخست خود و بعد سایر لشکریانش با وی بیعت می کند مگر چهل هزار نفری که قرآنهایی با خود دارند و معروف به زبیده می باشند که از بیعت امتناع می کنند.

آنها می گویند: این کار چیزی جز یک سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر به جان هم می افتند حضرت مهدی علیه السلام به طرف زبیده آمده و سه روز آنها را موعظه می کند ولی آنها سرکشی می کنند حضرت هم ناچار دستور قتل آنها را صادر می فرماید.

همه را از دم شمشیر می گذارند سپس حضرت مهدی علیه السلام به اصحاب خود می فرماید:

قرآنهای آنها را نگیرید و بگذارید تا باعث حسرت آنها شود همان طور که آن را تبدیل کرده و تغییر دادند و مطابق آنچه در آن بود عمل نکردند.^۱

۱۵۴

۱۷۰ معجزه

کرامات حضرت مهدی و معجزات آن امام در کتاب اثبات الهداة، ج سوم، تا ۱۷۰ معجزه نقل شده و در بحار الانوار، ج ۵۱، تا هفتاد مورد ذکر فرموده. اما از علی علیه السلام روایت شده که فرمود: از کرامات امام مهدی علیه السلام آن است

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵ بیعت سپاهیان سید حسنی با امام عصر (عج) در کوفه می باشد.

که به پرنده اشاره می‌کند پس روی دستش نشیند و چوب خشک را در زمین غرس می‌کند پس آن درخت سبز شود.^۱
(حضرت این عمل را در مقابل سیدحسنی در کوفه انجام می‌دهند).

۱۵۵

شعیب بن صالح

شعیب بن صالح سردار لشکر سید حسنی است که بعد از ظهور امام، پرچم دار امام عصر علیه السلام می‌شود.
شعیب بن صالح حکومت امام مهدی را آماده می‌کند و بین خروج او و تسلیم امر به امام مهدی علیه السلام هفتاد و دو ماه طول خواهد کشید.^۲

۱۵۶

عملیات نیروهای امام مهدی علیه السلام در اطراف جهان

۱۵۷

حرکت به سوی چین و...

در روایت است که وقتی امام مهدی علیه السلام به کوفه رسید سه پرچم آماده می‌کند یک پرچم را به سوی قسطنطنیه می‌فرستد که پیروز می‌شوند و پرچمی را به سوی چین می‌فرستد که آن‌ها نیز پیروز می‌گردانند و پرچمی هم بسوی کوههای دیلم می‌فرستد که آن‌ها نیز پیروز می‌شوند.

۱۵۸

فاتحان بر روی آب راه می‌روند

در غیبت نعمانی، ص ۳۱۹ روایت کند که چون حضرت حجت قیام کند به اطراف زمین مردی بفرستد - تا آنجا که فرمود - لشکری هم به قسطنطنیه بفرستد چون لشکر به خلیج برسند چیزی بر پاهای خود می‌نویسند و از روی آب عبور کنند وقتی رومی‌ها این را می‌بینند بگویند

۱. المهدی موعود المنتظر، ج ۱، ص ۲۸۶ - یاتی علی الناس زمان، ص ۵۸۹.

۲. یاتی علی الناس، ص ۱۷.

این‌ها یاران او (امام مهدی) هستند که روی آب راه می‌روند چه رسد به خود او پس (یعنی خود امام چه قدرتی خواهد داشت) آنگاه دروازه‌ها را به روی یارای امام باز کنند و ایشان داخل شوند و آنچه بخواهند حکم کنند.^۱

۱۵۹

حرکت به سوی قدس

حضرت علی (ع) در ضمن خطبه‌ای طولانی می‌فرماید: حضرت مهدی (ع) با یارانش از مکه به بیت‌المقدس می‌آیند و در آنجا بین آن حضرت با دجال جنگ واقع می‌شود و سرانجام دجال و لشکریان او شکست می‌خورند. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: گویا می‌بینم فرزندم مهدی (ع) در ساعات اول ظهورش سوار بر مرکب از ناحیه وادی السلام^۲ به طرف مسجد سهله^۳ در حالی که نور از پیشانی مرکب سواری‌اش می‌درخشد در حرکت است و این دعا را می‌خواند: «لااله الاالله حقاقا لااله الاالله ايمانا و صدقا و لااله الاالله تعبدا و رقا اللهم معز كل مؤمن وحيد و مدل كل جبار عنيد انت كنفى حين تعيينى المذاهب و تضيق على الارض بهمار حبت اللهم خلقتنى و كنت غنيا عن خلقى ولو لانصرک ائى لكنت من المغلوبين يا منشر الرحمة من مواضعها و مخرج البركات من معادنها...»^۴

۱۶۰

سر بردن سفیانی

طبق روایت: سفیانی با لشکر خود حرکت می‌کند میان لشکر او و نیروهای رزمی امام جنگ می‌شود لشکر امام به سفیانی دست یافته و خود امام سرسفیانی را از بدن جدا می‌کند. در روایتی دیگر این گونه آمده که: جنگ بزرگی پیش می‌آید که در آن جنگ لشکر سفیانی از بین می‌رود فقط یک عده بسیار کمی باقی می‌ماند که سفیانی با آن عده فرار می‌کند یکی از فرماندهان لشکر حضرت مهدی

۱. یاتی علی الناس زمان، ص ۹.

۲. وادی السلام در نجف است.

۳. مسجد سهله در کوفه و در نزدیکی مسجد کوفه است.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

به نام صباح او را دنبال کرده و به او دست می‌یابد و او را در هنگام نماز عشاء خدمت امام مهدی می‌آورد.

حضرت مهدی برای تعیین سرنوشت او با اصحاب خود مشورت می‌کند همه به قتل او رأی می‌دهند بعد او را بر زیر سایه درختی که شاخه‌هایش آویزان است می‌برند و مانند گوسفند سر می‌برند.

۱۶۱

جنگ امام در سرزمین بیداء

امام باقر علیه السلام می‌فرمودند: قائم ما در مکه از مردم آنجا بر طبق قرآن و سنت پیغمبرش صلی الله علیه و آله بیعت می‌گیرد و حاکمی بر آنها می‌گمارد. سپس رو به مدینه می‌آورد و در میان راه به او خبر می‌دهند که حاکم او را کشته‌اند و او هم برمی‌گردد و با آنها دعوا می‌کند و بیش از این کاری نمی‌کند.

آنگاه حرکت نموده و در بین دو مسجد «مکه و مدینه» مردم را دعوت به عمل کردن به کتاب خدا و سنت پیغمبرش صلی الله علیه و آله و دوستی امیرالمؤمنین علیه السلام و بیزاری از دشمنش می‌کند تا آنکه به بیابان بیداء می‌رسد در آنجا لشکر سفیانی برای جنگ با وی به جانب او حرکت می‌کند و خدا آنها را در زمین فرو می‌برد.^۱

۱۶۲

جنگ چهل روزه با دجال

در الزام‌الناصب، ج ۲، ص ۲۰۹ در ذیل خطبه البیان امام علی علیه السلام فرمود: بدرستی که دجال اعور خروج می‌کند از بلده‌ای که آن را یهوداء گویند و آن قریه ایست از قراء اصفهان و آن شهریست از شهرهای کسری‌ها، برای او یک چشم است...

سپس فرمود: لشکر مهدی علیه السلام در مدت چهل روز لشکر دجال را می‌کشند از طلوع آفتاب تا غروب آن.^۱

۱۶۳

نبرد سفیانی با شعیب بن صالح

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «اذا خرجت السودان طلبت العرب ینکشفون حتی یلحقوا ببطن الارض...».

هرگاه سودان برای دست یافتن به عرب حرکت کرد در زمین اردن، سفیانی قیام می‌کند و در حالی که سیصد و شصت هزار سوار در اختیار اوست می‌آید تا به شهر شام می‌رسد.

در بین راه، تمام شهرها با او بیعت می‌کنند از جمله سی هزار تن از طایفه کلب با او بیعت می‌نمایند پس سفیانی لشکری به عراق می‌فرستد و در زوراء^۲ صد هزار تن را می‌کشد. سپس به سمت کوفه می‌رود و کوفه را خراب می‌کند در این موقع پرچم‌هایی از مشرق حرکت می‌کنند و رهبری آن‌ها را مردی به نام شعیب بن صالح به عهده دارد که با سفیانی درگیری پیدا می‌کند و اسرای کوفه را نجات می‌دهد.^۳

سپس لشکری دیگر از طرف سفیانی به سوی مدینه می‌رود و سه روز آنجا را مورد تعدی و تجاوز قرار می‌دهد آنگاه به سمت مکه حرکت می‌کنند تا اینکه به سرزمین بیداء می‌رسند جبرئیل علیه السلام از طرف خداوند مأموریت پیدا می‌کند و با اشاره به زمین تمام این جمعیت را فرو می‌برد مگر دو نفر (وتر و ویتره) که خودشان را به سفیانی می‌رسانند و او را از هلاکت لشکریانش آگاه می‌سازند.

سپس عده‌ای از قریش به قسطنطینه می‌گریزند و سفیانی از پادشاه روم می‌خواهد تا آن‌ها را تسلیم کند او هم این کار را می‌کند و سفیانی آن‌ها را در ابتدای شهر دمشق گردن می‌زند.

۱. یاقی علی الناس زمان، ص ۲۲۶.

۲. عقد الدرر، ص ۸۱ تا ۸۴.

۳. شعیب بن صالح در یک مقطع ۷۲ ماهه مقدمات حکومت امام مهدی علیه السلام را فراهم می‌کند او پرچم‌دار حسنی می‌باشد که بعد از ظهور امام عصر علیه السلام پرچم‌دار امام می‌شود.

۱۶۴

فتح قدس

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعا تخریب خواهم کرد و یهودیان را از شهرهای عربی بیرون می‌رانم و با همین چوب اعراب را خواهم راند.

راوی حدیث عبایه اسدی می‌گوید: عرض کردم: یا امیرالمؤمنین شما به گونه‌ای خبر می‌دهید که به یقین پس از مردن زنده خواهید شد؟ امام فرمود: ای عبایه! به روشی غیر روش ما صحبت کردی مردی از تبار من (امام مهدی علیه السلام) این کارها را انجام می‌دهد.^۱

۱۶۵

نزول حضرت عیسی علیه السلام در روز جمعه در شهر قدس

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «ثم ان المهدي يرجع الی بیت المقدس فیصلی بالناس ایاما فاذا کان یوم الجمعة و قد اقيمت الصلوة بنزل عیسی بن مریم فی تلك الساعة من السماء و علیه ثوبان احمران کأنهما یقطر من راسه الدهن...».

مهدی ما به جانب بیت المقدس برمی‌گردد و چند روزی در آنجا با مردم نماز می‌خواند تا روز جمعه می‌رسد و مردم آماده نماز هستند که ناگهان حضرت عیسی بن مریم در همین ساعت از آسمان به زیر می‌آید در حالتی که دو لباس قرمز به تن دارد و قطرات عرق از سر و صورتش مانند قطرات روغن می‌ریزد مردی زیبا و خوش اندام است که شبیه‌ترین مردم به حضرت خلیل الرحمن علیه السلام است او پیش می‌آید و با حضرت بقیة الله مصافحه می‌کند و بشارت به فتح و پیروزی می‌دهد در این موقع حضرت مهدی علیه السلام تعارف می‌فرماید به حضرت عیسی که جلو بایستید و با مردم نماز بخوانید حضرت عیسی می‌فرماید:

ای فرزند رسول خدا! «بل الصلوة لك» کنایه از این که پیشوایی دیگر مخصوص به شماست.

در این موقع حضرت عیسی اذان می‌گوید و حضرت بقیةالله جلو می‌ایستند و حضرت عیسی^ع به آن حضرت اقتدا می‌کند.^۱

۱۶۶

وزیر امین امام عصر^ع

در ملاحم، ص ۹۶ روایت آمده که فرمود: عیسی^ع نزد مناره درب شرقی دمشق از آسمان نازل می‌شود و او جوان سرخ رو می‌باشد که به همراهش دو ملک می‌باشد... در کفایه‌الخصام، ص ۶۸۴ ذیل حدیث ۳۸ از عمر بن ابراهیم اوسی از رسول خدا^ص روایت کرد که فرمود: عیسی بن مریم در هنگام طلوع صبح نازل شود و دو جامه زعفرانی پوشیده باشد با چهره‌ای سفید که موی سرش سرخ رنگ مایل به سفیدی است و موی سرش از فرق باز شده باشد و از سرش روغن بچکد در دست او حربه‌ای (شمشیری) باشد که صلیبها را بشکند و خوکها را بکشد و دجال را هلاک کند و اموال قائم را ضبط نماید در حالی که اصحاب کهف دنبال او روانند همانا او وزیر امین قائم و حاجب و نایب او باشد.^۲

در روایتی از رسول خدا^ص آمده که فرموده‌اند... دجال به دست مبارک حضرت حجت^ع یا به دست عیسی بن مریم^ع کشته می‌شود.^۳

۱۶۷

امام مهدی^ع در کنار شهر انطاکیه

در تذکره قرطبی از حذیفه نقل کند که رسول خدا^ص فرمود: مهدی و هر کس که با اوست به شهری بنام انطاکیه بیایند و آن شهر است بزرگ کنار دریا پس سه تکبیر بر آن بگویند، به قدرت خدا دیوار طرف دریا بیفتد پس مردها را بکشند و زنها و بچه‌ها را اسیر کنند و اموال را بگیرند

۱. روزگار رهایی، ص ۵۵۴.

۲. یاتی علی الناس زمان، ص ۴۸۷.

۳. منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۳۶.

پس حضرت مهدی مالک انطاکیه شود و در آن مساجدی بنا کند و موسی و عسای شکسته موسی را از غار انطاکیه بیرون آورد.^۱

۱۶۸

امام عصر علیه السلام در نجف

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: گویا من قائم رادر بیرون شهر نجف می‌بینم که بر اسبی تیره رنگ و ابلق که میان پیشانی تا گلویش سفید است سوار شده است سپس اسبش او را به حرکت درمی‌آورد به طوری که مردم هر شهری خیال می‌کنند که قائم علیه السلام در میان شهرهای آن‌هاست. وقتی که پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را بلند می‌کند سیزده هزار و سیزده فرشته از آسمان فرود می‌آیند و همه منتظر قائم علیه السلام می‌باشند این فرشتگان همان فرشتگانی هستند که با حضرت نوح علیه السلام در کشتی بودند و هنگامیکه حضرت ابراهیم علیه السلام را به آسمان بالا بردند با او بودند و چهار هزار فرشته صف کشیده که علامت مخصوصی دارند و همچنین سیصد و سیزده فرشته جنگ بدر نیز همراه او هستند.^۲

۱۶۹

امام مهدی علیه السلام در کوفه و نجف و کربلا

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امام عصر علیه السلام هنگامی که وارد کوفه می‌شوند سه گروه با سه پرچم با هم در کشمکش هستند ولی در برابر امام تسلیم می‌شوند امام مهدی علیه السلام وارد مسجد می‌شود و بالای منبر می‌رود و برای مردم خطبه می‌خواند مردم از دیدن و استماع سخنان امام گریه کرده و با حضرت بیعت می‌کنند.

وقتی که جمعه فرا می‌رسد مردم به امام زمان علیه السلام می‌گویند: ای فرزند رسول خدا! نماز خواندن پشت سر شما مانند نماز خواندن پشت سر پیغمبر صلی الله علیه و آله است ولی مسجد گنجایش جمعیت ما را ندارد.

۱. یاقی علی الناس زمان، ص ۹۸ (غار انطاکیه در نزدیکی جبل الکام در لبنان).

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۵.

حضرت مهدی عج می‌فرمایند:

فکری برای شما خواهیم کرد سپس به نجف می‌روند و مسجدی که دارای هزار در و گنجایش همه مردم را داشته باشد طراحی می‌کند و ساختمان محکمی را بنا می‌کند.

آنگاه حضرت دستور می‌دهند تا از پشت قبر امام حسین ع نهری احداث کنند تا آب آن به زمین‌های نجف و کوفه می‌رسد و روی آن نهر راهها و پلها و ... می‌سازد.^۱

۱۷۰

نبرد با رومیان با تابوت سکینه

امام زمان عج بعد از ظهور، تابوتی را که به «ارمیا» دستور داده شد به دریاچه طبریه بیکفند استخراج می‌کند و همین طور آنچه را که آل موسی و آل هارون ترک کرده‌اند و ... عصای موسی و قبای هارون و ده پیمان‌ه از مَنْ و سَلوی و شرائح را که بنی‌اسرائیل بعد از آن‌ها ذخیره کرده‌اند را خارج می‌سازد.

آنگاه با تابوت شهرها را می‌گشاید همانطور که گذشتگان چنین می‌کردند.

خداوند مهدی را برای جنگ با رومیان مبعوث می‌گرداند... و ده نفر را با او می‌فرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه بیرون بیاورد که تورات موسی و انجیل موسی در میان آنست.

حضرت ولی‌عصر عج با ظهور خود تابوت حضرت آدم را از دریاچه طبریه بیرون خواهد آورد به طوری که نه پوشیده و نه متغیر شده است و عصای موسی را در روایتی از غار انطاکیه بیرون می‌آورد و با آن عصا چنان کند که موسی با فرعون کرد حجر موسی را که سنگی است به اندازه باری که یک شتر بر می‌دارد و در حرکت از مکه به همراه خواهد داشت و تا کوفه به هر جا برسد با ضربه‌ای بر آن چشمه آبی ظاهر خواهد نمود. و اصحابش

از آن بنوشد و هرکس تشنه باشد سیراب و هرکس که گرسنه باشد سیر می‌شود.^۱

۱۷۱

قائم برای کیفر مبعوث می‌شود

امام محمدباقر علیه السلام می‌فرماید: وقتی قائم ما قیام می‌کند خداوند حمیراء «عایشه» را از قبر درآورد تا او را با تازیانه حد بزند و هم انتقام فاطمه دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله را از او بگیرد.

راوی می‌گوید: من عرض کردم: قربانت گردم! برای چه به او حد می‌زنند؟

حضرت فرمود: برای افترا و تهمت‌ی که به مادر ابراهیم^۲ همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بست راوی می‌گوید: عرض کردم: چرا خداوند حد او را تا روزگار قائم به تأخیر می‌اندازد؟

حضرت فرمودند: خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمتی برای بندگان‌ش فرستاد ولی قائم علیه السلام را برای کیفر آن‌ها می‌فرستد.^۴

۱۷۲

امام عصر علیه السلام در راه یمن

حضرت باقر علیه السلام فرمود: مهدی را مهدی می‌نامند از آن جهت که هدایت خواهد کرد هدایت خواهان را به تورات و انجیل و کتب آسمانی و این کتب را از غاری در انطاکیه بیرون خواهد آورد او بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور حکم خواهد فرمود: الواح موسی را از دره‌ای در راه یمن از زیر سنگ بزرگی بیرون خواهد آورد و پیراهن

۱. دریاچه طبریه در شمال فلسطین است.

۲. در روایت است که حضرت ولی عصر علیه السلام غاصبین خلافت را نیز زنده محاکمه و اعدام می‌نمایند.

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال ۷ هجری هیتانی به پادشاه اسکندریه برای دعوت به اسلام فرستاد در برگشت آن هیأت، پادشاه اسکندریه هدایایی برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و علاوه بر آن هدایا ماریه قبطیه را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کرد ماریه مسلمان شد و با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و فرزندی به نام ابراهیم برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۴، حدیث ۹، ۲، اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۳۹. کناسه کوفه فعلاً محل دفن جناب میثم تمار می‌باشد.

یوسف را که جبرئیل در تن حضرت ابراهیم کرد هنگامی که ایشان را نمرود در آتش انداخت نزد آن حضرت است خاتم و انگشتر سلیمان آن انگشتر معروف نیز در نزد امام است.

۱۷۳

گل زهرا در میان آتش

امام صادق علیه السلام فرمودند: وقتی قائم علیه السلام ظاهر می شود شخصی از اهل اصفهان به سوی آن حضرت می آید و معجزه ابراهیم خلیل الرحمن را از او می طلبد...

حضرت ولی عصر علیه السلام امر می کند که: آتش بزرگ روشن کنند و این آیه را می خوانند.

«فسبحان الذی بیده ملکوت کلشی و الیه ترجعون».

سپس حضرت داخل آتش می شود و همانند حضرت ابراهیم سالم از آتش بیرون می آید آن مرد اصفهانی منکر می شود و می گوید: این سحر و جادو است آنگاه حضرت به آتش امر می کند تا او را بگیرد و بسوزاند پس آن مرد می سوزد.

سپس امام می فرماید: این است جزای کسی که انکار می کند صاحب الزمان و حجة الرحمان را.

۱۷۴

سخن گفتن استخوان مرده

هنگامی که قائم علیه السلام ظهور می کند مردی از آذربایجان در حالی که استخوانی از استخوان های پوسیده در دست دارد نزد او می آید و می گوید: اگر تو حجت خدایی به این استخوان امر کن که سخن بگوید پس آن استخوان به امر حضرت علیه السلام به سخن می آید و می گوید: من هزار سال است که در عذابم و امیدوارم که با دعای تو خداوند از عذاب رهاییم بخشد.

۱۷۵

قطعه ابری بر سر مبارک امام

در روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«یخرج المهدي و علی راسه غمامه فیها مناد ینادی هذا المهدي خلیفه الله فاتبعوه».

یعنی: مهدی خروج می کند در حالی که بر سر او قطعه ابری است که در آن ندا کننده ای است که ندا می کند: این مهدی خلیفه خداست پس او را تبعیت کنید.^۱

۱۷۶

سیر در عالم امکان

از حضرت امام باقر علیه السلام مروی است که در وصف حضرت ولی عصر علیه السلام می فرماید: «اما انه سیرکب السحاب و یرقی فی الاسباب اسباب السموات السبع و الارضین السبع خمس عوامر و اثنتان خرابان».

همانا زود است که او سوار ابر می شود و بالا می رود با اسباب و آلات به آسمان هفتگانه و زمین های هفتگانه، که پنج زمین آباد و دو زمین ویران می باشد.^۲

۱۷۷

تشکیل حکومتی واحد

امام باقر علیه السلام فرمود: «اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلاقطائع».

زمانی که قائم ما قیام کند تیول ها (استفاده شخصی حکومتداران از زمین های مردم) از هم پاشیده و ملغی می شود و هیچ تیولی نمی ماند.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۱، این روایت در کتب: سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۷ - مسند، احمد بن حنبل، ج ۱۵، ص ۲۷۷ - نور الابصار، ص ۱۸۸ و کنز العمال در هامش، ج ۶، ص ۳۰ - عقد الدرر، باب الخامس، ص ۱۲۵، آمده است. که جملگی از منابع اهل سنت می باشد.

۲. بصائر الدرجات، ج ۸، ص ۴۰۶.

۳. قرب الاسناد، ص ۸۰.

بخش ۷

استقرار و نحوه حکومت امام مهدی علیه السلام دنیای بعد از ظهور

۱۷۸

اصل کتاب زندگی بشریت بعد از ظهور است

زندگی بشر تا امروز جزء و فصل مقدمه زندگی است این چند هزار سالی که بشر در این دنیا زندگی می‌کند و انبیاء و بزرگان و کتب آسمانی و سفرها و این جنگها و این چیزها همه در فصل مقدمه است اصل کتاب زندگی بشر مربوط به آن وقتی است که حضرت ولی عصر (ارواحنافداه) تشریف بیاورند آن جا زندگی انسان تازه شروع می‌شود.^۱

عبدالله بن حارث از امام علی علیه السلام پرسید:

از حوادث و رخدادهای پس از قائم خود به من خبر دهید؟

امام فرمود: ای پسر حارث! سخن گفتن از این موضوع به خود او واگذار

شده است...^۲

۱. مقام معظم رهبری.

۲. بحارالانوار، ج ۶ ص ۳۱۲.

کوفه محل استقرار حکومت امام مهدی علیه السلام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: محل زمامداری او کوفه و مجلس قضاوت او مسجد جامع آن شهر و بیت‌المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان مسجد سهله و جایگاه استراحت و خلوتگاه او با خالق خویش در تپه‌های سفید غرّین می‌باشد.^۱

- از امام صادق علیه السلام پرسیدند: خانه امام مهدی علیه السلام در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع می‌شوند؟

حضرت فرمود: مقرر حکومت او شهر کوفه و محل سکونتش مسجد جامع کوفه و بیت‌المال و محل تقسیم غنیمت‌ها مسجد سهله است.

سپس پرسیدند: آیا همه اهل ایمان در کوفه خواهند بود؟

فرمود: آری در آن روز تمام مؤمنین یا در کوفه و یا در حوالی کوفه هستند...

در آن روز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می‌رسد بطوریکه

خانه‌های آن نزدیک^۲ کربلا است.^۳

- ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای ابامحمد! گویا که

ساکن شدن قائم و اهل و عیالش در مسجد کوفه را می‌بینم. «عرض کردم: فدایت شوم خانه‌اش آن جاست؟

فرمود: آری...^۴

کوفه پایتخت دائمی و همیشگی

از ابوبصیر روایت شده که امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای ابوبصیر! گویا من فرود آمدن قائم علیه السلام با یاران و بستگانش را در مسجد

سهله^۵ می‌بینم.

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. از مسجد کوفه تا شهر کربلا حدود ۹۰ کیلومتر فاصله است.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱، روایت ۱۹۱.

۵. مسجد سهله در کوفه و در نزدیکی مسجد کوفه است.

عرض کردم: مسجد سهله اقامتگاه است؟

حضرت فرمود: آری! مسجد سهله جایگاه ادريس پیامبر و حضرت ابراهيم خليل الرحمن بوده خداوند هیچ پیامبر را مبعوث نکرد جز این که در این مسجد نماز گزارده است و این مسجد محل سکونت حضرت خضر علیه السلام است.

عرض کردم: قربانت کردم قائم علیه السلام همیشه در آنجا اقامت می کند؟

فرمود: آری عرض کردم: بعد از او چه کسی در آن سکونت می کند؟

فرمود: هر کس بعد از قائم علیه السلام خلیفه باشد...^۱

۱۸۱

برپایی راه هدایت

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه می فرماید: «يعطف الهوى على الهدى اذا

عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى يا خذ...».

یعنی: مهدی علیه السلام هوی را بر هدایت برمی گرداند زمانی که مردم برگردانند هدایت را به هوای نفس و برمی گرداند رای را به قرآن موقعی که مردم برگردانند حکم قرآن را به رای خود، مهدی علیه السلام کارکنان اهل جور و باطل را به بدی های کردارشان گرفته و آنها را نابود می سازد و زمین پاره های جگر خود را برای او بیرون ریزد و از روی رضا کلیدهای خزائنش را به او تسلیم می کند پس او عدالت را برای شما نشان خواهد داد که چگونه است و احکام قرآن و سنت را که متروک مانده زنده خواهد نمود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند هر گونه بدعتی را بوسیله او از بین

خواهد برد و هر گمراهی را محو و هر سنتی را زنده خواهد ساخت.^۲

۱۸۲

قضاوت قائم علیه السلام

حسن بن ظریف می گوید: نامه ای به امام عسگری علیه السلام نوشتم و در آن

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، حدیث ۱۷۷.

۲. کافی، ج ۱، ص ۴۱۲.

(از این روایت به دست می آید که در نزدیکی های ظهور بدعت و قرائت های جدید از دین بسیار زیاد خواهد شد. پس برای عدم گرفتاری مؤمنین به گناه کبیره بدعت بایستی در راه دین شناسی قدم برداشت).

سؤال کردم که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور می کند چگونه بین مردم قضاوت می کند؟

من در آن لحظه سؤال دیگری نیز داشتم و آن این بود که دعائی برای شفای انسان تبار به من بدهید ولی این سؤال در نامه یادم رفت تا بنویسم.

وقتی که پاسخ حضرت به دستم رسید دیدم امام مرقوم فرموده اند که: امام زمان علیه السلام مانند حضرت داود علیه السلام قضاوت می کند و نیازمند دلیل و بینه نیست و اما راجع به انسان تبار هم می خواستی سؤال بکنی اما فراموش کردی!

اما جواب سؤال دوم تو: پشت کاغذی این آیه را بنویس: «یا نار کوئی بردا و سلاما علی ابراهیم»^۱.

و بر شخص تبار بیاویز تا خوب شود.

حسن گفت: من به این دستور عمل کردم و اثر خوبی از آن دیدم و مریض تبار خوب شد.^۲

- امام صادق علیه السلام می فرماید: «اذا قام قائم آل محمد علیه السلام حکم بین الناس بحکم داود لایحتاج الی بینه».

آنگاه که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند به شیوه داوری داود علیه السلام میان مردم داوری می کند و نیازی به گواه نداشته، خدای تعالی به او الهام می فرماید لذا بر اساس علم خود قضاوت می کند و هر قومی را از آن چه نهان داشته اند خبر می دهد و دوست و دشمن خود را از قیافه آنها می شناسد...^۳

- امام صادق علیه السلام می فرماید: «لن تذهب الدنيا حتى یخرج رجل منا اهل البیت یحکم بحکم داود و آل داود لایسال الناس بینه».

دنیا به پایان نرسد جز این که مردی از خاندان ما اهل بیت خروج می نماید و به حکم داود و آل داود حکم کند و از کسی بینه و گواه نطلبد.^۴

۱. انبیاء / ۶۹

۲. محجة البیضاء، ج ۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۹۷.

– امام علی علیه السلام می فرماید: «لینزعن عنکم قضاة السوء و ليقبضن عنکم المراضین و لیعزلن عنکم امراء الجور و لیطهرن الارض من کل غاش...».

امام مهدی علیه السلام قاضیان زشتکار را کنار می گذارد و دست سازشکاران را از سرتان کوتاه می کند و حکمرانان ستم پیشه را عزل می کند و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می سازد.^۱
امام علی علیه السلام می فرماید:

اذا خرج القائم ینتقم من اهل الفتوی بما لا یعلمون فتعسا لهم و لاتباعهم.
زمانی که قائم ظهور کند از عالمانی که ندانسته فتوای دهند انتقام می گیرد اینان و پیروانشان را نگونساری باد.^۲

۱۸۳

مهربان بخشنده

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

«علامة المهدي ان يكون شديدًا على العمال جوادًا بالمال رحيمًا بالمساكين».
نشانه مهدی آن است که بر کارگزاران سخت گیر و نسبت به مال، بخشنده و با تهیدستان مهربان است.^۳

۱۸۴

مدت حکومت امام عصر

در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده که امام مهدی علیه السلام سیصد و نه سال حکومت می کند مدتی که اصحاب کهف در غار خود توقف نموده اند.^۴
دوران حکومت امام عصر علیه السلام در روایات متعدد، و به سالهای مختلفی بیان شده است. طول حکومت امام از پنج سال شروع شده و تا ۳۰۹ سال نیز ذکر شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰، (مرحوم مجلسی ۳ جلد از کتاب شریف بحار را (جلدهای ۵۱ و ۵۲ و ۵۳) به احادیث مربوط به امام عصر علیه السلام اختصاص داده است).

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

۳. موسوعة احادیث امام مهدی (عج)، ج ۱، ص ۲۴۶.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰، حدیث ۲۱۲.

در بعضی از روایات ۷ سال و ۹ سال و ۱۹ سال و ۴۰ سال نیز ذکر شده است.

این که امام مهدی بعد از ظهور دقیقاً چند سال حکومت می‌کنند خیلی روشن نیست.

چنانچه در روایات اهل سنت مدت حکومت امام را پنج و بیست و چهل سال نقل کرده‌اند.

و در منابع شیعی مدت حکومت امام نوزده و بیست و سیصد و نه سال آمده است.

نویسنده کتاب **یاق علی الناس زمان** مرحوم حضرت آیت‌الله دهرخی می‌باشد او در ص ۱۸۷ آدرس ۳۳ روایت آورده است. که دلالت بر آن دارد که حکومت حضرت مهدی ۴۰ سال یا ده سال یا ۷ سال یا ۹ سال یا ۱۹ سال و یا... می‌باشد.

- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در میان امت من مهدی قیام می‌کند و پنج، هفت و یا نه (سال) زندگی می‌کند مردی نزدش می‌آید و می‌گوید: ای مهدی! به من عطا کن و آن حضرت لباسش را تا جایی که بتواند ببرد پُر می‌کند.^۱

۱۸۵

بسط زمان در حکومت امام

عبدالکریم خثعمی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «قائم چه مدت حاکم خواهد بود؟» فرمود: «هفت سال روزها و شبها برایش طولانی می‌شود تا اینکه یک سال برابر ده سال معمولی می‌شود...»^۲

- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «وقتی قائم قیام کند یک سال در زمان او برابر ده سال خواهد بود» ابوبصیر می‌گوید عرض کردم: فدایت شوم سال‌ها چگونه طولانی می‌شود.
امام علیه السلام فرمود:

۱. کنز العمال، ج ۳۸۶۵۴.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۸، روایت ۴۳۹.

«خداوند به فلک فرمان می‌دهد که آرامتر حرکت کند و در نتیجه روزها و سال‌ها طولانی می‌شود».

عرض کردم: «بعضی می‌گویند اگر در دور فلک و حرکت آن تغییری ایجاد شود همه چیز از بین می‌رود».

فرمود: این اعتقاد بی‌دینهاست اما مسلمانان چنین چیزی نمی‌گویند خداوند ماه را برای پیامبرش دو نیمه کرد و قبل از آن خورشید را برای یوشع بن نون برگرداند^۱ و از طولانی بودن روز قیامت خبر داد که برابر هزار سال از سالهای معمولی است.^۲

- ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«وقتی قائم قیام کند...خداوند به فلک فرمان می‌دهد که گردش زمانش را آهسته کند تا اینکه یک روز معادل ده روز می‌شود و یک ماه برابر با ده ماه و یک سال با ده سال».^۳

۱۸۶

انتقام منتقم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: امام مهدی علیه السلام وارد مدینه می‌شود...

سپس بعد از سه روز وقتی که خبر بیرون آوردن جنازه آن دو نفری که کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دفن شده‌اند در بین مردم منتشر شد به نقبای خود می‌فرماید: (بعد از سه روز) قبر این‌ها را بشکافید و آن را تازه بیرون می‌آورند...

در این هنگام منادی مهدی علیه السلام صدا می‌زند هرکس این دو صحابه را دوست دارد یک طرف بایستد آنگاه مردم دو دسته می‌شوند یک دسته دوستدار آن دو نفر و دسته‌ای دیگر دشمن آن‌ها.

امام عصر علیه السلام به دوستداران آن دو نفر دستور می‌دهد که از آن‌ها بیزار می‌جویند...

آن‌ها در پاسخ امام می‌گویند... به خدا قسم ما از تو و کسانی که به

۱. حج / ۴۷.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۲۸، روایت ۴۴۰.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۱۷، روایت ۳۷۴.

تو عقیده دارند و کسانی که به این دو نفر عقیده و ایمان ندارند و آنها را برادر زدند و از قبر بیرون آوردند بیزاری می جوئیم.

در این وقت قائم علیه السلام به امر خداوند دستور می دهد باد سیاهی بر آنها بوزد و آنها را مانند ریشه پوسیده درخت نخل از میان می برد.

سپس امام دستور می دهد آن دو نفر را از بالای دار پائین بیاورند و به امر خداوند آنها را زنده می کند سپس دستور می دهد تمام مردم جمع شوند آنگاه اعمال آنها را در هر دوره ای شرح می دهد...

تا آنکه هر عمل زشت و گناه و ظلم و ستم که از زمان حضرت آدم تا موقع قیام قائم از بنی آدم سرزد. همه و همه را به گردن اولی و دومی انداخته و بر آنها ثابت می نماید. و آنها نیز اعتراف می کنند.

آنگاه حضرت دستور می دهند هر کس حاضر است و از آنها ظلمی دیده آنها را قصاص کند مردم هم قصاص می کنند سپس آنها را دوباره بر همان درخت به دار می کشد و امر می کند آتشی از زمین بیرون آید و آنها را با درخت می سوزاند آنگاه به باد دستور می دهد تا خاکسترشان را به آب دریاها پاشد.

مفضل پرسید: یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله این عذاب آخر این دو نفر است؟
حضرت فرمود: نه ای مفضل.

به خدا قسم فردای قیامت هر مؤمن و کافری که به صحرای محشر می آید و رسول خدا و صدیق اکبر امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار علیهم السلام نیز حاضر می شوند و همه آنها آن دو نفر را قصاص می کنند تا جایی که آن دو نفر را در هر شبانه روز هزار بار می کشند و باز به امر خداوند به صورت اول برمی گرداند تا عذاب شوند.^۱

- عبدالرحیم قصیر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند حمیرا (عایشه) برگردانده می شود تا آن حضرت بر او حد جاری کند و انتقام فاطمه علیه السلام دختر محمد را از او بگیرد.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، روایت ۹۳.

۱۸۷

محاكمه علي

«يأتي المهدي عليه السلام الى روضة الرسول ويخرج الجبت والطاغوت....».

امام زمان عليه السلام به حرم پیامبر صلى الله عليه وآله می آید و به اذن پروردگار آن دو نفر را زنده می کند و برای غصب خلافت... و به خاطر قتل محسن عليه السلام و آزار پاره تن پیامبر صلى الله عليه وآله آنان را محاکمه می کند.

«عن أبي جعفر عليه السلام.... ثم يحرقهما بالحطب الذي جمعه ليجرقاه عليا وفاطمة والحسن والحسين وذلك الحطب عندنا نتوارثه».

امام زمان عليه السلام آن دو نفر را با هیزمی که جمع کردند تا علی و فاطمه و حسن و حسین عليهم السلام را آتش بزنند می سوزاند و آن هیزمها نزد ما است که از یکدیگر ارث می بریم.^۱

۱۸۸

توسعه علم در حکومت امام مهدی عليه السلام

امام صادق عليه السلام می فرماید:

اصول علم و دانش دارای ۲۷ حرف (رشته یا ریشه) است.

تمام پیامبران آنچه برای مردم تا به حال آورده اند دو حرف بوده وقتی که قائم ما عليه السلام ما قیام کند ۲۵ حرف دیگر از علوم را نیز آشکار می سازد و در میان مردم رواج می دهد و ضمیمه آن دو حرف می کند تا بیست و هفت حرف تکمیل گردد.^۲

- امام باقر عليه السلام در روایتی به شدت رشد اعتقادی و دینی مردم در بعد از ظهور اشاره می فرماید: «و تونون الحكمة في زمانه حتى ان المرأة لتتقضى في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله صلى الله عليه وآله».

علم و حکمت به همه شما در زمان مردی از خاندان ما آموخته شود

۱. دلائل الامامة، ص ۲۴۱.

۲. نجم الناقب، ص ۱۸۱.

به طوری که حتی زن در خانه‌اش بر طبق کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ قضاوت نماید.^۱

- امام صادق (ع) می‌فرماید:

در زمان قائم شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می‌برد برادر خود را که در مغرب است دیده و نیز آنکه در مغرب است برادر خویش را در مشرق خواهد دید.^۲

۱۸۹

نکته

(اگرچه این نوع فن‌آوری الان امکان‌پذیر شده است ولیکن صرف‌نظر از این تکنولوژی این روایت دلالت بر آن دارد که ما به عصر ظهور امام (ع) نزدیک شده‌ایم).

- امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: هیچ علمی نیست مگر آنکه من آن را افتتاح نمودم و قائم ما می‌آید و جمیع علوم را تکمیل می‌نماید.^۳
حضرت صادق (ع) فرمود: علم و دانش به بیست و هفت قسمت تقسیم شده اما تاکنون بیش از دو قسمت آن در دسترس بشر قرار نگرفته است وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج قسمت دیگر آن را آشکار می‌کند و در بین بشر پخش می‌کند.^۴

۱۹۰

استقرار عدالت در جهان

در روایات متعدد آمده که: لشکریان امام عصر (ع) در مراحل مختلف شهرهای دمشق، طرطوس، رقه، مصر، رومیه، زنج در افریقا، غزه، عسقلان، بیت‌المقدس را یک به یک فتح می‌نمایند.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. کمال‌الدین، ص ۵۶۵.

۳. نجم الثاقب، ص ۱۰۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۱۹۱

امام مهدی علیه السلام در مصر

امام علی علیه السلام می‌فرماید: آنگاه (مهدی و یارانش) به سوی مصر رهسپار می‌شوند و حضرت بر منبر آنجا بالا می‌رود و مردم را مخاطب قرار داده و برای آن‌ها سخن می‌گوید زمین در اثر عدالت شاد و خرم می‌گردد و آسمان، باران رحمت خود را فرو می‌بارد و درختان بارور می‌شوند. و زمین گیاهان خود را بیرون داده و چهره خویش را با گل و گیاه برای اهل زمین می‌آراید.

حیوانات وحشی در امن و امان به سر می‌برند و به طوری که در راههای روی زمین مانند چهار پایان اهلی به چرا می‌پردازند نور دانش در دل‌های مؤمنان افکنده می‌شود به گونه‌ای که هیچ مؤمنی نیاز علمی، به برادر دانشمند خود ندارد در آن روز آیه «و خداوند بی‌نیاز کند هر کدام را از گشایش خود» مصداق پیدا می‌کند.^۱

۱۹۲

حمله‌های دریایی یاران امام مهدی علیه السلام

در روایت است که حضرت مهدی علیه السلام دستور می‌دهد وسیله سواری تهیه کنند و چهارصد کشتی در ساحل عکا ساخته می‌شود امام مهدی علیه السلام طرطوس را فتح می‌کند آنگاه به سوی انطاکیه حرکت کرده آن را فتح می‌کند... و به قسطنطنیه هجوم برده آنرا می‌گشاید سپس بسوی شهرهای روم متوجه شده روم با همیاری اصحابش متصرف می‌گردد.

۱۹۳

دین فراگیر در جهان

از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدند. «وله اسلم من فی السموات و الارض». یعنی: هر کس در آسمان و زمین است تسلیم او می‌شوند. حضرت فرمود: این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده هنگامی که علیه یهود

۱. بشارة الاسلام، ص ۷۱.

و نصارا و صابئین و مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین قیام می‌کند و به آن‌ها اسلام را پیشنهاد می‌کند هر کس از روی میل پذیرفت دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکوة بدهد و آنچه هر مسلمانی مامور به انجام آن است بر او نیز واجب می‌کند و هر کس مسلمان نشد گردنش را می‌زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا شناس وجود نخواهد داشت.

عرض کردند: قربانت گردم در روی زمین مردم بسیاری هستند چطور قائم (عج) می‌تواند همه آن‌ها را مسلمان کند و یا گردن بزند؟
حضرت فرمود: هنگامی که خداوند چیزی را اراده کند چیز اندک را زیاد و زیاد را کم می‌گرداند.^۱

۱۹۴

خداوند به او امر کرده....

زاره بن‌اعین گوید: از امام باقر (عج) پرسیدم آیا قائم با مردمان مانند پیامبر (ص) رفتار کند؟ فرمود: هیئات هیئات.
پیامبر (ص) با ملایمت با مردم رفتار می‌کرد و می‌کوشید تا محبت مردم را در راه دین جلب کند و تألیف قلوب نماید اما امام قائم با شمشیر و با قتل با مردم روبه‌رو می‌شود خدابه او این گونه امر کرده است که بکشد و توبه‌ای از کسی نپذیرد وای به حال کسی که با مهدی (عج) بر سر ستیز آید.^۲

۱۹۵

اثر رحمت نازل شده

امام باقر (عج) می‌فرماید:

هرگاه زمان ما فرا رسد و مهدی (عج) ما بیاید شیعه ما از شیر دلیرتر و از سر نیزه برنده‌تر خواهد بود دشمن ما را پایمال می‌کند و بر چهره‌اش

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰، حدیث ۹۰.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

سیلی می‌زند این هنگامی است که رحمت و گشایش خدا بر بندگان
فروود آید.^۱

۱۹۶

قوت یاران امام

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يكون من شيعتنا في دولة القائم سنم الارض و حكامها يعطى كل رجل منهم قوة اربعين رجلا».
در میان شیعیان ما در حکومت قائم افرادی هستند که ارکان و حاکمان
زمین‌اند و به هر یک از آنها توان چهل مرد داده شود.^۲
- امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة و جعل
قلوبهم كزبر الحديد».

آنگاه که قائم ما قیام کند خدا آفت را از شیعیان ما بزدايد و دل‌هایشان
را چون پاره‌ای آهن سازد.^۳

۱۹۷

دین اسلام در همه جای جهان

عیاشی و طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده که: ظهور دیانت اسلامی
زمان خروج مهدی آل محمد علیهم السلام باشد در آن زمان باقی نمی‌ماند کسی مگر
آنکه اقرار نماید به (پیامبری) حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

۱۹۸

حرکات اصلاحی امام مهدی علیه السلام در مسجد الحرام

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: یا بن‌رسول الله صلی الله علیه و آله امام زمان علیه السلام وقتی ظهور
کرد با کعبه چه می‌کند؟
حضرت فرمود: آن را می‌شکند و بر همان پایه‌ای که روز اول در عهد

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۹۰.

۲. اختصاص، ص ۸.

۳. خصال صدوق، ج ۲، ص ۵۴۱.

حضرت آدم برای مردم بنا شده و ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بالا برده بودند برپا می‌کند.

و آنچه که بعد از آن در مسجدالحرام ساخته که پیغمبری و جانشین پیغمبری آن را نساخته است آنطور که خدا می‌خواهد آن را می‌سازد. و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر جاها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران می‌کند.

سپس فرمود: مسجد کوفه را نیز خراب می‌کند و بر اساس روز اول آن را بنا می‌کند و هم چنین قصر عقیق را ویران می‌کند خدا لعنت کند سازنده آن را!...^۱

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که قائم قیام کرد مسجدالحرام را ویران می‌سازد تا آنکه آن را به پایه‌ای نخست برگرداند و مقام ابراهیم را به جایگاه اول باز می‌گرداند و دست‌های بنی‌شیبه را بر در کعبه آویزان می‌سازد و بر آن می‌نویسد تمام اینان دزد کعبه هستند.^۲

۱۹۹

قتل شیطان در کوفه

اسحق بن عمار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان فرمود: منتظر وقت معلوم باشد.

«انك لمن المنتظرين الی یوم الوقت المعلوم»؛ این وقت معلوم کی خواهد بود؟

حضرت فرمود: روز قیام قائم ماست وقتی خداوند او را برانگیخته می‌کند و آماده قیام می‌شود در مسجد کوفه است در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می‌رود به آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای از خطر امروز! قائم علیه السلام پیشانی شیطان را گرفته و گردنش را می‌زند آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می‌رسد.^۳

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. عمر بن خطاب مقام ابراهیم را در زمان خلافت خود جایجا کرد و قریش نیز درب ورودی کعبه را بالا نصب کردند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این مسئله ناراحت شدند.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶، حدیث ۱۷۸.

۲۰۰

رحلت حضرت عیسیٰ

جابر بن عبدالله انصاری از امیرالمؤمنین نقل می‌کند که سپس عیسی می‌میرد و مهدی منتظر آل محمد باقی می‌ماند سپس او در دنیا به راه می‌افتد شمشیرش را بر دوش می‌کشد و یهود و نصاری و اهل بدعت را می‌کشد.^۱

امام باقر می‌فرماید: که اول چیزی که قائم به آن ابتداء کند سقف مسجدها است که خراب کند و امر فرماید آنها را مثل عریش موسی درست کنند (عریش اینجا به معنای سایه‌بان است که از چوب درست کنند).^۲

۲۰۱

عذاب مانع زکات

امام صادق فرمود: «اذا قام القائم اخذ الزکاة فضرب عنقه». هرگاه قائم ظهور کند کسی را که زکات ندهد دستگیر کند و گردن زند.^۳

۲۰۲

چهل سال لعن بنی‌امیه

مرحوم صدوق در جلد دوم خصال روایتی را آورده که امام علی در آن ۷۰ مورد از فضایل منحصر به فرد خود را برشمرده است.

در فضیلت پنجاه و چهارم امام علی می‌فرماید: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: یا علی! در آینده نزدیک بنی‌امیه تو را لعن خواهد کرد و فرشته‌ای برای هر لعن هزار لعن بر خود آنها بر می‌گرداند و چون قائم قیام کند چهل سال لعن آنان را رواج دهد.^۴

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۸۷، روایت ۸۰۴.

۲. یاتی علی الناس زمان.

۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۶۰.

۴. خصال صدوق، ص ۶۹۹.

۲۰۳

استخراج گنج‌های علمی

در روایت آمده که در زیر صخره‌ای در اهرام مصر علمی برای امام عصر (عج) ذخیره شده که دست قبل از او بدان نمی‌رسد.^۱

۲۰۴

ثروت اصحاب رس

روایتی در مورد اصحاب رس آمده که: در قرآن به آن اشاره شده و خداوند آن‌ها را مورد عذاب قرار داد خداوند به ملک الموت دستور داد تا احشام آن‌ها را از بین ببرد و به زمین هم دستور داد هرچه شمش طلا یا نقره یا ظرف داشتند را در کام خود فرو برد تا وقتی که قائم (عج) قیام کند از این ثروت بهره برداری کند.

بدین سان خداوند همه این قوم گمراه را از گرسنگی و تشنگی... از بین می‌برد.^۲

۲۰۵

ثروت منطقه ارم

امام علی (ع) می‌فرماید: او (مهدی (عج)) ارم را که دارای ستون‌ها است از دل زمین بیرون می‌کشد و قصری را که سلیمان بن داود در نزدیکی موته^۳ داشت بیرون می‌آورد و آنچه از اموال در آن‌ها هست خارج ساخته و میان مسلمانان تقسیم می‌کند.

در حدیث آمده که حضرت مهدی (عج) در ایام حکومتش به مردم می‌فرماید: بیائید به سوی آنچه (مال دنیا) که برای آن قطع رحم کردید خونها ریختید و مرتکب گناهان شدید آنگاه چنان عطایائی به آن‌ها می‌دهد که هرگز در تاریخ بشری سابقه نداشته است.^۴

۱. کمال‌الدین، ص ۵۶۵.

۲. قصص الانبیاء، ۸۹/۹۶.

۳. موته در کشور اردن است. و مزار برادر امام علی (ع) جناب جعفر طیار در آنجاست.

۴. منتخب الاثر، ص ۴۳۰.

آسایش و امنیت و عدالت مطلق

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «... و یذهب الشر و یبقی الخیر و یزرع الانسان مدًا و تخرج له سبعة امداد كما قال الله تعالى و یذهب الرّنا و شرب الخمر و یذهب الرّبا و یقبل الناس علی العبادات و الشرع و الدیانة و الصلاة فی الجماعات و تطول الاعمار و تودی الامانات و تحمل الاشجار و تتضاعف البرکات و تهلك الاشجار و تبقى الاخیار و لا یبقی من یبغض اهل البیت علیهم السلام».

شر از جهان رخت برنهد و خیر و نیکی بجای ماند و انسان یک مدّ بذر کشت نماید و هفت مدّ برایش محصول دهد چنانچه خدای تعالی فرموده است زنا و شراب و ربا از بین برود و مردم به عبادت و دیانت و نماز جماعت روی آورند عمرها طولانی، امانتها به صاحبانشان باز گردانده درختان بارور و خیرات و برکات مضاعف گردد اشرار از میان بروند و نیکان باقی مانند و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام کسی باقی نماند.^۱

- حضرت علی علیه السلام می فرماید:

در زمان ظهور مهدی علیه السلام گوسفند با گرگ در یک جا زندگی می کنند و بچه ها با مارها و عقربها بازی می کنند و هیچ گونه اذیتی به همدیگر نمی رسانند و شر و بدی می رود و خیر و خوبی می ماند...

و در روایتی دیگر می فرمایند: اگر قائم ما خروج کند در میان حیوانات درنده و غیر درنده صلح می شود و همه مطیع و فرمانبردار آن حضرت می شوند.^۲

- رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «یکون فی امتی المهدی تنعم امتی فی زمانه یغیما ینعّم مثله

قط».^۳

مهدی در امت من است و امتم در عصر او از موهبت و نعمت فراوان برخوردار گردند به گونه ای که هیچ گاه آن چنان بهره مند نشده باشند.^۴

۱. عقد الدرر.

۲. نجم الثاقب، ص ۱۵۶.

۳. الزام الناصب، ص ۱۶۳.

۴. آیا برای یک چنین دنیایی نباید برای ظهور آن مطهر معطر دعا کرد.

- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «ولو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها و لاخرجت الارض نباتها و لذهبت الشحناء من قلوب العباد».

وقتی که قائم ما قیام نماید آسمان قطرات بارانش را فرو بارد و زمین روئیدنیها و گیاهانش را برویاند و کینه و عداوت از دل‌های بندگان زائل گردد.^۱
- امام صادق (ع) می‌فرماید: «...اما و الله لیدخلن القائم (ع) عدله جوف بیوتهم كما یدخل الخر و القر».

به خدا سوگند مهدی (ع) عدالتش را تا آخرین زوایای خانه‌های مردم وارد می‌کند هم چنان که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود.^۲
در روایت آمده که: چون قائم قیام کند وارد کوفه شود زمین‌های مصادره شده را به صاحبانش باز می‌گرداند.^۳

۲۰۷

آموزش قرآن توسط ایرانیان

اصبغ بن نباته گوید:

از حضرت علی (ع) شنیدم که می‌فرمود: گویا می‌بینم که چادرهای عجم در مسجد کوفه^۴ برپا شده و در ایام حکومت امام مهدی (ع) به مردم قرآن را همان گونه که نازل گردیده آموزش می‌دهند.^۵

۲۰۸

آرامشی فراگیر

امام علی (ع) می‌فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را برویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت بریندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند چندان که زنان، زیور^۶ به

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۳. بشارة الاسلام، ص ۲۵۳.

۴. مسجد کوفه پایتخت و مرکز حکومت جهانی امام عصر عج خواهد بود.

۵. سفینة البحار، ج ۲، ص ۱۶۵.

۶. زنبیل.

سر عراق را تا شام می‌پیمایند و جز بر علف و سبزه گام نمی‌نهند و هیچ درنده‌ای آنان را آشفته و هراسان نمی‌کند.^۱

۲۰۹

عدالتی بی‌سابقه

در روایت آمده: مهدی علیه السلام آن چنان رفع ستم از ستمدیدگان می‌کند که اگر حقی زیر دندان کسی باشد آن را می‌ستانند و به صاحب حق برمی‌گردانند.^۲

۲۱۰

قوانین اجتماعی و تردد در جامعه

«عن ابی الحسن موسی علیه السلام قال: اذا قام قائمنا علیه السلام قال: يا معشر الفرسان سيروا في وسط الطريق...»؛ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: وقتی قائم علیه السلام قیام کند دستور فرماید که سواره‌ها در وسط حرکت کنند و پیاده‌ها در کنار خیابان پس اگر سواره‌ها از این قانون پیروی نکردند و در کنار خیابان حرکت نمودند و ضرری به کسی وارد نمودند باید خسارت بدهند. و اگر پیاده‌ها از قانون خود «که باید از کنار خیابان حرکت کنند» مخالفت نموده و از وسط خیابان حرکت کردند و خسارتی به آنها وارد شد خسارتی طلبکار نیستند.^۳

۲۱۱

ملوع نور رشد دهنده بشریت

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم»؛ زمانی که قائم ما قیام نماید دست خویش بر سر بندگان گذارد و بدین وسیله نیروهای مردم را تمرکز بخشیده و اخلاقتان را کامل سازد.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲. منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

۳. تهذیب، ج ۱۰، ص ۳۱۴، حدیث ۱۱۶۹.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲۱۲

مهدی شمع جمع بشریت

قال الرضا (ع): «و ذلك و الله ان لو قام قائمنا يجمع الله اليه جميع شيعتنا من جميع البلدان». حضرت رضا (ع) فرمود: قسم به خدا هر موقع قائم ما قیام کند خداوند جمیع شیعیان را از شهرها به سوی او جمع می‌کند.^۱

۲۱۳

ظاهر شدن اجنه‌ها در حکومت امام

از حضرت صادق پرسیدند: آیا جن و فرشتگان برای بشر آشکار می‌شود؟ امام فرمود: آری به خدا آشکار می‌شود. از حضرت صادق (ع) پرسیده شد: آیا فرشتگان و طایفه جن همه جا همراه قائم می‌روند؟ حضرت فرمود: آری و الله. آن‌ها به روی زمین در کوفه و نجف می‌آیند و عدد یاران حضرت در آن موقع چهل و شش هزار فرشته و شش هزار جن است...^۲

۲۱۴

شهادت امام مهدی (عج)

زنی به نام سعیده از طایفه بنی تمیم که مانند مردها محاسن دارد در حالی که سال ۷۰ به پایان رسیده از بالای بام به هنگامی که امام مهدی (عج) در حال عبور است سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند آنگاه امام حسین (ع) مراسم غسل کفن و دفن آن حضرت را به عهده می‌گیرد.^۳ در روایتی دیگر از امام صادق (ع) تصریح شده که امام حسین (ع) امام مهدی را غسل و کفن و حنوط می‌کند و به خاک می‌سپارد که هرگز امام

۱. مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۰.

۳. تاریخ بعدالظهور، ص ۸۸۱.

را جز امام غسل نمی‌دهند.^۱ و در روایتی دیگر امام رضا علیه السلام فرموده‌اند که امام را جز امام غسل نمی‌دهد.^۲

- در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: حسین علیه السلام در میان یارانش که با او کشته شدند و در حالی که هفتاد پیامبر همان طور که با موسی بن عمران بودند با او هستند می‌آید قائم علیه السلام انگشتر - یا مهر - را به او می‌سپارد و حسین علیه السلام همان کسی است که آن حضرت را غسل می‌کند کفن می‌پوشاند حنوط می‌کند و در قبر می‌گذارد.^۳

۲۱۵

امام حسین علیه السلام با ۷۲ تن از یارانش می‌آید

عبدالله بن قاسم بطل درباره آیه «ثم رددنا لكم الكرة عليهم»^۴ از قول امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: آیه به خروج امام حسین علیه السلام در میان هفتاد تن از یارانش مربوط می‌شود.

تا اینکه فرمود: وقتی دلهای مؤمنان به شناخت قطعی رسید که آن حضرت امام حسین علیه السلام است آنگاه مرگ حضرت حجت فرا می‌رسد و امام حسین علیه السلام او را غسل می‌دهد کفن و حنوط می‌کند و دفن می‌نماید و این امور مربوط به وحی را جز وحی کسی دیگری عهده‌دار نیست.^۵

اِنْشِيارُ اَنْ سَجِدُ نَبِيًّا

۱. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۱.

۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳، از روایت ۱۳۰.

۴. اسراء / ۶ آنگاه نوبتی دیگر شما را بر آنها غالب کنیم.

۵. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۳، روایت ۱۰۳.

بخش ۸

رجعت

۲۱۶

رجعت در قرآن و احادیث

بحث رجعت از آن جهت مورد توجه است که عده‌ای در زمان ظهور امام مهدی عج دوباره زنده شده و در رکاب ایشان به مساعدت آن پیشوا می‌شتابند این که عده‌ای زنده شده و در رکاب امام قرار می‌گیرند در بعضی روایات به آن تصریح شده چنانچه در روایات است که سلمان فارسی و مالک اشتر نخعی و ... کسانی هستند که در رکاب امام عصر ع قرار می‌گیرند البته این عده که برگشت می‌کنند و دوباره زنده می‌شوند حتما عده‌ای هستند که در دل تمنای این سعادت را داشته‌اند و شاید با دعای عهد که دلالت روایی بر این تمنا و خواسته دارد هم عهد امام عصر ع شده‌اند. از سیاق روایات فهمیده می‌شود که مسئله رجعت با مسئله ظهور از حیث زمانی بسیار نزدیک خواهد بود.^۱ لذا عده‌ای در موقع ظهور زنده شده و در رکاب آن امام قرار می‌گیرند.

۱. در احوالات سپهبد شهید صیاد شیرازی نقل شده که ایشان مقید بودند که دعای عهد را هر روز قرائت کنند

۲۱۷

رجعت در سوره آل عمران

عبدالله بن سکان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در تفسیر این آیه قرآن «واذا خذ الله ميثاق البنين لما اتيتكم من كتاب و حكمة ثم جائكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به لئنصرنه»^۱.

چنین فرمود: «مابعث الله نبيا من لدن آدم و هلم جرا و يرجع الى الدنيا فينصر رسول الله و اميرالمؤمنين». خداوند هیچ پیامبری را از آدم تا سایرین (خاتم الانبياء) مبعوث نکرده جز آنکه به دنیا بازگشته و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را یاری خواهند کرد.^۲

۲۱۸

رجعت امام حسین علیه السلام

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «اول من يكر في رجعتة الحسين بن علي عليه السلام يمكث في الارض حتى يسقط حاجباه على عينيه». اولین شخصی که به دنیا رجعت خواهد کرد امام حسین علیه السلام است که ایشان آنقدر در زمین زندگی خواهد نمود تا آنکه از فرط پیری موی دو ابروی او بر چشمانش بیفتد.^۳

۲۱۹

رجعت در سوره سبا

در سوره سبا آیه ۲۸ آمده است: «و ما ارسلناك الاكافة للناس بشيرا و نذيرا». یعنی: و ما تو را جز برای بشارت و بیم جهانیان نفرستادیم. امام باقر علیه السلام می فرماید: این آیه در رجعت تحقق می یابد.^۴ در باب فرمایش امام باقر علیه السلام می توان این گونه گفت: آیه مذکور دلالت

و آن روزی که به شهادت رسیدند صبح دعای عهد خود را خوانده بودند.

۱. آل عمران / ۸۱

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، بحث رجعت، حدیث ۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۶۷.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، بحث رجعت، حدیث ۹ و ۲۰ و ۲۳ و ۶۷.

۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۲.

دارد بر اینکه هنوز دین پیامبر اکرم ﷺ در همه جهان عمومیت نیافته لذا امام عصر ع در زمان ظهور، این مسئله را فراگیر و عالم گیر می‌نماید. مرحوم مجلسی در بحار در خصوص مسئله رجعت می‌فرماید: اگر مثل این روایات (رجعت) متواتر نباشد پس در چه چیزی می‌توان ادعای تواتر نمود.^۱ و محدث جزایری در شرح تهذیب صدوق آورده که ۶۲۰ حدیث پیرامون مسئله رجعت دیده است.^۲

۲۲۰

قیامت با رجعت جداست

در قرآن کریم حدود ۷۰ آیه در مورد رجعت وجود دارد. «فقال الرجل لابی عبدالله ع ان العامة تزعم ان قوله «و یوم نحشر من کل امة فوجا» عنی فی القیامة فقال ابو عبدالله: فیحشر الله یوم القیامة من کل امة فوجا و یدع الباقین لا و لکنه فی الرجعه و اما آیه القیامة «و حشرناهم فلم نغادر منهم ایضا».

مردی به امام صادق ع عرض کرد:

اهل سنت گمان کرده‌اند که آیه شریفه: «روزی که از هر امتی گروهی را محشور می‌کنیم».

مربوط به قیامت است حضرت در پاسخ فرمود: آیا چنین است که خداوند روز قیامت از هر امتی تنها گروهی و عده‌ای را محشور کرده و بقیه آن‌ها را رها می‌سازد؟

خیر این گونه نیست و لکن آیه در مورد رجعت است، اما آیه قیامت آن است که می‌فرماید: همه را محشور ساخته و از احدی چشم پوشی نمی‌کنیم.^۳

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۳، (در باب رجعت آیات زیادی در قرآن آمده که عبارتند از: سوره بقره آیات ۵۶ و ۲۴۳ و ۲۵۹ سوره کهف آیه ۱۹ سوره نمل، آیه ۸۲ برای مطالعه بیشتر پیرامون مسئله رجعت به تفسیر شریف المیزان جلد دوم مراجعه شود).

۲۲۱

رجعت در سوره قصص

ابن خالد کابلی از امام سجاده علیه السلام نقل می کند در تفسیر آیه شریفه: «ان الذی فرض عليك القرآن لرادك الى معاد».

آن کسی که قرآن را بر تو فرض نمود تو را به باز گشتگاه برمی گرداند.^۱
فرمود: «يرجع اليكم نبيكم و امير المؤمنين و الائمة عليهم السلام».

پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و همه امامان علیهم السلام به سوی شما باز می گردند و رجعت می کنند.^۲

۲۲۲

رجعت در سوره توبه

«عن ابی جعفر علیه السلام ... وقوله تعالى: «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون» قال ینظره الله عزوجل فی الرجعة».

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ۳۳ از سوره توبه می فرماید: خداوند دین حق را در رجعت بر سایر ادیان غلبه می دهد، در رجعت همه مردم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورده و اسلام جهان گستر می شود.^۳

۲۲۳

رجعت در سوره نمل

«واذا وقع القول علیهم اخرجنا دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بایاتنا لایوقنون و یوم نحشر من کل امة فوجا ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون»^۴ و هنگامی که قول بر آنان واقع گردد از زمین موجودی را بیرون می سازیم که با آنان سخن می گوید (یا با آنان می جنگد) ولی مردم به آیات ما ایمان نمی آورند و روزی که از هر امتی گروهی از کسانی که تکذیب ما کردند محشور کرده سپس آن ها نگه داشته می شوند».

۱. قصص / ۸۵

۲. الايقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، ص ۳۴۳ و بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴

۴. نمل / ۸۲

این آیه مشهورترین آیه رجعت است که به تنهایی بر رجعت دلالت دارد چرا که ظاهر آیه بخوبی بیانگر این مطلب است که این حشر گروهی از هر امتی غیر از حشر روز قیامت است زیرا حشر در روز قیامت شامل همه انسانها می‌گردد چنان که در وصف حشر روز قیامت در سوره کهف آیه ۴۷ چنین می‌فرماید: **و حشرنا هم فلم نغادر منهم احدا** یعنی همه را محسور کرده و احدی از آنها را فرو نخواهیم گذاشت.

۲۲۴

رجعت همگانی نیست

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: رجعت همگانی نیست بلکه خصوصی است تنها کسانی رجعت می‌کنند که مؤمن خالص باشند و یا مشرک خالص.^۱

- آن هفتاد نفری که با حضرت موسی همراه بودند و از برگزیدگانی بودند که حضرت با خود به طور سینا برد بعد بر اثر صاعقه کشته شدند سپس با درخواست حضرت موسی دوباره زنده شدند تأکیدی است بر مسئله رجعت که در آیه ۵۶ سوره مبارکه بقره به آن اشاره شده است.^۲

- آیه ۷۲ و ۷۳ سوره بقره نیز اشاره به زنده شدن پیرمردی از بنی اسرائیل دارد.^۳

- جریان اصحاب کهف نیز تصریح واضحی است به مساله رجعت که مسئله را به طور کلی از ابهام خارج می‌نماید.

- امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

نخستین کسی که زمین برای او شکافته می‌شود و به روی زمین رجعت می‌کند حسین بن علی علیه السلام است.^۴

- احمد بن عقبه از پدر خود نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا

رجعت صحیح است؟

امام فرمود: آری.

۱. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

۲. تفسیر صافی، ج ۴، ص ۷۷.

۳. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴. الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۶۰.

عرض شد: نخستین کسی که می‌آید چه کسی است؟
 امام فرمود: امام حسین علیه السلام است که بعد از ظهور قائم می‌آید...

۲۲۵

باران اجیاء کنند

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی که آمدن او نزدیک شد در ماه جمادی الاخر و ده روز از ماه رجب چنان باران می‌بارد که مردم مثل آن را ندیده باشند و با آن باران خداوند گوشتِ بدن مردگان مؤمنین را در قبرهایشان می‌رویاند. گویا من آن‌ها را می‌بینم که می‌آیند و خاک موهای سر خود را می‌تکانند.^۱

۲۲۶

رجعت در سوره ابراهیم

«و ذکرهم بایام الله»^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: ایام‌الله سه روز است روز قیام قائم‌ال محمد علیه السلام و روز رجعت و روز قیامت.
 - ابوبصیر گفت: امام باقر علیه السلام به من فرمود: مگر اهل عراق منکر رجعت هستند؟
 گفتم: آری.

امام فرمود: آیا قرآن نمی‌خوانند و روزی که از هر امت دسته‌ای را برانگیزیم.^۳
 - حسن بن جهم می‌گوید: مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: ای ابالحسن درباره رجعت چه می‌فرماید؟

امام علیه السلام فرمود: رجعت حق است در ادیان گذشته هم بوده و قرآن از آن یاد کرده است.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، حدیث ۷۷.

۲. ابراهیم / ۵.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۰.

۴. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹، روایت ۴۵.

- فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرمود:
«هر کس... به رجعت اعتراف کند... او واقعا مؤمن و از شیعیان ما اهل بیت
است.»^۱

- در کتاب من لایحضره الفقیه آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس
به رجعت ما ایمان نداشته باشد و متعه ما را حلال نشمارد از ما نیست.»^۲



انتشارات سعید نفیسی

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۱، روایت ۱۶۱.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲، روایت ۱۰۱.



انتشارات سجد نون

فصل پنجم

بخش ۱:

چگونگی عرض ادب به ساحت مقدس امام مهدی علیه السلام

بخش ۲:

خانواده امام مهدی علیه السلام

بخش ۳:

۳۰ نفر یاران مخصوص در زمان غیبت کبری

بخش ۴:

معرفی یاران امام مهدی علیه السلام و بیان ویژگی‌های (۳۱۳ نفر)

بخش ۵:

توسل، صراط صعود



انتشارات سجد نون

بخش ۱

چگونگی و نحوه عرض ادب به امام عصر علیه السلام



۱

امام حاضر و ناظر

در بین اعراب در قدیم الایام یکی از نشانه‌های استیصال و درماندگی و ناچاری دست بر سر نهادن است و چنانچه در تاریخ هم نقل شده که حضرت زینب کبری علیها السلام در بالای تله زینبیه وقتی دید شمر بر سینه امام حسین علیه السلام نشسته است دو دست خود را بر سر نهاد که نشانه ناچاری و نهایت مصیبت را حکایت می‌کند در یک نگاه عرفی نیز می‌توان این گونه گفت وقتی با ذکر نام امام دست بر سر خود می‌نهم یعنی این که مهدیا تاج سرمائی آنچه واضح است این است که این حرکت ریشه روایی دارد و حرکتی است مؤدبانه در مقابل امام حاضر و ناظر حضرت مهدی موعود علیه السلام. در روایات اشاره شده که چگونه بایستی به وجود نازنین آن سرور احترام گذاشت در اینجا به نقل مطالبی در این باب اشاره می‌شود.

- اعتقاد علماء بر آن است حرین‌ریاح در جریان کربلا بخاطر احترامی که به حضرت سیدالشهداء علیه السلام گذاشت اسباب عاقبت بخیری خود را رقم زد.

این قائده در باب جادوگرانی که در جلوی موسی علیه السلام ایستادند نیز همان گونه بوده و جادوگران به سبب احترامی که برای حضرت موسی علیه السلام قائل شدند سعادت خود را فراهم آوردند و هکذا در جریان بشر حافی و احترام وی به نام خداوند متعال و ... (البته در باب ثمرات ادب ورزی و رابطه آن با عاقبت بخیری بیشتر از اینها گفته‌اند).

- نقل شده عبيدالله بن زياد لعنه الله عليه وقتی نامه يزيدي را براي او مي آوردند ۳ مرتبه به احترام آن نامه برمي خاست و بعد آن را مي بوسيد و بر چشم مي گذاشت. حال وضعيت ما در مقابل مولاي عزيز خود خيلي بايستي عاشقانه تر باشد که بحمدالله هست.

۲

رمزي بزرگ براي عاشقان امام مهدي علیه السلام

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: علت قيام در موقع ذکر نام قائم چيست؟ حضرت فرمود: صاحب الامر غيبتی بسیار طولانی دارد و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد هر کس وی را به لقب قائم یاد کند آن حضرت هم نظر لطفی به او خواهد نمود و چون در این حال مورد توجه امام واقع می شود.

شایسته است از باب احترام پیا خیزد و از خدا تعجیل در فرجش را بخواهد.^۱

۳

علت دست بر سر نهادن در موقع ذکر نام امام

امام رضا علیه السلام در بیان علت دست بر سر نهادن به هنگام ذکر نام شریف امام عصر علیه السلام در ضمن عبارتی می فرماید: «عبد خاضع هنگام مشاهدهی مولایش چنین می کند».

۱. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۷۱.

با دقتی در این روایت این مطلب به دست می آید که گفتن اسم شریف و نورانی یا قائم توجه و عنایت امام عصر علیه السلام را برای گوینده به همراه خواهد داشت: یا قائم آل محمد علیهم السلام.

و خود حضرت رضا علیه السلام نیز چنین می‌کرد و به نحوی که گویا امام زمان علیه السلام آن حضرت را مشاهده می‌کند.^۱

۴

فراموشی مده

در دعای عصر غیبت که از ناحیه مقدسه رسیده چنین می‌خوانیم: «...ولاتنساد ذکره و انتظاره و الايمان به وقوة اليقين في ظهوره والدعاء له و الصلاة عليه». خدایا! یاد او، انتظارش، ایمان به او، باور شدید به ظهور او، دعا برای او، و توجه به او را در مابه فراموشی مسپار.^۲

۵

امام رضا علیه السلام برخواست و دست بر سر نهاد

در حضور امام رضا علیه السلام در خراسان کلمه قائم ذکر شد حضرت برخاست و دستش را بر سر نهاد و گفت: «اللهم عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»؛ یعنی: خداوندا! در فرجش شتاب کن و راه ظهور او را آسان گردان.^۳

۶

ادب ورزی امام خمینی علیه السلام

روزی یکی از طلاب در مدرسه رفاه به امام عرض می‌کند شما در بین صحبت‌هایتان کمتر اسم امام زمان علیه السلام را می‌برید، امام با شنیدن این سخن از جا برخاستند و در پاسخ فرمودند: چه می‌گویی؟ مگر شما نمی‌دانید آنچه ما داریم از امام زمان علیه السلام است و....

۱. منتخب‌الاثار، باب ۳، فصل ۱۰، حدیث ۴، ص ۱۴۰. برخاستن به احترام نام مبارک و نورانی امام عصر علیه السلام حتی در بعضی مواقع واجب می‌گردد مثلاً چنانچه انسان در جمعی حضور داشته باشد که آن جمع پس از شنیدن نام مبارک امام از جا بلند شوند و مثلاً یک نفر بلند نشود این از مصادیق بی‌اعتنائی به امام خواهد بود چرا که چنین وانمود می‌شود، لذا این بی‌احترامی جایز نیست.

۲. غیبت طوسی، ص ۳۳۴.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

ایام و ساعاتی که به امام عصر علیه السلام تعلق دارد

ایام و ساعاتی از روز به امام عصر علیه السلام تعلق دارد لذا بایستی بیشتر متوجه آن وجود مبارک شد که این خود نوعی عرض ارادت به آن ساحت نورانی می باشد که عبارتند از:

۱. شب قدر (هر سه شب).

۲. روز جمعه

۳. روز عاشورا

۴. از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز جمعه (طبق روایتی حضرت زهرا علیها السلام کنیز خود را به پشت بام می فرستاد تا وقتی نیمی از قرص خورشید به غروب نزدیک شد ایشان را خبر نماید تا در آن موقع حضرت دعا کند چرا که دعا در آن زمان، اجابت می شود).^۱

۵. عصر دوشنبه

۶. عصر پنجشنبه

۷. شب و روز نیمه شعبان

۸. روز نوروز.

انتشارات سجید نفین

بخش ۲

خانواده امام مهدی علیه السلام



روایاتی در خصوص این که حضرت دارای فرزند و همسر می‌باشند وجود دارد ولیکن از حیث اعتبار محل تشکیک است و به عکس روایاتی نیز داریم که اشاره به این مطلب دارند که امام عصر علیه السلام دارای زن و فرزندی نیست ولی آنچه بدیهی است امام عصر علیه السلام به سنت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله که همانا مسئله ازدواج است پشت نخواهد کرد.

اگر در این زمینه هیچ نقل و روایتی وجود نداشت فقط همین مطلب که ما می‌دانیم آن حضرت به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می‌نماید. در قبول این مطلب که آن جناب همسر و فرزندی دارد کافی بود. بنابراین با توجه به عمر طولانی و مبارک ایشان ممکن است آن حضرت همسر و فرزندان متعددی داشته باشد که بعضی مرده و برخی زنده‌اند و مرگ و زندگی آن‌ها طبق روال عادی زندگی انسانهاست نه مطابق با زندگی و عمر آن حضرت.^۱

۱. به نقل از کتاب ظهور نور نوشته حضرت آیت سعادت پرور، ص ۱۲۳.

۸

متن دعای علوی مصری تأییدی بر وجود خانواده برای امام

در دعای علوی مصری که در همین فصل، متن ترجمه شده آن آمده و این دعا منسوب به امام عصر علیه السلام می باشد و از حیث محتوا بی نظیر و بسیار عمیق و زیبا می باشد در چهار جا امام عصر علیه السلام برای خانواده و فرزندان خود دعا می کنند و این خود گویاترین مدرک مستندی می باشد که امام عصر علیه السلام دارای زن و فرزند هستند در ثانی وقتی خانمی به امام باقر علیه السلام مراجعه کرده و اظهار می کند که برای رشد معنوی نمی خواهد ازدواج کند امام او را از این کار نهی فرموده و می فرمایند مادر ما حضرت زهرا علیها السلام ازدواج کرد اگر این کار لازم می بود او ازدواج نمی کرد (نقل معنا با تلخیص).

۹

ازدواج امام

در ثانی امکان ندارد در این همه سال حضرت مجرد زندگی کرده باشد در این خصوص حضرت آیت الله کشمیری تصریح و تأکید دارند که حضرت، همسر و فرزند دارند.

و یکی از اولیاء خدا مرحوم حاج شیخ حسین فاضلی فرموده اند که: حضرت نواده های زیادی در قم دارند و الان بعضی از آنها نمی دانند که نسل آنها به امام عصر علیه السلام می رسد و آنها مشغول تحصیل علوم حوزوی هستند.

۱۰

وقف امیر مؤمنان علیه السلام

مرحوم علامه طباطبائی می فرماید:

برادر من سید محمد حسن الهی قاضی طباطبائی شاگردی داشت که به او درس فلسفه می گفت و آن شاگرد احضار روح می نمود و برادر من توسط آن شاگرد با بسیاری از ارواح تماس پیدا می کرد آن شاگرد قبل از آنکه با برادر

من ارتباطی داشته باشد تمایل داشت فلسفه بخواند آن شاگرد به خدمت ایشان می آمد و درس می خواند آن مرحوم می فرمود:

ما به وسیله این شاگرد با بسیاری از ارواح ارتباط برقرار می نمودیم و مشکلات حکمت را از مؤلفین آنها می پرسیدیم یک بار که با افلاطون تماس گرفته بودند این دانشمند گفته بود شما قدر و قیمت خود را بدانید که می توانید در روی زمین «لااله الاالله» بگویید ما در زمانی بودیم که بت پرستی و ثنویت آنقدر غلبه کرده بود که نمی توانستیم این ذکر را بر زبان جاری کنیم.

می فرمود، روح سیدبن طاووس و دیگری روح مرحوم سید بحر العلوم، را احضار کرده بودند این دو نفر گفته بودند ما وقف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هستیم و ابدا مجالی برای پایین آمدن نداریم! از عجایب و غرایب این بود که یک کاغذ از تبریز از ناحیه برادر ما به قم آمد که در آن نوشته بود شاگرد مزبور روح پدرمان را احضار کرده و به سوالاتی هم جواب داده است و در ضمن گویا از شما گله داشته اند که در ثواب تفسیری که نوشته اید ایشان را شریک نکرده اید من تصور می کردم آخر، کارهای ما چه ارزشی دارد که پدرم را در آن سهیم کنم با رسیدن این نامه منفعلی و شرمنده شدم گفتم: خدایا اگر این تفسیر ما در نزد تو قابل قبول است و ثوابی دارد من ثواب آن را به روح پدر و مادرم هدیه نمودم و هنوز این مطلب را در پاسخ نامه برادرم به تبریز نفرستاده بودم که پس از چند روزی نامه ای از وی رسید که در آن آمده بود این بار با روح پدر صحبت کرده بودیم او گفت خدا عمرش بدهد سید محمد حسین هدیه ما را فرستاد.^۱ در این جا لازم بود ابتداء مقام عرشی جناب سیدبن طاووس معلوم گردد سپس به نقل گفتار او درباره خانواده امام عصر اشاره نمائیم در اوراق گذشته به وضعیت عرفانی این مرد ملکوتی اشاره شده است اما، مرحوم سیدبن طاووس را که سیدالمراقبین نیز می گویند به پدرش می گوید: پسر من به تازگی حضرت عیالی انتخاب

۱. جرعه های جانبخش، ص ۲۴۶.

کردند اگر اجازه داشتیم به تو می‌گفتم حضرت از کدام طایفه همسر انتخاب فرمودند.

۱۱

در این دعا به خانواده داشتن امام عصر اشاره شده

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که از نماز فارغ شدی این دعا را بخوان: «رضیت بالله ربا و بالاسلام دینا و بالقرآن کتابا و بمحمد صلی الله علیه و آله نبیا و بعلی ولیا و بالحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الحجة بن الحسن علیه السلام ائمة.

پروردگارا! ولی تو حضرت حجت است پس او را حفظ کن از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپ و از بالا و پایین. و عمرش را امتداد بخش و او را قائم به امر خویش قرار ده.

اللهم ولیك الحجة فاحفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحته و امددله فی عمره و اجعله القائم بامرک».

«المنتصر لدينك، و اره ما يحب و تقربه عینه فی نفسه، و فی ذریته، و اهله و ماله، و فی شیعتہ و فی عدوه، و ارحم منه ما یحذرون، و اره فیهم ما یحب و تقربه عینه، و اشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنین»^۱.

که برای دینت یاری طلبد و آنچه دوست می‌دارد و دیده‌اش به آن روشن گردد نسبت به خودش و خاندانش و نوادگانش و دارائیش و پیروانش و نسبت به دشمنانش به او بنمایان و دشمنانش را به آنچه هراس دارند دچار گردان و بدین وسیله سینه‌های ما و سینه‌های مؤمنین را شفا بخشای.

- از عارف کبیر و حضرت آیه‌الله کشمیری سؤال شد: آیا امام زمان علیه السلام زن و فرزند دارد و آنان هم همانند دیگران می‌میرند؟
پاسخ فرمودند: آری زن و فرزند دارد و آنها هم وفات دارند.^۲

۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق ره، ج ۱، ص ۳۲۷، حدیث ۹۶۰.

۲. آفتاب خوبان، ص ۸۷.

– امام صادق علیه السلام می فرماید: «...کافی اری نزول القائم فی مسجد السهله باهله و عیاله»^۱.
 دلیل دیگر بر وجود فرزند برای حضرت ولی امر علیه السلام روایتی است از
 سیدبن طاووس از امام رضا علیه السلام که می فرماید:
 «...أللهم اعطه فی نفسه و أهله و ولده و ذریته و جمیع رعیته ما تقر به عینه و تسریه نفسه».
 خداوندا! مایه چشم روشنی و خوشی امام زمان علیه السلام را در او و خانواده و
 فرزندان و ذریه و تمام پیروانش فراهم فرما.^۲



انتشارات سعید نفیسی

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲. جمال الاسبوع، ص ۵۱۰.

بخش ۲

سی نفر یاران مخصوص در زمان غیبت کبری



در بعضی از روایات به صراحت به ملازمان خصوصی امام عصر علیه السلام اشاره شده است که این افراد غیر از آن ۳۱۳ نفر هستند و مقصود خادمان آن حضرت یا همان سی نفری هستند که همراه حضرت هستند و در روایات به آن‌ها اشاره شده است.

«للقائم غیبتان: احدهما طویلة و الاخری قصیرة فالاولی یعلم مکانه فیها صة من شیعتنه و الاخری لایعلم مکانه فیها الا خاصة موالیه فی دینه».

برای قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه در اولی تنها خواص شیعیان از جایگاه او مطلع خواهند بود و در دومی فقط نزدیکترین خواص او که متصدی خدمت او هستند از جایگاه وی باخبر خواهند بود.^۱
- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: برای صاحب این امر دو غیبت است...

هیچ کس از جایگاه او خبر ندارد حتی از نزدیکانش مگر خدمتگزاری که در خدمت آن حضرت هست.^۲

۱. غیبت نعمانی، ص ۱۷۰، حدیث اول.

۲. منظور همان سی نفر هستند که در خدمت امام هستند.

۱۲

در هر زمان سی نفر

مرحوم حاج شیخ محمدحسن مولوی قندهاری در حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام خدمت امام عصر علیه السلام مشرف شده از حضرت سؤال کرد: به ما خبر رسیده است که هنگامی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به معراج رفته بودند به خداوند عرض کردند: فرزندم مهدی عمرش دراز است و غریب خواهد بود. خداوندا! برای او مونسى قرار ده.

بعد از این مناجات و درخواست حضرت رسول صلی الله علیه و آله خداوند سی نفر ملازم را در هر زمانی در خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام قرار داد آیا این مطلب صحیح است؟ امام فرمودند: بله صحیح است.^۱

۱۳

هم دلان شفیق

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«لابد لصاحب هذا الامر من عزلة ولابد في عزلة من قوة و ما بثلاثين من وحشة و نعم المنزل

طیبة».^۲

صاحب الزمان را عزلت و غیبتی است که در آن غیبت نیرومند است به سی نفری که با آن حضرت هستند و وحشت و تنهایی را از وی دور می کنند و خوب جایگاهی است طیبه (مدینه).

۱۴

همراه و هم قدم و هم راز امام

حضرت آیت الله امامی کاشانی در مجلسی ختمی که در مسجد اعظم قم از طرف اساتید حوزه علمیه قم برگزار شد در سخنرانی خود فرمودند:

۱. ملاقات با امام عصر ع، ص ۳۳۰.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

یکی از افرادی که مورد وثوق است و گاهی اخباری را در دسترسم قرار می‌دهد گفت:

به منظور شرکت در تشییع جنازه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی علیه السلام از تهران به قم رفتم و به مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام رسیدم. در آنجا به دو نفر از اصحاب مهدی علیه السلام برخورد کردم آن‌ها به من گفتند: امام زمان علیه السلام در مسجد امام حسن عسگری علیه السلام تشریف دارند برو آقا را ملاقات کن.

من با عجله خود را به مسجد امام حسن عسگری علیه السلام رساندم و وارد مسجد شدم در آن هنگام اذن ظهر را گفته بودند متوجه شدم که حضرت با سی نفر از اصحاب مشغول نماز هستند اقتدا کردم و بعد از نماز، حضرت فرمودند: ما از همین جا تشییع می‌کنیم و از مسجد به همراه امام خارج شدیم و با جمعیت با امام رفته تا به صحن حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام رسیدیم.

۱۵

دیداری مخصوص

ابراهیم بن مهزیار می‌گوید: به مدینه رفتم و از اخبار خاندان امام حسن عسگری پرس و جو کردم چیزی بدست نیاوردم به مکه رفتم... در مکه جوانی بطرف من آمد و به من سلام کرد خود را به من معرفی کرد بعد مرا به طور پنهانی بطرف طائف برد و از ریگستانی گذشتیم چشم ما در بالای تپه بر خیمه‌ای مؤین افتاد، نور از آن چادرها درخشش می‌کرد

۴۶۰

۱. مسجد مذکور در نزدیکی ترمینال شهر مقدس قم می‌باشد این مسجد با برکت نیز توسط دستور و فرمان امام عصر علیه السلام حدود ۴۰ سال پیش ساخته شده که در جای خود ماجرای بسیار زیبایی دارد که از ذکر آن صرف نظر می‌شود و مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی‌ره را از آنجا تا حرم حضرت معصومه علیه السلام تشییع کردند.

۲. مسجد امام عسگری در قم یکی از قدیمی‌ترین مساجد در ایران اسلامی می‌باشد. این مسجد مقدس به دستور امام عسگری علیه السلام و توسط وکیل ایشان در قم قبل از مسجد جمکران ساخته شده است این مسجد مساحت بیشتری داشته و رضا شاه به منظور تخریب آن خیابان ضلع شمالی مسجد را باز کرد و امام زاده فعلی در این خیابان، قبلاً جزء مسجد بوده است.

نزدیک چادرها شدیم نخست آن جوان داخل خیمه شد تا برای من اجازه ورود بگیرد و بعد بیرون آمد و من داخل شدم دیدم پوستی روی فرش افتاده و امام بالای آن نشسته و بر یک پشتی تکیه کرده است.

سلام کردم جواب سلام را شنیدم صورت او را مانند ماه دیدم دو بُردِ یمانی پوشیده بود و قسمتی از یکی را بر روی دوش انداخته بود.

اندامش در لطافت مانند گل بابونه و رنگ مبارکش در سرخی همچون گل ارغوانی بود که قطرات شبنم عرق بر آن نشسته بود ولی چندان سرخ نبود و گرمای هوا ناراحتش کرده بود.

خم شدم دست و پای او را بوسیدم.

فرمود: ای اباسحاق! مرحبا بر تو، رحمت خدا بر تو باد. با آن نشانه‌ای که میان تو و پدرم بود چه کردی.^۱

عرض کردم: همراهم می‌باشد فرمود: بیرون بیاور من دست بر جیب بردم آن را بیرون آوردم چون چشمش به آن افتاد، در دو چشمش اشک حلقه زد و توانست از ریزش آن‌ها جلوگیری کند...

آنگاه خطاب به انگشتر کرد و فرمود: به فدای دست بخشایشگری که در آن جلوه‌گر بودی...^۲

دل‌بسته یار خویشان باش

در کتاب عبقری الحسان نقل شده شخصی به نام محمد امین عراقی که شخص عادل و راستگوست نقل کرد که مردی صالح در بصره دکان عطاری

۱. این علامت انگشتری بود که امام عسگری به ابن‌مهزیار مرحمت کرده بود و برنگین آن نوشته شده بود یا الله یا محمد یا علی.

۲. از این تشرف معلوم می‌شود که حضرت همیشه همراهانی مخصوص دارند آنگونه که در روایات به آن‌ها اشاره شده تعداد آن‌ها نیز سی نفر است و از این تشرف به محل زندگی امام و نوع زندگی امام نیز فی‌الجمله پی می‌بریم اما بعد جناب ابراهیم‌بن‌مهزیار اهوازی با جناب علی‌بن‌مهزیار اهوازی که فی‌الحال در خوزستان دارای گنبد و بارگاه است فرق دارد و بعضی داستان تشرف ابراهیم را به ایشان ربط داده‌اند در حالی که علی‌بن‌مهزیار قبل از تولد امام عصر عج از دنیا رحلت کرده‌اند و معاصر امام جواد علیه السلام بوده‌اند.

داشت او می‌گوید: روزی در دکان خود نشسته بود که دو نفر آمده و از من سدر و کافور خواستند ولی لباس و وضع ظاهری آن‌ها با سایر مردم فرق داشت لذا از شهر و دیار آن‌ها پرسیدم آن‌ها از جواب امتناع کردند من چند بار پرسیدم تا آنکه آن‌ها را به حضرت رسول اکرم ﷺ قسم دادم.

در اینجا بود که آن‌ها گفتند: ما از ملازمان حضرت بقیةالله ﷺ هستیم^۱ و چون شخصی از ما از دنیا رحلت نموده به امر آن حضرت مأمور خرید سدر و کافور از تو شدیم.

وقتی این مطلب را شنیدم به دامان آن‌ها چسبیدم و بسیار التماس کردم که مرا هم با خود ببرند آنان گفتند: این بستگی به اذن آن حضرت دارد و چون به ما چنین اذنی نداده نمی‌توانیم چنین کنیم.

گفتم: مرا تا آنجا ببرید سپس از آن حضرت اذن بگیرید اگر اذن فرمود که هیچ والا باز می‌گردم آنان امتناع نمودند ولی چون اصرار بیش از حد مرا دیدند اجازه دادند تا با آن‌ها بروم.

همراه آن‌ها رفتم تا به دریا رسیدم آن‌ها به راحتی به روی آب روانه شدند ولی من ایستادم وقتی به من توجه نمودند گفتند نترس... بسم‌الله بگو حرکت کن و خدا را به حق حضرت حجت سوگند ده تا تو را حفظ کند بسم‌الله گفتم و با آن‌ها بر روی آب روان شدم تا اینکه وسط دریا باران گرفت در این موقع من یاد صابونهای خود در بصره افتادم که آن‌ها را برای خشک شدن در آفتاب قرار داده بودم و پریشان شدم ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و بوسیله شنا خود را از غرق شدن حفظ کردم آن‌ها متوجه من شدند دستم را گرفته نجاتم دادند و گفتند: برای آن مطلب که در خاطرت گذشت توبه کن. من توبه کردم و مجدداً خداوند را به حق امام عصر ﷺ قسم دادم و بر روی آب حرکت کردم تا به ساحل رسیدم در دامنه بیابان چادری دیدم که نور آن فضای بیابان را روشن کرده بود آنان فرمودند: تمام مقصود تو در این سرآورده می‌باشد.

۱. این بزرگواران جزء ۳۰ نفر یاران امام هستند.

به نزدیکی چادر رسیده و ایستادیم یکی از آن‌ها برای شرفیاب شدن من به محضر مقدس امام و کسب اذن داخل چادر شد من سخنان او با امام را می‌شنیدم و شنیدم که آن حضرت فرمود: رُدّوه فانه رجل صابونی، او را برگردانید زیرا او دلبسته صابون‌های خویش است...^۱

۱۷

توفیق حضور در جمع خادمان امام عصر علیه السلام حاصل شد^۲

یکی از دوستان نقل می‌فرمود:

در نزدیکی مسجد جمکران در قم باغ اناری وجود داشت که صاحب آن مردی نورانی بود به نام آقای حسین مظلوم^۳ اینجانب مطلع شده بودم که حاج آقای مظلوم با حضرت ولی عصر علیه السلام ارتباط دارد لذا به باغ ایشان رفت‌وآمد داشتیم.

در این باغ همیشه شخصی داخل یکی از اتاق‌های این باغ زندگی می‌کرد به نام شیخ ابراهیم او همیشه روزه و مشغول کار خود بود و با مراجعین به باغ آقای مظلوم کاری نداشت او بر اثر ریاضت لاغر شده بود خیلی کم حرف و دارای قدی بلند بود^۴ و حدود ۳۰ سال سن داشت پیشانی او بر اثر سجده‌های طولانی پینه بسته بود (چهره او هنوز نیز در خاطر من است).

شیخ ابراهیم در آنجا زندگی می‌کرد در اتاقش وسایل بسیار مختصری مثل پارچ آب و گلیمی... وجود داشت. گاهی اوقات که خدمت آقای مظلوم می‌رفتم از پشت پنجره نیز سری به شیخ ابراهیم می‌زدم او را بیشتر اوقات مشغول عبادت می‌یافتم.

۱. العیقری الحسان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲. عارف بزرگ مرحوم شیخ جعفر مجتهدی نیز بنا به نقل در کتاب *لاله‌ای اثر ملکوت* در یک جریانی که خود ایشان تعریف کرده بودند در جمع آن ۳۰ نفر یاران امام عصر علیه السلام یک بار حضور یافته بودند.

۳. در این کتاب مختصری از ارتباطات این مرد بزرگ که مکرر خدمت امام عصر علیه السلام مشرف شده بود مطالبی آورده شده است متأسفانه این مرد عزیز چند سالی است که به دیار باقی شتافته.

۴. زندگی شیخ ابراهیم در آن باغ مربوط به اوایل انقلاب اسلامی می‌باشد.

یک روز وارد باغ^۱ شدم دیدم حاج حسین مظلوم گریه می‌کند و شدیداً منقلب شد.

به او عرض کردم: چه شده؟ شما چرا اینقدر ناراحتید؟
فرمود: شیخ ابراهیم رفت پیش حضرت ولی عصر علیه السلام و جزء آن سی نفر خادم امام عصر علیه السلام شد...

سپس آقای مظلوم ادامه داد: من می‌دانستم شیخ ابراهیم با ولی عصر علیه السلام ارتباط دارد ولی نمی‌دانستم اینقدر ارتباط دارد که بتواند جزء آن سی نفر درآید...

سپس ادامه فرمود: روزی شیخ ابراهیم آمد به من گفت: آقای مظلوم امام زمان علیه السلام فرمودند به من پنج تومان (۵۰ ریال) بده!
ایشان فرمود: من از شیخ ابراهیم پرسیدم شما امام را کجا دیدی و در کجا این دستور را فرمودند؟

شیخ ابراهیم به من گفت: من داشتم می‌آمدم اینجا (به باغ شما) نزدیک نانوائی باغ شما صاحب نانوائی ۵ تومان به من پول بخشید و من گذاشتم جیبم.

وقتی از نانوائی خارج شدم حضرت صاحب الامر علیه السلام را دیدم که فرمود: شیخ ابراهیم چرا از او پول گرفتی؟
برو سریعاً پول او را پس بده.

من نیز دستور آقا را علیرغم استنکاف^۲ نانوایان^۳ اجراء کردم و چون نانوایان حاضر نبود پول را بگیرد پول را داخل مغازه او پرت کردم و آمدم بیرون سپس امام علیه السلام به من فرمود: هر وقت پول خواستی به من بگو تا بگویم از حاج حسین مظلوم بگیری.

شیخ ابراهیم به امام عرض می‌کند: آقا جان من الان پول نیاز دارم.

۱. این باغ در مسیر جاده جمکران از طرف یزدانشهر در شهر مقدس قم می‌باشد.
۲. شیخ ابراهیم برای آقای مظلوم نقل کرده بود که یکبار رفتم پول را بدهم صاحب مغازه نگرفت برگشتم دوباره امام عصر علیه السلام را دیدم، حضرت فرمودند: مگر نگفتم برو پول او را پس بده به آقا عرض کردم: مولای من پول را نمی‌گیرد آقا فرمودند: برو پول را ببنداز در مغازه‌اش و بیا.

حضرت می‌فرمایند: برو سلام مرا به حاج حسین برسان و بگو ۵ تومان به شما بدهد.

آقای مظلوم فرمود: بعد از نقل این ماجرا من ۵ تومان به شیخ ابراهیم دادم بعد خود شخصا رفتم سراغ نانوا دیدم بله درست است ۵ تومان به شیخ ابراهیم داده بود ولی او بعدا پس داده بود.

آقای مظلوم افزود: روزی شیخ ابراهیم به من گفت: حاج حسین من گم می‌شوم و جای خوبی می‌روم...

(آقای مظلوم در حالی که گریه می‌کرد فرمود: او آخر به آرزویش رسید).

سپس ایشان افزود: روزی وارد باغ شدم دیدم شیخ ابراهیم همه چیز خود را جمع کرده و انگار چشم انتظار ورود من بود تا من وارد شدم گفت: از زحمات شما تشکر می‌کنم که راه را به من نشان دادی من دارم می‌روم و خواستم با شما خداحافظی کنم و بروم خدمت حضرت، اخیرا یکی از خدمتکاران امام از دنیا رفته و ایشان مرا انتخاب فرمودند.

من می‌روم و شما دیگر مرا نخواهید دید.

آقای مظلوم فرمود: بعد از تمام شدن کلام شیخ ابراهیم او در حالی که در مقابل من ایستاده بود دیدم دیگر نیست بعد رفتم سراغ اتاقش در باغم دیدم آن خورده اثاثیه او هم نیست...

دوست عزیزم نقل فرمود: بعدها (حدود ۲ سال بعد) از آقای مظلوم پرسیدم: از شیخ ابراهیم چه خبر دارید؟

آقای مظلوم فرمود: او را در خواب دیدم به او گفتم: شیخ ابراهیم آنجا که رفتی خوش می‌گذرد؟

شیخ ابراهیم در پاسخ به من گفت: آقای مظلوم می‌شود کسی خدمتکار مولایش باشد و جایش بد باشد...^۱

۱. به ویژگی‌های فردی شیخ ابراهیم مندرج در این متن و جناب حاج حسین مظلوم دقت شود تا راه تقرب به مولایمان برایمان روشن شود چرا که راه آنطوری است که دیگران رفته‌اند. و با دقت در زندگی این افراد است که می‌توان راه صد ساله را یک شبه رفت.

نمایندگان امام عصر علیه السلام در زمین

مرحوم حضرت آیت‌الله حائری یزدی فرزند مؤسس حوزه علمیه قم می‌فرماید:

مسلم است که در این عصر، حضرت خلیفه‌الله‌الاعظم علیه السلام، اعوان و انصاری دارند که در مواقع مقتضی، به مصالح بندگان شایسته، که صلاحیت تکمیل دارند، قیام می‌فرمایند.

داستان آقای دکتر شیخ حسن عاملی، که از داستان‌های محکم و قابل استناد است، به عنوان شاهد موضوع قید می‌گردد، آقای حاج سید عیسی جزائری، که فعلاً در خرم‌آباد می‌باشند و عالم جلیل، جناب آقای حاج شیخ محمد صدوقی [شهید محراب و امام جمعه معروف یزد] نیز سال گذشته، علی‌الظاهر به همین نحوی که می‌نگارم ذکر نمودند که دکتر شیخ گفت: در جنگ بین‌الملل اول، که علی‌الظاهر از ۱۹۱۴ الی ۱۹۱۸ میلادی طول کشیده است، دولت ایران بی‌طرف بود و داخل جنگ نبود، ولی قشونی در اختیار مجلس شورای ملی بود که نام آن ژاندارمری بود. این قشون به تیم‌های مختلف تقسیم شده و در مرزهای ایران مشغول محافظت بودند. قشونی حدود ۲ هزار نفر در کوه‌های رضاییه [ارومیه]، از تجاوز روس‌ها به ایران جلوگیری می‌کردند که رئیس آن تیپ، ماژور فضل‌الله خان بود و طبیب و جراح این قشون جناب آقای دکتر شیخ حسن عاملی بوده است. ایشان شبی در همان کوه‌های اطراف رضاییه، مشغول رسیدگی به مجروحان بوده‌اند و این که شب را اختیار کرده بودند، برای این بود که روزها بیم زد و خورد و جنگ بود، ولی در شب هر دو طرف به واسطه تاریکی از جنگ احتراز داشته‌اند. در همان پیچ و خم دره‌ها دکتر جراح می‌بیند، بر دوش ۲ نفر، مردی زخمی دراز کشیده، بدن زخمی او را جلوی دکتر زمین می‌گذارند. خود آن مرد زخمی شده به آقای دکتر می‌گوید:

تیری از طرف پشت، قسمت راست، وارد بدنم شده است. می‌خواهم این تیر را در آوری.

گفتم: این کار مشکلی است، در این شب وسایل بیشتر و مجهزتری می‌خواهد. گفت: مگر چاقو و سوزن و نخ نداری؟ گفتم: چرا، گفت: با چاقو پاره کن و پارگی را بخیه بزن. گفتم: طاقت تحمل درد نداری. گفت: دارم. دکتر می‌گوید: گفتم می‌توانی روی سنگی که در آنجا بود و حکم صندلی را داشت بنشینی؟ گفت: آری. او را روی سنگ نشانیدند و پشت او طرف من بود، من با چاقو قسمتی از پشت او را باز کردم و تیر را در آوردم. دیدم ابداناله‌ای از او بلند نشد.

من تصور کردم که قلب او ایستاده و مرده است، به طرف صورتش خم شدم، دیدم در حال حیات است و اشتغال به ذکر الهی دارد و زمین جلو روی او دارای درخشندگی می‌باشد. خیلی به نظرم عجیب آمد. مشغول بقیه کار شدم و پشت او را بخیه زدم و او را در چادر مخصوص خوابانیدم. روزها برای رسیدگی و پانسمان به چادرش می‌رفتم. فردای آن روز که رفتم، به او گفتم:

تعجب کردم از این که هیچ ناله‌ای نکردی. گفت: این طبیعی است، مگر نشینده‌ای که مولی امیرالمؤمنین تیر را در حال نماز، از بدن مبارکش بیرون می‌آوردند و ابدان اظهار تألم نمی‌فرمود؟ سرش این بود که توجه او به طور کامل متوجه حق بود و متوجه بدن خود نبود تا حس تألم نماید، و حس تألم متوقف بر توجه به بدن و محل درد است و به حمدالله این قدرت در من نیز می‌باشد.

دکتر گفت: این مرد گُرد بود در نظرم جلوه‌ای بزرگ نمود. تا آن که در همین ایام، دیده‌بان‌ها خبر دادند که قشونی از طرف روسیه رهسپار است و به طرف مرز ایران در حرکت می‌باشد، تعداد آن‌ها در حدود ۳۰ هزار نفر است. این خبر را فقط ماژور دریافت کرد و به من نیز گفت و تأکید کرد کسی از افراد مطلع نشود، زیرا ما به طور منقطع عقب نشینی می‌کنیم

بدون این که افراد مطلع از جریان حمله شوند. من هم به کسی نگفتم جز به همین مجروح که برای اصلاح جراحت و پانسمان نزد او می‌رفتم و چون مرد جلیلی بود به او گفتم.

او پس از شنیدن، توجهی کرد و گفت، آنان (روس‌ها) مراجعت می‌کنند یا الساعه مشغول مراجعت می‌باشند، من جریان را به ماژور گفتم، او گفت که این کردها مردمان دروغگویی می‌باشند و حرفشان بی‌اساس است. ولی پس از چند ساعت، دیده‌بان‌ها - که با دوربین مراقب طرف دشمن بودند - خبر دادند که آنان مراجعت کردند و به طرف مملکت خود رهسپار شدند یا اشتغال به این کار دارند.

دکتر می‌گوید: پس از مشاهده این دو کار عجیب از این مرد، به او گفتم: شما که می‌باشید؟ گفت: ما چهار نفر هستیم که از اعوان حضرت خلیفه‌الله امام زمان علیه السلام هستیم و یک نفر ما فعلاً در پاریس هست، (آقای جزایری نیز نقل کرد که یکی دیگر از آن‌ها در مراکش است) و من مأمور این حدود می‌باشم. گفتم: شما که چنین قدرتی دارید، پس تصرفی کن که دولت روس به کلی مضمحل شود. گفت: ما تا حدودی که نگذاریم کشور شیعه پایمال اجنبیان شود دستور داریم که اعمال نفوذ بکنیم و بیش از این حق نداریم. گفتم: آیا شما هم می‌میرید و آیا آلات قتل در بدن شما اثر دارد؟ گفت: بله، از این لحاظ کاملاً ما یک موجود عادی هستیم. منتها، به محض این که ما مردیم، جانشین شخص متوفی از طرف امام عصر علیه السلام معین می‌شود و کارها معطل نمی‌ماند. گفتم: پس من، اگر گلوله را از بدن شما بیرون نمی‌آوردم می‌مردید، بنابراین من حق حیات بر شما دارم، شما باید در مقابل حق مذکور پاداشی به من بدهید.

فرمود که، شما به مشهد مقدس رضوی علیه السلام می‌روید. و من در آنجا شما را خواهم دید و حق شما را ادا می‌کنم (انشاءالله).

دکتر می‌گوید: پس از مدتی به مشهد رفتم و در دستگاه جان محمدخان بودم او با قشون تهران که اوایل حکومت رضاشاه پهلوی یا هنگام سردار

سپهی او بود، در جنگ بود و من نیز جراح او بودم. شبی دنبال من فرستاد و گفت باید به فلان پاسگاه، که در چند کیلومتری شهر است، بروی و مجروحین را پانسمان کنی. شبی بارانی و سرد بود، درشکه‌ای هم برای من گرفتند و من تنها با اثاث جراحی که در کیف بود روانه شدم. در بیابان کسی نبود و هوا هم تاریک و سرد و بارانی بود، و باد سردی هم می‌آمد.

در این بین که درشکه در حال حرکت بود یک مرتبه مشاهده کردم که هوای لطیفی است و دو نفر نزدیک درشکه هستند یکی از آن‌ها همان مرد کُرد سابق الذکر بود. او با رفیقش صحبت می‌کرد و می‌گفت: ایشان آقای دکتر شیخ می‌باشند و حق حیات بر من دارند، وظیفه او این است که پس از رفتن به پاسگاه و انجام کار جراحی، شبانه به شهر مراجعت کند.

چون همین امشب قشون از تهران می‌رسد و پاسگاه را به توپ می‌بندد و باید جان محمدخان از کار برکنار شود، و او مغلوب و منکوب خواهد شد. رفیقش گفت: پس به او بگو (یعنی به دکتر بگو).

مرد کُرد گفت: او سخنان ما را می‌شنود. پس از این مذاکره وضع عوض شد و دیدم کسی در بیابان نیست و جزء باد و باران و سرما و صدای شلاق که درشکه‌چی به اسب‌ها می‌زند، چیزی مشهود و مسموع نیست. به درشکه‌چی گفتم کسی را ندیدی؟ او گفت: کدام دیوانه در این بیابان می‌آید؟! دکتر شیخ می‌گوید، من به گفته آن مرد کُرد عمل کردم و به پاسگاه نرفتم پس همان طور شد که او خبر داده بود. مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری، پس از نقل مطلب فوق نوشته‌اند: «داستان تمام شد و ممکن است در بعضی از خصوصیات این داستان که مضر به اصل مقصود نیست، زیاد و کمی شده باشد، ولی حداقل امکان مراقبت شده است، ولی اصل داستان محکم و قابل استناد است و هوالموفق»^۱.

۱. از یادداشتهای مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مرتضی حائری.

۱۹

دعا کنید

و حاج حسین مظلوم برای یکی از دوستان نقل فرموده بودند. شبی در باغ مشغول آبیاری بودم آن شب خیلی خسته بودم مقداری نشستم تا استراحت کنم بعد بروم آب جوی را هدایت کنم تا در باغ توزیع شود در همین حین خوابم رفت مقداری گذشت بیدار شدم. دیدم انتهای باغ کسی آمده است جلو رفتم دیدم وجود نازنین حضرت ولی عصر علیه السلام است. به آقا عرض ادب کردم و سر خود را بر زانوی حضرت گذاشتم و گریستم به حضرت عرض کردم: مولای من خدا کند که ظهور فرمائید و تشریف بیاورید. امام فرمود: حاج حسین من نیز دلم می‌خواهد. دعا کن.

۲۰

صراط معبود

از یکی از اولیاء خدا به نام مرحوم حاج شیخ حسین فاضلی که او نیز در فرازی از بخش‌های این کتاب به احوالات و تشریفاتش اشاره شده پرسیدیم: آیا می‌توان جزء آن ۳۰ نفر خادم حضرت ولی عصر علیه السلام شد؟ فرمود: بلی. عرض کردم چگونه؟ فرمود: انسان گناه نکند و عمل انجام دهد. سپس فرمود: (در طی این مدت ۲۵ سال که جمکران رفته‌ام) ۱۰ بار حضرت ولی عصر علیه السلام با من به منزلمان آمدند و به من می‌فرمودند: این کار را بکن و این کار را نکن باید کار را برای خدا کرد. عرض کردم: چگونه می‌توان امام خود را دید؟

فرمود: گناه نکند و جمکران زیاد برود.

۲۱

سعادت استثنایی

رسول خدا ﷺ فرمود: «طُوبَى لِمَنْ لَقِيَهُ»؛ یعنی: خوشا به حال کسی که او را (حضرت مهدی ﷺ) را ملاقات کند.^۱

۲۲

نکته

پس معلوم می‌شود با شرائطی خاص سعادت دیدار نصیب می‌شود چرا که رسول خدا ﷺ مژده آن را داده‌اند.

۲۳

ملازمان امام او را بدرقه کردند

ابن بابویه از احمد بن فارس ادیب نقل کرده که جد قبیلہ راشد از همدان که آن قبیلہ به سبب او شیعه شدند چنین گفت: در مراجعت از حج راه را گم کردم و جاده پیدا نبود با توکل به خدا روانه شدم اندکی که راه رفتم به صحرای سبز و خرم و پر گل و لاله‌ای رسیدم و قصری عالی در آن بستان دیدم. به جانب قصر رفتم دو خادم جلو در نشسته بودند سلام کردم آن‌ها گفتند: بنشین که خدا خیر عظیمی نصیب تو کرده است که به اینجا آورده شده‌ای.

یکی از خادم‌ها^۲ داخل شد و بعد از اندک زمانی بیرون آمد و گفت: برخیز داخل شو چون داخل شدم جوانی را دیدم که در میان خانه نشسته و شمشیری در نزدیکی سر او از سقف آویخته بود سلام کردم با نهایت ملاحظت جواب فرمود: و گفت می‌دانی من کیستم؟ گفتم: نه به خدا. فرمود: منم قائم آل محمد ﷺ آنکه در آخر الزمان با این شمشیر خروج می‌کند و زمین را پر از عدالت و راستی می‌کنم بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد...

۱. کمال‌الدین، ص ۲۶۸.

۲. این‌ها خادمان ۳۰ نفری در عصر غیبت کبری هستند.

فرمود: می‌خواهی نزد اهل خود برگردی؟ عرض کردم: بلی ای سید من می‌خواهم آن‌ها را بشارت دهم به این سعادت که نصیب من شده است. آن حضرت اشاره به خادم کردند و کیسه زری به من دادند و خادم با من روانه شد کمی که راه آمدم عمارت‌ها و مناره مسجد پیدا شد خادم گفت: این شهر را می‌شناسی؟ گفتم: نزدیک شهر ما شهری است که به آن اسدآباد (همدان) می‌گویند. گفت: اینجا همانجا است این را گفت و ناپدید شد و من چون به همدان رسیدم خویشانم را جمع کردم و آن سعادت را که نصیبم شده بود برای ایشان گفتم و ...^۱

۲۴

همدم حاضر و دانمی

امام رضا علیه السلام فرمود: خضر از آب زندگانی نوشید و از این رو زنده است و تا روزی که در صور دمیده شود نمی‌میرد او نزد ما می‌آید و سلام می‌کند و ما صدایش را می‌شنویم اما خودش را نمی‌بینیم هر جا آسمش برده شود حاضر می‌شود بنابر این هر یک از شما نام او را برد به وی سلام دهد. او هر سال در موسم حج حاضر می‌شود و تمام مناسک را به جا می‌آورد و در عرصه می‌ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می‌گوید زودا که خداوند او را انیس تنهایی قائم ما در زمان غیبتش قرار دهد و به وسیله او وی را از تنهایی به در آورد.^۲

۴۷۲

۱. منتهی‌الامال حاج‌شیخ عباس قمی، ۴۴۷/۲.

۲. کمال‌الدین، ص ۳۹۰.

بخش ۴

معرفی و صفات ۳۱۳ یار امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور



۲۵

رمز و راز سیمصد و سیزده و سابقه تاریخی آن

- ابجد اسم نرجس عدد ۳۱۳ است.

- امام صادق علیه السلام فرمود:

آن تعداد (از سپاه داود پیغمبر) یاران طالوت که آب نوشیدند و کف آبی هم برداشتند ۳۱۳ نفر بودند هنگامی که (برای جنگ) بنی اسرائیل از رود گذشتند و چشمشان به سپاه جالوت افتاد کسانی که از نهر آب نوشیده بودند گفتند: امروز ما یارای مقابله و جنگ با جالوت و سپاه او را نداریم. و کسانی که آب نیاشامیده بودند گفتند: پروردگارا به دل‌های ما شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار بدار... در این هنگام داود علیه السلام جلو آمد تا آن که رو به روی جالوت ایستاد...^۱ سپس او را کشت.

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۲.

«ان الله مبتليكم بنهر» این آیه شریفه درباره امتحان یاران داود علیه السلام می‌باشد که از نهر آبی عبور کردند و قرار بود کسی از این نهر آبی ننوشد یا به اندازه کف دستی آب بردارد.

- پیامبر خدا ﷺ در پاسخ به سؤال ابوذر که از تعداد پیامبران پرسید فرمود: یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر (ابوذر می‌گوید) عرض کردم: از آن‌ها چه تعداد مرسل بودند؟

پیامبر فرمود: خیلی زیاد، سیصد و سیزده نفر...^۱

- در روایتی دیگر پیامبر اکرم ﷺ فرمود: پیامبران یکصد و بیست و چهار هزارند و انبیای مرسل سیصد و سیزده نفر و آدم پیامبری بود که با او سخن گفته شد.^۲

- در جنگ بدر نیز مسلمانان ۳۱۳ نفر بودند بعدد یاران طالوت که به جنگ با جالوت رفتند و با او از نهر آب گذشتند.

- امام باقر علیه السلام می‌فرماید: همانا قائم از راه کوه ذی طوی با ۳۱۳ مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود می‌آید.

تا این که به حجرالاسود تکیه داده پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله را بر می‌افرازد.

علی بن حمزه گفت: این مطلب را در حضور امام کاظم علیه السلام عرض کردم: امام فرمود: نوشته‌ای است گشوده.^۳

۲۶

یک شبه از راه می‌رسند

علی علیه السلام سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید: به خدا سوگند من آن‌ها را به نام خودشان و پدران و قبیله و لباس و سلاحشان می‌شناسم و محل منزل و مقام آن‌ها را می‌دانم آن‌ها از میان بستر و قبیله‌شان ربوده شده و در یک شبانه روز به مکه می‌رسند و این زمانی است که صدای جبرئیل شنیده شود در حالی که امر خدا در آن ظاهر خواهد شد و آن‌ها قضاوت و فرمانروایان مردم می‌باشند...

بعد امیرالمؤمنین می‌فرماید: پدر و مادرم فدای گروهی که نامشان در آسمان شناخته شده است ولی در زمین گمنام هستند. آنان گروهی هستند

۱. خصال، ۵۲۴.

۲. کنز العمال، ج ۳۲۲۷۶.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

که با صبر خود به خدا منت نمی‌گذارند و فدا کردن جان خود در راه حق را بزرگ نمی‌شمارند... اگر تصمیم بگیرند کوهها را از جای خود بکنند این کار را می‌کنند.

۲۷

یاران بدری

در روایتی از عامه آمده: که یاران مهدی تعدادشان به عدد اهل بدر بوده^۱ و بر آنها شمشیرهاست و بر هر شمشیری کلمه‌ای نوشته شده که کلید هزار کلمه است.^۲

۲۸

اصحاب امام مهدی علیه السلام در قرآن (۳۱۳ نفر)

ابوبصیر می‌گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: «اینکه لوط علیه السلام به قومش گفت: «لو ان لی بکم قوة اوای

الی رکن شدید».^۳

چیزی جز آرزوی داشتن نیروی حضرت قائم و تکیه به قدرت یاران آن حضرت نبود به هر مردی از یاران امام علیه السلام نیروی چهل مرد داده شده و دلشان از پاره‌های آهن محکمتر و قویتر است اگر از کوهها عبور کنند کوهها از هم می‌پاشند تا خداوند عزوجل راضی نشود شمشیرهایشان را غلاف نخواهند کرد.^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۶.

۳. هود / ۸۰ - ای کاش در برابر شما نیرویی داشتم یا به شخص قابل اعتماد و قدرتمندی پناه می‌بردم.

۴. اثبات الهداة، ج ۵۳، ص ۴۹۴، روایت ۲۴۹.

در آسمان حرکت می‌کنند

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیه «واینما تکنوا یات بکم الله جمیعا»^۱

درباره آن عده از اصحاب امام قائم علیه السلام که غایب هستند نازل شده است که ناگاه شب هنگام از بسترهایشان غایب می‌شوند و صبح در مکه هستند بعضی از آن‌ها در میان ابر حرکت می‌کنند اسم آن‌ها، نام پدرشان و سیما و قیافه و نسبشان شناخته می‌شود.

مفضل می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم، ایمان کدام یک از آن‌ها قویتر است؟

فرمود: آنکه روز در میان ابر حرکت می‌کند.^۲

صحیفهای نورانی

امام جواد از پدراناش و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده و چنین فرموده است که با قائم (همراه قائم) صحیفه سر به مهریست که عدد اصحاب او با نام و نام شهر، طبیعت، سلاح، لباس و کنیه آن‌ها نوشته شده است.

امت معدوده در قرآن کیانند؟

«اگر عذاب را تا امت معدوده از آن‌ها دور کنیم گویند چه چیز آن را باز می‌دارد»^۳

حضرت علی علیه السلام درباره آیه فوق می‌فرمایند: مراد از امت معدوده یاران ۳۱۳ نفری قائم علیه السلام می‌باشد.^۴

۱. بقره / ۱۴۸ - هر جا که باشید همه شما را گرد هم می‌آورد.

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۹۳، روایت ۲۴۶.

۳. هود / ۸.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۳۲

شمشیر برگزیده

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که قائم ما قیام کند شمشیرهایی از آسمان فرود می‌آید که خصوصیاتشان آن است که نام جنگجو و نام پدرش با قلم قدرت روی لبه آن‌ها نوشته شده است.^۵

۳۳

تلفن همراه و موبایل

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:
چون قائم قیام کند در هر منطقه‌ای از مناطق زمین مردی را (به عنوان نماینده) می‌فرستد و می‌گوید دستور العمل تو در کف دست توست چنانچه امری برایت پیش آمد که آن را نفهمیدی و حکمش را نداشتی به کف دست خود نگاه کن و بر طبق آنچه در آن است عمل نما.^۶

۳۴

ذکر یاران امام در قرآن کریم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یاران صاحب‌الامر برای او محفوظ هستند حتی اگر تمام مردم از بین بروند خداوند یاران مهدی علیه السلام را نزد او می‌آورد و خدای سبحان در شأن آن‌ها فرمود: «اگر به آن کفر بورزند ما گروهی را بر این امر می‌گماریم که به آن کفر نمی‌ورزند».

و نیز در حقشان فرمود: «به زودی خداوند گروهی را جایگزین آنان می‌کند که وی آن‌ها را دوست می‌دارد و آن‌ها نیز دوستدار وی هستند آنان نسبت به مؤمنان متواضع بوده و در مقابل کافران سرسخت‌اند.^۷

۵. روزگار رهایی، ص ۴۳۰.

۶. غیبت نعمانی، ص ۳۱۹. (از این روایت می‌فهمیم که اولاً امام عصر علیه السلام از تکنولوژی روز استفاده می‌نماید و در ثانی متوجه می‌شویم که نزدیک عصر ظهور واقع شده‌ایم چرا که این روایت دلالت بر وجود تلفن همراه می‌نماید).

۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰.

۳۵

آزمایش یاران

امام صادق علیه السلام فرمود: یاران موسی به جویباری گرفتار شده و مورد آزمایش قرار گرفتند و این قول خدای بزرگ است که فرمود: «ان الله مبتليکم بنهر» البته یاران قائم نیز در معرض چنین آزمایشی قرار خواهند گرفت.^۱

۳۶

اسم و مشخصات ۳۱۳ نفر

در کتاب «یاتی علی الناس زمان» آمده که ابوبصیر خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیا امیرالمؤمنین علیه السلام به منزلهای اصحاب قائم علیهم السلام و عدد آنها علم دارد؟ حضرت فرمود: بلی...

عرض کرد: فدایت شوم آنچه را امیرالمؤمنین علیه السلام می داند امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هم می داند و آنچه را آن بزرگواران می دانند علمش به شما رسیده.

آنگاه عرض کرد: پس شما هم به ما (اسامی و تعداد یاران امام مهدی علیه السلام) را خبر دهید.^۲

حضرت فرمود: روز جمعه بعد از نماز نزد من بیا.

ابوبصیر می گوید: روز جمعه نزد حضرت وارد شدم امام به مردی فرمود: برای او بنویس (بسم الله الرحمن الرحيم) این مطلبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله املا فرمود برای علی امیرالمؤمنین علیه السلام و به او سپرد که در آن نامهای اصحاب قائم علیهم السلام و عده دیگری که به آن حضرت ملحق می شوند از رختخوابشان و سیر می کنند به سوی مکه در یک شب...

(از ۳۱۳ نفر صرفا اسامی یاران ایرانی امام آورده می شود).

آمل: ۱ نفر.

ابهر: ۱ نفر.

اردبیل: ۱ نفر.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۲. این اسامی در خطبه البیان امام علی علیه السلام و در کتاب الزام الناصب نیز آمده است.

اصفهان: ۴ نفر بنامهای موسی و علی و عبدالله و غلفان.

اهواز: ۲ نفر بنامهای عیسی بن تمام و جعفر بن سعید که کور است و بینا می شود.

باب الابواب: ۱ نفر به نام جعفر بن عبدالرحمان (باب الابواب شهریست در کنار دریای خزر).

بروجرد: ۱ نفر.

بردغه: ۱ نفر (سرزمینی است در انتهای آذربایجان و بعضی گفته اند خود آذربایجان است).

جابروان: ۳ نفر (شهریست در آذربایجان نزدیک تبریز).

جرجان: ۱۲ نفر احمد بن هارون - وزاره بن جعفر - حسین بن علی بن مطر -

حمید بن نافع - محمد بن خالد - علاء بن حمید بن جعفر بن حمید - ابراهیم بن اسحاق -

علی بن علقمه بن محمود - سلمان بن یعقوب - شعبه بن علی - موسی بن کردویه ...

(جرجان یعنی گرگان که بین طبرستان و خراسان است).

خراسان: ۲ نفر به نام تکیه و مسئون.

خونج: ۲ نفر به نام محروز و نوح (قریه ایست میان مراغه و زنجان).

خوی: ۱ نفر.

دامغان: ۱ نفر.

دورق: ۱ نفر بنام عبدالغفور (شهریست در خوزستان).

دینور: ۲ نفر بنام عبدالله و عبدالصمد (شهریست بین کرمانشاه و همدان).

ذهاب: ۱ نفر بنام حسین (شهریست بین کرمانشاه و قصر شیرین).

ری: ۷ نفر علی بن جعفر، عثمان بن علی، مسکان بن جبله، کردین بن شیبان،

حمدان بن کر، سلیمان بن دیلمی و ...

زوراء: ۱۰ نفر (زوراء در اخبار وارد شده هم به بغداد و هم به تهران گفته شده

است).

ساوه: ۱ نفر.

سبزوار: ۳ نفر.

سجستان: ۳ نفر خلیل بن نصر، ترک بن شبه، ابراهیم بن علی.

سرخس: ۲ نفر ناجیه و حفص.
 سلماس: ۱ نفر هارون.
 سوس: ۲ نفر شیبان و عبدالوهاب (سوس معرب شوش است که در خوزستان است).
 شرخیس: ۲ نفر ناجیه و حفص (ممکن است همان سرخس باشد).
 شیراز: ۴ نفر عبدالله و صالح و جعفر و ابراهیم.
 صامغان: ۲ نفر (صامغان شهریست در حدود طبرستان، گرگان).
 طالقان: ۲۴ نفر صالح، جعفر، یحیی، هود، فالح، داود، جمیل، فضیل، عیسی، جابر، خالد، علوان، عبدالله، ایوب، ملاعب، عمر، عبدالعزیز، لقمان، سعد، قبضه، مهاجر، عبدون، عبدالرحمن و علی.
 طبرستان: ۴ نفر بهرام بن علی، عباس بن هاشم، عبدالله بن یحیی، حرشام بن کُردم.
 طوس: ۴ نفر شهردین حمران، موسی بن مهدی، سلیمان بن طلیق ازواء، علی بن سندی صیرفی.
 قاشان: ۱ نفر حصین (کاشان است).
 قرمیس: ۱ نفر (در اطراف کرمانشاه است).
 قزوین: ۸ نفر هارون، عبدالله، جعفر، صالح، عمر، لیث، علی و محمد.
 قم: ۱۸ نفر (در روایتی دیگر قم ۱۰ نفر ذکر شده که تمامی اسم‌های آن‌ها طبق اسم‌های اهل بیت رسول خدا ﷺ است).
 کرمان: ۱ نفر، عبدالله.
 مداغه: ۱ نفر، صدقه (مراغه است).
 نهاوند: ۱ نفر، عبدالرزاق.
 نیسابور: ۱۸ نفر سمعان بن فاخر، ابراهیم بن یوسف، مالک بن حرب محمد بن حماد، جعفر بن طرفان... (نیسابور همان نیشابور است).
 وهان: ۱ نفر حسین (از نواحی اصفهان است به نام سمیرم).
 همدان: ۳ نفر جعفر، اسحاق، موسی.
 درباره اسامی و یاران امام عصر ﷺ در منابع زیادی به اسامی آن‌ها اشاره

شده که احتمال این که این اسامی به رمز و کنایه باشد بدیهی به نظر می‌رسد لذا در این فرصت به فهرست منابع و مأخذهایی که اسامی مذکور در آن‌ها آمده اشاره می‌شود.^۱

۳۷

یاران غیرایرانی امام عصر (ع)

بقیه یاران امام عصر (ع) از سایر بلاد و کشورها هستند که به اسامی بعضی از شهرهای آن اشاره می‌شود.

بصره، اسوان مصر، اسکندریه، فرانسه، قلمز از طرف شام، انباردر عراق، بارود در فلسطین، باغه در اندلس، بحرین، برقه در افریقا، بعلبک در لبنان، بغداد، بلقاء در اردن، بیت المقدس، بوسیخ در افغانستان، بلخ، تفلیس، حبشه، حلب، دکار، زمله در فلسطین، ربذه در عربستان، رهاط در نزدیکی مکه، زبید در یمن، سامراء، سمرقند، جزیره سیلان، صورو صیدا، صنعا در یمن، عدن، طرابلس، غزه، عمان، عسقلان در فلسطین، عقر در نزدیکی کربلا، غور، قادسیه، کوفه، قیروان، قوص در مصر، کرخ در بغداد و مدائن، مدینه، لنجویه در افریقا، نجف، موصل، یمامه، یافا در فلسطین، هجر در بحرین، هرات، و ...

۳۸

ویژگی یاران امام عصر در روایات

اصبغ بن نباته می‌گوید: امیرالمؤمنین (ع) خطبه‌ای خواند و از خروج مهدی (ع) و یاران او نام برد ابو خالد حلبی عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! اوصاف مهدی (ع) را برای ما بیان فرما؟
آن حضرت فرمود:

مهدی (ع) از نظر خلقت و اخلاق و نیکویی شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.

۱. ملاحم سید بن طاووس، ص ۱۴۷ و ۲۰۳ و ۱۴۶ و ۲۰۲ و ۱۴۶.

دلائل الامامه، ص ۳۱۷ و ۳۱۶ و ۳۱۸ و ۳۱۴ و ۳۱۵.

الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۱ و ۲۰۳ و ۲۰۲.

نوائب الدهور، ج ۲، ص ۱۲۰ و ۱۱۶.

آیا می‌خواهید شما را از یاران او و نام‌های ایشان آگاه نمایم.
عرض کردند: آری یا امیرالمؤمنین.
حضرت فرمود: از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: اول آن‌ها از بصره و
آخر آن‌ها از یمامه خواهد بود.

و آنگاه آن حضرت عدد اصحاب قائم ﷺ را برشمرد و مردم هم می‌نوشتند
تا این که فرمود: پیامبر ﷺ آن‌ها را برای من شماره فرمود تا اینکه مطابق
عدد اصحاب بدر ۳۱۳ نفر شدند سپس فرمود: خداوند آن‌ها را از مشرق و
مغرب زمین به یک چشم بهم‌زدن نزد خانه کعبه جمع می‌کند...
بعد ناگهان آن مردی که خُلُقاً و خَلَقاً و جمالاً شبیه‌ترین مردم به
رسول خدا ﷺ است از پشت پرده کعبه بیرون می‌آید و نزد آن‌ها می‌رود و
آن‌ها می‌گویند آیا تو مهدی موعود هستی؟ و او می‌گوید: آری من همان
مهدی موعود هستم، آنگاه آن حضرت به آن‌ها می‌فرماید:
درباره ۴۰ خصلت با من بیعت کنید و راجع به ده خصلت با من شرط
نمایید.

احنف پرسید: مولای من آن خصلتها کدامند؟ علی ﷺ فرمود: آن‌ها با آن
حضرت بیعت می‌کنند که دزدی نکنند، زنا نکنند، کسی را به ناحق نکشند،
هتک حرمت محترمی را نمایند، به مسلمانی فحش ندهند، و به منزل کسی
هجوم نبرند..

و کسی را به غیر حق نزنند، خود را به وسیله (طلا) زینت نکنند، لباس
(خَزْ) نپوشند، لباس (حریر) در بر نکنند، نعلین‌های (صراره) نپوشند، مسجدی
را خراب نکنند، راه را بر کسی نبندند، در حق یتیمی ظلم روا ندارند راهی را
خوفناک نسازند، مکر و حيله نمایند، مال یتیم را نخورند، هم جنس بازی
نکنند، شراب نخورند، به امانت خیانت نکنند، خلف وعده نمایند، گندم و
جو را احتکار نکنند، کسی را که به آن‌ها پناه می‌برند به قتل نرسانند،
شکست خورده در جنگ را تعقیب نمایند، خونی را (به ناحق) نریزند، به
کشتن شخصی که در جنگ مجروح شده اقدام نمایند، لباس زبر و خشن
بپوشند، خاک را متکای خود قرار دهند، نان جو بخورند، به چیز کم راضی

باشند، برای خدا آنطور که شایسته است جهاد نمایند، بوی خوش ببینند و از نجاست دوری کنند...

سپس آن حضرت هم با آنها شرط می‌کند که معاشر و ملازمی برای خود انتخاب نکنند هر وقت آنها راه بروند و هر جا که آنها بخواهند او هم با آنها برود به چیز کم قانع باشد زمین را به یاری خدا پر از عدل و داد نماید آنطور که پراز ظلم و جور شده باشد خدا را آنگونه که شاید و باید عبادت کند....

آنگاه با لشکریان و سپاهیان خود حرکت می‌کند تا اینکه (وادی فتنه‌ها) را پشت سر می‌گذارد.^۱

۳۹

گنج‌های پنهان

علی علیه السلام می‌فرماید: «بخ یخ للطاقان فان لله تعالی کنوز لیست من ذهب ولافضة و لكن بما رجال مومنون عرفو الله حق معرفته و هم ایضا انصار المهدي فی آخرالزمان».

خوشا به حال طالقان که خدای بزرگ در آن گنج‌های نهفته دارد برتر از طلا و نقره آن گنج‌ها مردانی مؤمنند که خدای را به شایستگی شناخته‌اند آنان یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمان هستند.^۲

۴۰

مانند ابرهای پاییزی می‌آیند

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: سوگند به خدا سید و اندی مرد می‌آیند که در میانشان ۵۰ نفر زن هستند در مکه اجتماع می‌کنند بی‌آنکه قبلاً وعده داده باشند آمدنشان مانند ابرهای پاییزی است.^۳

و در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: که با حضرت قائم علیه السلام سیزده زن همراه است.

۱. الملاحم و الفتن، ص ۱۴۵ تا ۱۵۰.

۲. ینابیع المودة، ۴۴۹. در ایران دو منطقه بنام طالقان وجود دارد یکی در نزدیکی تهران و دیگری در استان خراسان می‌باشد شاید طالقان در استان خراسان با توجه به خروج خراسانی مورد خطاب روایت باشد.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۴۱

جوانمردان بی‌مثال

امام علی علیه السلام: «اصحاب المهدی شباب لاکهول فیهم الامثل کحل العین و الملح فی الزاد و اقل الزاد الملح». یاران مهدی جوان‌اند و پیر در میان آنان نیست مگر به اندازه سرمه در چشم و نمک در توشه (غذا) و کمترین چیزی که در توشه است نمک است.^۱

۴۲

وزیران ایرانی

در روایت آمده: که وزیران حضرت مهدی علیه السلام همه عجم هستند و در میان آنها حتی یک نفر هم عرب نیست ولی آنها به عربی سخن می‌گویند و آنها خالص‌ترین و برترین وزیران هستند.^۲ ۱۱۳ نفر از یاران امام مهدی علیه السلام ایرانی هستند.

۴۳

۹۲ ماه حکومت قبل از ظهور

فرمانده کل لشکر امام عصر علیه السلام یکی از سادات اهل خراسان است که با رمز و نام شعیب بن صالح در روایت به آن اشاره شده او با سپاهیانش سفیانی را شکست می‌دهد و پس از آنکه نود و دوم ماه حکومت می‌کند در بیت المقدس به حضور امام زمان علیه السلام می‌رسد و به همراه یارانش با امام بیعت می‌کند.^۳

۱. غیبت طوسی، ص ۴۷۶.

در اینجا حضرت تعداد پیرمردان یاران امام به کمی سرمه‌ای که در چشم می‌کشند و مقدار نمک کمی که در غذا استفاده می‌شود تشبیه فرموده‌اند.

۲. ینابیع المودة، ج ۳، ص ۱۳۳.

۳. الملاحم و الفتن، ج ۱، ص ۳. در بعضی از روایات حکومت او ۷۲ ماه نیز آمده است.

مایه فخر زمین

جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که درباره اصحاب امام مهدی علیه السلام فرمود: گویی می‌بینم که یاران امام عصر علیه السلام را که جهان را محاصره کرده‌اند و همه موجودات مطیع و فرمانبردار آنها هستند حتی درندگان صحرا و پرندگان درنده و موجودات مختلف عالم فقط خشنودی آنها را می‌خواهند حتی بعضی از نقاط زمین مباحثات می‌کند بر بعضی دیگر و می‌گوید: امروز یکی از یاران قائم علیه السلام بر روی من عبور کرد.^۱

شکست هفت پرچم در مصادف با لشکریان امام

امام علی علیه السلام می‌فرماید: او با تعداد دوازده هزار تن حداقل و پانزده هزار تن حداکثر خروج می‌کند ترس و وحشت پیشاپیش او (بدل دشمنان) راه می‌یابد هر دشمنی که با وی برخورد کند به فرمان خدا، او را از پای درآورد شعار آنان بمیران بمیران می‌باشد و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری باک و هراس ندارند.

در این وقت هفت لشکر از شام به سوی آنها هجوم آورند که امام علیه السلام جملگی آنها را شکست داده و آنها را به اسارت خویش درآورد و محبت و نعمت و قاصه و بزاره آنها به مسلمانان باز گردد و پس از آنان جز خروج دجال حادثه‌ای باقی نمی‌ماند.

پرسیدند: قاصه و بزاره چیست؟ فرمود: امام زمان حکومت را به دست می‌گیرد به گونه‌ای که کسی هرچه خواهد بگوید و از چیزی نهراسد.^۲

۱. الامامة و التبصرة، ص ۱۳۱.

۲. ابن حماد، نسخه خطی، ص ۹۶.

فصل تابستان فصل ظهور امام عصر

قال ابو عبد الله: «بينا شباب الشيعة على ظهور سطوحهم نيام اذ توافوا الى صاحبهم في ليلة واحدة على غير معاد فيصيحون بمكة»^۱
 امام صادق فرمود:

جوانان شیعه بر پشت بام‌ها خوابند که ناگهان یک شب بدون وعده قبلی به سوی امام عصر حرکت می‌کنند و صبح خود را در مکه برگرد آن حضرت می‌یابند.^۲

کلماتی جامع

آیت‌الله طهرانی از علامه طباطبائی سؤال می‌کند:
 راجع به حضرت قائم آل محمد حضرت حجة بن الحسن العسگری ارواحنا فداه - و کیفیت ظهورش - از مرحوم قاضی - رحمة الله عليه - چیزی به خاطر دارید؟
 علامه فرمودند: در روایت است که چون حضرت قائم ظهور کنند اول دعوت خود را از مکه آغاز می‌کنند.
 بدین طریق که بین «رکن» و «مقام» پشت به کعبه نموده و اعلان می‌فرمایند و از خواص آن حضرت سیصد و شصت نفر در حضور آن حضرت مجتمع می‌گردند.

مرحوم استاد ما قاضی - رحمة الله عليه - می‌فرمود که:
 در این حال حضرت به آن‌ها مطلبی می‌گویند که همه آن‌ها در اقطار عالم متفرق و منتشر می‌گردند و چون همه آن‌ها دارای طی الارض هستند تمام عالم را تفحص می‌کنند و می‌فهمند که غیر از آن حضرت کسی دارای

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، حدیث ۱۵۹، ص ۳۷۰، به نقل از غیبت نعمانی.

۲. بیشتر ایرانیان در فصل تابستان در پشت بامها می‌خوابند از این روایت نیز می‌فهمیم که ظهور امام در بین فصلها در فصل تابستان است. و دلالت دوم آن این که اکثر یاران امام ایرانی هستند از این روایت هم می‌توان آن را فهمید.

مقام ولایت مطلقه الهیه و مأمور به ظهور و قیام و حاوی همه گنجینه‌های اسرار الهی و صاحب الامر نیست.

در این حال همه به مکه مراجعت می‌کنند و تسلیم آن حضرت می‌شوند و بیعت می‌نمایند.

مرحوم قاضی - رضوان الله علیه - می‌فرمود: من می‌دانم آن کلمه‌ای را که حضرت به آن‌ها می‌فرماید و همه از دور آن حضرت متفرق می‌شوند چیست؟

و من در روایت دیده‌ام که حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: من آن کلمه را می‌دانم.^۱

۴۸

حضور یاران امام در مکه

در روایت است که: خداوند در یک شب آن‌ها (۳۱۳ نفر) را در مکه جمع می‌کند و آن شب جمعه است آن شب را در مسجدالحرام به سر می‌برند حتی یک نفرشان تخلف نمی‌کند بعد در مکه به جستجوی منزل می‌پردازند تا در آن سکونت نمایند اهل مکه آن‌ها را نمی‌شناسند زیرا می‌دانند قافله‌ای از شهرها برای حج و عمره و یا تجارت وارد نشده است اهل مکه به هم می‌گویند امروز گروهی غریب و ناشناس دیدیم که پیش از این هرگز آن‌ها نبودند و آنان اهل یک شهر نیستند...

در همین هنگام مردی از بنی مخزوم پابه گردن مردم گذاشته^۲ پیش می‌آید و می‌گوید: دیشب خواب شگفت‌آوری دیدم که می‌ترسم و قلبم وحشت زده است، به او می‌گویند با ما حرکت کن تا نزد فلان ثقفی برویم (برای تعبیر خواب).

مخزومی می‌گوید: ابری دیدم که از طرف آسمان به طرف زمین می‌آید تا آنکه به طرف مکه سرازیر شد و آن شهر را دور زد و در میان آن ملخی

۱. مه‌رتابان، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۲. یعنی از بین صفوف مردمی که نشسته‌اند عبور می‌کنند.

بود دارای بالهای سبز رنگ آنقدر که خدا بخواهد کعبه را طواف کرد بعد به پرواز درآمده به راست و چپ پرواز کرد و به هر شهری که گذر کرد آن را سوزانید...

تقفی خواب را چنین تعبیر می‌کند: لشکری از لشکرهای خدا در شب گذشته به سوی شما آمد که شما در مقابل آن نیروی مقاومت ندارید...

۴۹

تعهد و میثاق یاران امام زمان ع درباره ۴۰ نکته

در روایت است که حضرت ولی عصر ع قبل از اینکه ظهور نمایند از کلیه اصحاب خود ۴۰ مورد را تعهد می‌گیرد و از آن‌ها می‌خواهد که این ۴۰ مورد را رعایت نمایند آن‌ها عبارتند از: «بیايعون علی ان لايسرقوا ولايزنوا ولايسبوا مسلما، ولايقتلوا محرما، ولايهتكوا حرما محرما، ولايهجموا منزلا، ولايضربوا احدا الا بالحق، ولايكنزوا ذهبا ولافضة ولابرا، ولاشعيرا ولاياكلوا مال اليتيم، ولايشهدوا مالا يعلمون، ولايخربوا مسجدا، ولايشربوا مسكرا، ولايلبسوا الخزولا والحريير، ولايتمنطقوا بالذهب، ولايقطعوا طريقا، ولايخيفوا سييلا، ولايفسقوا بغيلا، ولايجسوا طعاما من بر ولاشعير، ويرضون بالقليل...، ويكروهون النجاسة، ويامرون بالمعروف وينهون عن المنكر، و يلبسون الخشن من الثياب، ويتوسدون التراب على الخدود، ويجاهدون في الله حق جهاده... ويشترط على نفسه لهم: ان يمشي حيث يمشون و يلبس كما يلبسون، و يركب كما يركبون، و يكون من حيث يريدون، و يرضى بالقليل، ويملا الارض بعون الله عدلا كما ملئت جورا، يعبدالله حق عبادته، ولاياخذ حاجبا ولاثوابا».

امیرالمؤمنین ع در این حدیث می‌فرماید: پیروان آن حضرت با او بیعت می‌کنند که دزدی نکنند، زنانکنند، مسلمانی را اسیر نکنند، احرام پوشی را نکشند، حریمی را که خداوند حرمتش واجب دانسته هتک نمایند، بر منزلی یورش نبرند، کسی را جز به حق نزنند، طلا و نقره‌ای را نیندوزند، گندم و جوی را احتکار نکنند، اموال یتیمان را نخورند، به آنچه نمی‌دانند، شهادت ندهند، مسجدی را ویران نسازند، مایع سُکری نیاشامند، لباس دیبا و حریری را نپوشند، لباس زرین در برنکنند، راه را بر مردم نبندند، راهی را ترسناک نسازند، لواط نکنند، غذایی را که از گندم و جو درست شده، احتکار نمایند، با اندکی بسازند، از نجاست و پلیدی دوری جویند، به معروف امر کنند و از

منکر باز دارند، لباسهای خشن دربر کنند، خاک را بالش و تکیه‌گاه خود قرار دهند، و در راه خدا، به حق و حقیقت، جهاد و پیکار نمایند. و آن حضرت نیز به آنها قول بدهد که: راه برود همانگونه که آنها می‌روند، و بپوشد همان که آنها بپوشند، و سوار شود همانطور که آنان سوار شوند، و با آنها باشد هر گونه که بخواهند، و با اندکی، راضی و قانع باشد و با یاری و عنایت پروردگار، زمین را پر از عدل و داد کند، پس از آنکه پر از ظلم و ستم شده باشد، و خدا را به بهترین وجه، عبادت و پرستش کند و برای خود، دربان و حاجبی قرار ندهد (که مردم مستقیماً و با آرامش تمام، با خود آن حضرت تماس داشته باشند و دستور را از حضرتش، بدون واسطه بگیرند).

۵۰

دل‌های موحّد و پر یقین

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رجال كان قلوبهم زبر الحديد لايشوبها شك في ذات الله اشد من الحجر لو حملوا على الجبال لازالوها».

یاران مهدی علیه السلام مردانی هستند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خدا، مردان سخت‌تر از صخره‌ها اگر به کوهها روی آورند آنها را از جای برکنند.^۱

۵۱

گروه مشمول رحمت خدا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: هر کس که دوست می‌دارد از اصحاب حضرت قائم باشد می‌بایست منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید و در حالی که منتظر باشد چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام به پاخیزد پاداش او همچون کسی است که آن حضرت را درک کرده است پس کوشش کنید و در انتظار بمانید گوارا باد بر شما ای گروه مشمول رحمت خدا.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۲.

۲. مکمل المکارم، ج ۲، ص ۴۳۷.

۵۲

تابع مشیت الهی

سیدبن طاووس رضی الله عنه می‌فرماید: به یکی از برادران گفتم اصحاب مهدی عجل الله فرجه کسانی هستند که آن بزرگوار را برای آنچه خدا می‌خواهد خواسته‌اند خواه به دنیای آنان سودمند باشد یا زیان بخش، در هر حال تابع مشیت الهی هستند.^۱

۵۳

عاشق عبادت خداوند

از ویژگی‌های مهم یاران امام عصر عجل الله فرجه آنست که عاشق عبادت خدای متعال هستند چنانچه در روایت آمده که امام باقر رضی الله عنه فرمود: «حتی اذا سعد النجف قال لاصحابه تعبدوا ليلتکم فيبيتون بين راعع و ساجد يتضرعون الى الله». یعنی: چون بر فراز نجف برآید امام مهدی عجل الله فرجه به یاران خود خطاب کند که امشب را به عبادت به روز آورید آن‌ها برخی در رکوع و برخی در سجده شب را به سحر می‌رسانند و به درگاه خدا تضرع می‌کنند.^۲ و در روایتی دیگر می‌فرماید: «گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس گشته است جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است شیران روزند و راهبان شب».^۳ و در روایتی دیگر آمده که از حیث غذا نیز کم غذا هستند و توشه غذایی آن‌ها اندک می‌باشد.

۵۴

۲۷ یار رشید

امام صادق رضی الله عنه فرمودند: برای (یاری) حضرت قائم از پشت کعبه ۲۷ مرد بیرون می‌آیند، که از آن‌ها پانزده تن از قوم موسی هستند که به حق هدایت می‌کرده و به آن باز می‌گردند. و هفت نفر از اصحاب کهف و

۱. کشف المحجبه، ص ۲۲۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۶.

یوشع بن نون وصی موسی علیه السلام و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مقداد و مالک اشتر نخعی.^۱

۵۵

مالک اشتر سرباز ولایت در عصر ظهور امام علیه السلام

برخی از اوصاف مالک اشتر که علی علیه السلام درباره او بیان فرموده است را در ذیل می‌آوریم. مالک با این اوصاف والاست که در موقع ظهور حضرت ولی عصر لیاقت رجعت را پیدا می‌کند و در رکاب حضرت ولی عصر علیه السلام نیز می‌جنگد.

۱. در روزهای ترسناک و ایام خطر به خواب نمی‌رود و هوشیار است.
۲. از دشمنان به هنگام بیم و هراس نمی‌ترسد و فرار نمی‌کند.
۳. او شمشیری از شمشیرهای خداست که تیزی و برندگی آن کند نمی‌شود.
۴. بر بدکاران و ستم پیشگان از آتش سخت‌تر است.
۵. قدرت مهار کردن دشمن را به طور کامل دارد.^۲
۶. از کسانی نیست که بیم و سستی و لغزیدن از او باشد.
۷. از کسانی نیست که در جایی که باید شتاب و سرعت داشته باشد کندی کند یا در جایی که باید کندی و تأمل کند سرعت به خرج دهد.^۳
۸. مالک از برای من چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم^۴ نقد کان

لی مثل ما کنت لرسول الله.

ابن ابی‌الحدید از شرح نهج‌البلاغه خود می‌نویسد: زنده باد مادری که همچون اشتر فرزندی بزاد اگر کسی سوگند یاد کند که در تمامی عرب و عجم خداوند مردی به دلاوری اشتر جز استادش علی بن ابیطالب نیافریده است گمان ندارم که در سوگندش گنه کار باشد چه نیکو گفته است آن

۱. تفسیر شریف لاهیجی، ص ۱۱۱، ج ۲.

۲. بندهای ۱ تا ۵ از نامه ۳۸.

۳. قسمتی از نامه ۳۴.

۴. منتهی الامال، ص ۲۵۸.

کس که گفت چه گویم درباره کسی که زندگیش اهل شام را منهزم^۱ ساخت و مرگش اهل عراق را در هم شکست. علی^{علیه السلام} می‌فرماید: با این که خود را متعهد کرده بودم که پس از مصیبت رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} در برابر هر مصیبتی شکیبیا باشم اما این از بزرگترین مصیبت‌هاست.^۲

۵۶

دوستان با صفا

امام حسن عسگری^{علیه السلام} در آخرین روزهای عمر خود از یاران امام مهدی^{علیه السلام} یاد می‌فرماید و خطاب به امام مهدی^{علیه السلام} فرمود: روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه به اهتزاز درآمده دست‌ها برای بیعت تو پی‌درپی صف کشیده‌اند دوستان با صفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های در گرانها که در رشته‌ای قرار گیرند شمع وجودت را احاطه کرده‌اند و دست‌هایشان برای بیعت با تو در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد.

مردمی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه و گرانها آفریده است دل‌هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است به فرمان‌های دینی فروتند و دل‌های آن‌ها از کینه و دشمنی پیراسته رخسارشان برای پذیرش حق آماده است و سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته است آئین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کند.^۳

۵۷

چراغ‌های پر نور در زمین

امام صادق^{علیه السلام} در توصیف یاران امام مهدی^{علیه السلام} می‌فرماید:
«رجال کان قلوبهم زبرالحديد لايشوبها شك في ذات الله...».

۱. یعنی: فراری داد، نابود کرد.

۲. نهج البلاغه حکمت ۴۴۳ صبحی صالح.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۵.

مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است غبار تردید در ذات مقدس خدا خاطرشان را نمی‌آلاید... همانند چراغهای فروزانند گویا دل‌هایشان نور باران است، از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند برای شهادت دعا می‌کنند و آرزومند کشته شدن در راه خدایند.^۱

۵۸

عاشق شهادتند

امام صادق علیه السلام به فضیل بن یسار راجع به ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

«...رهبان باللیل و لیوث بالنهار هم اطوع له من الامة لسیدها کالمصابیح کان قلوبهم

القنادیل...».

آن‌ها پارسایان شب و شیران روزند و در اطاعت از امام خود بیش از کنیزی که نسبت به آقای خود فرمانبردار است پافشاری دارند آن‌ها مانند چراغهای درخشانند دل‌های آن‌ها هم چون قندیل‌های روشن و تابنده است از خوف و خشیت خداوند و اهمه دارند دعا می‌کنند که خداوند شهادت را نصیبشان گرداند و آرزو می‌کنند که در راه خدا کشته شوند شعارشان یا لشارات الحسین است...^۲

۵۹

نکته

در این بخش به تعداد زیادی از صفات و اخلاقیات یاران امام مهدی علیه السلام اشاره شد شایسته است مؤمنین و ارسی کرده بینند کدامیک از این اوصاف را ندارند تا نسبت به تحصیل و تدارک آن به یاری خدا اقدام نمایند تا موضوع به صرف خواندن خاتمه نیابد بلکه عمل کردن نیز در آن لحاظ گردد.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

بخش ۵

توسل صراط صعود

درآمد

بخش پایانی به توسل اختصاص یافته تا با این روش به نهایت آرزویمان یعنی سربازی امام عصر^ع نایل شویم همیشه ابلیس در گوش ما وسوسه می‌کند که ما کجا و یاران امام عصر^ع شدن کجا؟ ولیکن باید توجه کرد که حرب‌ریاح در کربلا با توبه و توسل توانست به صحابی امام حسین^ع ملحق شود پس با توسل و دعا می‌توان همه سنگلاخ‌ها و موانع را سپری کرد.

۶۰

دریای معارف در دعای علوی مصری

یکی از دعا‌های بسیار ارزنده و مجرب که بارها دوستان گرفتار دربند شداید و مصائب دنیا از آن نتیجه گرفته‌اند دعای مبارک علوی مصری است که از زبان پرفروغ حضرت بقیةالله روحی لتراب مقدمه‌الفداء درخشیدن گرفته و باید گفت صرف نظر از این که مؤثر برای رفع گرفتاریها و مصائب

است، یک دوره معارف حقّه اسلامی گرفته شده از سرچشمه وحی و امامت در آن نهفته است.^۱

۶۱

متن دعای شریف علوی مصری

رَبِّ مَنْ ذَا الذی دَعَاكَ فَلَمْ تَجِبْهُ وَمَنْ ذَا الذی سَأَلَكَ فَلَمْ تَعِصِلْهُ وَمَنْ ذَا الذی نَجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ او
تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَابْعَدْتَهُ...

بار خدایا!

چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت نفرمودی؟ کدامیک از بندگان دست نیاز به سوی تو دراز کرد و تو او را محروم نمودی؟ کدام بنده‌ای با تو مناجات کرد و تو او را مأیوس ساختی؟ چه کسی از بندگان تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از در خانهات راندی؟

خداوندا!

این فرعون‌ی که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخها برافراشت و سرکشی‌ها نمود و دعوی خدایی کرد و با اینکه تو می‌دانستی توبه نمی‌کند و قلبش در برابر ذات پاک تو خاضع نخواهد شد دعایش را مستجاب کردی و خواسته او را برآوردی و با این که حاجت او برای ذات پاک تو ناچیز و برای او بزرگ بود تو حجت را بر او تمام کردی هنگامی که به ذات پاک تو کفر ورزید و راه بدیها را پیمود و بر ملت خود راه ظلم و ستم در پیش گرفت و در سایه کفر خود بر آن‌ها استیلا یافت و بر آنان فخر می‌فروخت و از حلم تو سوء استفاده کرد و راه تکبر در پیش گرفت و خود بر خویشان حکم نمود که پاداش کسی مانند او غرق شدن در دریاست و تو نیز آن حکم را اجرا فرمودی و او را در دریا غرق کردی.^۲

۴۹۵

۱. این دعای نورانی در مستندترین کتب دعایی شیعه از جمله در کتاب شریف مهج الدعوات جناب سیدبن طاووس در بیش از ۷۰۰ سال قبل آمده است جناب سیدبن طاووس از بزرگان شیعه آن چنان مورد وثوق و اطمینان است که علمای اهل سنت در قدیم‌الایام چنانچه روایتی را از ایشان در کتب خود نقل می‌کردند اگر آن روایت سند نمی‌داشت آن‌ها با ذکر نام جناب سیدبن طاووس آن حدیث را معتبر محسوب می‌نمودند و می‌نوشتند که این روایت را سید نقل کرده است این مرد نورانی مستقیم از امام عصر علیه السلام دعا نقل کرده است.

۲. خداوند فرشته‌ای را به شکل انسان نزد فرعون فرستاد تا از او بپرسد بنده نافرمان را چه مجازاتی است؟ فرعون

بار خدایا! من بنده‌ای از بندگان و فرزند بنده و کنیزی از کنیزان توام به خدایی تو معترفم و به این که خدایی نیست جز ذات پاک تو که یگانه آفریننده و تنها خدا و تربیت کننده منی.

معتقدم که خدا و ربّ من تو هستی که بر همه چیز توانایی و هر چه بخواهی انجام می‌دهی و هر حکمی را که اراده فرمایی صادر می‌کنی.

هیچ کس نمی‌تواند حکم تو را ردّ کند و حتما فرمان تو باید اجرا شود.

اول جهان هستی و آخر آن، ظاهر آن و باطن آن تویی.

از چیزی خلق نشده و از چیزی جدا نشده‌ای.

قبل از هر چیز تو بوده‌ای و پس از آن نیز تو خواهی بود همه چیز را تو آفریدی و آفرینش همه موجودات بر اساس تقدیر حکیمانه تو مقرر است و تو شنوا و دانایی.

شهادت می‌دهم که ذات پاک تو چنین بوده و چنین خواهد بود.

ذات مقدّست زنده است و نظام جهان هستی در سایه وجود تو اداره می‌شود و سستی و خواب در وجودت راه ندارد. همگان از عهده وصف تو ناتوانند و با حواس ظاهر (چشم، گوش، و ...) شناخته نخواهی شد با مقیاسها و معیارهای متداول. میان مردم ترا نمی‌توان سنجدید و به انسان‌ها نمی‌توان تشبیهت کرد. آفریده شدگان همه بنده و کنیز تو‌اند و تو پروردگار مایی و ما مخلوق تو و اسیر قدرت و بی‌نهایت تویم.

تویی آفریننده ما و ماییم آفریده تو، تویی روزی دهنده ما و ماییم روزی خواران تو.

اینک تو را حمد می‌کنم که مرا انسانی کامل (از نظر اعضاء و جوارح) خلق فرمودی و از غیر خودت بی‌نیازم ساختی.

کودکی خردسال بودم که از پستان مادر شیر گوارایی برایم آماده نمودی و غذای پاکیزه و گوارا در دسترسم قرار دادی و بدین وسیله رشد کرده قامتی رسا یافتم پس حمد و ستایش سزاوار ذات پاک تو است.

... فلك الحمد حمدا إنَّ عُدَّ لم يحص وان وضع لم يتسع له شيء حمدا يفوق على جميع

حمدالحامدين و....

آن هم ستایشی برتر و بالاتر از ستایش همه ستایشگران که هیچ ثنایی بدان نرسد ستایشی برتر از تمام اقسام حمد و ثنایی که ستایشگران انجام داده‌اند و ستایشی ارجمندتر از همه امور و گرانبه‌تر از هر سپاسی که آفریده‌ای به درگاه خداوند می‌کند آری حمد مختصّ ذات پاک خداوندی است چنانکه می‌پسندد سپاسی برابر با تعداد همه آفریدگان و هموزن همه موجودات و مساوی با بزرگترین و کوچک‌ترین و خردترین آن‌ها، حمدی که خداوند را خُرسند سازد و با خوشنودی خداوند برابر باشد از او تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا ببخشد و اعمال مرا نیکو فرموده توبه‌ام را بپذیرد که او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

... الهی وانی انا ادعوك واسالك باسمك الذی دعاك به صفوتك ابونا آدم ﷺ و...

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم و به اسمی قسم می‌دهم که برگزیده‌ات پدر ما آدم ﷺ تو را به آن خواند و تو او را اجابت کردی و توبه‌اش را پذیرفتی و در حالی که او گناه کرده و بر خودش ستم روا داشته بود تو او را بخشیدی و دعایش را مستجاب فرمودی و او را به خود نزدیک ساختی. ای کسی که از من به من نزدیکتری! از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از گناهان من بگذری و از من خشنود گردی و اگر از من خشنود نمی‌شوی پس مرا عفو فرما که من گناهکار و ستمگرم و لغزشم زیاد است.

آری چه بسا مولایی که از بنده خود در می‌گذرد در حالی که از او راضی نیست تقاضای دیگرم این است که بندگان را از من راضی نمایی و حق خودت را درباره من نادیده محسوب فرمایی.

... الهی واسالك باسمك الذی به ادريس ﷺ فجعلته صديقا نبيا ورفعته مكانا عليا استجبت دعائه

و كنت منه قريبا يا قريبا ان تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل...

بارالها! من ترا به نامی می‌خوانم که ادريس ﷺ ترا بدان خواند و تو او را به مقام راستگویان و درست‌کرداران و به پیامبری رساندی و مقامی بس

بلند به او ارزانی فرمودی، دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی.

اکنون ای نزدیکتر از من به خودم! از درگاه با عظمت تو استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و پایان کار مرا بهشت برین قرار دهی و مرا در دریای رحمت خود غوطه‌ور سازی و با آمرزش گناهان، مرا در بهشت جای دهی و حوریان بهشتی را با من همسر فرمایی، به توانایی بی‌نهایت تو، ای قادر متعال!

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که نوح علیه السلام در سایه آن به درگاهت بار یافت و عرضه داشت:

«خداوند! من مغلوب و مقهور گشته‌ام پس مرا یاری کن. و (در قرآن فرموده‌ای که) درهای آسمان را گشودیم و بارانی کوبنده و ویرانگر فرو فرستادیم و از زمین چشمه‌های پر آب به جوشش درآوردیم.

و آبها از زمین و آسمان به هم پیوستند و آنچه مقدر بود انجام شد و نوح از آن دریای خروشان نجات یافت و بر کشتی ساخته شده از چوب و میخ سوار شد.

(پروردگارا!) تو نیاز و احتیاج او را تأمین نمودی و او را به خود نزدیک ساختی.

اکنون ای نزدیکترین افراد به من! از درگاهت استدعا می‌کنم که درود خودت را به محمد و آل محمد فرو فرستاده، مرا از ستم هر ظالمی که اندیشه ستمی درباره من دارد رهایی بخشی و شر هر زمامدار جفا کار و دشمن توانا و هر صاحب قدرت خوار کننده و زورگوی کینه‌توز و شیطان رانده شده و انسان بد رفتاری را از من دور فرمایی و مرا از نقشه و کید فریب دهندگان در امان داری، ای بردبار و حلیم و ای خدای مهربان!

خداوند! تو را به نامی که بنده و پیامبرت صالح علیه السلام ترا به آن خواند و دعا کرد می‌خوانم. تو دعایش را مستجاب نمودی و او را از فرو رفتن در زمین حفظ فرمودی و بر دشمنانش او را برتری بخشیدی و در مقام قرب منزلش دادی، ای خداوند نزدیک! صلوات و درود مرا بر حبیب خود محمد و آل

او بفرست و مرا از شر دشمنانم ایمن دار و از بدی‌های حسودان حفظم کن و خودت امور مرا کفایت نما و در زیر لوای ولایت خود مرا هدایت کن و قلب مرا به خود

متوجه فرما و به وسیله تقوی و بصیرت توفیق تحصیل رضای خود را به من عنایت کن و با بی‌نیازی. و ثروت‌های مادی و معنوی خود مرا بی‌نیاز فرما ای خداوند حلیم و بردبار!

بار خدایا! تو را به همان نامی که بنده صالح و پیامبر بزرگت ابراهیم علیه السلام خواند و تو او را از آتش نمرود نجات دادی می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و آتشی را که دشمنان برای من افروخته‌اند به جان خودشان برگردانی.

آنچه را که به من عنایت فرمودی بدان گونه که بر آن حضرت ابراهیم علیه السلام و خاندان عزیزش مبارک نمودی بر من نیز مبارک گردان ای آن که ذات پاکت بخشنده و ستوده و بزرگوار است!

خداوند! به اسمی که اسماعیل علیه السلام ترا بدان خواند و در سایه آن نام، او را به پیامبری رساندی و خانه خودت را منزل و پناهگاه او قرار دادی و دعایش را مستجاب نمودی و از قربانی شدن نجاتش دادی و از بهشت برایش گوسفند قربانی (فدا) فرستادی و او را به خویش نزدیک ساختی. ای از همه نزدیکتر به من. از پیشگاه مقدست استدعا می‌کنم که بر پیامبر عزیزت حضرت محمد بن عبدالله و خاندان گرامیش درود خود را نازل فرمایی. خانه قبر مرا وسیع کن و بار سنگینی گناه را از دوشم بردار و توانمندی و پایداری نصیبم فرما. گناهانم را بیامرزد و با پاک نمودن گناهانم مرا به مقام توبه نائل فرما. خوبی‌هایم را دو چندان ساز و گره از مشکلاتم بگشا و در تجارت بهره‌مندم ساز و آزار بدگوییها را از من دور گردان، ای آن که ذات پاکت اجابت کننده دعاها و عطاکننده همه خوبی‌ها، فرو فرستنده تمام برکات و فرمانروای مطلق آسمانها است!

خداوند! از تو درخواست می‌کنم به چیزی که اسماعیل علیه السلام فرزند خلیل تو بدان خواندت و تو او را از کشته شدن نجات دادی و قربانی بزرگ برایش

فرستادی و جلوی تیزی کارد را گرفتی و به آن اجازه بریدن ندادی و در حالی که او خود را برای ذبح شدن آماده نموده و امر پدر را اطاعت کرده و راضی بدین امر بود دعایش را مستجاب نمودی و او را به مقام قرب نائل کردی. ای خدایی که از همه به من نزدیکتری! از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که درود خود را بر محمد و آل محمد فرو فرستی و مرا از هر بدی و سختی برهانی و ظلم ستمگران را از من دور نمایی و در امور دنیوی و اخروی که بر آن‌ها بیمناک هستم مرا کفایت کنی.

و از شر همه مخلوقات در امان خودت نگاهم داری به حق آل یس^۱. خداوند! به نامی که لوط ترا بدان خواند و تو او و فرزندانش را از فرو رفتن در زمین و نابود شدن و شکنجه دیدن نجات دادی و آنان را از گرداب نیستی به سلامت بیرون بردی، ترا به همان نام می‌خوانم و از تو که از من به من نزدیکتری تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از آتش سوزان جهنم مرا در پناه لطف خود نگاه داشته اجازه فرمایی که نابسامانی‌هایم سامان گیرد و چشمم به خاندان و فرزندانم روشن گردد^۲ و تمام کارهای مرا بر من مبارک فرمایی و مرا به آرزوهای خودم برسانی. (خدایا) شرّ بدخواهان را از من دور کن و مرا در آتش غضب خود نسوزان.

به وسیله برگزیدگان محمد و آل محمد که همگی مشعل‌های فروزان جهان وجود و هدایت کننده بندگان تواند بر من مَنّت گذاشته افتخار مصاحبت و همنشینی با این ذوات مقدّسه را به من عنایت فرما و نیز افتخار معاشرت و مصاحبت و مجالست با همه بندگان صالح خود مانند انبیاء و اوصیاء و ملائکه مقرب و حاملان عرش و ساکنان آستان با عظمتت را نصیبم فرما.

بار خدایا! در نتیجه هجران یوسف یعقوب پیامبر بینایی خود را از دست داده و افراد خاندانش متلاشی و جمعشان پراکنده شده بود و او مایه روشنایی دیده‌اش یوسف را نمی‌یافت تا این که با توسّل^۳ به یکی از اسماء مقدّسه‌ات

۱. منظور، وجود مقدّس رسول اکرم و خاندان عزیز اوست.

۲. امام باقر^{علیه السلام} در اینجا اشاره به فرزندان نشان فرموده‌اند.

۳. توسّل صراط صعود به ملکوت آسمان هاست.

ترا خواند و در نتیجه اجابتش فرمودی و یوسف را به او باز گرداندی و جمع پریشانش را به هم پیوند زدی و چشمان نابینایش را روشن ساختی و دردهای او را درمان کردی و او را به خود نزدیک نمودی. اینک - ای خداوندی که به همه بندگان نزدیکی! - من تو را به همان نام می‌خوانم و از درگاه با عظمت می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستاده به من اجازه فرمایی که به خاندانم پیوندم و پریشانی‌هایم سامان گیرد و خاندان و فرزندانم مایه روشنایی دیده‌ام شوند و تمام امور برایم آسان گردد و به خواسته‌ها و آرزوهایم برسم و بر من منت گذار، که شأن تو کرم است.

(آری تو کریمی) ای خداوندی که از نظر مقام و مرتبت بر همه برتری داری و ای کسی که رحمت بی‌نهایت همه موجودات را فرا گرفته است و همگان در دنیا از آن بهره‌مندند. مرا از این رحمت (رحمانیت) و نیز رحیمیت خود در دو جهان بهره‌مند فرما.

...الهی واسالك باسمك الذی دعاك به عبدك ونبیک یوسف ﷺ فاستجبت له ونجیته ومن غیابت

الجب وکشف ضره...

خداوندا!

تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت یوسف ﷺ ترا بدان خواند و دعایش را مستجاب فرمودی و او را از قعر چاه نجات دادی و مهماتش را کفایت کردی و او را از کید و مکر برادرانش رهایی بخشیدی و پس از اینکه او را به عنوان یک بنده و برده فروختند، به پادشاهی مصرش رساندی و دعایش را اجابت فرمودی و وی را به مقام قرب نائل ساختی - ای خدای نزدیک به همه - از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و کید و مکر، هر مکار و حيله‌گر را از من دور فرموده از حسد حسودان مرا در پناه خود محفوظ داری البته ذات پاک تو بر هر چیزی قادر و تواناست.

... الھی واسئلك باسمك الذی دعاك به عبدك ونبیک موسی بن عمران ﷺ.

خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت موسی بن عمران ﷺ ذات پاک تو را بدان خواند چه آنکه در قرآنت فرموده‌ای: «موسی را از وادی مقدّس طور ایمن خواندیم و برای مناجات با خود او را به خود نزدیک

کردیم». (خداوند!) دریا را برای او خشک کردی و او و همراهانش را نجات دادی و فرعون و هامان^۱ و یارانش را غرق نمودی و دعای موسی را اجابت فرموده او را به خود نزدیک ساختی. اینک - ای خدایی که نزدیکی! - ترا به همان نام می‌خوانم و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از شر مخلوقات محفوظ بداری و از بخشنده‌گی خود مرا بهره‌مند سازی و فضل و لطف خود را به من ارزانی داری آنچنان فضلی که مرا از همه آفریدگانت بی‌نیاز فرمایی تا به آمرزش و رضوان تو دست پیدا کنم ای ولی و صاحب اختیار همه بندگان و مؤمنان!

پروردگارا!

تو را به نامی می‌خوانم که داود^{علیه السلام} بنده و پیامبرت تو را بدان خواند دعایش را مستجاب کردی و کوهها را برای او مسخر نمودی به طوری که صبح و شام با او همصدا شده با تو مناجات می‌کردند، پرندگان را گرد او جمع کردی که همه به سوی او بیایند و با وی هم آواز شوند سلطنتش را قوی و پهناور ساختی و او را به زیور حکمت و شناخت حق از باطل مفتخر ساختی و آهن را در دستش نرم کردی و ساختن زره را به او آموختی و از گناهانش صرف نظر نمودی و به خود نزدیکش ساختی. اکنون - ای خداوند از همه به من نزدیکتر! - بر محمد و آل محمد درود فرست - و همه کارها و مشکلاتم را مسخر من قرار ده مقدرات مرا آسان ساز، گناهانم را ببامرز و مرا به عبادت خود موفق گردان و ظلم ظالمان، نیرنگ نیرنگبازان، قدرت فرعونیان و حسد حسودان را از من دور فرما.

ای امان دهنده ترسیدگان، و پناه دهنده پناه خواهان و تکیه‌گاه اطمینان دارندگان، و امید متوکلان و امید دهنده به نیکوکاران! ای مهربانترین مهربانان! خداوند! ترا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت سلیمان بن داود^{علیه السلام} در زیر سایه آن نام با تو مناجات کرد و «گفت: پروردگارا! مرا ببامرز و سلطنتی به من عطا فرما که پس از من به کسی اعطاء نکنی» و تو خواسته او را اجابت فرمودی و خلایق را مسخر او قرار دادی، باد را تحت فرمان وی

۱. هامان وزیر فرعون می‌باشد.

گذاشتی زبان پرندگان (بلکه همه موجودات) را به او آموختی و شیاطین را مطیع او قرار دادی که وی برخی از آنان را به ساختن کاخ‌های مرتفع و باغ‌ها مأمور کرد و گروهی را در دریاها به غواصی وا داشت و جمعی را که موجب گمراهی خلق بودند در غل و زنجیر به بند کشید - خداوند! - این همه بخشندگی مختصّ ذات پاک تو است و دیگری را چنین بخشایشی نیست. تو او را به خود نزدیک ساختی - ای نزدیک به من! - از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و عقل و خردم را بارور سازی مشکلاتم را جوابگو باشی، ترس و هراس را از دلم بیرون کنی، از قید و بند نجاتم دهی، و پریشانی‌ام را رفع و دعایم را اجابت فرمایی، ناله‌ام را بشنوی و جایگاه مرا در دوزخ قرار ندهی، دنیا را خواسته بزرگ من نسازی، روزی مرا زیاد فرمایی حسن و خوبی رفتار به من عنایت کنی و مرا از آتش خلاص فرمایی، تو سرور و مولای منی و به لطف تو امید و آرزو بسته‌ام.

بار خدایا!

تو را به نامی می‌خوانم که ایوب علیه السلام ترا بدان خواند، آنگاه که بلا بر او نازل شد و بیماری جای سلامتی او را گرفت و تنگی معیشت جای نعمتهای فراوان را پر کرد. او ترا خواند و تو مشکلاتش را حل نمودی و خاندانش را به او باز گرداندی و شمار آنان را دو چندان قرار دادی. ایوب به درگاه تو دست نیاز برداشته با امید به فضل و کرمیت شکایت خویش را چنین عرضه داشت: «خداوند! بیچارگی به من روی آورده و همانا گذشت تو از همه بالاتر است» در آن زمان دعایش را اجابت فرمودی و گرفتاری‌اش را مرتفع ساختی و وی را به خود نزدیک گرداندی. ای خدای از همه نزدیکتر! تو را می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و گرفتاری‌هایم را برطرف نمایی و عافیت همه جانبه در مورد خود و خاندان و فرزندان و برادران به من لطف فرمایی که برای همیشه برای من و خانواده‌ام^۱ باقی بماند آن چنان عافیتی که مرا از طیب بی‌نیاز سازد و مرا از اعضاء و جوارحم بهره‌مند فرما به طوری که تا آخرین لحظه زندگی من باشند، آری، تو بر همه چیز قادر و توانایی.

۱. امام عصر علیه السلام برای خانواده‌شان دعا می‌کنند.

... الهی واسالك باسمك الذی دعاك به یونس بن ممتی فی بطن الحوت حین ناداك فی ظلمات

ثلاث....

بار خدایا! تو را به نامی که یونس بن ممتی در شکم ماهی ترا به آن خواند. آنگاه که در تاریکی‌های سه گانه بانگ برآورد که خدایی جز ذات پاک تو نیست و من از ستمکارانم که به نفس خود ظلم کردم اما تو از همه رحم کننده‌تری پس دعای او را اجابت نمودی و او به خواسته‌اش رسید و برای وی درخت کدو رویاندی و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی و به خود نزدیکش ساختی. اینک ای نزدیکتر از من به من! از پیشگاه مقدست استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را مستجاب فرمایی و عفو و بخشش خود را شامل حالم نمایی زیرا من خود را در دریای ظلم به نفس غرق نموده و درباره بندگان تو ستم کرده‌ام. خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در زیر سایه ولایت آن‌ها نگاهداری فرما و از آتش دوزخ آزاد ساز در همین لحظه مرا از آزاد شدگان از آتش قرار ده و بر من منت گذار ای خداوند کریم.

خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم علیه السلام ترا به آن خواند هنگامی که او را به وسیله روح القدس تأیید فرمودی و قدرت سخن گفتن در گهواره به او لطف کردی و مردگان را به وسیله او زنده ساختی و بیماری‌های سخت مانند پیسی و خوره را به دست او شفا مرحمت نمودی. او مجسمه پرندگان را از خاک می‌ساخت و بر آن می‌دمید و به

فرمان تو روح در آن کالبد پیدا می‌شد تو او را به خود نزدیک ساختی. ای از همه نزدیکتر به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من آرامش فکر و خیال عنایت فرمایی. تا آنچه را که به خاطرش آفریده شده‌ام، خوب انجام دهم و مرا بدان چه خود عهده‌دار آن شده‌ای (مانند روزی و غیره) تکلیف مفرما. مرا بنده خویش و به دنیا بی‌علاقه قرار ده تا از کسانی باشم که به عافیت کامل دست پیدا کرده‌اند و مرا مورد الطاف خودت قرار داده باشی ای خدای کریم و ای بلند مقام، و ای آفریدگار بزرگ! خداوند! تو را به نامی می‌خوانم که آصف بن برخیا برای انتقال تخت پادشاهی ملکه سبا به وسیله آن نام به پیشگاه مقدست روی آورد و در زمانی

کوتاهتر از یک چشم بر هم زدن تخت در برابرشان قرار گرفت به طوری که ملکه سبا چون آن را بدید گفت: «گویا همان است». خداوند احتیاج او را برآوردی و او را به خود نزدیک ساختی. اینک ای نزدیکترین کس به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از بدی‌هایم چشم‌پوشی فرمایی.

خدایا! کارهای خوبم را بپذیر، توبه‌ام را قبول فرما و رحمتت را شامل‌حالم گردان احتیاجاتم را خود کفایت فرما کمبدهایم را جبران کن دلم را به یاد خودت زنده نگاه‌دار و زندگی و مرگم را همراه با عاقبت قرار ده.

... الهی واسألك بالاسم الذي دعاك به عبدك ونبيك زكريا... سالك داعيا لك راغباً اليك راجياً

لفضلك فقام في المحراب ينادى نداءً خفياً...

پروردگارا! تو را به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت زکریا... ذات پاک تو را به آن خواند و دست نیاز به سویت بلند نمود و در محراب عبادت با ندائی آرام ترا خواند و عرضه داشت: «خداوند! به من فرزندی عطا فرما که وارث من و وارث آل یعقوب باشد و او را راضی قرار بده». خداوند! تو یحیی را به او لطف فرمودی و دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی. ای نزدیک به من! تو را به همان نام می‌خوانم و تقاضایم این است که بر محمد و آل محمد درود فرستی.

و فرزندانم^۱ را برای من نگاه‌داری و مرا از آنان بهره‌مند سازی و من و فرزندانم را به زیور بندگی مزین فرمائی و خلاصه بنده تو باشم. خدایا ما را به نعمتهای اخروی علاقمند فرما و از عذابهای آن در هراس دار.

امید ما به تو باشد و از غیر تو منقطع باشیم تا اینکه به زندگی واقعی برسیم آری زندگی ما پاکیزه و مرگ ما هم پاکیزه باشد همانا ذات پاکت آنچه اراده فرماید انجام می‌دهد.

خداوند! به نامی می‌خوانمت که همسر فرعون ترا به آن خواند هنگامی که عرض کرد: «خداوند! برای من در بهشت کاخی بنا کن و مرا از چنگال فرعون نجات ده و مرا از شر این قوم جفا کار رهائی بخش»^۲.

۱. امام عصر... برای فرزندان‌شان دعا می‌کنند.

۲. تحریریم / ۱۱.

تو خواسته‌اش را برآوردی و او را به خویش نزدیک ساختی. اینک ای خدای نزدیک به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و دیدگان مرا با دیدن بهشت روشنی بخشی زیارت چهره کریمانه اولیای خود را نصیبم فرمایی مرا همدم و همنشین محمد و آل محمد قرار دهی در پناه این خاندان مسرورم نمایی، مرا در بهشت منزل دهی و از آنچه برای دوزخیان چون زنجیرهای گران، آهن‌های گداخته، سختیهای فراوان و خواری ابدی و دیگر عذابها آماده فرموده‌ای مرا دور قرار دهی البته با بخشایش و بزرگواری تو، ای کریم!

.... الهی واسالك باسمك الذی دعتك به عبدك وصدیقتك مریم البتول وام المسيح الرسول ﷺ ...

خداوندا! به نامی که مریم بتول، بنده راستگو و درست کردارت، ترابدان خواند که در قرآن فرموده‌ای: «مریم دختر عمران بانوئی که خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم. او کلمات و کتب پروردگارش را باور داشت و از فرمانبرداران بود»^۱.

پس دعایش را مستجاب نمودی و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون- ای خدای نزدیک به من!- به همان نام تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در قلعه محکم خود نگاهداری فرمایی و در پرده‌های شکوه و جلال مرا محفوظم داری و در پناهگاه خلل‌ناپذیر خود جایم دهی و از شر هر طغیانگر و ستم پیشه در امانم داری. نیرنگ نیرنگ بازان و فریب فریب کاران را از من دور گردانی و در برابر سحر جادوگران و فرمانروایان گنه‌پیشه مرا کفایت فرمائی به رفعت شأن تو ای والامقام!

... الهی واسالك بالاسم الذی دعاك به عبدك ونبیک ووصفیک وخیرتك من خلقك وامینك علی

وحيك ...

خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم که بنده پاکیزه و برگزیده‌ات و بهترین شخصیت میان بندگان و مخلوقات و آن که او را امین وحی خود قرار دادی و بر عموم مردم به رسالت مبعوث فرمودی آن محمدی که ﷺ او را خالص و برگزیده برای خویش قرار دادی پس دعای او را مستجاب فرمودی و به

وسیله نیروهای نامریی وی را مدد رساندی و دین مقدس اسلام را یاری کردی و آئین کفر را سرنگون و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون - ای پروردگار از همه چیز به من نزدیکتر (حتی از خودم به خودم) - از پیشگاه مقدّست تقاضا می‌کنم که بر محمّدوآل او درود فرستی درودی که پاکیزه و در حال رشد و تکامل باشد و همان طوری که بر پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و برکات خود را بر آن حضرت و آل او ارزانی فرما همچنانکه بر ابراهیم و فرزندان او نازل فرمودی.

خداوندا!

مرا نیز از این الطاف بهره‌مند ساز و از جمله آنان محسوبم فرما و در زمره آنان محشورم کن تا این که از حوض کوثر سیراب شوم.
بار خدایا! مرا در میان خاندان محمّدو آل محمّد قرار ده و با آن عزیزان همراهم فرما و چشمانم را به زیارت این دودمان پاک روشن کن.
خداوندا! خواسته‌هایم را برآور و مرا به آرزوهایم در دو جهان نائل فرما حیات و مرگ مرا آن گونه که می‌خواهی قرار ده تا با ایمان زندگی کنم و با ایمان از دنیا بروم.

سلام مرا به خاندان عزیز نبوت برسان و پاسخ سلام مرا به من بازگردان سلام و رحمت بی‌نهایت الهی بر این خاندان باد.
خداوندا! منادی در نیمه‌های شب از جانب تو ندا می‌کند که: آیا سؤال کننده‌ای هست تا خواهش او را برآورده کنم؟ آیا دعا کننده‌ای هست تا دعای او را اجابت کنم؟ آیا گنهکاری هست تا در سایه توبه، گناهان او را ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ اینک - ای خداوند بزرگ! - من دست نیاز و گدائی به در خانه تو آورده‌ام و مسکینی هستم که در خانه ترا می‌کوبم! درمانده‌ای هستم که بر در خانه‌ات ایستادم مستمندی هستم که به در خانه‌ات روی آورده‌ام. آرزومندی هستم که به امید رسیدن به آرزوی خود به درگاهت رو کرده‌ام. به رحمت امیدوار و به آمرزشت نیازمندم پس بر محمّد و آل محمّد درود بفرست.

و خواسته‌ام را برآور و مرا به آرزویم برسان فقر و تهیدستی مرا جبران فرما.

بر سرکشی من رحم کن و از گناهانم درگذر، از ستمهایی که بر بندگان روا داشتی نجاتم ده، ناتوانی‌ام را به قدرت، و بیچارگی‌ام را به عزت مبدل ساز، مرا ثابت قدم بدار و لغزش‌هایم را ببخش، کارم را اصلاح فرما ثروت فراوان و حلال نصیبم کن در هر کاری برایم اراده خیر فرما و مرا از آن خشنود ساز. خداوند! من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن و مردان زنان مسلمان، اعم از زنده و مرده همگی را از رحمت بی‌نهایت خود بهره‌مند فرما، همانا ذات پاک تو دعا را می‌شنود و اجابت می‌فرماید. (خدایا) راه خدمت و نیکوکاری نسبت به پدر و مادر را به من بنما تا شایسته قرب تو و بهشت برین گردم.

اعمال خوب پدر و مادرم را بپذیر و گناهان آنان را ببامرز. پاداش آن دو را بالاتر از آنچه عمل کردند ثواب و بهشت خودت قرار ده.

خداوند! یقین دارم که امر به ظلم و ستم نمی‌کنی و بدان راضی و خشنود نیستی به ظلم گرایش نداری و بیدادگری را دوست نمی‌داری، کسی را گرفتار تاریکی نمی‌کنی و می‌دانی که گروه ستمگران تا چه اندازه بر بندگان ستم روا داشته‌اند - به آنان جفا کرده و بدون هیچ حقی به آنها تعدی نموده‌اند - این نابکاران تنها پایگاهشان ظلم و کینه‌توزی و کلمات ناپسند و بیهتان است. حال اگر برای این دسته زمانی را مقرر فرموده‌ای که باید به پایان برسد یا اجل آنان را معین کرده‌ای که باید بدان دست یابند - از آن طرف خود در قرآن سخنی گفته‌ای که حق است و وعده فرموده‌ای که حتماً باید انجام شود و آن قابل انکار نیست: «خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و آنچه را که اراده فرماید ثابت می‌دارد و نزد ام‌الکتاب»، اینک تو را به چیزی می‌خوانم که همه انبیاء و فرستادگان و بندگان صالح و ملائکه مقرب تو را بدان خواندند که این مهلت را برای این دسته، از ام‌الکتاب محو فرمایی و به جای آن نابودی آنان را مقرر نمایی تا اینکه مدت زندگی آنان خاتمه یافته و مرگشان فرا رسد، بدکاران آنها را هلاک

فرمایی و بعضی از آن‌ها را بر برخی دیگر مسلط سازی تا اینکه احدی از آنان باقی نماند.

و هیچ یک از آنان را از این سختی‌ها نجات ندهی. خدایا جمعیت آنان را از هم بپاش و اسلحه‌شان را از هم بپاش و اسحله‌شان را از کار بینداز، وحدتشان را به تفرقه مبدل کن

و مرگشان را برسان، عمرشان را کوتاه کن، گامها و قدمهایشان را بلغزان، شهرهای خود را از لوٹ وجودشان پاک کن و بندگان را بر آنان پیروز گردان. آری این‌ها سنتهای ترا دگرگون ساختند پیمان ترا شکستند، هتک احترام تو نمودند، آنچه را نهی فرموده بودی بجای آوردند به سرکشی و گردن فرازی پرداختند و در گمراهی آشکار غوطه‌ور شدند.

خداوند! بر محمدوآل محمد درود فرست و جمع این کافران و بیدادگران را پریشان ساز و مرگ را بر افراد زنده آنان مسلط فرما، همسران آن‌ها را بد نام کن بندگان را از جفای آنان نجات ده، دست ایشان را از چپاول و غارت اموال مردم کوتاه نما، زمین را از لوٹ وجودشان پاک فرما، زراعتشان را نابود ساز- بنیانشان را از ریشه برکن- پیوندشان را مبدل به جدایی فرما و پیکرشان را درهم شکن، ای پروردگار صاحب جلال و کرم!

ای معبود من و همه مخلوقات و ای پروردگار من و همه موجودات! به درگاهت دست نیاز دراز می‌کنم و از تو می‌خواهم که آنچه را که به دو بنده و پیامبر و برگزیده‌ات موسی و هارون که البته با دلی پر از امید ترا خواندند، عطا فرمودی و در دعایشان چنین عرضه داشتند: «ای پروردگار ما! تو فرعون و عمالش را از زینتها و ثروت دنیا برخوردار فرموده‌ای که بدین وسیله بندگان تو را از راه تو منحرف کنند. خداوند! دارائی آن‌ها را نابود فرما و دل‌هایشان را سخت نما که اینان ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند».

پس تو ای خدا! بر آن دو (موسی و هارون علیهما السلام) منت گذاشته دعایشان را مستجاب فرمودی و به گوش جان شنیدند که: «دعایتان اجابت شد استقامت کنید و راه نادانان را نپوئید». آری به همان نام ترا می‌خوانم که

بر محمد و آل او درود فرستاده اموال این ستمکاران را نابود کن و دل‌هایشان را سخت نما.

آنان را در دل خشکی فرو بر، و برکات را از آن‌ها بگیر و آن‌ها را در دریاها غرق کن زیرا آسمان و زمین و هرچه در آن هست ملک تو است. خداوند! قدرت زوال‌ناپذیر و سیطره عظیم خود را به مخلوقات بنما و این تقاضا را درباره آنان عملی فرما و هرچه زودتر عذاب ستمگران را برسان، ای بهتر از همه سؤال شونده‌گان و ای از همه بهتر و بالاتر در اجابت دعا و ای بهترین کسی که همه موجودات در مقابل عظمت او سر تعظیم فرود می‌آورند و دست نیاز به سوی او دراز می‌کنند و با زبان خود او را می‌خوانند و همه چشم‌ها به سوی او دوخته شده و دل‌ها به سوی او متوجه است و حرکت‌ها به سوی او منتهی می‌شود و قضاوت در اعمال را به سوی او می‌برند!

خداوند! من بنده تو هستم و ترا به نام گرانقدرت می‌خوانم و می‌دانم که همه نام‌های تو ارزنده و حیات‌بخش‌اند پس ترا با همه نام‌هایت می‌خوانم و عرضه می‌دارم که بر محمد و آل محمد درود بفرست و این فرومایگان را در دام‌هایی که برای مردم گسترده‌اند گرفتار فرما و آنان را در گودال‌هایی که برای مردم کنده‌اند سرنگون ساز.

با تیرهای خودشان آنان را از پای درآور با کاردهایی که خود آماده نموده‌اند جان‌شان را بگیر، دماغ پر از غرورشان را به خاک مذلت بمال، گلوشان را بفشار، نیرنگشان را به خودشان باز گردان و ندامتشان را سبب هلاکشان قرار ده تا پس از گردنکشی‌ها خوار و ضعیف شوند و پس از مهلتی که به آن‌ها داده شد ذلیل و زبون گردند و در نهایت پستی، اسیر همان بندهایی شوند که آرزو داشتند ما را در آن بندها ببینند.

خداوند! برای همیشه حکومت زوال‌ناپذیرت را درباره آنان به ما بنما و چنانکه قبل از آن‌ها نیروی ستمگران را درهم شکستی این گروه را نیز به آن‌ها ملحق فرما و تمام قدرت وجودی را از آن‌ها بگیر. آری عذاب و کیفر تو دردناک و کشنده است زیرا نیرو و قدرتت بی‌نهایت است.

خداوند! بر محمد و آل محمد درود فرست و عذابی را که برای ستمگران و گردنکشان و امثال آنان فراهم فرموده‌ای هر چه زودتر بر این دسته از ظالمان نازل کن. حلم و بردباری خود را از آنان بردار و خشم و غضب خود را که هیچ قدرتی توان تحمل آن را ندارد بر آنان مسلط فرما و فرمان ده که این عذاب با شتاب بیشتر آنان را در کام خود فرو برد. فرمانی که هرگز کسی آن را نادیده نخواهد گرفت و هرگز تأخیری در آن روی نخواهد داد. همانا ذات پاکت گواه بر هر گفتار نهانی است و تو به آنچه در دل‌ها می‌گذرد آگاهی و هیچ یک از کارهای بندگان بر تو پوشیده نمی‌ماند و اعمال خیانت بار آنان از تو پنهان نخواهد بود زیرا تو بر عالم غیب و آنچه در قلب و جان آفریده شدگان می‌گذرد آگاهی.

خداوند! از پیشگاه مقدست می‌خواهم و ترا به نامی قسم می‌دهم که آقا و مولای من نوح پیامبر ترا خواند و در قرآنت از زبان نوح چنین فرموده‌ای: «به تحقیق نوح ما را خواند و نیکو جوابش دادیم». آری ای خداوند یکتا و ای آفریدگار من! تو پاسخگویی نیکو و بهترین کسی هستی که به درگاهت دست نیاز می‌آورند و تو را می‌خوانند و به آن‌ها عطا می‌کنی، تو هرگز گدای در خانه‌ات را ناامید نمی‌کنی و دعای آرزومندان بارگاه با عظمتت را مستجاب می‌فرمایی، کسی که در حاجتش اصرار ورزد او را نمی‌رانی و کسی که به درگاهت دست نیاز آورد او را رد نمی‌کنی.

فزونی نیاز حاجتمندان ترا آزوده نمی‌کند و برآوردن خواسته‌ها بر تو سنگین نمی‌آید برآوردن حوائج تمام نیازمندان برای تو از یک چشم بر هم زدن آسانتر و از یک بال مگس سهل‌تر خواهد بود. اینک حاجت من - ای سید و مولای بزرگوارم! - این است که بر محمد و آل محمد درود فرستاده گناهانم را بیامرزی، من با بار سنگین گناه به سوی تو آمده‌ام آن هم با گناهان آشکار و درباره بندگان مظلومی مرتکب شده‌ام که غیر از ذات پاک تو دیگری توان جبران آن را ندارد و نیز قدرتمندی غیر از تو قادر بر انجام آن نیست و جز تو کسی توان نجات مرا ندارد و ذات پاک تست که همه چیز را در اختیار دارد. اینک - ای مولای من! - گناهان سنگین مرا در برابر

ریختن چند قطره اشک در مقابل آستان کبریائیات محو و نابود کن. چه کنم که قلبم تیره و چشمانم خشکیده است بلکه از باب رحمت واسعه تو که همه چیز را فرا گرفته است و من هم یکی از چیزها (اشیاء) هستم رحمت بی‌نهایتت شامل حالم گردد ای مهربانترین مهربانان.

مرا در این دنیا آزمایش مکن. آن کس را که رحم ندارد بر من مسلط مفرما. به خاطر گناهانم مرا هلاک نکن مرا از همه بدیها نجات بده. همه ستمها را از من دور کن پرده از روی بدی‌هایم عقب مزن و در روز حساب در میان مردم رسوایم نکن. ای کسی که بخشش و عطای تو قطعی است! از تو تمنا دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا مانند نیکبختان زنده کنی و مانند شهیدان بمیرانی.

آن چنان که دوستان خودت را می‌پذیری مرا نیز بپذیر و در این دنیای بی‌ارزش مرا از شر پادشاهان و فساد ورزان و دیوسیرتان و دنیاطلبان و کارگزاران آن در امان خودت بدار و از شر گردن‌فرازان و حسودان و مشرکان بدرفتار نگه‌بانم باش تا در برابر نیرنگ فریبکاران مرا کفایت کنی. چشم کافران را درآور و از دیدن من آنان را محروم فرما.^۱ زبان نابکاران را در مورد من

گنگ ساز. دست ستم‌پیشگان را از دراز شدن به طرف من کوتاه گردان و مرا از مکرشان در امان بدار آن‌ها را با همان خشم و کینه‌ای که دارند بمیران. گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان را به خودشان مشغول کن و مرا از میان همه این سختیها و رنجها، و در پناه و امنیت و آرامش و حفاظت و قدرت و نگهبانی و سرپرستی و بنده‌نوازی خودت قرار ده و نیز مرا از همسایه و همنشین بد حفظ فرما، که تو بر هر چیزی توانایی. همانا ولی و سرپرست من خداوندی است که کتاب را نازل فرموده و از بندگان صالحش نگاهداری می‌کند.

خداوند!

به تو پناه می‌برم و به حمایت تو دل بسته‌ام، تو را می‌پرستم و به لطف تو امیدوارم! از تو کمک می‌خواهم و خودم را به تو می‌سپارم، از تو

۱. منعی برای دیدن امام عصر ع نیست الا بدکاری و گناهان.

امان می‌طلبم و از آستان عزّت تو استمداد می‌جویم، و از درگاه با عظمت تو می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و مرا از درگاه با شکوه خود جز با گناهان آمرزیده شده و کوشش به ثمر رسیده و تجارتي سودبخش و بدون زیان باز نگردانی و آنچه شایسته مقام کبریایی تو است درباره من رفتار کنی نه آنگونه که من سزاوارم.

همانا تو شایسته تقوی و آمرزش و لطف و بخششی.

خداوندا!

دعاهایم را طولانی کردم و خواسته‌هایم را برشمردم. تنگی سینه مرا بر آن داشت زیرا می‌دانم یک اشاره و یک «یاالله» گفتن کافی است و از همه نیازهای من مطلقاً و احتیاج به تفصیل ندارد آری به شرط اینکه من راست بگویم و نیت من خالص باشد همان توجّه کفایت می‌کند. (خداوندا) قلب من با اراده ترا خواند اینک از پیشگاه مقدّس تو استدعا می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و دعای مرا به اجابت مقرون فرمایی و مرا به آرزوهایم برسانی، چون همه قدرتها از آن تو است و من از جای خود برنخیزم مگر با حوائج برآورده شده.

چه آنکه انجام خواسته‌های من برای تو بسیار ناچیز و برای من سخت مهّم است تو قادر بر انجام آن هستی ای خداوند بینا و شنوا!

بارالها! در جایگاه کسی قرار گرفته‌ام که از ترس آتش به تو پناه آورده و از عذاب تو به سوی تو گریخته است گناهان بر او یورش برده و کارهای زشت او آبرویش را ریخته است پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و با دیده رحمت بر من بنگر تا در پرتو آن رستگار شوم و در بهشت جایگزین گردم و مهر و لطف خود را شامل حالم فرما تا از عذاب عالم آخرت در امان باشم (خداوندا!) بهشت و دوزخ از آن تو و در دست توانای تو است و کلید گشودن و بستن آن در دست تو. پس آنچه استدعا کردم برای من مقرر فرما ای خداوند توانا! همه توانائی‌ها و قدرتها در سایه عنایت خداوندی است بنابراین خدا ما را کفایت می‌کند و او بهترین یاوران، آن هم نیکو یآوری

است. حمد و سپاس مَخْتَص ذات پاک خداوند جهانیان است و درود خداوند و تحیات او بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد باد.^۱

۶۲

حکایتی از دعای علوی

علی بن حماد می گوید: این دعا را از ابوالحسن فرزند علی علوی عریضی گرفتم و نامبرده با من شرط کرد که آن را به مخالف و کسی که مذهبش را نمی دانم و اطلاع ندارم که از دوستان و اولیای مُحَمَّد و آل مُحَمَّد هست یا خیر، ندهم.

و این دعا در نزد من بود و من و برادرانم آن را می خواندیم در یکی از روزها یک نفر از قضات اهواز که از مخالفان بود به نزد من آمد و جریان خویش را برای من نقل کرده اظهار نمود که پادشاه بر او خشم گرفته است و در نتیجه اموالش را مصادره کرده و بیست هزار درهم از او گرفته اند من نسبت به او احساس ترحم کردم و به جهت این که در مورد من کارهایی انجام داده بود دعا را به او دادم هفته ای نگذشته بود که پادشاه او را مورد محبت قرار داد و آنچه از او گرفته بودند پس دادند و با احترام او را به منزلش باز گرداندند چندی بعد که به سراغ دعا رفتم آن را نیافتم و هرچه در میان کتاب های خود جستجو کردم از آن نشانی نبود به ابوالمختار نیز که قبلاً نسخه ای از دعا را به او داده بودم مراجعه کردم نامبرده هم دعا را پیدا نکرد از این ماجرا بیست سال گذشت. و ما همچنان در جستجوی این دعا بودیم و آن را پیدا نمی کردیم و دانستم که این موضوع عقوبت و مجازاتی است از جانب خداوند متعال و ولی عزیز او در نتیجه آن که دعا را به نااهل داده ام.

۱. دعای علوی مصری را در کتب ادعیه می توان یافت خصوصاً کتب ادعیه ای که منسوب به امام عصر علیه السلام می باشد.

شایسته است این دعا همانند دعای کمیل و دعای توسل در مساجد خوانده شود یا حداقل مبلغین مذهبی به معرفی و تشریح این دعای نورانی اقدام نمایند و یا لاقلاً این دعا در قطعات کوچک به صورت کتاب چاپ و در اختیار علاقمندان امام مهدی علیه السلام قرار گیرد. و علماء عزیز به شرح این دعا همانند شروحه که به دعای کمیل و ندبه و جامعه کبیره نوشته شده شرحی بنویسند یا حداقل در ایام ماه شعبان شرحی از بعضی فقرات این دعا در روزنامه های کثیرالانتشار به همراه معرفی آن آورده شود.

پس از آنکه بیست سال از ماجرا گذشت ناگهان دعا را در میان کتابهای خود پیدا کردیم در حالی که مکرراً در میان همان کتابها جستجو کرده و آن را نیافته بودیم. لذا با خود عهد کردم این دعا را فقط به کسانی بدهم که از پیروان اهل بیت^{علیهم السلام} بوده و ولایت آنان را قبول داشته باشند و از آنان پیمان بگیرم که به غیر از شیعیان و مخلصان و ارادتمندان خاندان رسالت آن را به کسی ندهند از خدا یاری جسته، امور را به او واگذار می‌کنیم.^۱

۶۳

تاویل کهیعص

... سعدبن عبدالله پس از تشرف به محضر حضرت امام حسن عسگری^{علیه السلام} و امام عصر^{علیه السلام} سوآلاتی را از امام می‌نماید که امام عسگری^{علیه السلام} پاسخ سوآلات را به امام زمان که در آن زمان خردسال بودند واگذار می‌فرمایند. او می‌گوید به امام عصر^{علیه السلام} عرض کردم: از تاویل کهیعص^۲ مرا مطلع فرمائید؟

حضرت ولی عصر^{علیه السلام} در جواب فرمود: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود سپس داستان را برای حضرت محمد^{صلی الله علیه و آله} بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده اسامی پنج گانه را به ایشان تعلیم نمود هر زمان که زکریا نام‌های محمد، علی، فاطمه، حسن علیهم السلام را می‌برد شاد می‌شد ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین^{علیه السلام} را می‌برد دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت روزی گفت: خدایا مرا چه می‌شود که هرگاه نام چهار تن بالا را می‌برم دلم تسلی می‌یابد و هرگاه نام مبارک امام حسین^{علیه السلام} را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند از حادثه مربوط به امام حسین^{علیه السلام} بدین گونه خبر داد که «کهیعص».

۱. در فصل سوم بخش تشرف یافتگان به نحوه دریافت و یادگیری دعا و ارتباط آن با امام عصر^{علیه السلام} اشاره شده است.

۲. حروف مقطعه اول سوره مریم می‌باشد.

امام زمان علیه السلام فرمودند که:

«کاف» اسم کربلا اشاره به شهادت و عترت طاهره است و «یا» اشاره به یزید است که بر حسین علیه السلام ظلم نمود «عین» اشاره به عطش و تشنگی حسین علیه السلام و یاران عزیز اوست و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شدائد.

زکریا علیه السلام چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه و زاری بود و مرثیه سرائی می کرد که:

بارخدایا! آیا بهترین بندگان و مخلوق را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می کنی؟ بارالها! آیا این بلیه را با شهادت حسین علیه السلام بر حیبت خاتم انبیاء نازل می فرمایی؟

خداوند! آیا بر علی و فاطمه لباس این مصیبت را می پوشانی؟ پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره علی و فاطمه ظاهر می سازی؟

آنگاه زکریا عرض کرد: خدایا! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنایی چشمم قرار ده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان چنان که حیبت خاتم انبیاء را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی.

آنگاه خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدت حمل او نیز مانند امام حسین علیه السلام شش ماه بود.^۱

زیارت ناحیه مقدسه

این زیارت که به نام «ناحیه مقدسه» می باشد از لسان مبارک و نورانی حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد، که خطاب به جد مکرّم خود حسین بن علی علیه السلام اظهار شده است. متن حزن آلود زیارت به قدری دردناک و پرغصه و درد است که طاقت و صبر را از انسان سلب می کند اگرچه متن

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۱۶۸.

این زیارتنامه طولانی و بلند است ولیکن در انتهای این کتاب به واسطه آن که برگ رضایتی از حضرت امام عصر^{علیه السلام} در نامه عمل خود کسب کنیم مختصری از آن را آورده و با امام زمان^{علیه السلام} خود می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَهْتُوكِ الْخَبَاءِ» سلام بر آنکه حرمت خیمه‌گاهش شکسته شد.^۱

«السَّلَامُ عَلَيَّ قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ» سلام بر کشته شده به دست زنازادگان.

«السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ بَكَتَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ» سلام بر آنکه فرشتگان آسمان بر او گریستند.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْجُيُوبِ الْمُضْرَجَاتِ» سلام بر آن گریبان‌های دریده.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الشِّفَاءِ الذَّابِلَاتِ» سلام بر آن لبان خشکیده.

«السَّلَامُ عَلَيَّ النَّفُوسِ الْمُصْطَلِمَاتِ» سلام بر آن جانهای بلا رسیده.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَرْوَاحِ الْمُخْتَلِسَاتِ» سلام بر آن ارواح ربوده شده.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَجْسَادِ الْعَارِيَاتِ» سلام بر آن جسدهای عریان شده.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ» سلام بر آن پیکرهای تغییر رنگ یافته.

«السَّلَامُ عَلَيَّ أَلْعَاضَاءِ الْمُقْطَعَاتِ» سلام بر آن اعضاء قطعه قطعه پیکرها.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الرُّوُوسِ الْمُشَالَاتِ» سلام بر آن سرهای بالای نیزه رفته.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الرُّضِيعِ الصَّغِيرِ» سلام بر آن شیرخوار کوچک.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانِ» سلام بر آن دفن شدگان بدون کفن.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الرُّوُوسِ الْمُفْرَقَةِ عَنِ الْإِيدَانِ» سلام بر آن سرهای جدا افتاده از بدن.

«السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ يَكُنْتُ ذَمَّتْهُ» سلام بر کسی که پیمانش شکسته شد.

«السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ» سلام بر کسی که حرمتش شکسته شد.

«السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ أُرِيقَ بِالظُّلْمِ ذَمُّهُ» سلام بر کسی که خونش ستمکارانه ریخت.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ» سلام بر آنکه با خون جراحتهایش غسل

داده شد.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَجْرَعِ بَكَاسَاتِ الرِّمَاحِ» سلام بر آنکه جرعه نوش جام نیزه‌ها

گردید.

«السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى» سلام بر آنکه سرش را از قفا بردند.

۱. این زیارتنامه طولانی‌تر از آن می‌باشد که در اینجا آورده شده است و این متن مختصر تقطیع شده آن زیارتنامه است شایسته است مؤمنین فرزندان خود را در حفظ همین متن زیارتنامه کوتاه و مختصر یا بعضی از فقرات دعای شریف علوی مصری ترغیب نمایند.

«السَّلَامُ عَلَى الْمُحَامِي بِلَامَعَيْنِ» سلام بر آنکه در حمایت از دین بی‌یاور ماند.
 «السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ» سلام بر محاسن به خون خضاب شده.
 «السَّلَامُ عَلَى الْخَدِّ التَّرِيْبِ» سلام بر آن صورت خاک آلود.
 «السَّلَامُ عَلَى الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ» سلام بر آن دندان که با چوب خیزران بر آن زده شد.

«سَلَامٌ مِنْ قَلْبِهِ مِصَابِكَ مَقْرُوحٍ وَ دَمْعُهُ ذِكْرَكَ مَسْفُوحٍ» سلام بر کسی که قلب او از مصیبت تو جریحه‌دار و اشکش به هنگام یاد تو جاری است.
 «سَلَامٌ الْمَفْجُوعِ الْخَرِينِ الْوَالِيهِ الْمُسْتَكِينِ» سلام بر کسی که در غم عزای تو مصیبت زده و اندوهگین و سرگشته و بیچاره است.

«سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالتُّوفِ لَوَقَاكَ بِنَفْسِهِ حَدَّ السُّيُوفِ وَ بَدَلُ...» سلام بر کسی که اگر با تو در کربلا بود با جانش از تو در مقابل تیزی شمشیرها محافظت می‌نمود و نیمه جان ناقابلش را برای حفظ تو به چنگال مرگ می‌بخشید.
 «قَدْ عَجِبْتَ مِنْ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهَالِيكَ وَ أَسْرَعَ فَرَسَكَ شَارِدِ إِلَى خِيَامِكَ.»
 ملائکه آسمان‌ها از صبر تو در قبال آن همه سختی‌ها تعجب کردند و اسب تو شیون کنان از تو دور شد و گریه کنان به قصد خیام حرم سرعت گرفت...

پس چون بانوان حرم اسب تو را بلا زده و خواری رسیده دیدند و زین تو را بر آن واژگونه یافتند از پس خیمه‌ها برآمدند در حالی که گیسوانشان را بر چهره‌ها پریشان ساخته و نقاب از چهره انداخته و سیلی بر صورت‌هایشان می‌زدند و با صدای بلند گریه می‌کردند و ناله و فریادکنان تو را می‌خواندند.
 «فَأَنْزَعَجَ الرَّسُولُ وَ بَكَى قَلْبُهُ الْمَهُوْلُ وَ عَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ فُجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزُّهْرَا وَ اخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقْرَبِينَ تُعْزَى أَبَاكَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُقِيمَتْ لَكَ الْمَأْتَمُ فِي أَعْلَا عَلِيِّينَ وَ لَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ وَ بَكَتِ السَّمَاءُ وَ سُكَّانُهَا وَ الْجَنَانُ وَ خُرَّانُهَا وَ الْهَضَابُ وَ أَقْطَارُهَا وَ الْبِحَارُ وَ حَيْثَانُهَا...» پس رسول خدا ﷺ ناراحت و مضطرب شد و قلب هراس گرفته‌اش گریان شد و فرشتگان و پیامبران از شهادت تو به او تسلیت گفتند و مادرت حضرت زهرا در ماتم تو مصیبت زده و دردمند شد و لشکریانی از فرشتگان مقرب خدا برای تسلیت گویی به پدرت امیرالمؤمنین بین آسمان و زمین

به آمد و رفت پرداختند. و مجالس ماتم و عزا برای تو در عالم ملکوت برپا شد پریان بهشتی در عزای تو بر سر و صورت زدند و آسمان و ساکنانش و بهشت و نگاهبانانش و کوهها و دامنه‌هایش و دریاها و ماهی‌هایشان همه در ماتم تو گریستند.^۱ «ولعنه الله علی القوم الظالمین».

۶۵

علاقه عرشیان به خطبه‌ای جگرسوز

آیت‌الله امامی خوانساری در نسخه خطی روضه‌های خود نوشته‌اند: مرحوم حجة الاسلام حاج سید اسدالله اصفهانی پسر مرحوم حاج سید محمد باقر رشتی (شفتی) در خواب حضرت ولی عصر ع را دید. حضرت به او فرمود: از آن روزی که زینب کبری ع از دنیا رفته‌اند همه روزه فرشتگان آسمان خطبه او را که در کوفه خوانده بود را می‌خوانند و شورش و شیون می‌کنند... امام عصر ع به حضرت آیت‌الله مرعشی فرمودند: به شیعیان بگویند خطبه عمه‌ام حضرت زینب را حفظ کنند.^۲

۶۶

تشبیهی لطیف از امام زمان راجع به امام حسین ع

علامه بحر العلوم از علمائی است که مکرر خدمت امام عصر ع مشرف شده در یکی از تشریف‌ها مرحوم علامه بحر العلوم به قصد تشریف به سامرا به تنهایی مسافرت کرده بود. در بین راه راجع به این مسأله که «گریه بر امام حسین ع باعث آمرزش گناهان است»^۳.

۱. با توجه به شدت علاقه امام عصر ع به حضرت سیدالشهداء ع شایسته است مؤمنین اعمال نیابتی از طرف امام عصر ع جهت اهداء ثواب آن به حضرت سیدالشهداء انجام دهند این زیارتنامه در منابع روایی کهن و قدیمی شیعه مثل المزار نوشته شیخ مفید و بحار الانوار آمده است و به صورت کتابچه مستقلاً توسط انتشارات مسجد جمکران به چاپ رسیده است.

۲. شایسته است بخشی از این خطبه نورانی در راستای اجرای فرمان امام عصر ع در کتب درسی دانش‌آموزان راهنمایی درج گردد.

۳. در روایات در خصوص زیارت امام حسین و گریه بر آن حضرت احادیث فوق‌العاده‌ای آمده است که ظاهراً این

فکر می‌کرد در این هنگام متوجه شد که شخص عربی، سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد و پرسید: «جناب سید! درباره چه چیزی فکر می‌کنی؟ اگر مساله علمی است آن را مطرح کنید شاید من هم اهل باشم».

علامه بحرالعلوم گفت: در این اندیشه‌ام که چطور خدای تعالی این همه ثواب را به زائرین و گریه‌کنندگان حضرت سیدالشهداء علیه السلام می‌دهد؟ مثلاً برای هر قدمی که در راه زیارت برداشته شود ثواب یک حج و یک عمره در نامه عمل زائر ثبت می‌گردد و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره آمرزیده می‌شود. (چنانچه در روایات زیادی به این مطلب تأکید شده است).

آن سوار عرب فرمود: «تعجب نکن من برای تو مثالی بیان می‌کنم تا مشکل حل شود».

روزی سلطانی همراه با درباریان خود به شکار رفت در شکارگاه، سلطان از همراهان خود دور افتاد و مشقت زیادی تحمل کرد و بسیار گرسنه شد تا اینکه خیمه‌ای دید به آنجا رفت، پیرزنی با پسرش در آن سیاه چادر زندگی می‌کردند و بزغاله شیردهی در گوشه خیمه داشتند که با مصرف شیر آن زندگی خود را می‌گذراندند.

وقتی سلطان به خیمه آن‌ها وارد شد او را نشناختند اما برای پذیرایی مهمان بزغاله را سر بریدند و کباب کردند زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند.

فوق‌العادگی باعث اعجاب سیدبحرالعلوم گردیده است برای مطالعه در این خصوص به کتاب شریف کامل‌الزیارات مراجعه شود برای نمونه به حدیث زیر توجه فرمایید. اگرچه از این نوع روایت‌ها زیاد می‌باشد داوود رقی می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم آن حضرت آب طلبیدند و چون آب را نوشیدند به گریه افتادند و چشمان مبارکش از اشک پر شده و فرمودند: ای داود خدا لعنت کند قاتل امام حسین علیه السلام را، آنگاه فرمودند: هر بنده‌ای که آب بنوشد و امام حسین علیه السلام و اهل بیت او را یاد کند و قاتلش را لعن و نفرین کند خداوند تبارک و تعالی برای او صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار از عمل زشت او را ببخشد و صد هزار درجه و مقام به او عطا کند و همانند کسی باشد که صد هزار بنده را آزاد کرده و خداوند متعال در روز قیامت او را با قلبی آسوده و آرام محشور کند (امالی، شیخ صدوق م، ۲۷، حدیث ۷، و کافی، ج ۶ ص ۳۹۱).

سلطان آن شب در آن خیمه خوابید و روز بعد از آن‌ها جدا شد و خود را به درباریان رسانید و قضیه خود را برای آن‌ها بازگو کرد.

سپس از درباریان پرسید: اگر بخواهیم میهمان نوازی پیرزن و فرزندش را تلافی کنم چه چیزی به آن‌ها بدهم؟

یکی از درباریان جواب داد: صد گوسفند به آن‌ها بدهید.

شخصی دیگری گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدهید.

سومی گفت: فلان مزرعه را به آن‌ها واگذار کنید: سلطان در پاسخ به آن‌ها گفت: هرچه به آن‌ها بدهم در مقابل مهمان‌نوازی آن‌ها کم است (چرا که آن‌ها جان مرا نجات دادند) فقط اگر سلطنت و تاج و تختم را به آن‌ها بدهم مقابله به مثل کرده‌ام چون آن‌ها هرچه داشتند به من دادند من هم باید هر چه در اختیار دارم به آن‌ها بدهم تا کار آن‌ها تلافی شود.

سپس آن سوار عرب به علامه فرمود: «جناب بحرالعلوم!»

حضرت سیدالشهداء هرچه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و خواهر و برادر و سر و پیکر داشت همه را در راه خدا داد.

پس اگر خدا به زائرین و گریه‌کنندگان آن حضرت آن همه ثواب را عنایت کند نباید تعجب کنید. (چون خدا نمی‌تواند خدائیش را به امام حسین علیه السلام بدهد لذا هر مقامی را که به زوار و عزارانش عنایت کند باز در نظر خدا زیاد نیست). هنگامی که شخص عرب این مطالب را فرمود: ناگهان از نظر علامه بحرالعلوم غایب شد.^۱

شخصی به نام ابوالحسین ابن ابی النعل می‌گوید: من از طرف ابی منصور بن صالحان کاری را به عهده گرفتم و فی‌مابین ما مطلبی رخ داد تا اینکه باعث شد من خود را پنهان کنم او نیز در جستجوی من برآمد، سپس مجبور شدم مدتی پنهان شوم تا این که تصمیم گرفتم به زیارت حضرت کاظم علیه السلام بروم در شب جمعه‌ای حرکت کردم تا شب جمعه را در حرم به

۱. عبقری الحسان، ص ۱۳۶.

سر برم در آن شب هوا بارانی بود. وقتی به حرم رسیدم از ابی جعفر قیم خواهش کردم تا درهای حرم مطهر را ببندد تا حرم مطهر خالی باشد آن شب آنقدر باران و باد آمد که بطور عمومی تردد از مردم سلب شد و کسی در بیرون دیده نمی‌شد من نیز در حرم بودم و مشغول دعا و نماز تا اینکه صدای پایی را از سمت حضرت موسی بن جعفر شنیدم.

دیدم مردی مشغول زیارت است و از حضرت آدم و انبیاء اولوالعزم شروع به سلام کرد تا یک یک ائمه اطهار رسید به اسم شریف صاحب الزمان سپس دیدم نام او را ذکر نکرد. خیلی تعجب کردم گفتم شاید او فراموش کرده و یا صاحب الزمان را نمی‌شناسد یا مذهب او چیز دیگری است آن مرد بعد از اداء دو رکعت نماز رو به مرقد امام جواد کرد و مثل سابق زیارت کرد.

من در آن دل شب از آن مرد می‌ترسیدم چرا که او را نمی‌شناختم او جوانی بود کامل که جامه‌ای سفید بر تن دارد و عمامه او خنک دارد و ردائی بر کتف انداخته است.

در این هنگام رو به من کرد و خطاب به من، اسم مرا برد و فرمود:

ای ابوالحسین بن ابی النعل تو از دعای فرج غافل؟

عرض کردم: آن دعا کدام است ای سید؟

فرمود: دو رکعت نماز می‌گذاری و بعد از آن می‌گوئی: «یا من اظهر الجمیل و

ستر القبیح یا من لا یؤاخذ بالجریرة و لم یهتك الستریا عظیم المن یا کریم الصفح یا حسن التجاوز یا واسع المغفره یا باسط الیدین بالرحمة یا منتهی کل نجوی و یا غایت کل شکوی یا عون کل مستعین یا مبتداء بالنعم قبل استحقاقها؛ یا راه (۱۰ مرتبه)، یا (غایه رغبتاه ۱۰ مرتبه)، استلک بحق هذه الاسماء وبحق محمد و آله الطاهیرین الا ما کشف کربی و نفسست همی وفرجت غمی و اصلحت حالی).

سپس دعا کن و بعد از آن هر چه خواستی حاجات خود را بخواه.

آنگاه روی خود را بر زمین گذارده و صد مرتبه در سجود بگو: یا محمد یا

علی یا علی یا محمد اکفیان فانکما کافیان وانصرانی فانکما ناصران.

سپس روی چپ خود را باز در سجده می‌گذاری و ۱۰۰ مرتبه می‌گوئی:

ادرنکی و آن را مکرر می‌نمائی و می‌گوئی **الغوث الغوث الغوث** تا آن که نفس منقطع شود.

آنگاه سر خود را بر می‌داری پس خداوند به کرم خود حاجت ترا برآورده گرداند. ابوالحسین می‌گوید: وقتی مشغول دعا و نماز شدم آن شخص بیرون رفت و من نزد ابوجعفر قیم کلیددار حرم رفتم و از او پرسیدم آیا آن مرد را می‌شناسد و... او چگونه داخل شد در حالی که تمام درها بسته بود.

ابوجعفر به من گفت: او مولای ما صاحب‌الزمان علیه السلام بود به تحقیق مکرر او را مشاهده کردند در چنین شبهائی در هنگامی که حرم از مردم خالی است در آنجا حضور پیدا می‌نماید.

ابوالحسین می‌گوید: پس از آن که تأسف زیادی بر من چیره شد به واسطه عدم شناخت مولای خود پس از طلوع آفتاب به کرخ رفتم و در محلی مخفی شدم سپس دوستانم را پیدا کردم در حالی که از وزیر امان نامه‌ای درباره من گرفته بودند بعد من نیز نزد وزیر رفتم و او برخاست و مرا در آغوش کشید سپس گفت: ای ابوالحسین حالا کارت به جایی رسیده که شکایت مرا نزد مولای خود حضرت صاحب‌الامر علیه السلام می‌بری؟ به او گفتم: از من فقط دعائی بود. او گفت: دیشب در خواب دیدم مولای خود صاحب‌الزمان علیه السلام را یعنی شب جمعه و مرا به نیکی کردن به تو امر فرمود و بعد از آن چنان به من تندی کرد که من ترسیدم و به من چنین و چنان فرمود...^۱

در یکی از تشرفات مرجع عزیز جهان تشیع آیت‌الله العظمی مرعشی «ره» امام عصر علیه السلام به ایشان می‌فرمایند: برای رفع مشکلات یا مالک ۱۰۲ بار، یا عزیز ۱۰۵ بار، یا غالب ۱۰۴۴ بار بگوئید.

۱. فرج المهموم - دلائل محمدبن جریر طبری و عبقری الحسان، ص ۲۴۷. این نماز را حضرت آقایان علمای اعلام به گرفتاران سفارش می‌کنند.

نماز امام زمان علیه السلام در نیمه شب جمعه

نمازی است که مرحوم محدث حاج شیخ عباس قمی رحمته الله در کتاب شریف و نورانی مفاتیح آورده‌اند که با غسل در قبل از نماز دو رکعتی آن و دعائی کوتاه خاتمه می‌یابد و برای رسیدن به مقاصد شرعیه مطلوب می‌باشد تفصیل بیشتر طالبین به کتاب فوق مراجعه نمایند، این نماز در بخش اذکار تشریف آورده شده است.

نکته آخر

۱. «هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین»؛ خداوند در آیه ۶۲ سوره مبارکه انفال می‌فرماید: اوست که به نصرت خود و به واسطه یاری مؤمنان تو را (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) تأیید و نیرو بخشید.
۲. ما وظیفه داریم که هر روز یاد خداوند متعال و اهل بیت علیهم السلام را در جامعه به هر وسیله‌ای پر رنگ‌تر کنیم و طبق آیه فوق کمک مؤمنان در این مسئله جز ابزار کار محسوب شده است و از ما این یاری را خواسته‌اند.
۳. اینک در کشور ما برای ارتحال مادر بزرگوار حضرت قائم آل محمد علیه السلام هیچ مراسمی برپا نمی‌شود این نقص فرهنگی غیرقابل اغماض است و هر یک از مؤمنین بر طبق آیه بالا در احیا و برپایی این مراسم دارای سهم و مسئولیت می‌باشند.
۴. بخش عمده مشکلات جامعه امروز ما به واسطه دوری از قرآن و عترت است که در حدیث مشهور ثقلین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ما را به این دو ثقل ارجاع داده‌اند. ما موظفیم مردم را در راه اهل بیت علیهم السلام قرار دهیم تا سعادت‌مندی دنیا و آخرت آن‌ها تضمین گردد و برپایی این مراسم یکی از راه‌های عملی همین موضوع محسوب می‌شود و این کار در نوع خود نوعی جهاد البته آنهم جهاد فرهنگی به حساب می‌آید که به مراتب بالاتر از جهاد در میدان جنگ محسوب می‌شود می‌باشد.
۵. ما بایستی روزهایی که به امام عصر علیه السلام منسوب است را احیاء کنیم و

برپایی مراسم عزا برای ارتحال مادر امام یکی از این روزهاست و شایسته است اینکار را وظیفه خود بدانیم که همه مؤمنین را به احیاء این مراسم فرا بخوانیم در فصل سوم از بخش هفتم این کتاب به وظایف شیعیان در عصر غیبت کبری بر طبق روایات مطالبی آمده است یکی از این وظایف تکریم و بزرگداشت و یادآوری نام امام و حضور در مجالس مربوط به آن امام مورد تأکید قرار گرفته است.

۶ این توقع بی‌جایی نیست که ما از متولیان فرهنگی کشور اعم از وزارت ارشاد، صدا و سیما، رادیو، سازمان تبلیغات اسلامی سراسر کشور، اوقاف، هیأت امنای مساجد، مبلغین و روحانیون مذهبی، دفتر تبلیغات، ائمه جمعه، هیأت امنای مذهبی همه شهرها و همه مشتاقان و زائران مسجد جمکران مخصوصاً مادران و خواهران متدین و شیفته اهل بیت علیهم‌السلام بخواییم که این پیشنهاد و این دعوت را در راستای تقویت فرهنگ توسل به اهل بیت علیهم‌السلام بپذیرند و نسبت به برپایی این مراسم قدمی مؤثر و دائمی بردارند چرا که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث ثقلین ما را به تمسک به قرآن و عترت دعوت کرده‌اند؛ لذا در اجرای این حرکت نورانی فرهنگی هر آن کسی که خود را مؤثر می‌داند دعوت می‌کنیم تا این پیشنهاد را به انجام و مقصد برساند شاید انجام این کار کمترین نوع قدردانی و عرض ادب و تشکر به ساحت مقدس و مطهر و معطر حضرت ولی عصر علیه‌السلام محسوب شود.

خداوند ما را از احیاء‌کنندگان شرایع دین قرار دهد و در راه این حرکت فرهنگی و علوی سهمی وافر نصیب ما فرماید.

جزاء الله محمداً عنانا ما هو اهله

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه

محمد رضا رمزی اوحدی

قم المقدس

فهرست راهنما

اشخاص

سفیانی: ۱۰۴، ۱۳۹، ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۸۸، ۴۹۰	۵۳۱، ۲۵۷	آیت الله بهجت:		
سلمان: ۱۹۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۷۸، ۴۹۰، ۴۴۳، ۴۰۰	۵۰۳، ۴۳۵، ۴۱۷، ۱۲۴، ۱۰۱	ابراهیم <small>علیه السلام</small> :		
سید بن طاووس: ۱۱۸، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۱۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۱، ۲۶۱، ۲۸۵، ۲۹۹، ۳۱۰، ۳۴۲، ۳۶۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱	۳۴۹، ۳۰۷، ۶۸، ۵۷، ۴۲	ابن عباس:		
سید حسنی:	۳۵۰، ۳۴۶، ۳۴۵، ۱۲۳	ابوسفیان:		
سید صادق شمس الدین:	۳۵۳	ابومسلم خراسانی:		
سید علی قاضی:	۵۳۱، ۳۴۰	ابوموسی اشعری:		
شعیب بن صالح:	۳۵۴	ابویوسف:		
شمعون:	۴۱۸	ارمیا:		
شیخ حسین فاضلی:	۴۳۱، ۳۸۳، ۱۹۲، ۱۴۱، ۱۲۲، ۱۰۹	امام صادق <small>علیه السلام</small> :		
شیبانی:	۵۳۱	امام علی <small>علیه السلام</small> :		
صائب بن صید:	۵۳۰	امام هادی <small>علیه السلام</small> :		
صالح: ۵۱، ۵۹، ۶۶، ۷۶، ۱۰۰، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۸۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۵	۳۲۴	بوش:		
صعصعه:	۳۶۱، ۳۴۸، ۳۲۷، ۱۸۲، ۱۸۰، ۱۰۴، ۴۳، ۴۳	جبرئیل <small>علیه السلام</small> :		
عایشه:	۳۹۹، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۱، ۳۸۷، ۳۸۵، ۳۶۳، ۳۶۲	جبرئیل <small>علیه السلام</small> :		
عزیز: ۵، ۳۹، ۸۹، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۳۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۳۴۰، ۳۷۶، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۶۷، ۴۰۴، ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۷، ۵۳۰	۵۳۰، ۵۱۹، ۴۷۸، ۴۲۰، ۴۰۹، ۴۰۷، ۴۰۰	حاج آقا فخرنهرانی:		
علی النقی <small>علیه السلام</small> :	۵۳۱	حاج حسین مظلوم:		
عمر بن خطاب: ۵۸، ۶۵، ۱۵۹، ۲۶۴، ۳۴۰، ۴۳۵، ۵۳۱	۳۳۱، ۳۲۹، ۳۲۸	حباب:		
عیسی <small>علیه السلام</small> :	۳۸۵، ۱۶۰، ۱۰۵، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۱، ۸۰، ۶	حکیمه: ۶، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۵، ۱۶۰، ۳۸۵		
فاطمه <small>علیه السلام</small> :	۵۳۰	حواریون:		
فرعون: ۴۸، ۲۵۳، ۳۳۰، ۳۸۷، ۴۰۰، ۴۱۸، ۴۹۹، ۵۳۱، ۵۱۳، ۵۰۹، ۵۰۶	۵۳۰، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴	دجال: ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۲۶، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۶۷، ۳۷۵		
کافور:	۴۸۹، ۴۱۶، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۳۷۵، ۳۶۷، ۳۵۷	ذوالقرنین:		
مادر موسی:	۳۴۰، ۱۷۱، ۱۰۱، ۶۰	رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small> :		
ماریه:	۶۶، ۵۹، ۵۷، ۵۶، ۴۴، ۴۲، ۴۱، ۳۷	۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۸، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰	۵۳۱، ۲۵۷	آیت الله بهجت:
سفیانی: ۱۰۴، ۱۳۹، ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۸۸، ۴۹۰	۵۰۳، ۴۳۵، ۴۱۷، ۱۲۴، ۱۰۱	ابراهیم <small>علیه السلام</small> :		
سلمان: ۱۹۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۷۸، ۴۹۰، ۴۴۳، ۴۰۰	۳۴۹، ۳۰۷، ۶۸، ۵۷، ۴۲	ابن عباس:		
سید بن طاووس: ۱۱۸، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۱۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۶۱، ۲۶۱، ۲۸۵، ۲۹۹، ۳۱۰، ۳۴۲، ۳۶۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱	۳۵۰، ۳۴۶، ۳۴۵، ۱۲۳	ابوسفیان:		
سید حسنی:	۳۵۳	ابومسلم خراسانی:		
سید صادق شمس الدین:	۵۳۱، ۳۴۰	ابوموسی اشعری:		
سید علی قاضی:	۳۵۴	ابویوسف:		
شعیب بن صالح:	۴۱۸	ارمیا:		
شمعون:	۴۳۱، ۳۸۳، ۱۹۲، ۱۴۱، ۱۲۲، ۱۰۹	امام صادق <small>علیه السلام</small> :		
شیخ حسین فاضلی:	۵۳۱	امام علی <small>علیه السلام</small> :		
شیبانی:	۵۳۰	امام هادی <small>علیه السلام</small> :		
صائب بن صید:	۳۲۴	بوش:		
صالح: ۵۱، ۵۹، ۶۶، ۷۶، ۱۰۰، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۸۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۱۵	۳۶۱، ۳۴۸، ۳۲۷، ۱۸۲، ۱۸۰، ۱۰۴، ۴۳، ۴۳	جبرئیل <small>علیه السلام</small> :		
صعصعه:	۳۹۹، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۱، ۳۸۷، ۳۸۵، ۳۶۳، ۳۶۲	جبرئیل <small>علیه السلام</small> :		
عایشه:	۵۳۰، ۵۱۹، ۴۷۸، ۴۲۰، ۴۰۹، ۴۰۷، ۴۰۰	حاج آقا فخرنهرانی:		
عزیز: ۵، ۳۹، ۸۹، ۱۲۴، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۸۵، ۱۹۰، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۳۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۶، ۲۷۰، ۳۴۰، ۳۷۶، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۶۷، ۴۰۴، ۵۱۱، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۷، ۵۳۰	۵۳۱	حاج حسین مظلوم:		
علی النقی <small>علیه السلام</small> :	۳۳۱، ۳۲۹، ۳۲۸	حباب:		
عمر بن خطاب: ۵۸، ۶۵، ۱۵۹، ۲۶۴، ۳۴۰، ۴۳۵، ۵۳۱	۳۸۵، ۱۶۰، ۱۰۵، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۱، ۸۰، ۶	حکیمه: ۶، ۸۰، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۰۵، ۱۶۰، ۳۸۵		
عیسی <small>علیه السلام</small> :	۵۳۰	حواریون:		
فاطمه <small>علیه السلام</small> :	۵۳۰، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴	دجال: ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۲۶، ۳۴۲، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۷، ۳۶۷، ۳۷۵		
فرعون: ۴۸، ۲۵۳، ۳۳۰، ۳۸۷، ۴۰۰، ۴۱۸، ۴۹۹، ۵۳۱، ۵۱۳، ۵۰۹، ۵۰۶	۴۸۹، ۴۱۶، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۳۷۵، ۳۶۷، ۳۵۷	ذوالقرنین:		
ک				

۵۳۱, ۲۹۹	منصور دوانیقی:	محمد <small>علیه السلام</small> : ۴۰, ۴۱, ۴۸, ۴۹, ۵۱, ۵۲, ۶۴, ۸۵, ۸۶,
۵۳۰, ۴۰۹, ۳۹۴, ۳۹۱, ۱۸۲, ۱۸۰	میکائیل <small>علیه السلام</small> :	۲۵۷, ۲۵۱, ۱۸۱, ۱۷۱, ۱۶۶, ۱۶۳, ۱۵۶, ۱۰۲, ۸۸,
۹۰, ۸۹, ۸۸, ۸۷, ۸۶, ۸۵, ۸۰, ۶۹, ۶	نرجس <small>علیه السلام</small> :	۳۹۰, ۳۸۹, ۳۸۶, ۳۸۴, ۳۴۱, ۳۳۴, ۳۳۲, ۲۸۸, ۲۵۸,
۵۳۰, ۴۷۷	نفس زکیه: ۱۸۲, ۳۴۷, ۳۵۸, ۳۶۵, ۳۶۶, ۳۸۸,	۵۳۰, ۵۲۸, ۵۱۹, ۴۴۸, ۴۳۴, ۴۱۹, ۴۰۴, ۳۹۸, ۳۹۷
۳۹۲, ۳۹۱, ۳۹۰, ۳۸۹	نمرود:	۵۳۱, ۲۲۰, ۲۱۶, ۲۰۸, ۱۷۸
۵۰۳, ۴۲۰, ۲۵۳, ۱۲۴	هود:	۵۳۱, ۵۱۹, ۵۱۰, ۸۹, ۸۷
۴۸۴, ۴۸۰, ۴۷۹, ۳۳۵, ۱۰۰	یا جوج:	۵۳۰, ۵۲۶, ۷۹
۳۴۰		۵۳۰, ۸۹, ۸۴
		۵۳۰, ۷۹

قبایل

۳۶۰, ۳۵۳, ۷۰	پرچم‌های سیاه:	۳۳۹, ۳۲۰, ۲۹۵, ۲۴	اسرائیل:
۳۷۱, ۳۱۷	ترك‌ها:	۳۷۰, ۳۶۹	بنی‌العباس:
۴۱۱, ۳۷۱, ۳۶۹, ۳۱۷	رومی‌ها:	۴۳۶, ۳۶۵, ۳۶۳, ۵۴, ۴۸, ۳۱	بنی‌امیه:
۴۱۸, ۳۶۴, ۳۳۸, ۸۹, ۲۹	رومیان:	۴۴۱	بنی‌تمیم:
۴۱۰, ۴۰۹, ۲۹	زیدیه:	۴۳۵, ۴۰۲	بنی‌شیبه:
۴۱۴, ۳۴۶	طایفه کلب:	۳۴۹	پرچم سرخ:
۵۳۰	قیصر روم:	۴۹۶, ۳۴۸, ۳۳۷, ۳۲۳	پرچم‌های زرد:

جنگها

۳۳۱, ۳۲۸	جنگ نهروان:	۴۷۸, ۴۱۷, ۴۰۷, ۳۹۴, ۳۳۶, ۱۸۰	جنگ بدر:
۳۴۹	دره خشک:	۳۵۴, ۳۲۴	جنگ جمل:
		۳۲۴	جنگ خلیج فارس:

اماکن

۳۸۰, ۳۷۹, ۳۶۸, ۳۳۵, ۳۳۴, ۳۳۳, ۳۳۱, ۳۳۰, ۳۲۹	بلخ:	۴۸۳, ۴۲۰, ۳۶۴, ۶	آذربایجان:
۴۸۵, ۴۸۳	بیت المقدس: ۳۲۰, ۳۳۸, ۳۵۱, ۳۶۹, ۴۱۲, ۴۱۵,	۳۷۴	ابله:
۴۸۵, ۳۴۱	بیداء: ۲۹, ۳۵, ۴۱۳, ۴۱۴	۳۳۵	انبار:
۴۸۸, ۴۸۵, ۴۳۱	ترکیه:	۴۳۲, ۴۱۹, ۴۱۸, ۴۱۷, ۴۱۶, ۲۹	انطاکیه:
۴۱۴, ۴۱۳, ۳۵۱, ۲۹, ۲۵	جاییه:	۴۳۷	اهرام مصر:
۳۷۱, ۳۵۰, ۳۳۵, ۲۳۵	جمکران: ۱۱۵, ۱۵۰, ۱۸۲, ۲۱۲, ۲۱۸, ۲۵۷, ۲۵۸,	۵۱۸, ۴۸۳	اهواز:
۳۳۶	حبه‌ش: ۲۷۰, ۲۶۷, ۲۶۶, ۲۶۰, ۲۵۹, ۴۶۷, ۴۶۴, ۳۹۸, ۲۷۱,	۵۱۸, ۴۸۳	ایران: ۶, ۱۱۹, ۱۲۵, ۱۳۲, ۲۵۶, ۲۶۷, ۲۹۵, ۳۲۰,
۲۵۸, ۲۵۷, ۲۱۸, ۲۱۲, ۱۸۲, ۱۵۰, ۱۱۵	حجرالاسود: ۹۹, ۱۸۰, ۱۸۲, ۳۹۰, ۳۹۱, ۳۹۴, ۳۹۵,	۴۸۷, ۴۷۱, ۴۷۰, ۴۶۴, ۳۵۳, ۳۵۲, ۳۴۱, ۳۳۳, ۳۲۲,	باکو:
۲۵۹, ۴۶۷, ۴۶۴, ۳۹۸, ۲۷۱, ۲۷۰, ۲۶۷, ۲۶۶, ۲۶۰, ۲۵۹	چیچون:	۶	بخارا:
۵۲۹, ۵۲۳, ۴۷۴, ۴۶۸	چین:	۳۴۱	پراثا:
۳۷۱	حبشه:	۳۷۹, ۳۳۱	بصره: ۳۲۳, ۳۲۴, ۳۲۵, ۳۲۶, ۳۲۷, ۳۲۹, ۳۴۰,
۴۱۱, ۳۶۹, ۳۵۶, ۲۹		۴۸۶, ۴۸۵, ۴۶۶, ۴۶۵, ۴۰۷, ۳۹۱, ۳۷۵, ۳۶۸, ۳۵۴	بغداد: ۷۳, ۸۲, ۸۳, ۸۴, ۱۲۹, ۱۳۱, ۱۳۳, ۱۳۵,
۴۸۵		۳۲۸, ۳۲۴, ۳۲۳, ۳۲۰, ۳۲۲, ۳۲۱, ۲۲۸, ۲۲۷, ۱۳۷	

۵۲۳، ۴۸۵		۴۹۶، ۴۷۸، ۳۹۹، ۳۹۶	
۳۹۳، ۱۷۸	کوه رضوی:	۳۵۱	حمص:
۱۶۴	کوه طور:	۳۹۵، ۳۸۰، ۳۰۷، ۲۹۸، ۲۵۸، ۱۱۶، ۹۹	خانه خدا:
۳۹۰، ۱۸۰	کوه طوی:	۴۰۲	
۳۶۴	کوه قاسیون:	۳۷۵، ۳۶۹، ۳۶۸	خسف:
۴۸۵، ۴۱۷، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۲۰، ۲۹۵، ۲۴	لبنان:	۳۳۴، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۲۸، ۱۳۸، ۱۳۷، ۱۲۸	دجله:
۱۷۹، ۱۷۸، ۱۲۱، ۱۰۷، ۱۰۴، ۷۹، ۷۸، ۶۶	مدینه:	۳۷۱، ۳۳۵	
۳۴۲، ۳۴۰، ۳۰۲، ۲۴۰، ۲۲۴، ۲۰۱، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰		۴۱۸	دریاچه طبریه:
۴۱۳، ۳۹۵، ۳۵۶، ۳۵۳، ۳۵۱، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۶، ۳۴۵		۳۴۸، ۳۴۷، ۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۱۷، ۶۶	دمشق:
۴۸۵، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۳۵، ۴۲۸، ۴۱۴		۴۳۱، ۴۱۶، ۴۱۵، ۴۱۴، ۳۷۰، ۳۶۴، ۳۵۳، ۳۵۱	
۳۷۹، ۳۶۹، ۳۳۸، ۳۲۰، ۲۹۵، ۱۰۴، ۱۰۳	مصر:	۴۸۵	ربذه:
۴۸۵، ۴۳۷، ۴۳۲، ۴۳۱، ۴۱۵		۳۱۵، ۳۱۴	رميله:
۲۵۸، ۲۴۴، ۱۸۲، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۰۷، ۱۰۴	مکه:	۴۸۳، ۴۱۴، ۳۸۰، ۳۳۴، ۳۳۳، ۳۲۴، ۳۲۳	زوراء:
۳۶۶، ۳۶۵، ۳۵۱، ۳۴۹، ۳۴۸، ۳۴۶، ۳۴۵، ۳۴۲، ۳۰۲		۵۲۳، ۲۲۱، ۱۲۸، ۹۲، ۸۸، ۸۳، ۷۹، ۷۸، ۷۲	سامرا:
۳۹۷، ۳۹۵، ۳۹۴، ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۱، ۳۹۰، ۳۸۹، ۳۸۰		۴۸۴، ۳۴۱	سرخس:
۴۷۸، ۴۶۴، ۴۳۵، ۴۱۸، ۴۱۴، ۴۱۳، ۴۱۲، ۴۰۹، ۴۰۸		۴۸۵، ۳۴۱، ۱۵۵	سمرقند:
۴۹۱، ۴۹۰، ۴۸۷، ۴۸۵، ۴۸۲، ۴۸۰		۴۱۴، ۱۳۱	سودان:
۴۳۷	موته:	۳۸۲، ۳۶۴، ۳۵۰، ۳۳۶، ۳۲۰، ۲۹۵	سوریه:
۳۷۱	نیل:	۳۳۸، ۳۳۷، ۳۳۶، ۳۲۰، ۲۹۵، ۲۱۶، ۱۱۴، ۸۸	شام:
۴۸۵، ۳۴۰	هرات:	۳۷۰، ۳۶۰، ۳۵۵، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۴۸، ۳۴۶، ۳۴۲، ۳۴۰	
۲۷۱	هندوستان:	۵۰۶، ۴۹۶، ۴۸۹، ۴۸۵، ۴۴۰، ۴۱۴، ۴۰۷، ۳۷۲	
۳۴۹، ۳۴۵	وادی یابیس:	۳۲۰، ۳۱۵، ۳۱۴، ۲۹۵، ۲۶۳، ۲۲۲، ۱۳۷، ۶۰	عراق:
۴۸۵، ۴۱۹، ۳۸۲، ۳۵۶، ۱۵۵، ۱۴۸، ۱۳۲، ۲۹	یمن:	۳۳۴، ۳۳۲، ۳۳۱، ۳۳۰، ۳۲۹، ۳۲۵، ۳۲۴، ۳۲۳، ۳۲۱	
		۳۷۵، ۳۷۴، ۳۷۱، ۳۶۹، ۳۶۸، ۳۵۱، ۳۵۰، ۳۳۶، ۳۳۵	
		۴۸۵، ۴۴۸، ۴۴۰، ۴۳۵، ۴۱۴، ۳۸۲، ۳۸۰، ۳۷۹، ۳۷۷	
		۴۹۶	
		۳۵۰، ۳۳۵، ۳۳۴، ۲۶۳، ۸۳، ۸۲، ۲۶، ۱۲	فرات:
		۳۷۹، ۳۷۲، ۳۷۱	
		۳۷۱، ۳۷۰، ۳۵۰، ۲۶	قرقیسیا:
		۴۸۴، ۳۷۷، ۳۵۶	قزوين:
		۴۳۲، ۳۵۶	قسطنطنیه:
		۱۳۸، ۱۳۷، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۲۸، ۹۱، ۷۵، ۴۰، ۶	قم:
		۲۰۸، ۲۰۴، ۲۰۰، ۱۹۲، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۷۸، ۱۵۰، ۱۴۶	
		۲۵۸، ۲۵۵، ۲۵۰، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۱، ۲۲۴، ۲۱۳، ۲۱۰	
		۴۵۸، ۳۵۲، ۳۲۳، ۳۲۲، ۳۲۱، ۲۸۹، ۲۶۷، ۲۶۰، ۲۵۹	
		۴۸۴، ۴۷۰، ۴۶۸، ۴۶۷، ۴۶۴، ۴۶۳، ۴۵۹	
		۴۱۹، ۳۵۵	کناسه:
		۲۶۷، ۲۵۸، ۲۰۷، ۱۸۲، ۱۵۵، ۱۲۹، ۱۰۷	کوفه:
		۳۵۰، ۳۴۹، ۳۳۹، ۳۳۵، ۳۳۳، ۳۲۴، ۳۱۶، ۲۶۹، ۲۶۸	
		۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۸، ۳۶۶، ۳۵۶، ۳۵۵، ۳۵۴، ۳۵۱	
		۴۱۱، ۴۱۰، ۴۰۹، ۴۰۶، ۴۰۵، ۴۰۴، ۳۹۴، ۳۷۹، ۳۷۶	
		۴۴۱، ۴۳۹، ۴۳۵، ۴۲۳، ۴۱۹، ۴۱۸، ۴۱۷، ۴۱۴، ۴۱۲	

